گزیدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

جلد دوم

واحد نشر اسناد

131

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

FREE GIFT
9164

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بسم الله الرحمن الرحيم

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

وزارت امور خارجه

شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

گزیدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

دورهٔ قاجاریه

جلد دوم

(۱۳۱۳ ــ ۱۲۷۱ هـ.ق)

واحد نشر اسناد

اهدایی خانه فرهنگ
جمهوری اسلامی ایران
دهلی نو

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران، ۱۳۶۹

KASHMIR UNIVERSITY
Allama Iqbal Library
Acc No 563092
Dated 5-2-09

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دورهٔ قاجاریه (جلد دوم)
واحد نشر اسناد
چاپ اول: ۱۳۶۹
امور فنّی چاپ: دفتر ویرایش
چاپ و صحافی: چاپخانهٔ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
تعداد: ۲ هزار جلد
تمامی حقوق محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار هفده
مقدمه نوزده

فصل اول
تاریخچهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی

۱۸۰. تاریخچهٔ سرحدی و تحدید حدود ایران و عثمانی ۳

فصل دوم
اسناد سرحدی

بخش اول: اسناد سرحدی آذربایجان ۶۷
۱۸۱. نامهٔ وزیرمختار عثمانی به میرزا آقاخان نوری ۶۷
۱۸۲. نامهٔ حشمت‌الدوله به اتابک اعظم ۷۱
۱۸۳. نامهٔ ناصرالدین شاه به وزیر امور خارجه ۷۳
۱۸۴. نامهٔ وزیرمختار عثمانی به میرزا آقاخان نوری ۷۵
۱۸۵. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به میرزا آقاخان نوری ۷۸
۱۸۶. نامهٔ ناصرالدین شاه به سپهسالار اعظم ۸۱
۱۸۷. ترجمهٔ نامهٔ اینچکوف صاحب به نواب فیروز میرزا حکمران آذربایجان ۸۳
۱۸۸. ترجمهٔ نامهٔ کفیل جنرال قونسولگری روس به فیروز میرزا ۸۷

۱۸۹. سواد جواب کاغذ درویش پاشا از طرف جناب مشیرالدوله ۹۱
۱۹۰. نامهٔ مهندس باشی به سردارکل ۹۴
۱۹۱. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت امور خارجه ۹۸
۱۹۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۱۰۰
۱۹۳. نامهٔ مشیرالدوله به ناصرالدین شاه (بلوکات چهریق) ۱۰۳
۱۹۴. سواد ترجمهٔ رسمی باب‌عالی به سفیرکبیر دولت انگلیس ۱۰۶
۱۹۵. نامهٔ میرزا صادق خان پیشکار آذربایجان به وزارت خارجه ۱۰۹
۱۹۶. نامهٔ حاکم ساوجبلاغ به وزارت خارجه ۱۱۳
۱۹۷. نامهٔ ابراهیم خان به وزارت امور خارجه ۱۱۵
۱۹۸. خلاصهٔ روزنامهٔ میرزاعلی منشی از سرحدات آذربایجان ۱۱۸
۱۹۹. عریضه‌ای از وزارت امور خارجه به ناصرالدین شاه ۱۳۴
۲۰۰. گزارشی از موقعیت جغرافیایی وزنه ۱۳۷
۲۰۱. دستورالعمل مقرب الخاقان میرزا محبعلی در تعیین حدود قطور ۱۴۰
۲۰۲. دستورات وزارت خارجه به امین نظام مأمور قطور ۱۸۲
۲۰۳. سواد یادداشت وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی ۱۸۶
۲۰۴. نامهٔ فخری بیگ سفیر عثمانی به وزارت امور خارجه ۱۹۵
۲۰۵. گزارشی در مورد قراء سیر و ساردیک ۱۹۷
۲۰۶. نامهٔ ناصرالدین شاه به وزارت امور خارجه ۲۰۲
۲۰۷. نامهٔ امیرنظام به وزارت خارجه ۲۰۴
۲۰۸. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۰۶
۲۰۹. سواد رقعهٔ دوستانهٔ وزارت خارجه به سفارت کبری عثمانی ۲۰۸
۲۱۰. ترجمهٔ آرتیکلی از روزنامهٔ «اقدام» از اسلامبول ۲۱۲
۲۱۱. سواد کاغذ درویش پاشا ۲۱۴
۲۱۲. ترجمهٔ نوشتهٔ نسلرود وزیرخارجهٔ روس به پرنس دالغورکی وزیرمختار روس مقیم طهران ۲۱۶
۲۱۳. صورت تلگرافاتی از مظفرالدین میرزا ولیعهد به میرزا علی اصغر خان امین السلطان ۲۱۹
بخش دوم: اسناد سرحدی کردستان و لرستان ۲۲۳
۲۱۴. سواد کاغذ امامقلی میرزا به وزارت امور خارجه ۲۲۳
۲۱۵. ترجمهٔ مکتوبی از احمد توفیق پاشا به کار پردازخانه ۲۲۶
۲۱۶. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۲۸
۲۱۷. نامه از سفارت اسلامبول به وزارت خارجه ۲۳۰

۲۱۸. نامهٔ کار پرداز بغداد به وزارت خارجه ۲۳۶
۲۱۹. سواد تعلیقهٔ وزارت خارجه به سفارت سنیهٔ اسلامبول ۲۴۰
۲۲۰. از سفارت اسلامبول به وزارت خارجه ۲۴۳
۲۲۱. ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول ۲۵۰
۲۲۲. جواب باب‌عالی از جانب سفارت سنیه ۲۵۳
۲۲۳. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۵۶
۲۲۴. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۲۵۹
۲۲۵. نامهٔ وزارت امور خارجه به سفارت عثمانی در طهران ۲۶۱
۲۲۶. نامهٔ وزارت خارجه به وزرای مختار روس و انگلیس ۲۶۳
۲۲۷. سواد کاغذ اسماعیل افندی به وزارت خارجه ۲۶۵
۲۲۸. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۷۲
۲۲۹. سواد تعلیقهٔ وزارت جلیلهٔ امور خارجه به سفارت سنیهٔ اسلامبول ۲۷۷
۲۳۰. سواد تعلیقهٔ وزارت خارجه به سفارت سنیهٔ اسلامبول ۲۸۳
۲۳۱. سواد عریضه‌ای از سفارت سنیهٔ اسلامبول به وزارت خارجه ۲۸۶
۲۳۲. نامهٔ کار پردازی ایران در بغداد به وزارت امور خارجه ۲۹۴
۲۳۳. جواب سفارت عثمانی توسط وزارت خارجه ۲۹۷
۲۳۴. از وزارت امور خارجه به سفیرکبیر دولت عثمانی ۳۰۰
۲۳۵. نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۳۰۳
۲۳۶. نامهٔ وزارت خارجه به معین‌الملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول ۳۰۶
۲۳۷. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۳۰۸
۲۳۸. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۳۱۵
۲۳۹. تفصیل محل موسوم به دورهٔ نظرعلی بیک ۳۱۸
۲۴۰. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۳۲۳
۲۴۱. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۳۲۵
۲۴۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۳۲۹
۲۴۳. نامهٔ سفارت کبری عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۳۳۲
۲۴۴. مراسلهٔ جوابیهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۳۳۴
۲۴۵. نامهٔ ناظم‌الدوله سفیرکبیر ایران در عثمانی به وزارت خارجه ۳۳۷
۲۴۶. نامهٔ سفارت کبرای عثمانی به وزارت خارجه ۳۴۱

بخش سوم: اسناد سرحدی خوزستان ۳۴۵
۲۴۷. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به صدراعظم میرزا آقاخان نوری ۳۴۵
۲۴۸. نامهٔ سفارت عثمانی به صدراعظم میرزا آقاخان نوری ۳۴۷
۲۴۹. نامهٔ سفارت عثمانی به صدراعظم میرزا آقاخان نوری ۳۴۹
۲۵۰. نامهٔ وزیر خارجه میرزا علی خان به ناصرالدین شاه ۳۵۱
۲۵۱. نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت امور خارجه ۳۵۳
۲۵۲. نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت امور خارجه ۳۵۶
۲۵۳. پاسخ سفارت عثمانی توسط وزارت امور خارجه ۳۵۸
۲۵۴. نامهٔ وزیرمختار انگلیس به وزارت امور خارجه ۳۶۱
۲۵۵. یادداشت وزیرمختار انگلیس به وزارت خارجه ۳۶۳
۲۵۶. یادداشت وزارت خارجه به وزیرمختار انگلیس ۳۶۵
۲۵۷. یادداشت ویلیام طیلور طامسن وزیرمختار انگلیس به وزارت خارجه ۳۶۷
۲۵۸. نامهٔ ناصرالدین شاه به وزیر امور خارجه ۳۶۹
۲۵۹. نامهٔ وزیر خارجه میرزا سعیدخان به میرزا محسن خان معین الملک
سفیر ایران در عثمانی ۳۷۱

فصل سوم

بخش اول: کمسیونهای سرحدی و دول واسطه ۳۷۹
۲۶۰. سواد تقریر مقرب الخاقان میرزا احمدخان به نظارت خارجهٔ دولت عثمانی ۳۷۹
۲۶۱. سواد شرحی است که میرزا احمدخان به وزارت امور خارجه نوشته ۳۸۲
۲۶۲. سواد شرحی است که میرزا احمدخان به وزارت امور خارجه نوشته ۳۸۴
۲۶۳. سواد مراسلهٔ فرخ خان امین الدوله به سفرای ثلاثه ۳۸۶
۲۶۴. نامهٔ مشیرالدوله به وزیر خارجه میرزا سعیدخان ۳۸۸
۲۶۵. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۳۹۰
۲۶۶. سواد یک فقره مراسلهٔ سفارت سنیه به محمدعلی خان شارژدافر لندن ۳۹۳
۲۶۷. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه ۳۹۵
۲۶۸. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه ۳۹۷
۲۶۹. نامه سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه ۳۹۹
۲۷۰. ترجمهٔ سواد مراسلهٔ ایلچی کبیر انگلیس به جناب عالی پاشا ۴۰۱

۲۷۱. سواد ترجمه شده به عبارت فرانسوی به سفرای دولتین واسطه ۴۰۳
۲۷۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۲۹
۲۷۳. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۳۲
۲۷۴. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۳۵
۲۷۵. ترجمهٔ نامهٔ وزیرمختار انگلیس در طهران به وزارت خارجه ۴۳۷
۲۷۶. ترجمهٔ نامهٔ وزیرمختار روس در طهران به وزارت خارجه ۴۴۱
۲۷۷. نامهٔ وزیرمختار روسیه در طهران به وزارت خارجه ۴۴۴
۲۷۸. نامهٔ شارژدافر انگلیس در طهران به وزارت خارجه ۴۴۶
۲۷۹. سواد تلگراف اتابک اعظم به شاهزاده امامقلی میرزا ۴۴۸
۲۸۰. نامهٔ میرزا صادق پیشکار آذربایجان به امامقلی میرزا حاکم ارومی ۴۵۰
۲۸۱. از وزارت امور خارجه به پرنس غرچکوف صدراعظم روسیه ۴۵۲
۲۸۲. نامهٔ وزارت خارجه به سفارتهای دول در طهران ۴۶۰
۲۸۳. به سفرای دولت علیهٔ ایران مقیم دربار دول متحابّه ۴۶۲
۲۸۴. یادداشت سفارت انگلیس در طهران به وزارت خارجه ۴۶۵
۲۸۵. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۶۷
۲۸۶. فهرست عرض وزارت خارجه به ناصرالدین شاه ۴۶۹
۲۸۷. دستخط ناصرالدین شاه به وزیر خارجه ۴۷۱
۲۸۸. نامهٔ وزیرمختار انگلیس و شارژدافر روس به وزارت خارجه ۴۷۳
۲۸۹. ترجمهٔ گزارشهای مسافرت لرد کورزن از روزنامه‌ها ۴۸۰
۲۹۰. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۸۸
۲۹۱. ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول ۴۹۱
۲۹۲. ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول ۴۹۳
۲۹۳. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۹۵
۲۹۴. دستورالعمل قومسیون مشترک ایران و عثمانی در سرحدات دولتین ۴۹۸
۲۹۵. نامهٔ رئیس کومیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۰۱
۲۹۶. نامهٔ اعتمادالوزاره رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۰۵
۲۹۷. نامهٔ اعتمادالوزاره رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۰۸
۲۹۸. نامهٔ اعتمادالوزاره رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۱۲
۲۹۹. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۱۴

بخش دوم: مذاکرات کمیسیون سرحدی آذربایجان ۵۱۷
۳۰۰. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۵۱۷
۳۰۱. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۵۲۰
۳۰۲. صورت دهات لاهیجان مسکن طوایف ایل بلباس ۵۲۲
۳۰۳. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۲[illegible]
۳۰۴. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۲۷
۳۰۵. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۲۹
۳۰۶. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۳۱
۳۰۷. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۳۳
۳۰۸. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۳۵
۳۰۹. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون ایران ۵۳۷
۳۱۰. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۳۸
۳۱۱. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۴۰
۳۱۲. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۴۲
۳۱۳. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۴۴
۳۱۴. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۴۶
۳۱۵. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۴۸
۳۱۶. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۴۹
۳۱۷. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۵۰
۳۱۸. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۵۳
۳۱۹. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۵۵
۳۲۰. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۵۸
۳۲۱. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۶۰
۳۲۲. نامهٔ رئیس کمیسیون عثمانی به رئیس کمیسیون ایران ۵۶۳
۳۲۳. نامهٔ رئیس کمیسیون ایران به رئیس کمیسیون عثمانی ۵۶۵

فصل چهارم

عشایر سرحدی

۳۲۴. نامهٔ محمدصادق پیشکار آذربایجان به شهبندرعثمانی ۵۷۱

۳۲۵. نامهٔ شهبندرالسید احمد حلمی به علی آقا شکاک ۵۷۳
۳۲۶. نامهٔ وزیرمختار عثمانی به وزارت امور خارجه ۵۷۶
۳۲۷. جواب وزارت خارجه به وزیرمختار عثمانی ۵۷۹
۳۲۸. جواب اسمعیل افندی شارژدافر عثمانی ۵۸۲
۳۲۹. به اسمعیل افندی شارژدافر عثمانی نوشته می شود ۵۸۴
۳۳۰. نامهٔ شارژدافر عثمانی به وزارت امور خارجه ۵۸۶
۳۳۱. نامهٔ وزارت خارجه به اسمعیل افندی شارژدافر عثمانی ۵۸۸
۳۳۲. نامهٔ وزارت خارجه به خیرالله افندی وزیرمختار دولت عثمانی ۵۹۰
۳۳۳. نامهٔ میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره به باش شهبندری دولت عثمانی ۵۹۲
۳۳۴. سواد کاغذ علی آقا شکاک به نواب معین الدوله ۵۹۵
۳۳۵. نامهٔ میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره به وزارت خارجه ۵۹۸
۳۳۶. نامهٔ میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره به وزارت خارجه ۶۰۰
۳۳۷. نامهٔ حاکم ماکو به وزارت خارجه ۶۰۲
۳۳۸. نامهٔ محمودبیک جاف به وزارت خارجه ۶۰۴
۳۳۹. نامهٔ وزارت خارجه به ناظم افندی شارژدافر عثمانی ۶۰۶
۳۴۰. صورت ترجمهٔ تلگرافی است از بغداد به باب‌عالی فرستاده شده ۶۰۸
۳۴۱. صورت تلگراف باب‌عالی به ولایت بغداد ۶۱۰
۳۴۲. سواد کاغذ میرزا عیسی خان ۶۱۲
۳۴۳. یادداشت سفارت سنیهٔ عثمانی به وزارت امور خارجه ۶۱۴
۳۴۴. سواد کاغذمرحوم حاجی فرهادمیرزای معتمدالدوله درحکومت کردستان به وزارت خارجه ۶۱۷
۳۴۵. سواد کاغذ امامقلی میرزا در حکومت کرمانشاهان به وزارت خارجه ۶۱۹
۳۴۶. صورت مذاکرات مجلس چهارم قومیسیون در تلومباباغچه‌سی بغداد ۶۲۱
۳۴۷. نامهٔ ابراهیم خان نایب الوزاره به وزارت خارجه ۶۲۶
۳۴۸. یادداشت سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۶۲۸
۳۴۹. یادداشت وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۶۳۰
۳۵۰. نامهٔ کار پردازی بغداد به وزارت خارجه ۶۳۲
۳۵۱. نامهٔ وزارت خارجه به اشرف پاشا سفیر عثمانی ۶۳۵
۳۵۲. جواب ناظم افندی شارژدافر عثمانی به وزارت خارجه ۶۳۷
۳۵۳. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت امور خارجه ۶۳۹
۳۵۴. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۶۴۲

۳۵۵. جواب سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۶۴۵
۳۵۶. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۶۴۷
۳۵۷. جواب نامهٔ سفارت عثمانی از وزارت امور خارجه ۶۴۹
۳۵۸. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت امور خارجه ۶۵۱
۳۵۹. جواب وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۶۵۳
۳۶۰. جواب سفارت عثمانی از وزارت خارجه ۶۵۵
۳۶۱. نامهٔ کار پردازخانهٔ عربستان و لرستان به وزارت خارجه ۶۵۷
۳۶۲. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۶۵۹
۳۶۳. نامهٔ وزارت خارجه به فخری بیگ سفیرکبیر دولت عثمانی ۶۶۱
۳۶۴. روزنامچهٔ وقایع سرحدیه از سلطان خان سردار کرمانشاهان ۶۶۳
۳۶۵. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۶۶۷
۳۶۶. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبری دولت علیهٔ عثمانیه ۶۶۹
۳۶۷. نامهٔ فخری بیک سفیرکبیر دولت عثمانی به وزارت خارجه ۶۷۱
۳۶۸. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبرای دولت عثمانی ۶۷۳
۳۶۹. مسودهٔ مقاوله‌نامه‌ای مابین میرزاحسین خان سپهسالار اعظم
و وزیر امور خارجه و فخری بیک افندی سفیرکبیر دولت علیهٔ عثمانی ۶۷۵
۳۷۰. ترجمهٔ تذکرهٔ ایالت بغداد که به کار پردازخانه نوشته شده ۶۸۱
۳۷۱. نامهٔ ناصرالدین شاه به وزیر خارجه ۶۸۳
۳۷۲. جواب امیرنظام به وسیلهٔ نواب ناصرالدوله ۶۸۶
۳۷۳. دستخط ناصرالدین شاه به وزیر امور خارجه ۶۹۰
۳۷۴. تلگراف امیرنظام به وزیر علوم ۶۹۲
۳۷۵. فهرست عرض وزارت خارجه به ناصرالدین شاه ۶۹۴
۳۷۶. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبری عثمانی ۶۹۷
۳۷۷. نامهٔ خلیل خالد سفیرکبیر دولت عثمانی به وزارت خارجه ۷۰۰
۳۷۸. نامهٔ صدراعظم (امین السلطان) به حاکم کرمانشاه ۷۰۳
۳۷۹. سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۷۰۵
۳۸۰. نامهٔ خلیل خالد سفیرکبیر عثمانی به وزارت خارجه ۷۰۷
۳۸۱. نامهٔ وزارت خارجه به سفیرکبیر عثمانی ۷۰۹
۳۸۲. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت امور خارجه ۷۱۱
۳۸۳. ترجمهٔ تقریر وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت کبری ۷۱۳

۳۸۴. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۷۱۵
۳۸۵. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۷۱۸
۳۸۶. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۷۲۱
۳۸۷. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۷۲۳
۳۸۸. نامهٔ مظفرالدین میرزا در مورد طایفهٔ پیران ۷۲۵
۳۸۹. نامهٔ مظفرالدین میرزا مبنی بر مهاجرت طایفهٔ پیران ۷۲۶

فصل ضمیمه

ایلات و عشایر آذربایجان غربی ۷۳۱
ایلات و عشایر کردستان ۷۳۹
ایلات و عشایر کرمانشاه (باختران) ۷۴۲
نقشه ها ۷۴۹

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

پیشگفتار

تحولات در ادوار مختلف تاریخ سرزمین کهنسال ایران، پستی و بلندی فراوانی داشته که بالطبع به اقتضای آن، مرزهای کشور نیز تغییر کرده‌اند ـــ بویژه در قرون اخیر که حدود و ثغور ممالک، من الجمله کشور عزیزمان ایران، بر طبق موازین بین المللی تحدید و تنظیم شده و منتهی به عهود و قراردادهایی گردیده است. بدون شک ابراز حسن نیت و صمیمیت و احترام متقابل به آنچه عهد و قرار شده، بر تحکیم و توسعهٔ مناسبات دوستانه و روابط همه جانبه خواهد افزود، و رعایت عهود و قراردادها و احترام به آنها علاوه بر تشنج زدایی در مناطق مختلف جهان، موجب تثبیت و تحکیم مبانی صلح بین المللی نیز خواهد گردید؛ امری که بی تردید آگاهی و شعور انسانی در آن دخیل است.

آگاهی یافتن و اطلاع از حقایق تاریخی ـــ مبتنی بر اسناد و مدارک ـــ وظیفهٔ محققان و دانش پژوهان است و ایشان با بررسی اسناد موجود، علل و چگونگی فراز و نشیبهای تاریخ کشور را بررسی می‌کنند و نتایج تحقیق خود را در معرض نظر عموم قرار می دهند. کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (دورهٔ قاجاریه)** که به همت همکاران واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه تهیه و تدوین شده، گام مهمی در روشن ساختن تاریخ این مرز و بوم است و شاید در نوع خود کاری بی سابقه و منحصر به فرد باشد. امید است که اهل تحقیق ضمن یافتن حقایق، راه آینده‌ای روشن را هموار سازند.

دو کشور بزرگ اسلامیِ ایران و عثمانی در طی قرون متمادی با داشتن مرزهای پرتلاطم و تاریخ پرتحول، متأسفانه از اقتدار و عظمت زمان خود غافل بوده و تحت تأثیر سیاستها و مطامع بیگانگان، با دامن زدن به اختلافات، موجبات

عقب‌ماندگی و تجزیهٔ خویش را فراهم کردند. چنانچه جای این کشمکشها، حسن تفاهم و مودّت برادرانه تحت لوای اسلام قرار می داشت، شاید سرنوشت دو کشور به گونه ای دیگر می بود.

٭

این جانب از زحمات بی شائبه و صادقانهٔ جناب آقای عباس ملکی معاون آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه و جناب آقای رضاحسین میرزاطاهری سر پرست گروه انتشار اسناد و جناب آقای محمدحسن کاوسی عراقی تهیه و تدوین کنندهٔ این مجموعه و دیگران تشکر می نماید و توفیق آنان را از خداوند بزرگ خواهان است.

علی اکبر ولایتی

وزیر امور خارجه

و

رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

مقدمه

پیش از توضیح مختصری در مورد مرزهای ایران و عثمانی که قسمتی از اسناد گزیدهٔ آن در این کتاب آمده است، نظری گذرا بر جغرافیای تاریخی مرزهای ایران، ضروری می نماید.

اطلاعات جغرافیایی قدیم ایران بیشتر محدود به نوشته‌های مورخان یونانی مانند هرودوت (قرن پنجم قبل از میلاد) و استرابُن و بعضی کتیبه‌های باقیمانده از آن روزگار است. بعد از انقراض دولت آشور، مادها و بابلی ها و لیدی‌ها که در نواحی غربی آسیا حکومت داشتند بتدریج تابع کورش پادشاه هخامنشی گردیدند. بسط قدرت هخامنشیان در مدتی کوتاه سرزمین وسیعی را شامل می شد که تا آن زمان بی سابقه بود. حدود کشور از سمت شمال، رود سیحون و دریای مازندران و سیاه و جبال قفقاز و از طرف جنوب، اقیانوس هند و خلیج فارس و از مشرق، رود سند بود و از مغرب به علت منازعات دائمی ایران و یونان دقیقاً مشخص نبود، ولی به حد اعتدال، دریای اژه را حدّ غربی آن زمان می توان تصور کرد. بنابراین تمامیّت ارضی و وحدت جغرافیایی کشور و تعیین حدود برای آن، بر طبق اسناد تاریخی از دورهٔ هخامنشی آغاز گردیده است.

داریوش بعد از جنگهای داخلی و توسعهٔ کشور، ایران را به سی ایالت (ساتراپی) تقسیم نمود که از شمال به ماورای سیحون و دریای مازندران و قفقاز و جنوب روسیه و از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس و از مشرق به فلات پامیر و هند و از مغرب به دریای آدریاتیک و لیبی محدود می‌گردید.

پس از انقرض سلسلهٔ هخامنشی توسط اسکندر مقدونی و فرمانروایی جانشینان او (سلوکی ها)، وسعت ایران در حال تغییر بود و هرگز به وسعت دورهٔ هخامنشیان

نرسیده است.

در دورهٔ اشکانیان وسعت مملکت حدود ثابت و معینی نداشته و پیوسته تغییر می‌کرده است، خصوصاً در مرزهای غربی که اشکانیان به امپراتوری روم درگیر بوده‌اند. لیکن بیشترین وسعت ایران در دوران عظمت اشکانی، از شمال به کوههای قفقاز و دریای مازندران و رود سیحون و از مشرق به منطقهٔ پنجاب و هندوکش و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان و از مغرب به منطقهٔ بین‌النهرین محدود می شده است.

حدود ایران در دورهٔ حکومت ساسانیان با جزئی تفاوت، همان حدود دورهٔ اشکانی است. با این تغییر که در سمت مغرب، به دلیل جنگهای متوالی با رومیان و شکست آنها، سرحد غربی به ناحیهٔ غربی بین‌النهرین یعنی صحرای سوریه رسید و رودهای دجله و فرات داخل حدود ایران شد و سرزمین یمن هم به اطاعت ایران درآمد.

ظهور اسلام و انقراض سلسلهٔ ساسانی، ایران را جزء مملکت بزرگ اسلامی که از ماراءالنهار تا شمال افریقا وسعت داشت قرار داد، لذا در این زمان نمی توان حدود معینی برای آن قائل شد.

نهضتهای استقلال طلبانهٔ ایرانیان بعد از اسلام که موجب پیدایش سلسله های صفاریان، سامانیان، آل زیار و آل بویه گردید، بتدریج موجبات تجزیه و جدایی کشور اسلامی را فراهم آورد؛ به طوری که هر یک از این حکومتها بر قسمتهایی از ایران فرمانروایی می‌کردند و نتوانستند حدود کشور را به زمان قبل از اسلام برسانند.

در دورهٔ غزنویان حدود ایران همان حدود دورهٔ صفاری و سامانی است، با این تفاوت که قسمتی از شمال و مغرب هندوستان و بخشی از نواحی عراق عجم را نیز شامل بوده است.

سلسله های سلجوقی و خوارزمشاهی و چنگیزی و تیموری از ناحیهٔ مشرق به این مرز و بوم تاختند و حدود کشور در زمان آنان همیشه متغیّر بوده و با قدرت و ضعف فاتحین از سمت غرب زمانی وسیع و گاهی محدود می شده است.

با تأسیس سلسلهٔ صفویه تحت لوای مذهب تشیع که موجب احیای استقلال کامل ایران گردید و با توجه به جنگهای متوالیی که سلاطین مزبور با همسایه های خود در شمال و مغرب داشتند، مرزهای ایران از سمت شمال به رود جیحون و دریای مازندران و کوههای قفقاز و از طرف مغرب به بین‌النهرین و از مشرق به رود سند و از جنوب به خلیج فارس محدود می شده است.

ظهور نادرشاه افشار و دلاوری‌های او موجب گردید که آرزوهای بیگانگان نقش بر آب شده و نواحی شمالی و غربی کشور از دست آنان آزاد گردد. او توانست موقتاً وسعت ایران را از سمت مشرق به زمان هخامنشی برساند و کشور عظیمی تشکیل دهد که از شمال به قفقاز و دریای مازندران و ترکستان و از جنوب به خلیج فارس و مسقط و عمان و از شرق به هند و جبال هیمالیا و از مغرب به بین‌النهرین و بغداد و موصل و دریاچهٔ وان و قارص محدود می‌گردید.

موقعیت جغرافیایی ایران و واقع شدن آن بین سه جلگهٔ حاصلخیز بین‌النهرین، پنجاب و ماوراء‌النهر باعث شده که در ادوار مختلف تاریخ، این کشور دچار تاخت و تاز و کشمکش با همسایه‌های خود شود؛ به طوری که در هیچ دوره‌ای از ادوار، حدود کشور ترتیب معینی نمی‌یافته است. تاریخ سرحدی فعلی ایران از زمان صفویه آغاز شده و بر طبق عهدنامه‌های منعقده با دول همسایه شکل گرفته است.

نظر به اینکه اسناد روابط ایران و عثمانی موضوع اصلی کتاب حاضر است، لذا صرف‌نظر از سایر مرزها، تاریخ سرحدات غربی ایران را اجمالاً مرور می‌کنیم.

تا پیش از جنگ جهانی اول (۱۸ــ۱۹۱۴) سرحدات غربی ایران تنها با کشور عثمانی مجاور بوده و پس از جنگ و تجزیهٔ متصرفات عثمانی و تأسیس دولت عراق عرب، ایران با آن کشور و ترکیه هم‌مرز گردید. اسناد و نوشته‌های قدیم چنان حکایت می‌کنند که سرحدات غربی مدتها موضوع کشمکش ایران و عثمانی بوده و هیچ گاه به طور قطع، خط سرحدی مشخص و علامت گذاری نگردیده است. از زمان شاه‌عباس اول صفوی و مبادلهٔ عهدنامهٔ اسلامبول خط مرزی به حدود سابق ارجاع شده و عهدنامه‌های بعدی سلطان مُراد چهارم و شاه صفی (شوال ۱۰۴۹ هـ. ق) نیز به علت عدم سندیت و مشکوک بودن، در این زمینه کارساز نبوده است.

عهدنامهٔ نادرشاه و سلطان محمودخان اول (شعبان ۱۱۵۹ هـ. ق) تعیین حدود را به عهود قدیمه معتبر و مربوط کرده است.

در عهدنامهٔ ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۳۳۸ مابین فتحعلی شاه قاجار و سلطان محمودخان دوم، قوت و اعتبار عهدنامهٔ ۱۱۵۹ مرعی و برقرار بوده است. بعد از این عهدنامه تا اواخر حکومت محمدشاه قاجار مذاکره و گفتگوی مهمی در مسئلهٔ حدود دولتین انجام نشد، تا زمانی که به سال ۱۲۵۳ هرات در محاصرهٔ سپاهیان ایران قرار می‌گیرد و علیرضاپاشا دست به غارت محمره (خرمشهر) می زند (رجب ۱۲۵۴) و مدعی مالکیت عثمانی بر آنجا می شود. از این تاریخ به بعد، مذاکرات سرحدی به صورت جدّی مطرح می شوَد و عدم پیشرفت مذاکرات موجب وساطت دول روس و انگلیس شده و

مقرر می‌گردد که با تشکیل کمیسیونی از مأمورین دول چهارگانه در ارزروم، به تسویهٔ دعاوی بپردازند، لذا در سال ۱۲۵۹ هـ. ق مأمورین دول چهارگانه پس از ۱۸ جلسه کمیسیون و سه سال صرف وقت، موفقیتی در تحدید حدود حاصل نمی نمایند و قرار بر این می شود که عهدنامهٔ جدیدی منعقد شود تا برطبق اصول آن عمل نمایند. بعد از مذاکرات طولانی، سرانجام در تاریخ ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۶۳ هـ. ق عهدنامهٔ دوم ارزروم در ۹ فصل مابین دولتین ایران و عثمانی در زمان محمدشاه و سلطان عبدالمجید توسط میرزاتقی خان وزیرنظام و انور افندی انعقاد می یابد.*

با ایراداتی که دولتین ایران و عثمانی نسبت به عهدنامهٔ مذکور داشتند و با فشار دول واسطه، مبادله و تصدیق عهدنامه یک سال پس از امضای آن، یعنی در ۱۵ ربیع الثانی ۱۲٦٤ هـ. ق (۱۸٤۸ م) انجام می‌گیرد. و کمیسیونهای تحدید حدود و تعیین خط مرزی در محمره (خرمشهر) و زهاب آغاز می شود.

انعقاد عهدنامهٔ ارزنة الروم تمامی اختلافات مرزی دو کشور را حل ننمود، و بر طبق مادهٔ سوم عهدنامهٔ مذکور قرار شده بود که کمیسیون مشترکی از نمایندگان ایران و عثمانی و روس و انگلیس تشکیل شود و حدود مرزی دو کشور را از ناحیهٔ آرارات تا دهانهٔ شط العرب معین کند. دول واسطه در موفقیت و شکست کار کمیسیونها نقش اساسی داشتند. میرزا جعفرخان مشیرالدوله، درویش پاشا، سرهنگ چریکف و سرهنگ ویلیامز نمایندگان دول چهارگانه در کنفرانس ارزروم بودند. پیش از تشکیل کمیسیون مزبور، عثمانی ها ناحیهٔ قطور را به علت اهمیت نظامی و استراتژیک تصرف نمودند و این مسئله خللی در کار کمیسیون وارد ساخت. علیرغم این مشکلات، کار کمیسیون از روز ۱٤ ربیع الاول ۱۲٦٦ آغاز شد و تا ذیقعدهٔ ۱۲٦۸ هـ. ق به طول انجامید. تحدید حدود و تعیین خط سرحدی با تشکیل مجالس مذاکره در محمره و زهاب به نتیجه‌ای نرسید و فعالیت کمیسیون به علل جنگهای کریمه (۷۲ــ ۱۲۷۰ هـ. ق) و جنگ ایران و انگلیس (۷۳ــ ۱۲۷۲ هـ. ق) ناتمام و متوقف ماند.

عدم موفقیت نخستین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی و گزارش موانع کار توسط سفرای انگلیس و روس (سر استراتفورد کانینگ و مستر تیتوف) در اسلامبول به دولتهای متبوع خود، موجب گردید بنا به پیشنهاد لرد پالمرستون، وزیر خارجهٔ انگلیس، کمیسیون دیگری در اسلامبول تشکیل شود و بر طبق معاهدهٔ ارزروم سرحد دولتین ایران و عثمانی را معین سازد و نقاط لاینحل و متنازع فیه را به عهده

* رجوع شود به: اسناد فصل سوم و چهارم جلد اول.

تعویق گذارد تا بعداً رفع اختلاف شود. لذا برای اجرای این مقصود از آرارات تا شط العرب توسط دول واسطه در منطقه‌ای به طول ۸۰۰ میل و به عرض ۴۰۰ میل نقشه‌برداری گردید و قرار شد چنانچه دولتین ایران و عثمانی اختلافاتی پیدا کردند، ادعاهای خود را بر روی نقشه معین و آن را به حکمیت روس و انگلیس واگذار نمایند.

کار نقشه‌برداری با توجه به مشکلات و عدم شناسایی دقیق نواحی مرزی و وجود قبایل و عشایر سرحدی که نواحی را تحت کنترل داشتند آغاز گردید و پس از مطالعات طولانی، سرانجام در سال ۱۲۸۶ هـ. ق نقشهٔ کامل شده‌ای به مقیاس ۱/۷۳۰۵۰ در ۱۴ قطعه ترسیم نمودند که یک نسخهٔ آن را به باب‌عالی و نسخهٔ دیگر را به وزارت خارجهٔ ایران فرستادند تا ادعاهای دولتین ایران و عثمانی بر روی آن مشخص شده و به دول واسطه اطلاع داده شود.

در سال ۱۲۸۶ هـ. ق (۱۸۶۹ م) قرارنامه‌ای به منظور حفظ وضع موجود و تصدیق نقشه‌های دول واسطه تا تعیین تکلیف نهایی بین مشیرالدوله، وزیرمختار ایران در اسلامبول، و عالی‌پاشا، وزیر خارجهٔ عثمانی، منعقد گردید.

دومین کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی در سال ۱۲۹۲ هـ. ق (۱۸۷۵ م) بر اساس توافق طرفین بر نقشهٔ سال ۱۲۸۶ هـ. ق تشکیل شد. مسئلهٔ مکان کمیسیون، بیماری نمایندهٔ ایران و عدم حسن‌نیّت درویش‌پاشا از مشکلات کار این کمیسیون بود تا اینکه مداخلهٔ مأمورین دول واسطه بر مبنای عهدنامهٔ ارزروم، اساس مذاکرات قرار گرفت. کار این کمیسیون هم به علت شروع جنگهای بالکان به جایی نرسید و دعاوی دولتین به حال سابق باقی ماند و طرفین در فرصتهای مناسب به خاک یکدیگر تجاوز می نمودند.

تحدید حدود ایران و عثمانی در این مقطع تاریخی علاوه بر مشکلات و موانعی که مذکور افتاد، دارای دو نکتهٔ حائز اهمیت و استراتژیکی است، یکی مسئلهٔ قطور که قبلاً اشاره شد و سرانجام مطابق معاهدهٔ برلن (۱۸۷۸ م) بعد از جنگهای روس و عثمانی و بر طبق مادهٔ ۶۰ پیمان مذکور، قطور به تصرف ایران درآمد. دیگر مسئلهٔ خوزستان و اعمال سیاست استعماری دولت انگلیس در این ناحیه بود. توضیح آنکه بعد از قتل نادرشاه احمدخان ابدالی، یکی از سرداران وی توانست بر کابل و هرات و سایر نواحی افغانستان مسلط شده و مقدمات جدایی این سرزمین را از ایران فراهم آورد. هرات و سرزمین افغانستان از دیرباز جزء سرزمین ایران و از جملهٔ خراج گزاران آن تلقی می شد و جانشینان احمدخان هم از شاهان قاجار اطاعت

می‌کردند تا اینکه در سال ۱۲۴۹ هـ. ق که حکومت خراسان به عهدهٔ محمدمیرزا بود، به علت تمرد حکمرانان این ناحیه، هرات تحت محاصرهٔ قوای ایران قرار گرفت و مرگ عباس‌میرزا کار محاصره را ناتمام گذارد و به مصالحه کشاند.

در هنگام سلطنت محمدشاه، هرات برای دومین بار به سال ۱۲۵۳ هـ. ق به تصرف قوای ایران درآمد. نظر به اینکه انگلیسی ها از دست یافتن ایران بر هرات که معبر هندوستان است رضایتی نداشتند، با مساعدت مالی و نظامی به حاکم هرات و برخلاف معاهدهٔ ۱۲۳۰ هـ. ق (۱۸۱۴م) ایران و انگلیس، ناوهای جنگی خود را به جزیرهٔ خارک گسیل داشته و محمدشاه را مجبور به ترک محاصرهٔ هرات نمودند. به این ترتیب عملاً نفوذ سیاست انگلستان در افغانستان توسعه یافت و بتدریج قسمتهای شرقی ایران از زمان محمدشاه از تصرف ایران خارج شد.

آخرین محاصرهٔ هرات در زمان ناصرالدین شاه انجام شد و سلطان مردا میرزای حسام‌السلطنه حاکم خراسان آن شهر را محاصره کرد و سرانجام هرات در صفر ۱۲۷۳ هـ. ق به دست سپاهیان ایران فتح شد و نفوذ و تسلط دوبارهٔ ایران بر افغانستان را مسجّل ساخت.

انگلیسی ها که تصرف هرات را مخالف منافع و سیاست خود در هندوستان می دیدند با مساعدتهای نظامی و مالی به دوست محمدخان، او را علیه ایران تجهیز و مجدداً قوای دریایی خود را وارد خلیج فارس نمودند. نیروی انگلیس جزیرهٔ خارک و بوشهر را تصرف کرده، وارد خوزستان شدند. خانلرمیرزا حاکم خوزستان با همراهی شیخ جابرخان رئیس قبایل کعب با قوای انگلیسی مقابله نمود، ولی به علت مرعوب شدن خانلرمیرزا، نیروهای انگلیسی محمره (خرمشهر) را به تصرف درآوردند و تا اهواز پیش رفتند.

دولت عثمانی به تصور واگذاری محمره (خرمشهر) از طرف انگلیسی ها از همکاری و مساعدت با آنها مضایقه ننمود، اما قبل از توافق انگلیس و عثمانی در این مورد، سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به تخلیهٔ هرات گردید و بر طبق عهدنامهٔ پاریس در چهارم مارس ۱۸۵۷ (رجب ۱۲۷۳ هـ. ق) ایران استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت بدین ترتیب نقشهٔ تجزیهٔ خوزستان توسط انگلیسی ها در مقابل مسئلهٔ هرات و افغانستان عقیم ماند. ناصرالدین شاه هم به پاس خدمات شیخ جابر، حکومت محمره را با درجهٔ سرتیپی به انضمام ریاست قبیلهٔ باوی به وی واگذار نمود که بعدها به پسرش شیخ خزعل رسید.

ایلات و عشایر مرزی ایران و عثمانی

خطوط مرزی ایران و عثمانی مسکن ایلات و عشایر متعددی است که به همین مناسبت در تاریخ دولتین، فصول عمده‌ای به مسائل آنان اختصاص یافته و بسیاری از معاهدات و قراردادهای منعقده و اسناد و مکاتبات و کمیسیونهای سرحدی مربوط به حل و فصل دعاوی و حقوق آنان می‌شده است، که برگزیدهٔ قسمتی از آن اسناد مبحثی از این کتاب است.

«ایل» کلمه‌ای ترکی و به معنی طایفه است و از زمان استیلای مغولان در ایران متداول شده و اصطلاحاً به جماعتی گفته می‌شود که زندگی ثابتی ندارند و به ییلاق و قشلاق می‌روند و زندگانی آنان در چادر و عمدهٔ دارایی آنها اغنام و احشام است که همواره با خود کوچ می‌دهند. صنایع آنها منحصر به صنایع دستی نظیر قالی، گلیم و جاجیم‌بافی است و هر کس احشام و نیروی کار بیشتری داشته باشد متمولتر است. زندگانی اهالی ایل بسیار ساده است و معمولاً از یک رئیس به نام ایلخانی یا ایل‌بیگی اطاعت می‌کنند که ریاست او موروثی است.

این قبیل طوایف از زمانهای بسیار دور در ایران وجود داشته‌اند و گذشته از چند ایل مهم مانند کُرد، لر، بختیاری، زنگنه و زند که در اصل ایرانی هستند، بقیه از غرب و شرق به ایران آمده و با تیره‌های دیگر ایرانی اختلاط و امتزاج پیدا نموده و اهلیت و اصلیت ایرانی پیدا کرده‌اند.

نظر به اینکه قسمتی از اسناد کتاب حاضر مربوط به عشایر سرحدی است، به توضیح اجمالی بعضی از ایلات مهم سرحد در این مختصر قناعت شده، و اطلاعات بیشتر در این مورد، در جدول ضمیمهٔ کتاب آمده است.

۱. کردها: کردها از مهمترین ایلات ایران‌اند که در مناطق وسیعی از شمال غرب و غرب از جنوب ماکو تا شمال لرستان و قسمتی از خوزستان ساکن‌اند و به طوایف معتبر مکری، گوران، کلهر، سنجابی، قبادی، زعفرانلو و شادلو تقسیم می‌شوند. ایلات کرد را به علت تفاوتی که در مناطق مختلف جغرافیایی دارند، به دو دستهٔ مهم می‌توان تقسیم نمود: اول ایلات کرد آذربایجان، و دوم ایلات کرد نواحی کردستان و کرمانشاهان.

ایلات مهم دستهٔ اول از شمال به جنوب عبارت‌اند از: جلالی در اطراف ماکو و کوه آرارات، میلان در خوی، ثلاث در شمال سلماس، شکاک در جنوب سلماس و نواحی مرزی شیپران و صومای و برادوست*، بیک‌زادگان و طایفهٔ بلباس

* اسماعیل آقا معروف به سمیتقو از ایل شکاک و رئیس طایفهٔ عبدوی بود.

در مرگور و ارومیه، قره‌پاپاق در جنوب نقده، هرکی و هرتوشی در ناحیهٔ ترگور، منگور در مهاباد، و حیدرانلو در چالدران و قتور.

ایلات دستهٔ دوم در منطقهٔ کردستان و کرمانشاهان، شاملِ ایلات ناحیهٔ سقز و طوایف اطراف مریوان، اورامان، دیوان‌دره، سنه (سنندج)، کامیاران، جوانرود کرمانشاه، احمدوند سُنقرکلیائی و گوران قلخانی، ایل سنجابی، ایل کلهر و طوایف پشتکوه می باشند.

ایلات کرد در کردستان بیشتر در غرب سنندج تا کرمانشاهان و قصرشیرین متمرکزند و معروفترین آنها ایلات سنجابی و گوران، باباخانی، فتح‌علی بیگی و کماسی هستند.

در سقز و بانه و سردشت ایلاتی هستند که ایل جاف در بخش جنوبی آن است.

۲. لُرها: لرها بیشتر در غرب سلسله جبال زاگرس در منطقهٔ جنوبی کردستان اقامت دارند. برخی از جغرافیدانان مانند ابن‌بلخی و اصطخری، لرها را از طوایف کرد دانسته‌اند با این تفاوت که لرها پیرو مذهب تشیع هستند.

ایلات و طوایف معروف لُر عبارت‌اند از: کاکاوند، ملک‌شاهی، پیران‌وند، یوسف‌وند و کبیرکوهی که در پشتکوه سکونت دارند و سگوند، فولادوند، عیسوند، حاجی‌وند، و... که در جنوب و مغرب بروجرد ساکن هستند.

۳. ایلات عرب‌زبان: ایلات عرب‌زبان که معمولاً در کنارهٔ خلیج فارس و خوزستان سکونت دارند، از ایلات و قبایل متعددی تشکیل می شوند که مهمترین آنها عبارت‌اند از: بنی کعب، بنی طرف، آل‌خمیس، آل‌حمید، آل کثیر، آل‌ضیغم، بنی صالح، بنی عجربش، بنی حروان، بنی قاطع، بنی مالک، بنی تمیم و طایفهٔ صابیان؛ و ازین میان سابقهٔ تاریخی بنی کعب از دیگران بیشتر است و احتمالاً از حدود سه قرن پیش در خوزستان ساکن شده‌اند.

*

کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی** (دورهٔ قاجاریه) که با استعانت خداوند متعال جلد دوم آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، مشتمل بر اسناد است متعلق به سالهای ۱۲۷۱ تا ۱۳۱۳ هجری قمری که عمدتاً مربوط به دورهٔ ناصرالدین شاه می باشد و حاوی ۲۱۰ سند تاریخی است.

کتاب حاضر در چهار فصل و یک فصل ضمیمه به شرح زیر تهیه و تدوین گردیده است:

فصل اول، شامل یک سند تاریخی در مورد تاریخچهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی است که ناظم الملک* به سال ۱۲۹۶ هجری قمری آن را در تهران نوشته که متأسفانه ناقص است و دنبالهٔ آن تاکنون پیدا نشده.

فصل دوم، حاوی ۷۹ سند مهم و تاریخی در امور سرحدی است که در سه بخش «اسناد سرحدی آذربایجان»، «کردستان و لرستان» و «خوزستان» تهیه و تنظیم شده است.

فصل سوم، اسناد کمیسیونهای سرحدی را شامل می‌شود که در دو بخش «کمیسیونهای سرحدی و دول واسطه» و «مذاکرات کمیسیون سرحدی آذربایجان» و امور عشایر تنظیم یافته و حاوی ٦٤ سند تاریخی است.

فصل چهارم، شامل برگزیده‌ای از اسناد مربوط به عشایر مرزی و تجاوزات آنها و مکاتبات سران دو کشور دربارهٔ آنان با ٦٦ سند تاریخی است.

فصل ضمیمه، شامل ٦ قطعه نقشه از مناطق جغرافیایی ایران در سرحدات غرب و نقشهٔ خطوط مرزهای غربی ایران و صورت اسامی طوایف و تیره‌های ایلات و عشایر ایران در نواحی مرزی است.**

*

این کتاب در سایه کوشش و فعالیت افراد زیر تهیه و تنظیم شده است:

۱. آقای رضاحسین میرزاطاهری عضو شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد و سرپرست واحد نشر اسناد که در کار مدیریت و تکمیل این مجموعه نظارت داشته اند.

۲. آقای محمدحسن کاوسی عراقی که کار تحقیق و برنامه‌ریزی و اجرای مراحل تهیه و بازخوانی اسناد و تقریر و تنظیم و تدوین کتاب را به عهده داشته اند.

۳. آقای امیرحسین اکبر که در کارهای کپی برداری و بازخوانی اسناد مجدانه کوشیده اند.

٤. خانم فریبا شعبانی نصر که امور هماهنگی و کنترل را با صمیمیت عهده دار بوده اند.

* میرزا محبعلی خان ناظم الملک، مأمور کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی در اسلامبول به سال ۱۲۷۳ هـ. ق.

** اقتباس از: مسعود کیهان، **جغرافیای مفصل سیاسی ایران**، (تهران، ۱۳۱۱)؛ ربیع بدیعی، **جغرافیای مفصل ایران**، ج ۲، (تهران، ۱۳٦۱)؛ محمدعلی مخبر، **مرزهای ایران**، (تهران ۱۳۲٤).

۵. خانم خدیجه افخمی روحانی که کارهای تایپی این مجموعه را با نهایت علاقه‌مندی انجام داده‌اند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

واحد نشر اسناد

اسفندماه ۱۳۶۸

فصل ۱

تاریخچهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

شمارهٔ سند: ۱۸۰
موضوع: تاریخ تحدید حدود
تاریخ: ۱۲۹۶ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

خلاصهٔ تاریخ حدود ایران و عثمانی

بسم الله خیرالاسماء

معلوم، در باب وقوف معاملات دولیه است که مسئلهٔ حدود مابین دو دولت امر عمده و مهمی است که لامحاله باید مبتنی به عهدنامه بوده باشد و بس. مسئلهٔ حدود مابین ایران و عثمانی هم از این مقوله است. زیرا شاه اسماعیل اول صفوی که اولین پادشاه صفویه است، پس از فتح خراسان و ترکستان و آذربایجان و سایر در سنهٔ ۹۱۴ یا ۹۱۶ خط بغداد را که در تصرف منغلبه بود، تصرف نمود در حالتی که هنوز حدود عثمانیه اغلبی همان حدود مقررهٔ امیرتیموری بود و از آمد و سیواس و کماخ به این طرف نگذشته بودند.

بعد سلطان سلیمان بن سلطان سلیم عثمانی که فرنگستان از سطوت او در تشویش بود، در عهد شاه طهماسب اول صفوی (یابرای تکمیل نتایج محاربه والد خود با شاه اسمعیل اول صفوی یا به سبب اینکه شاه طهماسب اول صفوی را فرنگی ها به تلافی جنگ پدر خود برخیزانند که وسیلهٔ برگشتن سلطان سلیمان در محاصره و یا نه پایتخت اوستریا به هر علتی بود که) با ایران آغاز محاربه نموده پس از محاربات طولانی در سنهٔ ۹۴۰ هجری بغداد را از تصرف ایران بیرون آورد، خود متصرف شد و تا اوایل ۹۶۹ محاربه در میان دولتین ممتد بود، به قراری که از سواد نامجات متبادلهٔ طرفین مندرجه در مجموعهٔ منشآت فریدون بیگ معلوم می شود در اوایل ۹۶۹ مصالحه کرده، الصلح خیر ماده تاریخ آن گردید. ولی باز در حق بعضی مواد سرحدیه خالی از مباحثه نبودند. تا اینکه سلطان بایزید پسر سلطان سلیمان با دوازده هزار سوار فراراً به ایران آمده مظهر حمایت شاه طهماسب اوّل و موجب تزاید تردّد سفرای جانبین برای شفاعت بایزید گردید و بالاخره چنانکه از نامجات متبادله مندرجه در مجموعه منشآت فریدون بیگ مشهود می شود در سنهٔ ۹۷۱ سبب ردّ بایزید به سلطان سلیمان به شرطی که جان او محفوظ و مأمون باشد و اخذ

قریب دو کُرور نیم تومان و تعهد تفویض قارص به ایران به کلی رفع مشاجرات طرفین شده، قرارتیی دادند که طرفین به خاک یکدیگر تجاوز نکنند. و این اوّلین معاهد بود که در حق حدود مابین ایران و عثمانی به طور استاتوقو [استاتوس کو] منعقد شد. تا این دو پادشاه حیات داشتند به کمال دوستی راه رفتند.

ولی پس از فوت ایشان باز محاربه شروع شده، تقریباً از سنهٔ ۹۸۵ به بعد تا ۹۹۶ در عهد شاه اسمعیل ثانی و سلطان محمد صفوی و اوایل شاه عباس اول، محاربهٔ مزبوره امتداد داشت و اغلب ممالک ایران اعمّ از کرمانشاهان و کردستان و آذربایجان از اخسقه تا تبریز به تصرف عثمانیه گذشت. شاه عباس اول که دوازده‌ساله بود و با حیات پدر دو سالی به اجازت پدر جلوس کرده بود، ملاحظه نمود که از یک طرف عثمانیه کرمانشاهان و کردستان و آذربایجان را تا تبریز تصرف کرده‌اند، و از طرف دیگر آذربیکها (ازبکها) ملک هرات و خراسان و سایر را تا شاهرود متصرف گردیده. و از طرف دیگر میان امرا و چاکران دربار ایران که هر یکی یک نفر از شاهزادگان را لله و مربّی بودند نفاق کلی به هم رسید، و حتی به دست‌آویز شاهزاده که در دست داشتند، در تمرد حکم پادشاه نیز عادی شده‌اند برای اصلاح این سه محذور خطرناک اصلاح محذور قوی‌تر را مقدم داشته، عجالتاً معاهدهٔ اضطراری با عثمانیه منعقد نموده، تمامی اراضی و ایالات ایران که به تصرف عثمانیه گذشته بود حتی تبریز و مراغه و سایر در تصرف عثمانیه مانده، برادرزادهٔ خود حیدرمیرزا را که طفل صغیر بود در سنهٔ ۹۹۸ به اتفاق مهدیقلیخان چاپشلو به سمت معاهدت مخصوصه و حسن تنظیم امور داخله، از طرف خود روانهٔ اسلامبول نمود و این معاهده، معاهدهٔ دویم بود که گویا تقریباً در ۹۹۶ مابین ایران و عثمانی اضطراراً و موقّتاً منعقد گردید.

و بعد برای سلب قدرت امرا و رفع تعصب اویماقات شاهسون کرده و بیدقی از طرف خود نصب و مردم اویماقات رابه‌زیربیدق پادشاهی و ترک تعصب اویماقی دعوت نمود که هر کس شاه‌پرست و دوستدار مرشد کامل است به‌زیر بیدق پادشاهی جمع و مطیع حکم پادشاه بشود. بدین‌وسیله تمامی اویماقات به‌هم خورده، شوکت امرا بکلی شکسته هر گوشه تنبیهی که در حق هر یک مقصود پادشاه بود به عمل آورده. امر نوکر و داخله را کاملاً منظم نمود، به برکت این تمهید ملوکانه تجهیز سفر خراسان نموده. اُوزبکیه را از خاک ایران بیرون و تا حدود خوارزم و بخارا تمامی ملک خراسان و سایر را آسوده

و مأمون نموده، تسلط کلی در خوارزم نیز به هم رسانیده به اصفهان معاودت کرد، و هنوز از زحمات سفر خراسان آسوده و تجهیز سفر آذربایجان و محاربهٔ عثمانیه را تمهید نکرده بود که خان ابدال یک پسر غازبیک کرد سلماس از مظالم عثمانیه به تظلم وارد اصفهان شده پادشاه به تحریص او عزم سفر آذربایجان نموده به ایلغار سه روزه از اصفهان به واسمنج سه فرسخی تبریز رسید. که شاید هنوز عثمانیه واقف نگشته، داخل قلعهٔ تبریز شود که عثمانی ها برای مسکن قشون خود ساخته روزها در شهر به اهالی محشور و به مناسبت وصلتها و قرابتها که به علت امتداد ایام توقف تبریز با اهالی به هم رسانیده بودند مشغول مراوده و اظهار خصوصیت می شدند، شبها به قلعه می رفتند پادشاه به انتظار وصول عقب ماندهٔ ایلغاریان در واسمنج اندک مکث کرده، ملتفت شد که مردم شاه را شناخته اند برای اینکه مبادا خبر به تبریز رسد فوراً از آنجا حرکت کرد. روانهٔ تبریز شد.

مع هذا محض وصول شاه به خیراتی که مبدأ خیابان تبریز است آوازه وصول شاه به بازار تبریز رسیده هرچه عثمانیه در شهر بود، داخل قلعه شده دروازه ها را بستند چون حکمت خداوندی اسباب غلبه و فتح و نصرت شاه را به بهتر وجهی ترتیب می فرمود معلوم شاه شد. قشون عثمانیه که به سرقلعهٔ غازی بیگ رفته و غازی بیگ در حالت محصوری پسر خود را از قلعه به پایین انداخته متظلماً به اصفهان رفته بود هنوز از سرقلعه برنگشته مشغول محاصره اند. علی هذا پادشاه از تبریز رو به قلعهٔ غازی بیگ حرکت نمود که قشون عثمانی هنوز واقف نگشته دست به روی آنها بزند در حالتی که قشون مزبور قلعه را کوبیده و جوقی را که از قشون نخجوان به کمک خود آورده بودند با راه مرند مرخص نخجوان نموده علی پاشا سردارکل با جمعی از پاشایان و قشون مأمور به توقف تبریز رو به تبریز می آورند. در صحرای خواجه میرجان سه فرسخی تبریز شاه به آنها رسیده با حملات متواتره قشون عثمانی را ازهم پاشید و علی پاشا سردارکل و جمعی از پاشایان دیگر را زنده دستگیر کرده، با فتح نمایان مراجعت به تبریز نموده، این قضیه که گویا در ربیع الثانی ۱۰۱۲ اتفاق افتاد مجدداً سبب افتتاح ابواب محاربات مابین ایران و عثمانی گردیده با اینکه بارها مصالحه کرده حتی در یکی قرار به تحدید حدود هم داده از طرف آذربایجان. امیر گونه خان قاجار سردار ایروان از جانب ایران و محمدپاشا تکلو والی وان از جانب عثمانیه و همچنین از طرف بغداد محمودپاشا ولد چغال اوغلی معروف به سنان پاشا از جانب عثمانیه مهدیقلی بیگ جغتائی امیرآخور پادشاهی از طرف ایران

مأمور به تحدید حدود گردیده مأمورین سمت آذربایجان حدود را معین و نصب علایم نموده و سجلّهای معتبر به مهر رؤسای قابل و حکام محلیه و مأمورین جانبین به یکدیگر دادند. ولی در طرف بغداد قرین حُسن انجام نگشته جالب، محاربه به آن سمتها گردیده، آخراً بغداد نیز تقریباً در شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۳۲ به تصرف شاه عباس رسید تا آن مرحوم حیات داشت محاربه مثمر بود و عهدنامهٔ پاداری در میانه منعقد نگردیده، بدین سبب محاربه تا عهد شاه‌صفی کشیده اخراً در سنه ۱۰۴۹ سبب گذشتن بغداد به تصرف سلطان مراد رابع قرار به مصالحه شد، محاربه متروک گردید.

امّا تفصیل معاهده که مابین شاه‌صفی و سلطان مراد رابع گذشته است، اگرچه نسخهٔ صحیحی از آن در هیچ یک از دولتین باقی نمانده است. ولی به قراری که از سواد نامجات متبادله دولتین که در مجموعه منشآت فریدون‌بیگ مندرج است چنین معلوم می‌شود که قشون عثمانیه پس از فتح بغداد و انتزاع آن از تصرف گماشتگان شاه‌صفی رو به زهاب و کرمانشاهان می‌آمدند و شاه‌صفی هم به موجب نامجات مخصوصه با سلطان مراد رابع گفتگوی مصالحه داشته و قرارداده بوده‌اند حدود سلطان سلیمانی اساس داده، حدود دولتین بوده طی گفتگو بشود. در وصول قشون عثمانی به نزدیک زهاب ساروخان سفیر شاه‌صفی وارد اردوی عثمانیه شده، عهدنامه را منعقد و امضا می‌نماید و در ضمن معاهده قرار می‌دهند که در سمت بغداد آخر جسان [جصان] و باورائی و قصبهٔ مندلیج به عثمانیه واگذار شود. و کوهی که در پهلوی قصبهٔ مندلیج است به ایران مانده صحاری واقعه فی مابین مندلیج و درتنگ و همچنین درنه‌دود درتنگ به عثمانیه واگذار شده سرمیل کرند سنور درتنگ بشود، و شهر زور و قزلجه به عثمانیه بماند و در سمت آذربایجان قلعهٔ قتور و ماکو و مغارنرد از طرفین تخریب شود، این عهدنامه عهدنامهٔ سیم است که بین الدولتین در ۱۰۴۹ هجری منعقد و معروف به معاهدهٔ سلطان مراد رابع گردیده. تا ظهور طغیان افاغنه در ایران یع نی تا سنه ۱۱۳۰ باعث آسودگی طرفین و رفع مصایب محاربات بود. این نکته هم نباید پوشیده بماند که چون اساس معاهدهٔ مزبوره در حق حدود به موجب نامجات طرفین عبارت از حدود سلطان سلیمانی بوده و هنگام انعقاد معاهدهٔ سلطان مردای سبب قُرب زمان همهٔ نقاط حدود سلطان سلیمانی معروف طرفین و اهالی جانبین بوده است. به همین جهت است که در ضمن معاهدهٔ مزبوره اسمی از اغلب جای حدود دولتین ذکر نشده، ولی در معنی به ملاحظهٔ اساس مزبور محوّل به

حدود سلطان سلیمانی و همهٔ نقاط مزبوره معلوم طرفین بوده است. بالجمله در سنهٔ ۱۱۳۵ افاغنه اصفهان را تصرف و شاه سلطان حسین مرحوم را با تمامی اولاد (غیر از شاه طهماسب ثانی که در خارج به جمع اعوان و انصار مشغول بود) شهید کردند و به سبب تصادف این حادثهٔ بی‌رحمانه با آخر (آخر ماه محرم) مادهٔ تاریخ آن شد عثمانیه هم به طمع افتاده عهدنامهٔ سلطان مراد را منسوخ گرفته حمله به حدود ایران آورده، به قراری که در تواریخ عثمانیه دیده‌ام باطناً با روسیه عهدی بسته آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان و قدری از همدان را در میان خودشان قسمت کرده یک پسته را در قرب اردبیل ملتقای حدود طرفین قرار داده به خط مستقیم به سمت همدان برده مغرب آن خط را که تبریز و مراغه و ارومیه هم داخل آن بود، به سهم عثمانیه منظور و خط دیگر به سمت رودخانه کُر و ارس برده جانب مشرق آن با سواحل غربی بحر خضر [خزر] به سهم روسیه منظور داشته به همین زمینه به ضبط ممالک مزبوره پرداخته تصرف نمودند. ولی روسیه به مناسبت اینکه شاه طهماسب ثانی از آنها برای دفع افغان و عثمانی استمداد کرده گویا تسلیم گیلانات را هم به روسیه وعده کرده بود و ایالات مزبوره را به عنوان اینکه منظورشان کمک است ضبط نمود و عثمانیه به قهر و غلبه و استمالت بعضی اهالی پیش آمدند در این بین افاغنه در قرب همدان با عثمانیه شاه طهماسب را شکست داده جری شده بودند. مصاف داده عثمانیه را مغلوب و بیست و دو عراده توپ عثمانیه را با بعضی ادوات اردوی آنها ضبط کرده، افاغنه برای اخذ نتیجه فتح خود و عثمانیه برای جبر شکست خویش بنای مصالحه گذاشته و در تاریخ ۱۱۴۰ عهدنامه منعقد نموده به قراری که در ضمن مذاکرات مجالس آینده در اسلامبول قرارنامهٔ مزبور با مأمور عثمانی ابراز و قرائت نموده معلوم شد که در ضمن معاهدهٔ مزبوره عثمانیه با اشرف افغان قرار داده بودند که چون والی حویزه مرد شرور و مفسد است و در سرحد غالباً مصدر شرارت و ناامنی است دولت عثمانی هر وقت به تأدیب او و ضبط حویزه اقدام کند از طرف افاغنه ممانعتی نشود. این معاهده قرارنامه بود که فی‌مابین دو غاصب در حق ممالک ایران منعقد و به صحابت تقی‌خان معروف برای مبادله به اسلامبول فرستاده شد. تقی‌خان همان است که در عهد نادرشاه با جواب عهدنامهٔ اشرف بعد از مقهوری و مفقودی اشرف افغان از اسلامبول مراجعت و تسلیم نادرشاه نموده، نادرشاه هم او را به نوکری خود اختیار کرده گاهی حکومت عربستان و چندین بار حکومت فارس داده، در هر یکی خیانت کرد. ولی چون مرد کافی و کاری

بود نادرشاه به اندک گوشمالی باز بر سر شغل خودش برقرار می نمود.

نظر به تفاصیل مزبوره ایالات مقومه و مغصوبهٔ ایران خاصه ایالات مغصوبهٔ آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان بدبختانه از بدو ظهور طغیان افاغنه تا مزید تسلط نادرشاهی یعنی از سال ۱۱۳۵ تا حوالی ۱۱۵۰ قریب پانزده سال در ید غصب عثمانی باقی مانده سهل است بعد از آن نیز اغلب نقاط مزبوره تا استقرار عهدنامهٔ نادرشاهی عرصه محاربات جانبین گردید. مقصود اصلی نادرشاه چنین بود که حدود امیرتیموری در میان دولتین مقرر بوده نقاضت شیعه و سُنی هم از میانه برداشته شده مذهب جعفری یکی از مذاهب مسلّمه اسلام معدود گشته، مذاهب اربعه مذاهب خمسه بشود. ولی نفاق داخلهٔ اهالی ایران که در هر سفری موجب ظهور بعض اختلالات و اغتشاشات داخله می شد او را از این صرافت انداخته و بر وفق تکلیف عثمانیه راضی شد که حدود سلطان مرادی برقرار شود. در این باب نیز به علت مجهول بودن نقاط سرحدیه راجعه به عهدنامهٔ سلطان مردای در ادخال این ماده به معاهدهٔ خودداری کرده اراضی و دهات واقعه در قرب حدود را بر وفق معاهدهٔ سلطان مرادی از دولت عثمانیه استفسار کرده از طرف باب عالی اسامی نقاط مزبوره در ضمن سیاهه مفصلی به صحابت علی پاشای کنج (یعنی جوان) که عثمانیه گنج علی پاشا می‌گفتند برای نادر فرستاده شده، موافق آن در تاریخ ۱۱۵۹ هجری به عقد عهدنامهٔ موافقت و قرار حدود را مربوط به معاهدهٔ سلطان مرادی نموده تصدیق‌نامهٔ خود را با چند زنجیر فیل با بعض هدایای نفیسه و جواهراتی که از هند آورده بود به صحابت مصطفی قلی‌خان (که گویا سلک منشی بوده) و به قراری که عثمانیه ضبط کرده‌اند میرزا مهدی‌خان نادری هم در جزو صاحبمنصبان بصحابت او بوده‌است روانهٔ اسلامبول ساخته نزدیک بود که ممالک سرحدیهٔ ایران بدین‌وسیله امن و آرامی حاصل کند. ولی هنوز مصطفی قلی‌خان برنگشته نادرشاه مقتول و نایرهٔ محاربات داخلی مابین اولاد نادرشاه مغفور و سایر مشتعل گردید و سفیر عثمانی که در مراجعت مصطفی قلی‌خان به همراهی او با قریب ۸۰ هزار تومان هدایا و جواهرات به حضور نادرشاه مأمور شده بود تا دو سال در بغداد منتظر و از حصول امنیت ایران مأیوس گشته به اجازت دولت عثمانی با هدایا که همراه داشت مراجعت به اسلامبول نمود اغتشاش ایران به جایی رسید که مصطفی قلی‌خان از اقامت بغداد دلتنگ و به‌خیال جاهلانه داوطلب شد که عثمانیه جمعی به او بدهد ایالات کرمانشاهان و سایر را به‌دست‌آویز محمدحسین میرزا

به اینکه از سلسلهٔ صفویه در بغداد بوده است برای عثمانیه ضبط و تصرف کند. دولت عثمانی باطناً به والی بغداد نوشته که او را ملامت و نصیحت کرده مانع حرکت او بشود حتی از برکت اقداماتی که از وجود نادری مشاهده کرده بودند. به تمامی حکام سرحدیه خود قدغن اکید نمودند که هرگز تخطی به‌حدود ایران نکنند و در قرب حدود ایران نیز از حرکات عسکریه خاصه در اربیل که کوه آن ملاصق سنور قزل‌باش است کف ید نمایند تا پادشاه مستقلی از میانه ظهور کند، بعد از آنکه اغتشاش ممتد شد و سلطان مقتدری ظهور نکرد عثمانیه باز در بعضی جاها مبادرت به تخطی نمودند.

بالجمله عهدنامهٔ نادری در معنی عهدنامهٔ چهارم بود که مابین ایران و عثمانی منعقد شد و عهدنامهٔ دویم بود که مادهٔ حدود آن مربوط به حدود سلطان مرادی گشت که آن هم مؤسس به اساس حدود سلطان سلیمانی بود، از اینکه نادرشاه از باب عالی صورت مخصوص برای نقاط سرحدیه عهدنامهٔ سلطان مرادی گرفته بود در معنی طرفین در حین عقد عهدنامهٔ مزبوره به همهٔ نقاط سرحدیهٔ سلطان مرادی و سلطان سلیمانی خبیر و واقف بودند با بصیرت کامله قرار حدود سلطان مراد را که کاشف نقاط اساسیهٔ حدود سلطان سلیمانی هم بود جزو عهدنامهٔ مزبوره نمودند. ولی نتیجهٔ مقصوده از معاهدهٔ مزبوره که یکی رفع اختلافات مذهبیه و تحصیل دواعی اتحاد اسلام و دیگری جلب امن و آسایش حدود بود میسّر نگشته، به علت مقتولی بلافاصل نادر و توالی اختلالات داخلهٔ ایران و مفتونی سرحدداران عثمانیه به استفادهٔ خودشان از تخطی و تجاوز عشایر سرحدیه به خاک ایران و ترجیح اولیای دولت عثمانیه توسع موقت مملکت خود را به تحصیل اتحاد دایمی اسلام اخذ نتیجه معاهدهٔ مزبوره تا طلوع دولت جاوید آیت قاجاریه و انتصاب ولیعهد مبرور یعنی نایب‌السلطنه عباس میرزا مغفور البسه‌الله من‌ملل النور به حکمرانی و فرمانروایی آذربایجان درعقده تعویق مانده در این عرض مدت که روی هم‌رفته قریب ۸۰ سال وتخفیفت [تخفیفیت] ایام فوت بود به قراری که از تواریخ عثمانیه و ایران مفهوم می‌شود اراضی و ایالات زیادی از حدود سلطان مرادی از خاک ایران چه به واسطهٔ حرکات عسکریه چه به واسطهٔ جلب و استمالت رؤسای عشایر و قبایل به تصرف غصب عثمانیه و بعض عشایر متمرده گذشته، این معنی باعث شد که در عهد دولت خاقان خلد آشیان فتحعلی‌شاه جنت‌مکان و ایام حکمرانی و فرمانروایی ولیعهد مبرور در آذربایجان افتتاح ابواب محاربه با عثمانی پیشنهاد شده اغلب املاک مغصوبه در سمت عربستان و کرمانشاهان و

کردستان و آذربایجان از تصرف عثمانی انتزاع شده به سبب ظهور ناخوشی وبا در اردوی ولیعهد مسرور که بعد از فتح محاربه توپراق‌قلعه رو به ارزروم و انتزاع سایر محال مغصوبه عازم بودند بروز کرده مثل این مأمول زیاده بر این میسر نگشته. ولی‌عهد مبرور اغلب قشون خود را مرخص و مرحوم میرزا محمدعلی آشتیانی را برای عقد معاهده اختیارنامه ماده روانهٔ ارزروم نمودند. رؤف‌پاشا صدراعظم عثمانیه هم از طرف دولت عثمانیه اختیار کامل حاصل نموده در ارزروم به تاریخ ۱۲۳۸ عهدنامه منعقد نموده. در ضمن آن تمامی فقره‌ها، عهدنامهٔ نادری را که من‌جمله استقرار حدود سلطان مردای بود مندرج داشته، وسیلهٔ صلح مؤید دولتین گردیدند.

این معاهده در معنی معاهدهٔ پنجم بود که بین‌الدولتین منعقد گشته، امّا در مادهٔ حدود عهدنامهٔ سیم بود که به استقرار حدود سلطان مرادی بسته شد، اگرچه سبب رفع محاربات و جلب دوستی و موالات دولتین گردید. ولی از اینکه مدت ۱۸۹ از انعقاد معاهدهٔ سلطان مرادی گذشته و به علت امتداد ایام فترت سلطنت ایران و انقلابات متوالیه سرحدیه و تصرفات متکاثره غاصبانه عثمانیه در خاک ایران بعد برحسب تقسیمی که به ارومیه کرده بودند چه علاوه بر تقسیم مزبور (نقاط سرحدیه راجعه به عهدنامهٔ سلطان مرادی بلکه به عهدنامهٔ سلطان سلیمانی بکلی از نظرها محو شده بود. عهدنامهٔ نادری هم که مربوط به عهدنامهٔ سلطان مرادی بود و می‌توانست به سبب قرب زمان و تحصیل سیاههٔ مخصوصه برای اسامی نقاط سرحدیهٔ سلطان مردای که از دولت عثمانیه گرفته بود، وسیلهٔ رفع اشتباهات محتمله در حق حدود بشود، به علت وفات بلافاصله نادر و ظهور اغتشاشات داخله و خارجه در پردهٔ خفا مانده، اسمی از نقاط سرحدیه مسطوره مذکور و منتشر نگردید که موجب تذکر جدید اهالی و تا چندی مذکورخاطر سرحدنشینان بوده مظهر نیافته و اختلافی نشود. این گونه بی اطلاعی که تا عهد سلطنت قویشوکت خاقان مغفور خلد آشیان فتحعلی‌شاه قاجار امتداد یافته و به علت تجاوزات جدیده عثمانیه بعد از معاهدهٔ نادری ممالک ایران روز به روز متزاید گشته بود سبب قوی گردید که بعد از عقد معاهدهٔ جدیده ۱۲۳۸ تشخیص نقاط سرحدیه و حل مسائل راجعه به آن، مظهر مناقشات طولانی گردیده رحلت خاقان مغفور و جلوس شاهنشاه غازی محمدشاه مبرور مستحیل نگشته مؤدی مراودهٔ سفرای جانبین آمد، در این بین علیرضا پاشا والی بغداد به هر خیالی و به هر علتی بود به سوق عسکر بندر محمره و عشایر کعب را که بندر مزبوره

ملک خاک ایران و عشیرت مزبوره هم تبعهٔ خاصهٔ ایران ساکن بندر محمره بودند به کمال بی رحمی در سنهٔ ۱۲۵۳ در حالتی که موکب همایون محمدشاه قاجار غازی طاب‌ثراه در افغانستان مشغول محاصرهٔ هرات بود، قتل و غارت و اسیر کرده نسا و صبیان آنها را به معرض بیع و شرا [شریٰ] آورده این معنی زاید باعلی ماسبق مظهر همت گردیده متدرجاً بعض مواد دیگر هم اتفاق افتاده مواد نزاعیه طرفین از عشره و عشرتین گذشته نزدیک شد که صفوت به کدورت و صلح به جنگ مبدل شود. وزرای مختار روس و انگلیس که هر یک دول متبوعهٔ ایشان مناسبتهای مختلفه و متحده با هر یک دولتین ایران و عثمانی داشتند پای توسط به میان گذاشته به استصواب ایشان مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله که آن وقت هنوز مشیرالدوله نشده فقط مهندس‌باشی گری دولت علیه را داشت به سفارت مخصوصه و وزیرمختاری به اسلامبول فرستاده شد. خودکار عثمانی که سلطان محمود ثانی و شخص مهذّب و جلیل‌القدر بود، سفیر ایران را بخوبی پذیرفته، ولکن حُسن انجام مطالب میسّر نگشته سبب وفات سلطان محمود مغفور و جلوس سلطان عبدالمجید پسرش به جای پدر، میرزا جعفرخان مرحوم نیز برای تجدید مأموریت خود و عرض پارهٔ مواد لازمه و تحصیل نامهٔ تعزیت و تهنیت معاودت به ایران نموده بعد از اعطای لقب مشیرالدوله مجدداً به مأموریت اسلامبول به هم‌رسانیده هنوز حرکت نکرده بود که صارم افندی نامی از رجال دولت عثمانی نیز ظاهراً برای اخبار وفات سلطان محمود و جلوس سلطان عبدالمجید و باطناً برای انجام موادی که سبب مناقشه دولتین شده و عمده‌ترین این مادهٔ حدود بود به ایران آمده در اصفهان که موکب همایون محمدشاه مفغور برای سیاحت بعض انتظامات مُغلقه تشریف‌فرمای اصفهان بود به شرف حضور شهریاری مشرف و به تلطفات ملوکانه پذیرفته شده میرزا جعفرخان مرحوم نیز در شهر رجب ۱۲۵۶ روانهٔ اسلامبل گردیده، در این سفر ثانی این بنده نیز به عنوان منشی گری سفارت آن مرحوم همراه بود باز هیچ‌یک از این دو سفیر موفق به اصلاح مواد نزاعیه نگشته مراجعت به پایتخت دول متبوعه خود نمودند. استفاده که از مأموریت صارم افندی به دولت عثمانی عاید شد فقط همین بود که موافق عهدنامهٔ نادری می بایست دولتین علیتین خرج سفرای یکدیگر را در خاک خود کارسازی نمایند. برحسب خواهش صارم افندی دادن خرج سفرای یکدیگر از طرفین موقوف شد.

بالجمله مجدداً سبب اصرار سفرای واسطه که برای حفظ صلح به کار می برند

قرار بر تشکیل قمسیون مختلط در ارزروم شده، از طرف دولت علیه ایران باز مرحوم مشیرالدوله میرزا جعفرخان مأمور و در تبریز به مرض ضعف طولانی دوچار گشته، مرحوم میرزا تقی خان وزیرنظام (که آخراً به رتبهٔ امارت نظام و صدراعظمی دولت علیهٔ ایران موفق شده نیکنامی جاوید برای خود باقی گذاشت) به جای ایشان به مجلس قمیسیون ارزروم مأمور و روانه و قریب چهار سال در ارزروم با مأمورین دول ثلاثه عثمانی و روس و انگلیس مذاکرات مواد نزاعیه که اهم آن مناقشات سرحدیه بود گردیدند.

چون به نحوی که مسطور شد در معاهدهٔ مورخهٔ سنهٔ ۱۲۳۸ مادهٔ حدود راجع به عهدنامهٔ نادری و در عهدنامهٔ نادری هم محول به عهدنامهٔ سلطان مردای شده آن هم چنانکه در ضمن جملهٔ پنجم ذکر شد مؤسس به اساس حدود سلطان سلیمانی بودند از عهدنامهٔ سلطان مرادی با شاه‌صفی نسخهٔ اصلی در هیچ یک دولتین موجود نبود که معمول به طرفین شود، و نه سواد معتبری داشت که قابل رجوع طرفین آید و در موادی هم که به مامور عثمانی به عنوان سواد عهدنامهٔ سلطان مردای ابراز می نمود مادهٔ حدود را از جِسان شروع کرده به بادرایی و مندلیج و شهر زور و قزلجه گذرانیده قرار آنها را مختصراً ذکر کرده، در حق باقی حدود فقط به تخریب قلعهٔ قتور و ماکو و مغازبرد اشاره و ختم کرده بودند، یعنی در حق باقی حدود نه خط حدودی مذکور بود که وسیلهٔ رفع اختلافات و اشکالات طرفین بشود و نه اسمی از اراضی سرحدیهٔ طرفین مندرج بود که باز تا حدی بتواند وسیلهٔ رفع مناقشات جاریه بشود. این معنی مقتضی بود که حتماً به حدود سلطان سلیمانی که اُس اساس تمامی معاهدات مزبوره بود رجوع شود، از آن بابت هم فقط سوادنامه در دست بود که در مجموعهٔ منشآت فریدون‌بیگ نوشته‌اند. فرضاً اگر مقبول طرفین هم می شد سوای ترک تخطی و عدم تعرض خاک یکدیگر یعنی قرار استاتوقو اشاره و اشعاری به اسم اراضی سرحدیهٔ خط استاتوقوی جانبین نداشت و به علت مرور زمان طولانی از عقد معاهدهٔ سلطان سلیمانی، حتی سلطان مردای هم وجود اهل وقوفی به نقاط سرحدیه امکان تصور نداشت که رجوع به شهادت امثال او در حق حدود بشود. زیرا در وقت انعقاد مجالس ارز روم سیصدسال از معاهدهٔ سلطان سلیمانی و زیاده از دویست سال از عقد معاهدهٔ سلطان مردای می‌گذشت، عهدنامهٔ نادری هم که قریب‌العهدتر از همه بود، باز یکصد سال تمام از انعقاد آن می‌گذشت و علاوه بر آن چنانکه در ضمن جملهٔ سیزدهم ذکر شد چون تصدیقنامهٔ آن از طرف دولت عثمانی وقتی به ایران رسید که

بلافاصله قتل نادرشاه مغفور و انقلابات داخله و خارجهٔ ایران ظهور کرده مجال آن نشد که صورت اسامی اراضی سرحدیه بر وفق معاهدهٔ سلطان مرادی که از طرف دولت عثمانی به واسطهٔ گنجعلی پاشا برای اطلاع نادر فرستاده شده بود، مسموع اغلب خواصّ شود. تا چه رسد به اینکه کو نزد سرحدنشینان و مذکور خاطر ایشان هم گردیده بدین واسطه نتایج و نبایر آنها نیز بتوانند بعد از مرور یکصدسال در همچو روزی و همچو قمسیونی از قول ابا و اجداد خود ادای شهادت حقه و خبیرانه نمایند و حال آنکه در عرض مدت صد سال مزبور هم آنقدر تخطیات و تصرفات غاصبانهٔ طولانی تا مرکز ایالت تبریز و مراغه و کردستان و همدان و غیره واقع شده بود که حدود اصلیهٔ عهدیه بکل از نظر اهالی حاضرهٔ آن زمان رفته بود تا چه رسد به روایات عن‌عن نبایر و نتایج آنها.

بدین علت مذاکرات مجالس ارز روم چهار سال امتداد یافته مأمورین طرفین که به سبب این همه انقلابات و محاربات مفصله ماضیه و تکرار تصرفات و انتزاعات جانبین از ملک یکدیگر و محو شدن اسامی و دلایل عهود عهدیه منتهی شدن آنها به حقیقت طالب مجهول بودند در ثبت ادعای خود مضایقه نکردند خاصه مأمور عثمانی به مناسبت اینکه کراراً در ایام محاربه تا تبریز و همدان و سایر هم به تصرف عثمانیه گذشته بود میدان ادعا را زیادت وسعت داده هرچه دلش خواست از املاک و بلوکات و ایالات داخلهٔ سرحدیهٔ ایران به عنوان اینکه داخل حدود سلطان مرادی است برای دولت عثمانیه ادعا نموده در ضمن مذاکرات مجلس قید و ثبت شد تا اینکه آخراً مأمورین واسطه گفتند، اگر باز ادعایی دارد بگوید، خود اعتراف صریح کرد که دیگر ادعایی ندارد.

بنابراین مأمورین واسطه که با این همه انقلابات متوالیه و اشکالات ممتده چندین ساله و لاینحل بودن مسئلهٔ حدود سلطان مرادی واقف و ملتفت گردیدند چاره را منحصر به فسخ حدود سلطان مردای دیدند که امر موهوم و آلت این همه اشکالات شده بود. و برای اینکه مادهٔ حدود سلطان مرادی قطعاً منسوخ و اسباب اشکالات طرفین رفع شود، فصول معاهدهٔ اخیرهٔ ارزروم را به قلم آورده سواد ثلاثه شده محمره و زهاب و سلیمانیه که مظهربه اهمیت زیاد از طرفین شده بود، لباس مخصوص پوشانیده در حق هر یک قرار معینی داده در فصل دویم آن و در حق تتمه حدود به ترک دعاوی جانبین از اراضی یکدیگر قرار داده در فصل سیم آن مندرج داشته. در فصل نهم آن که آخر معاهده بود نوشتند که از احکام معاهدات سابقه خاصه معاهدهٔ سنهٔ ۱۲۳۸ ما هرکدام که با این

معاهده حاضره الغا و تغییر داده شده است، به قوت اختیار خود باقی خواهد بود سواد آن را به هر یک دول اربعه فرستاده منتظر جواب شدند، دول اربعه نیز پس از ملاحظه و تدقیقات کامله و تکرارسؤال و جواب مُقنعه اصلاحات لازمه را در حق هر یک فقرات آن به عمل آورده آخراً به عبارتی منتهی نمودند که در ضمن فقرهٔ دویم و سیم معاهدهٔ مزبوره آلان مندرج است و به موجب آن اجازت امضا به مأمورین خودشان فرستاده، مأمورین نیز بر وفق مقرر در سنهٔ ۱۲۶۳ نسخهٔ معاهدهٔ مزبوره امضا و مجالس را ختم و متفرق ساختند، مزیداً للاطلاع فصول ثلاثهٔ معاهدهٔ مزبوره اینک عیناً و عبارتها به این صحیفه نقل می شود.

فصل دویم فصل نهم جمع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده که در سنهٔ ۱۲۳۸ در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوص با این معاهدهٔ حاضره الغای تغییر نشده مثل اینکه کلمه به کلمه در این صحیفه مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقا شده است با اینکه قبل از تفریق مجالس سواد معاهدهٔ جدیده مزبوره چنانکه ذکر شد به هر یک دول اربعه فرستاده شده و بعد از دقّتها و اصلاحات مقتضیه اجازت امضای آن از طرفین به مأمور خودشان رسیده و بعد که مأمورین امضا و ارسال مقرّ حکمرانی دول اربعه نموده بودند باز دولت عثمانی برای اینکه اسباب اشکال تازه در این معاهده نیز پیدا کرده وسیلهٔ استفادهٔ مجدد خود قرار دهد پس از تفریق مجالس و وصول نسخهٔ امضا شده معاهده به اسلامبول در مصداق بعض فقرات آن که من جمله دو فقره‌اش راجع به قرار محمره و اراضی یسار شط العرب بوده تجاهلاً از سفرای واسطه توضیحات خواسته و سفرای واسطه به ملاحظهٔ اینکه مبادا دولت عثمانی قبل از مبادلهٔ تصدیق نامهای معاهدهٔ و بهانه‌جویی کرده از مبادلهٔ تصدیق‌نامه‌ها استنکاف کرده، اشکالات راجع به حالت اول خود ایضاحاتی با پرده که ظاهراً مقرون به مقصود عثمانی و تغییر مصداق عبارت معاهده بوده ولی معناً قابل بعض تفسیر و تأویل هم باشد نوشته بدون اطلاع دولت ایران به عثمانیه دادند.

دولت علیهٔ ایران که هنوز اطلاعی از استیضاحات عثمانیه نداشت تصدیق‌نامهٔ خود را نوشته و امضا فرموده مصحوب مرحوم میرزا محمدعلی خان وزیر امور خارجه که آن وقت نایب الوزاره و به سفارت مخصوص ماموراليه دربار فرانسه بود به اسلامبول فرستادند که در آنجا با تصدیق‌نامهٔ دولت عثمانیه مبادله نمایند برای مشاراليه ذهاباً مبادله میسّر نگشته

یعنی ایضاحات سفرای واسطه را عثمانیه ابراز کرده او را تکلیف کرده ایضاحات مزبوره را امضا نماید تا تصدیق‌نامه‌ها مبادله شود چون اجازتی نداشت کیفیّت را به عرض اولیای دولت رسانده خود روانهٔ پاریس شد، اگرچه اولیای دولت اجازت به امضای ایضاحات ندادند. ولی آخراً به هر نحوی بود به سبب وفات شاه مغفور و جلوس ابد مأنوس همایون اعلیحضرت ناصرالدین شاه‌قاجاربه‌جای والد مغفور خود گویا میرزا محمدعلی خان در مراجعت از پاریس طوعاً اوکرهاً ایضاحات مزبوره را امضا و معجلاً با تصدیق‌نامهٔ دولت عثمانی عزیمت طهران نموده وقتی رسید که میرزاتقی‌خان وزیرنظام مرحوم که مدت چهار سال زحمت مذاکرات عهدنامهٔ مزبوره را در ارز روم کشیده و منتهی به نقطهٔ آخر نموده بود با لقب امیرنظامی و اتابک اعظمی به صدارت دولت ایران رسیده بود. اگرچه نسخهٔ صحیحی از ایضاحات مزبوره به دست نیامده. ولی به قراری که میرزامحمد علی‌خان بعد از توبیخ زیاد به انضمام انکار امضای خود نسخه داده است بدین قرار است. سؤال دولت عثمانی مرحوم میرزا تقی‌خان بلافاصله به اقدامات تحدید حدود بر وفق معاهدهٔ مزبوره که عبارت از معاهدهٔ اخیره ارز روم باشد شروع کرده به اتفاق وزرای مختار دولتین واسطه قرار دادند، مأمورین دول اربعه سریعاً در بغداد جمع شده متفقاً از سمت محمره شروع تحدید حدود دولتین علیتین نمایند. به این جهت مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله را که سالها زحمت مذاکرات و مباحثات مسائل حدود را قبل از انعقاد مجالس ارز روم کشیده بود وحالاً با سمت کارگزاری امور خارجهٔ آذربایجان در تبریز توقف داشت از طرف دولت علیه مأمور به این امر فرمودند. از طرف دولت عثمانی درویش‌پاشا و از طرف روس کلونل چریکاف و از طرف انگلیس کلونل ویلیامس که در مجالس ارز روم هم سمت قومیسری انگلیس را داشت مأموریت به‌هم رسانیده هر یک از محل خود رو به بغداد که به محل اجتماع مأمورین مقرر شده بود، روانه گشتند به مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله تعلیمات لازمه که من‌الجمله اساس تحدید حدود بودن فصل دویم و سیم معاهدهٔ اخیرهٔ ارز روم مورخهٔ سنهٔ ۱۲۶۳ و نشناختن ایضاحات بود به تبریز فرستاده شده آن مرحوم که به سمت کارگزاری امور خارجه در تبریز بودند، روز دوشنبه ۲۳ شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۲۶۵ یک شب به عید نوروز مانده از تبریز به‌سر ورود حرکت کرده شب عید را در دهخارقان به‌سر برده روز عید را به مقصد روانه شد، مأمورین دول ثلاثه در بغداد حاضر گشته، درویش‌پاشا مأمور عثمانی مدتی بعد از ایشان وارد گشته

معلوم شد، ابتدا از اسلامبول به سرحد خوی رفته بلوک قتور را که تا آن وقت در تصرف ایران بود غفلتاً با قشون نظامی عثمانی ضبط و غصب کرده و ساخلو در آنجا نشانیده بعد به جانب بغداد آمده است. چون اول دولت بود و مأمورین دول واسطه پس از چندین سال بزحمت تازه به سرحد جمع شده بودند که دعوای مناقشات دولتین را بکلی رفع و تحدید حدود نمایند، دول واسطهٔ دولت علیه را از مرافعه و ترد غاصب به عبارت اخری از تبدیل صلح به جنگ ممانعت نموده به وعدهٔ صریح استرداد قتور اطمینان داده، ساکت کردند.

مأمورین بعد از هشت و نه ماه توقف بغداد عزیمت محمره نموده، مأمور ایران و عثمانی با کشتی های بادی و مأمورین واسطه با کشتی های دودی انگلیس با شط بغداد روانه شده در خارج محمره هر یک جای مخصوص برای اردوی خود اختیار کرد و پس از چندی گردش و تحقیقات لازمه قراردادند تا عقد مجالس شده به مذاکرات تحدید حدود آن حوالی پردازند.

مجلس اول در روز دوشنبه چهاردهم ربیع الاول سنهٔ ۱۲٦٦ منعقد گشته چون مأمورین اسلام هنوز خودشان را به تمهید مذاکرات مجلس حاضر نکرده بودند بخصوصه مأمور عثمانی که کلیهٔ دعاوی خود را در خارج معاهده ایضاحات سفرای واسطه قرار داده بود آن را هم به سوء استعمار به کار برده طراحی ادعای خود را طوری نمود که اغلب اراضی و املاک عهدیهٔ ایران را در ساحل یسار شط العرب در تصرف ایران و عشایر ایران بود و عهداً بایست به ملکیّت در تصرف ایران بماند، به دولت عثمانیه راجع می ساخت بدین جهت مرحوم مشیرالدوله هم در مقابل گزاف گویی مأمور عثمانی به استناد آن به ایضاحات معلومة الاحوال تمامی اراضی یسار شط العرب را از مصب رود کرخه به شط العرب تا التحاق آن به خلیج فارس همه را به دولت ایران ادعا نموده از قبول صحت ایضاحات بکلی استنکاف کرده، مأمورین واسطه از تصدیق و تکذیب دعاوی طرفین اعتذار و خط حدودی به عنوان توسط تصویب و تکلیف نمودند که مأمورین طرفین هیچ یک به خط تکلیفی ایشان متقاعد نگشته لزوماً تفصیل کیفیت به دول اربعه قلمی و ارسال و مقرر شد که تا وصول جواب دول اربعه به سمت نقاط دیگر حدود گذشته به ملاحظه و مذاکرات لازمه آن بپردازند.

درویش پاشا مأمور عثمانی تکلیف نمود که تا وصول جواب دول اربعه و اجرای تسلیم رسمی محمره و جزیرة الخضر و غیره به ایران از طرف عثمانی نیز ساخلوی در

محمره گذاشته شود. ولی به ملاحظهٔ اینکه محمره و توابع همیشه در تصرف مستقل حکومت ایران بوده و فعلاً نیز متصرف بودند، سهل است به قول مأمور ایران هرچه در یسار شط العرب به عثمانیه واگذار شود محتاج به تسلیم رسمی از طرف ایران خواهد بود چرا که موافق معاهدات قدیمه از ملک ایران بوده و حالا به مقتضای معاهدهٔ اخیره ارز روم به عثمانیه واگذارمی شود،آن طور تکلیف مأمورعثمانی ازطرف مأمورین دول ثلاثه مقبول نگشته، مأمور عثمانی هم در مقابل آن به رسیدگی و ملاحظهٔ سایر نقاط که عزیمت داشتند موافقت نکرده به علت قرب فصول موسم سموم محمره و آن حوالی تمامی مأمورین به انتظار جواب دول اربعه از محمره حرکت کرده، مأمورین دول ثلاثه به دزفول به ییلاقات کهسنگره(اسم محلی است از کوههای لرستان مشرف به صحرای دزفول که طوایف دریکوند لرستان سکنی دارند) مراجعت کردند. درویش پاشا به سمت مندلیج روانه شد. ولی با اینکه مأمورین دول ثلاثه تکلیف او را در حق ساخلو گذاشتن او در محمره ردّ کرده بودند. باز دو کشتی کوچک رودخانه[ای] بسیار مفلوک که در بصره داشته به مقابل محمره آورده در لنگرگاه محمره متوقف ساخته بعد از دو سه سال که دیدند عمل لغو بوده است، باز خود به خود برداشتند.

وصول جواب دول اربعه قریب دو سال طول کشیده، سال اول مأمورین واسطه و مرحوم مشیرالدوله در ییلاق سنگره به‌سر برده زمستان را به دزفول برگشتند، سال دویم مأمور انگلیس به گردش سمت اصفهان و مأمور روس به سیاحت سمت کرمانشاهان رفته مشیرالدولهٔ مرحوم نیز به مناسبت تشریف‌فرمایی موکب همایون به صفحات بروجرد به دورود رفته بعد از حرکت موکب همایون روانهٔ سمت کرمانشاهان گشته مأمورین واسطه هم به سمت زهاب و کرند مراجعت کرده به علت ظهور وبا در آن حوالی هر سه متفقاً به سنندج رفتند در آن ده جواب دول اربعه رسید که بدون انتظار جواب به مملکت زهاب رفته مشغول گردش و مذاکرات تقسیم آنجا و تشخیص خط حدودی که فاصل اراضی جبالیه و شرقیه و بسیطهٔ غربیهٔ آن از یکدیگر بشود بپردازند و حاصل مجالس را به دول اربعه اطلاع داده، بدون انتظار جواب برای معاینه و مذاکره حدود به سایر جاها روانهٔ سمت نقطه دیگر بشوند. بنابراین مأمورین دول ثلاثه از سنندج به زهاب رفته مأمور عثمانی را هم اطلاع داده دعوت به عزیمت زهاب نمودند.

مشارالیه نیز به چند روز فاصله وارد گشته تا اینکه ایام زمستان بود باز با برف و

بارش گردش آنجا را تمام و در خارج قصبهٔ زهاب تشکیل مجالس نمود. و مجلس اول در نهم ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۶۸ منعقد گشته به سبب بعضی ملاحظات و مباحثات که هیچ یک از طرفین نمی‌خواستند سبقت به بیان رأی خود نمایند، قرار دادند طرفین عقاید و تکالیف خود را نوشته حاضر کرده، ششم ماه هر دو در یک آن به مجلس ابراز و قرائت نمایند.

درویش پاشا مأمور عثمانی در لایحهٔ خود برای تعریف حدود مملکت زهاب و تعیین حدود اراضی بسیطه و جبالیهٔ آن خط حدودی بیان کرده بود که از بابت اراضی جبالیه و جبال هم چیزی به ایران نمی‌گذاشت. سهل است چند بلوک کرمانشاهان را هم از قبیل گیلان و گُلین و دیره و قلعهٔ شاهین و به شیوه داخل حدود مملکت زهاب نموده و در قسمت نیز به طرف عثمانیه منظور داشته بود. میرزا جعفرخان مشیرالدوله حدود کلیهٔ مملکت زهاب را جنوباً به رود الوند که مبنای آن ریجاب است با اتصال آن به سیروان و غرباً و شمالاً به رود سیروان و شرقاً به رود ضمکان و بعضی پشتهای کوه داله‌هو که واقعاً، در حقیقی مملکت مزبوره است معرفی کرده و در قسمت جبالیه و بسیطه که برای اینکه حتی‌الامکان به حدود طبیعیه محدود باشد، قدری از جبالیه را که به ظنّ خود مابین آق‌داغ تا خانقین بوده باشد به طرف عثمانیه گذاشته، جبل آق‌داغ و جبل قشقشه را از الوند تا سیروان حدفاصل اراضی جبالیه و بسیطه قرار داده بود یعنی موافق تحدید آن مرحوم از مقابل دماغهٔ غربی جبل قشقشه تا ملتقای رود ضمکان به سیروان اراضی یسار سیروان به انضمام بلوک شمیران و از مقابل دماغهٔ جنوبی آق‌داغ به بالا اراضی یمین رود الوند به عنوان جبالیه، متعلق ایران می شد.

برحسب قرار مألوف می بایست بعد از مجلس روز ششم ماه مجلسی دیگر تشکیل شده مأمورین واسطه رأی خودشان را متفقاً بیان نمایند چون هنوز رأیشان متفق نشده بود، قرار داده تا متحدشدن رأی خودشان معطل نگشته، برای معاینهٔ حدود حویزه و مذاکرات لازمه آن به سمت حویزه حرکت کنند و تا شانزده روز اتحاد رأی مأمورین واسطه طول کشیده ۲۲ ربیع‌الاول در خارج قصبه مندلیج رأی‌شان متفق و قرار به عقد مجلس گردیده خطی برای تقسیم مملکت زهاب تکلیف کردند که از ملتقای رود ضمکان به سیروان با مجرای رودخانهٔ سیروان پایین آمده در دهنهٔ دربندخان به یسار رود سیروان گذشته به امتداد رشته کوه بمو و اسکندان و ملایعقوب به رود الوند رسیده با رود الوندسرا پایین برود چون

خط مزبور بلوک شمیران زهاب را که فعلاً در دست عثمانی بود به ایران وامی‌گذاشت و قصرشیرین و محال کثیرهٔ سایره را که فعلاً در تصرف ایران بود به عثمانیه وامی‌گذاشت هیچ یک از طرفین موافقت به قبول آن ننمودند. هنوز مجلس مزبور متفرق نشده بود چاپاری از طهران برای مشیرالدوله وارد شده، در همان مجلس پاکت مأمورین واسطه را که همیشه از طهران در جوف پاکت مشیرالدوله می آمد بیرون و حضوراً به خودشان ابلاغ کرده پاکت خود را به منزل آوردند معلوم شد، میرزا تقی خان مرحوم از صدارت استعفا و به امیرنظامی اکتفا نموده است. این خبر اثر سوء کلی در مسائل سرحدیه بخشیده، فردای روز مزبور که بر وفق معروف بایست صورت مذاکرات مجلس به واسطهٔ چهار نفر نویسنده مأموریتها پاک‌نویس و ضبط شود در همانجا توقف و پاک‌نویسی شد.

ولی به بعض اختلافاتی که تا آن روز نظیر آن مسبوق نبود، وصل مجالس بر وفق تعلیمات جدیدهٔ مأمورین به دول اربعه قلمی شده مأمورین دول ثلاثه به موجب ثبت سابق خود در عزیمت سمت حویزه راسخ گردیده، مأمور عثمانی به سبب بعض تکلیفات بی‌قاعدهٔ خود و مقبول نشدن آن از طرف مأمورین ثلاثه از همراهی ایشان تقاعد جسته سهل است مأمورین ثلاثه را هم تکلیف به فسخ عزیمت سمت حویزه نموده ایشان اعتنا نکرده روانه شدند. مأمور عثمانی لابد در قصبه مندلیج متوقف گردید که منتظر تعلیمات تازهٔ باب‌عالی بشود. گویا آن هم یکی از نتایج استعفای میرزا تقی خان مرحوم بود که مأمور عثمانی شروع به آنرا به بدلوایی و کناره‌جویی از رفاقت مأمورین ثلاثه نمود، علی‌الحساب مأمورین دول ثلاثه تا زورباطیه آمده در حرکت از زورباطیه آدمهای حیدرخان و احمدخان والی که حکومت صفحهٔ محلی پشتکوه لرستان از طرف دولت علیهٔ ایران مشترکه به آن دو برادر محول و اراضی متعلقه به قلمرو هر یکی در میان خودشان مفروز و معین بود با پنجاه نفر تفنگچی مأمورین ثلاثه را پذیرایی کرده با راه صیفی و ملخطاوی به باغسایی رسانیدند. چون باغسایی هم در جزو صفحهٔ کرد پشتکوه لرستان و حکومتش از طرف دولت علیهٔ ایران به علی خان ولد محمدخان والی پشتکوه لرستان برادر بزرگ حیدرخان و احمدخان محول بود، در ورود باغسایی هم پسر علی خان مزبور والی صفحهٔ کرد پشتکوه با پنجاه نفر تفنگچی پشتکوهی مأمورین ثلاثه را پذیرایی کرده رئیس عیسی کدخدا و رئیس کل قصبه باغسایی بعض اجناس از قبیل کره و گوسفند و آرد به عنوان هدیه و سیورسات به کارخانهٔ مأمورین ثلاثه تقدیم نمود، چون مأمورین ثلاثه

می خواستند از باغسایی تا حویزه یا صحرای یسار دجله حرکت نموده صحاری مزبوره و اراضی بنی لام یسار دجله را هم معاینه کنند و از باغسایی تا حویزه آبادی دیگری نبود که تحصیل آذوقهٔ یومیه نمایند علی هذا چهار روز در خارج قصبهٔ باغسایی اقامت نموده تمامی ملزومات یومیهٔ اردوی خودشان را اعم از علیق الدوّاب و آذوقه و ضروریات کارخانجات و غیره به قدر کفایت مدت پنج روزه حرکت در صحاری مزبوره در باغسایی تحصیل و بارگیری کرده، همراه خود برداشته و با راه قراتپه و جبلیه و کهریز و دوریج و عوقات سالم و نهر هاشم روانه سمت حویزه شدند. هنوز از حویزه برنگشته بودند، جواب دول اربعه رسید که من بعد بی آنکه تشکیل مجالس و مذاکره تحدید حدود نمایند، مبدأ خط حدود دولتین تا مقطع آن یعنی از خلیج فارس تا کوه آغر تمامی اراضی سرحدیهٔ جانبین را معاینه و ملاحظه نموده هر یک مأمورین اربعه تحقیقات لازمه را فراخور تکلیف مأموریتی خود به عمل آورده و خریطهٔ تمامی اراضی مزبوره را من البدوالی الختم بردارند تا بعد از ختم گردش حدود و ترسیم خریطه ها قرار تشکیل مجالس به اتفاق آرای دول اربعه در جای معینی داده شده به مذاکرات تحدید حدود دولتین و حل مسائل آن مباشرت شود. علی هذا مأمورین ثلاثه صفحهٔ محمره را که سابق دیده بودند از حویزه شروع کرده درهرجا بااقرب نقاط رأس حدودمراجعت به سمت زهاب نمودند و مروراً به درویش پاشا مأمورعثمانی نیز خبرفرستادند که او هم عزیمت رأس حدود نموده، متفقاً تا آخر سرحد معاینه و تحقیقات لازمه را مجری سازند او نیز در حدود کردستان به مأمورین ثلاثه رسیده هر یکی مفرداً مشغول تحقیقات لازمه و ترسیم خریطه گردیدند هنگام مرور از لایجان، درویش پاشا مأمور عثمانی که همیشه به کج خیالی و بداندامی حرکت می‌کرد ظاهراً تنها به بعضی تحقیقات لازمه پاشای رواندوز را خواست به لایجان دعوت و جلب نماید. ولی باطناً خیالش خودنمایی و افساد عقاید احشامی و اکراد سرحدیهٔ دولت علیهٔ ایران بود. علی هذا میرزا جعفرخان مشیرالدوله هم بر خودش و هم به مأمورین واسطه نارضاییت خود را با آمدن پاشای رواندز به خاک لاریجان اطلاع داد و رسماً ممانعت نمود مأمورین واسطه هم متفقاً مراسلهٔ رسمیه به درویش پاشا نوشته تصریح کردند که چون مأمور ایران راضی به آمدن پاشای رواندز به خاک ایران نیست می باید پاشای مشارالیه از نقطهٔ کله شین به این طرف بگذرد (کله شین اسم سنگ بزرگی است که در ذروه مرسوم به سیاه کوه سلسله کوه قندیل معروف در روی سنگ مربع بزرگ دیگر

مثل مناره مخصوصاً نصب کرده‌اند) این معنی باعث شد که درویش پاشا از خیال احضار پاشای رواندوز به آنجا منصرف و ممنوع گردید، واضح است که این گونه تصدیق مأمورین واسطه در حق نقطهٔ کله‌شین که یکی از ذروات مسلمهٔ سلسله کوه بسیار بزرگ برفدار قندیل در سمت لایجان است دلیل و تصدیق است بر اینکه حد لایجان تا قلهٔ کوه مزبور قندیل ممتد است.

با وجود این تفاصیل باز درویش پاشا در بعض نقاط دیگر نیز مظهر برخی بد اداییها گردیده، ولی مأمورین ثلاثه و قری به این گونه اعمال فاسدهٔ او نگذاشته کار را تا آخر سرحد رسانیدند، چون می بایست مهندسان مأمورین واسطه در یک جایی اقامت کرده به اطلاع یکدیگر خریطهٔ اراضی سرحدیه را تمام نموده و تشکیل مجالس و مسائل تحدید حدود طرفین از روی خریطه‌ها مطرح گفتگو بشود. علی هذا مأمورین دول اربعه اواخر ذی‌حجه سنهٔ ۱۲۶۸ در آخر سرحد یکدیگر را وداع نموده به انتظار ختم عمل به رسم خریطه‌های مأمورین واسطه متفرق شدند و دولتین واسطه قرار داده که مهندسین ایشان در پطربورغ مجمع و مشغول ختم خریطه‌ها بشوند. ولی این عمل سبب بعض حوادث دولیه که متدرجاً اتفاق می افتاد (من جمله یکی هم جنگ سیوطاپل بود که دولت عثمانی به اتفاق دول فرانسه و انگلیس با دولت روسیه شروع به محاربه نموده چندین سال طول کشیده آخراً از طرف هر یک از وزرای مختار انگلیس و روس متوقف دارالخلافه یک نسخهٔ تمام شده خریطهٔ سرحدیه به دولت ایران و نظیر آن در اسلامبول به دولت عثمانیه رسماً ابلاغ و مقرر شد که مجالس مذاکره برای حل مسائل تحدید حدود تشکیل کنند. عقد مجالس مزبور نیز چندسالی تأخیر به هم رسانیده، در سال ۱۲۹۱ قرار شد در اسلامبول تشکیل مجالس بشود، این بنده و جناب معین الملک سفیرکبیر دولت علیهٔ مقیم اسلامبول که آن وقت وزیرمختار از طرف دولت علیهٔ ایران برای مذاکرات مجالس مزبوره مأموریت به هم رسانیده و از طرف دولت عثمانیه هم درویش پاشای معروف که در مجالس محمره و گردش مأمورین دول اربعه در سرحد مأمور مخصوص دولت عثمانی بود به سمت مأمور اول مصطفی پاشا به سمت مأمور ثانی معین گردیده امتداد به ملاحظه لازمه اسلامیت قرار دادیم که فقط مأمورین جانبین تشکیل مجالس نموده بدون احتیاج به حضور مأمورین واسطه به مذاکرهٔ تحدید حدود پردازیم به همین زمینه شروع به تشکیل مجالس گردید. چون در مجالس محمره و زهاب زیاده‌روی

درویش پاشا و دعاوی بی اساس او به تجربه رسیده بود، این دفعه در بادی امر کمال ایستادگی را برای تشخیص اساس مذاکرات به عمل آورده مأمورین عثمانیه باز به همان خیال سابق درویش پاشا عهدنامهٔ مجهول الحال سلطان مراد را که مایهٔ این همه اشکالات چندین ساله شده بود اساس خود قرار داده به مواد حدودیهٔ عهدنامهٔ اخیره ارز روم مورخهٔ سنهٔ ۱۲۶۳ بعضی را به استناد ایضاحات معلومة الاحوال و بعضی را که عبارت از ترک دعاوی طرفین در حق اراضی بوده باشد و هیچ معانی بی قاعده و تأویلاتی که به هیچ وجه ربطی به عبارت معاهدهٔ اخیره نمی توانست داشته باشد قرار می دادند یعنی این بنده و جناب معین الملک چنانکه از اول تعلیمات صحیحه و عادلانه دولت علیه بود می‌گفتم معاهدهٔ اخیر ارز روم احکام معاهدات عتیقه را در حق حدودی که کلیهٔ راجع به عهدنامهٔ سلطان مراد رابع با شاه‌صفی مرحوم بوده است منسوخ داشته است زیرا در مادهٔ دویم معاهدهٔ اخیره مزبوره حکم مخصوص در حق محمره و جزیرة الخضر و اراضی یسار شط العرب و همچنین در حق مملکت زهاب و سلیمانیه مندرج شده و به موجب مادهٔ سیم معاهدهٔ مزبوره طرفین در حق سایر اراضی از یکدیگر ترک ادعا نموده‌اند و معنی آن چنین می شود که هر کجا در حین عقد معاهدهٔ اخیره در تصرف هر طرف بوده است به مملکت همان طرف باقی بوده طرف آخر ادعایی در حق اراضی مزبوره نداشته باشد. بنابراین حقاً و صریحاً معاهدهٔ اخیره به تمامی احکام حدودیهٔ دولتین من البدوالی الختم حاوی و مقتضی است که به همه جهت اساس مذاکرات تحدید حدود دولتین منحصر به معاهدهٔ اخیره مزبوره باشد و بس. ولی مأمورین عثمانیه اغماضاً می‌گفتند دولتین که در مادهٔ سیم معادهٔ اخیره ترک ادعا از یکدیگر نموده‌اند در حق اراضی واقعه در یمین و یسار خط حدود قدیمه است و بدین جهت باید در حق اراضی مزبوره رجوع به معاهدات قدیمه یعنی به خط حدود قدیمه بشود و حال آنکه در ضمن معاهدات قدیمه مجهول حقیقی همین خط حدود قدیمه بود که مجهول بودن آن سبب این همه اشکالات چندین ساله ماضیه گردیده بود و اگر واقعاً خط مزبور معلوم یا ممکن الاستعلام می بود نه طرفین از یکدیگر در یمین و یسار آن ادعایی می توانستند نمایند و نه اگر می نمودند قابل اعتناء می شد تا چه رسد به اینکه اختصاص به ترک ادعای مزبور در ضمن عهدنامهٔ اخیره بوده باشد. چون این گونه تأویل خلاف ایشان معناً منقضی بود که به سبب مجهول بودن خط حدود قدیمه باز هر یک طرفین خط حدود قدیمه را در داخلهٔ خاک دیگری تصور کرده و اهتمامات چندین

ساله دول اربعه و مذاکرات مجالس ارز روم را کان‌لم‌یکن معدود داشته تمامی دعاوی و اختلافات گذشته چندین ساله حتی دعاوی متروکه در مجالس ارز روم را نیز از سر نو به میان آورده مجدداً قرنها اسباب مباحثهٔ دولتین علیتین نمایند و بالعکس معاهدهٔ اخیره تمامی این اختلافات را برداشته فقط مقتضی است که بعد از عقد معاهدهٔ اخیره هرچه طرفین به خاک متصرف فیهای یکدیگر تخطی و غصب کرده باشند رسیدگی و مسترد کرده و این هم به سبب قرب زمان کاری است بسیار سهل و آسان علی هذا برای سدّ راه این طور اختلافات و اشکالات متروکه مجبوراً باز دول واسطه را دخیل مذاکرات قمیسیون تحدید حدود نموده و در حق اساس مذاکرات مجالس مزبوره نیز رسماً از سفرای کبار واسطه استفسار نمودیم که اساس مذاکرات تحدید حدود هر کدام از عهدنامجات دولتین خواهد بود تعیین نمایند، ایشان نیز متفقاً به موجب نوشتجات رسمیه تصدیق نمودند که اُس اساس مذاکرات مزبوره معاهدهٔ اخیر ارز روم است و بس. با وجود این بعد از آنکه از طرف انگلیس جنرال کمال و از طرف روس کلونل زملیونی مأمور به حضور مجالس گردیده با اعتراف به وجود توضیحات در مجلس حاضر شدند. مأمور عثمانی در حضور ایشان نیز در اتخاذ معاهدهٔ سلطان مرادی به اساس مذاکرات ثبات ورزیده مأمورین واسطه برای اینکه وسیلهٔ تفریق مجالس به دست عثمانی نیفتد قرار دادند که طرفین به هر عقیده و خیالی که در حق اساس مذاکرات با مستند خط حدود تکلیفی خود را به استثنای محمره و زهاب که گفتگوی آنها در مجالس ایام گردش حدود گذشته است و در خاتمه مسائل حدود مذاکرات آنها نیز به میان خواهد آمد در روی یکی از خریطه‌های رسمیه که از طرف دول واسطه به هر یک جانبین ابلاغ شده است ترسیم نموده دلایل راجعه به خط تکلیفی خود را در ضمن لایحهٔ مخصوص نوشته در مجلس آتی هر دو به یک دفعه و یک آن به مجلس تقدیم کنند به شرطی که هیچ یک از طرفین خط حدود تکلیفی خود را از منطقهٔ خریطه‌های رسمیه به خارج نبرند، طرفین بر وفق مقرر خط حدود تکلیفی خود را در روی یکی از خریطه‌های رسمیه ترسیم و لایحهٔ مفصلی محتوی به دلایل خود به زبان ترکی مرقوم و در مجلس مقرر دفعتاً واحده ابراز نمودند.

این بنده به ملاحظهٔ اینکه مأمورین واسطه به وجود توضیحات اشعار نمودند و دلایلی که برای تفسیر توضیحات بر وفق حقوق ایران می‌بایست گفته شود در مجالس محمره و زهاب به سبب استنکاف دولت علیه از وجود توضیحات گفته نشده است، برای

تدارک این تفاصیل و اصلاح عقاید دولتین در مطابقت مدلول توضیحات به خط حدودی که از طرف دولت ایران تکلیف کرده‌ایم محمره و زهاب را هم به خلاف قرار مجلس تجاهلاً مستثنی نداشته تمامی خط حدود را از مبدأ تا انتها در روی خریطه‌های رسمیه ترسیم و لایحهٔ خود را محتوی بر دلایل کلیهٔ آن که من جمله خط محمره و زهاب بوده باشد مرقوم و به مجلس تسلیم نمود و دلایل راجعه به توضیحات را طوری مندرج نمود که باز دلیل مقبول شدن توضیحات از طرف ایران نشود تفضیل خط حدودی که این بنده بیان و دلایلی که در ضمن لایحهٔ خود اتیان نموده‌ام عبارت از لایحهٔ ترکی است که به فارسی و فرانسه نیز ترجمه شده است، یعنی اصل لایحه چنانکه اشعاری در جمله (بیست و هشت) بر آن شد به زبان ترکی بود که نکات مطلب به زبان ترکی بیان شده بسهولت معلوم عثمانیه بشود و ترجمهٔ آن را هم به زبان فارسی خود متصدی گردید که نکات مقصوده سبب ترجمه به‌فارسی فوت نگشته حتی الامکان نکات مندرجه در ترکی را کاملاً حاوی باشد به فرانسه نیز ترجمه شد که صورت آن به مأمورین واسطه داده شده بعد از امعان نظر در لایحه هر یک از طرفین هرچه مقتضای رأی منصفانهٔ ایشان خواهد بود از روی اطلاع کافی و آگاهی تمام از دلایل طرفین قلمی و در مجالس آتیه به قمیسیون مختلطه ارائه و حالی نمایند خریطه‌های طرفین که خط حدود تکلیفی خود را در روی آن ترسیم نموده بودند با ترجمهٔ فرانسوی لایحه هر یک به مأمورین واسطه تسلیم شد. هنوز مأمورین واسطه مجال اظهار رأیی نکرده بودند که در باب بعضی مسائل راجعه به قراچه‌داغ و برسک و بوسنه و صربستان اختلافات عمده فی‌مابین عثمانیه و روس و سایر دول روپا ظهور کرده مؤدی به محاربه مابین عثمانیه و روس گردیده بدین‌علت بیان رأی مأمورین واسطه به عقدهٔ تعویق افتاده پس از محاربات سخت که هر یک زیاده از هفتصد و پنجاه هزار سواره و پیاده نظامی در مقابل یکدیگر به میدان جنگ حاضر کرده بودند بعد از بیرون رفتن ایالات قراجه‌داغ و بوسنه و هرسک و صربستان و بلغارستان و باطوم و احسقه و ارزمان وقارص از تصرف عثمانیه و ورود قشون روس به ایاستفانوس یک فرسخ و نیم اسلامبول بین‌الدولتین مصالحه شده و مصالحه‌نامهٔ مزبوره از طرف دول روپا ردّ و به حکم کانکرهٔ (کنگره) برلین مشتمل به رعایت منافع کلیهٔ دول فرنگ با امضای بیرون رفتن ایالات مزبوره از تصرف عثمانی اصلاح شده من جمله مسئلهٔ ردّ بلوک قتور به ایران نیز به حکم معاهدهٔ ایاستفانوس و اصلاحات کانکره برلین داخل معاهدهٔ روس و عثمانی

کردند و جزیرهٔ قبرس هم از تصرف عثمانیه منتقل به انگلیس شد. دولت عثمانی به خیال اینکه حتی الامکان برای رد قتور به ایران اسباب*

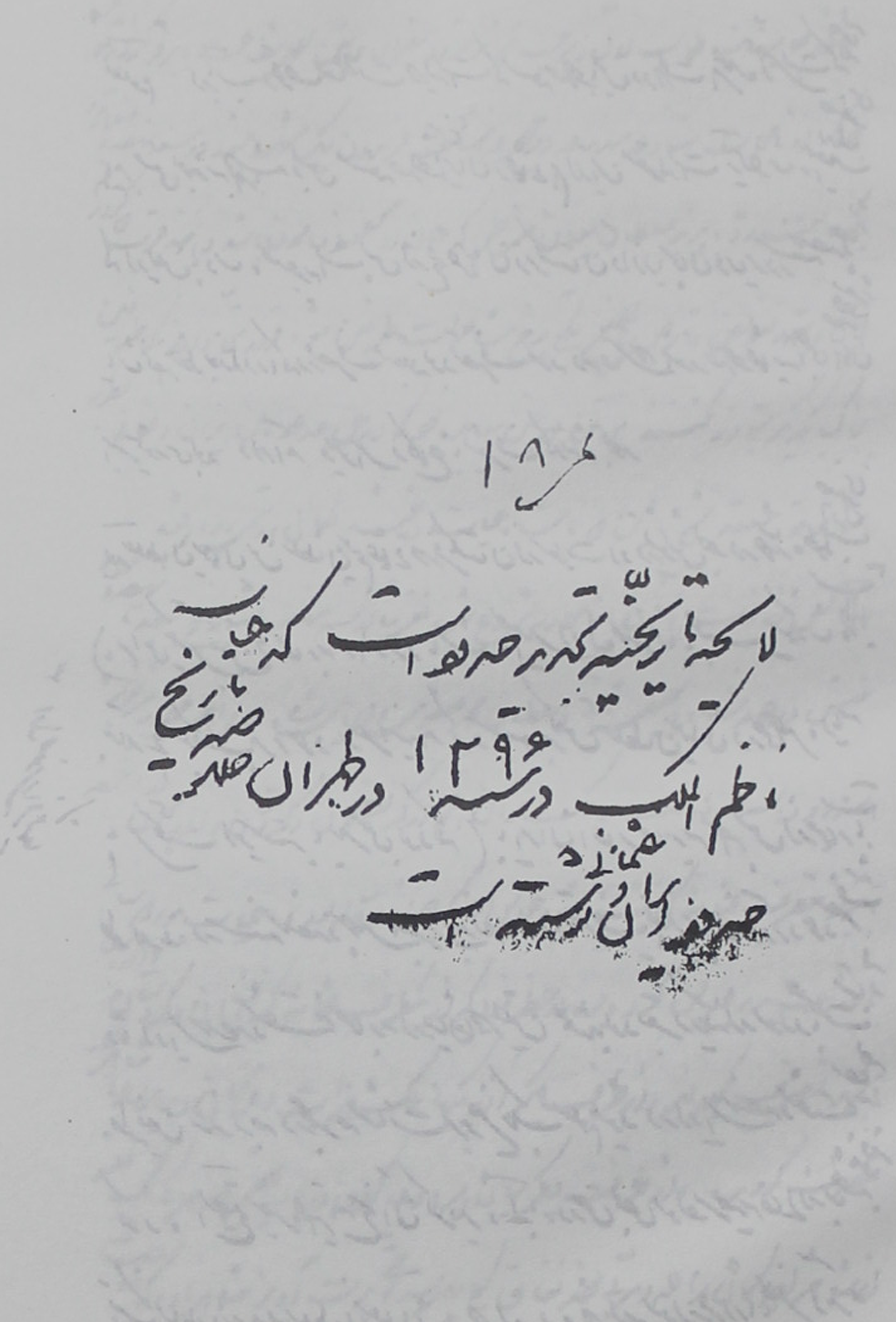
لایحهٔ تاریخچه که در حدود است که جناب
ناظم الملک در سنه ۱۲۹۶ در طهران
عمزاده ... نوشته است

* لازم به توضیح است این خلاصهٔ تاریخ حدود ناقص است و بقیهٔ آن پیدا نشد.

بسم الله خیر الاسماء

معلوم در باب وقوف معاملات در ایران است که مسئله سرحد بابین دو دولت از جمله مهمات است که لابد حل آن

باید مبتنی بعهدنامه بوده باشد و بس مسئله سرحدهای بابین ایران و عثمانی هم از این مقوله است زیرا که شاه اسمعیل اول صفوی

که اول این پادشاه صفویه است پس از فتح خراسان و ترکستان و آذربایجان در سنه نهصد و چهارده

پایتخت بغداد را که در تصرف منتفقه بود تصرف نمود در حالتی که پیشتر سرحد عثمانیه اعنی همان

امیر تیموری بود و ارزنه الروم و دیار بکر و کماخ با این طرف گذشته بعد

بعد سلطان سلیمان بن سلطان سلیم عثمانی در فرنگستان از سطوت او در تشویش بود در ... شاه طهماسب اول صفوی

(با براین بتمهید شتابی بمحاربه والد خود شاه اسمعیل اول صفوی با سبب اینکه شاه طهماسب

بغداد و عتبات بر خود بر خراسانند که وسیله برگشتن سلطان سلیمان در محاصره دیار

بکر تحت او ... عجمی بود که) با ایران آغاز محاربه نمود پس از محاربات

طولانی در سنه نهصد و چهل هجری بغداد را از تصرف ایرانیان بیرون آورد و تصرف شد

و تا اوایل نهصد و شصت محاربه در میان این دو دولت ممتد بود تقریبا که از سوالات جنگ است

مراضیین ... در مجموعه منشآت فریدون بیک معلوم میشود در اوایل نهصد و شصت و ... مصالحه

کرده. الصلح خیر با تاریخ آن گردیده و ... در حق بعضی سوالات ... ز باب جنگ نموده

با اینکه سلطان بایزید پسر سلطان سلیمان با ... دوازده هزار سوار فرار ... بایران آمده

بالاخره بر خود گزیده شفاعت بعضی ما بین سفرای تردد ترازی موجب اول طالب شد حمایت سلطان
چنانکه از مکاتبات سیاسی که در مجموعهٔ منشآت فریدون بیک مشهود میشود در سنهٔ نهصد و هشتاد و
یک بسبب رد ... با برادر سلطان سلیمان بشرطی که جان او محفوظ و مامون باشد و خود قریب کرور نیم
لکن تعهد و تعویض ... با یکی ... مراجعت طرفین شده قرار ... دادند که طرفین
بنام تحدید ... نگذارند و این دولتین ... که در حق حدود ما بین ایران و عثمانی بطور
ابتداء تا ... منعقد شد با این ... حمایت داشته بکلی دوستی را ... رفتند
ولی پس از فوت ایشان باز منازعه شروع شد، تقریباً از سنهٔ نهصد و هشتاد و پنج بعد تا نهصد و نود و
شش در عهد ... سلطان محمد صفوی و اولاد ایشان و شاه عباس اول ... مزبوره
استمرار داشت و ... ممالک ایران اعم از کرمانشاهان و کردستان و آذربایجان از اخجه
تا تبریز بتصرف عثمانیه گذشت، شاه عباس اول که در ... بود و با حمایت برادر ... لی
با حمایت ... جلوس کرده بود ملاحظه نمود که از یک طرف عثمانیه کرمانشاهان و کردستان و آذربایجان
تا تبریز تصرف کرده اند و از طرف دیگر ازبکیها ملک هرات و خراسان ... شاهرود
تصرف کرده و از طرف دیگر ... امرا و ... در ... یک نفر
از ... کمان ... ترکمن ... هزاره که ... دست

داشته ... و محکم ارث و نزاع در شهر تبریز اصلاح این سرحد و خطوط که اصلاح حدود و قریب اتمام

عهدنامه معاهده اضطراری با عثمانیه منعقد نموده تمامی اراضی و ولایات ایران که بتصرف عثمانیه گذشته

بود حتی تبریز و مراغه و سایر در تصرف عثمانیه باز ... برادرزاده خود حمید میرزا را

که طفل صغیر بود در سنه ۹۹ تخاقوی ئیل ۲ از طرف خود روانه اسلامبول نموده و این معاهده

معاهده مقرر بود که گویا تقریبا در حدود نود و شش بین ایران و عثمانیه اضطرارا و موقت منعقد گردید

و بعد برای بسط قدرت امرا و رفع تعصب اویماقات شاه جهانبانی کرده بیرق از طرف خود

نصب و مردم اویماقات را بزیر بیرق پادشاهی و ترک تعصب اویماقی دعوت نمود که اکثر

شاه پرست و دوستدار مرشد کامل است بزیر بیرق پادشاهی جمع و مطیع حکم پادشاه بودند

بدینوسیله تمامی اویماقات بهم خورده شوکت امرای ایشان شکسته هر گونه تنبیهی که در حق امرا

منظور داشته بود بعمل آورده امر لشکر و داخله را که تا قدری منظم نمود به برکت این تمهید ملوکانه

تجهیز سفر خراسان نموده اوزبکیه را از خاک ایران بیرون و تا حدود خوارزم و کابل را تماما

ملک خراسان و سایر را ابتدا مسترد نموده تسلط کامل در خوارزم نیز بهمرسانیده باصفهان

معاودت کرد و هنوز از زحمات سفر خراسان نیاسوده به تجهیز سفر آذربایجان و محاربه

عثمانیه را تمهید کرده بود که خان ابدال بیک بزغازی بیک کرد بسلامی از مظالم عثمانیه و بتنظیم

وارد

۱ - مطابق ... ۱۰۰۵ ... [illegible]

۳ - وجه تسمیه [illegible]

وارد اصفهان شد و با رث و تحریص او عزم سفر آذربایجان نموده به روز و از اصفهان بواسنج و رخی
تبریز رسید که شنید هنوز عثمانیه توقف کرده داخل قلعه تبریز بوده که عثمانیها برای سکنی قشون خود
روز در شهر با اهالی محمود و نیت وصلها قرار که بعضی هستند در ایام توقف تبریز با اهالی
بنای شغب با ایشان و اظهار خصوصیت می‌شدند بنها بقلعه برفتند پادشاه با نشاط از وصول عقب
ایلغار در دو پنج از کشته کرده بقعت از مجمعش برخاسته خواستند برای آنکه
خبر به تبریز رسید فورا از این حرکت کم راه به تبریز شده معهدا حصص قصیلات به غیرات
که سبد اخبار تبریز است آوازه قصول شد و باز از تبریز رسیده هر چه عثمانیه در شهر
بود داخل قلعه شده دروازه‌ها را بستند چون حکمت خداوندی اسباب غلبه و فتح و نصرت شاه را
به بهترین وجهی ترتیب می‌فرمود مستعمل شده قشون عثمانیه در قلعه غازی بیک رفته
و غازی بیک در حالت محاصره پسر خود را از قلعه به جنب از جهت منظم با اصفهان رفته
هنوز از قلعه برگشته مشغول محاصره قلعه بودند پادشاه از تبریز رو بقلعه غازی بیک کوچ
نمود که قشون عثمانی هنوز توقف کرده دست برداشته در حالتی که قشون بر در بود
قلعه را کوبیده و جوقه را که از قشون نخجوان کمک خود آورده بودند با راه مرند
نخجوان شده عثمانیها سردار کمکی جمعی از پاشایان و قشون هنوز تبریز رو بتبریز آمدند

خواجه
در صحرای تبریز جان ۳۰ هزار نفر تبریزی به فنا رسیده با حملات متواتر قشون عثمانی را از هم
پاشیده و عثمان پاشا سردار کل جمعی از پاشایان دیگر را نیز دستگیر کرده با فتح نمایان مراجعت به تبریز نموده
این قضیه در کنار ... در سنه ۱۰۱۲ اتفاق افتاد مجدداً سبب افتتاح ابواب محاربات
بین ایران و عثمانی گردیده با اینکه در ۴ مصالحه که حتی در ... قرارداد تجدید صلح هم ناله از طرف
آذربایجان امیرگونه خان قاجار سردار ایروان از جانب ایران و محمد پاشا تکلو والی
ارض روم از جانب عثمانیه و همچنین از طرف بغداد محمود پاشا والد جغال اوغلی معروف به پاشا از جانب
از جانب عثمانیه جهت تعیین ... امیر ... باشی از طرف ایران مأمور تحدید
حدود گردیده مأمورین مدت از آنان حدود را معین و نصب علائم نموده و ... ها
سعی بسیار در تعیین و حکام جلیله و مأمورین جانبین بیکدیگر دادند ولی در طرف
قریب چندین ایام گذشته جلب مذاکره ... کرده و اخیرا ... تعقیب در سنه
۱۰۳۲ بتصرف شاه عباس رسیده ... داشت ... بود و ... سنه ۱۰۴۹
با داوری و دیانت منعقد گردیده ... تا عهد شاه صفی کشیده و اخیرا در
... و عهد ... سبب گذشتن بغداد بتصرف سلطان مراد رابع قرار صلح نامه
... متروک گردید اما تفصیل ... که بین شاه صفی و سلطان مراد رابع گذشته

KASHMIR UNIVERSITY
Allama Iqbal Library
Acc. No 563092
Dated 5-2-09

اگر به تتمه بعضی از آن در این هیچ یک از دولتین … است و گر بغیر از آنکه از … حکایت مبادله [illegible]

که در مجموعه منشآت فریدون بیک مندرج است چنین معلوم میشود که قشون عثمانیه پس از فتح بغداد

و انتزاع آن از تصرف گماشتگان شاه صفی رو به زهاب دیگر ایشان می‌آمده‌اند و شاه صفی

بموجب … مخصوصه با سلطان مراد رابع گفتگوی مصالحه داشته و قرار ما بین … سلطان

سلیمان خان … گفتگو بوده در قطعه قشون عثمانی بنزدیک زهاب … جان

… صفی … عثمانیه … عهدنامه منعقد … قرار

… در سمت بغداد … و … قطعه … بعثمانیه … بود

ولو اینکه … قطعنامه مندرج است ایران … واقعه … مندرج و در …

و همچنین … بعثمانیه … گردند … در … شود

… زور و … بعثمانیه باشد و در سمت آذربایجان قلعه قطور و ماکو … از طرفین

تخریب شود این عهدنامه … است که بین الدولتین در هزار و چهل و نه هجری منعقد

و معروف بعهد سلطان مراد رابع گردیده تا ظهور طغیان افاغنه در ایران یعنی

سنه یکهزار و صد و … طرفین در … مصائب … بود

این نکته هم نباید پوشیده بماند که چون … در حق … است

و از این عبارت از حدود سلطان سلیمانی بوده و در هنگام انعقاد معاهده سلطان مراد بسبب قرب آن

به نقاط حدود سلطان سلیمانی معروف طرفین و اهالی جانبین بوده است بهمین جهت است

که در ضمن معاهده مزبوره اسمی از اغلب جاهای حدود دولتین ذکر نشده ولی در بعضی نقاط خط

الی مزبوره محول به حدود سلطان سلیمانی در همه نقاط مزبوره معلوم طرفین نبوده است بالجمله در سنه

یکهزار و صد و سی و پنج افاغنه اصفهان را تصرف کرده و سلطان حسین مرحوم را با تمامی

اولادش (غیر از شاه طهماسب ثانی که در خارج اصفهان بجمع اعوان و انصار مشغول بود) شهید کردند

و بسبب تصادف این حادثه بر حکومت آخر اخرها مجروح) که تاریخ آن شاه عثمانیه ام

بطمع عثمانیه معاهده سلطان مراد را منسوخ کرده حمله بحدود ایران آورده بتقریبی در لواری که افاده

دیده ام با طمع با روسیه عهدی بسته آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان و قدری از همدان را از ایران بین

خودشان قسمت کرده یک خط را در قریب اردبیل بتلاقی حدود طرفین قلمداد از بحر خط

مستقیم بسمت همدان بخط موضوب آن خط را که به تبریز و در تحت و اروسیه ام داخل غربی آن بود

بسهم عثمانیه منظور و خط دیگر بسمت رود خانه کر و ارس بخط جانب شرق آن با ملک غربی

بحر خزر بسهم روسیه منظور داشته بهمین زمینه بسبب ملک مزبوره که در آنجا تصرف نمودند ولی

روسیه بمناسبت اینکه شاه طهماسب ثانی از ایشان کمک در دفع افغان و عثمانی استمداد کرده بود یعنی

اشاره

یکی دیگر از ... برده حمله کرده بود و ولایات مرزی را بعنوان اینکه منظورشان کمک است

ضبط نمود و عثمانیها بشهر و قلعه و استحکامات بعض از آنها پیش آمدند در این بین افاغنه در قرب همدان

با عثمانیها ... شاه طهماسب را شکست داده و جری شده بعد پیشرفت زیاد و عثمانیها را مغلوب ... و در

عراق و ... عثمانیها را با بعض از ولایات ایران که تا حال ضبط کرده افاغنه بطلب خود نتیجه فتح

و عثمانیها بطلب جبر شکست خود بنای مصالحه گذاشته و در تاریخ یکهزار و صد و چهل

عهدنامه منعقد نمود. بیشتر از اینکه در ضمن مذاکرات مجالس آینده در اسلامبول قرارنامه مزبور را ...

عثمانی ابراز و قرائت نمود معلوم شد در ضمن معاهده مزبوره عثمانیها با اشرف افغان قرار

داده بوده اند در جزو ولایات حویزه و ... در ... و در ... بمصرف ... و ... ایشان

دولت عثمانی هر وقت بتواند ... او ضبط حویزه و اشغال کند از طرف افاغنه ... نبود

این معاهده و قرارنامه بعد ... در حق ممالک ایران منعقد و بصیرت ...

بمصرف برای ... با ... فرستاده شد ۲ ... که در عهد نادرشاه ... از

تقی خان

از اسلامبول ... و تقیم نادرشاه نموده ... نادرشاه هم از اولیا ... خود اخذ کرده ...

۴ اقرار ... شهوری ...

عربستان و ... با حکومت فارس ... کرده و ... چون ... بودند ... نادرشاه

اشرف اول ۲

با ... خود برقرار می نمود   نظر ... ایالات ...

ایران و حصه ایالات متصرفه از ایشان دیگر دست نگذاشتند ایشان برنخاسته اند بر ورود ظهور طایفه افاغنه
تا موقع تسلط نادرشاه یعنی از سنه ۹۰۶ تا حوالی ۱۱۴۰ و قریب دویست و پنجاه سال در تحت ضبط عثمانیه بقی ماند سالهاست
بعد از آن نیز از عقب نقاط مزبوره تا استقرار حکمرانی نادرشاه این حصه محاربات چندین کرده مقصود
استیلا نادرشاه. چنین بود در مدت حصه امیر تیموری در میان دو دولت مستمر بود نقطه ضدیت شیعه و سنی ایام - از زمانه
بود اشته شده مذهب جعفریه که از مذاهب مسلمه اسلام محسوب گشته مذاهب اربعه را با جمله
بشود ولی نفاق داخله الهیه که در هر سفری سبب مانند بعض اعتقادات تاثیر شد و تغییر
داخله میشد از انحراف انحاته بر وفق تکلیف عثمانیه راضی شد در عهد سلطان محمود
در این باب نیز بعلت مجاهدات بودن نقاط مرحومه سلطان مراد خان الی ... بعهد
خود داری کرده از این و ... و ... در ترتیب ضد ... بر وفق ... سلطان مراد از عثمانیه
اتفاق کرده از طرف ... این نقاط مزبوره در ضمن ... منعقد ... عتبات ... یعنی
جران) در عثمانیه گنج عتبات متفقه برای در فرستاده شد موافق آن در تاریخ هزار و صد و شصت و
نه هجری بقیه ... موافقت و قرار ... مربوط ... سلطان محمود شده تصدیق
خود را با جنه بزنجیر ... بعض ... نفیسه و جواهرات ... آورده بعضی
مصطفی خان ... در کربلا ... مشهد ... دیگر ... عثمانیه ضبط کرده اند میرزا مهدی خان نادری

دیوگو

در جزو جمعیت آن ابواب بهجت است روانه اسلامبول شده نزدیک بود که ممالک سرحدیه ایشان به سر سلطنت ایمن
دارای حصول گشته و در این هنگام مصطفی قلی خان برگشته تا درش و تقصیرات ایشان را محاربات
دافع باشد از بلاد تا درش مغفور و بسیار مشغول گردید و سفیر عثمانی در درمیان بحث مصطفی قلی خان
همراهی او، قریب هشتاد هزار تومان هدایا و جواهرات که همراه داشت تا درش و به اسلامبول رسانید
تا دو سال در بغداد منتظر داد خواهی رسیدن ایران ماموریت گشته به اجازت دولت
عثمانی هدایا که همراه داشت مراجعت به اسلامبول نمود اغتشاش ایران به جایی رسید که
مصطفی قلی خان از آن جهت بغداد و دلتنگ و به خیال [illegible] اسلامبول در طلب شده در عثمانیه
جمعی با او به هر ایالت گرفتاران و بسیار را [illegible] او محمد حسین میرزا [illegible] صفویه
در بغداد بوده است [illegible] عثمانیه ضبط و تصرف کند. دولت عثمانی [illegible] بعد از
که او را اسلامبول [illegible] و نصیحت کرده مانع حرکت او بود [illegible] از
و [illegible] تا دریش [illegible] هیچ یک
به مرحله ایران گذشته و در قرب جمعه ایران نیز از حرکات عسکریه خاصه دراز
که گروه آن بلاد [illegible] بوده است
[illegible] کند بعد از اینکه اغتشاش [illegible] دولت عثمانیه

بند ۴ بنا بر این تعطیل نمیشد بالجمله کمیسیونها در بعضی عهدنامه‌جات حاضر بوده که بین ایران و عثمانی

منعقد شده و عهدنامه‌ها هم بوده که راجع به سرحدات مربوط به سرحد سلطان مراد گشته که آن هم مبنی

بر اساس سرحد سلطان سلیمانی بود از قبیله، ذهاب و از اوایل صفویه مخصوص بکلی نقاط سرحدی

عهدنامه سلطان مراد گرفته بود و بعضی طرفین در ضمن عقد عهدنامه مزبوره بهم نقاط سرحدی

سلطان مراد و سلطان عثمانی خبر و وقف نبودند به بصیرت کامله قرار سرحد سلطان مراد را

که کاشف نقاط اساسیه سرحد سلطان سلیمان هم به جزو عهدنامه مزبوره نمیشد ولی

نتیجه مقصود از عهدنامه مزبوره که رفع اختلافات سرحدیه و تحصیل اراضی

اکراد اللهم و دیگر جلب فراریش سرحد بود بیشتر گشته بعلت تعقیب بلاد

نادره و توالی اختلافات و ضعف ایلات و معضلات سرحدداران عثمانیه با تشدد و خصمان

از کجا و تاخت و تاز غارت بر سرحد ممالک ایران و ترجیح دولتی در دولت عثمانیه توسیع حدود

مملکتی خود را بتحصیل اراضی آن اللهم اخیر نتیجه عهدنامه مزبوره قطعی دولت جاویده

ایست تا جا رسیده و انتصاب ولیعهد سر در بعض نایب السلطنه عباس میرزای مغفور البسه

فی ملک الغفران در عقد عهدنامه بیقرارانه باشد در این عرض بیرت که رفع این رشته قریب انتظار

و تخفیف ایام فرصت بود بقرار رکیه از ترازخ عثمانیه و ایران منوهم ملفوف الاصرار دارد

۲ [illegible]

[illegible]

زیاده از صد سال است که بعد از سلطان نادر از خاک ایران چه بواسطه حرکات عشایر و چه بواسطه میل اهالی

رؤسای عشایر و قبایل بتصرف عثمانیه و بعض عشایر متمرد که گذشته اینهمه باعث شد

که در عهد دولت قاجاریه خوزستان قسمت شد. جنگ [illegible] و ایام حکمرانی [illegible]

در اواخر سلطنت [illegible] در [illegible] افتتاح [illegible] عثمانیه پیشنهاد شد [illegible]

منحصر به در قسمت عربستان و کرمانشاهان و کردستان و آذربایجان از تصرف عثمانیه [illegible]

شد بسبب ظهور [illegible] در اواخر سلطنت [illegible] که بعد از فتح [illegible]

رو بارض روم [illegible] سایر [illegible] منحصر به عازم [illegible]

برای این [illegible] عهد [illegible] قبول [illegible] میرزا محمد [illegible]

برای عقد معاهده [illegible] ارزنةالروم منعقد [illegible] صدر اعظم

عثمانیه هم از طرف دولت عثمانیه اختیار [illegible] در ارزنةالروم

[illegible] دولت [illegible] عهدنامه منعقد نموده در [illegible]

عهدنامه [illegible] که [illegible] سلطان [illegible] داشته و

صلح [illegible] گردید [illegible] نبوده [illegible]

منعقد گشته [illegible] عهدنامه [illegible] که [illegible] سلطان [illegible]

اگرچه بسبب رفع مشاجرات و حسن جوار دولتین [illegible] ولی از آنجاییکه بعد از [illegible] مقصود مشاوره

از انعقاد معاهده سلطان محمود گذشته) و بعلت اشتغال دائم حضرت سلطنت ایران

در انعقاد معاهدات سرحدیه و تصرفات [illegible] عثمانیه در خاک ایران

به موجب تعیینی که با روسیه کرده بودند و چه علاوه بر تقسیم مزبور (نقاط سرحدیه [illegible]

بواسطه سلطان مراد [illegible] بواسطه سلطان سلیمان [illegible] از نظرها محو شده بود عثمانیها دارای

که مربوط بواسطه سلطان مراد [illegible] بسبب قرب زمان و تحقیقات [illegible]

برای این نقاط سرحدیه سلطان مراد را از دولت عثمانیه گرفته بود و سبب رفع

اشتباهات [illegible] در حق [illegible] و بعلت [illegible] بلاد [illegible] در [illegible]

و [illegible] از نقاط سرحدیه [illegible]

[illegible] بموجب [illegible] جدید [illegible]

و اختلاف [illegible] عهد سلطنت [illegible]

[illegible] قاجار استرداد یافته و بعلت [illegible] جدیده عثمانیه

معاهده [illegible] ممالک ایران روز بروز [illegible] بود [illegible] قوی گردید که

عقد معاهده جدیده ۱۲۴۸ تعیین نقاط سرحدیه [illegible]

قرار داده

گردیده و رحلت خاقان مغفور و جلوس شاهنشاه غازی محمد شاه و سرور سرحد گذشته توری را دو

سفرای جانبین از دربار باب عالی عثمانی و والی بغداد به سر خلیج و بندر محمره بسوق عسکر مبادرت

محمره و عشایر کعب را که بندر معمور و ملک خاک ایران و عشیرت معروف ایرانند بشعبه اضافه

ایلغار کرد بندر محمره بقتل و غارت بیرحمی در سنه هزار و دویست و پنجاه و سه در حالتی که مراسلات

همایون محمد شاه قاجار غازی طالب ترک ادار قرار شغل مخصوصه امارت بود [illegible]

و خسارت وارد کرد و چون آثار اعتراض بیع و شرا آورده اینهم بتهمت را باید

نیز به اهمیت کردیده ستمی بعضی موارد دیگر هم اتفاق افتاده مواد

طرفین از عشر و عشرین گذشته نزدیک شد که صعوبت کند و رشته صلح

مبدل گردد و زمانی هم روس و انگلیس هر یک دولت جداگانه آن با استحقاق

مصالحه نمودند با دولتین ایران و عثمانی داشته باز توسط میان گذاشته

باستصواب آن مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله در آن وقت مهندس مشیرالدوله

فقط مهندس باشی گری دولت علیه را داشت به ارض روم [illegible] دوری

با پنجمین فرستاده شد خواندکار عثمانی سلطان محمود ثانی شخص مهذب و جلیل القدر

دولت ایران را مجری بد نزدیک شد و نیکو حسن ختام مطالب بسیار گذشته ثابت و ثابت

۳ در زمان سلطنت سلطان محمود ثانی در ایران سلطنت سلطان حسین صفوی.

محمود مغفور و جلوس سلطان عبدالمجید فرش [?] پدر میرزا جعفرخان مرحوم برای تبدیل موارد

خود و عرض باره مواد دیگر و تکمیل نامه تعزیت و تهنیت معاودت به ایران نمود

بعد از اعطاء لقب مشیرالدوله مجدداً با مأموریت ایلچی‌گری به اسلامبول حرکت

کرده بود در صارم افندی هم از رجال دولت عثمانی از طرف اولیای آن دولت برای اخبار رحلت

سلطان محمود و جلوس سلطان عبدالمجید و باطناً برای انجام مواد دیگر به سبب مأموریت به ایران

شد و مهم‌ترین این مأموریت هم بود با ایران آمده در اصفهان در موکب اعلیحضرت محمدشاه مغفور

برای سیاحت و بعض تنظیمات متعلقه تشریف‌فرمای اصفهان بود شرف حضور

شهریاری مشرف و تلطفات ملوکانه برخوردار شد میرزا جعفرخان مرحوم در بهار

۱۲۵۶ روانه اسلامبول گردیده در این سفر ثانی این سفیر نیز به عنوان مشیر دیگر

سفارت امر مهم سپرده بود ... هیچ یک از این دو سفیر موفق به اصلاح مواد عمده

نگشته مراجعت به پایتخت دول متبوعه خود نمودند استفاده که از مأموریت صارم

افندی به دولت عثمانی عاید گشت فقط همین بود که موافق عهدنامه ارزنة‌الروم مصالحت تعیین

علیحده خرج سفرای دیگر را در جای خود کارگزاران نهند رجحان خواهش صارم افندی را دادن

خرج سفرای دیگر از طرفین موقوف شد بالجمله مجدداً به سبب اصرار سفرای واسطه

ا بکلد

که یکی خط صحیح یکسره ببرند قرار تشکیل کمیسیون مختلط در ارزرُوم شد از طرف دولت علیه ایران

بار مرحوم مشیرالدوله میرزا جعفرخان مأمور و در تبریز به مرض ضعف طولانی دچار گشته

مرحوم میرزا تقی‌خان وزیر نظام (در آخر اتابک شده امارت نظام و صدارت عظمی یافت

عمده این [illegible] که [illegible]) به ریاست کمیسیون از ارزروم نامزد

و در آنجا و قریب چهار سال در ارزروم با نمایندگان دولت عثمانی و روس و انگلیس

مذاکرات مولود نزاعیه را با آن نمایندگان [illegible] کردند چون

به طوری که مسطور شد در سنه ۱۲۶۳ [illegible] در [illegible] شده

[illegible] راجع [illegible] در [illegible] سرحدی [illegible] شد

آن [illegible] که در ضمن جمعه [illegible] ذکر شده [illegible] سلطان سلیمانیه [illegible] بود

سلطان [illegible] و [illegible] در [illegible] که [illegible] بود که [illegible]

و [illegible] که [illegible] رجوع طرفین [illegible] که [illegible] عثمانی

بعنوان [illegible] سلطان [illegible] را از جان شروع [illegible]

و [illegible] قرار [illegible] ذکر کرده در [illegible]

[illegible] فقط [illegible] [illegible] اشاره [illegible] یعنی

درحقیقت صدهزار خط صحیح سرحدی [illegible] نبود که وسیله رفع اختلافات و اشکالات طرفین بوده

و نه اسمی از اراضی سرحدیه طرفین مندرج بود که بالاخره بتواند وسیله رفع مناقشات

جاریه بشود بلکه یعنی معتقدم بوده که حتماً نسخه عهدنامه سلطان سلیمان که اساس آن تمامی معاهدات

مزبوره بوده رجوع بشود از آن بابت هم فقط سوادی در دست بود که از مجموعه جات

فریدون بیک برداشته‌اند فرضاً اگر مستقلاً طرفین هم می‌شد برای یک تحقیق علم یا عدم [illegible]

خاک یکدیگر یعنی قرار و استادی [illegible] و [illegible] اراضی سرحدیه در حقیقت بوده

جای بحث نداشت و مملکت [illegible] زمان طولانی از عهد سلطان سلیمان عثمانی

حتی سلطان مراد [illegible] طرف سرحدیه [illegible] که شروع

به شهادت امثال او در حق صحیح نبود زیرا در وقت انعقاد مجلس ارضروم

از عهد سلطان سلیمان [illegible] سال از عهد سلطان [illegible]

[illegible] که قریب [illegible] سال تمام از انعقاد آن

میگذشت و علاوه بر آن چنانکه در ضمن جمله [illegible] ذکر شد چون تصدیق

از طرف دولت عثمانی [illegible] رسید که [illegible]

و انعقاد [illegible] آن [illegible] صدور [illegible]

سرحدیه بر وفق نسخه و سلطان مرتضی که از طرف دولت عثمانیه بواسطه کمیسیونهای
برای اطلاع ما در فرستاده شده بود مسموع اغلب خواص شد تا چه رسد به اینکه
نزد سرحدنشینان و مرکوز خاطر ایشان هم گردیده به واسطه نتایج و بنابر اتفاقات بعد از
سررشته کثیره سال در ابتدای روزی از بسیج چندین از حقوق را و چه از خود دولت علیه شهادت
حقه و غیر از آن بازیکه رسمال آنکه در عرض مدت صد سال مزبوره هم انقدر تخطیات
و تعرضات غاصبانه طولانیه تا به کراهیت تبریز و مراغه و کردستان و همدان
و غیره واقع شده بود که صدمه اصلیه عهدیه یکی از نظر اولیای حضرات زمان
رفته بود تا چه رسد به روایات عن عن بنا بر وقایع ایام بر این علت
مذاکرات مجلس ارضروم چهار سال امتداد یافته مامورین طرفین در باب تعهد
انعقادات و معاهدات منفصله ضمنیه و تکرار تصرفات و انتزاعات فی‌مابین
از ملک یکدیگر و محو شدن اسامی و ولایات حدود عهدیه و فسخ شدن انها به تحقیقات طالب
جمهوری نفوذ در باب ادعای خود مطالبه برآمدند و ماموران عثمانی به ثبت اینکه
کرارا در ایام محاربه تبریز و همدان و غیره هم به تصرف عثمانیه گذشته بوده میدان
ادعا را بزیارت وسعت داده هر چه دلش خواست از املاک و بلوکات آن ولایت

و اما فصل سرحدیه یعنی بعنوان اینکه داخل حدود سلطان بصورت ثبت دولت عثمانیه ادعا نموده
در ضمن مذاکرات مجلس قید و ثبت شد اینکه اخیراً مأمورین واسطه گفته‌اند اگر باز
ادعائی دارد بگوید خود اعتراف صریح کرده که دیگر ادعائی ندارند. بنابراین باز
واسطه را با این همه انتقادات متوالیه که انگلستان [?] و چندین ساله [?] تنجیز بودن
مسئله حدود سلطان مرادی را [?] و ملتفت گردید [?] منحصر بفسخ عهده
سلطان مرادی دیدند [?] از مراسلات دولت انگلستان شده بود و برای اینکه ماهیت عهده
سلطان مرادی قطعاً منسوخ در باب انگلستان طرفین رفع شود فصول عهدنامه اخیره
ارضروم را القصه آورده سواد مشارالیه [?] در باب سلیمانیه در نظر با اهمیت از طرفین
شده بود با بعضی خصوصی پوشیده و در حق هر یک قرار معنی ماده در فصل دوم آن و در
حق نمره حدود ترک دعاوی طرفین از اراضی یکدیگر قرار داده و در فصل سیم آن منتج داشته
و در فصل نهم آن در آخر سنه ۱۲۳۸ بود نوشته‌ام از احکام معاهدات سابقه و خصوص سنواتی
اثر کردم که این معاهده حاضره الغاء و تغییر ماده نشده است بقوت خود باقی خواهد بود
سواد آن را با هر یک [?] ارقام فرستاده منتظر جواب بشوند حال ارفعیه [?] پس از ملاحظه
و تدقیقات کامله دیگر از سؤال و جواب منتجه [?] در حق هر یک فقرات آن

نمی‌دادند و حق اعراب بصره را که تبعه نبوده‌اند در ضمن فقره دویم و سیم معاهده مزبوره ادعا می‌نمودند
و بموجب آن اجازت انگلیس با سفیر عثمانی خودشان فرستاده سفیرین نیز در وقت مقرر در سنه ۱۲۶۳
نسخه معاهده مزبوره انگلیس و مجلس را ختم و متفرق شدند زیرا که للاطلاع فصول ملحقه معاهده مزبوره
اینک عین عبارات این صحیفه نقل میشود   فصل دویم تا هم جمیع مراد د فصول معاهده
سابقه خصوص معاهده که در سنه ۱۲۶۳ در ارزنة الروم منعقد شد در خصوص این معاهده
جانبین الف ـ تغییر نشده است اینکه کلمه بکلمه در این صحیفه مندرج شد بالکلیه احکام و قوت
آن الف ثابت است ب ـ اینکه قبل از تفریق مجلس سواد معاهده جدیده مزبوره که از جانبین دو
بهر یک دول اربعه فرستاده شده و بعد از دقت و اصلاحات متفقه اجازت انگلیس
آن از طرفین با سفرا خودشان رسیده و بعده سفیرین انگلیس و اسلامبول متعهد اند که از دول اربعه
تعهد نمایند از دولت عثمانیه برای اینکه اسباب اشکال تازه در این معاهده پیدا نشود
وسیعه است و هم در خط قرار داد پس از تفریق مجلس و فصول نسخه انگلیس معاهده
بهیئت دو مصداق بعض عبارات آن که از جمله در فقره ثالث تکرار تجمع
و اراضی ... بوده تا که از سفرای واسطه توضیحات خواسته
و سفرای واسطه بملاحظه اینکه مبادا دولت عثمانیه قبل از مبادله تصدیق نامه

معاهده و بهانه جوئی کرده از مبادلهٔ تصدیق نامه استنکاف و امتناع نمودند گویا مقصود از جمع کلمات اول عهدنامه

ایضاحات بود که طرفین مقرون بمقصود عثمانی و تغییر مصداق معاهده بعضی فقرات ذیل

بعض تغییر داده باشند نوشته بودند که قطع دولت ایران بعثمانیه ملحق

دولت علیه ایران در خصوص اطلاع از مشخصات عثمانیه نداشت تصدیقنامه جدید را

نوشته و الصاق فرموده مصحوب مرحوم میرزا محمد علیخان وزیر امور خارجه که انوقت نایب الوزاره

و سفارت مخصوصه همسایه دربار فرانسه بود باسلامبول فرستادند در آنجا با تصدیقنامه

دولت عثمانیه مبادله نماید برای شاه امپراطور فرانسه مبادله گشت یعنی ایضاحات سفرای

واسطه را عثمانیه ابراز کرده و او را تکلیف کرده ایضاحات مزبوره را الصاق تصدیقنامه نماید

مبادله شد چون اجازه نداشت کیفیت را بعرض اولیای دولت [illegible] روانه

پاریس شد اگرچه اولیای دولت اجازت بالصاق ایضاحات نداده ولی آنوقت

بسبب وفات شاه مغفور و جلوس اعلیحضرت همایون ناصرالدین شاه قاجار

بجای والد مغفور خود گویا میرزا محمد علیخان در مراجعت از پاریس ملحوظ داشت که ایضاحات

مزبوره را الصاق و تصدیقنامه دولت عثمانی عزیمت طهران نمود وقتی رسید

که میرزا تقی خان وزیر نظام مرحوم که مدت چهار سال صدارت کرد عهدنامه مزبوره را

دارای

در ارض روم کشیده و منتهی بنقطه آخر منتهی نبود . با تعقیب امیرنظامی و عتابک اعظم سفارت دولت
ایران رسیده بود اگرچه نسخه مجری از انفصال جهات مزبوره بدست نیامده ولی بعد از تجربه سرحد عثمانی
بعد از تودیع نوبه دوم [illegible] بمقام آنکه را انفصال خود منظم ساختن است بر نسیم ازرات سئوال دولت عثمانی
مرحوم میرزا تقی خان بلافاصله با قرارات که بر حدود بر وفق معاهده مزبوره که عبارت از
معاهده اخیره ارض روم باشد شروع کرده باتفاق وزرای مختار دولتین واسطه قرار داده ماهیه
مأمورین دول اربعه سریعاً در بغداد اجتماع شد متفق از سمت محمره شروع کنند بر حدود بحث
دولتین علیتین بیابند مختص جهت مرحوم میرزا جعفر خان مشیرالدوله را که از اینها زحمت بسیار در ابرا
و مباحثات بیشتر حدود را قبل از انعقاد مجلس ارض روم کشیده بود و حالا بسمت
کارگزاری امور رجوع آذربایجان در تبریز توقف داشت از طرف دولت علیه مورد
این امر فرمودند از طرف دولت عثمانی درویش پاشا و از طرف روس کلنل چریکف
و از طرف انگلیس کلنل ویلیامس را که در مجلس ارض روم هم بسمت کمیسری انگلیس را
داشت مأموریت بهم رسانیده هر یک از ممالک خود رو به بغداد که محل اجتماع مأمورین
مقرر شده بود روانه گشتند بمرحوم میرزا جعفر خان مشیرالدوله تعلیمات لازمه
که من جمله اساس تحدید حدود بودن فصل دوم و سیم معاهده اخیره ارض روم مندرجه

۳۰ شعبان ۱ ... و نسخه فقط النصیحت بود جز این فرستاده شد امر جمع که سمت کارگذاری

المورخه رجب در تبریز به [illegible] ورود و پنجشنبه ۲۳ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۵ ایلچی [illegible]

بعید نوروز مانده از تبریز بیرون رفته حرکت کرده شب عید را در اوجان

گذشته بر سر روز عید را بمقصد روانه شد مأمورین دول [illegible] در قضیه [illegible]

درویش پاشا سردار عثمانی [illegible] بعد از ایشان وارد گشته معلوم شد ابتدا از [illegible]

سرحد [illegible] رفته [illegible] تا آنوقت در تصرف [illegible] بوده [illegible] قبول [illegible]

عثمانی ضبط و غصب کرده [illegible] در آنجا نشسته [illegible] بغداد آمده

چون زمان دولت بوده و مأمورین دول واسطه پس از چندین سال زحمت [illegible]

سرحد [illegible] شد و بغداد [illegible] [illegible] را [illegible]

دو دول واسطه دولت علیه را [illegible] [illegible] غصب [illegible]

صلح [illegible] منفعت [illegible] [illegible] کردند

مأمورین [illegible] بغداد [illegible] محمره نموده مأمورین [illegible]

کشتی [illegible] و مأمورین واسطه با کشتی دودی انگلیس [illegible] شط بغداد روانه شده

در خارج محمره [illegible] خود [illegible] کرده و پس از چندی

گردش و تحقیقات لازمه قرار دادند، عمده مطالب شش بند است که در صورت [illegible]

مجلس اول در روز دوشنبه چهاردهم ربیع الاول سنه ۱۲ [illegible] منعقد گشته چون ایلچی

اسلام هنوز جوابهای آن را تهیه ننموده است مجلس حاضر کرده بعد بحث و صحبت، سفیر عثمانیه

دعاوی خود را در ضمن معاهدات [illegible] واسطه قرار داده [illegible] استعمال

بلکه بر [illegible] طرح دعاوی خود را طوری نمود که اغلب اراضی و املاک [illegible] ایران

که در [illegible] در تصرف ایران [illegible] ملکیت

ایران بنا بر دولت عثمانیه راجع می‌ساخت بجهت مرحوم [illegible]

کوچک، سفیر عثمانی باستناد آن معاهدات معتبره [illegible] تمام اراضی [illegible]

از منصب [illegible] کرمانشاه [illegible] دولت ایران

[illegible] از حیث صحت معاهدات [illegible] واسطه [illegible]

تکذیب دعاوی طرفین [illegible] تقلیف نمود که

ما بین طرفین [illegible] نقض [illegible] تفصیل [illegible] دول

اربعه [illegible] جواب دول اربعه [illegible]

گذشته [illegible] در ورقش [illegible]

که تا فیصله جواب دول اربعه در اجرای تقسیم رسمی محمره و جزیره خضر و غیره به ایران از طرف

عثمانی نیز سرباز خود در محمره گذاشته نشود و آنکه مملکت و خطه اسکنه محمره و توابع همیشه در تصرف

مستقل حکومت ایران بوده و فعلاً نیز متصرف بعد سرحدات بقدری که دولت ایران بخواهد

ارجه در این شرط العهد عثمانیه و اگر دارد شود هیچ محتاج بتسلیم رسمی از طرف ایران

چرا که موافق مصالحات مقدمه از ملک ایران بوده و حالا بمتصرف است اهره اخیره از جرم

عثمانیه و اگر در این انطور تکلیف دولت عثمانی از طرف ماموریت دول ثلاثه بقبول

گذشته دولت عثمانی هم در تعاقب آن برسید که ملاحظه‌ای از نقاط در غربیت داشته

موافقت نکرده بعلت قرب فصل موسم گرما محمره و آن حوالی تا حین ماموریت

با شرط رجوع دول اربعه از محمره حرکت کرده ماموریت دول ثلاثه نیز رفته

به ییلاقات کشتگر لازم مقالات از کوههای لرستان شرف بصحرای دول که

طوایف لرستان تکلیف دارند مراجعت کنند در روش باشد بسمت ... شده

و الحال اینکه ماموریت دول ثلاثه تکلیف دارد در حق سرحد گذاشتن او در محمره

رو کرده بحیه بانه در کشتی کوچک رجوع خود ... که در بصره داشتن ...

محمره آورده در ... تا محمره توقف نمی‌شد ... که ...

باز خود بخود برداشته   فصلی جواب دول اربعه در باب سرحد کشیده شده . سال ایت ئیل بیرون

واسطه مرحوم مشیرالدوله در ییلاق شکر ، بعد از زمستان لالا بوز قبلی برگشته سال ایرام

با سفیر انگلیس که گردش سمت اصفهان و همسر روس سیاحت سمت کرمان ، ایشان رفته سفیر ایران

مرحوم نیز بنابت ترتیب فرنگ موکب همایون بصفات بر وجود به روح رفته بود از

حرکت موکب همایون روانه سمت کرمانشاه ، ان گذشته با سرتیپ واسطه اسم نیت زیاد

دیگر هم مراجعت کرد بعلت ... ، در آن حوالی هر سه متفقاً بنشستند رفته دربار

ده جواب دول اربعه رسید که بدون اسقاط حقوق بعضی مملکت را رفته مشغول

گردش و هم اکنون است نقسیم ایجاد تشخیص خط حدودی که صحرای اهمی جبلیه شرقیه و لبطیه

ع سیر آن از یکدیگر نشود برداشتند و حدی مجلس را به دول اربعه لطلبیع ماه بدون اسقاط

خراب برای معاینه دیدن که حدود بر حسب ... هر سمت نقطه دیگر شود

با برین ها سر دول شده در منیع ح ... رفته ... را امام الطالب ...

دعوت به بریت ... بسوخت ... بجنبه روز گذشته واد گذشته

ایام زمستان بود باز با برف و باران گردش ایشان را ... در دره قصبه

رباب تبلیک مالس نشده   مجلس ایشان در پنجم ربیع الاول شانزده ... یکهزار ...

شعبت و هشت منعقد گشته بسبب بعضی ملاحظات و شبهات که همگی از طرفین
نمی خواستند صحبت جبال ملکی خود بینه قرار دادند طرفین بعقیده دولتین که تکلیف حدود را
نوشته حاضر کنند بنشیم .. هر دو دولت یک آن عهد ابراز و قرارات بینه
در ویش پاشا هم در عنوان در دولت که خود ملکی تعریف حدود مملکت زهاب و قطعه ضمه
اراضی بسیطه و جبالیه آن خطه جنوبی جبال لعله بود که از جهت اراضی جبالیه و جبال
ام جزیی ایران می دانست که اراضی جنوبی کرند آن را ادعا و از قطعه سلیمان
و کلهر و دیره و قلعه شاهین و بشیوه، دولتین جزو حدود مملکت زهاب نموده و در
قسمت نیز بطرف عثمانیه منظور داشته بود میرزا جعفر خان مشیرالدوله
یکی مملکت زهاب را جزو ... داخل ... ایران ... ال
پیروان و غیره و شاید ... پیروان و ... خان و بعضی ...
واله ... مملکت ... و در قسمت جبالیه و بسیطه
برای اینکه ... جبالیه ... خود
بینی ... بطرف عثمانیه ...
و قطعه را از ... پیروان ... جبالیه و بسیطه قرار داده بود

یعنی موافق سند مرحوم [illegible] از مقابل دره [illegible] قشقه ، تمام رود [illegible] حکاری

بیروان از رأس [illegible] پیروان با تمام بلوک شمیران و از مقابل دره [illegible] جنوبی [illegible]

بالا از رأس [illegible] رهاالوز بعنوان [illegible] متعلق ایران می‌شود ۲۳ رجب قرار

[illegible] بالیت بعد از مجلس روز پنجشنبه ، مجلس دیگر تشکیل شده ، نمایندگان واسطه عثمانی

[illegible] تشویق [illegible] هنوز [illegible] متعلق [illegible] قرار [illegible] که

[illegible] خود [illegible] گذشته [illegible] حرکت [illegible] که [illegible] ان

بسمت [illegible] حرکت کنند ، تا [illegible] نمایندگان واسطه [illegible] کشیده

[illegible] متعلق و قرار بعقد

مجلس کرده و [illegible] برای تنظیم [illegible] زهاب [illegible] از متعلقات رود [illegible]

پیروان ، [illegible] پیروان ، بین [illegible] بسیار رود

پیروان گذشته ، [illegible] که بود [illegible] یعقوب برها [illegible]

، رود [illegible] بین [illegible] خط [illegible] بلوک شمیران زهاب را که

در دست عثمانی بوده ، ایران را [illegible] قصر شیرین و [illegible] که فعلاً

در تصرف ایران بود [illegible] و [illegible] هیچیک از طرفین موافقت ننمودند.

۳ ۲ روز

هنوز مجلس متفرق نشده بود جوابی از طهران بجناب مشیرالدوله وارد و نوشته در اهانت مجلس

بکمال، مأمورین دولت را که همیشه [illegible] طهران در حرف، بکمال مشیرالدوله می آید

بیرون و حضور [illegible] ابلاغ نمایم، بکمال خود را بمنزل آورده [illegible] مشغول شده [illegible]

مرخص [illegible] استعفا و یا [illegible] نموده است این خبر [illegible]

در [illegible] بخشید. فردای روز [illegible] که [illegible] معروف [illegible] هیئت [illegible]

مجلس [illegible] نوشته، مأمورین [illegible] ضبط شود [illegible]

و [illegible] نویسی شد ولی بعض اختلاف [illegible] آن روز تلگراف [illegible] بود

[illegible] مجلس [illegible] تعلیمات جدید، مأمورین [illegible] کل

ثلاثه بموجب [illegible] خود در خدمت [illegible] گردیده، مأمور عثمانی

بسبب [illegible] تکلیف [illegible] عهده خود [illegible] آن از طرف دول

ثلاثه از همراهی ایشان [illegible] سفارت، مأمورین ثلاثه را [illegible] تکلیف

بفسخ [illegible] خدمت [illegible] نمودند [illegible] اعتنا نکرده روانه شدند

مأمور عثمانی [illegible] موقف گردید که منتظر تعلیمات تازه باشد

بشود گویا آن هم [illegible] از نتایج استعفای [illegible] که مأمور عثمانی

[illegible]

شروع به نزول بر لوایح و کناره جوی از رفت. مهندسین بلدیه نمود که حساب مهندسین

دال بلدیه تا دوزه با طی اراضی در حرکت از زور با طی آن [illegible] حیدرخان و احمدخان

والی که حکومت صفحه محیط کشیده لرستان از طرف دولت علیه ایران شرکت با آن در [illegible] حمول

وار اراضی متعلقه بتقسیم رود هر یک در میان خودشان مغرور و مستبد بود با نقشه تفکیکی مهندسین

بلدیه را ابتدا بزرگی بکنند با راه پیمایی و ملاحظات [illegible] چون باغ کلی ام در جزو صفحه کرد

کشکوه لرستان و حکومتش از طرف دولت علیه ایران مع خان [illegible] از خدمات [illegible]

و احمدخان محلی بود در [illegible] باغ کلی ام بر علی [illegible] والی صفحه کرد کشیده [illegible]

نقشه تفکیکی کشیده مهندسین بلدیه را بدون اجازه کرده [illegible] جدا در پیش [illegible] صفحه

باغ کلی [illegible] از [illegible] دیگر نقشه وارد بعنوان هدیه و سوغات [illegible]

مهندسین بلدیه تقدیم نمودند. چون مهندسین بلدیه [illegible] از باغ کلی تا حوزه با [illegible]

حرکت نمود و [illegible] دارای [illegible] که [illegible] معاینه کشیده و از باغ کلی

تا حوزه آبادی دیگر نبود که [illegible] چهار روز [illegible]

[illegible] باغ کلی [illegible] خوردن [illegible]

حرکت [illegible] در باغ کلی [illegible] همراه [illegible] و [illegible]

باغ کلی [3]

[illegible]

در جلسه دیگر در چهارم ربیع دعوتنامه سالم و نمره هشتم روزانه سمت جزیره شدند ۲۵ حوزه هفته از
گذشته بعد جواب دول از بغداد رسید که من بعد به گفته تشکیل مجلس و مذاکره کمیته صرفه نمایند
ابتداء خط سرحد مدیتین تا منتهی آن یعنی از خلیج فارس تا کوه آغری تمامی اراضی سرحدیه
جنبین را معاینه و ملاحظه نموده هر یک مأمورین از نتیجه تحقیقات تذکره را فراخور تکلیف
مأموریت خود معین آورده و خریطه‌های اراضی برآورده و رأی اهالی و الحکم بردارند
بعد از ختم گردش سرحد و ترسیم خریطه‌ها قرار تشکیل مجلس با تفاق آراء دول معه
درجات سینی داده و شروع بمذاکرات کمیته سرحد حرکتی وصیت سالیان مباشرت نمود
مهندسان مأمورین بلادنه صفحه محمره را که سابق دیده بعد از جزیره شده کمیته در این
باب نقاط رأس سرحد مراجعت بسمت زهاب نمودند و سرور ابد رئیس با
مأمورین عثمانی نیز بجز ورقه قدر داده عزیمت رأس سرحد تنقیح آخری مدیعه
و تحقیقات تذکره را مجری بر از دیز در سرحد گردش آن با مأمورین بلادنه رسیده
هر یک مشغول تحقیقات تذکره و ترسیم خریطه گردیده انجام مرور از همان
در دیش با مأمورین عثمانی در همه شب هیچ حاصل و بر از امر حرکت نیکرد ظاهراً تنها
بعض تحقیقات تذکره با بنای رود انزرا خواست بلایکان دعوت و جلب نمود

و این بالمآل خلاف خود نمائی و اقرار حق بر اجرای قرارداد سرحدی دولت علیه ایران بعد
عهده میرزا جعفرخان مشیرالدوله ام برخوش و ام با مأمورین واسطه تا رفت و گشت خود
با اهالی پاشای روانبرزی بایک دیگران اطلاع الاعلام و درشأ مفتعت نمود با مأمورین
و اسطام تحقیقات را رسماً رسیده درویش پاشا نوشته تصریح کرده در جواب مأمورین ایران
را انجی کتابات پاشای روانبرزی بایک ایران ثبت جواب پاشا رفت را هم از نقطه
بیطرف گذرند) که هیچ اسم کوک بزرگان در دره و متعلق به کوه
کوه قندیل معروف در روی کوک مربع بزرگ هیچ شش تار جهت نصف
متعلق اند در اینجا بحث شده در درویش پاشا از خیال انحصار پاشای روانبرزی بانکار
و ضمن گردیده را محسوب که اینگونه تصدیق مأمورین واسطه درحق نقطه لکه پیش که
از دروات مسلمه سلسله کوه بسیار بزرگ برفدار قندیل در سمت ایران است
و تصدیق است بر اینکه حد ایران با قله کوه برفدار قندیل محدود است
با وجود[2] این تفاصیل با درویش پاشا در بعض نقاط دیگر نیز اظهار برخی مطالب
کرده و ولی مأمورین ملاحظه و قرین حکومت اشکال ماهی اد گذاشته کار را
سرحد را نیز چون بعنایت مهندسان مأمورین واسطه در یک جا نهاده

نقشه، ملاحظه یکدیگر خریطه اراضی سرحدیه را، تمام نموده تشکیل مجالس و مشاورت کرده چند فقره مطالبی

در زمینه خریطه‌ها مطرح گفتگو بوده عنوان، مأمورین دول اربعه از هم در جلسه ششم(۲)

آخر سرحد یکدیگر را وداع نموده. به شرط ختم حدود رسم خریطه‌ها، مأمورین واسطه متفرق

شدند و مأمورین دولتین واسطه قرار دادند هر وقت بین ایشان در خریطه‌ها بودیعه جمع و نقشه ختم و دولتین

نمودند. ولی این هم به سبب بعضی حوادث خارجیه در مدت رفتار اتفاق می‌افتاد از جمله

یکی هم جنگ سیواستاپول بود که دولت عثمانیه با اتفاق دول فرانسه و انگلیس با دولت

روسیه شروع به محاربه نمودند چندین سال طول کشید. اخیراً از طرف هر یکی از

دولتین واسطه‌ها منشی انگلیس و روس توقف داده کمیسیون به نتیجه تمام شده خریطه سرحدیه

به دولت ایران و نظر آن در اسلامبول به دولت عثمانیه رسماً ابلاغ و مقرر شد که

مجالس مذاکره به کمک مأمورین کمیسیون جدید تشکیل گشته عقد مجالس مزبوره در

چند سال به تأخیر افتاده در سال ۱۲۹۱ قرار شد در اسلامبول منعقد

مجالس بشود. این بنده و جناب مشیر الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم اسلامبول

که آن وقت وزیر مختار از طرف دولت علیه ایران بکالت مذاکرات مجالس

مزبوره مأموریت یافته و از طرف دولت عثمانیه هم درویش پاشا مأمور

به مور اول
که در مجلس محرره دیگر دوش به موریه اول اربعه در رسیده، مورخه مخصوص دولت عثمانی بود، نسبت

که
مصطفی پاشا نسبت به مور ثانی معین گردیده است و از بعد ملاحظه نموده اسلامیت قرار داده‌ایم

همه
فقط به موریه جانبین تشکیل مجلس نموده هر فرقه اجتماع کرده به موریه واسطه بعد اگر تعیین چند

ب
پس دوازدهم بهمین زمینه شروع به تشکیل مجلس کردیم ۲۷ چون در مجلس محرره در ۴

حکام
زاهم روسی در دوش پاشا دو عالیجاه ایلچی از تجربه رسیده بود اینقدر در باب امر

استشهار را به تشخیص ایشان اکرات بعضی آورده به مور عثمانیه باز به همان خیال سابق

بانه
در دوش پاشا مهر جهات ایشان سلطان مراد را که ایشان اینهمه انکار دلت حدت

استشهاد
شده بود ایشان خود کلام ما را مبدل حدیثه چند اخیره ارضروم ۳ بعضی را

انعقادات معمول به حوال و بعضی را که عبارت از رک دعاوی طرفین در حق

معاهدات
اراضی بوده باشد و ایضا معانی بیق عده و دیدیم در نتیجه الطرفین عبارت

از
اخیره و تحقیق نسبت داشته باشد قرار میدادند یعنی ایشان خواب بعضی املاک خانه

کل معاهدات
اول تعلیمات خود عالی دولت علیه بود میگفتیم معاهده اخیره ارضروم

رابع
معاهدات عتیقه را در حق حدود کلیه راجع نموده سلطان مراد

بوده
پاشاه صفی در حق بعد است منوع داشته است زیرا در مادر دوم معاهده اخیره

حکم مخصوص در حق محمره و جزیره خضر و اراضی شط العرب و همچنین در حق مملکات زهاب
و سلیمانیه شده یعنی بموجب ماده سیم معاهده مزبوره طرفین در حق اراضی از یکدیگر
ترک دعوی نموده اند و معنی آن چنین میشود در هر یک در حین عقد معاهده اخیره در تصرف
هر طرف بوده است بمملکیت آن طرف ، و به طرف [illegible] در حق اراضی
مزبوره نگذاشته شده تا برای حق و صریح معاهده اخیره [illegible] احکام معاهده [illegible]
من البدو الی الختم حاکمی و مقتضی است که بهمه جهت اساس مذاکرات کنونی معاهده [illegible]
منحصر بمعاهده اخیره مزبوره باشد و بس ولی مأمورین عثمانیه اغماض [illegible]
دولتین که در ماده سیم معاهده اخیره ترک ادعا از یکدیگر نموده اند در حق اراضی واقعه
در یمین و یسار خط معاهده قدیمه است و بدین جهة باید در حق اراضی مزبوره رجوع [illegible]
یعنی بخط معاهده قدیمه نشود و حال آنکه در ضمن معاهدات قدیمه مجهول [illegible]
معاهده قدیمه بود که مجهول بودن آن سبب اینهمه اشکالات [illegible] ضمیمه گردیده بود
و اگر خط مزبور معلوم یا ممکن الاستعلام بود طرفین از یکدیگر در یمین و یسار آن
ادعائی نمیتوانستند نمایند و نه اگر [illegible] [illegible] [illegible] برسد [illegible]
ترک ادعای مزبور در ضمن معاهده اخیره لغو باشد چون اینگونه [illegible]

معهذا مقتضی بود در باب جمیع سرحدات خط سرحدی قرار بدهند که هر یک از طرفین خط سرحدی دولتین
در دفعهٔ ملک دیگر را تصدیق کنند و امتحانات چندین ساله که در اربعه دوایر که
مجالس ارض روم را الکان هم بیهوده گذاشته تمام دعاوی و اختلافات گذشته
چندین ساله حتی دعاوی تازه که در مجالس ارض روم را نیز از سر نو بمیان آورده
مجدداً قرینهٔ اسباب مباحثه در این عهد شد و بالعکس معاهدهٔ اخیره
تمامی این اختلافات را گذاشته فقط مقتضی است که بعد از عقد معاهدهٔ اخیره
هرچه طرفین پاک متصرف شده‌اند یکدیگر تخطی و غصب کرده باشند رسیدگی و مسترد
گردد و اینهم بسبب قرب زمان کار راحت بسیار سهل و آسان خواهد بود کلیه
اینطور اختلافات و اشکالات که دیگر مجبوراً از دولت واسطه را دخیل
نمودن لازم است همینطور که بعد از عهدنامه در حق ایالت هرات که مجالس مزبوره نیز
رسماً از سفرای کبار دو واسطه استعفا نمودیم که ایالت هرات است که بعد از عهد
هر کدام از عهده ثبات در این خصوص نمودند تعیین ایشان نیز متعهد شده
نوشته‌اند رسیده تصدیق نمودند ایالت هرات مزبوره معاهدهٔ اخیره ارض روم

۳۸

است و بس و بجهت این بعد از آنکه از طرف انگلیس جنرال گلدسمید از طرف

مأمورین دولت عثمانی

ادوس کلونل ویلیامز مأمور انگلیس وارد مجلس گردیده با اعتراف بوجه توضیحات در مجلس حاضر نشدند

واسطه

در حضور ایشان نیز در انعقاد مجلس سابق الذکر با اینکه ثابت و برقرار بوده مأمورین

بطوریکه وسیله تفریق مجالس برّث عثمانی نیفته متعهد دارند در طرفین بر عهده

ابدی از

و خیالی که در حق ... الاولاد بسته خط حد بکلی خود را بتشخیص مجمره ذهاب که

ارقام

تعلق را بنا در مجلس ایام گردش حد گذشته است و در خاتمه مجلس حد مذاکره

یک

الوند نیز بیان ... در ... یکی از جزیلهای رسمیه که از طرف دول واسطه به

طرفین ابلاغ شده است ترسیم نموده و دیدیم که خط بکلی خود را در ضمن یک

مخصوص نوشته در مجلس ... در ... آن مجلس تقدیم کننده نسخه

ایشان از طرفین خط حد بکلی خود را از منطقه جزیلهای رسمیه ... نیز

طرفین بر وفق ... خط حد بکلی خود را در ... یکی از جزیلهای رسمیه ترسیم

و بالجمله مخصوص مکتوبی ... بزبان ترکی مرقوم و در مجلس ... دفعه واحده

۲۰۹

ابراز نمودند   این بنده ... حفظ ... مأمورین واسطه بوجه توضیحات اشعار

نمودند و ... که برای تغییر توضیحات بر وفق حقوق ... گفته بود

در مجلس مجمره ذهاب ... دولت علیه از وجه توضیحات گفته شد!

بالا

بملاحظهٔ اینکه این تفاصیل و اصلاح عقاید در طرفین واسطه در رفع تقیت تبدیل توضیحات مخطوطه

مذکوره که از طرف دولت ایران تکلیف کرده ام مجمع در باب سوم بخلاف مجلد مجلس الله

مشتمل بر اشتباه تمامی خلاصه جداول از مبداء تا انتها در رد و ردی خطهای رسمیه مترجم و دیگر مجموعه

مجموعی برای دلیل آن که مرجع خط مجمع در باب تعیین مترجم و مجلس تقسیم نمود و دلایل

بتوضیحات را بطوری مشروح نمود که باز دلیل معتبر شروط توضیحات از طرف ایران

نشود تعیین خط حدودی این بیانات و دلایلی که در ضمن ملاحظه احتیاجات ایشان ام

عبارت از ملاحظه ترکی است که بفارسی و فرانسه نیز ترجمه شده است یعنی

املای ملاحظه جا بکه انتقال در جهت بیت است) بران شد بزبان ترکی بوده

نکات مطلب بزبان ترکی بیان شده بسهولت معلوم عثمانیه بود و ترجمه آن را

بزبان فارسی خود متصدی گردید که نکات مقصوده بسبب ترجمه بفارسی فوت

گشته حتی الامکان نکات مندرجه در ترکی را کاملاً و صحیحاً بفرانسه نیز

ترجمه در صورت آن با مرزبین واسطه ماهر شد بعد از بیان نظر در ملاحظه آنها

از طرفین مرجع مقتضی بعلی منصفانه ایشان خواهد بعد از رسیدن مطلع کار و حد گمانی

تام از ورود طرفین مقی و در مجلس آتیه بعمیدون مخلوطه از اشتر و حالی تا مطلبها

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل ۲

اسناد سرحدی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش اول

اسناد سرحدی آذربایجان

شمارهٔ سند: ۱۸۱
موضوع: در مورد طائبات و یارم‌قیا
تاریخ: ۱۹ ذی‌قعده‌الحرام ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷ (نوشته‌های قدیم)
پرونده:

نامهٔ وزیرمختار دولت عثمانی به میرزا آقاخان نوری صدراعظم

جناب امجد اشرف ارفع محبان استظهار امشفقامکرما معظّما

از قدیم تا به حال ناحیات طائبات و یارم‌قیا که مال موروث و ملک صحیح حضرت شاهنشاهی است، گاه گاه از طرف علی خان حاکم ماکو مغایر اصول دولیه و منافی قواعد مرعیه متداوله نسبت به اهالی ناحیات مزبوره واقع می‌شد تا سه ماه قبل بر این مداخله‌اش بالکلیّه منقلب تصرفات شده حتی از اهالی ناحیات مزبوره به غیر حق بدهی مطالبه کرده است. این دفعه از جانب سنّی الجوانب دولت متبوعهٔ مفخمهٔ معظّمه، دوستدار اشعار و بعد از این به این مقوله موادّ یعنی تا هنوز به مسئلهٔ حدود قرار دولتی داده نشده خود به خود مداخلهٔ خان مرقوم حسن سلوک چندین سالهٔ دولت ایران را و اتّحاد و مودّتی که در نزد سلطنت سنیه و عند دول متفقهٔ معظمه جلب سازش و تحسین کرده است، محو خواهد کرد. علاوه بر این تحصیل منافع آن اتّحاد و حسن سلوک را هم بعد بعُدٍ تمام می‌کند و به این سبب در ضمن ممانعت خان مرقوم را از این کیفیت از حالا رسماً اخطار می‌نماید و بعد از این هم دوستدار منع مداخلهٔ خان مرقوم را از تعدیات مذکوره به اهالی ناحیات مزبوره و اعادهٔ جریمه را که به نام بدهی گرفته است از همت

امنای دولت مشارالیهم خواسته و جلب تزاید وقت ایشان را می طلبد، زیرا که در حین مراجعت مأمورین دول متوسطین و مرخصین طرفین که عبارت از جناب جلالت مآب درویش پاشا ومقرب الخاقان میرزا جعفرخان مشیرالدوله باشد، ناحیات مزبوره مثل سایر ممالک محروسهٔ شاهانه در ید تصرف دولت علیهٔ عثمانیه بوده در این صورت جایز نبودن مداخلهٔ خان مرقوم برای موروث و ملک صحیح سلطنت سنیه بلاسبب و بدون حق لازم التعریف نیست.

مثلاً از برای مقابلهٔ حرکات خان مرقوم اگر دولت علیه هم به یکی از ممالک ایرانیه مداخله بکند، حق دارد.

امّا سلطنت سنیه این خصوص را ابداً قبول نمی‌کند به جهت اینکه منافی قواعد دول معظمه است. در این صورت البته دولت ایران هم چنین حرکات را هرگز قبول نمی تواند کرد الحاصل این حرکات علی خان در انظار کافهٔ دول متمدنه، غیر مستحسن است. بر فرض محال مذکوره متنازع فیه بودنش هم لازم بیاید باز محتاج به قرارداد دولتین است. با وصف این مراتب به ظهور آمدن چنین حالات مغایر قوانین مشترکهٔ دول در این وقت بجز استفادهٔ از وقت حرب معنای دیگر نخواهد داد و حال اینکه نظر به سلم و مصافات دولت ایران که به دلایل واضحه تا به حال به دولت علیه اثبات کرده است، اتحاد فرصت به خاطر نیاوردنش آشکار است باز قباحت در خان مومی الیّه است در این تقدیر در ضمن محافظهٔ مسالمات طرفین تکه بر خان مرقوم و اعادهٔ مبلغ مزبور را و دست برداشتن از مداخلهٔ بی حق یا حساب مزبوره با اوامر ایجابیهٔ مقتضیهٔ جناب امجد اشرف که حاوی به مرتکب نشدن فی مابعد به این مقوله فضاحت است، خواهش دارد و به این ذریعه به ابراز احترامات متمایزه مسارعت می نماید. فی ۱۹ شهر ذیقعدة الحرام ۱۲۷۱

حاشیه: نوشتهٔ صدراعظم میرزا آقاخان نوری

جواب این را به این نحو باید بنویسید: اولاً دامباتی و یارم‌قیه هیچ وقت در تصرف دولت عثمانیه نبوده است، اگر هم در ایام سلاطین سلف مداخله کرده باشند به آنجا دلیل نمی شود که حق دولت عثمانیه بوده، چرا که در ایام جنگهای قدیم گاهی دولت ایران دیار بکر می رفت گاهی پاشایان روم به تبریز می آمدند.

از ایام خاقان مغفور و نایب السلطنهٔ مرحوم که سرحدات دول به قرارهای محکم دوستی مضبوط شد. تائبات و یارم‌قیه در تصرف حاکم ماکو بوده الا الآن.

از این گذشته قطور که ملک طلق دولت ایران است دولت روم بی‌سبب چرا غصب کرده، با وجود جمع مأمورین سرحد هم تصدیق کرده‌اند که ملک صریح ایران است، تجاوز و خلاف عهد بین دولت روم در اینجا اظهر من‌الشمس است.

وقتی که دولت ایران موقتاً در دوستی و جهته جامعه سکوت بکند در باب قطور و این قدر حفظ دوستی روم را طالب باشند بسیار بعید است، لذا اولیای روم که این دوستی را نفهمند و بخواهند تجاوز خود را زیادتر بکنند به این معنی که تائبات و یارم‌قیه را که ملک طلق ایران است هم خیال تصرف و مداخله داشته باشند.

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۲

موضوع: محال سردشت

تاریخ: ۱۲۷۱ هـ.ق

کارتن: ۷

پرونده: ۵

نامهٔ حشمت‌الدوله به اتابک اعظم

جناب جلالت‌مآب اجل اکرم اتابک اعظم دام مجده را زحمت می‌دهد. بودن محال سردشت در دست حسین‌خان مایه آبادی آنجا شده است بخوبی از عهدهٔ مالیات برآمده و می‌آید و ادّعای کسر مالیات نیز نمی‌کند، اگر اولیای دولت قاهره صلاح دانند که من‌بعد نیز کمافی السابق در دست او بوده قسط به قسط مالیات خود را بدهد البته بر آبادی آن محال خواهد افزود و لِله محاله باقی الایام جلالت مستدام باد.

جناب جلالتمآب اجل اکرم اتابک اعظم دام مجده العالی ... بودن جمال سرشت

در دست حسن خان ... مایه ... اجحاف ... بشود از عمده مالیات

بر آمده و می آید و اعمال مالیات نیز کم کنند اگر او ... دولت

و با هر صلاح دانند در عرض نیز کم ... در دست او ... نقطه

مالیات خود را بدهد البته برای ... خواهر ... والله ... السلام

شمارهٔ سند: ۱۸۳
موضوع: محال سردشت
تاریخ: ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

نامهٔ ناصرالدین شاه به وزیر خارجه

وزیر خارجه

سواد تلغرافی که به رضابیک کرده‌اند، دیدم رفتن رضابیک حالا به سرحدات ساوجبلاغ و سردشت در زمستان، اگر شما و سردارکل و معتمدالدوله صلاح می‌دانید بسیار خوب برود و تحقیق کند موافق دستورالعمل خودش. والّا بیاید طهران در اینجا حرکات خلاف حمزه‌آقا... را اگر بتوانید مسجّل بکنید بهتر است، در هر صورت با سردارکل و مستوفی الممالک، امین الدوله، معتمدالدوله مخصوصاً گفتگو بکن هر قسم مصلحت دانستید حکم بدهید معمول دارند من چیزی حالا به خاطرم نمی‌رسد.

وزیر مالیه

سواد تلگراف رمز برخلاف بیگلربیگی ... شده‌ام

رئیس ... حالیه ... جهات ... و ... دولت

در زمستان اگر ... بردارکش و معتمد الدوله

ملاحظه ... رجوع و تحقیق که موافق دستورالعمل معمول

داشته باشید ... در ... حرکات ... اگر

شوند ... در هر صورت ... بردارکش

و ... الدوله معتمد الدوله ...

شمارهٔ سند: ۱۸۴
موضوع: در مورد طائبات و یارم‌قیا
تاریخ: ۲۴ ذیقعده‌الحرام ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷ (نوشته های قدیم)
پرونده:

نامهٔ وزیرمختار دولت عثمانی به میرزا آقاخان نوری صدراعظم

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظهار مشفقا مکرما معظّما

یک قطعه نوشتهٔ جناب صدارت پناهی که این دفعه به تاریخ ۲۰ شهر ذیقعده‌الحرام سنهٔ ۱۲۷۱ در جواب مراسلهٔ دوستدار مرقوم داشته بودند، به دست اعزاز واصل شد. نظر به استفادهٔ مآل آن گذشته از بعض فقرات غیرلازمه تا حال خالی از ابراز نکردن سلم و مسالمات دولت ایرانیه به سلطنت سنیه در چنین وقت حرب و جدال از مدّعای واهیه دست خواهند برداشت پارهٔ مسائل متروکه را نیز به میانه نیاوردن فهمیده شده بود، لیکن دولت ایرانیه در این خصوص باز خلف وعد نمود زیرا حکایتی مثل طائبات و یارم‌قیا که مادّهٔ ناصواب سه چهار ماهه را با القآت و ارآت بی دلیل یک شخصی مثل علی‌خان ماکویی با بحث از زمان مرحوم سامی افندی که بیش از سه چهار سال سفیر دولت علیه بود، اصرار کسب حق مناسب نیست در احوال حاضره این خصوص یعنی به وعد دست برداشتن از این مقوله دعاوی و مسائل بالکلیه منافی است. علاوه بر این مواعید مذکورهٔ خیرخواهانهٔ دولت ایرانیه به سلطنت سنیه نه تنها به سفارت سنیه معلوم است بلکه با سفرای سایره که نزد اعلی حضرت شاهی است و عند دول موجوده جهان نیز واضح و آشکار است در این تقدیر اگر حالا دولت ایرانیه با اتباع اغفالات علی‌خان در مادّهٔ طائبات و یارم‌قیا در باب ابطال حق سلطنت سنیه اصرار بکند، عدم ثبات امنای ایرانیه را اثبات می‌کند.

علی هذا بنا بر مآل نوشتهٔ مورخهٔ هشتم شهر ذیقعده دوستدار که حاوی بر خواهش دوستار در کف ید نمودن علی‌خان از محالات مذکوره و فیها بعد به این مقوله اصرار بی‌فایده و به خاطر نیاوردن استفادهٔ از وقت حرب و اعادهٔ مبلغ مزبوره که به نام بدهی از اهالی محالات مرقومه دریافت کرده است، بود. این دفعه هم در این باب ارسال

تعلیمات لازمه به خان مرقوم بیان می نماید که حتی خواهش دوستدار حاصل شود و دوستار مزاج حکمت امتزاج اعلی حضرت شاهی را چنین می داند که نیات خالصه و افکار مخصوصه شاهیش که عبارت از ابراز مخادنت و مصافات نسبت به سلطنت سنیه است در چنین وقت اگر در کیفیت طائبات و یارم‌قیا غوررسی فرمایند ابدا به اصرار امنای ایرانیه در این باب قایل نخواهند بود، بنابراین دوستدار را به قدر سر مویی شبهه نیست که پس از مطالعهٔ نوشتهٔ دوستدار من البدوالی الختم حق سلطنت سنیه را تصدیق خواهند فرمود. حرر فی ٢٤ شهر ذیقعدة الحرام ۱۲۷۱

جناب اشرف امجد ارفع [illegible] [illegible]

کاغذی که نوشته جناب صدارت پناهی که این دفعه بتاریخ [illegible] شهر ذی‌قعده الحرام [illegible] در جواب مراسله دوستدار مرقوم و ارسال نموده بودند

رسید اعزاز و احترام [illegible] ملاحظه شد [illegible] آن که [illegible] از بعضی فقرات [illegible] [illegible] اصرار [illegible]

و مسائلات دولت ایرانیه بسلطنت سنیه در چنین وقت [illegible] از [illegible] خواهند برداشت

بایره مسائلی شده که [illegible] فقره [illegible] لکن دولت ایرانیه در این خصوص باز ضعیف [illegible]

زیرا [illegible] بایرم [illegible] را با التفات و [illegible]

شدن [illegible] از زمان مرحوم [illegible] از عهد [illegible] سفیر دولت [illegible]

کسب حق [illegible] در احوال [illegible] این خصوص [illegible] از این [illegible]

بالکلیه [illegible] علاوه بر این مراعات مذکوره خیرخواهانه دولت ایرانیه بسلطنت سنیه [illegible]

معلوم است [illegible] که [illegible] اعلیحضرت شاهنشاهی [illegible] جهان [illegible]

[illegible] اگر [illegible] دولت ایرانیه با اتباع [illegible] عثمانی در [illegible]

ابطال حق سلطنت سنیه اصرار [illegible] عدم [illegible]

دوستانه [illegible] عثمانی [illegible]

فایده [illegible] از وقت [illegible]

[illegible] این دفعه هم در این باب [illegible]

حاصل شود [illegible] امتزاج اعلیحضرت شاهنشاهی [illegible]

[illegible] عبارت [illegible] حق [illegible] سلطنت سنیه [illegible]

[illegible] ایرانیه در این باب [illegible]

شبهه نیست [illegible] حق سلطنت سنیه [illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۵

موضوع: تعیین حدود طائبات و یارم‌قیه

تاریخ: سلخ جمادی‌الاول ۱۲۷۳ هـ.ق

کارتن: ۸

پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به صدراعظم (میرزا آقاخان)

جناب امجد اشرف ارفع محبان استظهارا مشفقا مکرما معظما

کاغذی که دوستدار در تاریخ ۲۳ شهر جمادی‌الاولی نوشته بود از جانب وزیر امور خارجهٔ دولت ایرانیه، جناب جلالت‌مآب نبالت و فخامت انتساب میرزا سعیدخان در تاریخ ۲٤ شهر مزبور جوابش رسید و از مضامین آن تا آخر استحضار کامل به هم رسید چون که طامبات و یارم‌قیا احتیاج به تعیین و تشخیص جدید نمی‌خواهد که ملک دولت علیهٔ عثمانیه است و یا ملک دولت دیگر همان تعیین اثبات جناب جلالت‌مآب سعادت اکتساب درویش پاشا کفایت می‌کند دوستدار در این باب گفتگوی زیاد را تجویز نمی‌کند تنها اساس مطلب را در دست گرفته جواب مختصری به فقرات جوابنامهٔ خان معزی‌الیه می‌دهد. اولاً بعد از مراجعت قمسیون حدود محالات مذکوره در ید تصرف دولت علیهٔ عثمانیه بود در هنگام محاربهٔ سابقه که به عنایت الله تعالی به صلح انجامیده است. عساکر دولت فخیمهٔ روسیه بعد از آنکه از بایزید بیرون رفتند عساکر دولت علیهٔ عثمانیه هنوز به بایزید داخل نشده بود که حاکم ماکو عالی‌جاه علی‌خان از تصرف محالات مذکوره برآمده است، در این حالت جناب معزی‌الیه وزیر دول خارجه کلمهٔ انتهاز فرصت را که نسبت به دولت متبوعهٔ معظمهٔ دوستدار داده بودند دیگر نمی‌داند در این خصوص کدام طرف انتهاز فرصت نموده است، دولت علیه عثمانیه اصلاً و قطعاً هیچ‌وقت انتهاز فرصت در حق هر دولت همجوار نکرده و نخواهد کرد چون شانس ارفعتر از انتهاز فرصت است، دوستدار هم نخواسته بود که کیفیت مملحه زورباطیه و تورساق را که سلطنت سنیه با مشاغل سفریه و غوایل حربیه گرفتار بود دولت ایرانیه بی‌وجه و سبب و بی‌اخبار و اشعار وبدون حق آمده ضبط نموده اگرچه پس گرفتیم بحث نماید الحاصل سلطنت سنیه بنا به دوستی دولت ایرانیه موقته در باب یارم‌قیا و طامباط حرف نزده **بود**

ولی پیش از این صبر و سکوت نمی‌تواند بکند این اشعار دوستدار هم به جهت حفظ مسالمات و موادنات و مصافات است که خبر نداده اگر از جانب سلطنت سنیه محالات مذکوره را که ضبط بکنند بلکه از جانب حاکم ماکو ممانعتی و یا معاذاله منافی دوستی حرکتی صادر بشود و آخرش به نقار و برودت بکشد از آن جهت است که اعلام و اخبار می‌کند البته آن جناب امجد اشرف هم قول دوستدار را که عاری از صدق خلوص نیت تصدیق فرموده در خصوص تخلیهٔ محالات مذکوره به حاکم مومی الیه تعلیقه مؤکدی خواهند فرستاد زیاده زحمتی ندارد. حرر فی سلخ جمادی‌الاولی ۱۲۷۳.

محل مهر: السید حیدر

جناب اجل اکرم اشرف ارفع مجدت‌نشان شهامت و سعادت و عظمت‌نشان دوستان مهربانا

کاغذی که دوستدار در تاریخ ۲۳ شهر جمادی الاولی نوشته بود از جانب وزیر امور خارجه دولت ایرانیه جناب جلالتمآب

میرزا سعید خان در تاریخ ۲۴ شهر رجب المرجب رسیده و از مضامین آن تا آخر استحضار کامل به هم رسید چونکه جنابعالی

در باب رحمت قیا احتیاج به تعیین و تشخیص حد نمیخواهد که ملک دولت علیه عثمانیه است یا ملک دولت دیگر امکان تعیین آن

جناب جلالتمآب سعادت کتبت ... دیروز پاشا کفایت میکنند دوستدار در اوایل گفتگو نشان داده و انجمن را نمیکنند تنها

اساس مطلب را از دوست گرفته جواب مختصری به فقرات حضرات ... خان سفیر الیه میدهد و لابد از مراتب تفصیل آن

حدود محالات مذکوره در حد تصرف دولت علیه عثمانیه بود و به انتظام مجاری سابقه که به عنایت ایزدی متعالی انتظام

انجام یافته است عساکر دولت فخیمه روسیه بعد از آنکه از بایزید بیرون رفتند عساکر دولت علیه عثمانیه هنوز به بایزید

داخل نشده بود که حاکم ماکو علی خان از تصرف محالات مذکوره بر آمده است در این حالت جناب سفیر آن دولت

وزیر مختار مکلمه انتهاز فرصت را که نسبت به دولت متبوعه معظمه دوستدار از جمله مقبول دیگر نشمرده اند در این خصوص کرام

خلاف انتهاز فرصت نموده است دولت علیه عثمانیه اصلا و قطعا به هیچ وقت انتهاز فرصت در حق امور دولت همجوار

نکرده و نخواهد کرد چون شأن ارفع را از انتهاز فرصت است دوستدار هم نخواسته بود که کیفیت مطلب به طور مطلوبه

و نورساق را که سلطنت سنیه با مشاغل سفر و غوائل حربیه گرفتار بود دولت ایرانیه بلا وجه و سبب

و بعد اخبار و اشعار بدون حق آمده ضبط نموده اگر چه پس گرفتن آن بحث نماید آگاهی سلطنت سنیه

نامه دولتی دولت ایرانیه موقته در باب بایزید قیاد طالب مطالبه حرف نزده بود ولی پیش اولیای ایران صبر

و سکوت نکرده اند تکیه این اشعار دوستدار هم به جهت حفظ مسالمات و موادات و مصافات ...

که خبر داده اگر از جانب سلطنت سنیه محالات مذکوره را که ضبط بکنند بلکه از جانب حاکم ماکو آن نسبت

محالات و ما بعد از آن ... حرکت صادر شود و آخوش ... در بعوث بکنند از آن جهت

که اعلام و اخبار بکنند البته آن جناب اجل اشرف هم قدر دوستدار را که عاری از صدق و خلوص

نیست تصدیق فرموده در خصوص تخلیه محالات مذکوره به حاکم مرزی اکیداً تاکید ... فرمایید و زیاده زحمتی نداد

فی ۲۴ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۲

شمارهٔ سند: ۱۸۶

موضوع: دستورات ناصرالدین شاه به سپهسالار اعظم

تاریخ: (احتمالاً ۱۲۷۳ هـ.ق)

کارتن: ۸

پرونده: ۵/ح

جناب سپهسالار اعظم

نوشته‌جات میرزا محب‌علی و معین‌الملک را همه را خاندم [خواندم] آنچه لازم است بزودی جواب نوشته شود و بعضی مطالب را تلگراف بکنند. سواد فرانسه و ترکی العباره را ترجمه کرده بفرستید ملاحظه شود با سایر نوشته‌جات. در فقرهٔ سرحد حقیقتاً اصل مقصود و منظور شما و مأمورین شما همان اساس مذاکره به عهدنامهٔ ارزنة‌الروم بود و هست که رسماً از دول فرنگ و سفرای طهران و...* و به شما اعلام شد و در حقیقت گذشت حالا درویش‌پاشای پوسیدهٔ پدرسوخته ادعای طهران را هم می‌کند نفهمیدم آن‌طوری که معین‌الملک نوشته است به ملکم و ساعدالملک تلگراف رمزی سختی بکنید که دولت روس و انگلیس را به حکمیت قطعی وادارند و در طهران هم اگر لازم است باز با طامسون انگلیسی و شارژ دفر روسیه حرف بزنید ان‌شاءالله طوری بکنید که این امر به خوشی بگذرد. در فقرهٔ معامله به مثل هم برای مقصر و ورشکست و غیره غیره مکرر به شما گفته‌ام که در طهران و ولایات سخت بگیرید و معامله به مثل را کاملاً اجرا دارید و البته همین‌طور خواهید کرد. در باب نشان خدیو مصر سابقاً نوشتم که نشان الماس صورت که در فرنگستان ساخته شد و به همهٔ بزرگان و ولیعهدان فرنگستان از همین نمره نشان دادید به خدیو هم بدهید حاضر است نشان ولایت صربستان و... را هم بدهید خرج تعمیر سفارت و تنخواههای ادعایی شیخ محسن‌خان که حقیقتاً ما را و همه را خفه کرد هرچه حق اوست عرض می‌کند بدهیم پول حق را چرا نمی‌دهم؟

* کلمهٔ خوانده نشده به نظر می‌رسد یک حالت اختصاری در نوشته‌های ایشان بوده و به مفهوم غیره باشد.

[illegible]

حضرت ابن سینا اعلم

نوشته قاب . سلیم مصیب عمر ایه عهد ام

ایشته بوزم

زعیف حقیقی نوشته شد و بعض مکاتب استدراف ایده

خزانه ترجیح الکتاب

سطر پیر تو ترجمه لغه نوشته مخطط اتمو . بابا نوشته

در نقطه سرحد حقیقتا اصل مقصد منظور و مأموریه اهل

ایام سیز اکده نامه ازینه الدوم لعود و ... زندگی

و سفرا جلال مع برای العلم که در حقیقت کند حالد درونی بیال

یو ... سرگذشته ادعا جلال عز تقدیم

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۷

موضوع: گله‌مندی قونسول روس از حرکات خصومت‌آمیز اهالی ساوجبلاق و سردشت نسبت به دولت روس و کمک به عثمانی

تاریخ: ۱۳ مه ۱۸۵۴

کارتن: ۷ (نوشته‌های قدیم)

پرونده:

ترجمهٔ نامهٔ اینچکوف صاحب به نواب فیروز میرزا حکمران آذربایجان

چند روز قبل از این به توسط عالی جاه مقرب الخاقان حاجی میرزا محمدخان، دبیر مهام خارجه نواب والا را مطلع ساخته بود که در ساوجبلاق آشکارا حرکات بسیار خصومت‌آمیز نسبت به ما معمول و مرعی می‌شود. عمربیک که از جانب سردار کل در سردشت مباشر است، سرب و باروت به ولایت عثمانیه می‌فرستد، اهالی مرگری و دریمه در حوالی سردشت پیوسته مشغول‌اند که به آنجاها آهن تفنگ و هر نوع آلات حربیه به توسط کسان مقرب الخاقان عزیزخان روانه کنند. قاضی یوسف، ملاّیی است که در سردشت می‌نشیند و در آنجا اعتبار زیادی دارد، آشکارا آنجا جهاد را بر خلاف دولت روس تکلیف می‌نماید، بیروت‌آقا ولد حمزه آقا مباشر لاهیجان و مباشرین مکری از جمله آنها یک نفر قادرآقا ولد عباس به سمت دولت عثمانیه تفنگ و خنجر و سایر چیزها می‌فرستد و این همه از راه سردشت به توسط آدمهای امیرالامراء العظام سردارکل رو می‌دهد، بنای علیهٔ نواب اشرف والا به امکنه مزبوره چند نفر اشخاص مخصوصه از برای رفع بی‌حسابی مسطوره مأمور فرمودند و مخلص امیدوار است که احکام نواب اشرف والا مجری خواهد شد از برای رفع شبهه‌ها که کارگزاران اینجا در باب حقیقت شهرتها که به من رسیده بود، ظاهر فرمودند. مخلص بر خود لازم می‌دانم که به نوّاب اشرف والا اظهار بدارم که دیروز آدمی که من بخصوصه به ساوجبلاق روانه کرده بودم، مراجعت کرده است و اخباراتی که از برای مخلص آورده است فقط نه تنها آنچه که سابقاً اشاره شده بوده است تصدیق نمود، بلکه حتی تفصیلات دیگر هم اظهار داشته است که آنها را نیز لازم می‌دانم به اطلاع نواب اشرف والا برسانم. در این اوقات در سردشت دو باب دکان مخصوصه باز نمودند و در آنها شب و روز مشغول‌اند که تفنگ و آلات حرب ساخته به

ولایت روم بفرستند. به غیر از قاضی یوسف در سردشت، نواب او ملاّ ابراهیم و ملاّ عبداله مردم را به جهاد تکلیف می‌کنند و قاضی ساوجبلاق شیخ صمدالدین نه تنها مردم را بر خلاف ما تکلیف می نماید، بلکه اکراد را بر این وامی دارد که از برای دوام دولت سلطان عبدالحمید دعا بخوانند، قطع نظر از آدمهای مقرب الخاقان عزیزخان برادرزادهٔ او پاشاخان سرتیپ از ساوجبلاق به خاک روم یک صد و شصت بار سرب و باروت فرستاده است. به غیر از عمربیک در سردشت همچنین نزد عیال سردارکل یک نفر کلیله نام در آنجا می باشد که مباشرِ هشتصد خانوار با او است و مشارالیه دو هزار نفر اکراد را جمع آوری نموده است که برخلاف ما به عثمانی ها کمک نماید و متقبل شده است که به پول خود از برای آنها غلّه روانه نماید و به همین قدر جمعیت هم او از پایور آقای دالکن لو که درسرحد دولتین ایران و عثمانلو است خواسته بود، لیکن تا به حال بی فایده ماند. غلّه را با وجود حکم و قدغن اعلی حضرت پادشاهی کمافی السابق بلامانع می برند و در این کار خصوصاً دخیل اند. قادرآقا، معرف آقا، مولاناآقا و سردارآقا، نواب اشرف والا البته باور خواهند نمود که این اعمال خصومت‌آمیز نسبت به ما که مسطور شده است بعید و غیرمطابق است با دوستی که فیمابین دولتین برقرار است و با آن اظهارات ودادآمیز که از امنای دولت ایران به امنای دولت روس می رسد آن نواب والا هم تصدیق نخواهند نمود که اگر زیاده از این، این اعمال خصومت‌آمیز را متحمل شوند این دلیل بر تحسین آنها از جانب کارگزاران اینجا خواهد بود. لهذا از نواب اشرف والا متوقع است که مجدداً به ساوجبلاق و سردشت و لاهیجان و سایر امکنه که اشاره رفته بود، احکام محکم صادر و روانه فرمایند که عمربیگ و کلیله و قاضی یوسف و ملاّ ابراهیم و ملاّ عبدالله را دور نمایند. و همچنین جمع آوری اکراد را موقوف نموده، نگذارند که تفنگ و آلات حربیه و غله به خاک روم ببرند. از برای اجرای احکام آن نواب والا، البته لازم خواهد شد که آدم معتبری که به او اطمینان توان داشت، روانه شود، مخلص امیدوار است، که انکاری نخواهند داشت که چنین شخصی را از صاحب‌منصبان و کارگزاران خود انتخاب فرمایند. مخلص منتظر است که جوابی را که در باب قرارداد امورات مسطوره قرار خواهند گذاشت بزودی قلمی و مرقوم فرمایند. زیرا که مخلص امروز آدمی بخصوصه در باب این امر روانه دارالخلافه می نماید و مراتب آن را نیز به عرض وزارت امپراطوریه در پطرزبورغ خواهد رسانید. بناء

علیه لازم است که مخلص علاوه نماید کدام تدبیرات را به کار برده‌اند. کارگزاران دولت ایران که نزدیک اند به کردستان و که از قرار اختیاری که از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت پادشاهی به عهدهٔ ایشان مفوض است، می توانند زودتر از سایرین اهتمام بفرمایند در باب منع و دفع اعمال عداوت‌آمیز رعایای ایران نسبت به دولتی که فی مابین او و دولت ایران صلح و روابط دوستی برقرار است.

ترجمه شرحی است که جناب انجکیف صاحب نواب ... [illegible] ... نوشته اند

چند روز قبل از این توسط ... معتمد ... حاجی میرزا محمد خان ... [illegible] ... مطلع شده بود که در باب ... حقوق

حرکات ناشایسته ... حضرت ... نسبت ... [illegible] ... در سرحد ... مباشرت ...

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۸

موضوع: اظهار خوشوقتی کفیل جنرال قونسولی روس از اقدامات فیروز میرزا حاکم آذربایجان در تمشیت امور خواسته شده

تاریخ: ۲۲ مه ۱۸۵٤

کارتن: ۷ (نوشته های قدیم)

پرونده:

ترجمهٔ نامهٔ کفیل جنرال قونسولگری روس به نواب والا فیروز میرزا حکمران آذربایجان

از برای تکمیل شرح جنرال اینچکوف که در ضمن آن جناب شارژ دفر به نواب اشرف والا اظهار داشته بود. بعضی اخبارات که به جناب معزی الیه از ساوجبلاغ و سردشت رسیده بود، مخلص خوشوقت است که به اطلاع نواب مستطاب اشرف والا برساند که موافق اخباراتی که چندی قبل از این از آن صفحات به مخلص رسیده است، تدبیرات حکمت آمیز که سرکار شوکتمدار به کار برده اند از برای اجرای فرمان پادشاهی در خصوص قدغن نبردن غلّه و ماکولات به ممالک عثمانیه نتایج خوب داشته چون به کارگزاران آنجا قویاً خاطرنشان کرده است از صدور فرمانی و وجوبی که بر طبق مضامین آن اطاعت شود، حضور آدمهایی که نواب اشرف والا به ساوجبلاغ روانه فرموده بودند، هرچند این معامله را که خلاف ارادهٔ سنیهٔ اعلی حضرت پادشاهی است، موقوف نکرده است. اما اقلاً باعث آن شده که از برای عمل آوردن آن اشکالی به هم رسیده است. من زیاد می دانم مصدع اوقات شریف نواب اشرف والا بشوم در باب تکرار دلایلی که جناب شارژ دفر اظهار داشته بود تا که نواب والا تدبیرات مؤثره را به کار ببرند، از برای عمل آوردن حکم همایون اعلی حضرت پادشاه ناصرالدین شاه که بالمره مطابق است با آن کمال دوستی و اتحاد که فی مابین دولتین برقرار است، لیکن مخلص فرض خود می داند که ماجرای بسیار عمده را به عرض نواب اشرف والا برساند که به واسطهٔ ضعف حاکم ساوجبلاغ رو داده است و آن مراتب به نظر جمعی کثیره که از مخلص کمتر متقاعد می باشند، از دوستی دولتین روس و ایران می توانست شبهه های بسیار ملالت انگیز بر پا کند. در اواخر پاییز سال گذشته، اقوام شیخ صالح که در همهٔ دهات محال ساوجبلاغ سلدوز منتشرند برخلاف ارادهٔ اعلی حضرت پادشاهی که به طور

صریح و بکرّات ابلاغ شده بود، جرئت کرده بودند که رعایای اعلی حضرت پادشاهی را تحریک نمایند که مداخلت در جنگ دولت عثمانیه با دولت روسیه نمایند و موعظهٔ ایشان بی اثر نمانده است به این نحو که خدر آقانام ساکن قریهٔ قوم‌قلعه نزد قشون عثمانیه چهل نفر سوار روانه کرده بود و هفت نفر از آنها در محاربه با عساکر ما مقتول گشته‌اند، روانه نموده‌اند. این نوع جمعیت بعد از آن هم با شهرت کمتر یا زیادتر سمت وقوع یافته بود. چندی قبل از این بعد از عید نوروز از سیصد تا چهارصد نفر از ساوجبلاغ عازم شده بودند به خاک عثمانیه به این بهانه که به زیارت مکه معظمه مشرف شوند، اما آشکارا مقصود معلومی داشته‌اند که به قشون عثمانیه ملحق شوند، این بخصوصه از دو نفر از علمای ساوجبلاغ شیخ عبدالرحمان و سیدابراهیم بوده که مداخله داشته‌اند به این موعظهٔ فتنه‌انگیز که با خیرخواهی اولیای دولت ایران مطابق نبوده است.

پس از وصل عبرت با مواعظ ایشان پیوسته در مدت زمستان از برای پول و سخت به خاک عثمانیه باروت و سرب و ماکولات می‌فرستادند. موافق عبرت ایشان جمعی کثیره با غیرت عمل نموده‌اند و از جملهٔ آنها من فقط در این باب اسم مشهورترین آنها را که در ساوجبلاغ مذاکره می‌شد، خواهم برد مثلاً حاجی عزیز، اسمعیل مشهور به اسم برادر حاجی حسن، کریم ملقب به استاد مولا، خدربیرمن فیض‌اله حاجی محمود، میرزا مصطفی ولد حاجی علی، عزیز آقاکور، میرزا عبداله ولد حاجی احمد، میرزا رسول ولد حاجی احمد لشکر، ابراهیم ملقب به نامسلمان و غیره. اسلحه و سایرین اشیا می‌بخشیدند به این طور که یک نفر نعل‌بند ساوجبلاغی حاجی الله نام در این زمستان هزار سوار نعل از برای سوارهای عثمانلو فرستاده است. به طور مؤثر معامله بردن غله به خارج اتفاق می‌افتاد و در این باب که حکم اعلی حضرت پادشاهی مجری نشده ظن را باید حمل کرد به ضعف حکومت کریم‌خان به این طور حاجی محمود ساکن قریهٔ نیستان واقعه در چهار فرسخی سردشت پدرزن عالی‌جاه پاشاخان پیوسته غافله با غله به سلیمانیه و به کرکوت [کرکوک] روانه می‌نماید. قضیهٔ مصطفی خیلی اتفاق می‌رفته که از ساوجبلاغ بارها با غله و نمک نزد پسر خودش که در سردشت سکنی دارد، روانه می‌کند. و گاهی نیز غافله با سرب و باروت نزد او روانه می‌کند و پسر مشارالیه این اجناس را به خاک روم ارسال می‌نماید. همهٔ این معاملات ظاهراً از حاکم ساوجبلاغ نمی‌تواند پنهان و پوشیده باشد چون اشخاص اطرافی او دخیل این معاملات هستند مثل

اینکه مباشر راهدار خانهٔ کریمخان و قپان‌دار رحمان برادر میرزا حسین نویسندهٔ کریمخان نمی‌توان هم تصور نمود که این معامله به طور مخفی یا بر سبیل اتفاق واقع می‌شود. اشخاص که در کل ساوجبلاغ معروف اند مثل شخیای دزری پسر خمسه چاوشته پیوسته مشغول است به راهنمایی و بردن خریداران روندوز به لاهیجان آقاعلی موصلی متصل از ابتدای ربیع الاول تا انتهای جمادی الثانی در مدت چهار ماه غافله‌ها با غله و نمک به خاک عثمانی می‌فرستاد و حاجی محمد حاجی مصطفی صد بار روغن به ارزنة‌الروم فرستاده است و بالاخره بیست و هشتم شعبان تجار از بولاق حمل و نقل کرده بودند، از خانهٔ بیر ملاواوغلی پنجاه بار نمک و ده بار غله از خانه معروف کوزی، از خانهٔ خمسه خبره پانزده بار غله و از خانهٔ مصطفی ده بار غله ، اگر من تشویق نداشتم که مصدع اوقات شریف نواب اشرف والا بشوم من می‌توانستم ده مقابل بیش از این تفضیلات نگارش دهم، لیکن به این اکتفا خواهم نمود، به نواب اشرف والا زحمت بدهم که در این اوقات حال عمده‌ترین تدارک غله در ساوجبلاغ نزد خواجه یوسف ارمنی رعیت ایران و کربلایی مهدی تبریزی و مشهدی محمود می‌باشد. لهذا از نواب اشرف والا متوقع است که به کارگزاران آنجا حکم فرمایند که مراقب و متوجه حضرات سابق الذکر بوده و از آنها التزام دریافت نمایند که فرمان اقدس مجری شود که غله به خارج نبرند و تجارها [تجار] که به خارج معامله دارند، نفروشند. این تدبیر از همه چیز بیشتر باعث آن خواهد شد که این معامله موقوف شود. بالاخره آنچه که باید به اطلاع نواب اشرف والا برسانم این است که چون بر من لازم است که همهٔ این مراتب را به عرض وزارت الامپراطوریه و سفارت روس برسانم من خیلی خوشحال هم می‌شدم که در همان وقت ایشان را متقاعد بسازم که خیرخواهی و فطانت نواب اشرف والا تدبیری پیدا کرده از برای رفع آن بی‌حسابی‌ها که من نواب اشرف والا را بر آنها ملتفت ساخته‌ام. لهذا اعتقاد مخلص این است که بزودی جواب قلمی خواهند فرمود در باب قراری که گذارده بودند در این خصوص از برای تقویت تدبیرات لطف‌آمیز که تا به حال به کار برده‌اند.

ترجمه مطابق با ا صل است

[illegible]

نوشته شد
نمره ۵۲۵
سنه ۱۲۵۴

ترجمه [illegible] که [illegible] جنرال [illegible] نوشته بود [illegible]

از زبان انگلیسی ترجمه [illegible] جنرال انگلیز [illegible] در ضمن آن جناب [illegible] فرستاده [illegible] سرفراز [illegible]

بعضی اخبارات که بجناب [illegible] الیه [illegible] خلیج [illegible] رسیده [illegible] مخصوص [illegible] است که

با اطلاع [illegible] سلطان [illegible] که موافق اخبار [illegible] خفیه [illegible] از این [illegible]

مخصوص رسیده است [illegible] حکمت آمیز که [illegible]

در خصوص [illegible] ممالک عثمانیه [illegible] خوب [illegible]

فوراً [illegible] که [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۹
موضوع: تنظیم نقشهٔ سرحدی طبق قرارنامهٔ ارزنة الروم
تاریخ: ۲۳ شوال ۱۲۷٤ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

سواد جواب کاغذ درویش‌پاشا از طرف جناب مشیرالدوله

دوست مکرما، شرحی که در بیستم شهر شوال قلمی فرموده بودید رسید مضامین آن بالتمام معلوم گردید، نوشتهٔ مزبور یک حسن تمام دارد که همهٔ فقرات آن خلاف واقع و حقیقت است از اول گردش تا امروز هر وقت که مخلص قدم به خاک متصرف فیه دولت علیهٔ عثمانیه گذاشته یک نفر از تبعه آن دولت پیش مخلص نیامده است تا شما بفرمایید که از طرف ما جمیع اسباب استکشاف در هر منزل حاضر و مهیا بود و اگر گاه گاهی از عشایر و تبعهٔ آن طرف آدم مخفی به پیش دوستدار آمده به حرف او مطلقاً گوش نکرده جواب داده است که ما به تحریک و تحریص و افساد و ترغیب تبعهٔ طرفین مأموریت نداریم تنها تنظیم خریطهٔ سرحد بر وفق قرارنامهٔ اخیره ارزنة الروم منظور ماست. به خلاف آن‌جناب که در هر جا و هر بلوک هرقدر توانسته است با وعد و وعید از تحریک و تحریص تبعهٔ طلق دولت علیهٔ ایران آنی آرام نگرفته به اغتشاش اهل سرحد کمال سعی و اهتمام را داشته و دارند گویا می‌خواهند که این سرحدات را هم به صورت قطور بیاورند. عبدالهادی مدیر باشقلان را با جمعی میان دهات صومای و چهریق و عشیره برای ترغیب و تهدید تبعهٔ مخصوص این طرف پراکنده کرده‌اید و الیوم در چهریق در پیش روی چادر این خیرخواه عوام بلباس عرض‌حال نوشته می‌گیرند همهٔ این فقرات از تواتر و حد شیوع گذشته مانند آفتاب معلوم هر کس گشته و مکرر حضرات مأمورین واسطه برای منع این نوع حرکات خلاف به خدمت عالی کاغذ نوشته مفید نگشته است. با وصف ثبوت اینها باز آن‌جناب نصیحتانه قلمی داشته‌اند که این گونه حرکات به شأن مأمور بزرگ لایق نمی‌آید انصاف این است که نصیحت به صاحب افعال مزبوره لازم و در کار است نه به این ارادتمند که درین مدت یک قدم کج برنداشته و به خلاف تکلم نکرده و یک روز از جناب مأمورین واسطه جدا نشده و برای تحریک مردم عوام به جای

خارج تردد ننموده و همیشه دو سه منزل عقب یا پیش نیفتاده، همیشه حرکت خود را مطابق مضمون قرارنامهٔ اخیره ارزنة الروم که در دو فصل آن جمیع احکام عهود قدیمه من اوله الی آخره در خصوص سرحد دولتین علیتین تغییر یافته ساخته است. در فصل دویم برای حدود سه ولایت معلوم تفصیل داده شده است و در فصل سیم طرفین در باقی اراضی ترک ادعا نموده و مأموریت مأمورین را برای قطع حدود مطابق فصل دویم آن قرار داده اند. این گردش و تحقیقات حالاتی برای تشخیص اراضی متصرف فیه طرفین و مشاهدهٔ وضع طبیعی و هیئت اراضی سرحد است و بس در این صورت از تحریص و تحریک و وعدهای گزاف نمودن یا تهدید کردن و یا نوشته کهنه و فرمان قدیم جمع نمودن بجز اغتشاش سرحد چه فایده خواهد داشت این نوشتجات و تحقیقات به مجالس ارزنة الروم مناسب بود حالا که تمامی سرحد به عبارتهای مبیّن و آشکار در دو فصل قرارنامه تعیین یافته است این گونه حرکات و خیالات از مثل آن‌جناب مأمور که به عقل و کیاست آراسته اند بی ثمر و دور به نظر می آید، شکر خدا را باید کرد که وکیل دو دولت بزرگ از اول تا آخر میان این کار هست و از احقاق حق اغماض نخواهند نمود والّا به این نوع رفتار آن‌جناب تمام شدن این امر اهمّ با سلم و صفا از جمله ممتنعات می‌گشت زیاده چه زحمت دهد. ۲۳ شوال در چهریق قلمی شد.

محل مهر: عبده‌الراجی الحسینی جعفر

[حاشیه: دستخط ناصرالدینشاه]

بسیار کاغذ خوبی نوشته است البته، البته تعریف این کاغذ را که من خیلی پسندیدم جناب صدراعظم به مشیرالدوله بنویسند و التفات ما را برسانند.

سواد جواب کاغذ درویش پاشا از طرف جناب مشیرالدوله

[illegible]

دوست مکرما شرحی در بیستم شهر شوال قلمی فرموده بودید رسید مضامین آن بتمام معلوم گردید نوشته بودید

یکجهتی تمام دارد که همه فقرات آن خلاف واقع و حقیقت است از اول کوشش تا امروز در هر وقت و مکان قدم

بجاهای متصرفه دولت علیه عثمانیه گذاشته ... تبعه اند دولت ... است تا ... دیده که از طرف

جمیع اسباب استکشاف در هر منزل حاضر و مهیا بود و اگر کارآگاهی از عشایر و تبعه آنطرف ... شده است

بحرف او ملتفت کوشش کرده جواب داده است که با تحریک و تحریص و افساد و ترغیب تبعه طرفین مامور نخواهیم

تنها تعلیم خریطه سرحد بر وفق قرارنامه اخیره ارزنة الروم منظور است بخلاف آنجناب که در هر جا و هر منزل هم قرار

نوشته است با وعده و وعید از تحریک و تحریص تبعه طوایف دولت علیه ایران آنی آرام نگرفته با عشایر اهالی سرحد

کمال سعی و اهتمام را داشته و دارد ۳۰ عبدالهادی مدیر شغلان را با جمعی سواران و سادات و ... برای

ترغیب و تهدید بر تبعه مخصوص آنطرف پراکنده کرده اید و البوم و ... در پیش روی چادر این خیرخواه عوام را

بلباس عرض حال نوشته میگیرند همه این فقرات از تقریر و حد شیوع گذشته مانند آفتاب معلوم همه کس گشته و مکرر

حضرات مامورین واسطه برای منع این نوع حرکات خلاف که نسبت علاحده نوشته تعقیب نکشته است با وصف

ثبوت اینها بر آنجناب نصیحتنامه قلمی داشته اند که اینگونه حرکات باشد با مرد بزرگ لایق نمی آید انصاف

این است که نصیحت بصاحب افعال مزبوره لازم و در کار است نه باین ارادتمند که در هیچ ... یکقدم کج برنداشته

و بخلاف تعلیم ... دیگر ... از جناب مامورین واسطه جدا نشده و برای تحریک عوام کاری خارج ... نموده و همیشه

در سه منزل عقب با ... همیشه حرکت خود را مطابق مضمون قرارنامه اخیره ارزنة الروم که در فصل اول

جمیع احکام عهود قدیمه ... از اول الی آخر و در خصوص سرحد ... تغییر واقعه ساخته است در فصل دویم برای حدود

سه ولایت معلوم تفصیل داده شده است و در فصل سیم طرفین ... اراضی ... نموده و مامورین را

برای قطع حدود مطابق فصل دویم آن قرارنامه ... این کوشش و تحقیقات حالیه برای تشخیص اراضی متصرفه فیها طرفین

و شاهد وضع طبیعی و هیئت اراضی سرحد است و بس در اینصورت از تحریص و تحریک و وعده های گزاف نمودن با تهدید ... گاه

و یا نوشته گرفتن ... جمع نمودن بجز اغتشاش سرحد چه فایده خواهد داشت ... این تحقیقات و تدقیقات مجلس ارزنة

الروم مناسب بود حالا که تمامی سرحد بعبارت ... و اشعار در فصل قرارنامه تعیین یافته است اینگونه حرکات

و خیالات از شان آنجناب و امور که بتفاوت و کفایت آراسته اند بعید و دور بنظر می آید شکر خدا را باید کرد که

وکلای دولت بزرگ از اول تا آخر میان این کار هست و از احقاق حق اغماض نخواهند نمود و الا ... فرار

آنجناب تمام شد این امرا هم ... از جمله ممتنعات میگشت زیاده چه زحمت دهد ۲۳ شوال ...

۳ کویا میخواهند که این سرحدات را هم بصورت قطور بیاورند

شمارهٔ سند: ۱۹۰

موضوع: گزارش موقعیت ولایات سرحدیهٔ آذربایجان

تاریخ: احتمالاً ۱۲۷٤ هـ.ق

کارتن: ۸

پرونده: ۵/ح

نامهٔ مهندس‌باشی به سردارکل

فدایت شوم، چون در ساوجبلاغ در ضمن فرمایشات مقرر فرموده که در ولایات سرحدیه آذربایجان آنچه ملاحظه نماید معروض دارد لهذا با وجود پریشانی حواس به عرض این چند فقره جسارت می نماید. اولاً خطهٔ لاهیجان که در استعداد محل و مکان و به حسب آب و ملک و هوا که در حقیقت ترجیح به اکثر جاها دارد و به این احوال حالیه که مشاهده می شود بماند همیشه خراب و مَکمَن اشرار خواهد بود مداخل ملکی و منفعت دولتی و انتظام سرحدی قبول نخواهد کرد و این مختصر مالیاتی هم که به هزار زحمت از ایل وحشی مامش دریافت می شود چند برابر آن را به دزدی و به سرقت از رعایای ولایات سرحدیه و از قافله و از مترددین خواهند برد، چنانچه عشایر پیران که در سمت کرمیان به اسم ییلاق از جبال سرحدیه تجاوز نموده به این طرف می آیند چندین پارچه دهات معتبر کهنهٔ لاهیجان را خراب کرده اراضی پرآب و علف و مواضع پرحاصل و پرمنفعت آنها را تصاحب نموده می چرانند و شتوی و صیفی می‌کارند حاصل و محصول آن را باالتمام برمی دارند و می رند [می روند] و نه حق المرتع می دهند و نه حق المزرع و علاوه بر آن مادامی که در این طرف سرحد و در خاک این دولت علیه هستند با عشایر این طرف نیز همدست شده به هر طرف بتوانند دست اندازی می نمایند حالا می‌گوییم که لاهیجان قلعه ندارد و حاکم مستقل و سرحددار معتبر و قوت لشکر موجود ندارد، ان‌شاءالله بعد از این رأی صوابنمای اولیای دولت قاهره ادام‌الله شوکتهم چه اقتضا کند.

ثانیاً: از آنجا که گذشت در جوارش محال اشنو و دشت و دشته پیل و مرکور است که حاکم و سرحددار و صاحبان املاک هم ارباب معتبر و هم به قدر مقدور قشون دولت دارد از عشایر کرمیان از روندات و غیره از یک ممر مخصوصی که محل عبور منحصر به همان جاست که سرچشمهٔ رودخانهٔ کادر باشد هرساله با کمال اطمینان و با

کمال جسارت پل چوبی می سازند و از آنجا می‌گذرند، هرجا زمین پرآب و علف و حاصل‌خیز و قابل آبادی چندین قریهٔ معتبر است، چرانیدن سهل است مثل املاک موروثی و ابتیاعی خودشان از شتوی و صیفی هر قدر در قوه دارند می کارند و تا مراجعت از ییلاق هر یک از حاصل زراعت به دست آمده است، می‌کوبند و می برند و هر یک به دست نیامده به رعایای این طرف اجاره می دهند و حاصل را تا بغداد می برند و به فروش می رسانند و علاوه بر آن چنانچه دیده و شنیده می شد از هرگونه دزدی و بی حسابی نیز فروگذاری نمی‌کنند و از این گذشته عشایر این طرف را نیز هرزه و جسور کرده‌اند و خواهند هم کرد و حق الارض و حق المزرع که قبل از اینها معمول بوده است بکلی متروک و موقوف داشته‌اند و مآل این گونه اعمال عشایر رومی را در این طرف سرحد که به هیچ‌وجه من الوجوه حق ندارند گویا تا حال به خیال نیاورده باشند که وقتی از اوقات ادعای ملکیت و گفتگوی دولتی خواهند کرد و دو روز فدوی متصل سوار شد و بدقت گردش نموده و بدقت ملاحظه نمود به قدر یک ثلث اراضی خوب و مرغوب محال اشنو و غیره را تا مرکور برسد که عشایر رومی الان و بالفعل متصرف شده معاملهٔ مالکانه می نمایند و همه را در نقشهٔ امیرزاده مهندس معین نموده است. اوقاتی که فدوی مأمور راوندوز شد علاوه بر دستورالعمل مخفیه ظاهراً گفتگوی عشایر کرمیان بود که با پاشای راوندوز گفتگو کرد، گفت آمدن آنها به ییلاق آن طرفها چه ضرر دارد علف بی مصرف کوهها را می چرانند و حق المرتع می دهند، گفتم دزدی و بی حسابی می‌کنند، گفت سرحدداران شما دزد را بگیرند و تنبیه کنند و اگر در قوه ندارند به من بنویسند و ایل‌بیکی تعیین کنند هر کس بی حسابی کند تنبیه نماید حالا از قراری که در هر جا می‌گفتند عشایر رومی شش ماه در این طرف سرحد با کمال شرارت و آزادی رفتار می نمایند چیز نمی دهند سهل است وقت مراجعت از ییلاق مال مردم را هم تاخت و تاز می‌کنند می برند و می‌گفتند کسی نمی تواند یکی را بگیرد و یا یکی را ممانعت نماید و یا یکی را تنبیه و سیاست کند و عشایر این طرف نیز مثلی است مشهور دزد بازار آشفته می خواهد و بعضی دزدی‌ها و تعدی و بی حسابی ها هم که در خوی و ارومی می شود و مردم بسیار شکایت داشتند آن را هم هیچ جهت ندید، مگر اینکه حکام تسلط ندارند عمال و مباشرین بسیار جری و جسور و یا سرکردگان همدست و همکار شده‌اند و علاج این هم یک حکم محکم از جانب شوکت جوانب بندگان عالی است که صادر بشود

امرکم مطاع.

محل مهر: مهندس‌باشی

[حاشیه:]

این کاغذ مهندس‌باشی که به سردارکل نوشته بدقت ملحوظ نظر اقدس همایون خواهد بود.

[دستخط ناصرالدین شاه:]

ملاحظه شد، همه را درست و موافق قاعده نوشته است در همهٔ این فقرات به سردارکل بنویس، چرا اهمال می‌کند و رفع همهٔ این عیوبات با اقتدار و تسلط سردارکل در آن صفحات خیلی آسان است البته رفع همه این عیوبات را کرده قرارهای محکم بگذارد و سواد این نوشتجات را هم در سلطانیه به نظر رسانید بلکه خود مهندس‌باشی هم در سلطانیه باید به عرض رسانید.

[illegible]

فقره نهم — چون در باب جلوگیری از [illegible] ضمن فرمایشات مقرر فرموده‌اند که در ولایات سرحدیه آذربایجان آنچه ملاحظه شده باید معروض دارد

لهذا با وجود پریشانی حواس بعضی از چند فقره جسارت می‌نماید اولاً ملاحظه لاهیجان در سنه [illegible] محل سکنای [illegible] آب و ملک [illegible] در حقیقت جمع

بالنسبه جاها دارد و هم از احوال [illegible] که مدت [illegible] تمام [illegible] خراب [illegible] هم از خرابی بعد [illegible] منفعت [illegible] مطلب [illegible] قبیله ... نخواهم

کرد و این مختصر را [illegible] بهار از زحمت [illegible] چند بار [illegible] سرقت [illegible] ولایات سرحدیه دارد فقره

دارند و دو نفر [illegible] در [illegible] در سمت [illegible] ییلاق [illegible] سرحدیه [illegible] مطلب [illegible] دهات

[illegible] لاهیجان [illegible] کرده [illegible] آب [illegible] و مواضع [illegible] منفعت [illegible] [illegible]

حاصل [illegible] اهتمام [illegible] حق المرتع [illegible] حق المرتع [illegible] از طرف سرحد [illegible]

[illegible] از طرف [illegible] به هر طرف [illegible] لاهیجان [illegible] مستقل [illegible] سرحد [illegible]

دولت [illegible] [illegible] آب [illegible] [illegible] [illegible]

محال [illegible] حاکم [illegible] صاحبان املاک [illegible] [illegible]

[illegible] مخصوص [illegible] [illegible] [illegible] جسارت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

از [illegible] ییلاق [illegible] [illegible] [illegible] مدت

[illegible] رعایای [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] حق الارض و حق المرتع

که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

حق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] مهندس [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۹۱
موضوع: تجاوزات مرزی قتور
تاریخ: ۲۲ رجب ۱۲۷۵ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و کفالت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

به قراری که معروض وکلای فخام سلطنت سنیه گردید، این اوقات به قدر چهل و پنجاه نفر سواره از ساخلو و مستحفظین بلدهٔ خوی در معیت نواب محمد رحیم میرزا به قریهٔ کوشک که داخل قضای قطور است ریخته اموال و اسباب و احشام و اغنام و سایر مایملکشان را نهب و غارت کرده و از اهالی آنجا اشخاص کثیره اسیر کرده و برده‌اند. معلوم حقانیت موسوم آن‌جناب است که این گونه حرکات تجاوزیه و تخطّیات غیرمجوزه از مأمورین و حکام و ولات طرفین که حسب الامر و نیت عادلهٔ دولت متبوعه خودشان نباید ذره از محافظهٔ عهود و شرایط دوستی و یک جهتی دولتین علیتین فروگذاشت نمایند وقتاً من الاوقات مقبول و مرضی نبوده و نیست بخصوص از برای منع تجاوزات حدود که در حالت استاتوقو می باشد موخراً قرار داده شده بود که مأمور مخصوص از طرفین مشخص شود حتی از جانب دولت علیه مأمور مذکور معین شده است آن هم که تأمینات رسمیه برای محافظهٔ آسایش و امنیت سرحدات و بقای استاتوقو بود با وجود اینها وقوع این گونه تجاوزات بجز اخلال نظامات حدود ثمری نخواهد بخشید و در حالت وقوع تجاوزات و بی مبالاتی تسویهٔ آن فرض ذمت اولیای طرفین خواهد بود، بنابراین از آن‌جناب مشفق مکرم خواهش می رود که اولاً از نواب معزی‌الیه که بالّذات به قریهٔ کوشک رفته بودند و آن هم مغایر صفت مأموریت ایشان است تکدیر و تعزیر به عمل بیاید و بعد از آن از مرتکبین به مقام مؤاخذه و مجازات برآمده اموال و اسباب منهوبه را تماماً و کمالاً مسترد و عاید صاحبان اموال نموده اسرایی که برده‌اند همه را رد و تسلیم مأمورین دولت علیه نمایند و بعد از این احکام اکیده به مأمورین سرحدات صادر شود که این گونه حرکات نامرضیه به ظهور نیاید سفارت سنیه منتظر حسن تسویه و اتمام این خصوص است. زیاده

زحمتی ندارد. حرر ۲۲ شهر رجب المرجب ۱۲۷۵

محل مهر: محمد توفیق

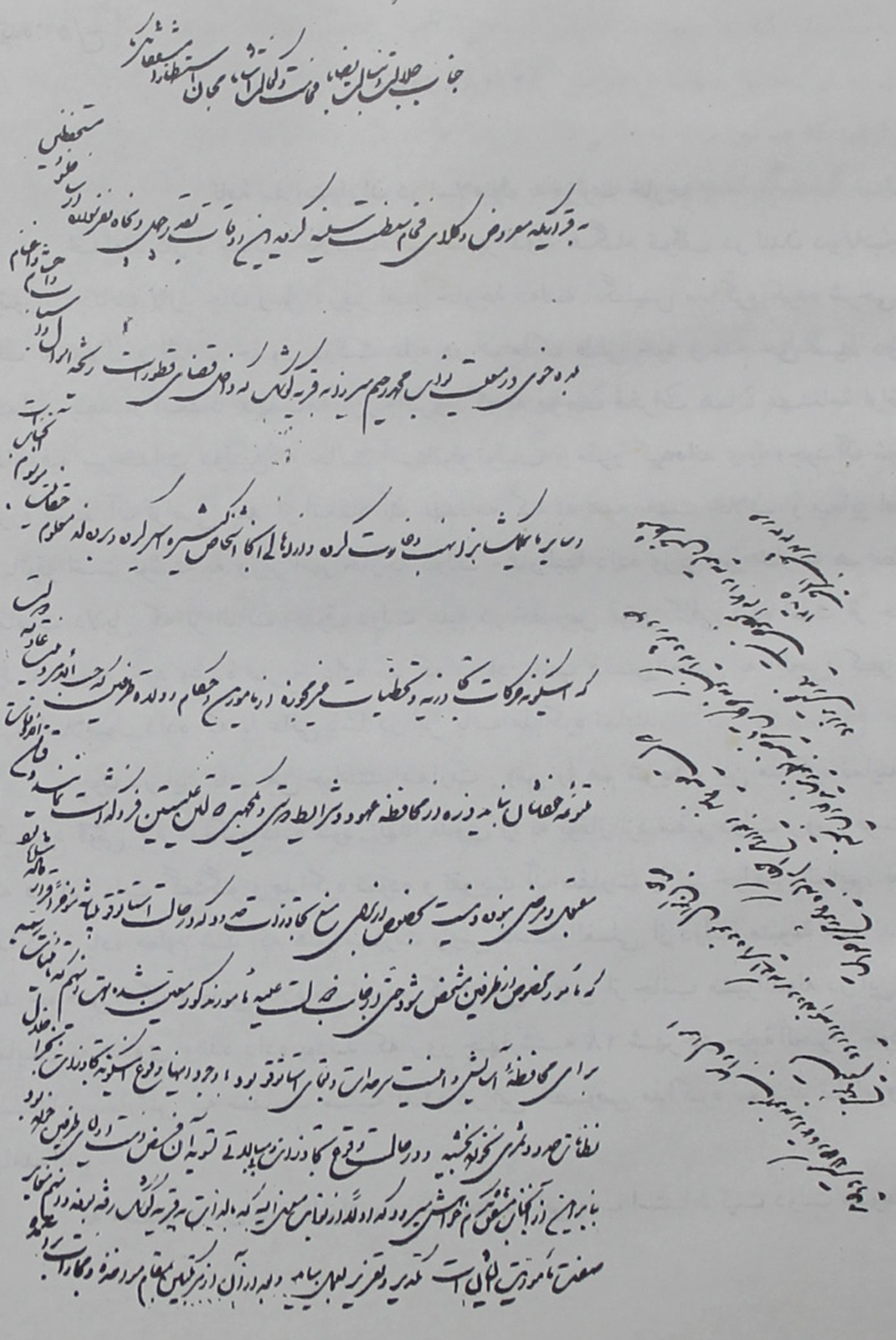

شمارهٔ سند: ۱۹۲

موضوع: مسئلهٔ قطور

تاریخ: ۲۰ ذیحجه ۱۲۷۷ هـ.ق

کارتن: ۸

پرونده: ۵/ح

نمره: ۲/۲۸۲

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

خداوندگارا، جناب جلالت‌مآب مشیرالدوله هنگام توقف در لندن در باب امر قوتور با جناب لارد جان رسل وزیر امور خارجهٔ دولت انگلیس مذاکره کرده شرحی در باب استدلال و اثبات حقوق دولت علیه در آن ملک طلق خود و عدم حق ضبط دولت عثمانی بعد از انعقاد عهدنامهٔ ارزنة‌الروم که به موجب فقرات همان عهدنامهٔ اراضی متنازع‌فیه سرحدات دولتین به حالت استاتوقو توقیف و مقرر کرده‌اند و با وجود آن شروط مقرره ضبط آن اراضی بعد از انعقاد آن عهدنامه که به همه جهت خلاف و مغایر اصول استاتوقو است نوشته به وزیر امور خارجه دولت مشارالیها داده وزیر امور خارجه هم نظر بر حقانیت دلایل که بر اثبات حقوق دولت علیه در خصوص قوتور کافی بوده است از جانب دولت متبوعه خود وعدهٔ صریح داده بود که در این باب دستورالعملی به ایلچی کبیر خود مقیم اسلامبول داده که با عالی پاشا در این باب مذاکره نمایند.

چون در این باب می‌خواستند سفارت روس را هم شریک این مذاکره نمایند که یک نوع قوّتی به مذاکره داده شود. لهذا فدوی را به بوغاز نزد سفیر دولت روس فرستادند که در این باب گفتگو و مذاکره نموده و تقویت آن سفارت را نیز خواهش نمایم. بعد از مذاکرهٔ زیاده معلوم شد که هنوز سفارت روس دستورالعملی از دولت متبوعهٔ خود ندارد و بعد خواهش یک مجلس ملاقات نمودم که ایلچی روس از جانب مشیرالدوله در این باب نماید، به فدوی وعده داده بودند که روز چهارشنبه ۱۸ شهر ذی‌حجة‌الحرام خود و یا مستشار سفارتش به سفارت سنیه آمده در این خصوص مذاکره نمایند تا امروز که نیامده‌اند.

به اعتقاد فدوی یا با تلغراف می‌خواهند در این باب استنباط نیت دولت متبوعهٔ خود

را نمایند. و یا توقف چند روزهٔ جناب مشیرالدوله که به هیچ وجه کافی به صورت دادن این کار نیست خاصه در این اوقات قبول مذاکره را برای دو روزه صلاح خود نمی دانند در هر حال احتمال می رود که باعثی در تأخیر ملاقات خود دارند.

پریروز هم فدوی از طرف جناب مشیرالدوله به سفارت انگلیس رفته با نایب اول آن سفارت که به جهت ناخوشی ایلچی کبیر جمیع امورات محول به او است ملاقات کرده از تفصیل سؤال و جوابی که در این خصوص با عالی پاشا کرده‌اند جویا شوم از قراری که مذکور داشت عالی پاشا را در خانهٔ خودش ملاقات کرده شرح مفصلی در این باب گفتگو نموده بودند، البته تفصیل آن را جناب مشیرالدوله در تحریرات خود نوشته اند.

حاصل گفتگوی مشارالیه این بود که در این اوقات و به این عجله امکان ندارد که این کار بگذرد و هزار نوع موانع در پیشرفت این کار از طرف عالی پاشا اظهار می داشت. از قراری که مذکور می نمود این مطلب باید در مجلس وکلا طرح شده بعد از آن سؤال و جواب رسمی شود. دیگر ثالث بی طرفی از دول اروپا در این کار باید قرار داد و این امر به این زودی نخواهد گذشت. خلاصه از قراری که معلوم می شود از این همه سؤال و جواب مشارالیه حاصلی به عمل نیامده بود، در آخر مجلس به فدوی وعده داد که فردا آمده خود نیز در این باب با جناب مشیرالدوله بیانِ تفصیل سؤال و جواب را نماید چون جناب مشیرالدوله تفصیل این فقره را مشروحاً خدمت بندگان عالی نوشته اند لهذا فدوی زیاده بر این جسارت نمی نماید. الامر الاعلی مطاع.

معروضه بیستم شهر ذی حجه الحرام ۱۲۷۷.

محل مهر: نریمان، مستشار سفارت

۲۸۲

بجناب جلالتمآب لارد جان رسل وزیر امور خارجهٔ دولت انگلیس — جناب جلالتمآب مستر [illegible] دولت [illegible] — مشفقا مهربانا

بموجب [illegible] تمام مطالبات [illegible] حق و عدم [illegible] ملک طلق [illegible] حقوق [illegible] و اثبات [illegible] در باب [illegible] شرحی که

[illegible] بر مطالبات [illegible] اظهار داشته [illegible] توقیف و [illegible] سفارت [illegible] فقرات

[illegible] نظر [illegible] وزیر امور خارجه [illegible] نوشته [illegible] حسب [illegible] آن

[illegible] جناب [illegible] مرتبه خود [illegible] در اثبات حقوق [illegible]

[illegible] که [illegible] اینکه سفارت [illegible] چون در این باب [illegible] که [illegible] داده [illegible] متقبل

[illegible] آن سفارت [illegible] در این باب [illegible] روس فرستاده [illegible] لهذا [illegible] داده شد [illegible] که

[illegible] جناب [illegible] سفارت [illegible] بر اینکه [illegible] معلوم [illegible] که

[illegible] بسفارت [illegible] روز [illegible] در این باب [illegible] جناب [illegible] لهذا

[illegible] مرتبه خود [illegible] جناب [illegible] اینکه [illegible] امروز [illegible] که

[illegible] که [illegible] در این اوقات [illegible] کار [illegible] جناب

[illegible] بسفارت انگلیس رفته [illegible] از طرف جناب [illegible] در حالت

[illegible] سؤال و جواب [illegible] کرده [illegible] آن سفارت

[illegible] نوشته [illegible] کرده [illegible] خانه [illegible] داشت [illegible] که

[illegible] و [illegible] اوقات [illegible] جناب [illegible] آن

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۹۳

موضوع: ادعای اشخاص مبنی بر مالکیت دهات چهریق

تاریخ: ۲۱ صفر ۱۲۷۸ هـ.ق

کارتن: ۹ (نوشته های قدیم)

پرونده:

نامهٔ مشیرالدوله به وزیر خارجه که به عرض ناصرالدین شاه رسیده است

مخدوم مکرّما: بلوکات چهریق را خارجه و داخله مانند گوشت قربانی تقسیم کرده‌اند، قطع نظر از اینکه بعض آن دهات به اسم پادشاه قباله شده است، آن بلوک مفتوح العنوه وسرحد است باید در این خصوص بغایت دقت کرد، تاجرباشی سابق روس طلب دارد.

اما نه آنقدر که او ادعا می نماید. حاجی عباس شکی تبعهٔ روس هم که از سرکار کاغذ آورده هشت پارچه ده ادعا می‌کند و آدم سر دهات فرستاده است. هیچ سند حسابی ندارد. یحیی خان دیناری خود را به او مقروض نمی دانست.

زیادتر از چهار هزار تومان چند سال پیش از این از طلب تاجرباشی یحیی خان داده، قبض گرفته است. چارهٔ این کارها به خاطر مخلص چنان آمد که جناب سردارکل آدمِ گذاشته، حاصل کل دهات چهریق را ضبط نماید و از این طرف به ادعاهای ارباب طلب به دقت وارسی نماید، هر کس هر قدر موافق حساب صاحب طلب شد، حق آن را بدهد.

به اخوی میرزا جعفر نایب الحکومهٔ سلماس دادم فردی جان‌دار ادّعاهای داخله و خارجه را مفصلاً تشخیص داده قلمداد کند در ضمن نوشتجات جناب سردار به نظر شریف خواهد رسید. شما هم باید بلا تأمل قدغن نمایید که جمیع نوشتجات و کاغذهای یحیی خان را به وزارتخانه بیاورند و آنچه قبالهٔ دهات و قبوض ارباب طلب است به دقت سوا کرده فهرست نموده، اصل را سر به مهرش جناب سردارکل ارسال دارید که ایشان از قرار آن مستندات و نوشتجات به ادعای تاجرباشی و حاجی عباس و خلیفه و غیره رسیدگی نموده، موافق حق و حساب ادّعای هر کس را تمام کند. والّا هر کس محض یک ادّعا و کاغذ کهنه به چند ده چهریق صاحب شود البته نظم سرحد در اندک

وقت پریشان خواهد شد و ضرر آن بالمآل به دیوان راجع خواهد گشت، برای اطلاع شما زحمت دارم. حرر ۲۱ شهر صفرالمظفر ۱۲۷۸

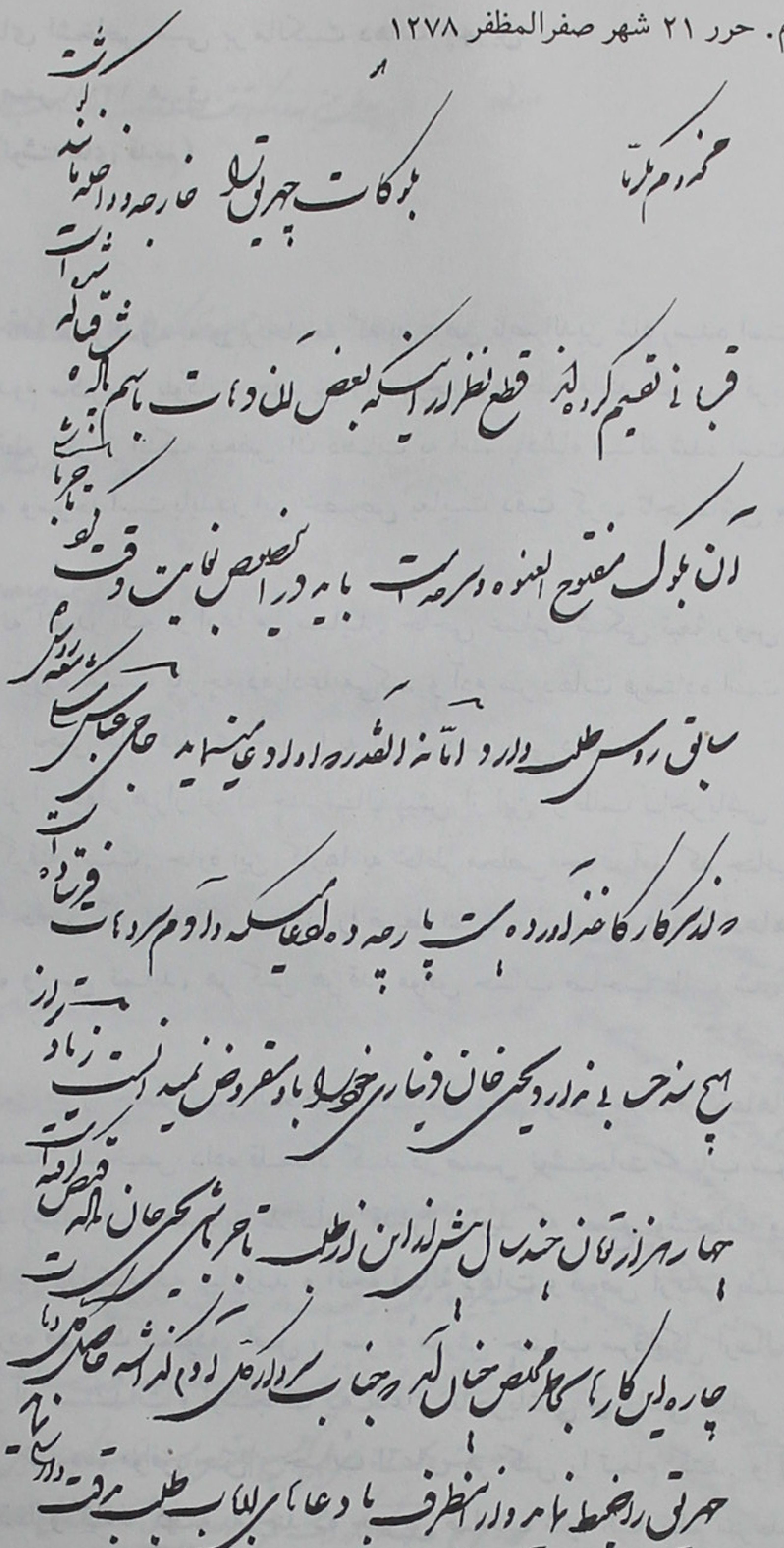

هر کس هر قدر موافق حساب صاحب طلب گشت حق او را البته بدهد به هر باخبری میرزا جعفر

نایب اگرچه سیاهه داده و فردی جات و ادعاهای داخله و خارجه را

مفصلاً تشخیص داده و قلمداد کرده در ضمن نوشتجات جناب سردار منظور شریف

خواهد رسید شاهم باید بلد تا بی قرض باشد و جمیع نوشتجات و کاغذهای تحقیق حال را

بوزر در شانه ها در رند آنچه قباله دهات و قبوض ارباب طلب است بدقت

سوا کرده فهرست نموده اصلی را بمهر خودش جناب سردار و جناب امین الملک دارید

پیشان زر قرار آن مستندات و نوشتجات با دعاوی تجار ساکنی و جماعتی عباسی

و خلیفه و غیره رسیده نموده موافق حق و حساب انقضای هر کس را تمام نمایند و بدهند

هر کس محض یک ادعا و کاغذ کهنه به چند ده جهرتق صاحب شود البته تعلیم

سرحد درانداک وقت پیشان خواهند شد و ضرر آن بالمآل به دولت راجع خواهد

گشت برای اطلاع شما زحمت دارم حرره ۲۱ شهر صفر المظفر ۱۲۷۸

شمارهٔ سند: ۱۹٤
موضوع: مسئلهٔ مالکیت قطور
تاریخ: ۱۷ جمادی‌الاول ۱۲۷۸
کارتن: ۹ (نوشته های قدیم)
پرونده:

سواد ترجمهٔ رسمی باب‌عالی به سفیرکبیر دولت انگلیس

سر هنری لیطون بولور

تقریر سفیرانهٔ آن‌جناب مورخهٔ دهم ماه حزیران سنهٔ ۱۸٦۱ مطالعه‌گذار مخلص آمد. اینکه اشعار شده بود مسئلهٔ که از جهت ضبط نمودن دولت عثمانی ناحیهٔ قطور را فی‌مابین دولتین ایران و عثمانی ظهور کرده است، سفیر دولت ایران مقیم لندن در حق استحصال حسن تسویهٔ آن مراجعت به دولت انگلیس نموده و آن‌جناب هم از جانب دولت فخیمهٔ خود مأمور به راضی و الزام نمودن دولت علیه را در این باب تعیین شده و اظهار کرده بودند که بنا به حرمت رأی دولت فخیمه انگلیس که بی‌طرفانهٔ واسطه بودن آن فی‌مابین دولتین آزادهٔ قید اشتباه است، دولت عثمانی از دعوایی که در خصوص‌ناحیهٔ قطور دارد صرف‌نظر نماید از همهٔ تفصیلات اطلاع حاصل گردید.

اگر چه سلطنت سنیه در قبولی بیانات و اخطارات خالصه مثل دولت فخیمهٔ انگلیس یک دولتی را که دولت خالص و متفق دولت علیه است اصلاً تردد را جایز نمی‌داند و امثال عدیده هم دارد. ولی به وجهی که در وقت و زمان خود، هم به سفارتهای دولتین متوسطین و هم به سفارت دولت ایران بالدفعات بیان و اظهار شده است. مادهٔ قطور چیزی نیست که بغتتاً اجرا گردیده و یا درین باب سابقاً قراری بوده در خلاف آن رفتار و حرکت شده باشد، بلکه از برای فهماندن حق صریح خود را در ماده قطور دولت عثمانی قومیسری یعنی مأموری که می‌فرستاد، همان‌وقت به سفارت ایران اظهار شده بود که یک نفر مأمور هم از طرف دولت ایران روانه دارند که وقت مرور از آنجا مراتب معلوم و معین شود. امّا از جانب ایران مأمور نیامد؟ و نظر به سندات معتبرهٔ موجوده به قدر ذره[ای] شبهه باقی نمانده است، که قطور ملک صحیح دولت عثمانی است و همان وقت حدود صحیحهٔ آن نیز تعیین گردیده است بناء علیه به جهت اینکه

حق دولت عثمانی در این باب مستند به سندات معتبره است، قابل امکان نخواهد بود که این مسئله ترک بشود.

ولیکن خریطهٔ خط حدود که مقدماً تنظیم یافته و در محل خود هرگونه تحقیقات به عمل آمده و در قومیسیون مقرره که در اسلامبول مجتمع و منعقد خواهد گردید. دولت علیه حاضر است که در حین مذاکره و معاینه و قرار و مدار آن تدقیقات این ماده را هم نموده به وجهی که در بالا مذکور شد با سندات قویه حقوق صریحهٔ خود را ثابت نماید. وسیلهٔ تجدید دوستی و خلوص می نماید. فی ۱۷ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۷۸

نسخه مبیضه‌سی ۱۰۵
جمادی الآخره فی

صادره‌شده رسمیت کوزنابیلیر... انکلتره فخیمه‌لرینه نمره

انکلتره دولتی بیوك ایلچیسی اکسلانس سر هنری لیارد جنابلرینه

قطر ناحیه سنك طرف دولت علیه‌دن ضبطندن طولایی سلطنت سنیه ایله ایران دولتی میاننده تحدث ایده‌جك مسئله‌نك استحصال حسن تسویه‌سی حقنده دولت مشارالیهانك لوندره‌ده مقیم سفیری طرفندن مؤخراً انكلتره دولتنه مراجعت اولنمش و بو بابده دولت علیه‌نك ارض و الزام دولت فخیمه‌لری جانبنده ذات سفیرانه‌لری مأمور قلنمش اولدیغندن دولتین میاننده بیطرفلق شبهه‌دن آزاده اولان انكلتره دولت فخیمه‌سنك ناحیه مرقومه دولت علیه‌نك ناحیه مذكوره اوزرینه اولان دعواسندن صرف نظر ایتدیرمسی تفصیلاتنه دائر اولان و ۱۰ حزیران ۸۱ تاریخیله مورخ بولنان تقریر سفیرانه‌لری مطالعه‌كذار عاجزی اولمشدر سلطنت سنیه‌نك انكلتره دولتی كبی دوست و متفق خالص اولان بر دولت فخیمه‌نك اخطارات خالصانه‌سنی قبولده تجویز تردد ایتمیه‌جگی امثال عدیده ایله مثبت ایسه ده بو بابده دقیقه‌كزار دولتین متوسطه سفارتلرینه و كرك ایران دولتی سفارتنه بالدفعات بیلدیرلمش اولدیغی وجهله اشبو قطر ماده‌سی اویله لفظاً اجرا اولنمه و یا عودت اولنابیله‌جك بر قرار مسبوقه اولمیوب ... دولت علیه‌نك ناحیه مذكوره اوزرینه اولان حق تصرفی بیلدیریلمك ایچون قومیسیونك انعقادنه ... ایران دولتی طرفندن دخی بر مأمورك كوندریلمسی اولوقت دولت مشارالیها سفارتنه بیان اولندیغی حالده ... اولمدیغندن و موجود سندات معتبره‌یه نظراً قطرك دولت علیه‌نك ملك صحیحی اولدیغنده ذره قدر اشتباه كوره‌میه‌جكندن حدود صحیحه‌سی اولوقت تعیین ایتدیریلمش اولدیغی و بنابرین دولت علیه‌نك بو خصوصده حقوق سندات معتبره‌یه مستند اولمغله ترك قابل اوله‌میه‌جغی فقط حدودك مقدما تنظیم اولنوب هر كونه تحقیقات محلیه‌سی اكمال قلنمش اولان خریطه‌سنك درسعادتده اجتماعی مقصود اولان قومیسیونده مذاكره و معاینه اولنمسی و ... بو ماده‌نك دخی تدقیق ایتدیریلمسنه و حقوق حقه‌سنك بر وجه محرر سندات قویه ایله اثباتنه دولت علیه‌نك حاضر بولندیغی بیانیله وسیله تجدید تأمینات خلوص و مودت عد اولندی

۱۷ جمادی الآخره ۹۷

شمارهٔ سند: ۱۹۵
موضوع: حدود قطور
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۷۹ هـ.ق)
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ میرزا صادق‌خان پیشکار آذربایجان به وزارت خارجه

قربان حضور مبارکت گردم

انشاءالله تعالی به سلامتی وجود مبارک که وارد قطور می‌شود قرای محال مزبور موافق کتابچهٔ دستورالعمل از قرار ثبت اسامی مندرجه در آن که ساطمانیس و سرای و شرفخانه و غیره را تابع و به ملکیت شمرده مداخله و محاکمهٔ ملکیت اجازه دارد یا آنکه در پرده باید نسبت به آنها سؤال و جوابی نماید. اگر آشکارا اظهاری نماید و ممانعت از مأمورین دولت عثمانی باشد تکلیف چیست و برای تصرف و مداخله ملاحظهٔ اجازه و تمکین مأمورین را باید داشته باشد یا خیر. بر فرض مأمور مقابل بگوید قطور عبارت ازین درّه است و دهات واقعه در درّه که شش هفت پارچه باشد تکلیف چیست از قراین حالا که مأمورین برای تعیین حدود نمی‌آیند این تفاصیل موقوف است به آمدن مأمورین که سه چهار ماه بعد خواهد شد درین ظرف زمان اگر به حالت معطله بگذارم قراء منظوره را این یک نوع اثبات حقیقت آنها را می‌نماید و اگر به حالت حالیه نگذارده دخالتی نماید شاید مانع و منعی در مقابل به‌هم برسد: تمکین به منع بیشتر اسباب اثبات مدعی است. عدم تمکین شاید رشتهٔ گفتگو را طولانی نماید آن وقت مقصر بشود و قصوری وارد بیاید. مستدعی است از مراحم مخصوص که در این فقرات نکته به نکته تعلیم و راهنمایی و دستورالعمل مخصوص مفصلی مرحمت شود که انشاءالله تعالی سرمویی از آن تخلف نورزد و منظور اولیای دولت ابد مدت قاهره به عمل آید انشاءالله تعالی. از قراری که خیال والی وان است و توضیحات را انتظار دارد توضیحات این فقرات است. برای فدوی هم این توضیحات لازم فوری است و عاقبت این عمل چاره غیر از این ندارد که باید با حضور مأمورین تعیین حدود شود. و برای تعیین حدود چندی قبل که مرحوم مشیرالدوله با مأمورین دول فخیمه به آن سرحد آمده بودند

تشخیصات و تحقیقات و تعیین هم شده بوده است با تصدیق مأمورین دول البته ثبت و صورت و نقشه او در دفتر وزارت جلیله خارجه باید ضبط باشد. و اگر نباشد نزد مقرب الخاقان میرزا محبعلی خان البته هست زیرا که مشارالیه هم از اجزای کار مرحوم مشیرالدوله بوده است، هرگاه به موجب حکم تلگرافی رمزاً مقرر می فرمودند که قبل از ورود مأمورین آن صورت و ثبت و نقشه را به فدوی به توسط چاپار می رساندند خیلی مفید و نماینده می شد و پس از رسیدن آن صورت و اطلاعاتی که خود فدوی در حدود به رأی العین حاصل خواهد کرد آن وقت از روی حقیقت و بصیرت می تواند اقدامی نموده یا اگر مطلبی باید عرض نماید فهمیده عرض نماید، موقوف به امر و توجه حضرت اجل اشرف روحی فداه است.

محل مهر: عبده‌الراجی محمد صادق

[حاشیه: دستخط ناصرالدینشاه:]

حدود قطور معین است همه کس می داند هرچه حدود صحیفهٔ قطور است باید ضبط شود، دستورالعمل مجدد فرمان داده زود هم تلگرافاً هم تحریراً بدهند.

و بنای حضور به مارکیت کنم

انشاءالله تعالی بنای دعوی سابق که وارد قطور شود قرار محال مرور برادوست که کجه دستور یعنی از قرار جنت آسایی مندرجه در آن

درست طاسیس و سرای و تذکره خانه و غیره را تابع و ملکیت شمرده به جهت محلی که ملکیت اجاره دستور یافته است در عهد

بایزید با آنها سؤال و جواب نماید اگر انکار و اظهاری نماید و مخالفت از مأمورین دولت عثمانی آید تکلیف

جنت و برای تصرف به جهت ملاحظه اجاره و تمکین مأمورین را چه داشته باشد یا خیر برفرض ممانعت

که به قطور عبارت از چند قریه است و دهات واقعه در دره شش هفت پارچه باشد تکلیف جنت از قرار

حالا که مأمورین برای تعیین حدود نمی‌آیند این تفصیل موقوف است تا آمدن مأمورین سرحد چهار دولت

برخواهد شد و در این طرف زمان اگر تجاوز سلطنت کرده‌اند قرای منظوره را این طلوع اثبات حقیت ایرانیان

دیگر تحقیقات حالیه نکرده و حالتی نامرتب مانع و مضمون در تعقیب بهم رسید تمکین بمنع شرع است

اثبات شرعی است عدم تمکین شاید رشته گفتگو را طولانی نماید آن وقت مقصر شود قصوری وارد نماید

مستدعی است از مراحم مخصوصه در این فقرات که نکته به نکته تعلیم و دستورالعمل مخصوص

مرحمت شود انشاءالله تعالی سر مویی از آن تخلف نورزد منظور اولیای دولت آنچه هست قاهره

بعد از آن انشاءالله تعالی از قرار که خیال دولت اول است و توضیحات را ملحوظ و توضیحات این

فقرات است برای فدوی هم این توضیحات لازم فوری است در عاقبت این غیر چاره غیر از این بعد

دو با حضور مأمورین تعیین حدود شده بعضی تعیین حدود خیلی قبل مرحوم مشیرالدوله با مأمورین دول فخیمه باقی مانده

آمده بعد تشخیصات و تحقیقات و تعیین هم شده بوده است. با تصدیق مأمورین دول البته ثبت و صورت نقشه او

در دفتر وزارت جلیله خارجه باید ضبط باشد. و اگر نباشد نزد مقرب الخاقان میرزا محب علی خان البته است که

شاید هم از اجزای کار مرحوم مشیرالدوله نبوده است. هر گاه بر حسب حکم ملوکانه رمزاً مقرر فرمایند فوراً قدغن از دوره

مأمورین آن صورت و ثبت نقشه را نفری متوسط چاپار سریعاً خیلی مفید و با نتیجه می‌شد. و پس از ورود ایران

آن صورت را اطلاعات مخصوصه فدوی در حدود رأی العین حاصل خواهد کرد. توقف در آنجا حقیقت و بصیرت تمام

اقدامی نمی‌شود. یک مطلب را عرض نماید فهمیده عرض نماید. موقوف بامر و توجه حضرت اجل ارفع

روحی فداه است

شمارهٔ سند: ۱۹۶
موضوع: در باب قطور و سکنه آنجا
تاریخ: صفر ۱۲۷۹ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ حاکم ساوجبلاغ به وزارت امور خارجه

هو

فدایت شوم، در باب فقرهٔ قطور و سکنهٔ آنجا که مرقوم فرموده بودید سابقاً در طبق خبر و اعلام تلگرافی جناب‌عالی که این بنده از ارادهٔ اولیای دولت علیه در این خصوص اطلاع حاصل کرد فوراً چاپار مخصوص روانه خوی کرده هم به نواب نصرالله میرزا حاکم خوی و هم به عالی‌جاهان حاجی محمود پاشاخان و میرزا آقاخویی نوشت و اعلام کرد که اولیای دولت علیه این اوقات را مقتضی ندانسته‌اند که دست بر این کار زده شود، به مقام تصاحب اهالی آنجا و آوردن آنها به محالات خوی و یا ساخلو گذاشتن در آنجا نیامده دنبالهٔ این کار را نگیرند و به طوری که باعث یأس اهالی آنجا نباشد به آنها حالی کنند که اولیای دولت علیه در فکر انتزاع قطور به طور دیگر هستند و قرار لازم عنقریب در این باب به توسط دول واسطه و مأمورین آنها داده خواهد شد و آن وقت مقصود آنها بی‌حاجت مشقت و تحمل بعض فقرات حاصل خواهد شد و حالا را موقع این امر ندانسته از این صرافتها نیفتند و مترصد وقت باشند تا قرار لازم به نحوی که متضمن آسودگی آنها بوده باشد داده آید و دیگر لوازم این امر را متروک گذاشته از خیال آن افتاده‌اند برای استحضار خاطر جناب‌عالی عرض شد. فی شهر صفرالمظفر ۱۲۷۹ عرض شده

محل مهر: عبدالوهاب

فرد ششم   در باب فقره قطع راه کننده آنکه مرقوم فرموده بودید بقاء وصول حقوق و اعلام تکرار نمود

جناب جلالتمآب این بنده از اولیای دولت علیه در خصوص اطلاع حاصل کرد و فوراً چاپار مخصوص روانه خوی کرده امر نمود

نصرالله میرزا حاکم خوی و هم بحاکمان حاجی محمود پاشا خانی و میرزا آقا خوی نوشت و اعلام کرد از اولیای دولت علیه العالیه قرار

مقتضی دانسته اند دولت بر این کار رسیده و شود مقام تصاحب اموال آنها و اموال آنها که مال آنها است حق و اصول کرده شود تا آنکه

نمایند و تدارک این کار را بگیرند و بطوریکه باعث مأیوسی اهالی آنجا باشند بآنها حالی کنند دولت علیه در تدارک اینکار

قطع بطور دیگر است و قرار داده اند عنقریب در این باب ترتیب دیگر داده و مأمورین آنها را که خواهند والی مقصود آنها حاصل حقوق آنها گرفته

شفقت و تحمل بعض فقرات حاصل خواهد شد و حالا ارباب مرجع این امر نشسته اند لذا این صورت را بعنوان تحریر شد و عنقریب

تا قرار داده تحریر که تضمن آنچه که آنها برده اند بر حاضر گردید و اسم این را در کمک گرفته در حال الی رفاقت دولتین حاکم کاری کرده ۲ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۹

شمارهٔ سند: ۱۹۷
موضوع: امور سرحدی و تعمیر قازلی کوی
تاریخ: ۱۷ رجب ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۳۲

هو

خداوندگارا، سواد قرارنامهٔ [ای] را که درباب مواد سرحدیه و تعمیر قازلی کوی موقتاً فی مابین سفارت کبری این دولت علیه و نظارت خارجهٔ دولت عثمانی مبادله شده ارسال و مقرر داشته بودند، مساعی و اهتمام لازمه در اجرای فقرات آن به عمل بیاید. بعد از وصول تعلیقه بستگان اجل امجد ارفع دام اجلاله عالی جاه قلی خان سرهنگ را روانه و به عهدهٔ مقرب الخاقان شجاع الدوله حاکم خوی و خوانین ماکو احکام صادر و تأکید نمود که به تحقیقات کامله معلوم نمایند بعد از گردش وکلای دول اربعه اراضی و محالی که در تصرف این طرف بوده و سرحدداران دولت عثمانی به خلاف رعایت قواعد اسطاطسکو غصباً تصرف نموده‌اند، کجا و چند سال است به تصرف آنها گذشته و دلایلی که مشتمل به حقیقت این معنی بوده باشد، چیست و همچنین ایلی و عشایری که در این طرف و در تحت ادارهٔ سرحدداران این دولت عثمانی بوده‌اند و عثمانی ها جلب و تصاحب کرده‌اند کدام و تاریخ تصاحب به آنها از چه زمان است و همه را به تفضیل با صورت و دلایل لازمه نوشته ارسال نمایند به دربار همایون انفاد شود دو روز قبل از عالی جاه مشارالیه کاغذی رسید، نوشته است بعد از ورود به خوی احکام را به شجاع الدوله رسانیده و مقرب الخاقان مشارالیه آدمی مخصوص به سرحدات فرستاده از لاهیجان تا چالدران بدقت به تحقیق و تشخیص این فقره پرداخته و بتفضیل همه را صورتی نوشته به خوی بیاورد، وبعد ازآن قلی خان به عزیمت ماکو به اواجق رفته است و به قراری که اظهار نموده در آنجا می‌گفته‌اند خرابی های قازلی کوی تعمیر و تمام شده است نوشته بود که بعد از مراجعت از ماکو درست رسیدگی نموده معلوم می‌کند به چه درصد تعمیر شده به حالت سابق آمده است یا ناتمامی دارد و هرچه ناتمام مانده باشد به

مراقبت و اهتمام کامل قرار تعمیر را خواهد داد. در باب دویست خانوار ایل جلالی هم که عثمانی ها اذن رفتن به ییلاق به آنها داده و به تبعیت دولت متبوعهٔ خود دعوت و تصاحب کرده بودند، به قراری که قلی خان در اواجق معلوم کرده و نوشته است موسی نام که رئیس صد خانوار بوده با خانواران خود چند روز قبل معاودت نموده ولیکن احمد با یک صد خانوار خودش برنگشته و در آنجاها چنین مذکور بوده که احمد را گرفته در بایزید محبوس نموده و گفته اند مقصر دولت است باید به ارزنة الروم فرستاده شوم، عجالتاً از عالی جاه قلی خان همین قدر خبررسیده که معروض کرده بعد از آنکه از ماکو مراجعت کرد و صورت تفصیل تحقیقات مقرب الخاقان شجاع الدوله و خوانین ماکو را آورد مراتب را مفصلاً از روی تحقیق حضور مبارک عرض خواهد کرد و در باب استرداد احمد و خانواران او هم همینکه خبر درست از عالی جاه مشارالیه و خوانین ماکو رسید به مقرب الحضرة الخاقانیه میرزا اسحق خان کار پرداز ارزنة الروم می نویسد که در آنجا مطالبه اعادت آنها را بکند و به دربار همایون هم عرض می نماید در اینجا که باش شهبندر عثمانی نیست و یک نفر تاجر از طرف خود گذاشته این قبیل امورات به گفتگوی با او صورت نمی‌گیرد لازم است که در طهران با سفارت گفتگو و قرار استرداد آنها داده شود. زیاده چه جسارت نماید. الامر الاجل الامجد مطاع. معروضه ۱۷ شهر رجب ۱۲۸۶

محل مهر: العبد ابراهیم

خداوندگارا [illegible]

دولت عثمانی [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۹۸
موضوع: خلاصه‌ای از موقعیت محالات سرحدیهٔ آذربایجان
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۸۶ هـ.ق)
کارتن: ۱۳
پرونده:

هو

خلاصهٔ روزنامهٔ میرزاعلی منشی سرحدات آذربایجان

خلاصهٔ عریضهٔ سرحدیهٔ آذربایجان

از محالات کنار ارس الی قتور به طوری که سیاحت کرده و دیده است حالت هر یک را با چارهٔ نظم آن معروض می دارد.

محال کنار ارس

از کلیسیای وانک الی قراسو و قوش و پنجرلو که سرحد فی‌مابین دولت علیه و دولت بهیهٔ روس است همه جا قرای معموره و زمینی حاصل‌خیز و محل سکنای ایلات جلالی و میلان است از این نقطه از ابتدا تا انتها روسها به مناسبت مکان و معبر در هر نیم فرسنگ فاصلهٔ قراولخانه و تذکره‌خانه و گمرکخانه دارند در خاک دولت علیهٔ هیچ یک از اینها نیست و حال آنکه داشتن اینها چقدر باعث آبادی مملکت و رواج امر تذکره و ازدیاد گمرک می‌شود، مقابل قریه بلقان و عرب سالی مبالغ خطیره می‌توان از عمل تذکره و گمرک برداشت. اغلب سارقین این صفحات از همین نقاط است چون قراولخانه ندارد هر کس از رعایای روسیه بخواهد به این طرف آمده هر نوع صدمه به اهالی اینجا رسانیده برود مانعی نیست. چارهٔ نظم آن اولاً یک نفر سرحددار لازم است که از کلیسیای وانک الی‌قوش و پنجرلو در نظم این نقطه از سرحد به قرار دستورالعمل سرحددار محال کرکر رفتار نمایند.

ثانیاً: شانزده باب قراولخانهٔ موافق طومار برآورد و نقشهٔ مرسوله در مواضع معروضه در طی روزنامه در این نقاط لازم است که در هر یک شش نفر سوار و چهار نفر سرباز گذارده شود و در عرب و بلقان در هر یک شش نفر سرباز علاوه بر آن سوار و سرباز معروضه در تذکره‌خانه این دو موضع که ضرور است ساخته گردد باید گذارد، دو نفر سلطان نیز جهت سرکردگی سوار و سرباز و نیابت سرحددار لازم است که یکی از عرب

مواظب سرکشی و نظم قراولان قراولخانها الی قوش و پنجرلو باشد و دیگری از همان قریه الی مدخل رود قتور را سرکشی نماید و خود سرحددار و رئیس کل آنها بوده در قرب عرب نشسته وقایع اتفاقیه را پانزده روز به پانزده روز با ثبت اسامی عابرین طرفین روزنامه نموده، روانهٔ دارالخلافه دارد.

ثالثاً: به قدر امکان موافق تفصیل روزنامهٔ مهاجرین را باید از قرب خط سرحد دور کرد اگر اینها پادار باشند خوب است که به ارومی و چهریق و سلدوز یا به سرحدات دیگر که رابطه ندارند، تعیین نمایند و یا به خدمات خراسان و فارس و کرمان مأمور گردند و جهت این سرحدات از سوار شقاقی و قراچورلو و غیره قراسوران معین کنند و هر سال یا دو سه سال یک مرتبه عوض شوند که با اشرار آن طرف رابطه به هم نرسانند و در اطاعت آن سرحددار باشند.

رابعاً: املاک مرحوم خان باباخان سردار را دولت علیه ابتیاع نماید که آن املاک خالصه گردد این فقره هم منافع کلیه به جهت نظم سرحدات خواهد داشت و هم از آبادی کنار ارس که با مخارج جزئیه صورت می‌گیرد مداخل کلی حاصل می آید.

ماکو و طامبات و یارم‌قیه

ایل جلالی و میلان در اینجاها قشلاق می‌کنند، مالیات و مداخل آنها را کلاً خوانین ماکو اخذ می نمایند. قشلاق طامبات و یارم‌قیه ملک دولت علیه است، ولی اینک عثمانی ها تجاوز کرده کوه سرحدیه که از کدوک کالمان الی پیجاره است گذارده به زمین و مرتع یارم‌قیه نزول کرده قریه گیربران را متصرف گشته اند. حالا قریه مزبوره در دست جلالی و عثمانی و قریه پورتو در دست ایلات ایران است، چارهٔ نظم آن به قراری است که در عریضهٔ جداگانه عرض شده است. علی العجاله یک نفر روزنامه‌نویس لازم است که در قصبه ماکو نشسته روزنامهٔ اتفاقیه را نوشته به دارالخلافه بفرستد.

محال غازلی گل

این محال ملک دولت علیه است، اینک چهار قریه آن معموره است ولی استعداد آبادی بیست قریه را دارد عجالتاً چاره نظم آن این است که اولاً احکام موکده در باب آبادی آن صادر شود و تا ممکن است در جزو در آنجا آبادی کنند.

ثانیاً: در قرب کدوک خزانه که محل عبور کاروان و قوافل ارزنة الروم است و اغلب مال التجارهٔ رعایای دول قربیه از آنجا می‌گذرد و اولین نقطهٔ سرحدیه است باید احداث قراولخانه نمود که در آنجا بیست نفر از سواران پسران خلیفه قلی خان با ده نفر سرباز سکنا نماید.

ثالثاً: روزنامه‌نویس مخصوصی در آنجا لازم است که مواظب عمل تذکره و نوشتن روزنامهٔ وقایع اتفاقیه بوده، اسامی عابرین طرفین را ثبت نموده، ماه به ماه به دارالخلافه بفرستد.

محال اواجق

این محال سیصد چهار صد تومان بیش مالیات ندارد ولی ممکن است با همین حالت حالیه سالی چهار پنج هزار تومان بدهد. چارهٔ نظم آن این است که اولاً در قریهٔ کلیسیا کندی که اولین منزلگاه مسافرین خارجه در خاک دولت علیه است قلعه موافق نقشهٔ مرسوله ساخته شود و همیشه علاوه بر سواران موجودی یک دسته سرباز در آنجا باشد.

ثانیاً: بنای مسجدی در همان جای کلیسیای قدیم نموده، حمام مختصری هم بسازند.

ثالثاً: یک نفر تذکره‌چی و روزنامه‌نویس موثقی در آنجا گذارده شود که روزنامهٔ وقایع اتفاقیه آنجا را بفرستد هرگاه دو عرادهٔ توپ هم در بالای تپه مشرف به آن قلعه که پشت‌بند طبیعی آن است گذارده شود جمیع صحرای اواجق و غازلی کل محروس و از صدمهٔ تمام اشرار محفوظ خواهد ماند فواید این قلعه زیاد است عرض جمیع جهات فواید موجب اطناب خواهد بود.

محال چالدران

این محال از محالات معظمه حاصل‌خیز خوی است، چارهٔ نظم این محال نیز این است که اولاً، چون اینجا هم محل عبور قوافل و تردد اکراد به صفحات اباقای و محمودی است ایجاد قراولخانه شده در آن چهل نفر سوار و ده نفر سرباز باشد.

ثانیاً: یک نفر میرزای روزنامه‌نویس در آنجا بوده که وضع حالت حرکت ایلات و خرابی و آبادی آنجا را روزنامه کرده و فراریان تذکره و قاچاق را مانع باشد.

ثالثاً: حکمی به حاکم خوی صادر گردد که به استحضار کارگزاران وزارت

جلیله سرحدیه از طوایف مختلفه آیرملو و چوبان کَرَه که از خارج به خاک دولت علیه می‌آیند و از سایر رعایای متفرقه آنجا آورده قرای مخروبه را تا چهار پنج سال به آنها واگذار نموده، مواظب باشند که در چنین زمینی پرآب حاصل‌خیز هر قدر ممکن است کشت و زرع نمایند.

رابعاً: در دو محل آن یک پهلوی رود قزلر و دیگری در کدوک مابین آن و محال سکمن‌آباد دو باب قراولخانه که در هر یک بیست نفر سوار قراسوران و مستحفظ راه باشد لازم است که حافظ همه چیز و مانع بی‌حسابی ها و شر و شلتاق راه خواهد بود.

محال سُکْمَنْ‌آباد

این محال از محالات حاصل‌خیز است قراولخانهٔ دسته دره که ساخته شده برای نظم آن بسیار خوب است ولی باید همیشه اوقات بهار و تابستان و پاییز اقلاً چهل نفر سوار به مواظبت یک نفر سرکرده در آنجا گذارده که مواظب نظم آن صفحات بوده و روزنامهٔ عبور و مرور از آن محال به خاک عثمانی و آخورک و غیره را ماه به ماه بفرستد.

محال آلَنْدْ

اینک این محال خراب است از ایلات تکوری که رعیت ایران و در آنجا بوده‌اند حالا دولت عثمانی آخورک را تصرف کرده و آن ایل را تصاحب نموده است، هرگاه سرحدات منظم و آن ایلات استمالت شده ایل بیکی و سر پرست داشته باشند همین ایل تکوری را با کمال رضا می‌توان به الند آورده آنجا را آباد نمود.

در قرای اقاج بر حسب لزوم باید قراولخانه ساخت بیست نفر سوار و ده نفر سرباز و یک نفر روزنامه‌نویس و تذکره‌چی در آنجا گذارد.

محالات آباقای و محمودی و آخورکها

اینها را عثمانی بدون دلایل حقه تصرف کرده ایلات حیدرانلو و تکوری و جمادنیلو و بعض طوایف دیگر قریب یکصد پارچه قریه را آباد نموده از ترس ظلم و تعدی حکام این طرف و تاخت و تاز رومی که از این سمت حامی نمی‌بینند تابع آنها شدند چند سال قبل علی آقای حیدرانلو ریاست ایلات آن نقطه را از دولت عثمانی گرفته در آنجا سکنی کرده خود را از تبعیت دولت علیه ایران خارج نمود و به همین جهت بدون هیچ نوع ادله و براهین آن محال مابین دولت علیه ایران و عثمانی متنازع‌فیه گشت اینک بر ذمهٔ او و حسین‌آقا است که رفته آنجا نشسته از تصرف عثمانی بیرون بیاورند.

محال قتور و چهریق و خانه‌سور و شپیران

عجالتاً چارهٔ نظم این محالات این است که تعمیر قلعهٔ چهریق را موافق طومار مرسوله نموده و یکصد نفر سرباز و دو عراده توپ و بیست نفر سوار و قورخانه لازمهٔ آنجا را با یک نفر یاور خارج از فوج که رئیس باشد بفرستند و یک نفر روزنامه‌نویس در آن نقطه بگذارند که وقایع را پانزده روز به پانزده روز بفرستد.

هو

خلاصه روزنامه میرزا علی منشی سرحدات
آذربایجان

خلاصه عریضه سرحدیه آذربایجان

از محالات کنار ارس الی قیتور بطوریکه سیاحت کرده و دیده است حالت و ترتیب آنها

با چاره نظم آن معروض میدارد

محال کنار ارس

از کلیسای وانک الی قراسو و توتش و بخرلو که سرحد فیمابین دولت علیه و دولت

بهیه روس است همه جا قراء معموره و زمین حاصلخیز و محل سکنای ایلات جلالی و میدان آن است

از این نقطه از ابتدا تا انتها روسها بمناسبت مکان و معبر در هر تمغیر سنگ فاصله قرار داده و تنها

و تذکره خانه و گمرکخانه دارند در خاک دولت علیه هیچیک از اینها نیست و حال آنکه آن

چقدر باعث آبادی مملکت و رواج امر تذکره و ازدیاد گمرک میشود مقابل قریه تلفا

و عرب سالی بانی خطیره متعین از عهده تذکره و گمرک برمیآید آنجا بارهن اتصالات

از همین نقاط است عبور قرا و ایلات ... هر کس از رعایای روسیه که ...

آمده هر نوع صدمه با اهالی اینجا رسانیده مرتکب میشوند چاره نظم آن

اولا تعیین سرحددار لازم است که از کلیسای وانک الی قوش و بخرلو در نظم آن

نقطه

نقطه از سرحد بغداد دستورالعمل سرحدداری کماکان رفتار نماید

ثانیاً تأسیس قراولخانه‌ها موافق طومار مراجعه و نقشهٔ مرسوله در مواضع معروضه در
طی روزنامه در این نقاط لازم است که در هر یک شش نفر سوار و چهار نفر سرباز
گماشته شود و در عربستان و بختیاری در هر یک شش نفر سرباز معدوده از
سوار و سرباز معروضه در تذکره خانهٔ این موضع ضرور است ساخته گماشته نماید که هم
دو نفر سلطان نیز جهت سرکشی که سوار و سرباز و نیابت سرحدداری هم است
از عقب مواظب سرکشی و نظم قراولخانه‌ها الی قراولخانه‌های دیگر
باشند و دیگری از اول قراولخانه الی آخر روز به روز را سرکشی نماید و حفظ سرحددار
و رسیدگی کرده در عقب نوشته وقایع اتفاقیه را باید روز به روز
روز به روز ثبت نمایند و از طرفین روزنامه نموده روانه دار الخلافه دارند

ثالثاً بقیه امکان موافق تفصیل روزنامه مهاجرین را باید از قرب خط سرحد کوچ

اگر اینها پاره[ای] باشند خوبست به ماروی و چهریق و سه روز یا به سرحدات دیگر دور از رابطه

نقطه تعیین نمایند و یا بولایات خراسان و فارس و کرمان مأمور کنند و جهة این

سرحدات از ایل مغانلو و قراچورلو وغیره قراولان معین کنند و هر سال یکی دو بار

سال یکمرتبه عوض کنند که با اشرار آنطرف رابطه بهم نرسانند و در اطلاعات آن سرحد دارا باشند

رابعاً اینکه مرحوم خان بابا خان سردار راحت علیه استماع نموده بود اینکه املاک خالصه کرده

اینفقره هم منافع کلیه بجهة نظم سرحدات خواهد داشت و هم از آنجائیکه ماکو را کس بهمان کارم خوبیه صورت

میگیرد و هم اخذ کار حاصل می‌آید

ماکو و طومارات و یارم قیه

این حسب‌الحکم و سلیمانی در اینجاها قشلاق می‌کنند مالیات و هم اخذ انبار اکلاه خوانین ماکو راجع

نمیر

منجمله به قشلاق طاهبات و یارم قیه ملک دولت علیه است ولی اکنون عثمانیها تجاوز
کرده کوه سرحدیه را از کردک کالمان الی بناره است کم کم بزمین و مزارع یارم قیه
نزول کرده قریه کبر را متصرف گشته اند حالیه قریه مزبوره در دست عثمانی و در دست مندلی
وجه پور تو در دست ایشان است چاره نظم آن تعرض است که دیگر نفقه
چه الکانه عرض شد است هم اینجانب تکمیل روزنامه نویس هم است که در حصه ناکرد نوشته
روزنامه اتفاقیه را نوشته که از اطرفه بفرستد

محال غازلیکل

امسال کمک دولت علیه است اینکه چهار قریه آن معموره است ولی استیعه لیر
آبادی بیست قریه را دولت عثمانیه چاره نظم آن این است که اقلاً احکام مؤکده
در باب آبادی آن صادر شود و تا ممکن است در جزو در آنجا آبادی گشته

ثانیاً در عقب کردک خزانه رحمی عبور کاروان و قوافل ارزنه الروم است و ا عن

حال انتبار ره رعایای حول قریه از اینجا میگذرد و اولین نقطه سرحد به سمت بادکوبه احداث

قراولخانه نموده در اینجا بیست نفر سوار از پیران صیغه قفقازیه با ده نفر سرباز

سکنا دارند

ثالثاً روزنامه نویس مخصوصی در اینجا مقیم است در هر طرف عهد تذکره و نوشتن

روزنامه و وقایع اتفاقیه کرده که ما بین طرفین را ثبت نموده ماه به ماه به دارالخلافه

بفرستد

مراب اوجق

امسال سیصد چهارصد تومان بیش مالیات ندارد ولی ممکن است با همین حالت

حالیه سالی چهار پنج هزار تومان به ... چاره نظم است این است

الحمد در قریه کلیسیا کهنه که در اولین منزلگاه قشون خارجه در خاک دولت

علیه است

همیشه است قلعه مطابق نقشه مربوطه ساخته شود و همیشه معدوده برابر آن موجود

یکدسته سرباز در آنجا باشد

ثانیاً باید سعی در اینجای کمپانی قرقچی نمرده حکام مقصر اهل باشند

ثالثاً مکتوب تذکره چی ورود نامه ترتیب شرایط در اینجا که ملاحظه شود هر روز نامه مرجوع

اتفاقیه آنجا را نوشته هرگاه که عرایض ترتیب هم در باب ترقی و ترتیب آن قلعه

درخت بنه طبیعی قوت است که از ده شهر جمع صحرای او احتیاط و غله کمک

محرومی و از همه مرات تمام اسرار محفوظ حقیقتاً به فواید این قلعه زیاد است

عوض جمع جهات فواید مرحب التفات حقیقی بود

[illegible]

٦

اینها از محالات معظمه حاصلخیز خوب است چاره نظم اینها این است که
اولاً حرکت اینها هم ممکن عبور قوافل و تردد اکراد بصعوبات است اما اتفاقات
و مجموع دیگر است ایجاد قراولخانه شده در آنجا چهل نفر سوار و ده نفر
سرباز باشند

ثانیاً یکنفر منشی روزنامه‌نویس در اینجا بوده وضع حالت و حرکت اهالی
و حوادث و اتفاقات آنجا را روزنامه کرده و فرستاده تذکره و قاچاق را نیز مانع باشد

ثالثاً حکم محکم چون صادر کنند به اینکه هر کار که از ارات وزارت جلیله خارجه
از طوایف مختلفه آنجا و جهات گرفته از خارج کاغذ ارسال عیسی آنچه
و از سایر رعایای متفرقه اینجا اشخاص قرار داده بر آنها چهار سال با نهاد اکراد بنموده
سر طرف باشند در چنین زمین بی آب صاحب خیز ام رفته ممکن است گذرد و تربیع
تا به

ربیعا

را الله وردی بیک است که بیشتر رعیت قرار و دیگری در کرد و کرک ما بین این
و محال سکمن آباد در باب قراولخانه در هر یک بیست نفر سرباز قراول است
و مستحفظ راهها باشند هم است در حافظ همه چیز و مانع بیجائی اشرار و دزد و قاتل
خوانه بود

محال سکمن آباد

این محال از محالات حاصل خیز است قراولخانه دسته دره ساخته شده
برای نظم آن بسیار خوب است ولی باید همه اوقات بهار و تابستان
و پاییز اقلاً چهل نفر سرباز مواجب بگیر سر کار در این کوهها برای نظم
الصفحات بوده و روزنامه جمع و مرور از این محال که کنار عثمانی و خوی است
و غیره را ماه به ماه بنویسند

محال الند

اینک اموال خراب از ایلات کردی در عیت ایشان و در اینجا بعضی نیز حالا است

عثمانی اخورکی را تصرف کرده و آن ایل را تصاحب نموده است هرگاه مرحمت

منظم و آن ایلات استمالت شده این کار و مرحمت داشته باشند از این

این کردی را با کمال رضا میدانست بالنسبه آنچه اینجا را ایشان سر نمود

در وقت اتحاج رجب لازم باید قراولخانه ساخت بیست نفر نوکر آورده نفر

هر بار و یک نفر روزنامه نزلی و قید کرده جز در اینجا کرده

حالات اباقی و محمودی و اخورکیها

اینها را عثمانی هر دو را دیدن حقه تصرف کرده ایلات جبه را تمام و کوچ و حمایت نموده

و بعض طوایف دیگر وقت تکیه پارچه قریه را آباد نموده از ترس ظلم و تعدی حکام

اینطرف و تاخت و تاز رومیها از این سمت حالی تمکن جنینه تا حال آباد نشده

چند سال قبل هم آقای جبه را اندر بابت ایلات آن نقطه را از حالت علم برگشته

و ...

دراین مدت نگاه کرده خود را از تبعیت دولت علیه ایران خارج نموده و بهمین جهت بدون

هیچ نوع اولیه در این اشکال با این دولت علیه ایران و عمال متنازع فیه

گشته است اینک به ذمه اولیای حسن اقامت در رفته ابنای لشکر از تصرف

عمال نیروی دولت ماوره

سال قوی ئیل و جهت وظیفه سوار و شمیران

عجالتاً چاره نظم این مملکت این است که هر سمت قشون جدید

مراقبت طرح را در هر دسته صد و ده نفر و یکصد نفر سوار از وجوه داده

رتبه و بیست نفر سوار و قورخانه در هر یک را با یک نفر یاور

خارج از نوع در هر یک از این نقاط گماشته و یکی دو روز نامه نویس

در آن نقطه نگه داشته هر وقایع را که هر روز بیاید هر روز بنویسند

شمارهٔ سند: ۱۹۹
موضوع: امور سرحدی آذربایجان و مسائل ایران و عثمانی
تاریخ: (احتمالاً ۱۲۹۰ هـ.ق)
کارتن: ١٤
پرونده:

نمره: ۱۰۱

عریضهٔ وزارت خارجه به ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شوم به زیارت دستخط جهان مطاع اقدس همایون سرافراز و مباهی شد با اینکه شب اربعین بود اهمیت کار و فرمایش همایون را مقدم داشته قرار مجلس به عصر جمعه، روز اربعین داده شد. جناب امین الملک دستخط همایون صادر به افتخار این چاکر فدوی و خطاب به افتخار خودش را در محضر کل وزرا قرائت کرد و از فقرات مقرره علی التفضیل مستحضر شدند، همه به اتفاق گفتند که واقع همین است دولت قوی شوکت اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه این حقوق ثابته را در عهدهٔ دولت عثمانی دارد و باید حقاً ادا کند، دولت علیه چرا محتاج باشد که علاوه بر خسارتهای واردهٔ محص احتیاط حفظ سرحد خود ماهی سی هزار تومان یا متجاوز خرج مفت را متحمل شود. باید قرار معجل حتمی داده شود که دولت عثمانی به یکی از شقوق مقرره رفع انتظار و مخارج بیهودهٔ دولت علیه را بکند و اعتقادشان بعد از تحقیقات مسئلهٔ حاضره این شد که همین رشتهٔ گفتگو که دولت علیه در دست گرفته و در اینجا و اسلامبول به توسط معین الملک و همراهی سفرای دولت اربعه مشغول است اگر عین همین فرمایش ملوکانه نباشد آنقدر فرقی هم با اصل مسئله ندارد، معین الملک با اینکه در تلغراف آخری یک نوع اطمینان می دهد که امر قریب به تمام است باز مصلحت چنان دیده شد که تلغراف موکدی فرستاده شود که یک هفتهٔ وعدهٔ سلطان گذشت چه شد و قرار چه دادند، البته جواب آخری را گرفته زود تلغراف نماید در این بین هم کاغذی رسمی به شرح دستخط همایون به سفیرکبیر عثمانی و سفرای دول مرقوم و حاضر خواهد شد اگر همان طور که دولت عثمانی وعده کرده و ایلچی کبیر ایران وعده را قریب الادا دانسته است امر گذشت فبها والا کاغذهای رسمی

فرستاده می‌شود و بلافاصله به ایلچی کبیر ایران و سایر سفرای دولت علیه که در پایتخت چهار دولت اقامت دارند اعلام خواهد شد که از روی همان رشته حرکت نمایند و لازمهٔ مراقبت از جانب امنای دولت علیه خواهد شد که هرچه زودتر انشاءالله تعالی کار به جای درستی منتهی شود، اما در هر حال برای دولت علیه واجب است که یک ساعت زودتر در تهیهٔ لشکر کافی باشد و عساکر آذربایجان از افواج و توپخانه و سواره از خارج در خود مملکت هر یک را در محل خود حاضر نماید و یک نفر هم در خارج نگذارد نظم و امنیت لازمه را در کار مملکت آذربایجان بدهد به طوری که جذب قلوب از کل اهالی شود و امیدواری کامل به مراحم علیهٔ دولت ابدمدت داشته باشند. تزلزل و تشویش خاطری که برای آنها به جهات عدیده عارض شده بکلی مرتفع شود آنها از دولت کاملاً امیدوار شوند دولت از آنها اطمینان قوی حاصل کند و بداند آذربایجان همان آذربایجان قدیم شده که مال و جان خود را در راه دولت می‌گذاشتند برای استحضار خاطر ملازم مقاطیر همایونی جسارت شد. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

قانون کلی جواهرات قرنطین‌ها تو پوشیم بر بنیز بیت دستخط جهان مطاع قرنطین‌های سرحدی را از قرار مبادی شد با مستحکمه اریس تمو همت کار

و حمایت ایشان سال مقدم داشته قرار مجلس بسیر جمعه روز اربعین ماه شد جناب امین الملک دستخط سپهسالار را باین مکان فرمودی

خطاب باجار خودش سال در مجلس کلی وزرا قرائت کرد و از فقرات معتبره تفصیلی مستحضر شدند همه باتفاق گفتند که در راه

همین است چه دولت و کمیت مصلحت قرنطین‌های سرحد را فوق الحقوق ثابته را در عهده دولت عثمانی دارد و باید حقا ادا کنند سلطنتی صرف را

دولت علیه چرا محتاج باشد در عهده بر تعهدی دارد و بکشیم حسب الخط سرحد خود ماهی سه هزار تومان بعدا در خرج عهده شان

باید قرار معینی داده شود در دولت عثمانی که از حقوق معتبره رفع انتظار و مخارج بوده دولت علیه را با تمکن

بر اثر تحقیقات مسئله حاضره این شد که در همین رشته مشکوه دولت علیه در دست گرفته و در اینجا و اینکه سعی امور تسلیط بس اعلاس

و سعی‌های سفرای دول اربعه شنیده است که همین همین کار هر کارخانه یعنی آنقدر فرق هم با جهت مسئله مراوده معین الملک با کیه بعضی

در تعزاف آخری تفویض آن مهمان سعه هر دو امر قریب تمام است با مصلحت چنان دیده شد تعزاف مرکزی فرمانه نمود

وعده بعطاین گذشت جه قرار وعده داده بسته جواب‌های فرمی را رفته و تعزاف نماید در این باب کار صرف‌های زیر

بشرح دستخط همایون سفیر کبیر عثمانی و سفرای دول برتن وحاضر خواهند شد اگر بطور دولت عثمانی وعده کرده و اینهم سفرای انگلیس

قریب الله داد و انسته است امر گذشت فقط داد که قصه‌های زیر فرمایش میشود و بعد فاصله با جمعی سفرای مقتضی باید

سفرای دولت علیه در دربار تخت جهار دولت اقامت ملند اعلام خواهند شد در ازدوی ایشان رشته حرکت نهایت حال

و الذمه مراتب از جانب امنای دولت علیه خواهد شد در هر جه زودتر انشاء الله کار‌های در رشته منتهی شود تا اداره در جزو

برای دولت علیه واجب است که مساعت زودتر در تهیه کار کامل شدن جه کرد ایشان از افواج و تکانه بر اداره از صنایع

ممکن هر یک را در محلی جمع خاص بنا بر یکدیگر هم در خارج نگذارند نظم و اساس الذمه را در کار معطل اندر مکان

بطوری جهت خوب از کار‌ها لازم شود و امید واری کار‌های برای علیه دولت اند در دست داشته باشند بر ترازل

و تشویش خاطر در برای آنها بجهات عدیده عارض شده تکمیل مرتفع شود آنها از دولت که جهد امیدوار شوند از دولت

لیفهان قدری کار کنند و بجهت اطلاعات ماه ذی قعده قرار شده بود وصول خود تو در اطلاعات مکرر است انجمن بلکه اطلاع بجهت

جمادی الاول امر به اوند گفتن لاز ضع

شمارهٔ سند: ۲۰۰

موضوع: موقع جغرافیایی وزنه

تاریخ: ۱۲۹۴ هـ.ق

کارتن: ۱۵

پرونده: ۵/ح

در کتابچه که جغرافی ساوجبلاغ را در سنهٔ ۱۲۹۴ بتفصیل نوشته‌اند موجود دارم در ضمن اوضاع جغرافی وزنه را نیز نوشته است.

شرح وزنه

وزنه ملک ایران و از ییلاقات خاصهٔ لاهیجان است، که در دامنهٔ شرقی سلسله کوه بزرگ قندیل نام واقع است. مثل البرز تهران فی‌مابین اراضی لاهیجان و اراضی رواندوز ممتد است، نزدیک به مبدأ سلسلهٔ کوه مزبور مابین اراضی لاهیجان و سردشت اتفاق افتاده. یک قطعه زمینی است مدوّر مسطح تقریباً یک فرسخ در یک فرسخ فضای آن می‌باشد و اطراف آن محدود و محاط رشته کوه قندیل است. فقط یک دهنه دارد که به سمت شرق یعنی رو به داخلهٔ ایران مفتوح می‌شود. از اینکه به واسطهٔ محاط و محدود بودن اطراف آن به کوه بلند مزبور چراگاه و مرتع مخصوص بوده است. یک وقتی از طرف ایران به ییلاق عشایر عثمانیه معیّن شده که دیگر در ییلاق این دولت با عشایر ایران مخلوط و ممزوج نبوده اسباب ضرر و خسارت یکدیگر نشوند و الّا ملک طلق ایران است و همیشه در تملک داشته و دارد انتهی.

در این مدت بنده از اطراف مانند علی اکبرخان کارپرداز ساوجبلاغ که شخص خبیر و بصیر و وجب به وجب بنا را دیده است، جویا می‌شدم مدعی بر این است که دولت اجازه بدهد در این تحقیق که مأمور خواهند فرستاد من هم باشم به دلایل واضحه به طرف مقابل جواب بدهم، اگر از عهده نیامدم سرم را در راه دولت فدا می‌کنم.

معتمدالسلطان آقامیرزا محمد رئیس مهاجرین که سولدوز و ساوجبلاغ و لاهیجان در جزو تیول مهاجرین است و خودش بشخصه آن طرفها و وزنه را دیده است، می‌گوید عشایر خودمان را دولت از خودش مأیوس کرده به طرف مقابل رفته‌اند نمی‌گذارند که دولت علیه به آنجا قدم بگذارد نیز، مرا مأموریت بدهند که آن عشایر را استمالت بکنم و امیدواری بدهم که خود عشایر نگذارند که طرف مقابل به آنجا بیایند و یا به مقام ادّعا

برآیند، محض عناد اهالی خودمان است و تفصیل خیلی می‌گوید که به تحریر نمی‌آید حرف این را به عقل قاصر خود به ثبوت نزدیک می بینم. بیچاره اعتمادالوزاره یا میرزا علی خان خواهرزادهٔ مخبرالدوله آن طرفها را ندیده منتها در نقشه‌کشی مهارت دارد این ملاحظات لازم است که قبل از وقت مستحضر و مطلع باشند که آدم نابلد و بی اطلاع را مأمور نکنند.

میر پنج

[حاشیه: دستخط مظفرالدین میرزا ولیعهد:]

جناب اشرف اتابک اعظم این تفصیل را هم ملاحظه نمایید و البته هر کس که قابل و شایسته این مأموریت باشد انتخاب نمایید و هر اقدام دیگری هم که مقتضی است به عمل آورید.

امضای مظفرالدین میرزا ولیعهد

[illegible]

[illegible] ١٢٩٤ [illegible]

شرح درنه

درنه ملک ایران دو قسم است [illegible] لذیذ حلال است [illegible] درنه [illegible] کوه [illegible] بزرگ [illegible]

شب [illegible] طهران [illegible] اراضی لا [illegible] و اراضی [illegible] درنه [illegible] کوه [illegible] اراضی لذیذ

در [illegible] اتفاق [illegible] یک قطعه زمین است [illegible] سطح [illegible] تقریباً [illegible] سنگ [illegible]

در اطراف آن [illegible] کوه [illegible] فقط [illegible] در سمت شرقی [illegible]

[illegible] اطراف آن کوه [illegible] مخصوص [illegible]

یک [illegible] از طرف [illegible] ایران [illegible] تعیین شده [illegible]

[illegible] در ملک [illegible] ایران [illegible] در ملک [illegible] انتهی

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۰۱

موضوع: تعیین حدود قطور و تحویل آن به ایران

تاریخ: ۱۲۹۵ هـ.ق

کارتن: ۱۵

پرونده: ۵/ح

دستورالعمل مقرب الخاقان میرزا محبعلی برای تعیین حدود قطور و استرداد آن

دستورالعمل مقرب الخاقان میرزا محبعلی ناظم دفتر وزارت امور خارجه

مأمور قمسیون مرکب از مأمورین دول روس و انگلیس و عثمانی که برای تسلیم و تحویل نمودن تمام نواحی و متعلقات و دهات قطور به مأمورین و سرحدداران دولت علیهٔ ایران تشکیل و به موجب قرارداد دول مزبوره سمت انعقاد می‌یابد، به تاریخ ۱۲۹۵.

فصل اول: ابتدائاً این معنی را باید آن مقرب الخاقان مخصوصاً در بنیان و اساس امر بدانند که دولت روس در عوض آنکه محال قطور را دولت عثمانی از تصرف غصب خود خلع و کمافی السابق به دولت علیهٔ ایران واگذار می نماید، تمام محال بایزید و درهٔ الاشکرد را که خیلی وسعت خاکی دارد به دولت عثمانی واگذار خواهد کرد. در این صورت باید غایة القصوای دقت و موشکافی از طرف شما در این قمسیون به عمل آید که به قدر یک وجب از اراضی و انهار و قرا و قلاع و اماکن بایره و دایره و درهٔ قطور مهمل و فراموش نمانده تماماً به سرحدداران دولت علیهٔ ایران تسلیم و تحویل شود و همان طور که بایزید و الاشکرد را با آن وسعت دولت روس عوض می دهد محال قطور هم تمام و کمال با ضمایم و متعلقات قدیمه به ما تسلیم و تحویل شود.

فصل دویم: خود المقرب الخاقان در زمان گردش وکلای دول اربعه در حدود دولتین ایران و عثمانی برای خطوط سرحدیه در معیت مرحوم مشیرالدوله بوده و سرحدات را به رأی العین مشاهد کرده و اطلاعات کامله از جمیع مذاکرات دایره به سرحدات و آرای مأمورین دول واسطه دارید و می دانید که دهات درهٔ قطور را که درویش پاشا درسال ۱۲۶۵ به اعانت رشید محمدپاشا مشیر عساکر سرحدیه شرقیه عثمانی غصب کرد در ضمن کتابچهٔ مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله سی و پنج قریه به موجب تفصیل ذیل قلمداد و تعداد نموده‌اند که نباید از یک ذرهٔ آن صرف نظر شود.

قصبهٔ قطور، اشتران، ریزی، روایان، قاشقول، بانه‌مرک، چلیک علیا، چلیک سفلی، ترس اباد، کوارا، ساطمانیس، قاولیک، هره‌تیل، امان‌یورت، شرفخانه، سرای، خراب‌سورک، حبس علیا، حبس سفلی، کلت علیا، کلت سفلی، مخنی، کوله‌دمک، کوکرت یا کوکرد، المالو، هندوان، قیله‌لق، قاشقه‌بلاغ، بیانلو، رازی، بلوچیک، دنه‌خور، کرجیک، چارخ، سرانگیز و باید انشاءالله بدون آنکه یک سنگ از درهٔ قطور و یا یک قبضه خاک از آنجا غفلت گردد، تمام و کمال تحویل بدهند زیرا که دیگر محل هیچ گونه عذر از برای کارگزاران دولت عثمانی باقی نمانده است.

فصل سیم: چون درویش پاشا بعد از فراغت از گردش سرحدات دولتین ایران و عثمانی در حین گردش وکلای دول اربعه و رجعت به اسلامبول راپورت محرمانه از برای اطلاعات اولیای دولت مشارالیها مفصلاً نوشته است و بعد از چندی راپورت مزبور را چاپ کرده‌اند که البته شما در این مدت نسخهٔ آن را تحصیل کرده‌اید، محال و نواحی قطور و ساطمانیس و ملاحسن را در راپورت مزبور هر یک علی حده جزو داده و هر سه را از اصل باز متعلق و جزو قطور نوشته است و برای اطلاع شما و حفظ احتیاط صورت این فصل همان راپورت را در ذیل نگاشته‌ام سه ناحیهٔ مزبوره را سی و نه قریه قلمداد نموده است و اسامی قرای مندرجهٔ در این راپورت درویش پاشا با اسامی دهاتی که در کتابچهٔ مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله مندرج است، خیلی مختلف است. لازم شمردم مخصوصاً خاطر شما را ملتفت سازم که مقدور است به استناد همین راپورت تمام سی و نه پارچه قرا را ا ز آنها منتزع نمود و اسامی دهات از این قرار است.

مضمون ترجمه راپورت درویش پاشا که به عینه درج می شود

صورت اسامی قرا و مقدار خانه‌های قریهٔ قطور و مضافات و نواحی آن که به تصرف ایرانی ها گذشته و در سال ۱۲۶۵ برحسب مأموریت مستخلص شده است.

قطور، کواران، کشرلهوک، حبس علیا، حبس سفلی، کلت، مخین، زیری، کوکرت، هندوان، المالی، قراکلق، غائله‌لک، استران، روایان، ترس آوا، کوتتوار، قاشقه‌بولاق

باز فی الاصل قرایی که از ناحیهٔ قطور است و بعضی به پاره‌سببها به تصرف ایرانی ها رفته و درآمده و قبل از استخلاص قطور تابع مضافات بلوک محمودی بر روی نواحی ساطمانیس و ملاحسن بوده است.

بیله‌جک، هره‌تیل، شرف‌خانه، راضی، سرای، قوریجان، چاروخَسَر، خرابسورک، انکز، نیکیزلوه، میرزا کویی، امانورت، قاولیک، خورجیک، قورچیوک، چارطاق.

قرایی که روی ملاحسن است.

استیجو، میرکهو، یوسف‌حیدران، دوزر، اذویان، تیرواراک

فصل چهارم: چون می خواهم حتی المقدر از اطراف و نواحی کار قرین استحضار باشید، لهذا محض استحضار نه از برای آنکه سند اتخاذ شود یا محل اعتنا باشد، صورت ترجمۀ سیاحت‌نامۀ خورشید افندی کاتب اسرار را که در گردش وکلای دول اربعه در تحدید حدود دولتین اسلام از مأمورین قمسیون دولت عثمانی بوده است و حدود قطور را به عقیدۀ خود نوشته است به عینها درج می نمایم.

ترجمۀ سیاحتنامۀ خورشید افندی

اسامی دهات قطور که یک چندی در تصرف دولت ایران بوده در سنۀ ۱۲٦٤ مستخلص شده است و خانوارهای آنها قصبه قطور، کواران، کرلهوک، مخین، حبشی علیا، حبشی سفلی، کلت، ریزی، کوکرت، هندوان، المالو، قرانولق، غائله‌لک، استران، روایان، ترس‌اوا، کوتتوار، قشقه‌بلاغ

حدود قطور از قرار تفصیل مرقوم در ذیل است.

حدی به بعضی از محال بلوک محمودیه، حدی به محال دیرک و دهورکه در تصرف تبعۀ ایران می باشد.

حدی به دهات شهرخوی، حدی به خاک ناحیۀ آلَند

قلعۀ قطور که بر روی قُلّۀ تپۀ واقعه در صحرای وسیع بنا نهاده شده بود به موجب شروط عهدنامه منهدم گشته است و در دامنۀ تپۀ مزبوره یک پارچه ده به عدو خانوارهای مذکور فوق مانده است، این ناحیه علاوه بر هیجده پارچه قریۀ مزبورۀ فوق بیست پارچه دهات دیگر هم داشت که کلیتاً سی و هشت پارچه دهات بوده است. موسی بیک بیکزادۀ محمودی که وقتی این ولایت کلیتاً در دست او بوده است چنانچه من در محل خود حین ذکر سنجاق‌حکاری این فقره را نوشته‌ام از روی سفاهت و سوء اتفاق بعضی از آنها را به رعایای دولت ایران که اسامی ایشان معلوم است فروخته برخی را هم به ایشان

رهن و گرو داده، چون این دهات به خاک شهر خوی ایران نزدیک بود مشارالیهم آنها را ضبط و تصاحب نموده مثل سایر املاک خود در تصرف دارند، دولت عثمانی چنان که معلوم است به املاکی که به اجازه یعنی به عبارت عثمانلویی یورت‌لق و اوجاق‌لق می‌دهند هیچ مداخله نمی‌نماید و چون در این حالت رؤسای آنجاها از طرفین حقوق دول را منظور نمی‌نمودند، ناحیهٔ مزبوره در مدت معینی جزو اراضی دولت ایران محسوب می‌گشت و این امورات در جاهایی که من وصف آنها را می‌نویسم هیچ معلوم نبوده همین در این اواخر که حکام وان از منصب حکومت خود معزول شده‌اند معلوم گشته است، جناب فریق درویش‌پاشا که من از اتباع او بوده‌ام از برای انجام مأموریتی که داشت اول به آن طرف سرحد رفته و از حالات آن ولایات اطلاعات کامل حاصل نموده بود و جمیع نقاط سرحدیه را به دقت تمام ملاحظه کرده از محل موسوم به داغماچی طاش علامت سرحدی گذاشته است و دهاتی را که به رعایای دولت ایران منتقل شده بوده است از ید تصرف ایشان انتزاع کرده است وحال این دهات ضمیمهٔ خاک ولایت حکاری گشته در تصرف باب‌عالی می‌باشد.

این تفصیل کلاً ترجمه راپورت خورشید افندی است که از برای دولت متبوعهٔ خودش نوشته است تنها محض اطلاع شما درج شد.

فصل پنجم: از قراری که از سفارت دولت روس در طهران اظهار شد از جناب میرزا ملکم‌خان ناظم‌الملک که به سمت مأموریت از جانب دولت علیهٔ ایران در مجلس کنگرهٔ برلین حاضر بوده سؤال کرده بودند که منظور دولت علیهٔ ایران در محال قطور چه اندازه و عبارت از کجاها می‌باشد جناب مشارالیه در جواب مأمورین دول حاضره در کنگره گفته بوده است مقصود دولت علیهٔ ایران همان مقداری است که مابین وکلای دول اربعه در مجالس ارز روم مطرح مذاکره بوده است و دور نیست که به واسطهٔ این حرف جناب ناظم‌الملک بخواهند همان هجده پارچه قرایی را که مخصوصاً به اسم محال قطور معروف است به ما واگذارند، یعنی مأمورین عثمانیه به این خیال افتاده و قرای متعلقه به ملاحسن و ساطمانیس را که آنها هم متعلق به قطور و در یک دره و یک موقع واقع شده‌اند از قطور موضوع و مستثنی دارند و حال آنکه درهٔ مزبور بالکلیه به طور قطعی که حاوی ملاحسن و ساطمانیس است از قدیم‌الایام به درهٔ قطور و محال قطور اشتهار عمومی دارد. واگرچه من هم در جواب سفارت دولت روس بالصراحه گفتم و درست حالی

نموده جای تردید و شبهه نگذاشتم که ملاحسن و ساطمانیس دو قریهٔ معتبر از قرای متعلقه به قطور می‌باشد منتها این است که چند پارچه دهات نزدیک ملاحسن را به آنجا و نزدیک به ساطمانیس را به آنجا نسبت می‌دهند و روی هم‌رفته درهٔ قطور موسوم و معروف و مشهور است و اصلا محل خدشه نیست. و از سفارت روس هم در این خصوص کمال مساعدت در این باب با ما می‌شود و به مأمور خودشان حالی کرده‌اند خواستم شما هم از این فقره مستحضر باشید که اگر احیاناً این اظهار از مأمور عثمانی بشود قبل از وقت با خبر بوده از روی اطلاع جواب بدهید.

چیز دیگر که محل دست‌آویز مأمورین عثمانی به اعتقاد خودشان در اجرای این مقصود آنها می‌تواند شد این است که بگویند ادعای دولت علیه ایران این است که درویش‌پاشا محال قطور را غصب نموده و چیزی را که او غصب کرده همین هیجده پارچهٔ متعلق به قطور است که باید به موجب قرارنامهٔ امضاشده در برلن دولت عثمانی ردّ نماید. شما خودتان می‌دانید که در سواد عهدنامهٔ سلطان مراد رابع که خود عثمانی‌ها محل استناد خود قرار داده‌اند چیزی را که در آن سرحد اسم برده تنها قلعهٔ قطور قدیم است آن را هم نوشته قلعهٔ مزبور خراب بماند که در حقیقت این هم دلیل بزرگ بر حقیقت تملک دولت علیهٔ ایران است و اصلا در آن دره و سرحد اسمی از ملاحسن و ساطمانیس ذکر نشده است زیرا که این دو مکان و دهات نزدیک آن در درهٔ مزبور واقع و جزو لاینفک قطور است و هرگز اسم علیحده نداشته که در ضمن عهدنامه درج شود. علاوه بر این ادعای دولت علیهٔ ایران است که قطور و محال آنجا و هرکجا که متعلق به آن است در تصرف غصب عثمانی و لازم‌الردّ است، خواهد درویش‌پاشا غصب کرده باشد یا مباشرین آنجا را در حین فَتَرات اغفال و غصب نموده باشند.

علاوه بر این محض تقویت شما در قمسیون و همراهی تامّهٔ مأمور دولت روس با شما بعد از مذاکره لازمه با جناب مسیو زیناویف وزیرمختار روس را واداشتم جناب مشارالیه راپورت مفصلی در این خصوصات و ترمیم حرف ناظم‌الملک در مجلس کنگره برلن به وزارت امور خارجهٔ دولت روس نوشت که سواد آن را از برای جناب معین‌الملک سفیرکبیر دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول ارسال داشته، یعنی مصحوب همین چاپار فرستاده‌ام ملاحظه نموده، استحضار حاصل خواهید کرد و انشاءالله تعالی از روی کمال قوت قلب و بصیرت در قمیسیون مذاکره و حقوق قدیمهٔ باهرهٔ دولت علیهٔ ایران را استیفا

خواهید نمود.

فصل ششم: بایست کمال مراقبت را در قمسیون به عمل آورند که دیگر بعض شرایط و اشکالات از جانب مأمور دولت عثمانی القا و از جانب ما قبول نشود مثلاً شرط قرار ندهند که فلان قلعه باید خراب بماند یا قلعهٔ قدیم قطور آباد نشود یا اگر یک قریه و زراعت را به کسی از اهالی آنجا محل داده باشند بگویند برقرار بماند یا در آن اماکن استعداد عسکری نباید گذاشته شود یا جایی از برای انبار قورخانه و مکان ساخلو ساخته نشود و قس علی هذا نباید به هیچ یک از این قبیل مذاکرات تمکین نمایید، چرا که مشاهده می‌نماید در وقتی که محال قطور را غصب کردند در آنجا که به تصرف غصب آنها آمده بود بنای قلعه و انبار قورخانه و قشلهٔ سرباز و استعدادات محکمه نهادند و قشون و ساخلو در آنجا گذاشته حتی علامت سرحد نصب کردند که در واقع در نزد هر عاقل بصیر و از قواعد باخبر همان علامت که به تاریخ ۱۲۶۵ نصب نموده‌اند دلیل صریح بر تصرف جدید و غاصب بودن آنها است بعد ازآنکه به دست مالک اصلی عودت نماید به طریق اولی باید اسباب حفظ آنجا را فراهم نماید، خاصه پس از ظهور آن حرکت درویش پاشا در غصب آنجا که همان حرکت او ما را دعوت صریح به فراهمی لوازم حفظ سرحدات و عدم اطمینان به همجواری مأمورین دولت عثمانی نموده است. مختصراً دولت علیهٔ ایران بدون هیچ گونه قبول شرطی در محال قطور تصرفات مالکانه و مستقلانه را مختار است که معمول و مجری بدارد و هرگونه دعاوی ملکیه نیز در این مدت غصبیت در آنجا مابین رعایای آن طرف و رعایای قطور ظهور یافته باشد در طبق عهود مقدسه و مقاولهٔ نامه‌های مرعی الاجرای بین الدولین قطع و فصل خواهد شد.

فصل هفتم: باید پس از ورود قمسیون به مکان معین و شروع به گفتگوی امر طوری با مأمورین روس و انگلیس قرار مبنای کار را بدهید که مبادا قبل ازآنکه قراری در اطمینان ما از بابت قطور بدهند، مأمورین عثمانی بروند و درهٔ الاشکرد و محال بایزید را از مأمورین روسیه تحویل بگیرند و شما را در آنجا آواره بگذارند و دوچار اشکالات و زحمات گردیده دولت علیه را به زحمت بیندازند، زیرا که اگر قبل از اطمینان از قرار تسلیم کل محال قطور به ما محال بایزید و الاشکرد را از قشون دولت روس تحویل بگیرند دیگر تحویل گرفتن محال قطور از مأمورین عثمانی قرین کمال اشکال و باعث ایجاد زحمات خواهد شد، نباید به اندک غفلت از این نکته چنین موقع مساعد از دست

برود و خدای نکرده ندامت حاصل گردد اهمیت این فقره مستغنی از آن است که من بخواهم شما را منتقل به کل نکات این کار و طرز فراهم آوردن مقدمات حصول این مقصود با مأمورین دول روس و انگلیس و ملتفت نمودن مأمور دولت روس مخصوصاً به این مسئله و ملاحظهٔ اطراف این امر نمایم، شما خودتان باید ملتفت بوده آن طوری که سزاوار دولتخواهی و پختگی و کارآگاهی شما است، اقدامات لازمه را بکنید.

فصل هشتم: در هر امری راجع به مسئلهٔ قطور از هر طرفی که یک اشکالی پیش آید و خدای نکرده عایقی رخ دهد فوراً بدون افاتهٔ وقت مشروحاً به وزارت امور خارجه اطلاع داده به هر دو سفارت دولت علیهٔ ایران در اسلامبول و لندن قلمی دارید و سعی نمایید که انشاءالله هیچ نکته از نکات مهمل و منسی نماند.

فصل نهم: دور نیست که از جمله بهانه‌جویی های مأمورین دولت عثمانی این باشد که دولت عثمانی در قطور سربازخانه و انبار و ابنیه دیوانی دارد و در صورتی که حالا دولت علیهٔ ایران آنجا را ا ز ما مسترد می نماید مقتضی است که تأدیهٔ این خسارت از جانب دولت علیه ایران بشود و طوری ادای این مطلب را نماید که مأمور دولت انگلیس یا دیگری را با خود متفق سازد لکن این معنی محتاج به اغلاق در بیان و اشکال افکار نیست که هرگاه از طرف یکی از دولتین در اماکن متنازع فیها ابداع و ایجاد ابنیه نماید، حکم آن انهدام و تخریب است چه برسد به آنکه دولتی در ملک صریح دولت دیگر ایجاد بنا نماید خاصه وقتی که به آن طورها به تصرف غصب خود درآورده و در حین حمله بردن و غصب نمودن مبالغ خطیر به دولت و اهالی و رعیت آنجا خسارت وارد نموده باشد.

[حاشیه:] اگر چنین حرفی زده خسارت ابنیه بخواهند باید گفت مالیات سی سالهٔ قطور را نقداً عیناً به دولت ایران بدهد آن وقت خسارت شما را بدهد. [دستخط ناصرالدین شاه]

فصل دهم: دولت علیه ایران از روی حق و انصاف حق صریح خواهد داشت که مالیات سنوات و ازمنه که محال قطور در تصرف غصب دولت عثمانی بوده است از روی دفتر و قاعده بدون هیچ گونه عذر مطالبه نماید، در حالتی که انصاف و حقگزاری دولتین واسطه نیزامید کلی بلکه یقین حاصل است تصدیق به این حق صریح که مبالغ

خطیر می شود، خواهند نمود. دولت علیهٔ ایران در این باب انصاف دولتین واسطه را مقوی این حق خود در عوض خسارتهای دولتی و رعیتی آنجا در حین غصب قطور و بعد از آن وارد شده است، می داند.

فصل یازدهم: مقرب الخاقان محمدصادق خان امین نظام سرتیپ اول توپخانهٔ مبارکه برای تحویل گرفتن محال قطور بر حسب امر قدرقدر مطاع مبارک اقدس همایون اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاه صاحب قران روحنا فداه مأمور گردیده است و با استعداد لازم از قبیل چند فوج سرباز و سوار و توپ و قورخانه هم برای احتیاط و به جهت حفظ نظم آنجا همراه دارد که در نقاط لازمهٔ ساخلو گذاشته متمرد را تنبیه نماید لازم است که شما برحسب اقتضای مذاکرات قمسیون او را از تکالیف لازمه قرین استحضار داشته هرگاه صلاح باشد که جمعیت او در سرحد و خودش در قمسیون حاضر شود او را مستحضر دارید که از آن قرار رفتار نماید و به هیچ‌وجه من الوجوه از تکلیفات فوریهٔ خود غافل و بی خبر نماند.

فصل دوازدهم: محض مزید استحضار شما می نویسم که کتابچهٔ راپورت محرمانهٔ درویش پاشا را که چاپ شده جناب وزیرمختار روس یک نسخه از آن را برای مأمور دولت روس که در قمسیون خواهد بود فرستاده است و من از بابت استحکام کار ترجمهٔ راپورت خورشید افندی را که در فصل چهارم ذکر شده است مخصوصاً از سفارت روس گرفته‌ام این نکته را خودتان ملتفت بوده به مأمور دولت روس هم حالی نمایید که بداند ما با سفارت دولت روس در این خصوصات کمال اتحاد داریم و به صلاح و صوابدید یکدیگر دستورالعمل داده و از تکالیف طرفین استحضار داریم.

فصل سیزدهم: ضرر ندارد که شما در ضمن به مأمور دولت عثمانی از روی کمال دوستی و اتحاد حالت مودت و یک‌جهتی دولتین اسلام را بر وجه کامل حالی نموده، اظهار دارید که چه ضرورت داعی است شما که ملک ما را لابداً باید در این موقع پس بدهید طوری قرین اشکالات نمایید که بالاخره ملک ما به توسط دیگران به ما برسد و امتنان هم از شما نداشته باشم پس بهتر این است که بدون هیچ گونه اشکال و بهانه‌جویی تمامی محال قطور را به ما تسلیم نمایید که دولت علیهٔ ایران را از دولت عثمانی بدون منت دیگران مسرور و ممنون نموده باشید. هرگاه این عنوان را از روی اساس نموده مأمور دولت عثمانی را از صرافت ایراد و اشکال پیش‌آوردن بیندازید باعث

خیلی تسهیل تکالیف می‌گردد.

فصل چهاردهم: فصولی که در این دستورالعمل درج شده است استخوان‌بندی و بنیان و اساس عمل است دیگر متفرعات و جزئیات که در قمسیون در حین مذاکره ظهور می‌نماید تسویهٔ آن بسته به اطلاعات و بصیرت و کارآگاهی و دولت‌پرستی شما است که انشاءالله از روی قاعده تمام کرده نگذارید صرفهٔ دولت از میان برود یا بهانه و سندی به دست طرف مقابل بیفتد ملاحظه شد.

محل مهر: سپهسالار اعظم مشیرالدوله

[پی نوشت:] ثبت دفتر مخصوص وزارت جلیلهٔ امور خارجه شد.

دستورالعمل مقرب الخاقان میرزا محبعلی

برای تعیین حدود قطور

و ضمیمهٔ آن

دستور العملی مقرب الخاقان میرزا محمدعلی خان ناظم دفتر وزارت امور خارجه

مأمور کمیسیون مرکب از مأمورین دول روس و انگلیس و عثمانی

در باب تسلیم و تحویل منفصل تمام نواحی و متعلقات و دهات

قطور به مأمورین و سرحدداران دولت علیه ایران که تشکیل و بموجب

۱۲۹۵

قرارداد برلن مزبوره سمت انتقال یافته است

فصل اول

ابتداء اینمعنی را یاد آن مقرب الخاقان خصوصاً در بیان واضح اسم

۲/۳۰

برای اینکه دولت روس در عوض ملکی که ممالک قطور را از دولت عثمانیه متصرف

غصب حقوق صلح و کلّیه این دولت علیه ایران و انزوای ایشان تقدیم

ممالک بایزید و دره الاشکرد را از خیلی وقت تملکی که دارد به دولت عثمانیه

و اگر نخواهد که در این صورت پا به غایة القصوای دقت و همکوشی

از طرف شما در این مضمون بعمل آید به تقریب دست آورده از اراضی و انهار

و قرا و قلاع واقعه بایزید و دره الاشکرد قطور جهتی فراموش نخواهد

تا ما به سرحدات دولت علیه ایران تسلیم و تحویل شود و همان قطور که

بایزید و دره الاشکرد را با آن بعلت دولت روس عوض می‌دهد

حوال قطور هستم و کتاب با ضمایم متعلقات قدیمه با تسلیم و تجدید

فصل دهم

حفظ امتقریب اکثال در زمان تحدیش وکلای دول اربعه در صدد

ریتیس الچی عثمانی برای خطوط سرحدیه در معیت مرحوم مشیر الدوله

منجمه و سرحدات را برای النعش مشاهده کرده و اطلاعات کامله

از جمیع سرحدات دایر بسرحدات و آرای مامورین دول و اسناد وارده

ری دولتیه رودهات دره قطور ... در روش باداری ۱۲۷۵

با علامات رشید محمد پاشا شیرعکر سرحدیه شرقیه عثمانی غصب کرد

در ضمن کتابچه مرحوم میرزا جعفرخان مشیر الدوله سی و پنج قریه بموجب

بقید

تفصیل و تبیین قشلاقها و ییلاقها و محلهائی که باید از ریگ دره الی صحرای تنگلی شود

قصبهٔ قطور	اشتران	ریزی	روانیان	آقچقول
بانه جیرک	چلیک علیا	چلیک سفلی	ترس آباد	کوارد
ساطمانیس	قاولیک	هره‌تیک	لال یورت	شرفخانه
سرای	خروب بورک	جبس علیا	جبس سفلی	کلت علیا
کلت سفلی	مخنس	کوزله ویک	کوکرت یا کوکرو	الالو
هندوال	قیزلق	قاشقه بلاغ	بیانلو	رازی
بوجیک	دنه خور	کرجیک	چهارج	سراکهر

و با این اشارات بدون لکنت که سکنهٔ از دره قطور و بایزید قصبه

خاک ایران کامل غفلت کرده و تمام دهات تحت تصرف هستند زیرا دیگر

محل هیچکدام عذر برای تصرف ایران و دولت عثمانی باقی نمانده است

فصل سیم

چون درویش پاشا بعد از فراغت از گردش سرحدات تبیین املاک و عمارات

در حین گردش وکلای دول اربعه در جواب به اسلامبول مبعوث راپورت محرمانه

از برای اطلاعات اولیای دولت شان الحاح متصل نوشته است و بعد از خبر

راپورت مزبور را چاپ کرده اند البته دور از مروت است نسخه

آن را که تصحیح کرده اند حمال و نواحی قطور و سلطانیه و ملک حسین [illegible]

هر یک علیحده جزو ده و هر یک سؤال از صاحب منصبان متعلق [illegible]

قطور نوشته است برای اطلاع اولیا در حفظ احتیاط صورت آن هست

[illegible]

حال راپورت را در وین کاغذ نوشته‌ام که ناحیه مرز بوره را که نه

قریه قلمه‌لو منهم است که اسامی مندرجه در این راپورت در وقت شرح حاشیه

باسامی دهات در کتابچه مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله مندرج است

خیلی مختلف است لازم است شخص صاحب‌خبره و موثق تعیین نمایند که

مقدور است باشند همین راپورت تمامی دهنه پاره قریه‌ها را از آنها تتبع

نموده و اسامی دهات را درست قرار داد

نوشته مضمون ترجمه راپورت روسی است که با حواشی در خاتمه

صورت اسامی قراء و مقدار خانهای قریه‌ها و مضافات و نواحی آن که تصرف

روسها کرده شده و در سنه ۱۲۵۵ از جانب مأمورین تحقیق شده است

جمع قرا [illegible]

[illegible] خانه

قطور [illegible] خانه	گواردوان [illegible]	کسر لهراک [illegible]	حبس علی [illegible]
حسنبکسلو [illegible] خانه	کلت [illegible]	مخمیس [illegible]	زیوی [illegible]
کورکرت [illegible] خانه	هنده وان [illegible]	المالی [illegible] خانه	قراکلق
غاغه لک	استران [illegible]	رواشان [illegible]	ترس اوا
کوتوارد	قاشقه بلاق [illegible]		

بار نخ الدصی قرائی که از ناحیهٔ قطور است و بعضی به باره سبهابصرف

الحالیها رفته و در آنجاده و قبل از استخلاص قطور تابع متصرفات

بلوک محمودی بر روی نواحی ساطانیه و ملاح [illegible]

حاصل قریه
خانه

بیله جك خانه	بره تپه خانه	زرقصانه خانه	راضی خانه
براك خانه	قوریکال خانه	چار و خنیر خانه	خرا سجود خانه
اکبر	پیلیر لو خانه	میرزا اکو خانه	اما لورت خانه
قاولیك خانه	خورجك خانه	قور چورك خانه	چار طاق خانه

قرائه دره‌لی بلدجی است
خانه

اینجه خانه	میر کهو خانه	یوسف حید تکلو خانه	تازه خانه
اذو یال خانه	تیرورالك خانه		

فصل چهارم

چون می‌خواهم حتی المقدور از اطراف و نواحی کار قرین استحضار
باشید لهذا محض استحضار نه از آنکه نسخه اتکاء شود یا محل اعتنا
عین صورت ترجمه سیاحت نامه خورشید افندی کاتب اسرار [illegible]
در کمیسیون وکلای دول اربعه در تحدید سرحد دولتین اسلام
از مأمورین کمیسیون دولت عثمانیه بوده است و سرحد قطور را
بعقیده خود نوشته است بعینها درج می‌نمایم.

ترجمه سیاحت نامه خورشید افندی

اسامی دهات قطور که جزو چند در تصرف دولت
ایران

اهالی قصبه در سنه ۱۲۴۶ مشخص شده است و خانوارهای آنها

قصبه قطور	لوداران	کرکهول	محیص سفلی
حبشی علیا	حبشی سفلی	کگت	ریزی
گوکرت	هندوان	الماتو	وائولی
غائله لک	اسران	روانیال	ترس اوا
گوموار	قره بلاغ		

حدود قطور از قرار تفصیل مرقوم در ذیل است

حدی بعضی از املاک بلوک محمودیه	حدی شمالی و برکه و دهبرله در تصرف تبعه انگلیس می باشد
حدی جنوبی دهات شاهزدی	حدی شرقی ناحیه الذ

قلعه قطوره بر روی قله تپه واقعه در صحرای وسیع بنا نهاده شده بود

بموجب شرط عهدنامه منهدم گشته است و در دامنه تپه مزبوره

یک پارچه ده بعده خانوارهای مذکور فوق تازه آباد است این ناحیه

علاوه بر هیجده پارچه قریه مزبوره فوق هفت پارچه دهات

دیگر هم داشت که کلیه سی و هشت پارچه دهات تعمیرات

الی ابدا

موسی بیک بیگ قلعه محمودی در وقتی این ولایت کلیه در دست او

بوده است چنانچه مهر در قبض خود چنین دیگر سنجاقی جعفری این شهرها

نوشته‌اند که از روی نظامت و حکومت اتفاق بعضی از آنها را به رعایای

دولت ایلچی در اسامی ایشان معلوم است فرد جسته برخی نواحی هم

باشند رعیت و کرد و کالبه چون این دهات نزدیک شهر

خوی الحق بوده است نموده‌اند را الیهم آنها را ضبط و تصاحب نموده

شده‌اند بر املاک خود در تصرف دارند دولت عثمانی

چنانکه معلوم است به املاک در به اجاره یعنی به تجارت عثمانیه

یورت لی و اوجاق لی می‌دهند هیچ مرحله نیز و چون

در این حالت رؤسای آنها از طرفین حقوق حال را منظور می‌نمودند

ناحیه مزبوره در مدت معینی جزو اراضی دولت علیه محسوب می‌گشت

و این امورات در جاهائی که مردم صنف شماری می‌نویسیم معلوم

نتیجه همین در این اوان شده که حکام و ولات از منصب حکومت

منفصل شده‌اند معلوم گشته است جناب قرتی درویش اول

دوم از اتباع او بعضی‌ها از برای انجام مأموریت داد آثار

به اطراف سرحد رفته و از حالات اهل ولایت اطلاعات

کامل

که آنها حاصل منضبط بود و بجمیع نقاط سرحدیه را به دقت تمام ملاحظه

کرده از جمله موسوم به داغستان و طالش علاوه سرحدی که در آن ولا

و دهات را که برعایای دولت ایران متعلق شده بجهات است از رعیت

تصرف ایشان انتزاع کرده است و حالیه این دهات جمیع

حالا به ولایت حکاری گشته در تصرف باب عالی می‌باشد

این تفصیل که ترجمه راپورت خورشید افندی است

را از برای دولت متبوعه خویش نوشته است

تنها محض اطلاع شما درج شد

فصل پنجم

در قراری که در سفارت دولت روس در طهران اظهار شده بود
جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک به سمت مأموریت از جانب
دولت علیه ایران در مجلس کنگره برلین حاضر بوده سؤالاتی کرده بعضی که
منظور دولت علیه ایران در حال قطور چه اندازه و عبارت از چه چیزها
میباشد جناب مشار الیه در جواب مأمورین دول حاضره در کنگره
گفته بوده است مقصود دولت علیه ایران همان مقرراتی است که از این
وکلای دول اربعه در مجلس ارض روم مطرح مذاکره بوده است
و دو دولت به واسطه این حرف جناب ناظم الملک نخواسته اند

آن هجده پارچه قریه‌ها را مخصوصاً به اسم محال قطور معروف است

بلی و اگر از برای بعضی مأمورین عثمانیه باین جانب اشتباه و قرای متعلقه سلماس [illegible]

و سلماس نیز لاکن آنها هم متعلق بقطور و در یک دره واقع [illegible]

واقع شده‌اند از قطور موضوع و مستثنی داریم چنانکه دره مزبوره با کلیه

به طور قطعی حاوی محال قطور و سلماس نیز است از قدیم الایام همین دره قطور

اشتهار عمومی دارد و اگرچه منهم در جواب سفارت [illegible]

بالصراحه گفتم و در نتایج مبحث تعدد و شبهه تکرار اسم در میان

و سلماس نیز قریه معتبر از قرای متعلقه بقطور میان [illegible] است

[illegible]

چند پارچه دهات توکیت آلاچی را با کاو و توکیت بلطاس را به آن

نسبت می‌دهند و روسی هم رشته قره قطور موسوم و معروف و مشهور است و امید

تحقیق حدود شرقیت ولیکن سفارت روس هم در این خصوص کمال مساعدت

در اینباب با ما می‌نمود و بمأمورین خودشان حالی کرده‌اند خود شما هم از این فقره

مستحضر باشید که اگر حالا این لجنه را از مأمور عثمانی تشبث قبل از وقت با خبر نمایند

از روی اطلاع جواب بدهید

چیز دیگر در تحقیق دست آویز مأمورین عثمانی به اعتقاد خودشان در اراضی

این متصرفات اسلامی قلمرو این است که بگویند لقرعی دولت علیه ایران

این است که درویش پاشا محال قطور را غصب نموده و چیزی را که او غصب کرده

همان ها به هیچ وجه پارچه متعلق به قطور است در پای موجب قرارنامه امضی شده و بر لیس

دولت عثمانی تعدی نموده تا حقوقات می دانند که در کلو عهدنامه ها مسلط آل

رابع آنکه خود عثمانیها هم در استشهاد خود قرار داده اند چیزی را که در نفس صدر اعظم بهم

تنها قلعه قطور قدیم است الا اینکه هم نوشته قلعه مزبور خراب است در حقیقت ایشان هم

و مین بزرگ بر حقیقت تملک دولت علیه ایران است و اصلاً در آن دره

و هیچ اسمی از ملاحی و سلطانیش ذکر نشده است زیرا که این ملک فعل آن

نفوذ ایشان در دره مزبور واقع و جزو املاک قطور است و هرگز

الی غیر النهایه

رسم علیحده هم را نوشته در ضمن عهدنامه درج شود علاوه بر این نقره‌های تبعه

ایلات است در قطور و حوالی آنجاها و هر جا که متعلق بایران است در تصرف غصب عثمانی

و لازم الرد است خواهش درویش پاشا غاصب که بهیچ یا مباشرین آنکار را در حین

قرارات اغفال و غصب نموده باشند

علاوه بر این محض تقویت شما در قنسول و همراهی با آقا مأمورین انگلیس روس

باشد بعد از هر کار که لازم بود با جناب مسیو زینوویف وزیر مختار روس

و اظهار داشتم جناب معزی الیه را راپورت مفصلی در این خصوص صادرات ترسیم

حرف با ناظم الملک در مجلس گذشته با ایشان به وزارت امور خارجه

دولت روس نوشته شد و کاغذ آن را از برای جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول ارسال داشته یعنی مصحوب همین چاپار فرستاده‌ام ملاحظه نمایید استحضار حاصل خواهید کرد و انشاءالله تعالی از روی کمال قوت قلب و بصیرت در کمیسیون مذاکره و حقوق قدیمه باهره دولت علیه ایران را استیفا خواهید نمود

فصل ششم

بایستی کمال مراقبت را در کمیسیون بعمل آورید و دیگر بعض شرایط و اشکالات از جانب مأمورین دولت عثمانیه القا و از جانب ما قبول نشود

مسئله شرط قرار شده بر فلان قلعه‌ها خراب بشود یا قلعه قدیم قطور آباد شود

یا الکای قریه و مزرعت زراعتی زرهای آنجا حق مالکانه باشند که بنیه برقرار شد

یا در آن ملک استعداد عسکریه بنا بر گذاشته شود یا جائی از برای انبار قورخانه

و مکان سرباز خوب ساخته شود و قس علی هذا از این باب هیچیک از این دولتین به اقدامات

تمکین ننماید چرا که مشاهده می‌شود در وقتی که حال قطور را غصب کرده

در آنجا به تصرف غصب آنها آمده بود بنای قلعه و انبار قورخانه و قشله بنا کرده

و استعدادات محکمه نهاده و قشون و سرباز در آنجا گذاشته

حتی علامت سرحد نصب کرده و در واقع در نمود هر عاقل بصیر و آگاه خود

با خبر اهل علامت به تاریخ ۱۲۶۵ نصب نموده‌اند و بیست صفر

بر تصرف جدید و غاصب بعضی آنهاست و برازآنکه جزیره مالک امیر

عهودات نیز بطریق اولیٰ پاره‌ای اسباب حفظ آنها را فراهم آور

خاصه پس از ظهور این حرکت و دیده‌ایش در غصب آنجا که اهل حرکت او

ما را و عهودات صریح بفراهمی لوازم حفظ سرحدات و عدم اطمینان

به همجواری مأمورین دولت عثمانیه مجبور است محمدشاه [illegible]

الحق بدون هیچگونه قبح شرطی در حمایت قطور تصرفات ملکیه

و مستقلانه [illegible] محتاج است معین و مجری بدارد و هرگونه دعاوی

ملکیه نیز در این مدت غصبیت در آنجا مایه رعایای اطراف و دعاوی قطور

[illegible]

در طبق عهود منعقدهٔ سابقه و متفقه و به اهتمامهای مرعی الاجرای این امر التیام قطع و فصل

خواهد شد

فصل هشتم

باید پس از ورود قمیسیون بمکان معین و شروع بگفتگوی امر

طوری با مأمورین روس و انگلیس قرار بنای کار را بدهید که مبادا

قبل از آنکه قراری در اطمینان ما در باب حدود بدهند مأمورین عثمانی

به قدر ذره‌ای لشکر و حمال باز بر سوار مأمورین روسیه تحکیم مرز

و ترسل در اثنای آورده گفته از دو چار اشکالات و زحمات

گردیده دولت علیه را بر جمیع منافع زیرا که اگر قبل از اطمینان از

قرار تسلیم کلی محال قطور با محال بایزید و الشگرد از ارزروم

دولت روس تحویل بگیرند دیگر تحویل گرفتن محال قطور از مأمورین عثمانی

قرین کمال اشکال و باعث اکثار حمایات خلاف شأن بایستی به لذک

غفلت از این نکته چنین مرحمت عجز از دست برده و ضرری نکرده

نه امت حصول مقصود اهمیت این مسأله مستغنی از اظهار است بر جنابعالی

شده را متعلق تعلق نگذاشت این کار و طرز فراهم آوردن مقدمات

حصول این مقصود با مأمورین دول روس و انگلیس تبلیغ نمودن

مأمور

با مأمورین دولت روس مخصوصاً با این مسئله و ملاحظه اطراف آن هم فرموده‌ام

ملاحظات باید ملتفت نقطه نظری در مراوده شخصی و مکاتبات و کارهای

دولت قرارداد نشده در سرحد نیز

فصل هشتم

در بهار امسال راجع به مسئله قطور از هر طرف مذاکرات اتفاقی پیش آمد چنانکه

عاشق رخ ده فردا بردن آقایانه وقت شروع حال بوزارت امور خارجه

اطلاع داده بود سفارت دولت علیه ایران در اسلامبول مقیم و لندن

قسمی وارد شد و مشغولیت ... از پیش تذکره از طرف جمهور و مقیم

فصل هشتم

دویّم از جمله بهانه جوئی‌های مأمورین دولت عثمانی این شد که دولت
عثمانی در قطور سربازخانه و انبار و ابنیه و دیوانخانه دارد و در صورتیکه حالا
دولت علیه انگلیس انکار از رما مستر و نیز معترض است در تأدیه این
خسارت از جانب دولت علیه انگلیس شود و طوری ادای این مطلب بشود
دو مأمور دولت انگلیس یا دیگری برود با هم متفق نمود که این منعی محتاج
به اخلاق در پای اشکال و گفتار نیست و هرگاه از طرف ایشان ارزشی
در املاک متنازع فیها ابداع و ایجاد شده نیز حکم آن انهدام و تخریب است

۲۹ د ما ۱۲۶۲

[illegible]

چه برسد باینکه دولتی در مملکت صریح دولت دیگر ادعا بنا نماید چه جای آنکه بالطوع

در تصرف غصب خود در آورده و در حین مطالبه بر آن غصب نموده سبب خلل

به دولت و اهالی و رعیت آن خسارت وارد نمایند

فصل دهم

دولت علیه ایران از روی حق و انصاف حق صریح خود خواهد داشت که

تمامی ولایات متعلقه و ارثیه مملکت قطور در تصرف غصب دولت عثمانی

است از روی دفتر و قاعده به دول همچگونه عذر مطالبه نماید در حالتی

انصاف و حقگذاری دولتین واسطه نیز امید کامله یقین حاصل است که تصدیق

به این حق صریح مستبانه خطیر می شود خواهند نمود. دولت علیهٔ ایران در این

انصاف دقیق و ابطال دعوی این حق خود در عوض خسارتهای کثیر و عسرت اینها

در حین غصب قطر و بنادر آن وارد شده است می داند

فصل یازدهم

معتمد احوال محمد صادق خان امین نظام ترتیب اخیر توپخانهٔ مبارکه برای تحریر

گرفتن حال قطر بر حسب امر قدر قدرت مطاع مبارک اقدس همایون اعلیحضرت

قوی شوکت شهنشاه صاحبقران روحنا فداه مأمور گردیده است و با استعداد

لازم از هر قبیل چند فوج سرباز و سوار و توپ و قورخانه هم برای احتیاط

همراه

حفظ نظم آن با همراه دارد که در تقابل لازمه حلول گذاشته نشود

شبهه نیست لازم است در شمار جهت اقتصاد بر انگریز تحمیل او را

از تکالیف لازمه قرین انحصار داشته هر گاه صلاح جمعیت او

در سه صد و شش در تحمیل حضر شده او را مستحضر دارید در اداء تعارف قرار

نیز دهید چه مرتفع از تکلفات فوریه خود غافل و بی خبر نباشند

فصل دوازدهم

مخصوص مزید استحضار شما می نویسم که آنچه را اولویت محرمانه در روز نشر یابد را

در چاپ شده جناب وزیر محترم روس یک نسخه ارسال را

مأمور دولت روس هم در قمیسیون حاضر بود فرستاده است و من بالذات

استحکام کار ترجمهٔ راپورت خورشید افندی را هم در فصل چهارم

ذکر شده است مخصوصاً از سفارت روس گرفته‌ام این نکته را اتفاق

ملتفت نشده به مأمور دولت روس هم حالی نشد هم برای ما با سفارت

دولت روس در این خصوصات کمال اتحاد داریم و به اصلاح و صوابدید

یکدیگر دستورالعملها داد و از تکالیف طرفین استحضار داریم

فصل سیزدهم

ضرر زیاد از ده شاه در ضمن مأمور دولت عثمانی از روی کمال دقت

دارند

واستکمال حالت مقویت و تحکیم پلتیک اسلام را بر وجه کاملی

منظور نظر دارید که چه ضرورت داعی است شما پلتیکها را الابتدا با

دراین موضوع پیش بر بیند طوری قرار گذاشته اند که بالاخره ملک ما

توسط دیگران بما بربی و انفصال هم ارتباط نداشته باشیم پس بهتر

این است که بدون هیچگونه اشکال و بهانه جوئیهای معمولی قطعاً

بتسلیم آنها دولت علیه ایران را از دولت عثمانی بدون منت

دیگران مسرور و ممنون نموده باشید هرگاه این عنوان را

زود بی اساس نموده مأمور دولت عثمانی را از طرف ایلچی

و اشکالات پیش آید اول ببینند از برای باعث جمیع تسهیل تکالیف می‌گردد

فصل چهاردهم

فصولی که در این دستورالعمل درج شده است استحکام بنا و بنیان

و اساس عملی است که دیگر متفرعات و جزئیات که در مستقبل در حین

مذاکره ظهور می‌نماید تسویه آن بسته به اطلاعات و بصیرت و کاردانی

و دولت پرتی شاملست زیر آب و اهالی دولتی قاعده را مرام کرده تکلیف را نیز ضرورت است

از میان برخیزد یا بهانه و سستی برست طرف تعدی بشود

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۰۲
موضوع: محال قطور
تاریخ: ۱۲۹۵ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۱۲/ع

دستورات وزارت خارجه امین نظام مأمور قطور

هو

خوی امین نظام، ۲۵ ذیحجه

در باب مال مکاری که برای قورخانه و اصطبل و بند گرفته‌اید، البته لازم است به نواب عمیدالدوله تلگراف کردم که پول بدهد از او بگیرید.

ایضاً

از فقرهٔ تنبیه اکراد اشرار و دفع و قلع و دستگیر کردن آنها به شرحی که نوشته بودید در جلگه سلماس واقع شده خیلی خوب شده جای کمال تمجید است که متجاوز و شریر را در خاک مقدس دولت علیه این طور تنبیه نمایند، بر شما و بر قشون مقابل آنها از قول من به آنها تحسین نمایید.

ایضاً

از سواد ترجمهٔ جواب والی وان مستحضر شدم، سریعاً یک کاغذ دیگر به او بنویسید که از باب عالی به سفارت کبرای دولت علیه ایران در اسلامبول رسماً اعلام نموده‌اند که ما به ایالت وان تعلیمات فرستادیم محال قطور را به مأمورین ایران تحویل بدهد و سفارت کبری هم به اولیای دولت ایران اعلام رسمی باب‌عالی را اطلاع داده تلگراف نموده است با این حالت می‌توان یقین کرد تا حال تعلیمات قطعی به شما نرسیده باشد، زمستان در پیش است و باب‌عالی هم اعلام رسمی کرده است، با نهایت دوستی سریعاً منتظرم قرار تحویل دادن محال مزبور را بدهید و این کاغذ را زود از برای والی وان بفرستید و جواب بخواهید، هر جوابی که از او رسید فوراً مرا مستحضر دارید. الان هم تلگراف مجدد در این خصوص به سفارت کبرای دولت علیه در اسلامبول کردم.

ایضا

به جناب صاحبدیوان تلگراف کردم علاوه بر سواری که دارید یک صد و پنجاه سوار دیگر سریعاً به اردوی شما ملحق نمایند.

نامهٔ وزارت امور خارجه به خوی، امین نظام، مأمور قطور

۲۳ شهر ذی‌حجه ۱۲۹۵

از اسلامبول تلگراف رسید که برای تحویل دادن محال قطور به والی وان تعلیمات مجدد فرستاده‌اند که تحویل بدهد و شما باید بروید تحویل بگیرید، نمی دانم جواب کاغذ شما از والی وان رسیده آدمی که فرستاده بودید برگشته است یا نه زود خبر بدهید و هرچه واقع می شود زود به من و به سفیرکبیر ما مقیم اسلامبول خبر داده منتظر دستورالعمل بشوید، یعنی از وقوعات والّا به جهت رفتن و تحویل گرفتن قطور احتیاج به دستورالعمل مجدد ندارید.

جناب اجل نظام

۲۳۵

در باب بانک مقاصدی که بلژیکی و روسها دارند و مطلبی دیگر که گرفته لیکن البته لازم است جواب

عمید الدوله تلگراف کردم که معین به از او بپرسید

الف

از فتحهای شایان اکراد اشرار و دفع و قلع و دستگیر کردن آنها که شرح آن نوشته

در حوالی سلماس واقع شده خیلی خوب شده جای کمال تمجید است اتحاد و دوستی را

در خاک مقدس دولت علیه امپراطوری عثمانیه در باب و در قبول مقاصدی که آنها

از طرف آنها تمجید نمائید

الف

از شکایت رئیس حوزه الموتان مستحضر شدم شرح آن را که آنجا دیگر با او نوشته

در اینجا به سفارت انگلیس دولت علیه ایران به اعلامیه محتشم السلطنه اعلام شده

در باب ایلات و ایل تعدیات و تسلیم مال قطور را به مأمورین ایران

تحویل بدهد و سفارت انگلیس هم وزیر دولت ایران اعلام رسمی کرده‌اند هیئت ... تعلیمات

اطلاع داده تلگراف نموده است با کمال ...

قطعی نمایند که سپرده‌اند زمستان اندر شرارت است در اینجا هم اعلام رسمی کرده است که باید بدارند

تا به نهایت درستی سرحد منظم قرار بگیرد و ایلات ... مرزبان را به ... و این

دفعه از برای وزارت خارجه فرستاده و جواب نخواهد هر جواب باشد فوراً به او بدهید

فوراً مرا مستحضر دارید الان هم تلگراف کرده در این خصوص سفارت

[illegible]

خوی امین نظام مأمور قطور

۲ شهر ذیحجه ۱۲۹۵

از اسعد مسئول تلگراف رسید که برای تحویل دادن محال قطور بروید لیدوان قشونات

مجدد فرستاده اند که تحویل بدهید و تا [illegible] بروید تحویل بگیرید نمی‌دانم جواب کاغذ

وزرا لیدوان رسیده آدمی که فرستاده بودید برگشته است یا نه زود خبر بدهید

هر چه واقع می‌شود زود بنویسید و بفرستید که بدانیم اسعد مسئول خبر داده منتظر [illegible]

بشوید یعنی زود قشونات را [illegible] بجهت رفتن و تحویل گرفتن قطور [illegible]

دستخط را یعنی مجدد [illegible] حسین

شمارهٔ سند: ۲۰۳
موضوع: سرحدی قطور
تاریخ: ۱۳ محرم ۱۲۹۶ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

سواد یادداشت وزارت خارجه که به سفارت کبرای دولت عثمانی نوشته شده

چنانچه خاطر محترم جناب جلالت‌مآب ایلچی کبیر دولت علیهٔ عثمانی قرین استحضار هست مدتی است مأمور دولت علیهٔ ایران به موجب عهدنامهٔ امضا شده برلن و وعدهٔ صریح باب‌عالی برای تحویل گرفتن درّه و محال قطور که به تصرف غصب مأمورین عثمانیه گذشته بود به خوی رفته و در آنجا معطّل است و والی وان به استناد آنکه هنوز تعلیمات تحریری به او نرسیده است در ردّ و تسلیم آنجا تعلل می نماید، علاوه بر این به موجب تلگرافی که دیروز از مأمور دولت علیهٔ ایران رسیده اهل قطور آدمی نزد او فرستاده و تظلم کرده‌اند که مأموری از ولایت وان آمده یک هزار گوسفند و یکصد رأس گاو و چهل خروار یارمه* مطالبه می نماید و خیلی در این مطالبه که ابداً موافق قاعده و معمول و حساب نیست سخت گرفته مردم قریب به فرار می باشند، وزارت جلیلهٔ امور خارجه از روی لزوم با کمال احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است که زحمت قبول فرموده به توسط تلگراف والی وان را از این اقدام ممنوع دارند. زیرا که این اقدامات باعث آن خواهد بود که محال مزبور خالی از سکنه و مخروبه گردد و هرگز انصاف و حقانیت جبلی جناب جلالت‌مآب معزی‌الیه راضی به این فَقره نخواهد بود و اولیای دولت علیهٔ ایران نیز نمی‌توانند خود را به این فقره راضی نمود، چون همواره جناب جلالت‌مآب معزی‌الیه از فرط حسن‌نیت و خیرخواهی طرفین همت سفیرانه خود را به رفع هرگونه مشکلات مصروف می فرمایند و رجای واثق هست که به این واسطه هیچ گونه مشکلی در میانه نماند. لهذا امیدوارم در این باب نیز همت کاملهٔ خود را دریغ نفرمایند.

۱۳ شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۹۶

* به معنی گندم، بلغور، گندم نیم کوبیده

سواد تلگراف وزارت خارجه که در خوی به امین نظام شده است

والی وان به جناب سفیرکبیر دولت عثمانی تلگراف کرده است که اصلاً و ابداً گاو و گوسفند و جنس از اهل قطور مطالبه ننموده است و حبّه و دیناری حواله نداده است شما هم نوشته بودید منع آن بخوبی مقدور است و استفسار کرده بودید که تحریراً می توان منع کرد یا خیر، بلی شما تحریراً می توانید اهل قطور را مستحضر دارید که حبّه و دیناری به مأمورین عثمانی ندهند، ولی به طور معقولیت جواب بدهند، و اگر والی وان فرضاً چیزی حواله کرده باشد به هیچ وجه قبول نکنند. فی ۱۹ محرم سنهٔ ۱۲۹۶

سواد تلگراف که به امین نظام مأمور قطور شده است

۲۹ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶

الآن تلگراف ۲۹ شما رسید دو تلگراف شما هم پریروز رسیده بود. که دیروز صبح جواب مفصل هم البته تا حال به شما رسیده است. در باب رفتن از راه سلماس یا راه دیگر به قطور به خودتان اختیار داده بودم که از هر راه زودتر می روید و صلاح می دانید بروید به صاحب دیوان هم برای پول و سوار تأکید کرده‌ام که زود به شما برسانند، انشاءالله فردا بروید در کمال دوستی محال قطور را تحویل بگیرید در جواب کاغذ مدیر آنجا و به کدخدایان آنها خوب کردید، امیدواری نوشتند گوسفندها را هم که نزد مدیر است مخصوصاً خودتان دقت کامل نمایید که به دست صاحبان آنها برسد و به کُل مردم مهربانی و دلجویی نموده، امیدواری کامل بدهید، از کاغذ وزارت خارجهٔ عثمانی به شهبندر خوی که نوشته بودید مستحضر شدم پس از آنکه ملک مال ایران است رعیّت آنجا را احدی نمی تواند تصاحب نماید خاصّه وقتی که از شما مهربانی دیدند. اعتنا به آنها نخواهند کرد، خیلی لازم است بعد از ورود قطور هرچه واقع می شود بنویسید به آدم مخصوص بدهید به خوی آورده تلگراف نماید.

از خوی به امین نظام ۲۲ صفر سنهٔ ۱۲۹۶

راپورت سه‌شنبه ۱۹ رسید، آفرین به شما که زود اطلاعات می دهید عجب است که با وجودی که قمسیون تحویل قطور دو روزه وعده کرده‌اند، هنوز حاضر نشده‌اند و ازین عجبتر این است که مأمورین عثمانی می خواهند صاحب منصب و نظام در بعضی نقاط

قطور بگذارند. شما مخصوصاً و معجلاً مأمور معقولی نزد والی وان بفرستید بگوید اولاً با وجود وعده‌های صریح باب‌عالی و سفارت کبری و خود شما قمسیون تحویل دادن قطور حاضر نمی‌شوند. با آنکه هرچه از ذخیره ومال میری بود و خواستند در کمال دوستی دادم و مدتی است منتظر مانده‌ام، جهت این تعویق چیست علاوه بر این می‌خواهند در فلان نقطه نظام و صاحب‌منصب بگذارند و حال آنکه ما قطور و درهٔ قطور را تا فلان محل می‌دانیم و هنوز قمسیون تحدید قطور حدود آنجا را معین نکرده است. در این صورت ابداً مقتضی نیست که قشون از طرف شما در اراضی قطور گذاشته شود، یعنی تا وقتی که تعیین حدود آنجا نشده باید از قشون طرفین خالی باشد، هرگاه شما قشون بگذارید بر انصاف و قاعده‌دانی خودتان واضح است که ما هم لابد می‌شویم قشون ونظام بگذاریم و این فقره منافی آن همه موافقت ما و دوستی و اتحاد حقیقی است. و هرگاه فی‌الواقع نظام بگذارند شما هم به قدر اندازه نظام باید بگذارید و این اظهارات را هم در کمال دوستی با والی بکنید و زود از نتیجهٔ آن مرا مستحضر دارید. از رسیدن آذوقه خیلی مسرور شدم عنقریب نان پخته و آذوقه به شما می رسد آسوده باشید.

از خوی به امین نظام ۲۲ صفر ۱۲۹۶

تلگراف شما که مشعر به ورود قطور و حسن سلوک و مراوده با مأمورین دولت عثمانی و اهالی آنجا و حفظ طریقه دوستی دولتین اسلام و ردّ کردن ذخایر میری به مأمورین عثمانی و وارد شدن به خوشی و خوبی بود رسید، مایهٔ نهایت خشنودی و مسرّت گردید. بدیهی است با مأمورین دولت دوست و با اهل قطور که رعایای قدیم دولت علیهٔ ایران می‌باشند همین طور باید رفتار کرد، من‌بعدها این شیوه از طرفین باید مرعی شود و انشاءالله به طوری که مأمورین قمسیون تسلیم کردن قطور وعده کرده‌اند دو روزه اجازه از وان حاصل کرده بیایند و آنجا را به شما تحویل نمایند. آمده‌اند و با کمال دوستی و مودّت کلیّه درهٔ قطور را از قرا و مزارع و ساطمانیس* و غیرها بدون استثنا تحویل کرده‌اند. و اگر خدای نکرده نیامده باشند، اولاً زود اطلاع بدهید. و ثانیاً به موجب حکم صریح باب‌عالی مطالبهٔ رسمی نموده با کمال خوبی جواب ردّ یا قبول گرفته از جواب

* ساطمانیس (ساتمانیز): نام محلی در مغرب قطور و امروز جزو خاک ترکیه است.

آنها اطلاع دهید، زیرا که مقدور نیست زیاده بر این تأخیر در ردّ آنجا و تعویق در اجرای حکم صریح باب‌عالی و تقاعد در اجرای عهدنامه امضا شدهٔ برلن و معطلی شما و مأمورین ایران شود. البته انشاءالله بزودی مرا از مآل کار اطلاع دهید تا تکلیف معلوم شود.

ایضاً

در باب مواجب سنواتی سوار ماکو و نان از برای اردوی شما و جنس از برای جیره و علیق سرباز و غیره مؤکداً به جناب صاحب‌دیوان و حضرت ولیعهد دام اقباله و عمیدالدوله تلگراف شد که بلاکلام سریعاً به شما برسانند از این بابت آسوده باشید از مواظبت و اقدامات صحیحهٔ شما خیلی راضی هستم.

سواد یادداشت به سفارت کبرای دولت عثمانی نوشته شده

چنانچه خاطر محترم جناب جلالتمآب ایلچی کبیر دولت علیه عثمانی قرین استحضار است مدتی است مأمور
دولت علیه ایران به موجب عهدنامه امضا شده برلن و وعده صریح اولیای باب عالی برای تحویل گرفتن دره
و محال قطور که در تصرف غاصبانه مأمورین عثمانیه گذشته بود به خوی رفته و در آنجا معطل است
و والی وان به استمساک اینکه هنوز تعلیمات تحریری باو نرسیده است در رد و تسلیم آنجا تعلل
می‌نماید علاوه بر این به موجب تلگرافی که دیروز از مأمور دولت علیه ایران رسیده اهالی قطور
آدمی نزد او فرستاده و تظلم کرده‌اند که مأموری از ولایت وان آمده یک هزار گوسفند
و یکصد رأس گاو و ده خروار بار مهمه مطالبه می‌نماید و جمیع در این مطالبه دولتی را موافق قاعده
و معمول و حساب نیست بحث گرفته مردم قریب به فرار می‌باشند وزارت جلیله امور خارجه
از روی لزوم با کمال احترام زحمت افزا و خواهشمند است که زحمت کشیده فوری توسط تلگراف
والی وان را از این اقدام ممنوع دارند زیرا که این اقدامات باعث آن خواهد بود که محال مزبور
خالی از سکنه و مخروبه گردد و هرگز انصاف و حقانیت طبع جناب جلالتمآب معزی الیه راضی به این فقره
نخواهد بود و اولیای دولت علیه ایران نمی‌توانند خدا با این فقره راضی شوند چون همواره جناب جلالتمآب
معزی الیه از فرط حسن نیت و خیرخواهی طرفین همت سفیرانه خود را به رفع هرگونه مشکلات مصروف
می‌فرمایند و در جای واثق هست که با توسط ایشان هیچگونه مشکلی در میانه نماند لهذا امیدوارم در این باب نیز

[illegible]

سواد تلگراف است

در جواب تلگراف امین نظام شده است

والی وان بجناب سفیر کبیر دولت عثمانی تلگراف کرده است که رسوم واردات گاو و گوسفند و جنس
از اهالی قطور مطالبه نموده است وجه و دیناری حواله نداده است تا حال نوشته بودید منع این تعدی به
مقدور است و استفسار کرده بودید که تجریداً می‌توانند منع کرد یا خیر بیانات تجریداً می‌توانید
اهالی قطور را مستحضر دارید که حبه و دیناری به مأمورین عثمانی ندهند و به طور معقولیت جواب
بدهند و اگر والی وان فرضاً چیزی حقه کرد بان بهیچوجه تسلیم نکنند ۱۹ محرم سنه ۱۲۹۶

سواد تلگراف نایب نظام مأمور قطور شده است

۲۹ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶

الان تلگراف ۲۹ که رسید و تلگراف ۲۴ هم پریروز رسیده بود و دیروز صبح جواب معروض داشتم

البته تا حال به لندن رسیده است در باب رفتن از راه سلماس یا راه دیگر به قطور تحقیقات

اتفاق را حالیه نبودم حالا از هر راه زودتر می‌رسید مصلحت می‌دانید بروید لیکن صاحب‌منصب انگلیسی هم که این نیست

و بوار ناگفته گفته‌ام حالا زود به لندن برسانید انشاءالله البته فردا پس فردا در تحقیقات دقت

حکام قطور را تحویل بگیرید در جواب کاغذی که نوشته بودید انگلیسی که خدا یار ایشان اظهار کرده بودند

امیدواری نوشته که نوشته‌ها را هم حاضر ندارد است مخصوصاً خودمان را حق کار

در دست صاحبان ایشان بر انگلیسی مجمع مهمانی دولتی توجه امیدواری کار است

از کاغذ وزارت خارجه عثمانی که سه‌شنبه رسید نوشته بودید مشخص شده پس از آنکه

ملک مال ایشان است رعیت ایشان را اصلاً نمی‌توانند تصاحب نمایند

خاصه وقتی که از ۶ مهر ماه نیز دیده‌اند اصلاً با ایشان نخواهند کرد خیلی لازم است

که از وقوع قطور هر چه وقوع می‌شود بلا فاصله به آدم مخصوص به سرحد

آورده تلگراف کنید

از خوی به امیر نظام ۲۲ صفر (۱۲۹۶)

راپورت سه‌شنبه ۱۹ را رسید. آفرین شما را زود اطلاعات می‌دهید. عجب است که با وجودی که مستوفیان تحویل قطور را رفته و وعده کرده‌اند

هنوز حاضر نشده‌اند و از این عجب‌تر این است که مأمورین عثمانی می‌خواهند صاحب منصب و نظام در بعضی نقاط قطور بگذارند

تا مخصوصاً و متمسک با مورد معقولی نشود. والی وان نفرستید بگوید اولاً با وجود وعده‌های صریح بالیوز و سفارت انگلیس

و حفظ استمرار تحویل ملک قطور حاضر نمی‌شوند. اگر هرچه از ذخیره و مال میری بود و خواسته در تحویل

ماهی مانده و مدتی است منتظر مانده‌ام. حجت این تعویق چیست؟ عده‌ای را چرا می‌خواهند در فلان نقطه

نظام و صاحب منصب بگذارند و حال آنکه ما قطور و دره قطور را تا فلان محل می‌دانیم و هنوز

تمام تحویل قطور حدود آن تعیین نکرده است. در این صورت ابداً مقتضی نیست که قشون از طرف شما

در اراضی قطور گذاشته شود. یعنی تا وقتی که تعیین حدود آنجا نشده، باید از قشون طرفین خالی باشد.

هرگاه شما قشون بگذارید بر انصاف و حق‌نمک‌دانی خیلی واضح است ما هم لابد می‌شویم قشون

و نظام بگذاریم و این فقره منافی آنچه مراقبت و مهربانی و اتحاد حقیقی است. و هرگاه فی الواقع

نظام بگذارند تمام تقصیر انداخته نظام. باید بگذارید و این اظهارات را هم در تحویل [illegible] با والی مشبه [illegible]

و زیاده از نتیجه آن مرا مستحضر دارید. از رسیدن آن [illegible] مرور [illegible] عقب [illegible] تحریر و اطلاع [illegible]

شما در سر انجام آن باشید.

از خوی به امین نظام

۲۲ صفر ۱۲۹۶

تلگراف نامه شریف بورود قطور و حسن سلوک و مرحمت با مأمورین دولت عثمانی و اهالی آنجا و حفظ طریقه دوستی دولتین اسلام

ورود کردن ذخایر سربازی به مأمورین عثمانی وارد شدن بخوشی و خوبی بود رسیده مایه نهایت خشنودی و مسرت گردید بدیهی است

با مأمورین دولت دوست که اهالی قطور و رعایای قدیم دولت علیه ایران می باشند همین طور باید رفتار کردن تا

این شیوه از طرفین باید مرعی شود و انشاءالله بطوری که مأمورین محترم قبول تسلیم کردن قطور وعده کرده اند تا روز اجازه

از دیوان صاحبی که بیایند و آنجا را بشما تحویل نمایند آمده اند و با کمال دوستی و مودت کلیه دیزه قطور را از قرار

و مزارع و ساختمانی و غیرها بدون استثنا تحویل کرده اند و اگر چیزی نکرده نیامده باشند اولا زودا اطلاع بدهید

و ثانیا بموجب حکم صریح بابعالی مطالبه رسمی نموده با کمال خوبی جواب رد نمی گرفته از جواب آنها اطلاع دهید

زیرا که مقدور نیست زیاده بر این تأخیر در رد آنجا و تعویق در اجرای حکم صریح بابعالی و تقاعد در اجرای عهدنامه

امضی شده برلین و معطل ماندن مأمورین کلا شود البته انشاءالله بزودی مرا از مآل کار اطلاع دهید با تلگراف

معلوم کنید

الف

درباب مواجب سه ماهی سوارها که فرستادن از کسانی است جنس از کسی جیره و علیق سرباز و غیره متوکل انجناب

صاحبدیوان و حضرت مستطاب والد دام اقباله و حمید الدوله شده مطلب کلام مرتبط بر شنیده از انبات

البته با شیوه از مواظبت و اقدامات صحیحه تأخیر را راضی نباشید

شمارهٔ سند: ۲۰٤
موضوع: مسئلهٔ قطور
تاریخ: ۱۷ ذیحجهٔ ۱۳۰۰ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده:

نامهٔ فخری‌بیگ سفیر عثمانی به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

دوستدار فرمایشهای مطاعه علیه اعلی حضرت اقدس همایون پادشاهی دام ملکه و سلطانه را با همان الفاظ گهربار به واسطهٔ تلغراف در مسئلهٔ تعیین حدود قطور به باب‌عالی ابلاغ نمود، اکنون جواب تلغرافی از وکلای عظام دولت علیه رسیده است که موافق اظهار سفارتهای دولتین فخیمتین انگلیس و روس مقیمین اسلامبول چون وقت و موسم گذشته است حل مسئلهٔ مزبوره را می بایست به سال آینده قرار داد، زیرا که بی حضور و توسط مأمورین دولتین مشارالیها محال می نماید که امری میان هر دو دولت علیهٔ اسلام انجام‌پذیر باشد، والّا از طرف باب‌عالی مضایقه وتقاعد نیست. زیاده زحمت است. فی ۱۷ ذیحجه ۱۳۰۰

مهر فخری‌بیگ

جناب جلالتمآب اجل اکرم دوست مکرم مهربان دولتخواه ... [illegible] ... دام اقباله العالی

پیوسته از فرمایشهای ... [illegible] ... اعلیحضرت اقدس همایون پادشاهی دام ملکه و سلطانه را به ایشان

الفاظ که هر بار بواسطه تلغراف در مسئله تعیین حدود قطعه ... [illegible] ... جواب ... [illegible]

از زحمات عظام حضرت علیه ... [illegible] ... به موافق اظهار ... تحسین ... [illegible]

وارد در مقیمین اسلامی ... چون وقت ... [illegible] ... گذشته است ... [illegible]

به بابت ... [illegible] ... قرار داده ... حضور ... مأمورین ... [illegible]

... [illegible] ... حضرت علیه ... [illegible]

... از طرف ... [illegible] ... مصالحه ... [illegible] ... ۱۳۰۰

شمارهٔ سند: ۲۰۵
موضوع: قرای سرحدی سیر و ساردیک
تاریخ: ۱۳۰۱ هـ.ق
کارتن: ۱۸
پرونده:

گزارشی در مورد قرای سیر و ساردیک

به توسط جناب جلالت‌مآب اجل اکرم ناصرالملک وزیر امور خارجه دام اجلاله به خاکپای همایون اقدس اعلی روحنا فداه، جواب مقررات علّیه و تحقیقات همیونی را بدین تفصیل عرض می نمایم. قریتین سیر و ساردیک در آخر محال برادوست واقع و به فاصلهٔ یک ربع فرسخ متصل به خاک عثمانی است و با قرای ثلاثهٔ قصران و بارژکه و کوکب که از توابع محال درهٔ دیری است هم‌خاک و مجاور است کلیهٔ زمین این دو قریه صاف و هموار است و با سایر محال برادوست در یک سطح و در یک عرض واقع شده به طوری که هر کس ببیند حکم می‌کند که به اقتضای هیئت طبیعی ضمیمهٔ محال برادوست است قریتین سیر و ساردیک با چند پارچهٔ دیگر از دهات محال برادُوست از رودخانه[ای] که ازدرهٔ دیری می آید، مشروب می شوند و این رودخانه را در خود محال درهٔ دیری رودخانهٔ شاهی و موری می‌گویند. و وقتی که داخل جلگهٔ برادوست می شود، به رودخانهٔ برادوست معروف است و قدری پایین‌تر می آید و داخل جلگه ارومی می شود، به‌نازلوچایی مشهور است که به دریای ارومی منتهی می شود، وسعت محل و زمین آن که قریه روی هم‌رفته به قدری است که در صورتی که آباد و دایر باشد سالی یک صد خروار آبی و دیمی در آنها کاشته شود، رعایا و سکنهٔ اصلی این دو ده در وقتی که دایر و آباد بوده باشد از اهالی خود محال برادوست بوده‌اند قریتین مزبوره تا ظهور فتنهٔ شیخ ملعون، آباد و در هر یک از آنها ده پانزده خانوار رعیت ساکن بوده و در فتنهٔ شیخ بکلی خالی از سکنه و مخروبه شده و از آن وقت تا به حال که چهار سال متجاوز است نه از طرف خودمان و نه از طرف عثمانی ها هیچ نوع رعیتی به عنوان توطّن و اقامت در این دو قریه ننموده و خراب صِرف مانده است. در این چهار سال که قریتین مزبوره مخروبه و هیچ نوع رعیت مستقلی نداشته دو سالش بکلّی لم‌یزرع بوده و در بهار پارسال ابراهیم خان

نام که از طایفهٔ شکاک و رعیّت مسلّم دولت ایران است و مخصوصاً در قریتین مزبوره شراکت ملکی دارد و فقط در سه قطعه از اراضی آنجا قدری کاشته بود که دو عشر بهرهٔ او را مباشرین برادوست دریافت کرده و امسال نیز همان ابراهیم‌خان با دو سه نفر دیگر از منسوبان خودش در پنج قطعه از اراضی قریتین مزبوره قدری گندم و جو کاشته بودند در هیچ وقت و هیچ عصری و هیچ نوع عشیره از عشایر عثمانی در قریتین مزبوره ییلاق و قشلاق نداشته‌اند. دهاتی که از محال برادوست متصل به قریتین مزبوره هستند کنکه‌چلیا و هفکردان و کان‌اسپی و مبارک‌آبادی‌ها و دهاتی که از محال عثمانی به سیرد و ساردیک نزدیکند بارژکه قصران و کوکب از توابع محال درهٔ دیری است که به قدر یک ربع فرسخ با سیرد و ساردیک فاصله دارند قریتین مزبوره محققاً و مسلماً و بی‌شک و شبهه از توابع و متعلقات محال برادوست و مالک قدیم آنها عسکرخان و عبدالصمدخان افشار بوده و از آنها به میرزاآقای رئیس سابق طایفهٔ شکاک و از میرزاآقای مزبور به اولاد سید احمد و حاجی لطف‌الله بیک و میرزامسعود و ابراهیم‌خان شکاک منتقل شده که همهٔ آنها تبعهٔ مسلمهٔ دولت علیه و خانواده‌شان معلوم و معین است و اسناد و قبالجات صحیحهٔ معتبره نسبت به مالکیت خودشان در دست دارند و معامله و داد و ستد مالیاتی آنها با مباشرین برادوست دولت عثمانی در ازمنه سابقه، هیچ وقت مداخله و تصرفی در آن دو قریه نداشته و فقط در سال نود و یک در زمان حکومت مرحوم شعاع‌الدوله به واسطهٔ سند بی‌ملاحظه و نفهمیده که بهجت افندی داده به صرافت قریتین مزبوره افتاده و در همان ایام برای اثبات مالکیت خودشان چند نفری عسکر فرستاده بودند که قریتین مزبوره را ضبط و تصرف نمایند و در همان وقت از دارالخلافه حکم صریح شده بود که آنها را به قوهٔ جبریه بیرون نمایند و تا بدان احتجاج به قوهٔ جبریهٔ باقرآقای یاور که آن وقت مباشر برادوست بوده آن چند نفر عسکر دولت عثمانی را از اقامت در آنجا تهدید و تحویف کرده و آنها نیز بدون اینکه اصراری در توقف نمایند مراجعه کرده‌اند، و دیگر از آن تاریخ تا پارسال نه آدمی به سیر و ساردیک فرستاده و نه مداخله و تصرفی در این دو قریه داشته‌اند و امّا از پارسال تا به حال شیخ حمید افندی که مأمور کمسیون سرحدیه بود و فی حدّذاته آدم مغرض و فتنه‌انگیزی است این مسئله را به خاطر مأمورین دولت عثمانی آورده و آنها نیز به واسطهٔ شبهات ملقّنه او از پارسال تا به حال این مسئله را تجدید و عنوان کرده در این باب با وزارت خارجه و سفارت عثمانی چندین دفعه مذاکرات رسمی

به میان آمده و این چاکر نیز تحریراً و تلگرافاً درین ماه با وزارت جلیلهٔ خارجه مکاتبه و مخابره زیاد کرده و مخصوصاً کتابچهٔ مشروح و مفصلی دایر بر مسئلهٔ سیرد وساردیک فرستاده است که اگر به آنها رجوع بفرمایید موضوع مسئله کاملاً به دست می آید. این است وضع و هیئت مکان و حالت واقعهٔ سیرد وساردیک که بر طبق تحقیقات همایونی جزو به جزو بر وجه حقیقت عرض شد و سایر مطالب راجعه به این مطلب و جواب تلگراف رمزجات عالی در دو صفحهٔ دیگر به نظر خواهد رسید. حسنعلی.

توسط جناب جلالتمآب اجل اکرم ناصرالملک وزیر امور خارجه دام اجلاله کپی همایون اقدس اعلی روحنا فداه حوالت مقررات

صحیحه و تحقیقات همایونی را به این تفصیل عرض می‌نمایم قریتین سیرو و ستارودیک در اراضی محال برادوست واقع و

به فاصله یک ربع فرسخ متصل به خاک عثمانی است و باقلاء شدشه قصران و بازرگه و لوکب در از توابع محال

درهٔ دیری است همچنانکه مجاور است کلیه زمین این دو قریه صاف و هموار است و با آن محال برادوست

در یک سطح و در یک عرض واقع شده بطوری که هر کس ببیند حکم می‌کند در اقتضای هیئت طبیعی ضمیمه محال

برادوست است قریتین سیرو و ستارودیک با چند پارچه دیگر از دهات محال برادوست از رودخانه در از دره

دیری می‌آید مشروب میشود و این رودخانه را در خود محال درهٔ دیری رودخانه شاهی و موری میگویند و وقتی رد از خاک

چلکه برادوست میشود به رودخانه برادوست معروف است و قریه بابان بر میاید و داخل چلکه ارومی میشود بعد از طی

چای مشهور است به دریای ارومی منتهی میشود وسعت محل و زمین آن دو قریه روی هم رفته بقدر یک است و در

صورتیکه آباد و دایر باشد سالی بقدر صد خروار تخم و زراعت در آنها کاشته میشود رعایا و سکنه اصلی این دو ده در وقتی

که دایر و آباد بوده‌اند از اهالی خود محال برادوست بوده‌اند قریتین مزبوره تا ظهور فتنه شیخ ملعون آباد و در هر یک

از آنها ده پانزده خانوار رعیت ساکن بوده و در فتنه شیخ بکلی خالی از سکنه و مخروبه شده و از آن وقت تا کنون

در چهار سال متجاوز است نه از طرف خودمان و نه از طرف عثمانیها هیچ نوع رعیتی بعنوان توطن و اقامت

در آن دو قریه نموده و خراب صرف مانده است در این چهار سال دو قریه مزبوره مخروبه و هیچ نوع رعیت سکنه

نداشته در سالهای گذشته ملک مزروع بوده و در بهار پارسال ابراهیم خان نام از طرف نقه شکاک و رعیت مسلم دولت

ایران است و مخصوصا در قریه‌های مزبوره شراکت ملکی دارد و فقط در سه قطعه از اراضی آنجا قدری کاشته بود

که دو عشر بهره از او مباشرین برادوست دریافت کرده و امسال نیز اهالی ابراهیمخان با دو سه نفر دیگر از

منسوبان خودش در پنج قطعه از اراضی قریه‌های مزبوره قدری گندم و جو کاشته بعد در اخوف و هیچ عنصری

و هیچ نوع عشیره از عشایر عثمانی در قریه‌های مزبوره میدان و تسلط نداشته‌اند دهاتی در از محال برادوست

متصل بقریه مزبوره هستند که چند دیگر هم از آن دکان ابی و مبارک آبادها دو تاست که از محال عثمانی بیرو و ساروبک
نزدیکند با اینکه قصران و کولب از نوع املاک دره دیری است بمقدار یک ربع فرسخ با بیرو و ساروبک فاصله دارند
قریه مزبوره محقق و مسلماً و بلاشک و شبهه از نوع متعلقات محال برادوست و مالک قدیم آنها عسکرخان و
عبدالصمدخان افشار بوده و از آنها بمیرزا آقای رئیس سابق طایفه تکه و از میرزا آقای مزبور با ولد او سید احمد و حاجی
لطف الله بیک و میرزا اسعد و ابراهیم خان … منتقل شده و همه آنها تبعه مسلمه دولت علیه و خانواده شان معلوم و
معین است و اسناد و قبالجات صحیحه معتبره نسبت بمالکیت خودشان در دست دارند و معامله و … سندهای
آنها با مباشرین برادوست دولت عثمانی در ازمنه سابقه ابداً حق مداخله و تصرف در آن دو قریه نداشته و فقط
در سال … در زمان حکومت مرحوم شجاع الدوله بواسطه سند مجعول … که بهجت افندی حاکم
تصرف قریه‌های مزبوره افتاده و در همان ایام برای اثبات مالکیت خودشان چند نفری عسکر فرستاده بتعدی قریه‌های مزبوره را
ضبط و تصرف نمایند و در همان وقت از دارالخلافه حکم صریح شده بود که آنها را بقوه جبریه بیرون نمایند و مادام
احتیاج بقوه جبریه با قرار یا در که از توقف بمباشر برادوست بوده آن چند نفر عسکر دولت عثمانی را از برادوست در آنجا
تهدید و تخویف کرده و آنها نیز بدون اینکه اصراری در توقف نمایند مراجعت کرده‌اند و بعد از آن تاریخ تا …
بیرو و ساروبک فرستاده … مداخله و تصرفی در این دو قریه داشته‌اند و اما … تا کال شیخ حمید افندی که مأمور کمیسیون
سرحدیه بود و … معترض و فتنه انگیز است این مسئله را لحاظ ماموریت دولت عثمانی آورده و آنها نیز بواسطه
شهادت … تا کال این مسئله را … عنوان کرده در اینجا با وزارت خارجه و سفارت عثمانی
چندین دفعه مذاکرات رسمی بمیان آمده و این جاکر نیز تحریراً و شفاهاً در این ماه با وزارت جلیله خارجه مکاتبه
و مذاکره نموده و مخصوصاً گفته‌ام شروح و مفصل دارد … بیرو و ساروبک فرستاده است که اگر با آنها رجوع
بنمایند موضوع مسئله کاملاً ثابت می‌آید این است وضع … تکال و حالت واقعه بیرو و ساروبک
در طبق تحقیقات … جزو بجزو در صفحه حقیقت عرض شد و سایر مطالب راجعه بآن مطلب و جواب
تلگراف … عالی در دو صفحه دیگر بنظر … رسیده (شمع)

شمارهٔ سند: ۲۰۶
موضوع: قریتین سیر و ساردیک
تاریخ: غره صفر ۱۳۰۱ هـ. ق
کارتن: ۱۸
پرونده:

نامهٔ ناصرالدین شاه به وزارت خارجه

هو

جناب وزیر امور خارجه، کتابچهٔ معروضهٔ میرزااحمد در باب قریتین سیرد و ساردیک و سایر مواضع سرحدیّه ملاحظه شد. میرزا احمد درست عرض کرده و جمیع معروضات از روی بصیرت و تحقیقات صحیحه شده قریتین سیرد وساردیک ملک صحیح حق طلق ماست و همیشه در تصرف دولت ایران بوده است و هست نهایت در این دو سه سال سرحدداران ما ازتجدید آبادی آنجا غفلت کرده‌اند، حال باید در صدد آبادی آنجا برآیند شما این دستخط را سواد نموده برای سالار لشکر بفرستید و خودتان هم مشروحاً بنویسید معجلاً در صدد آبادی و تعمیر این دو قریه برآیند و چند خانوار رعیت در آنجا ساکن نمایند و به هیچ وجه تحمل ننماید که احدی غیر از این از سیرد وساردیک اسمی ببرد. این دو قریه هرگز محل حرف و گفتگو نبوده و نیست فرضاً یک وقتی شعاع‌الدوله مرحوم از روی بی بصیرتی و بی اطلاعی یا به ملاحظهٔ حرف دزدی که واقع شده بوده است، سهواً رقمی نوشته یا سندی داده سند شعاع‌الدوله سند دولتی نیست و هرگز نمی‌تواند ملک صحیح دولت ایران را به دولت دیگر متعلق نماید. خاصّه آنکه در همان وقت مأمورین دولت، دهات متعلقه به دولت متبوعه خود را در تصرف خود داشته و نگذاشته‌اند رقم بی موقع سهوانهٔ بی خبرانهٔ شاهزاده اثری داشته باشد و بالمره عاطل و باطل بوده و شده است و محل اعتنا نبوده و نیست و نخواهد بود هر کس غیر از این تصور کند باید دهان او را خورد [خرد] کرد، سالار لشکر باید بدون تأمل هر دو قریه را امسال نَسَق کند و به عرض رساند. غره صفر قوی ایل ۱۳۰۱

هو

جناب وزیر امور خارجه کتابچه معروضه میرزا احمد در باب قریتین

سرد و سارودک و سایر مواضع سرحدیه ملاحظه شد میرزا احمد درست

عرض کرده و جمیع معروضات از روی بصیرت و تحقیقات صحیحه شده

قریتین سرد و سارودک ملک صحیح حق طلق ما است و همیشه در تصرف دولت

ایران بوده است و همت بهایت در این دو سه سال سرحدداران ما

در تجدید آبادی آنجا غفلت کرده اند حالا باید در صدد آبادی آنجا

برآیند شما این دستخط را اعلام نموده برای سالار لشکر بفرستید

و خودتان هم مشروحا بنویسید فعلا در صدد آبادی و تعمیر این قریه

برآیند و چند خانوار رعیت در آنجا ساکن نمایند و بهیچ وجه اعتنا

ننمایند که احدی غیر از این از سرد و سارودک اسمی ببرد این دو قریه

هرگز محل حرف و گفتگو نبوده و نیست فرضا یوقتی شجاع الدوله

مرحوم از روی بی بصیرتی و بی اطلاعی یا بملاحظه حرف و زور دولت خارجه

شده بوده است سهوا رقمی نوشته یا سندی داده سند شجاع الدوله

سند دولتی نیست و هرگز نمیتواند ملک صحیح دولت ایران را

بدولت دیگر متعلق نماید خاصه آنکه در همان وقت مأمورین

دولت و دهات متعلقه بدولت متوجه خود را در تصرف خود

داشته و نگذاشته اند رقم ممنوع سهوانه بیخبرانه شاهزاده اثری

داشته باشد و بالمره اعلام طی را طی بیجهت شده است و محل اعتنا

نبوده و نیست و نخواهد بود هر کس غیر از این تصور کند باید دهان او را

خورد کرد سالار لشکر باید بدون تأمل این دو قریه را آباد کند و بعرض برساند

شهر صفر ۱۳۰۳

شمارهٔ سند: ۲۰۷

موضوع: وزنه ـ سرحدی

تاریخ: ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۷ هـ.ق

کارتن: ۲۰

پرونده: ۵/ح

نامهٔ امیرنظام به وزارت خارجه

استخراج تلگراف رمز از تبریز

خدمت جناب جلالت‌مآب اجل اکرم سرکار قوام‌الدوله وزیر امور خارجه دام اجلاله در مسئلهٔ وزنه اگرچه مخلص دستورالعملی که باید در نگاهداری آن نقطه به سیف‌الدین خان حاکم ساوجبلاغ و کاک‌الله آقای رئیس طایفه منگور داده‌ام. امّا چون محتمل است که مأمورین عثمانی حرکت بی رویه بکنند تذکاراً عرض می نمایم که خوب است در این باب به دولت روس رجوع نمایید که به موجب تعهدی که رسماً در رفع مشکلات وارده بر دولت علیه کرده ما را از این اشتغال آسوده نماید.

امیرنظام

[حاشیه: دستخط ناصرالدین شاه:]

«با عرب صاحب حرف بزن و او را وادار در این فقره به دولت روس تلگراف نماید که عثمانی ها را از این حرکتها مانع شوند.»

وزارت امور خارجه

مورخه ۱۵ شهر جمادی الاولی

سنه ۱۳۰۰

با جناب صاحب [illegible]

استخراج تلگراف رمز از تبریز

حضرت جناب جلالتمآب اجل اکرم سرکار قوام الدوله وزیر امور خارجه دام اجلاله

در مسئلهٔ وزنه اگرچه مخلص دستورالعمل داده بود در تکفل مداری آن نقطه به

سیف الدین خان حاکم ساوجبلاغ و کاک الله آقای رئیس طایفهٔ منگور

علی‌الدوام اما چنین محسوس است که مأمورین عثمانی حرکت بی رویه بکنند

کار را اگر عرض بنمایم خوب است در اینباب به دولت روس

رجوع نمایند که به موجب تعهدی که رسماً در رفع مشکلات وارده بر

دولت علیه کرده‌اند از این اشتغال جلوگیری نمایند امیر نظام

شمارهٔ سند: ۲۰۸

موضوع: تخلیهٔ وزنه ــ سرحدی

تاریخ: ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۳۰۷ هـ.ق

کارتن: ۲۰

پرونده: ۵/ح

نمره: ٦

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

فدایت شوم، در باب مسائل وزنه و کدخداعلی در باب‌عالی مشغول مذاکرات و اقدامات شفاهی و تحریری هستم، در خصوص وزنهٔ عثمانی‌ها راضی به تحقیق و کشف اراضی می‌شوند به شرطی که اول بایزآقا از آنجا طرد بشود و می‌گویند بایزآقا آنجا را تخلیه نماید بعد از تحقیق مطلب اگر مالکیّت دولت ایران در آن اراضی به ثبوت رسید ما ضرر و زیان بایزآقا را متحمل می‌شویم.

ولی بنده جواب دادم که آن اراضی در تحت تصرف بایزآقاست، بدون سبب و محض ادعای واهی نمی‌شود ملاّکی را از ملک خود بیرون کرد، اول از طرفین مأمور تحقیقات می‌فرستیم در صورتی که ادعای شما صحیح و تعلق آن اراضی به دولت عثمانی محقق شد آن وقت طرد بایزآقا آسان است. عجالتاً مذاکرات در این نقطه است، صورت سؤال و جواب محض مزید استحضار خاطر مبارک حضرت اجلّ عالی لفاً از لحاظ انور خواهد گذشت. سفیرکبیر انگلیس در این باب همراهی و موافقت می‌نماید. سفیرکبیر روس هم ظاهراً به سستی مساعد و موافق است، اما باطناً معلوم نیست مساعد است یا مخالف. در این موقع زاید نیست که حاصل تجربهٔ چندین سالهٔ خود را چنانچه در ضمن عرایض هفتهٔ پیش عرض کرده‌ام باز در اینجا تذکار و تکرار نمایم و آن این است که با عثمانی‌ها همیشه باید مدّعی علیه شد نه مدعی. در صورتی که ادّعایی و شکایتی برعلیه آنها بشود به مقتضای پولتیک خود که دفع‌الوقت و تعلل است هزار مشکلات می‌تراشند و امروز و فردا می‌کنند ولی همین که مدعی شدند، می‌شود مطلب را تفهیم نمود و در سایر مواد نیز تحصیل موافقت کرد. زیاده چه عرض شود. ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۳۰۷

[حاشیه:]

تلگراف شود، همین قسم که شما جواب دادید ما هم در اینجا جواب دادیم همان قسم قرار بدهید که نباید تخلیه از دست بایزآقا کرد، امّا مأمور روانه شود رسیدگی نمایند.

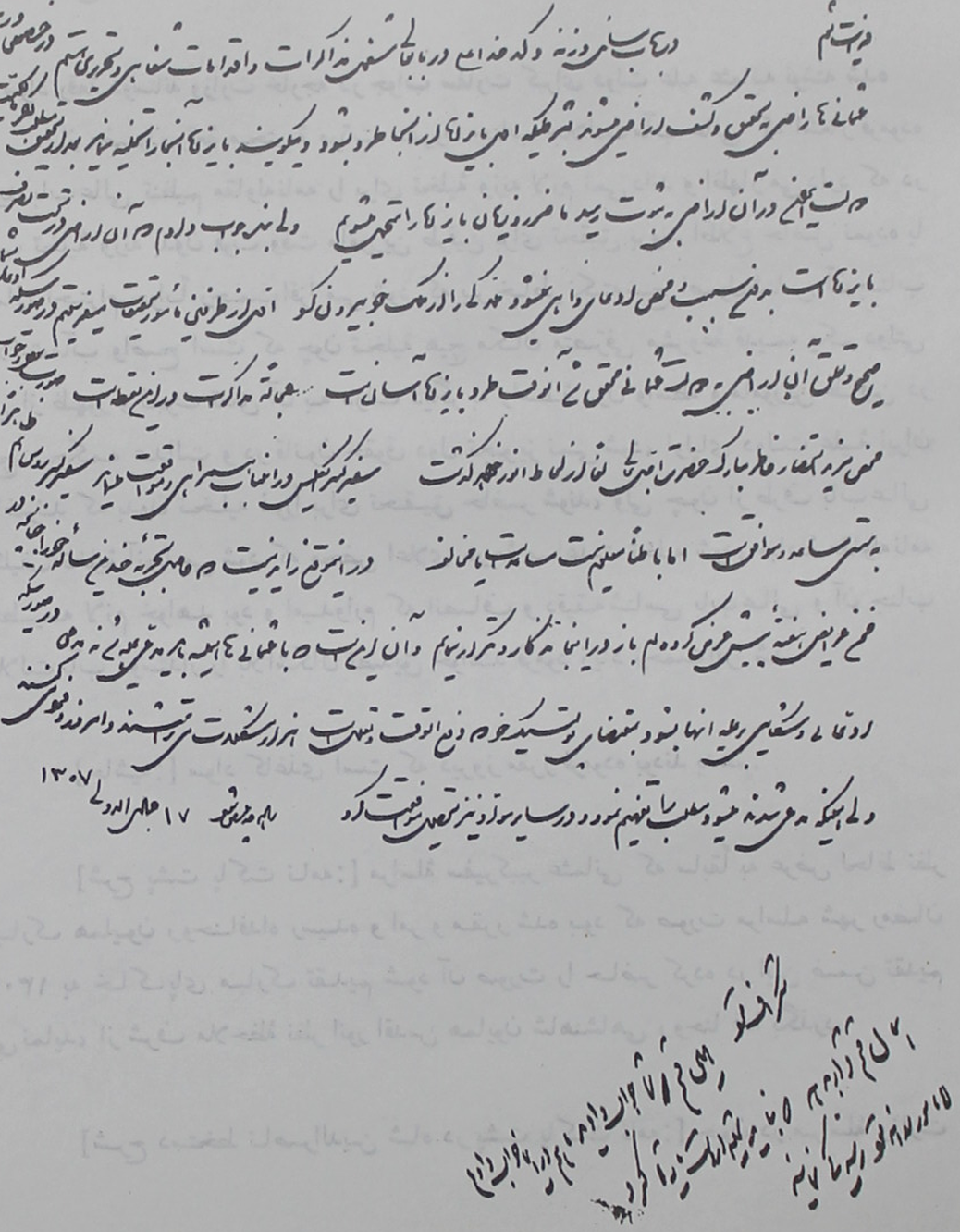

شمارهٔ سند: ۲۰۹

موضوع: تخلیهٔ وزنه ـ سرحدی

تاریخ: ۹ رمضان ۱۳۰۷ هـ. ق

کارتن: ۲۰

پرونده: ۵/ح

سواد رقعهٔ دوستانهٔ وزارت خارجه در جواب سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه نوشته شده

از مضمون رقعهٔ محترمهٔ مودّت مقرون جناب جلالت‌مآب عالی که اشعار فرموده بودید باب‌عالی تنظیم مقاوله‌نامه را برای تخلیهٔ وزنه لازم نمی داند و اظهار می دارد که در عقب تخلیهٔ وزنه بدون فوت وقت مأمورین طرفین برای تحقیق بروند اطلاع حاصل نموده با کمال احترام جواباً زحمت‌افزا می شود که بر خاطر نکته‌سنج اصول‌شناس آن‌جناب جلالت‌مآب واضح است که چون تخلیهٔ هیچ مکان متصرّفی مشروعهٔ قدیمه یک دولتی قبل از ظهور و ثبوت تعلق آن به دولت دیگر به واسطهٔ دول واسطه و مأمورین طرفین در هیچ محکمه عدالت و در قانون حقوق دول تجویز نمی شود، اولیای دولت علیهٔ ایران حاضرند که بدون تخلیه فوراً برای تحقیق حاضر شوند، ولی چون از طرف باب‌عالی تکلیف تخلیهٔ آنجا می شود که محض اعلای درجهٔ مساعدت تخلیه شود، مبادلهٔ مقاوله‌نامه بالطبیعه لازم خواهد بود و امیدوارم که انصاف و دقیقه‌شناسی باب‌عالی و آن جناب جلالت‌مآب دوستدار را بلااشکال تصدیق خواهند فرمود زیاد زحمت‌افزا شد.

[حاشیه:] سواد کاغذی است که دیروز مقرر فرموده بودند بدهم.

[شرح پشت پاکت نامه:] مراسلهٔ سفیرکبیر عثمانی که سابقاً به عرض لحاظ نظر مبارک همایون روحنافداه رسیده و امر و مقرر شده بود که صورت مراسله شهر رمضان ۱۳۰۷ به خاک‌پای مبارک تقدیم شود آن صورت را حاضر کرده در این ضمن تقدیم می نماید، از شرف ملاحظهٔ نظر انور اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فدا بگذرد.

[شرح دستخط ناصرالدین شاه در پشت پاکت نامه:] چون در مراسلهٔ وزارت

خارجهٔ ایران تخلیهٔ وزنه مشروط بـه صدور مقاوله‌نامه بوده است و آن مقاوله‌نامه از طرفین ردّ و بدل نشده است پس استناد به آن مراسله برای تخلیه وزنه به هیچ‌وجه حق ندارند و باید جواب نوشته بشود و راجع به بازدید مأمورین دول روس و انگلیس باید بشود.

ملفوف رقعه ... نانه در جواب مکاتب کبرای عالی علیه عثمانیه ...

۴ شهر رمضان ۱۳۰۲

از مضمون رقعه محترمه مورخه مقرون جناب جلالتمآب عالی ... اعتراف ... باب عالی تنظیم مقاوله نامه را

نمره ۲۱۵

بلی تخلیه دو راه لازم نمی‌دارد و انظار نمی‌دارد در عقب تخلیه ... مأمورین طرفین

بلی تحقیق به قدر اطلاع حاصل شده با کمال احترام ... رحمت افزا ... خاطر ... تشخیص اشخاص

بجناب جلالتمآب واضح است چنانچه تخلیه هیچ مکان متصرفی مشروعه ... قبل از ظهور

و ثبوت تعلق آن به دولت دیگر به واسطه حصول واسطه و مأمورین طرفین در هیچ محکمه عدالت

... حقوق ... تجویز ... دولتین ... حاضر ... تخلیه ... بلی تحقیق حاضر شد

ولی چون از طرف باب عالی تکلیف تخلیه ... مخصوص ... [illegible] ... تخلیه ... سالانه ... مقابله

١٢٠٨ ه

[illegible]

حول در ... رسه

مرزارتی ساه آسون

تمنیه ورزنه مشروطه به

صرور بقدوله ناشه

بجهه کا دال مقدوله ناشه

لنزطرفی ردوره بل نشه ه

پس اشتار بال فرسیه

رازی تمنیه ورزنه جله

حق نزعنفد و باید

حجاب نوشته نعیب

ورا جع به بازیه

تا نهوریش ژ ل

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۱۰

موضوع: سرحدی ــ وزنه

تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۷ هـ.ق)

کارتن: ۲۰

پرونده: ۵/ح

ارسال آرتیکل روزنامهٔ اقدام از اسلامبول به وزارت خارجه

ترجمهٔ آرتیکلی است که روزنامه اقدام نوشته است.

ناحیه‌های موسوم به وزنه و پشدر را که در روی حدود ایران واقع می‌باشد و به تحت اطاعت درآورده شده است. بنا به قرار مادهٔ شورای دولتی و مجلس خاص وکلا ارادهٔ حضرت پادشاهی صادر شده که یکی نموده و به معمورة‌الحمید توسیم نمایند.

[حاشیه: دستخط ناصرالدین شاه به شرح:] وزیرامورخارجه درباب وزنه که سرحد میانهٔ ما و دولت عثمانی است البته مواظب باشید که حرفی در نیاید و اگر مطلب شد مطلع باشید که وزنه خاک ماست البته تفصیل وزنه را از اشخاصی که بااطلاع هستند در وزارت خارجه سؤال بکنید که مسبوق باشید.

ترجمه از سفیع است که روزنامه اقدام نوشته است

ناحیه‌های موسوم به (وزنه) و (پشدر) را که در داخل مرز ایران واقع بوده و تحت

اطاعت در آمده شده است به تصویب شورای دولتی و مجلس مخصوص وکلا اراده حضرت

پادشاهی صادر شده و یک ناحیه دیگر (معموره الحمیه) توسیم یافته

توسیم — حدود ایرانه اوزنده واقع اولوب
تحت اطاعته الینمش اولان (وزنه) ایله (پشدر)
نام ناحیه‌لرك برلشدیریله‌رك (معمورة الحمید)
نامیله توسیمی خصوصنه شورای دولت ومجلس
مخصوص وکلا قراریله بالاستیذان ارادهٔ سنیهٔ
حضرت پادشاهی شرفتعلق بیورلمشدر .

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۱۱
موضوع: سرحدی قطور
تاریخ: ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۵
پرونده: ۵/ح

سواد کاغذ درویش‌پاشا

صاحب اقتدارا مرحمت شعارا آقای من

محال قطور کلاً و طراً مع‌توابعات آن از ملک محمودی شدن شکی و شبهه ندارد و در این خصوص در کتب کتابخانهٔ محکمه علیهٔ عثمانیه نظر کرده شده و ارکان دولت همه تحقیق نموده‌اند که قریهٔ مزبوره مع‌توابعات آن از ملک و سرحدات وان است. علاوه بر این در سجلات محکمهٔ کتاب وان صراحتاً نوشته‌اند که قطور و محمودی و توابعات آن همه ملک مختص حدود بلدهٔ وان است. نظر بر اینکه این مطلب صحیح بود مرا مأمور کردند که در هر سرحدّ سنور علامتی بنا کنم تا معلوم باشد بناء علی هذا آدم فرستادم که در داغماچی داشی و در قریهٔ استران و قریهٔ پی‌نلو و قاشقه‌بلاغ از توابعات قطور است و امامعلی بیگ یاور را از این مطلب حالی نمودم.

محل مهر محمدرحیم که نوشته بود سواد کاغذ درویش‌پاشا است.

سواد کاغذ درویش پاشا

صاحبا اقتدارا مرحمت شعارا آقای من

محال قطور کلاً و طراً مع توابعات آن از ملک محمودی شیرانکشتا و تبهه مزارع قطور بخصوص

در کتب کتابخانهٔ محکمهٔ علیهٔ عثمانیه نظر کرده شده و ارکان دولت علیه تحقیق نموده‌اند قریهٔ مزبوره

مع توابعات آن از ملک ... و صحات و ان ... علاوه و برای ... در سجلات محکمهٔ کتب

وان صراحتاً نوشته‌اند قطور و محمودی و توابعات آن همه ملک محمودی ... بلده وان است

نظر بر اینکه امین مطلب صحیح بود مرا مأمور نمودند در هر کجا ... اعلانی بنمایم تا معلوم ...

بنا علیه ذالک ... در سالم ... در اعمامی داشت و در قریهٔ آشترال و قریه ... بود و واقعه بلده ...

از توابعات قطور است و اما معلوم ... یا و ... از ... جناب معظم

محمد ابراهیم

سواد ... کاغذ درویش پاشا

شمارهٔ سند: ۲۱۲
موضوع: اقدامات نابجای درویش‌پاشا در قطور
تاریخ: ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۵
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نوشتهٔ جناب نسلرود وزیر دول خارجه دولت بهیهٔ روسیه است که به جناب پرنس دوالغروکی وزیرمختار دولت بهیهٔ مزبوره مقیمی دارالخلافهٔ طهران نوشته است

شرحی که به تاریخ ۲۱ آوریل نوشته بودید رسید، اینکه اظهار داشته بودید درویش‌پاشا نام مأمور دولت علیهٔ آل‌عثمان در مقام بی‌نظامی برآمده مرتکب حرکات رکیکه گردیده است و قبل از آنکه مأمورین دول روسیه و انگلیس و ایران حاضر شوند در مرور از شهر وان برخی دهات و اراضی حول و حوش قُوتور را که محل ادعای دو دولت ایران و آل‌عثمان بوده است تصاحب نموده است، بلی همین که موسیو تی‌تف در اسلامبول از حرکات ناهنجار درویش‌پاشا مطلع شد به اتفاق سراسترات فورت کانیک وزیرمختار دولت بهیهٔ انگلیس بلا تأمل به دولت آل‌عثمان از مشارالیه شکایت سخت نمودند که البته تفصیل سؤال و جواب و نتایج آن را مشارالیه از اسلامبول به خود شما نوشته است و مطلع شده‌اید، امیدوارم که انشاءالله در سنهٔ آتیه دیگر از مأمور دولت آل‌عثمان چنین حرکات ناهنجار سرنخواهد زد.

و اینکه دولت علیه ایران حرکت درویش‌پاشا ردّ و پُرُتست نمودند البته بجا و سزا بوده است و دولت ایران استحقاق این معنی را داشته است، زیرا که به ملاحظهٔ مضامین مندرجه در فصل سیم از فصول معاهدهٔ منعقده در ارزنة‌الروم دولت آل‌عثمان حق نداشته است که مرتکب چنین حرکتی شود، کوشش و سعی موسیو تی‌تف در ثبوت حقیقت دولت ایران و مخالفت مأمور آل‌عثمان بسیار بجا بوده است و ما هم پسندیدیم.

اگرچه مأمورین این دولت بهیه در عمل توسط غفلت نکرده‌اند و لازم است که اظهار دارند که همواره در توسط خود قایم هستند و جدّ و جهد دارند که عمل صحیحی در توسط ابراز شود و که انشاءالله امورات واقعه فی‌مابین دولتین ایران و آل‌عثمان بخوبی و خوشی صورت بگیرد و فقره تعیین سرحد نیز در کمال خوبی و موافق عدل و انصاف

انجام‌پذیر گردد ولی به دولت علیهٔ ایران نیز لازم است که متوجه شوند و سعی نمایند که امری باعث نشود و کاری اتفاق نیفتد که دولت آل‌عثمان آن را بهانهٔ خود قرار دهند و بگویند خلاف معاهدهٔ ارزنة‌الروم از دولت ایران واقع شده است.

دولت ایران تا حال که حرکتی به خلاف عهدنامه و به خلاف قاعده نکرده است و بسیار خوب رفتار نموده است، شما نیز حتی‌المقدور مواظب باشید که غفلت نشود و امری به خلاف معاهدهٔ مزبور از جانب دولت ایران حادث نگردد که موهم نقض عهد باشد. در ۱۷ ماه ژوئن در شهر ورشا (ورشو) تحریر شد.

ترجمه نوشته جناب اشرف لرد [illegible] وزیر دول خارجه دولت بهیه انگلیس
بجناب پرنس [illegible] وزیر مختار دولت بهیه انگلیس مقیم دار الخلافه طهران

شرحی که بتاریخ ۲۱ [illegible] نوشته بودید رسید ایلچی [illegible] اظهار داشته بود در روز [illegible] پیش [illegible] دولت علیه آل عثمان
در مقام [illegible] برآمده [illegible] که [illegible] مامور دول [illegible] انگلیس [illegible]
در [illegible] شهر [illegible] دولت [illegible] دولت علیه آل عثمان
بعهده [illegible] با [illegible] موسیو [illegible] در اسلامبول [illegible]
مطلع [illegible] وزیر مختار دولت بهیه انگلیس [illegible] دولت آل عثمان
[illegible] اسلامبول
[illegible] نوشته [illegible] مطلع [illegible] دولت علیه آل عثمان
[illegible] دولت علیه [illegible] حرکت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] زیرا که [illegible]
[illegible] دولت آل عثمان [illegible]
[illegible] دولت انگلیس [illegible] مامور
آل عثمان [illegible] اگرچه مامورین این دولت بهیه در
[illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] اغلب
صورت [illegible] و فقره تعیین سرحد [illegible] و موافق [illegible]
بدولت علیه انگلیس [illegible] آل عثمان
[illegible] که دولت آل عثمان [illegible] الزام
انگلیس [illegible] دولت انگلیس تا حال که [illegible] عهد نامه [illegible]
[illegible] تا [illegible] باشد
[illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible] در ۱۷ ماه [illegible] در [illegible] تحریر شد.

شمارهٔ سند: ۲۱۳
موضوع: تخطی شرف بیگ از سرحد عثمانی
تاریخ: ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۵
پرونده: ۵/ح

صورت تلگراف غیررمز و استخراج تلگراف رمز از تبریز
ولیعهد (مظفرالدین میرزا) به صدراعظم (میرزاعلی اصغرخان امین السلطان)

غیر رمز

به جناب مستطاب اجل اشرف اکرم صدراعظم، تلگرافی از منتظم الملک نایب الحکومهٔ خوی امروز رسید که عیناً برای اطلاع جناب مستطاب شما درج می شود (الآن یک ساعت به غروب سه‌شنبه مانده راپورتی از محمد زمان‌خان نایب الحکومهٔ قطور رسید. که مجدداً شرف بیگ قایم‌مقام سوارهٔ حمیدی با چهارصد نفر سوار و جمعیت از سرحد عثمانی تخطی کرده و حرفشان این است چهار نفر ارمنی که از متعارف ارامنهٔ قطور هستند و اسامی آنها عرض شد باید به دست ما بسپارید ببریم کشیش ارامنه قطور کیوکدخدا گریگور عاسو نایب الحکومه هم علاوه بر سوار سابق از چاکر سوار و استعداد خواسته بود چاکر هم هرقدر ممکن شد فردا روانه خواهد کرد و تفصیل اطلاعاً جسارت شد. محمدتقی

با اینکه جناب مستطاب شما تلگرافاً اطلاع داده که با سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانی مذاکره و او هم با جاهای لازم اظهار داشته و در منع تخطی حدودیهٔ عشایر دولت علیهٔ عثمانیه از جاهای لازم تأکید شده است این حرکت شرف‌بیک و تخطی با این وضع منافی عهود و شروط مقدسهٔ دولتین علتین است و با این حالت خودسری شرف‌بیک لازم است که اقدام سریعانه به عمل آید و البته جناب مستطاب شما به هر طوری که صلاح دانید با سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانی و جاهای لازم به مقام مذاکره برمی آیید و اگر سریعاً در جلوگیری آنها اقدامی نشود باعث مفاسد کلی در حدود خواهد بود.

استخراج رمز

البته در نظر جناب مستطاب شما هست که برای بودن استعدادی در خوی با

ملاحظه اطراف سابقاً نوشته بودم و از قرار دستخط جهان‌مطاع مبارک همایونی روحنا فداه که شرف صدور یافته بود و رمزاً مخابره نموده بودید، اجازه فرموده بودند و حالا با این حالت که هر دقیقه از عشایر عثمانی بروز و ظهور می‌کند باز بالضروره می‌نویسم نباید یکدفعه مطمئن شد و این حرکت خود یک نوع اسباب هیجان عشایر داخله دولت علیه و بی‌نظمی حدود و بالمال موجب تصدیع اولیای دولت خواهد بود. اگرچه حاضر نمودن استعداد و قشونی در خوی اسباب ضرر و خرج دولت می شود، ولی برای حفظ نظم داخله و ملاحظهٔ عواقب کار بسیار نتایج خیریه را مستوجب است و این حرکات خود می نماید که مقصود اصلی عثمانی‌ها بر این است که سرحد را بی‌نظم و بالطبع عشایر این دولت علیه هم بر مقام بعضی حرکات وحشیانه نسبت به ارامنه برآیند و اولیای دولت علیه هم دچار به این حادثه ناگواری که برای آنها پیش آمده است بشوند به طوری که تلگرافاً اطلاع داده‌ام میرزا علی‌خان ناظم‌العلوم را خواسته‌ام بیاید اوامر و فرمایشات مقدسهٔ اعلی‌حضرت همایونی روحنافداه را به او ابلاغ داشته و با تعلیمات صحیحه به سرحد روانه نمایم.

ولی برای حفظ نظم داخله و ملاحظات دیگر که کلیتاً در تلگراف سابق رمزاً اظهار داشته‌ام بودن استعدادی در خوی از سواره و پیاده ضرورتی دارد، البته مراتب را به عرض خاک‌پای اقدس همایونی روحنا فداه رسانیده به هر طور که خاطر دریامقاطر همایونی اقتضا فرموده و مقرر فرمایند اطاعت شود.

ولیعهد ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۱۳

[حاشیه: دستخط ناصرالدین شاه:] این تعرض تازهٔ شرف‌بیک را با سفیرکبیر حرف بزنید و به اسلامبول هم تلگراف بکنند. استعداد هم هرقدر لازم است ولیعهد به خوی بفرستند، این چند نفر کشیش و ارمنی را هم که به اسم خواسته‌اند خوب است آنها را به خوی و سلماس بلکه به تبریز بفرستید که محفوظ بمانند.

صورت تلگراف غیر رمز و استخراج تلگراف رمز از تبریز

غیر رمز

بجناب مستطاب اجل اشرف اکرم صدراعظم — تلگرافخانه منتظم الملک نایب الحکومه خوی
امروز رسیده محض استحضار و اطلاع جناب مستطاب شما درج می‌شود (الآن یکساعت بغروب مانده)
راپورتی از مجدالسلطان نایب الحکومه قطور رسیده مرقوم داشته‌اند یک فوج قائم مقام سواره جمعیتی با چهار
صد نفر سوار و جمعیت از سرحد عثمانی تعدی کرده و حرفشان این است چهار نفر از رعیتی که از متعارف ارامنه
قطور هستند و اسامی آنها عرض شد باید بدهید با بسیار به جبر هم گشتن ارامنه قطور که کدخدا اگر بکوید
حالا نایب الحکومه هم علاوه کرده سوار سابق از جاکر سوار و استعداد خواسته بود جاکر هم هر چند ممکن شد فردا
روانه خواهم کرد و تفصیل را اطلاعاً جسارت شد (محمدتقی) با اینکه جناب مستطاب شما
تلگرافاً اطلاع داده‌ام با سفارت کبرای دولت علیه عثمانی مذاکره داده‌ام و هم با جاهای لازم اظهار داشته
و در منع تعدی حدود و دیه عشایر دولت علیه عثمانیه از جاهای لازم تاکید شده است این حرکت تعدی
و تجاوز با این وضع منافی عهود و شروط معتقده و در تاریخ مصالحات است و با اتمامات خوی
یک لازم است در اقدام سریعانه جدی است والبته جناب مستطاب شما بهر طوری صلاح دانید با سفارت
کبرای دولت علیه عثمانی و جاهای لازم مذاکره خواهند نمود و اگر سرکار در جلوگیری از آنها اقدامی نشود
باعث تغلبات کلی در حدود خواهد شد

استخراج رمز

البته در نظر جناب مستطاب شما هست که برای تعمیرات استعدادی در خوی با ملاحظه اطراف
سابقاً تلگراف شده بود و از قرار [illegible] مطالع مبارک همایونی روحنا فداه هم بعرض رسیده
و در بعضی از کارها [illegible] و حالا با این حالت هر دقیقه از عشایر عثمانی
بروز و ظهور می‌کند باز بالضروره می‌نویسیم باید یکدفعه مطلع شد و این حرکت خوی
نوع اسباب هیجان عشایر داخله دولت علیه و بی‌نظمی حدود و ایالات موجب تصدیع اولیای
دولت خواهد بود اگرچه حاضر شدن استعداد و قشون در خوی اسباب آسودگی و رفع
تشویش و لیکن برای حفظ نظم داخله و ملاحظه عواقب کار بسیار نتایج خیریه را موجب است [illegible]

حرکات خوی باید و مقصود [illegible] اینها را این است در سرحد را بی‌نظم و با اطلاع عشایر این
دولت علیه هم در مقام بعضی حرکات و حسابها نسبت بارامنه برآیند و اولیای دولت
علیه هم دچار با این حادثه ناگوار [illegible] برای آنها پیش آمده است بشود بنابراین تلگرافاً اطلاع
دادم که میرزا احمدخان ناظم العلوم را خواسته‌ام که [illegible] اوامر و فرمایشات مقدسه اعلیحضرت
همایونی روحنا فداه را با او ابلاغ داشته و با تعلیمات صحیح بسرحد روانه نمایم و لیکن برای
حفظ نظم داخله و ملاحظات دیگر که کلیه در تلگراف سابق رمزاً اظهار داشته‌ام محتاج
استعدادی در خوی از سواره و پیاده ضرورت دارد البته مراتب را بعرض خاکپای مبارک
همایونی روحنا فداه رسانیده بهر طور مرحمت [illegible] همایونی اقتضا و مقرر
فرمایند اطاعت می‌شود — ولیعهد — ۱۰ جمادی الثانیه ۱۳۱۳

این سوءحال شده [illegible]
[illegible]
[illegible]
استعدادم هر قدر لازم
ولیعهد [illegible]
الی مین نفر [illegible]
[illegible]
[illegible]
به خمس [illegible]
[illegible] بتبریز [illegible]

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش دوم

اسناد سرحدی کردستان و لرستان

شمارهٔ سند: ۲۱٤

موضوع: خیال تصرف باغسایی توسط عثمانی

تاریخ: صفر ۱۲۸۷ هـ.ق

کارتن: ۱۳

پرونده: ۵/ح

سواد کاغذ امامقلی میرزا در حکومت کرمانشاهان به وزارت خارجه نوشته‌اند

فرمایشاتی که با تلگراف دربارهٔ امر پشتکوه و تکلیف حسین‌قلی‌خان والی شده بود همگی را فوراً به شماها میرزا موسی ابلاغ نمود و تأکید و تخدیر زیاد نمود که مرتکب امری که منجر فساد و نزاع بشود نشوند، امیدواریم که نوشتجات زود به آنها برسد و امری واقع نشود، سه چهار روز قبل از وصول حکم تلگرافی نوشتجاتی از مقرب‌الخاقان آقامیرزا محبعلی ناظم و کارپرداز بغداد رسیده بود که پاشا عسکری به طرف باغسایی فرستاده و خیال تصرف باغسایی را دارد و مقرب‌الخاقان میرزا محبعلی محرمانه بالصراحه نوشته بود که به حسین‌قلی‌خان نوشته شود که جمعیت خود را حاضر بکند و اگر عساکر عثمانی خیال تصرف باغسایی وبیات و ده‌لران را داشته باشد مدافعه بکنند، سهل است اعرابی را که عثمانی‌ها متعرض هستند و در خاک خارج می‌باشند تحریک نمایید که در صفحات جسان و بادرایی و مندلیچ از تخریب و تحریق کوتاهی نکنند چون تلگراف در آن اوقات کار نمی‌کرد و به ملاحظه احکام سابقه هم که مکرر مرقوم شده است از هر یک وجب خاک دولت اگر هزار نفس به کشتن برود نباید مضایقه کرد و باغسایی تا ایوان کرخه را

که ملک طلق این دولت محسوب فرموده بودند و تأکیدات زیاد در حفظ آنها شده بود این بنده درگاه هم از برای عالی‌جاه میرزا موسی محرمانه دستورالعملی مطابق نوشتهٔ مقرب‌الخاقان آقامیرزا محبعلی فرستاده ولیکن تأکید زیاد به او نمود که تا ممکن است متعرض فتنه و فساد نشوند و استعداد و جمعیت خود را حاضر کنند به فتح‌الله خان سرتیپ هم نوشت که از ابواب‌جمعی خود جمعیتی برای آنها بفرستد شاید به همین قدر که از طرف حاضر شد و استعدادی موجود آمد عثمانی اقدام داخل شدن در باغسایی و ده‌بیات و ده‌لران نکنند و به حسین‌قلی‌خان هم نوشت هر وقت که عالی‌جاه میرزا موسی نوشته به تو داد که حالا وقت مدافعه است از هیچ نوع مدافعه مضایقه مکن بعد که احکام تلگرافی آن‌جناب جلالت‌مآب رسد ناسخ آنها را به تعجیل نوشته برای عالی‌جاه میرزا موسی فرستاد و همان تلگراف را هم روانه کرد که مستحضر شوند و والی را هم اطلاع بدهند که به هیچ وجه اقدام به معارضه و مدافعه نکنند تا حکم مجدد برسد. انشاءالله امیدوارم که تا وصول نوشتجات و تلگراف امری واقع نشده باشد و هر وقت خبر تازه برسد با تلگراف اگر حاضر باشد یا با چاپار مخصوص عرض خواهد کرد ولی اجمالاً اینقدر عرض می‌کند که از جواب و سؤال با اسلامبول کاری از پیش نمی رود عثمانی همین‌قدر که اقدام به این نوع امور نمود و از پیش‌برد دور نیست که طمع به جاهای دیگر بکنند و در زهاب و سایر حدود هم همین طریقه را پیش بگیرند استعداد آنها موجود و حاضر و فوراً از قشلها و سربازخانه‌ها افواج خود را حرکت می دهند و سه‌روزه به سرحد ما می رسند و از این طرف هر فوجی را که بخواهیم حاضر کنیم اقلاً دو ماه طول دارد، که تدارک او را ببینم اولیای دولت ابدمدت قاهره مزید اهتمامی در این امور لازم است که بفرمایند اگرچه آنچه مصلحت دولت است بر خاطر اولیای دولت قاهره مخفی نبود و عرض این عرایض هم خلاف ادب و کمال جسارت بوده ولکن البته به اینقدرها معذور خواهم بود. شهر صفر ۱۲۸۷

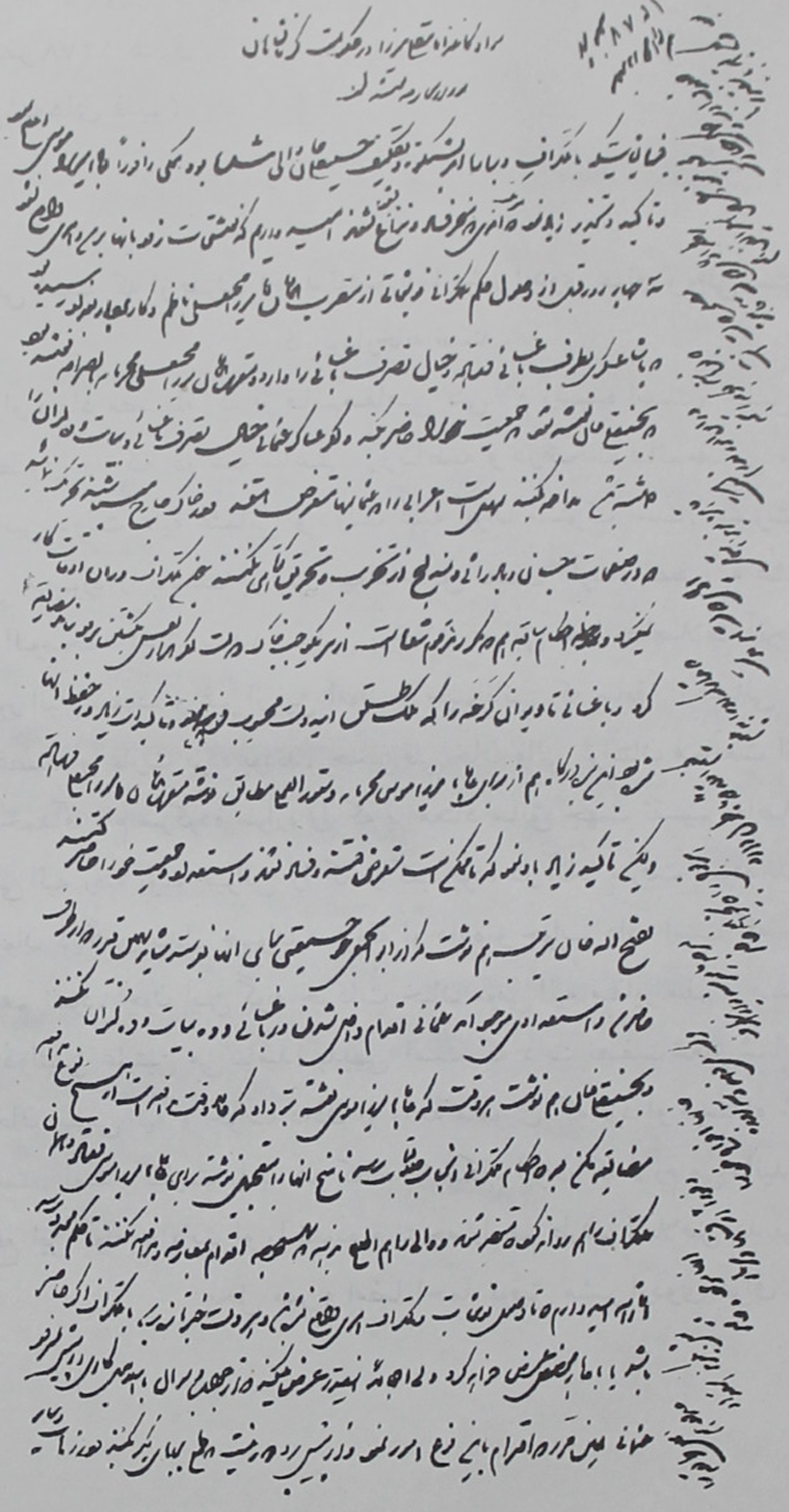

شمارهٔ سند: ۲۱۵
موضوع: اشتراک اراضی ملخطاوی و حاصلات آن
تاریخ: ۲۹ صفر ۱۲۷۸ هـ. ق
کارتن: ۹ (نوشته‌های قدیم)
پرونده:

ترجمهٔ مکتوبی است که از طرف احمد توفیق‌پاشا مشیر اردوی عراق و والی اسبق بغداد به کارپردازخانه نوشته

از قرار مفاد مضبطهٔ که از قائم‌مقامی بنی‌لام رسیده است، خمس حاصلات اراضی ملخطاوی را که در سه ساعتی زُرباطیه و در تحت قائم‌مقامی مذکور واقع می‌باشد و مابین دولت علیهٔ عثمانی و دولت علیهٔ ایران مشترک است. عشیرت ملخطاوی زارعین ارضی مزبوره را بایست بر وفق میعاد سابق نصف کرده، نصف به عشیرت الطعان که تابع دیره البومحمد است بدهند. والی برخلاف سابق همهٔ حاصلات آنجا را برداشته در قریهٔ مذکور انبار نموده و غیر از این اموال و حیواناتی که سابقاً از اهالی قرای بدره و زرباطیه به غصب و غارت برده بودند، حسین‌قلی‌خان والی لرستان ممانعت از استردادش می‌نماید و احمدآقا نام سرکردهٔ سواره را که بر معتاد سابق جهت تقسیم حاصلات مذکوره نزد خان مومی‌الیه رفته بوده حیوانی را که راکب بوده در آنجا سرقت نموده‌اند و بعد از ده روز یک حیوان دیگری بدل حیوان مسروقهٔ او داده و جواب داده است که حاصلات را تقسیم نخواهم نمود. چون این گونه حرکات خان مومی‌الیه مغایر سلم و صفوت جاریه و موجوده بین دولتین علیتین می‌باشد، بدیهی است که ذات نصفت‌شعار شما هم این گونه معاکسات خان مومی‌الیه و جواب دادن او را به مأموری که نزد او فرستاده شده را تجویز نخواهید داشت. لهذا کیفیت را به هر کدام از حکام ایران که لازم می‌دانید موکداً اشعار دارید که رفع این گونه حالات او را نموده و نتیجه را هم طرف اخلاص‌مند بیان دارید.

محل مهر و امضا احمد توفیق مشیر اردوی عراق و والی بغداد

٥٠٠

بغداد والیسی احمد توفیق پاشا طرفندن ایران قونسولخانه‌یه یازیلان تذکره‌نك صورتیدر

مجاملتلو مکارم شیم خان جنابلری

بنیلام قائممقاملغی داخلنده اولان زوبایه قریب اوچ ساعت مسافه‌ده واقع قطعه دولت علیه ایله ایران دولتلری بیننده
مشترك اولان محلده زرعیات ایدن ... عشیرتی معتاد سابقی وجهله عائد اولان خمس حاصلاتك نقلنی
کندولری ... دیگری ابو محمد دیرلر تابع ... عشیرتنه ویرمدیکلرندن ایکی حاصلاتك جمله‌سنی
فقط ... قریه مذکوره‌ده درانبار ایلدکلری وبوندن بشقه ... والیسی حسین قولیخانك مقدما بدره ... باطه
اهالیسندن نهب وغصب ایتدیکی اغنام وحیوانات سائره‌نك استردادینه ... ذخائر مزبوره‌نك بر مقدار
قدیم تقسیمی ... موظف ... احمد آغا خانه ... کوندرلمسه اولدیغی حالده راکب اولدیغی حیوانك سرقتی
ایله ... صکره ... وحاصلات مذکوره‌یی تسلیم ایتدیکی ... اعاده ایتدیکی
بیانیله اجابتك اجرای خصوصی بنیلام قائممقاملغنه ... حاصلاتك معتاد سابقی وجهله تقسیمی
واموال منهوبه مذکوره‌نك استردادی ... تسلیم وصحتی جانبنه‌دن اولدیغی حالده ...
بو صورتله معاکسه ... یرینه ... تجویز ... رتبه ...
بولنمه اولمغله کیفیتك ... ایجاب ایدنلره ... اشعار ...
اجراسیله کیفیتك ... بیانه ... خصوصنه همت ... تذکره ... ترقیم ... قلندی

۲۹ محرم ۷۸

... دوائر ...
احمد توفیق

شمارهٔ سند: ۲۱۶
موضوع: تصرف نهر مزارع اهالی ملخطاوی و صیفی توسط اهالی زرباطیه تابع عثمانی
تاریخ: سلخ رمضان ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۳۷

خداوندگارا، به واسطهٔ کار پردازخانهٔ بغداد تلغراف‌نامه سامی از مقام جلیل وزارت امور خارجه در پانزدهم ماه شباط رومی که روز بیستم ماه مبارک رمضان باشد زیارت گردید. در خصوص نهر مزارع اهالی ملخطاوی و صیفی از توابع پشتکوه لرستان امر و مقرر فرموده بودند که اهالی زرباطیه نهر مزبور را به مقام تصرف آمده و به زراعت خودشان جاری می‌سازند و حال آنکه منبع نهر مزبور در ممالک محروسهٔ ایران واقع است و از قدیم‌الایام علی‌الدوام آب زراعت اهالی ملخطاوی و صیفی بوده و تصرف آنها مغایر حقانیت است در این باب با وکلای دولت عثمانی گفتگو و مذاکره نموده حکمی به عهدهٔ والی بغداد اصدار و ارسال دارد که اهالی زرباطیه را ازین تصرف غیرحقه منع نمایند بعد از استحضار از مضامین مندرجهٔ تلغراف‌نامه سامی تقریری به جناب عالی پاشا نوشت و مذاکرهٔ لازمه را هم نمود چون به جهت بودن ماه مبارک رمضان و نزدیکی روز عید در خانه مثل تعطیل بود، دسترس نشد که مکتوب سامی مطلوبه را ازین پوستا بفرستد انشاءالله بعد از عید مکتوب سامی به عهدهٔ والی بغداد اصدار و نزد مقرب‌الخاقان میرزا زمان‌خان انفاد خواهم داشت که حکمی به عهدهٔ مأمورین زرباطیه گرفته بفرستد که اهالی زرباطیه دست از تصرف نهر مزبور بردارند، مراتب جهت استحضار عرض شد.

محل مهر: نریمان

نمره ۱۲۷

خداوندگارا به طوری که کارپرداز خانه بغداد مفوضات مراسلاتی از مقام جلیل وزارت خارجه در باب نهر اظهار داشته

که روز بیستم ماه مبارک رمضان شرف زیارت گردید در خصوص نهر مزارع اهالی منطقه و صنعت در باب شکوه رسانیده

امر مقرر فرموده بودند که اهالی زرباطیه نهر مزبور را به کمال تصرف آمده و زراعت خود را جاری ساخته‌اند و مالی

منبع نهر مزبور در ممالک محروسه ایران واقع است و از قدیم الایام علیهم آب زراعت اهالی

به تصرف آنها منافی حقانیت است در جناب وکلای دولت عثمانی گفتگو و مذاکره شده حکم بهده و اما بغداد

اصرار دارد که اهالی زرباطیه را از تصرف غیر حقه منع نماید بعد از استحضار از مضامین مفاوضه

مفوضات مراسلاتی تقریری به جناب عالی نوشته و مذاکره لازمه را هم نمود چون به جهت بعد ماه مبارک

رمضان و تعطیل روز عید در خانه شیخ تعطیل بود دسترس نشد که مکتوب سالی به او رسید

بنوشتند ثانیه بعد از عید مکتوب سامی بهده و اما بغداد اصدار و خطاب ...

خواهم داشت که حکم ... زرباطیه نوشته که اهالی زرباطیه دست از تصرف نهر مزبور بردارند ... عرض شد

شمارهٔ سند: ۲۱۷
موضوع: تعلق اراضی صیفی و ملخطاوی به ایران
تاریخ: ۲۲ ذیقعده ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

از سفارت اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۴۹

خداوندگارا، در تعلیقهٔ رفیعهٔ مورخهٔ بیستم شعبان که به افتخاری فدوی صادر شده بود، مرقوم فرموده بودند که اراضی ملخطاوی و صیفی که در سرحد لرستان و پشتکوه واقع است و از جمله امکنهٔ مختصهٔ دولت علیهٔ ایران می باشد و همیشه در تصرف ولات پشتکوه بوده و طوایف پشتکوه در آنجاها زراعت کرده و می‌کنند و همه‌ساله هم ولات پشتکوه مالیات نقدی و جنسی از اراضی مزبوره دریافت نموده و حال هم می‌گیرند و تعلق و اختصاص آن به دولت علیهٔ ایران به طوری واضح است که به هیچ‌وجه محل شبه نمی‌تواند شد و ولات پشتکوه در آنجاها از سابق و لاحق بناها و قلعجات عدیده احداث کرده‌اند و در فصل زمستان غالباً در آن اراضی قلعه‌جات به‌سر می برند و علاوه بر این ملخطاوی و صیفی هر دو اسم یک طایفه از عشایر لرستان و پشتکوه است و این اراضی به اسم آن دو طایفه نامیده شده است و همچنین چندین دلایل واضحه و مثبته در آن ضمن درج فرموده بودند، فدوی عین همان تعلیقه را به جناب عالی پاشا نشان داده آنچه لازمهٔ گفتگو و اقامهٔ دلایل بود به عمل آورد و مکرر میرزا احمد را نزد جناب عالی پاشا فرستاده و پیغام دادم که با وجود این دلایل و شهادتهای طبیعی که مجرای رودخانهٔ کنجان‌چم باشد و سرچشمه آن هم در وسط پشتکوه واقع گردد و از تنگهٔ کنجان‌چم بیرون شده از پهلوی خطی که مأمورین تشخیص سرحدات دولتین برای سرحد طبیعی معین و مفروز کرده‌اند دیگر در این فقره چگونه محل شبه و تردید می تواند بشود. اگر وکلای دولت عثمانی بخواهند چشم از این حقوق بین دولت علیهٔ ایران بپوشند و کار را به طول مذاکره بگذرانند در این بین هرگاه غایله و فسادی ظهور نماید برعهدهٔ کارگزاران دولت عثمانی خواهد بود، جناب عالی پاشا بعد از مطالعهٔ تعلیقهٔ رفیعه و پس از استماع

بیانات سفارت سنیه جواب دادند که قرار این نوع امورات که در حقیقه دایر به امر سرحدات مشکلترین کارها است و باید تحقیقات اینها در موقع خود بشود زیرا که من استحضار درستی از این نوع کارها نمی‌توانم حاصل نمایم پیش از آنکه درین باب به مقام سؤال و جواب برآیم و بتوانم قراری در کار بدهم لازم است که در این باب استحضار لازمه از موقع و مکان و حالت آنجاها به‌هم برسانم و این هم از برای من ممکن نخواهد شد مگر اینکه در این باب استعلام از بغداد نموده باشم، لهذا با همین پوسته استعلام از جناب نامق‌پاشا خواهم کرد که تحقیقات لازم را به عمل آورده استحضار تمام بدهد که آنجاها چگونه ملک بوده و سابق بر این چه بوده و حالا چه طور است تا آن وقت بتوانم از روی بصیرت به سفارت جواب بدهم وانگهی این نوع کارها باید در محل خود صورت انجام یابد و احتمال کلی دارد که پس از وصول تحریرات من نامق‌پاشا با کارپرداز شما در آنجا بدون هیچ اشکال بعد از عمل آوردن تحقیقات خود به خوشی بگذرانند ولیکن حالا به غیر از این که این کار را رجوع به نامق‌پاشا نمایم که در محلش تحقیقات لازمه را نماید هیچ چاره ندارم و ممکن نیست که کاری بتوانم بکنم فدوی پس از شنیدن این جواب و نمودن تعلیقه بندگان عالی که در صورت ظهور غایله در این بین بر عهدهٔ کارگزارن دولت عثمانی وامی داشت. در تکرار مطلب سعی نمودم که لامحاله استعلام مزبور بزودی نوشته ارسال شود و صورت همان استعلام را خواهش کردم که از برای مقرب‌الخاقان حاجی میرزا زمان‌خان بفرستم که از کیفیت درست مطلع شده با نامق‌پاشا مذاکره کرده با دلایل واضحه به نامق‌پاشا حالی و ثابت نماید که اراضی مذکوره ملک طلق دولت علیهٔ ایران است و رودخانهٔ مزبور تعلق به طایفه مزبوره دارد و امر را بگذراند و اگر ممکن نشود حاصل گفتگوی خود را با آنچه که دانسته و فهمیده است به جهت اطلاع سفارت سنیه نوشته بفرستد که بعد از رسیدن جواب استعلام از نامق‌پاشا تحریرات کارپردازخانه در دست سفارت سنیه در مقابل تحریرات نامق‌پاشا شده باشد، سواد استعلام مزبور را با تحریرات سفارت سنیه در ۲۲ شهر شوال ارسال بغداد شده است. امیدوارم که عنقریب این امر به طوری که حق دولت علیه است صورت‌پذیر بشود. خاصه حالا که جناب وزیرمختار عازم بغداد شده‌اند و در بین این تحقیقات وارد خواهند شد خیلی آسان است که این امر به طور دلخواه بدون ظهور اشکال جدید بگذرد زیرا که جناب وزیرمختار اسباب هر نوع تحقیقات لازمه را در محلش

می‌تواند فراهم بیاورد و امر را به سهولت با نامق‌پاشا بگذرانند مراتب محض استحضار خاطر بندگان جناب‌عالی جسارت به عرض رفت. امرکم العالی مطاع مورخه ۲۲ شهر ذیقعده سنه ۱۲۸۰

[حاشیه:] مقابله شد.

مقابله شد

نمره ۱۴۹

خداوندگارا در تعلیقه رفیعه مورخه بیستم شعبان که باقتخار فدوی صادر شده بود مرقوم فرموده
بودند که اراضی ملحقاتی و صیفی که در سرحد لرستان و پشتکوه واقع است و از جمله اماکنه
مخصوصه دولت علیه ایران می باشد و همیشه در تصرف والی پشتکوه بوده و طوایف پشتکوه در آنجاها
زراعت کرده و میکنند و همه ساله هم والی پشتکوه مالیات نقدی و جنسی از اراضی مزبوره دریافت نموده
و حق الرسم میگیرند و تعلق و اختصاص آن بدولت علیه ایران بطوری واضح است که بهیچوجه محل شبهه نمیتواند باشد
و والی پشتکوه در آنجاها از سابق و لاحق بناها و قلعجات عدیده احداث کرده اند و در قصبات لرستان
غالب در آن اراضی قلعه جات بسر میبرند و علاوه بر این ملحقاتی و صیفی هر دو اسم یک طایفه از عشایر
لرستان و پشتکوه است و این اراضی باسم آن دو طایفه نامیده شده است و همچنین چند دلایل واضحه
و ثبته در آن صفحه درج فرموده بودند فدوی عین همان تعلیقه را بجناب جلیل پاشا ناظر خارجه دولت علیه
گفتگو و اقامه دلایل لازمه بعمل آورد و دیگر میرزا احمد را نزد جناب عالی پاشا فرستاده و پیغام داد (
که با وجود این دلایل و شهادات طبیعی که مجرای رودخانه کنجان چم باشد و سرچشمه آن هم در وسط
پشتکوه واقع گردد و از تنگه کنجان چم بیرون شده از پهلوی خطی که مأمورین تشخیص سرحدات در سنین
برای سرحد طبیعی معین و منظور کرده اند دیگر در این فقره چگونه محل شبهه و تردید میتواند بشود

اگر وکلای دولت عثمانی بخواهند چشم از این حقوق بین دولت علیه ایران بپوشند و کار را بطول مذاکره
بگذرانند در این بین هرگاه غائله و قضایی ظهور نماید بر عهده کارگذاران دولت عثمانی خواهد بود
جناب ایلچی پاشا حالا بعد از مطالعه تعلیقه رفیعه و پس از استماع بیانات سفارت سنیه جواب داده‌اند
قرار این نوع امورات که در حقیقه دایر بامر سرحد است مشکل‌ترین کارها است و باید تحقیقات اینها
در موقع خود بشود زیرا من استحضار درستی از این نوع کارها نمی‌توانم حاصل نمایم پیش از آنکه
در اینباب بمقام سؤال و جواب برآیم و بتوانم قراری در کار بدهم لازم است که در اینباب
استحضار لازمه از موقع و مکان و حالت آنجاها بهم برسانم و این هم از برای من ممکن نخواهد شد مگر اینکه
در اینباب استعلام از بغداد نموده باشم لهذا با همین پوسته استعلام از جناب نامق پاشا خواهم کرد
که تحقیقات لازمه را بعمل آورده استحضار تمام بدهد که آنجاها چگونه ملک بوده و سابق بر این چه بوده
و حالا چه طور است تا آنوقت بتوانم از روی بصیرت بسفارت جواب بدهم و انگهی این نوع
کارها باید در محل خود صورت انجام یابد و احتمال کلی دارد که پس از وصول تحریرات من نامق پاشا
با کارپرداز شما در آنجا بدون هیچ اشکالی کار را عمل آورده بدون تحقیقات خود بخوبی بگذرانند و لیکن حالا
بغیر از این که این کار را رجوع بنامق پاشا نمایم و در محلش تحقیقات لازمه را نماید هیچ چاره ندارم
و ممکن نیست که کاری بتوانم بکنم فدوی پس از شنیدن این جواب و نمودن تعلیقه مبارکه کمالی از در صورت

مذاکره که با ولایت و انجمن نامق پاشا حالی

ظهور رعایتی در این باب بر عهده کارگذاران دولت عثمانی وا میداشت   در تکرار مطلب سعی نمودم
که لامحاله استعلام مزبور بزودی نوشته ارسال شود   و صورت همان استعلام را خواهش کردم
که از برای مقرب الخاقان حاجی میرزا زمانخان بفرستم که از کیفیت درست مطلع شده با نامق پاشا
و ثابت نماید که اراضی مذکوره ملک طلق دولت علیه ایران است و رودخانه مزبور تعلق
بطایفه مزبوره دارد و امر را بگذرانند و اگر ممکن نشود حاصل گفتگوی خود را با آنچه که دانسته
و فهمیده است بجهت اطلاع سفارت سنیه نوشته بفرستد که بعد از رسیدن جواب استعلام
از نامق پاشا تحریرات کارپردازخانه در دست سفارت سنیه در مقابل تحریرات نامق پاشا باشد
سواد استعلام مزبور را با تحریرات سفارت سنیه در ۲۲ شهر شوال ارسال بغداد شده است
امیدوارم که عنقریب این امر بطوری که حق دولت علیه است صورت پذیر شود خاصه حالا
که جناب وزیر مختار عازم بغداد شده اند و در باب این تحقیقات وارد خواهند شد خیلی آسان است
در این امر بطور دلخواه بدون ظهور اشکال جدید بگذرد زیراکه جناب وزیر مختار اسباب هر نوع
تحقیقات لازمه را در محلش میتوانند فراهم بیاورند و امر را بسهولت با نامق پاشا بگذرانند امر
محض استحضار خاطر بندگان جناب عالی جسارت بعرض رفت امر کم العالی مطاع مورخه ۲۲
شهر ذیقعده سنه ۱۲۸۰

شمارهٔ سند: ۲۱۸
موضوع: امور سرحدی زهاب، صیفی و ملخطاوی
تاریخ: ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ عمادالدوله (میرزا زمان‌خان) کارپرداز بغداد به وزارت امور خارجه

نمره: ۵۷

جناب جلالت‌مآب مکرم دوستا، مراسلات شریفه مصحوب چاپار به تاریخ بیست و ششم شهر رجب‌المرجب شرف وصول ارزانی داشت از استقامت مزاج شریف مطلع و مسرور شد انشاءالله همیشه در ظل عواطف اعلی حضرت شاهنشاه جم‌جاه روحنا فداه قرین مفاخرت و صحت باشند تفضیلی که در باب امور سرحدیه مرقوم داشته بودند موجب استحضار آمد اولاً در زهاب امر معادن نمک به همان طور که مرقوم شده بود و سابقاً هم دستورالعمل داده شده است از طرفین تصرفی در آنها نمی‌شود و همیشه هم مراقب می‌باشد که برخلاف قاعده از طرف عثمانی تصرفی نشود. خاصه در این اوقات که جمیع عشایر صفحهٔ پشت‌کوه در آنجا و حوالی آنجا هستند از رعایای عثمانی کسی قدرت تصرف در آنجا نخواهد داشت. اما در باب اراضی صیفی و ملخطایی تفضیل همان است که هم عالی‌جاه میرزا نصرالله مهندس عرض کرده است و هم خود مکرر عرض نموده است از اینکه این اراضی همیشه در تصرف ولات پشتکوه بوده و طوایف صیفی و ملخطایی در آنجا زراعت می‌کرده‌اند و مالیات خود و به هرچه زراعت خود را به ولات پشتکوه می‌داده‌اند جای حرف نیست بعضی بناها و قلعه‌جات هم از ولات پشتکوه در آنجا احداث شده است در این چند سال که قدری اغتشاش در امور صفحهٔ پشتکوه پیدا شد و طوایف متعلقه به حیدرخان متفرق شدند در آن اراضی مقدورشان نبوده که درست زراعتی نمایند، پارسال مجدداً زراعتی در آنجا نموده بودند اهالی زرباطیه مانع شده و آب او را خشکانده و مزروعات آنجا را تلف نموده بودند این فقره هم مکرر به عرض اولیای دولت قاهره رسیده است و در این اوقات هم که طوایف صیفی و ملخطایی بازخواسته‌اند در آنجا زراعت کنند از طرف کارگزاران عثمانی ممانعت شدید شده است،

لهذا به ملاحظهٔ اینکه مفسده واقع نشود این بنده درگاه به حسین‌قلی خان نوشت که این قدر دست نگاه بدارد که مراتب را به عرض اولیای دولت قاهره برساند اینکه مقرر شده بود که اگر کار به سختی منجر شود مراتب را عرض کند بدیهی است با این ممانعتی که از آن طرف می شود اگر ایلات پشتکوه بخواهند اقدام زراعت در آن اراضی بکنند البته کار به منازعه خواهد کشید، اگرچه اهالی صفحهٔ پشتکوه از عهدهٔ این طور هرزگی همسایه های خودبخوبی برمی آیند ولیکن چون پای دولت در میان است البته بی اذن اولیای دولت نمی توان اقدام به امری نمود و اگر هم باید آن اراضی مثل معادن نمک از تصرف طرفین خارج باشد موقوف به حکم اولیای دولت ابدمدت قاهره خواهد بود والا در اینکه همیشه در تصرف ولات پشتکوه بوده است، جای حرفی نیست. در باب کرم‌الله خان وسیدجواد خان والی زاده‌های پشتکوه که در حبس بغداد هستند. و در باب میره‌بیک سنجابی که یک سال است در حبس بغداد است. و در باب بعضی از طوایف کویک که داخل فوج قلعه زنجیر هستند و محمدبیک جاف نزد خود برده است و بعضی از عشیرهٔ میره‌بیک سنجابی را هم این روزها دلالت کرده نزد خود برده مکرر در این باب و امور به مقرب الخاقان کار پرداز بغداد تأکید نوشته است و مشارالیه هم در این باب با پاشای بغداد مکرر گفتگو کرده و ثمری نبخشیده است در نوشتجات سابقه که انفاد خدمت شده بود این فقرات و بعضی فقرات دیگر عرض شده بود ولیکن در جوابی که مرقوم شده است اقتصار به همان امر معادن نمک و اراضی صیفی و ملخطایی نموده بود اگر رجوع به نوشتجات سابقه بفرمایند مطالب معروضه معلوم خواهد شد و اگر جوابی دارند مرقوم خواهند فرمود، زیاده زحمتی ندارد. ایام اقبال و اجلال مستدام باد.

محل مهر: محمد ابن علی علی

[حاشیه:] خلاصه شد

[دستخط ناصرالدین شاه:]

این کاغذ را الآن بدهد وزیرمختار ملاحظه کند و گفت را به او حالی کند و از او شور کند که چه باید کرد هر قسم مصلحت بداند امروز به عرض رساند و همان طور به عمادالدوله جواب نوشته شود. معتمدالدوله هم کمال استحضار را دارد از او هم سؤال

بکن، اطلاع او را هم به اطلاع وزیرمختار برسان.

[حاشیه:] در عهد کارپردازی حاجی میرزا زمان‌خان

صدر اعظم

[illegible]

۱۲۸۹

جناب جلالتمآب مکرم [illegible]

مراسلهٔ شریفه مورخهٔ ... بتاریخ بیست و ششم شهر رجب ... [illegible]

انشاءالله همیشه در ... [illegible] ... جناب ... [illegible]

امر ساوجبلاغ ... [illegible] ... مرقوم شده ... [illegible] ... همیشه هم ... [illegible]

تصرف ... [illegible] ... در این اوقات ... [illegible] ... تصرف ... [illegible]

تفصیل همان است ... [illegible] ... عرض ... [illegible] ... دولت ... [illegible]

معین و منحط ... [illegible] ... در آنجا ... [illegible]

در آنجا احداث شده است و در این چند سال ... [illegible] ... سرحد ... [illegible]

و درست ... [illegible] ... منع شده ... [illegible]

و ... [illegible] ... اولیای دولت ... [illegible]

... [illegible] ... شده است ... [illegible]

اولیای دولت ... [illegible] ... سرحد ... [illegible]

... [illegible] ... اقوام ... [illegible] ... کار ... [illegible]

و لیکن چون ... [illegible] ... اولیای دولت ... [illegible] ... اقوام ... [illegible] ... ساوجبلاغ ... [illegible]

طرفین خارج باشد ... [illegible] ... اولیای دولت ... [illegible] ... همیشه در تصرف ... [illegible]

در باب ... [illegible] ... در باب ... [illegible]

... [illegible] ... در باب ... [illegible]

این ... [illegible] ... دولت ... [illegible]

... [illegible] ... سابق ... [illegible]

و لیکن ... [illegible] ... مرقوم شده است ... [illegible] ... سابقه ... [illegible]

... [illegible] ... ایام ... [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۱۹
موضوع: قطع آب اراضی صیفی و ملخطاوی
تاریخ: ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزارت امور خارجهٔ ایران به سفارت ایران در اسلامبول

نمره: ٤٤

سواد تعلیقه وزارت جلیله خارجه به سفارت سنیه اسلامبول

جناب فخامت نصابا، در باب اراضی صیفی و ملخطاوی نواب والاتبار عمادالدوله جواب کاغذ مرا که در طبق اظهارات آن‌جناب نوشته بودم قلمی و از قراری که اظهار داشته‌اند اراضی مزبوره سابقاً و حالاً در دست سرحدداران این طرف و اهالی آنجا که رعایای دولت علیه هستند بوده و می‌باشد و زراعت از صیفی و شتوی در آنجا کرده‌اند. تصرفی در آن اراضی از جانب سرحدداران عثمانی نبوده و نیست ولی چیزی را که می‌کنند این است که آب اراضی مزبوره را که عبارت از رودخانهٔ کنجان‌چم بوده باشد، قطع کرده به زرباطیه می‌برند و مزروعات آن بی‌آب می‌ماند و نوشته‌اند عالی‌جاه حسین‌قلی‌خان اگرچه می‌تواند از عهدهٔ اهالی زرباطیه برآمده نگذارد آب را قطع نمایند اما نواب معزی‌الیه احتیاط از این کرده‌اند که مبادا بعد از آنکه عالی‌جاه مشارالیه به این مقام آمد، سرحدداران عثمانی به کمک و تقویت اهالی زرباطیه برخیزند و ماده غلیظتر بشود بی این جهت بی رضایت سنی‌الجوانب اقدس همایون اعلی روحنا فداه اجازه داده شد که عالی‌جاه مشارالیه علی‌العجالتاً قهراً اقدام به آوردن آب ننماید، مقرر فرمودند به شما بنویسم که در اسلامبول گفتگو و طوری نمایید که معجلا اعلام بشود جناب نامق‌پاشا قدغن نماید آب قسمت زراعت اراضی مزبوره را قطع نکنند که مثل پارسال زراعت آنها بخشکد و مبالغ خطیر به رعیت و دولت ضرر برسد اگر از شما شنیده مانع آب اراضی مزبوره که بالاصاله تعلق به این دولت داشته و دارد نشدند فبها امر بی‌غایله خواهد گذشت والا نواب معزی‌الیه هم قدغن نمایند آب مندلیج را که از خاک کرمانشاهان می‌رود و کمال احتیاج را اهالی مندلیج به آن دارند، قطع کنند تا به

فرمایش اقدس همایونی سن بالسن والجروح قصاص شده باشد. به مقرب الخاقان حاجی میرزا زمان خان به این تفضیل نوشتم البته او به جناب نامق پاشا اظهار خواهد کرد، شما هم در اسلامبول گفتگو و انشاءالله طوری نمایید که کار به اینجاها منجر نگردد و اگر شد اولیای دولت عثمانی گله و اظهار ملالت از این فقره ننمایند که بعد از آنکه حرف حسابی دولت علیه به گوش طرف مقابل نرفت تکلیف به جز آن نخواهد بود که رسم معاملهٔ متقابله را مجری داشته و چاره به کار خود بکند. و بی طرف ماندن اراضی مزبوره هم که نوشته بودید از این مقوله خارج است و محتاج به گفتگو در این ماده نیست که اراضی مزبوره خود در تصرف سرحدداران و رعیت دولت علیه بوده و هست چه داعی شده است که ملک متصرفی دولت علیه حالت بی طرفی حاصل نماید. گفتگو در باب آب است و قرار آن به جهتی است که به آن جناب نوشته شد، البته زودتر حسب المقرر عمل کرده جواب قلمی خواهید داشت. زیاده چه نگارد. نیمهٔ شهر ربیع الاول ۱۲۸۱

سواد تعلیقه وزارت جلیله خارجه به سفارت سنیه عثمانی ۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۱

جناب جلالت و فخامت نصابا، در باب اراضی سیف و صفحات ترکوار الله تبارک و تعالی جواب کاغذ ... را مطابق اظهارات آن جناب ... تعلق و ... اظهار داشته اند

سابقاً و حالاً در دولت ... اراضی ... و ... از صنف و دستور ... از جانب

موجود نیست و احدی را دعوی نکند ... اراضی ... از ... قطع کرده از رابطه ... و ...

آب ... و ... از عهده ... ادعای رابطه ... قطع نماید اما ...

... و ... این مقام ... و تقویت ... از رابطه ... و ...

... داده شده ... اقدام ... آب نماید ...

... جناب ... آب قسمت ... اراضی ... قطع ... در سال ...

و ... خطیر رعایت دولت ... آب اراضی ... حالت ... دولت ... و ...

... و ... آب ... احتیاج ... قطع کنند

... تعلق ... اظهار خواهد کرد ...

... و ... دولت ... از این ...

دولت علیه ... معامله ... اظهار ... دولت

... و ... نیست ... اراضی ... دولت علیه ...

... و ... در باب آب ... اکثر ...

... جواب ... خواهد داشت ... شهر ربیع الثانی ۱۲۸۱

شمارهٔ سند: ۲۲۰
موضوع: قطع آب اراضی صیفی و ملحظاوی توسط عثمانی ها
تاریخ: ۲ جمادی الاول ۱۲۸۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نمره: ۶۵

از سفارت اسلامبول به وزارت امور خارجه

فدایت شوم، در تعلیقهٔ رفیعه مورخهٔ ۱۵ شهر ربیع الاول مرقوم فرموده اید که درخصوص اراضی صیفی و ملخطاوی نواب والا عمادالدوله در جواب به شما اظهار داشته اند اراضی مزبوره سابقاً و لاحقاً در دست تصرف کارگزاران دولت علیهٔ ایران بوده و اهالی آنجا که رعایای دولت علیه هستند زراعت می‌کرده‌اند و عثمانی ها را هم حرفی نبوده است کاری که می‌کنند قسمت آب اراضی مزبوره را که از رودخانهٔ کنجان چم است منع نموده، وزراعت آنجا را بی آب می‌گذارند. و از قرار نوشته نواب معزی الیه حسین قلی خان مقتدر به آوردن آب و مقاومت با اهالی زرباطیه بوده است ولی نواب معزی الیه از بابت اینکه شاید سرحدداران عثمانی به معاونت اهالی زرباطیه برآیند و ماده غلیظ شود، سکوت کرده‌اند. بالاخره مرقوم شده بود که با وکلای عثمانی مذاکره نمایم به نامق‌پاشا بنویسند آب زراعت اراضی مزبوره را ممانعت ننمایند والا از طرف کارگزاران دولت علیه هم آب رودخانهٔ مندلیچ که از خاک کرمانشاهان می‌گذرد و اهالی مندلیج کمال احتیاج به آن آب دارند، قطع خواهد شد. مراتب را به طوری که مرقوم فرموده بودید در کمال قوت به جناب عالی پاشا اظهار کردم و گفتم که اگر جواب این فقره از طرف من به طور دلخواه به حضور اولیای دولت علیه نرود یقین بدانید که آب مندلیج را کلاً قطع خواهند فرمود و موجب ضرر و خسارت بزرگ شما خواهد گردید و هیچ راه گله هم به جهت شما باقی نخواهد ماند.

عالی پاشا در جواب به من گفت چند روزی به من مهلت بدهید که فی مابین خودم و نامق‌پاشا به توسط تلغراف مخابره نمایم و ببینم به چه دلیل و جهت آب حقهٔ اراضی مزبوره را قطع می نماید اگر به طوری که شما اظهار می دارید اراضی مزبوره ملک

ایران و در تصرف شما می باشد و حقابه معینی از رودخانهٔ مزبوره داشته است، حکم صریح خواهم فرستاد که متعرض نشده و کمافی السابق حقابهٔ آنها را بدهد و اگر حرف و دلیل دیگری مقرون به قاعده داشته باشد آن وقت با شما مذاکره خواهم نمود. من در جواب گفتم که البته نامق‌پاشا یک دلیل غیرموجهی به جهت استخلاص خود پیدا نموده به شما خواهد نوشت و اگر شما بخواهید به جواب و ادلّهٔ او گوش بدهید نتیجهٔ عمل قطع آب مندلیج خواهد گردید. در جواب گفت اگر دلیل او در نظر وکلای دولت غیرموجه آمد مسموع نخواهد شد و در آن صورت امر قطعی خواهم فرستاد در هر صورت تا با نامق‌پاشا مخابره ننمایم جواب صریح نمی‌توانم داد. به فاصلهٔ سه روز باز میرزا احمد را نزد مشارالیه فرستاده و مطالبهٔ جواب نمودم گفته بود آنچه من باید به نامق‌پاشا بنویسم به توسل تلغراف اطلاع دادم ولی جواب مشارالیه هنوز نرسیده است شاید امروز و فردا برسد ازآن روز عالی‌پاشا به باب‌عالی نیامده وناخوش شده است، میرزااحمدهم نتوانسته است او را دیده که جواب کافی و آخری را خدمت بندگان عالی توانم عرض نمود چون چاپار انگلیس روانه بود همین قدر را به جهت اطلاع سامی واجب‌العرض دیدم ولیکن تحریرات مورخهٔ ٤ ربیع‌الثانی میرزا زمان‌خان دیروز رسید و جوابی که نامق‌پاشا در تاریخ ۲۵ شهر ربیع‌الاول در این فقره به مشارالیه نوشته اراضی مزبوره را ملک عثمانی و زارعین آنجا را تبعهٔ خودشان معدود کرده است سواد او را به جهت من فرستاده بود، یقین همین جواب را به وکلای دولت متبوعهٔ خودش نیز خواهد نوشت.

بهتر این است که بندگان‌عالی از حالا به نواب والا عمادالدوله اطلاع بدهید که تدارک تلافی و مقابله به مثل این کاغذ را از قطع آب رودخانه مندلیج حاضر سازند که اگر خدای نکرده منظور و مقصود ما از وکلای دولت عثمانی حاصل نشد فی الفور به تکلیف خودشان عمل نمایند خدا کند که در چند فقره این طور تلافی‌ها به عمل آید تا طرف مقابل هم قدری حساب خود را نموده و حوصله و سکوت ما را حمل بر ضعف و عدم قدرت ننمایند و یک مرتبه هم والی بغداد مصدر ضرر شده و به آه و ناله درآید. در آخر تعلیقه مرقوم فرموده‌اید که بی طرف ماندن اراضی مزبوره را هم چنانچه تو نوشته بودی ازین مقوله خارج است و محتاج به گفتگو نیست. این فرمایش مثل این می ماند که گویا این بنده خدمت اولیای دولت علیه تکلیف کرده باشم که اراضی مزبوره بی طرف بماند و حال آنکه در تعلیقهٔ رفیعهٔ مورخهٔ شهر شعبان ۱۲۸۰ که در غیاب من به

نریمان‌خان در این فقره مرقوم فرموده‌اید مخصوصاً دستورالعمل داده شده است که اگر فقرهٔ این اراضی به طور منظور ما به عمل نیامد اقلاً کاری بکنید که بی طرف بمانند. و فدوی در عرایض مورخهٔ ۱۲ محرم‌الحرام ۱۲۸۱ خود که از سامره ارسال نموده‌ام صراحتاً عرض کرده‌ام پس از آنکه حسین‌قلی‌خان و کارگزاران نواب والا عمادالدوله مدعی بر این هستند که می‌توانند اراضی مزبوره را زراعت کرد و آب آنها را آورد چه لازم کرده است که بی طرفی املاک متصرفهٔ دولت علیه راضی بشوم.

و خود فدوی از بغداد به حسینقلی‌خان نوشتم که اگر بتوانی اراضی مزبوره را هم زراعت کن و هم حقّابه آن را از نهر کنجان‌چم بیاور، و خدمت سامی عرض شده بود که اگر دیدیم گفته‌های مأمورین خودمان لاف و گزاف است و مصداق خارجی به هم نخواهد رسانید آن وقت راضی به بی طرفی که سابقاً تکلیف شده بود می‌توان گردید والا فلا زیاده بر این عجالتاً عرضی نیست همین که عالی پاشا بهتر شد و به باب‌عالی آمد دقیقه وقت را فوت نکرده و جواب آخری این دولت را تحصیل و خدمت ملازمان عالی عرضه خواهم داشت. معروضه دویم شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۱

[پی نوشت:]

ــ مقابله شد.

[illegible]

[illegible]

نمره ۶۵

فدایت شوم در تعلیقه رقیعه مورخه ۱۵ شهر ربیع الاول مرقوم فرموده اید که در خصوص اراضی حسینعلی و ملخطاوی
نواب والا عماد الدوله در جواب بشما اظهار داشته اند که اراضی مزبوره سابقا و لاحقا در دست تصرف کارگذاران
دولت علیه ایران بوده : اما اهالی آنجا رعایای دولت علیه هستند زراعت میکرده اند و عثمانیها را هم حرفی نبوده است
کاریکه میکنند قسمت آب اراضی مزبوره را که از رودخانه گنجان چم است منع نموده و زراعت آنجا را بی آب میگذارند
و از قرار نوشته نواب معزی الیه حسینقلی خان معتمد به آوردن آب و مقاومت با اهالی زرباطیه بوده است
ولی نواب معزی الیه از بابت اینکه شاید سرحدداران عثمانی بمعاونت اهالی زرباطیه برآیند و باعث غلبه
شود سکوت کرده اند بالاخره مرقوم شده بود که با وکلای عثمانی مذاکره نمایم بنا حق باعث نشوند آب زراعت
اراضی مزبوره را ممانعت نمایند و الا از طرف کارگذاران دولت علیه هم آب رودخانه مندلیج را که از
کرمانشاهان میگذرد و اهالی مندلیج کمال احتیاج بآن آب دارند قطع خواهد شد مراتب را بطوری که مرقوم
فرموده بودید در کمال قوت بجناب عالی پاشا اظهار کردم و گفتم که اگر جواب این فقره از طرف من کلا
بطور دلخواه ~~بحضور اولیای دولت علیه~~ بحضور اولیای دولت علیه نرود یقین بدانید که آب مندلیج را [illegible]
قطع خواهند فرمود و موجب ضرر و خسارت بزرگ شما خواهد گردید و هیچ راه گله هم بجهت شما باقی نخواهد ماند

عالی پاشا در جواب من گفت چند روزی بمن مهلت بدهید در فیمابین خودم و نامق پاشا بتوسط تلغراف
مخابره نمائیم و ببینیم بچه دلیل و جهت آب حقه در اراضی مزبوره را قطع مینماید اگر بطوری که شما اظهار
[illegible] میدارید اراضی مزبوره ملک ایران و در تصرف شما میباشد و حقابه بعینه مزبوره داشته است حکم
صریح خواهم فرستاد که متعرض نشده و کما فی السابق حقابه آنها را بدهد و اگر حرف و دلیل دیگری
مقرون بقاعده داشته باشد آنوقت با شما مذاکره خواهم نمود من در جواب گفتم البته نامق پاشا
یک دلیل غیر موجهی بجهة استخلاص خود پیدا نموده بشما خواهد نوشت و اگر شما بخواهید بجواب و ادله او گوش بدهید
نتیجه عمل قطع آب منداییج خواهد گردید در جواب گفت اگر دلیل او در نظر وکلای دولت غیر موجه آمد مسموع
نخواهد بود و در آنصورت امر قطعی خواهم فرستاد در هر صورت تا با نامق پاشا مخابره ننمائیم جواب صریح نمیتوانم داد
بفاصله سه روز باز میرزا احمد را نزد مشارالیه فرستاده و مطالبه جواب نمودم گفته بود آنچه من باید بنامق پاشا
بنویسم بتوسط تلغراف اطلاع داده ام ولی جواب مشارالیه هنوز نرسیده است شاید امروز و فردا برسد
از آن روز عالی پاشا بباب عالی نیامده و ناخوش شده است میرزا احمد هم نتوانسته است او را دیده و
جواب کافی و آخری را خدمت بندگان عالی توانم عرض نمود حین چاپار انگلیس روانه بود همین قدر را بجهة اطلاع
سامی واجب العرض دیدم ولیکن تحریرات مورخه ۲۰ ربیع الثانی میرزا زمان خان دیروز رسید و جوابهائی که
نامق پاشا در تاریخ ۲۵ شهر ربیع الاول در این فقره بمشارالیه نوشته اراضی مزبوره را ملک عثمانی

و از عین آنجا را تبعهٔ خودشان معدود کرده است سواد او را بجهة من فرستاده بود یقین همین

جواب را به وکلای دولت متبوعهٔ خودش نیز خواهد نوشت بهتر این است که بنده کاغذی از جانب

نواب والا اعتمادالدوله اطلاع بدهید در تدارک تلافی و مقابله بمثل این کاغذ را از قطع آب

رودخانهٔ مندلیج حاضر سازند که اگر خدای نکرده منظور و مقصود ما از وکلای دولت عثمانی حاصل نشد

فی الفور بتکلیف خودشان عمل نمایند خدا کند در چند فقره این طور رفتار فیمابین بعمل آید باطرف

مقابل هم قدری حساب خود را نموده و حوصله و سکوت ما را حمل بر ضعف و عدم قدرت ننمایند

دیگر مرتبه هم والی بغداد مصدر ضرر شده داد و ناله در آید در آخر تعلیقه مرقوم فرموده اید

بیطرف ماندن اراضی مزبوره را هم چنانچه تو نوشته بودی از این مقوله خارج است و محتاج بگفتگو

نیست این فرمایش مثل این میماند که گویا این بنده خدمت اولیای دولت علیه تکلیف کرده باشم

که اراضی مزبوره بیطرف باشد در حالتیکه در تعلیقهٔ رفیعهٔ مورخهٔ شهر شعبان ۱۲۸۰ در جواب من

به زیمان خان در این فقره مرقوم فرموده اید مخصوصاً دستورالعمل داده شده است که اگر

فقرهٔ این اراضی بطور منظور ما بعمل نیاید اقلاً کاری بکنید که بیطرف باشند و حدودی در عراقین

مورخهٔ ۱۲ محرم الحرام ۱۲۸۱ خود از سامره ارسال نموده ام صراحتاً عرض کرده ام پس از آنکه

حسینقلی خان و کارگذاران نواب والا علاء الدوله مدعی بر این هستند می‌توانند اراضی

مزبوره را زراعت کرده و آب آنها را آورده چه لازم کرده است در سطر فی املاک متصرفهٔ

دولت علیه راضی نشوم و خود فدوی از بغداد به حسینقلی خان نوشتم که اگر بتوانی اراضی مزبوره را

هم زراعت کن و اسم حقابه آن را از نهر سرکنجان چم بیاور .. و فدوی مکرر سابقاً عرض شده بود

که اگر دیدیم گفته‌های مأمورین خودمان لاف و گزاف است و مصداق خارجی بهم نخواهد رسید

آن وقت اراضی به سطر فی در سابق تکلیف شده بود می‌توان کرد و الحمد لله زیاده بر این مجادله

عرضی نیست همین در عالی پاشا بهتر شد و باب عالی آمد دقیقه و وقت را فوت نکرده جواب

۱ ۰۲ ۸۱

آخری این دولت را تحصیل و خدمت ملازمان عالی عرضه خواهم داشت. معروضه پنجم شهر جمادی الاولی

شمارهٔ سند: ۲۲۱
موضوع: حق آب اراضی صیفی و ملخطاوی
تاریخ: ۱۷ ذیقعده ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول

ترجمهٔ تحریرات رسمیه‌ای است که در ۱۷ شهر ذی‌قعده‌الحرام سنهٔ ۱۲۸۱ از جانب باب‌عالی به سفارت سنیه نوشته شده.

در ممالک دولت فخیمهٔ سرکار آبی که به مزروعات اراضی صیفی و ملخطاوی جاری می‌شود اگر از طرف اهالی زرباطیه از قطع آن آب فراغت نشود نهری که به مندلیج جاری می‌شود به طریق مقابله باالمثل قطع خواهد شد و تقریر والای سفیرانهٔ سرکار که در تاریخ ۲ شهر جمادی‌الاخر سنه ۱۲۸۱ در این خصوص و مشعر به فقرات دیگر بود رسیده قرار بر این شد که کیفیت را بی طرفانه در محل او تحقیق و تدقیق نموده سریعاً اشعار دادند، لهذا مکتوبی متضمن به این فقره نوشته به حضرت دولت‌مآب والی بغداد نوشته شده این دفعه تحریراتی که در جواب مکتوب مزبور وارد گردیده این است که اراضی شهر به ملخطاوی و صیفی به اسم اراضی سیدحسن معروف و مشهورند و جاهایی که در حین استاتوقو مانده شانزده ساعت در این طرف واقع شده از قدیم‌الایام در تحت تصرف عالی دولت علیه و از مصافات قائم‌مقامی مندلیج و از زمان متکاثره محل زراعت عشیرت بنی‌لام‌الطعات و قبایل حمیس که تابع سلطنت سنیه می‌باشند بوده است و از تبعهٔ ایران و از قبایل ملخطاوی و صیفی به قدر شصت خانوار در نزد متصرفین اراضی مذکوره مثل سایر فلاّحان تبعهٔ دولت علیه اجیر و مرابع می‌باشند به جهت اینکه به باغ و باغچه‌های اهالی زرباطیه و بدره و جسان آب کفایت نکرده و خشکیده خراب می‌شود محض در ایام تابستان زراعت کردنشان در تحت ممنوعیت بوده است، نهری که از مندلجین جریان می‌نماید به اضافهٔ اینکه مجرای قدیمش تحویل به جای دیگر خواهد شد از طرف مأمورین ایران در هر سالی از طرف اهالی زرباطیه تحقیق گشته که مبلغ پانصد تومان گرفته می‌شود در نزد والای سفیرانهٔ سرکار آزاده از تعریف و چنانچه در تقریری که

از جانب سفارت در تاریخ ۲۸ شهر ذی‌قعده سنهٔ ۱۲۶۳ بیان گشته بود نهری از یک منبعی که جریان می‌نماید خواه به دریا و خواه به انهار سایره ملحق شود از ممالک دول متعدده می‌تواند عبور نماید به این جهت نه منبع نهر مذکور که در مملکت دولتی واقع شود و نه مال آن دولتی که از ممالک او جریان می‌نماید نخواهد شد و از مسلمات است که هیچیک از دیگری نمی‌تواند حق جریان مطالبه نماید و نه می‌تواند تبدیل مجرا کند، لهذا پول گرفتن مأمورین مومی الیهم از طرف اهالی مرقومه نه موافق قاعدهٔ مرعیه دولّیهٔ و نه به حقانیت و انصاف دولت فخیمهٔ ایرانیه توافق خواهد کرد، در این خصوص از طرف سلطنت سنیه در هیچ وقت ممکن نیست که به نظر لاقیدی و خوشنودی نگاه کرده شود و الی حال هر قدر مبالغی که از طرف اهالی مرقومه گرفته شده کاملاً اعاده کرده و بعد از این نیز نظر به روابط حسن همجواری قدغن نمایند که این گونه حالات مغایر وقوع نیابد.

ترجمهٔ تحریرات رسمیه ایست که در ۱۷ شهر ذی‌قعدة الحرام سنهٔ ۱۲۸۱
از جانب باب عالی بسفارت سنیه نوشته شده

در ممالک دولت علیه نهر [illegible] که هر بر مزروعات اراضی صیفی و شتوی مندلی جاری میشود اگر از طرف اهالی زهاب از قطع آن آب فراغت نشود نهر که به مندلیج جاری میشود لطفا
منجر بانقطاع قطعی خواهد شد و تقریر والای سفارت سنیه که در ورتاریخ ۲ شهر جمادی الاولی سنهٔ ۱۲۸۱ در اینخصوص و سایر افادات دیگر ادا و سبیلی قرار داده شد در کیفیت با مراد
در حق او تحقیق و تدقیق نموده سریعاً استشعار داده لهذا مکتوبی متضمن باین فقره نوشته بحضرت دولت ماب والی بغداد نوشته شد اینک تحریراتیکه در جواب کمی
وارد گردیده ایست مراد این است که بر مندلی و صیفی به اسم لدای سید حسن معروف و مشهور بود و جاهائی هر دو جانب [illegible] نام [illegible] سی تن و رعایا
تقسیم الدوام در تحت تصرف اهالی دولت علیه و از مضافات قائم مقامی مندلیج و از زمان ممتد مدتی زراعت عشیرت بنی لام الطلاعات و قبایلی میشد
سلطنت سنیه بوده است و از جانب ایرانیان و از قبایل مندلی و صیفی تعدی شده فاقوار در نهر متفرقه اراضی مذکوره سایر مقدمات شبهه که از قدیم اجرا
بوده است بجهة آنکه بباغ و باغچه‌های اهالی زهاب و بدره و جسان آب کفایت کند و خشکسالی و خراب میشود ... در ایام تابستان زراعت که لشان در تحت
حمایت نهری و از مندلیج جریان بنماید به اضافه آنکه موانع و [illegible] تخریب بجای دیگر خواهد شد از طرف مأمورین ایرانیان در سال از طرف اهالی زهاب تحد
جریان یافته ترکان گرفته میشود در نهر والای سفارت سنیه آزاده از تعریف و چنانچه در تقریری هر از جانب سفارت در تاریخ ۲۱ شهر ذی‌قعده سنهٔ ۱۲۸۳ بیان گردید
نهری از یک منبع در جریان بنماید حق آب هر دو را برابر سازد ملحق تو از ممالک دول متعدده میتواند عبور نماید بانجمله نه منبع نهر مذکور در دو مملکت واقع و از
وزمی آنکه و نه هر از ممالک او جریان بنماید نخواهد شد و از مسلمات است هیچیک از دیگری میتواند حق جریان مطالبه نماید و نه میتواند منع بنماید مجرا
لهذا بعد از تحقیق مأمورین مومی الیهم از طرف اهالی مرقوم موافق قاعدهٔ مرعیهٔ دولتیه و نه مقتضیات و انصاف دولت فخیمهٔ ایرانیه توافق خواهد کرد و در اینخصوص کرا
سلطنت سنیه در هیچ وقت ممکن نیست در نظر لدقیقی و خوشنودی نگاه که والامقام هر قدر مبالغ که از طرف اهالی مرقوم گرفته شد کما هو اعاده
و مقابله با هم نیز نظر بروابط حسن همجواری فیمابین باشد هر اکنون حالت منافی وقوع یابد

شمارهٔ سند: ۲۲۲
موضوع: آبیاری اراضی صیفی و ملخطاوی از نهر کنجان‌چم
تاریخ: ۲۳ ذی‌قعده ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

جواب باب عالی است که در ۲۳ شهر ذی‌قعده الحرام از جانب سفارت سنیه نوشته شده

مزارع اراضی صیفی و ملخطاوی که تابع پشتکوه لرستان و از ممالک محروسهٔ ایران می باشد از قدیم الایام از نهر کنجان‌جم آبیاری شده و چون منبع نهر مذکور نیز در ممالک ایران است در سنهٔ سابقه به جهت اینکه اهالی زرباطیه بالکلیه آب نهر مذکور را به مزروعات خود برده بودند، زراعتهای اراضی صیفی و ملخطاوی به تمامها خراب و اهالی آنجا مورد خسارت کلی شده بودند. لهذا در ۲ شهر جمادی‌الاخر سنهٔ ۱۲۸۱ تقریری از جانب سفارت سنیه داده شد، اگر در جریان آب نهر مذکور به مزارع مزبوره ممانعت شود از طرف مأمورین کرمانشاهان معامله بالمثل شده نهری که جاری به مندلیج می شود او را نیز قطع خواهند نمود، این دفعه از مآل نوشتجات اصابت پیرای اعزاز علیه جناب نظارت پناهی که مورخهٔ ۱۷ شهر ذی‌قعده الحرام سنهٔ ۱۲۸۱ نوشته بودند رهین اطلاع مخلص گردید در حضور معارف نشورداوری سرکار حاجت به اقامهٔ دلایل نمی باشد که اراضی مذکوره از ممالک صحیحهٔ ایرانیه و از توابع پشتکوه است و همیشهٔ اوقات از طرف مأمورین ایران اداره شده و می شود و از ازمنهٔ قدیمه از نهر مذکور آبیاری می شوند و در هیچ عهد و زمان نسبت بر این مسئله که موجب شکایت باشد وقوع نیافته با همهٔ اینها برگردانیدن اهالی زرباطیه نهر مذکور را و تحریک کردن حکومت بغداد اهالی مرقومه را و تصدیق کردن حرکت آنها را براستی که موجب تعجب گردید و یکی اینکه در نزد داور افخمی سرکار از مسلمات است که [...] و بیانات حکومت بغداد در این باب نسبت به این طرف اصولاً و خقاً حجت نخواهد شد. اینکه از محلی که منبع یک نهر است به دریا و به انهار سایره ملحق شود از ممالک هر چند دولت بگذرد منبع نهر مذکور که در ممالک یک دولتی است و نه از ممالکی که می‌گذرد مال آن دولتها نخواهد بود و تبدیل مجرا هم نمی توانند کرد اگر اصول مشروحه به قواعد عمومیه موافق است و در

صورتی که مسلم باشد منبع نهر مذکور در ممالک ایرانیه است و اهالی زرباطیه خلاف این اصول حرکت کرد جرئت به تبدیل مجرا نموده و سبب وقوع این قدر خسارت شده‌اند. همین بیانات علیه سرکار محق بودن این طرف را تصدیق می‌نماید و اگر به اراضی مذکوره از طرف اهالی زرباطیه و یا از طرف اهالی مواقع سایره در صورت جبریه دست مداخله دراز نمایند به نظر تخطی به خاک دولت علیهٔ ایرانیه نگاه کردن لازم است و چون این معنی در نزد اولیای دولت علیه ایرانیه قرین تجویز نمی‌باشد به طوری که در تقریر سابق عاجزی بیان گشته نهری که از صد و دویست سال جریان می‌نماید ملتمس است که تنبیهات قویه به محال مقتضیه اشعار فرمایند که احدی در جریان آب نهر مذکور به اراضی مرقومه ممانعت ننماید.

جواب بیانات مورخه ۲۳ ذیقعده الحرام از جانب
سفارت سنیه نوشته شد

ع اراضی صیفی و ممطلاوی در توابع پشتکوه لرستان و از ممالک محروسه ایران میباشد از قدیم الایام از نهر گنجان جم آبیاری شده و چون منبع نهر مذکور نیز در ممالک ایران است

سنه سابقه بجهت اینکه اهالی زرباطیه با کشیدن آب نهر مذکور را بر زروعات خودشان زراعتهای اراضی صیفی و ممطلاوی بتمامها خراب و اهالی آنجا مورد خسارت کلی شده‌اند

۱۰ سنه ۲ نهر حالی الذکر سنه ۱۲۸۱ تقریری از جانب سفارت سنیه داده شد اگر در جریان آب نهر مذکور بزراعت زرباطیه ممانعت شود از طرف مأمورین کرمانشاهان

له بالمعنی شکایت نمودند در جواب به تاریخ میشود اورا بر قطع خواهند نمود ایندفعه از زبان (نوشتجات) اهالی تبریزی اعزاز علیه جناب نظام الملک مورخه ۱۷ شهر ذیقعده الحرام سنه ۱۲۸۱

ملفوفه رایی اطلاع منصوص کرده در خصوص معارفی شهر داوری بکار رفته بر اقامه ولایتی پشتکوه در اراضی مذکوره از ممالک محروسه ایرانیه و در توابع پشتکوه است

پیشه اوقات از طرف مأمورین ایرانی اداره شده و همیشه دارا زمینه قدیم از نهر مذکور آبیاری میشوند و در هیچ عهد و زمان نسبت به اهالی یک مسئله در موجب شکایات نبوده

ع نباشد با همه اینها برگردانیدن اهالی زرباطیه نهر مذکور را و تحریک کردن حکومت بغداد اهالی مرقومه را و تصدیق کردن حرکت آنها را برانها در موجب تعجب گردید

اینکه در نظر داور احجمی بکار از مستثنیات است در مقابل و بیانات حکومت بغداد در باب نسبت بانطاف اهالی حقا محض تکلم شد اینکه از ممالک منبع

نهر است جدیا و بر اینها ساپره حق نباشد از ممالک هر چند دولت بکند و منبع نهر مذکور در ممالک یک دولتی است و نه از ممالکی که در بکند و ممالک آن را هم شیخ

بالطبع و قید سمت بجا هم بگویند که ارمنی سروده بقواعد عمومیه موافق است و در صورتیکه مسلم باشد منبع نهر مذکور در ممالک ایرانیه است و اهالی زرباطیه خلاف

اصول حرکت کرده جرأت به تعدی بجا نموده و سبب وقوع اینقدر خسارت شده‌اند اهالی بیانات علیه بکار محلی بودن این اطلاف را تصدیق بیاید و اگر بر اهالی

وارده از طرف اهالی زرباطیه و یا از طرف اهالی مواقع ساپره در صورت جبریه دولت مداخله در باز نمایند بنظر تکلف به ملک دولت علیه ایرانیه نگاه کردن بدانست

بین همچنین در نظر اولیای دولت علیه ایرانیه قرین تجویز نیاید بطوریکه در تقریر سابق عاجز بیان گشته نهریکه از حدود دولت علیه جریان مییابد منحصر است

شبهات قویه بموال مقتضیه مهار نهد در اصل و در جریان آب نهر مذکور به اراضی مرقومه ممانعت نماید

شمارهٔ سند: ۲۲۳
موضوع: قطع آب اراضی صیفی و ملخطاوی موجب قطع آب مندلی خواهد شد
تاریخ: ۱۲ ذیحجه ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۵/۱۹۸

فدایت شوم، در ۲ شهر جمادی‌الثانی گذشته شرحی در خصوص اراضی صیفی و ملخطاوی از روی تعلیقه‌جات عالی به نظارت امور خارجهٔ عثمانی نگاشته و سواد او را در جوف عرایض قبل خدمت جناب‌عالی فرستاده بودم، پس از آنکه سواد مراسلهٔ رسمیهٔ سفارت را به جهت والی بغداد فرستاده و او را از خیال اولیای دولت علیهٔ ایران اطلاع داده‌اند که اگر آب اراضی مزبوره را اهالی زرباطیه قطع نمایند ایالت کرمانشاه هم آب مندلیج را قطع خواهند نمود در ۱۷ شهر ذی‌قعده جواب مراسله مزبوره از نظارت امور خارجه رسید و معلوم شد نامق‌پاشای والی بغداد باز همان اجوبهٔ که سابقا به کارپردازخانه بغداد داده بوده است مع شیء زاید به باب‌عالی نگاشته است و اراضی مزبوره را ملک خودشان معدود سهل است سرحد اسطاطسکویی را پانزده ساعت آن طرف اراضی مزبوره تصور کرده است بعد از اطلاع از مضمون مراسله در ۲۳ همان ماه جوابی به نظارت امور خارجهٔ عثمانی نگاشته ادله و اجوبه آنها را ردّ نموده و همان جواب آنها را دلیل بر حقیّت خودمان آورده و نوشته‌ام که اگر جزئی مداخله از طرف عثمانی‌ها در اراضی مزبوره بشود جواب او را مثل اینکه تخطی و تجاوز به خاک دولت علیهٔ ایران نموده باشند، خواهند داد. سواد او را هم لفا می‌فرستم مقرر فرمایند ترجمه نموده و از مضمون هر دو اطلاع حاصل فرمایند در مراسلهٔ مورخهٔ ۱۷ ذی‌قعده جناب عالی‌پاشا در مادهٔ نهرهای بزرگ یا کوچک که از خاک دولتی به دولت دیگر عبور می‌نماید قواعد عمومیه را نگاشته و از مراسلهٔ مورخهٔ ۲۸ ذی‌قعده ۱۲۶۳ نظارت امور خارجه که به سفارت سنیه نوشته‌اند ذکری نموده بود چون در سنهٔ مزبوره مرحوم محمدخان در سفارت سنیه ریاست داشته است و تحریرات او به هیچ‌وجه در سفارت نیست مجبور شدم که سواد

مراسله مزبوره را به جهت اطلاع از باب‌عالی بخواهم سوادی نوشته دادند که به عینها در جوف به جهت استحظار خاطر عالی می‌فرستم از ترجمه او تصور بفرمایند که سبک تحریرات آن وقت نظارت امور خارجه با سفارت سنیه و عدم اعتنایی به ماها به چه درجه بوده است بعد از وصول عریضه و استحضار از مکاتبه جدید فی‌مابین باب‌عالی و سفارت بدانچه مصلحت دولت علیه را در او تصور می‌فرمایند تعلیمات لازمه را به نواب عمادالدوله خواهند نگاشت و اگر مناسب بدانید از رأی و افکار خودتان در این ماده فدوی را مطلع فرمایند. زیاد عرضی ندارد.

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

[پی نوشت:]

این اراضی الان در تصرف والی پشتکوه است و زراعت می‌نماید چگونه این حرف را عثمانی‌ها می‌توانند بگویند جواب سخت بدهد و مرفوع‌الطمع نماید. والسلام

خلاصه شد.

نمره ۱۹۸
۱۵
خلاصه

در باب … مورخه ۲ شهر … که … شرحی … در خصوص … جنابعالی … اطلاع …

… در جوف عریضه قبل خدمت جنابعالی فرستاده بودم پس آنکه … مراسله … سفارت … خان …

اطلاع حاصله از … آب … رابطه قطع نمایند … آب … قطع خواهند نمود … مراسله …

از نظارت امور خارجه … معلوم … پاشا … والی بغداد … که سابقاً … بغداد … شیخ … نگارش …

ملک … سرحد … تصرف … اطلاع … مراسله …

بنظارت امور خارجه عثمانی نگاشته … جواب …

در … جواب … این … نگارش …

اطلاع … مراسله مورخه ۱۷ ذی قعده جناب عالی …

… مراسله مورخه ۲۸ ذی قعده ۱۲۶۳ نظارت امور خارجه که بسفارت …

… سفارت … اطلاع …

خاطر عالی … نظارت … سفارت …

… سفارت … مورخه ۱۲ …

… الآن در تصرف والی پشتکوه … عثمانی … جواب …

شمارهٔ سند: ۲۲٤
موضوع: ساختن استحکامات در سرحد سلیمانیه
تاریخ: ٦ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

نمره: ۱

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما

معلوم آن جناب جلالت‌مدار می دارد که موافق احکام و اوامر صادره از جانب اولیای دولت ایران مدتی است که مأمورین ایرانیه در سرحد سلیمانیه برخلاف اصول جاریهٔ مقررهٔ اسطاطوقو رفتار کرده به ساختن قلعه و استحکامات در محل اورامان و مریوان که داخل اراضی اسطاطوقو می باشد اشتغال دارند و لهذا دوستدار لازم دانست که به واسطهٔ این تقریر رسمی مراتب را مشهود آن جناب جلالت‌مآب داشته اظهار نماید که چون بنای قلعه مرقوم و احداث استحکامات مزبوره در محل مذکور رعایت نکردن به قاعدهٔ اسطاطوقو می باشد دولت ایران حکمی محکم به کارگزاران و سرحدداران خود در تخریب و انهدام ابنیهٔ جدیدهٔ محدثه صادر و جاری داده که اگر چنانچه امنای ایرانیه بر وفق این اظهار رفتار نفرموده در انهدام و تخریب ابنیه مرقومه مسامحه و مساهله نمایند هرچند بر آن مترتب گردد مسئولیت آن در عهدهٔ دولت ایران خواهد بود. زیاده زحمت‌افزای خاطر عاطر آن جناب جلالت‌مآب نمی شود. فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۲

محل مهر: اسماعیل زهدی

[حاشیه:] خلاصه شد.

جناب جلالت‌مآبا فخامت‌نصابا مودت و محبت نصابا دوستان استظهارا مشفقا مهربانا

معلوم آنجناب جلالت‌مآب است که در حق احکام و اوامر صادره از جانب اولیای دولت ایران در ترتیب بنا و تعمیرات

ایروانیه در سرحد سلیمانیه بر خلاف عهدنامجات جاریه مورثه اهالی طاغ رفتار کرده بعضی قلعه و بنیانات

در بعضی اوقات در جهت اراضی اهالی طاغ و متعلقه استحکامات دارند و لهذا دولت ایران را لازم و واجب است

به واسطه دایمی تقریر رسمی ترتیب را نشده و آنجناب جلالت‌مآب ... اظهار نماید ... ابنیه و مواد استحکامات

مزبوره در بعضی موارد رعایت کردن قاعده اهالی طاغ و متعلقه دولت ایران حکم محکم به عاملان و سرحدداران خود

در تخریب و انهدام ابنیه جدیده محدثه صادر و جاری ... ابنیه ... به وقت اظهار

نفرموده در انهدام و تخریب ابنیه مزبوره مسامحه و مساهله نمایند هر چه ... ترتیب گردد البته

البته در عهده دولت ایران خواهد بود زیاده زحمت افزای خاطر عاطر آنجناب جلالت‌مآب نمیشود

فی ۶ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۲

شمارهٔ سند: ۲۲۵
موضوع: داخل نبودن اورامان مریوان و لاهیجان تحت اسطاطسکو
تاریخ: ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزارت امور خارجه به سفارت عثمانی در طهران

هو

نمره: دویم

در جواب اسمعیل افندی

مراسلات آن‌جناب مورخهٔ ۶ و ۸ شهر ربیع‌الثانی ملاحظه و مایهٔ حصول کمال تعجب و تأسف اولیای دولت علیه ایران شد زیرا که مریوان و اورامان و لاهیجان املاک متصرف فیهای صحیحهٔ صریحهٔ این دولت را حدود سلیمانیه و رواندز فرض و داخل تحت اسطاطسکو تصور کرده‌اند و حال آنکه مواقع مزبوره تا امروز وقتاً من الاوقات از جانب دولت عثمانی محل گفتگو نبوده و نمی‌تواند بود و به هیچ‌وجه من الوجوه داخل مسئله که آن جناب در مراسلات مورخهٔ مسطوره خود قید کرده‌اند معدود نشده و نخواهد شد و اگر دولت ایران در آن نقاط خیال احداث قراولخانه و بنایی داشته باشد محض برای انتظام داخله و اصلاح احوال بعضی از رعایای بدعادت خود خواهد بود و بس بی‌آنکه مطلقاً ربطی به مسائل سرحدیه و فقرات مبحوث عنهای مابین دولتین اسلامیتین داشته باشد، مثل اینکه دولت عثمانی برای نظم داخلهٔ خود در مواقع مهمه بدون ربط به مسائل سرحدیه اقدام به نظایر امور مزبوره نماید چنانکه همین افکار را در داخله بایزید و وان و امثال آنها دارد پس آن جناب از روی حق و قاعده نمی‌توانند ایرادی را که تصور کرده‌اند وارد آورند مگر در صورتی که حق بین به دست اولیای دولت علیه داده باشند که هر نوع اقدامات دولت عثمانی را در صفحات سرحدیهٔ بایزید وان و غیره به نظر پورتست نگاه کرده نتیجهٔ آن را بر عهدهٔ دولت مشارالیها گذارند اما در خصوص مسائل سرحدیه و مواقعی که حقاً در تحت اسطاطسکو باشند از اولیای دولت ایران امری جز تصدیق ملاحظه نخواهند کرد. زیاده زحمت نداد. تحریراً فی ۲۲ شهرربیع‌الثانی ۱۲۸۲

[حاشیه:] صحیح است

خلاصه شد.

در جواب اسمعیل افندی

مراسلات آنجناب مورخهٔ ۶ و ۸ شهر ربیع الثانی ملاحظه و مایهٔ حصول کمال تعجب و تأسف اولیای دولت علیه ایران گشته شد

زیرا که مریوان و اورامان و دیگر همان املاک متصرفی قدیمی صحیحهٔ صریحهٔ این دولت را [illegible] سلیمانیه و در ورود بر [illegible] فرض

و داخل تحت اقتدار تصور کرده اند و حال آنکه مراتع مزبوره تا امروز [illegible] از جانب دولت عثمانی

محل گفتگو نبوده و نشده اند بعد بهیچ وجه من الوجوه داخل مسئلهٔ آنجناب در مراسلات [illegible] خود قید کرده اند

معدود نشده و نخواهند شد اگر دولت علیه در آن نقاط خیال احداث قراولخانه و بنا داشته

محض کمال ربط داخله و اصلاح احوال بعضی از رعایای به عادت خود [illegible] ربطی

بمبانی سرحدیه ندارد [illegible] عهدهای مابین دولتین علیتین داشته مثل مسئلهٔ دولت عثمانی بعضی نظم

داخلهٔ خود در مراتع [illegible] بدون ربط بمبانی سرحدیه اقدام بنظم امور مزبوره نماید [illegible]

و دوائر و مبانی آنها را [illegible] آنجناب از روی حق و قاعده تجویز نموده ایرادی را اهم تصدیق کرده اند [illegible]

مگر در صورت مسئله حق این [illegible] اولیای دولت علیه [illegible] باشند این نوع اقوالات از دولت عثمانی را در خصوص

بایزید و دوائر [illegible] نظر و رتبت [illegible] نتیجهٔ آن را بعهدهٔ دولت [illegible] ایشان گفته اند [illegible] گردد

مبانی سرحدیه [illegible] در تحت اطلاع [illegible] از اولیای دولت علیه [illegible] ملاحظه نخواهند کرد

[illegible] ۲۳ شهر [illegible] ۱۲۸۲

شمارهٔ سند: ۲۲۶
موضوع: در باب محال مریوان و اورامان
تاریخ: ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزارت امور خارجه

به وزرای مختار روس و انگلیس نوشته می شود

جناب اسمعیل افندی شارژدفر دولت عثمانی در باب محال مریوان و اورامان و لاهیجان که از املاک صحیحهٔ دولت علیه ایران و متصرف فیهای این دولت است دو مراسله به تاریخ ۶ و ۸ شهر ربیع‌الثانی به وزارت امور خارجه نوشته بودند جوابی که حقاً و عهداً لازم بشود به جناب مشارالیه قلمی و ارسال گردید و اینک سواد مراسلات دایره مابین وزارت خارجه و جناب مشارالیه را برای اطلاع آن جناب جلالت‌مآب می فرستد که از مضامین آنها استحضار حاصل فرمایند. زیاده زحمت‌افزا نمی شود. تحریراً ۲۴ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۲

[حاشیه:] صحیح است.

بوزرای مختار روس و انگلیس لفیته مینو

جناب اسمعیل افندی شارژدافر دولت عثمانی در باب جمال مروان داوراهان و لااهال

دو راملاک صحیحه دولت علیه ایران و تصرف فیهای این دولت است در این باب تاریخ

غره شهر ربیع الثانی بوزارت امور خارجه نوشته بعضی جوابی در حقّ عهد الله بیک

بجناب مشارالیه قلمی شد زیادی که دارایت بعد از مراسلات دایره بایس وزارت خارجه

در جناب مشارالیه برای اطلاع آنجناب جلالتماب مینویسند از ارتفاع

آنها استشمار حاصل فرمایند زیاده زحمت افزا نمیشوند تحریراً فی ۲ شهر ربیع الثانی

شمارهٔ سند: ۲۲۷
موضوع: ادعای عثمانی مبنی بر ساختن قلعه و استحکامات در مریوان توسط ایران
تاریخ: ۸ ربیع الثانی ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

ایضاً سواد کاغذ اسماعیل افندی مشارالیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه

چنانچه در رسیلهٔ رسمیهٔ مورخه ٦ شهر حال اظهار و اشعار شد اکنون نیز تاییداً و تاکیداً نگارش می دهد که چنانچه چند سال قبل از این در محال قازلی کول و غیره که نزدیک اواجیق و از اراضی صحیحهٔ دولت علیهٔ عثمانی و اکنون در تحت اسطاطسکو می باشند مأمورین ایرانیه آمده تصرفی کردند. در این اوقات نیز بعضی از حکام و ولات دولت ایران سیصد نفر سرباز و معدودی سوار به محال اورامان و مریوان فرستاده به انشای قلعه و استحکامات مباشرت دارند. و همچنین ازطرف تبریز، آلات و ادوات لازمه با معمار و عمله به موقع لاهیجان که از حدود رواندوز است روانه شده که به ساختن ابنیه در موقع مزبور مشغول باشند. لهذا دوستدار لازم دانست که به واسطهٔ این دو مراسله مراتب را معلوم آن جناب جلالت مآب داشته پروتست نماید و به جنابان سفرای دول متوسطه که مقیم طهران اند نیز اعلام دهد که محال اورامان و مریوان و لاهیجان متنازع فیها و در تحت اسطاطسکو می باشند و می باید دولت ایران امر و مقرر دارد که قلاع جدیده و ابنیه محدثه را خراب و منهدم ساخته آن اراضی را به حالت اصلیهٔ خود بازگردانند که کاری مخالف معا هدهٔ فی مابین دولتین علیتین به ظهور نیامده و هرگاه برخلاف این اظهار امری صادر شود مسئولیت آن در عهدهٔ دولت ایران خواهد بود. زیاده زحمت نداد.

موضوع: ساختن قلعه‌جات در اراضی مریوان توسط ایران
تاریخ: ۲۴ رجب ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

سواد عریضه‌ای است که از سفارت سنیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض و فرستاده شده است

نمره: ۱۵۱

در عریضهٔ مورخهٔ ۱۷ شهر جمادی‌الثانی نمرهٔ ۱۳۱ تفضیل مذاکرات جنرال اغناتیف وزیرمختار روس را دربارهٔ اراضی مریوان و قلعه‌جاتی که اولیای دولت علیه در آن موقع خیال انشا دارند به عرض رسانیده‌ام. پس از او دو مرتبهٔ جنرال مشارالیه تجدید مذاکره نمود که از روی راپورت مسیوغرس به وزارت امور خارجهٔ امپراطوری به من اطلاع داده‌اند که امر مزبور فی مابین جناب جلالت‌مآب وزیر امور خارجه و خیرالله افندی به طور دوستی صورت گرفته و خیرالله افندی سند مکتوبی داده است که دولت عثمانی ادعایی در اراضی مزبوره ندارد و اولیای دولت علیهٔ ایران هر نوع مداخله در آن اماکن را مختار می‌باشند و بیان می‌کرد که این تفصیل را به جهت عالی‌پاشا بیان کردم در جواب گفت که خیرالله افندی سفارت نکرده و از قواعد اطلاع ندارد و اگر چنین نوشتهٔ سپرده باشد، من تکذیب او را نموده قبول نخواهم کرد. از طرز بیانات مشارالیه استنباط نمودم که اگر اظهاری به عالی‌پاشا نموده است به طوری که این قسم جواب را دعوت تواند نمود بیان کرده است بنده گفتم دولت ایران از برای اثبات حقیقت خود و اراضی مزبوره به هیچ‌وجه احتیاج به نوشته و تصدیق سفیر عثمانی ندارد اراضی مزبوره در داخلهٔ مملکت ایران است و از مواقع مختلف فیها نیست و در هر قسم تصرف مختار می‌باشند و به میل خاطر خودشان رفتار خواهند فرمود عالی‌پاشا اگر بخواهد تکذیب یا تصدیق سفیر خودشان را نماید مختار خواهد بود. دو روز قبل از این با عالی‌پاشا ملاقات نمودم و به او گفتم که جنرال اغناتیف این قسم می‌گوید از وزارت جلیلهٔ امور خارجه چیزی به من مرقوم نفرموده‌اند خیرالله افندی به شما چه نوشته است و شما چه جواب داده‌اید گفت در این مسئله تا امروز نه از سفارت ما در طهران و نه از ایالت بغداد به هیچ‌وجه تحریراتی

نرسیده است و من هم تعلیماتی نفرستاده‌ام و مسموعات من در این فقره انحصار به بیانات جنرال اغناتیف دارد. چون خیرالله افندی چیزی ننوشته است و از اصل مسئله و موقع آن اراضی مطلع نیستم حق تکذیب یا تصدیق عمل خیرالله افندی را عجالتاً ندارم و از سکوت خیرالله افندی و نامق‌پاشا هم چه فهمیده می شود که اراضی مزبوره در مواقع متنازع فیها نیست تا بعد چه ظهور نماید. پس از این مذاکره به جنرال اغناتیف گفتم جواب عالی پاشا به من برعکس روایتی است که شما از او می‌کردید می‌گوید به من تحریراتی در این ماده نرسیده است تصدیق و تکذیبی هم نکرده‌ام می‌گفت بیانات مزبوره را به لارد لاینز ایلچی کبیر انگلیس هم نموده است ولکن به جهت بنده وقت نشد که از لارد مشارالیه استفسار نمایم مذاکرات مزبوره محض اطلاع عالی عرض شد دیگر نمی‌دانم خیرالله افندی چنین نوشته و سندی به وزارت جلیلهٔ امور خارجه داده است یا او هم اصل ندارد. اگر صلاح بدانید از حقیقت عمل بنده را مستحضر سازید. والسلام

موضوع: ساختن قلعه و استحکامات سرحدی
تاریخ: ۱۲ جمادی‌الاول ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

سواد یک فقره از تعلیقهٔ وزارت جلیلهٔ امور خارجه مورخهٔ ۱۲ جمادی‌الاول ۱۲۸۲ که به سفارت سنیه رسیده است.

دولت علیه در دو موقع قراولخانه و حصاری لازم دید که برای حفظ رعیت از تطاول رعایای سرحدنشین بسازد نامق‌پاشا زحمت کشیده به اسماعیل افندی تلغراف کرد و نوشت و او نیز به دردلها افتاده کاغذ رسمی به آنها و وزارت خارجه نوشت که دولت ایران در سرحد و جاهای متنازع‌فیه برخلاف اسطاطسکو قلعه و استحکامات می‌سازد. سفرای واسطه از اضطراب شارژ دافر دولت عثمانی مضطرب شدند به وزارت خارجه اظهار کردند دلایل به هر یک از سفرا آورده که اعتراض بی‌وجهی است دخلی به مطلب ندارد جوابی هم به شارژ دافر نوشتم کاغذ مختصری به هر یک از سفرا نوشته شد. و سوادی از جواب اسمعیل افندی لفاً ارسال گردید از قراری که محرمانه خبر رسید در نزد سفرا جواب و دلایل ما موجه افتاده مریوان و لاهیجان را به هیچ‌وجه محل متنازع‌فیه و آن مسئله که نامق‌پاشا به میان آورده است نسبت نمی دهد سواد سؤال و جواب را برای آن جناب فرستادم که عجالتاً مطلع باشند تفضیل مجدد نیز انشاءالله تعالی می نویسم با جناب خیرالله افندی هم در مجلس بازدید به میل خود ایلچی مختصری مذاکره شد من گفتم شما رجوع به فصل دویم و سیم و هشتم قرارنامهٔ ارزنة‌الروم و جوابی که من مقارن ورود شما به اسماعیل افندی نوشته‌ام نمایید مطلب در نظر شما قدری سابقه به هم رساند آن وقت یک مجلس بی‌حاجت ثالث شما را متقاعد می‌کنم که نامق‌پاشا بی‌خبرانه حرف زده است از حالت سفیر عثمانی حدس می‌کنم که منصف و عاقل باشند و متقاعد شود آن جناب رشته را در دست داشته باشند که اگر اظهاری از وکلا شد جواب مسکت بدهند انشاءالله تعالی.

ایضاً سواد کاغذ ایلچی انگلیس به وزارت جلیله امور خارجه مورخه ۸ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۲

همچنانکه در مراسله رسمیه مورخه ۴ شهر حال اظهار و اشعار شده اکنون نیز تأکیداً اخطار میدهد که چنانچه چندی قبل از این در حال گذشتن کمال

در نقطه که اوجاق و از اراضی متعلقه دولت علیه عثمانی را که الحال در تحت استیلای قشون ایران است می‌خواهند اقدامی در این اوقات نیز بعضی

از طرف دولت ایران به نفوذ سرباز و چند نفر سوار به جبال اورامان و مریوان فرستاده به اهالی آن نقطه تعرضات و غارت نمایند

از طرف تبریز الات و ادوات لازمه به جهت مهمات موقع کردستان از هر جهت روانه و در این صورت روانه شود در باب اجنه در موقع نزدیک

متحقق باشند لهذا اوقات در عهده دولت اعلیحضرت پادشاهی لازم است به اطلاع اولیای جلیله رسانده برای وقت حاجت به توسط سفرای دول

در مقام مطالبه نیز اعلام و به محال اورامان و مریوان و کردستان فرستند و در تحت استیلای خود باشند و چنانچه دولت ایران اراده تصرف داشته

مبدء واقعه جدیده را فراهم نموده و آن اراضی را از تصرف دولت علیه خود به زور کشند و این کاری است مخالف معاهده قدیمه ما بین البته اتفاق

دولتین هرگز مجوز این اظهار نبوده است مسئولیت آن در عهده دولت ایران خواهد بود زحمت زیاد ندادم

سواد عریضه ایست [که] وزیر مختار دولت علیه به وزارت جلیله امور خارجه عرض و فرستاده شده است مورخه ۲۳ شهر رجب ۱۲۸۲ نمره ۱۵۱

در عریضه مورخه ۱۲ شهر جمادی الثانی نمره ۱۳۱ تفصیل مذاکرات جنرال اغناتیف وزیر مختار روس را درباره اراضی مریوان و قلعه جات [illegible]
در [illegible] خاطر [illegible] بعرض رسانیده ام پس از آن [illegible] جنرال [illegible] نموده [illegible] بنده [illegible]
[illegible] خارجه [illegible] صورت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] در اراضی مزبوره [illegible] دولت علیه ایران [illegible]
[illegible] کرده [illegible] عالیجاه [illegible] بیان کردم [illegible] جواب [illegible] نکرده [illegible]
[illegible] جواب [illegible]
[illegible] بیان کرده است [illegible] دولت [illegible] اراضی مزبوره [illegible] عثمانی [illegible]
اراضی مزبوره [illegible] مملکت ایران است [illegible] خودشان [illegible]
[illegible] عالیجاه [illegible] خودشان را [illegible] ملاقات نمودم [illegible]

[illegible]

و جنرال اغناتیف بنظرم می‌گوید که وزارت جلیله امور خارجه چیزی به من مرقوم نفرموده‌اند که به جنرال افندی بنویسم و چه نوشته‌اند و شما چه جواب داده‌اید

کشف در این مسئله تا امروز نه از سفارت، و در طهران و نه از ایالت بغداد هیچ تحریراتی رسیده است و من هم تکلیف خود را نمی‌دانم

و مسموعات من در این فقره انحصار به بیانات جنرال اغناتیف دارد چون جنرال افندی چیزی نوشته است و از جهت مسئله در موقع

اظهارات خود مطلع نیستم حق گفتگو با تصدیق عدم اطلاع جنرال افندی را هم ندارم از سکوت جنرال افندی در این باب هم چه فهمیده

نشود و اظهارات بنده در موقع مشارکت فهمانیده باشد، تا چه قدر نتیجه بخشد پس از آن که به جنرال اغناتیف گفتم جواب عالی

به من بگفتید بنده حالا هم از وزارت جلیله چیزی تحریراتی در این باب نرسیده است تصدیق و تکذیب هم نکرده‌ام که کشف نباشد

بنوده را به هر دو لاینر انجی کر انگلیس هم نموده است و لکن نتیجه بنده وقت شده در از اعدوش وزارت امثال در باب ...

نموده عرض و اطلاع عالی عرض شد که برای اوامر جنرال افندی چیزی نوشته و نسخه به وزارت جلیله امور خارجه هم کتابت داده‌ام

ندارد اگر مصلحت بر این قرار گرفت فوری نمره‌اش مرحمت فرمایند. والسلام

نمره ... جواب جنرال افندی ... در باب ...

... مطلب ... انگلیس ... تکلیف ...

شمارهٔ سند: ۲۲۸
موضوع: ادعای عثمانی مبنی بر ساختن قلعه و استحکامات در مریوان توسط ایران
تاریخ: ۱۵ جمادی‌الاخر ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمرهٔ ۱۳۱

هوالله تعالی شانه

سواد عریضه‌ای است که از طرف سفارت سنیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض و فرستاده شده است

جنرال اغناتیف وزیرمختار روس تحریراتی از مسیوغرس وزیرمختار آن دولت در دربار دولت علیه ابراز نمود مشتمل بر سواد و ترجمهٔ دو قطعه تحریرات اسماعیل افندی شارژ دافر دولت عثمانی که در مقام پروتست از بابت بنای قلعه و استحکامات در مریوان کردستان خدمت سامی عرض نموده است. و بعد سواد تحریرات مزبوره را به سفرای دولتین انگلیس و روس مقیمین دارالخلافه فرستاده است. مسیوغرس نوشته بود، دولت ایران که در هیچ جای سرحدات خود قلعه و استحکام ندارد و در تدارک اسباب دفاع از دشمن عنداللزوم برنیامده است، چگونه می‌توان گفت که حالا رفته و در خاک دولت عثمانی بنای ساختن قلعه و استحکام گذارده باشند. و جنرال مشارالیه از من استفسار تفصیل مطلب مزبوره را می‌کرد بنده به مصلحته گفتم سواد نوشتجات مزبوره از وزارت جلیلهٔ امور خارجه به جهت اطلاع سفارت فرستاده شده است ولکن اظهارات شارژ دافر عثمانی به قدری برخلاف واقع است که عالی پاشا تا این ساعت ابراز مذاکره این عمل را با من نکرده است زیرا که اولاً معلوم و معین نیست که در مریوان به طوری که اسماعیل افندی نوشته است قرار بنای قلعه و استحکامات حربیه داشته باشند بر فرض هم که چنین خیالی را از قوه به فعل بیاورند مریوان در داخلهٔ مملکت و مسافت بعیده از او باز بالاتر در تصرف ایران است و موقع مزبوره هیچ‌وقت داخل اسطاطسکو نبوده است و دولت عثمانی را در آنجا ادعا و سخنی نیست و ایجاد ادعا از طرف دولت عثمانی در

آنجا به قدری خلاف واقع است که اگر از طرف نظارت امور خارجه مکتوباً یا ملفوظاً مخابره با من بشود بجز آنکه یکی از خریطه‌های منطبعه در فرنگستان را در عوض جواب به جهت ایشان بفرستم کار دیگری نخواهم کرد. جنرال مشارالیه گفت خریطهٔ بزرگ حدود را که مأمورین روس و انگلیس کشیده‌اند یک صورت کوچک از او احتیاطاً از وزارت امور خارجهٔ امپراطوری به جهت من فرستاده‌اند که لدی‌الحاجه رجوع به او نمایم، من هم از طرف خود به نقشهٔ مزبوره مراجعت نموده و از افکار مأمورین دول واسطه شما را مطلع خواهم ساخت مراتب به جهت اطلاع عالی عرض شد.

فدایت شوم، بعد از عرض عریضهٔ شاه محمدخان وارد و سواد سه طغرا مراسله که فی‌مابین سفارت عثمانی و وزارت جلیلهٔ امور خارجه مبادله شده است، رسانید بعد از چند روز که با عالی پاشا ملاقات اتفاق افتاد مذکور داشتند که از قرار اخطار جنرال اغناتیف گویا در سرحدات از طرف دولت علیهٔ ایران پارهٔ استحکامات ساخته می‌شود و سفارت ما بعد از مذاکره با وزارت امور خارجه به سفرای دولتین واسطه اطلاع داده است و جنرال اغناتیف به من تکلیف کرده بود که اگر میل دارم قومسیونی تشکیل و از برای تحقیق امر که محل اختلاف است فرستاده شود و عالی پاشا می‌گفت من در جواب پیغام فرستادم که تا خریطهٔ سرحدات تمام نگردد این اختلاف از میان ماها برداشته نمی‌شود گاهی از طرف دولت ایران دربارهٔ ما و گاهی از طرف ما دربارهٔ دولت ایران از این شکایات به وقوع می‌رسد و فی‌مابین خودمان تمام می‌کنیم و ضرور به تعیین قومسیون نیست و بیان می‌کرد که از طرف سفارت ما هنوز به هیچ وجه اطلاعی داده نشده است و از اطلاعاتی که من دارم استفسار می‌نمود در جواب گفتم استعمال لفظ استحکامات در این ماده به هیچ‌وجه جایز نیست بلکه محض انتظام امور داخله و منع پارهٔ نهب و غارتی که از اکراد تبعه خودمان به بعضی از قرا واقع می‌شد دولت علیهٔ ایران بنای قراول‌خانه در آن موقع که داخلهٔ مملکت است مناسب دیده‌اند و این حرکت را اسماعیل افندی در آخر مأموریت خودش وسیلهٔ اخذ نموده و مکاتبه با وزارت جلیلهٔ خارجه باز نموده و به همین قدر اکتفا نکرده به سفرای دولتین روس و انگلیس مراجعت کرده و مداخلهٔ آنها را دعوت نموده است چنین می‌دانم که خیرالله افندی پس از ورود و دریافت مطلب تصدیق نماید که اسماعیل افندی با تمکین و وقار که لازمهٔ چنین مأموریتها است رفتار نکرده باشد گفت من چنین می‌فهمم که خیرالله افندی از بابت اینکه مسئله به میان نیاید و

گرفتار زحمت مکاتبه و مذاکره نگردد به سکوت گذرانیده به طوری که به هیچ‌وجه به نظارت امور خارجه اطلاع نداده است، گفتم جنرال اغناتیف که این فقره را به شما اطلاع داد آیا این فقره را نیز گفت که مسیوغرس وزیرمختار آن دولت نوشته بود که بنای استحکامات مقرون به صدق نیست یا خیر گفت، این فقره را بیان نکردند. فردای آن روز سواد مکاتبات دایر به این فقره را که فی مابین سفارت عثمانی و بندگان عالی مبادله شده بود به توسط میرزا احمد نزد مشارالیه فرستادم که ملاحظه نماید و از حرکت اسماعیل افندی که در اول امر رجوع به سفرای دول واسطه نموده است شکایت کرده و گفتم در همین فقره می‌توانید استنباط کرد که فرق فی مابین ما و شما چه قدر است در مدت هفت سال که در اسلامبول می‌باشم و اختلافات عمده فی مابین واقع شده است هنوز رسماً یک کاری را رجوع به سفرای واسطه نکرده و مداخله رسمانه آنها را دعوت ننموده‌ام و از برای یک عمل جزئی بی اصل و بی مأخذ سفارت شما اینقدر های هوی کرده است عالی پاشا گفته بود اصل عمل را هنوز نمی‌توانم گفت که سفارت ما در مکاتبهٔ با وزارت خارجه محق بوده است یا خیر ولکن مراجعت به سفرا را من هم تصدیق ندارم. والسلام

هو الله تعالی

نمره ۶ عریضه ایست که از طرف سفارت سنیه بوزارت جلیله امور خارجه عرض و فرستاده و بثبت رسیده ۱۲ شهر ذیحجه ۱۳۱۱

جنرال غنیتیف وزیر مختار روس تحریراتی از مسیو غوس وزیر مختار خود در دربار دولت علیه ایران [illegible] برداشته ترجمه [illegible] تحریرات [illegible]

دولت عثمانیه در مقام برداشتن از بنای قلعه و استحکامات در سرحد کردستان [illegible] عرض نموده است و ترجمه تحریرات مزبوره [illegible]

در روس [illegible] فرستاده است مسیو غوس نوشته بود دولت ایران در هیچ جای سرحدات خود قلعه و استحکام [illegible] و در [illegible] اسباب [illegible]

[illegible] بر [illegible] است چگونه می‌توان گفت [illegible] و در حالیکه دولت عثمانی بنای ساختن قلعه و استحکام کرده باشند و جنرال [illegible]

مطلب مزبوره را [illegible] بمصلحت [illegible] مزبوره از وزارت جلیله امور خارجه بجهت اطلاع سفارت فرستاده [illegible]

[illegible] عثمانی تعدی برخلاف واقع است [illegible] تا این ساعت [illegible] نکرده است [illegible] معلوم [illegible] در سرحدات [illegible]

[illegible] نوشته است قرار بنای قلعه و استحکامات [illegible] باشند [illegible] هم چنین خیالی ندارند [illegible]

[illegible] است [illegible] دولت عثمانیه را [illegible]

[illegible] تعدی [illegible] واقع است [illegible] از طرف [illegible] امور خارجه [illegible] را [illegible] از خطوط [illegible] را در عوض جواب [illegible]

[illegible] خط [illegible] وزارت امور خارجه [illegible]

در امور خارجه رجوع [illegible] از طرف [illegible] مراجعت نموده [illegible] مراتب [illegible]

[illegible] سفارت عثمانیه [illegible] وزارت جلیله امور خارجه [illegible]

[illegible] جنرال غنیتیف [illegible] سرحدات [illegible] دولت علیه ایران [illegible] استحکامات ساخته می‌شود [illegible] سفارت [illegible]

امور خارجه [illegible] اطلاع داده است و جنرال غنیتیف [illegible] کرده بود [illegible] انگلیس [illegible]

فرستاده شود [illegible] در جواب [illegible] خط سرحدات تمام [illegible] اختلاف [illegible]

ایران در باره [illegible] در باره دولت ایران از این [illegible] وقوع [illegible] تمام [illegible]

[illegible] سفارت [illegible] اطلاعی داده [illegible] در جواب [illegible] استحکامات [illegible]

[illegible] امور [illegible] دولت علیه ایران بنای [illegible]

[illegible] مملکت است مناسب دیده [illegible] افندی [illegible] مأموریت خود [illegible] بوزارت جلیله خارجه [illegible]

[illegible] کرده [illegible] روس و انگلیس مراجعت کرده [illegible] چنین می‌دانم [illegible]

مطلب [illegible] افندی [illegible] چنین [illegible] رفتار کرده [illegible] چنین می‌فهم [illegible]

باید

نیابت و گرفتار خدمت مکاتبه و نه اگر نکرده و سکوت کند بهیچوجه ربطی به نظارت امور خارجه چه اطلاع ندارد است گفتم خبر الحاق [illegible]

در این فقره را اینها اطلاع ما آیا این فقره را نگفت در سیو عزیز وزیر مختار انگلیس بدولت نوشته بوده به نیابت مکاتبات مسعود البته و نیست یا خیر

گفت ایشان را بیان کردند فردای آن روز سواد مکاتبات را به این فقره را در فرمایش سفارت عثمانی و نه کاملاً مبادله شده بود توسط [illegible]

نوشت رساله قرنطینه در مدت خط نامه و از حرکت اسمعیل افندی در اتفاق امر رجوع بسفارت در حال واسطه نموده است شکایت کرده و گفتم [illegible]

مهربانی توانسته است ملاحظه کرده فرق فیمابین ما و شما چه قدر است در صورت اتحاد [illegible] در صدد علیحده [illegible] و اختلاف است عمده فیمابین [illegible]

شده است همسایه نیک کار یعنی رجوع بسفارت واسطه نکرده و بعد خود رسانیده آنها را دعوت نموده ام و از برای کسب خبر با صاحبان [illegible]

شما این فقره را اهمال کرده است حالا شما گفته بود اصلاً رجوع را [illegible] گفت در مفارقت ما در مکاتبه با وزارت خارجه مخصوص بوده است یا خیر

دیگر مرخص شده ارادتم تصدیق [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۲۹
موضوع: ساختن استحکامات سرحدی در مریوان
تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۱۹۵

سواد تعلیقهٔ وزارت جلیلهٔ امور خارجه به سفارت سنیه (سفارت ایران در اسلامبول)

گفتگوی خودتان را با جناب جنرال اغناتیف و پس از آن با جناب عالی پاشا در خصوص ابنیهٔ جزئیه که در مریوان از جانب دولت علیه بنا می شود مشروحاً قلمی داشته بودید و همهٔ مذاکرات آن‌جناب بسیار بقاعده و حسابی بود. جناب مسیوغرس وزیرمختار روس هم که نوشته بوده‌اند دولت علیهٔ ایران استحکامی در سرحدات خود برای حفظ سرحدیه و مدافعه با دشمن نساخته درست نوشته اند آنچه که حال ساخته می شود محض برای نظم داخله سرحد و در جایی است که مطلقاً از اراضی متنازع‌فیها و در تحت حکم اسطاطسکو محسوب نمی شود، اگر اولیای دولت علیه خود می دانستند که این عمل به مسائل سرحدیه که در میان دو دولت اسلام دایر است ربط دارد و اقدام به آن جهات جایز نیست البته نمی‌کردند جمیع اطراف کار را به دقت ملاحظه نموده پس از تحقیقات کامله و حصول اطمینان از اینکه احداث ابنیه از قبیل قراولخانه و سربازخانه در آنجاها خلاف حکم اسطاطسکو نمی باشد و به مسائل سرحدیه مطلقاً خللی نمی رساند اجازه به کارگزاران دیوانی دادند. اسماعیل افندی محض به خیال خود گفتگو به میان آورده خواست ماده را غلیظتر کرده باشد رجوع به سفرای دول واسطه نمود و من به هردو سفیر دولت روس و انگلیس واضح نمودم که این فقره موقع هیچ گونه گفتگو و ایراد از جانب سفارت عثمانی نباید باشد با جناب خیرالله افندی وزیرمختار عثمانی هم بعد از آنکه وارد شد این مطلب را به میان آوردم از طرز گفتگو و جوابهای او چنان فهمیدم که به او نیز معلوم شد که مبادرت اسماعیل افندی به اعتراض در امر مزبور بی جا و بی موقع بوده و البته مراتب را به نظارت خارجهٔ دولت متبوعهٔ خود نوشته است اولیای دولت عثمانی چنان نیست که به حالت اراضی سرحدیه بصیر نبوده باشد اگر اقدامات آنها در

نفس بایزید و در نفس خانقین محل حرف از این طرف بوده باشد ساختن قراولخانه و سربازخانه در مریوان نیز جای ایراد خواهد بود.

موضوع: ساختن قراولخانه و سربازخانه در مریوان و لاهیجان توسط ایران
تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۲۰۳

ایضاً سواد تعلیقه وزارت جلیلهٔ امور خارجه به سفارت سنیه (سفارت ایران در اسلامبول)

جناب جنرال اغناتیف شروحی از مکالمات خود با جناب عالی پاشا در باب احداث ابنیه از دولت علیه در مریوان و لاهیجان به جناب مسیوغرس وزیرمختار دولت روس مقیم دربار همایون نوشته بود و جناب مشارالیه از مضمون آنها مرا مطلع نمود حاصل اظهارات جناب جنرال اغناطیف این است که نوشته بود جناب عالی پاشا آن اراضی را متنازع فیها فرض کرده می‌گوید دولت عثمانی هرگز راضی نمی شود که در اراضی متنازع فیها بنایی ساخته شود چارهٔ قطع این گفتگوها را منوط به این می نمایند که خریطه های سرحدیه را به اسلامبول ارسال دارند و رفتار جناب خیرالله افندی را هم در این خصوص تحسین نکرده بوده است از این قرار که جنرال اغناتیف قلمی داشته اند جناب مشارالیه گویا هنوز به حقیقت مطلب ملتفت نشده و اعتقاد ایشان این است که بناهای مزبور در اراضی متنازع فیها احداث می شود و حال آنکه دولت علیهٔ ایران بالاصاله ملک متنازع فیه در سرحدات متصرفی خود با دولت عثمانی ندارد جاهای که در تحت حکم اسطاطسکو باید بوده باشد به موجب قرارنامهٔ ارزنة الروم معین و منحصر به محمره و زهاب و سلیمانیه است در این صورت البته ساختن قراولخانه و سربازخانه در لاهیجان و مریوان نباید محل ایراد و گفتگو از آن طرف بوده باشد و علاوه جایی که ابنیهٔ مزبوره ساخته می شود در داخلهٔ ملک و سرحد دولت علیهٔ ایران است به هیچ اسم و جهت نمی توان گفت که این اراضی متنازع فیها و داخل حکم اسطاطسکو است نظایر آن در خاک آن دولت از قبیل نفس قصبه حاجی قره و بایزید و وان و حکاری زیاد است که هر روز انواع تصرفات و احداثات را می نمایند و اولیای دولت علیه ایران به مقام اعتراضی نمی آیند اگر ساختن ابنیهٔ مزبوره در مریوان و لاهیجان خلاف حکم اسطاطسکو

بوده باشد البته ابنیه مستحدثهٔ آن دولت هم در آن مکانها محل اعتراض ازین طرف خواهد بود. اولیای آن دولت نفس بایزید و غیره را داخل تحت اسطاطسکو محسوب داشته، اعمار و احداث ابنیه را در آنجاها موقوف نمایند. اولیای دولت علیه مضایقه نخواهند کرد که با نبودن هیچ گونه مانع حسابی در میان از صرافت ساختن ابنیهٔ مزبوره در مریوان و لاهیجان بیفتند نه اینکه آنها مسلم در احداث ابنیه و غیره در جاهای مزبور بوده باشند دولت علیهٔ ایران نتواند در داخلهٔ سرحد و ملک خود به قدر ضرورت نظم سرحدات قراولخانه و سربازخانه بسازد. و عجب است که مثل جناب عالی پاشا با نداشتن هیچ گونه جای گفتگو در این خصوص اظهار امتناع و عدم تمکین به ساختن ابنیهٔ مزبوره نموده رفتار اسماعیل افندی را تصدیق و حرکت جناب خیرالله افندی را تکذیب می‌کنند. در نزد اولیای دولت قاعده‌دانی و حق‌بینی ایشان زیاده بر اینها است که خواسته باشند این مسئله بی سبب اسباب گفتگو در میان گردد. و همچنین از ایشان هیچ‌وقت متوقع نخواهند بود با کمال حسن نیت که دارند دستورالعمل مأمور آن دولت در دربار همایون سوای درستکاری و رفتار از روی نصفت و مودّت بوده باشد و اطوار مخالف این معنی در نظر ایشان موقع استحسان بیابد. مثل حرکت اسماعیل افندی در باب ابنیهٔ مزبوره آن جناب حقیقت امر را کماینبغی به جناب معزی‌الیه خاطر نشان سازند البته ایشان خود انصاف خواهند داد که قرار اولیای دولت علیه در ساختن ابنیهٔ مزبوره مطلقاً منافی حکم اسطاطسکو نبوده و امری نیست که حقاً محل تأمل در نزد اولیای دولت عثمانی بوده باشد، اولیای دولت خود در حفظ شرایط اسطاطسکو زیاده بر آنچه ایشان تصور نمودهٌ باشند مبالغه و اهتمام می نمایند چگونه می شود به امری اقدام کنند که خلاف رویهٔ همجواری و منافی حکم اسطاطسکو بوده باشد. ۲۴ شعبان ۱۲۸۲

ع

سواد تعلیقه وزارت جلیله امور خارجه به سفارت سنیه مورخه ۲۲ شعبان ۱۲۸۲ نمره ۱۹۵

گفتگوئی که حقائق‌لو با جناب جنرال اغناتیف وزیر ایران با جناب عالی‌پاشا در خصوص ابنیه جزئیه که در سرحد ایران از جانب دولت علیه بنا میشود نموده‌اند فاضل لمشارالیه

و آنچه مذاکرات آنجناب با ایشان بوده و حساب بوده جناب مسیو غرس (?) وزیر مختار روس هم نوشته‌اند که دولت علیه ایران ایشان در سرحدات خود نقطه حفظ سرحد

و مدافعه و تحفظ (?) ... نوشته‌اند آنچه بجهة ساخته میشود ... نظم وافعه سرحد و سرحدیات است متعلق از اراضی متنازع فیها و در ... هم ...

محسوب نمیشود اگر اولیای دولت علیه ... شده به اشخاص ... سرحدیه که در میان این دولت اسلام دارا است ربطی دارد و اقدام این حرکات جایز است ...

نیز لکن ... جمیع اطراف ... پس از تحقیقات ... و خصوص ... از آنکه احداث ابنیه از قبیل قراول‌خانه و سرباز خانه در جاها

حکم ... و مبانی سرحدیه متعلق ... هیچ ... که گفتگو ... خواسته شده ...

که ... بغداد ... و واسطه ... دولت روس و انگلیس ... این فقره موقع ... گفتگو ... از جانب سفارت عثمانی ...

با جناب جنرال افندی وزیر مختار عثمانی هم ... شد ... آوردیم ... گفتگو ... جوابهای ... فهمیدم ... شده است

... در امر ... واقع ... که ... دولت ... خود نوشته است اولیای دولت عثمانی ...

اراضی سرحدیه ... اگر اقدامات ... خانقین ... از اطراف ... قراول‌خانه و سرباز خانه در ایران

نیز ... والسلام ...

ایضاً سواد تعلیقه وزارت جلیله امور خارجه به سفارت سنیه مورخه ۲۲ شعبان ۱۲۸۲ نمره ۲۰۳

جناب جنرال اغناتیف شرحی از ملاحظات خود با جناب عالی‌پاشا در باب احداث ابنیه از دولت علیه در سرحد ایران ... که جناب مسیو غرس (?) وزیر مختار

دولت روس ... نوشته بود ... جناب مشارالیه از مضمون ... مطلع ... اظهارات جناب جنرال اغناتیف این است که

جناب عالی‌پاشا ... اراضی که متنازع فیها ... دولت عثمانی ... در اراضی متنازع فیها ... ساخته شود ... قطع این گفتگو

... سرحدیه ... جناب ... در این خصوص ... از این قرار ... جنرال

اغناتیف ... جناب مشارالیه ... در حقیقت مطلب ... و اعتقادات ... در اراضی متنازع فیها

۷

احداث میشود و حال آنکه دولت علیه ایران با وجود حالت ملک متنازع فیه در سرحدات مستقر نخواهد بود دولت عثمانی هم نباید در جاهای که در تحت حکم استاتوکو بوده باشد

بموجب قرارنامه منعقده در ارزنة الروم عمل و مکشوف و مقرر مجمره و زهاب و سلیمانیه است در اینصورت ابنیه سازی قراولخانه و سربازخانه در لاهیجان و مریوان بنا به عمل ابتداء و استاتوکو

از آنطرف بوده بجز و علاوه جاهای دیگر ابنیه تازه ساخته میشود در داخله مملکت و سرحد دولت علیه ایران است که هیچ اسم و جهت نمیتوان گفت که منافی اراضی متنازع فیها

و داخل حکم استاتوکو است فقط ایران در خاک ایران است از قبیل نفس قصبه حاجی قره و بانه و مریوان و حلبچه و زهاب است که هر روز انواع تصرفات و اجحافات

بنیانه وارد بر دولت علیه ایران مقام اعتراض بر آمده لکن ساختن ابنیه تازه در مریوان و لاهیجان بر خلاف حکم استاتوکو بوده باشد البته ابنیه مستحدثه آنرا است

هم بدان ملاحظه ها محل اعتراض از آنطرف خواهد بود اولیای این دولت نفس بانه و حاجی قره و لاهیجان تحت استاتوکو محسوب داشته انکار و احداث ابنیه لازمه در اینجاها

موقوف نمیمانند اولیای دولت علیه مضایقه نخواهند کرد و بدون هیچگونه مانع حایلی در میان از صرف ساختن ابنیه تازه در مریوان و لاهیجان سخن گفته شده است که

انقطاع سعی و احداث ابنیه و حصار و بناهای مزبور بوده باشد دولت علیه ایران هم خواهد در داخله سرحد و مملکت خود هر قدر ضرورت نظم سرحدات و قراولخانه

و سربازخانه بسازد و هیچ جای ایراد نیست و ناصر خان به ملاحظه اینکه هیچگونه جای گفتگو در اینخصوص اظهار امتناع و عدم تمکین در ساختن ابنیه مزبوره نموده اقرار

اساسی اینجانب را به تصدیق و حرکت جناب جلالتمآب لرد تکذیب نکنند در نزد اولیای دولت فایده دادن حق هم ایشان زیادتر با اجازات داده باشند

این مسئله به سبب ایجاب گفتگو در میان گردد و هیچ جای از ایشان هیچ حرف متوقع نخواهد بود با طلاع جناب جلالتمآب در دستور العمل و راه نمایی

کماکان نموده اند که در رفتار مصدر لطف و مودت بوده باشد و اظهار مخالف این در نظر ایشان مرتفع است بنابراین حرکت اینجانب

معاهده ابنیه مزبوره انجام حقیقت امر را باینجانب خاطرنشان نمایند البته ایشان حق الانصاف خواهند داد هر قرارداد دولت علیه

در ساختن ابنیه مزبوره مطلق منافی حکم استاتوکو بوده و ادعای در نظر اولیای دولت عثمانی بوده باشد اولیای دولت خود در حفظ شرایط باشد

استاتوکو زیاده با آنکه ایشان تصور نموده باشند مبالغه و اهتمام مینمایند هیچگونه میشود بر این قطع کنند بر خلاف رویه الجواری و منافی حکم استاتوکو بعمل آید

۲۲ شعبان ۱۲۸۲

شمارهٔ سند: ۲۳۰
موضوع: ابنیهٔ سرحدیه
تاریخ: ۹ شوال ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۲۰۷

سواد تعلیقهٔ وزارت جلیهٔ امور خارجه که به سفارت سنیه رسیده (سفارت ایران در اسلامبول)

تفصیل مجددی از گفتگوی جنرال اغناتیف با جناب عالی پاشا و همچنین از مذاکرهٔ خودتان با جنرال و جناب مشارالیهما قلمی داشته بودید دایر بودند به فقرهٔ ابنیهٔ سرحدیه، تحریرات جنرال اغناتیف هم که در این خصوص به سفارت روس مقیم دربار همایون رسیده بود و از مضمون آن به صحابت چاپار قبل آن جناب را مطلع نموده‌ام بر اهمیت این فقره در نزد جناب عالی پاشا بود از این قرار می بایست جناب مشارالیه در اسلامبول با آن جناب و همچنین سفیر آن دولت در اینجا با اولیای دولت علیه به طور اعتنا گفتگوی این فقره را داشته باشند ولی تا حال چیزی بتازگی از سفیر دولت مشارالیهما ظهور نکرده است، جناب عالی پاشا هم در گفتگو با خود آن جناب اظهار سختی در این کار ننموده با این همه دور نیست که با جنرال اغناتیف همان طورها حرف زده باشد که او به آن جناب بیان کرده و به سفارت دارالخلافه نوشته است در هر حال اولیای دولت علیه در فقرهٔ احداث ابنیهٔ جزئیه در خاک مریوان و لاهیجان به عمل خلاف قاعده و منافی اسطاطسکو مبادرت نکرده‌اند هر دولت به تصرفات مالکانه در اراضی مختصه داخله خود مقتدر است به حرف محض که این مواضع از اراضی متنازع فیها است حق ملکی و داخلی خود را متزلزل نخواهد کرد و مطلب به سفرای مقیمین دارالخلافه واضح شده و آن جناب هم در اسلامبول به هر جا که لازم بود البته کیفیت را اظهار و حالی نموده‌اند و بالقطع انشاءالله تعالی این همه دلایل برای اسکات اولیای دولت عثمانی کافی خواهد بود. اگر بالفرض باز تردیدی و اعتراض در اصل عمل داشته باشند اولیای دولت علیه به هر وسیلهٔ مقتضیه به اثبات حق خود حاضرند اما این خبر که به اطلاع جناب عالی پاشا رسیده است که خیرالله افندی به موجب مراسلهٔ رسمیه تصدیق و

اذعان به حقیّت دولت علیه در این باب کرده است مقرون به صحت نیست اولیای دولت علیه از او تصدیق‌نامه نخواسته‌اند و او هم کاغذی مشعر به این معنی نداده است شاید سکوت و الزام او را در مقابل دلایل اولیای دولت علیه تأویل به تصدیق کتبی نموده‌اند. و هرگاه چنان نوشته و کاغذی به اولیای دولت علیه هم می‌داد جای استبعاد و تعجب نبود مسئلهٔ واضح و حقیّت دولت علیهٔ ایران در این ماده خالی از تردید است، اگر سفیر دولت عثمانی در همچو ماده رسماً اذعان و تصدیق به حق ثابت دولت علیهٔ ایران نموده باشد چه غرابت خواهد داشت عجب این است که جناب عالی پاشا بنا به اظهار جنرال اغناتیف به صرافت تکذیب وزیرمختار مشارالیه بوده‌اند. والسلام

سواد تعلیقه وزارت جلیله امور خارجه به سفارت سنیه رسیده مورخه ۹ شهر شعبان ۱۲۸۲ نمره ۲۰

بتفصیل مجددی از گفتگوی جنرال اغناتیف جناب جلالتمآب ایلچی انگلیس از ... خاقان جنرال و جناب شارالیها قسمی هفته قبل دار بوده بتفصیله که سابقه پرحمیه تحریرات جنرال

اغناتیف هم در این خصوص بسفارت روس مقیم دربار همایون رسیده بود و در مضمون آن اصحاب ... رفیق آنجناب را مطلع نموده ام برای اینکه معلوم دارند

جناب جلالتمآب بوده ازین قرار ... جناب شارالیه در ملاقاتی با آنجناب و ایلچی سفیر دولت درانجا با اولیای دولت علیه بطور حق گفتگوی نموده را داشته

ولی تا حال چیزی ... که از سفیر دولت شارالیها ظهور نکرده است جناب جلالتمآب هم در گفتگو با خود آنجناب اظهار تعجبی در انکار نموده با اینهمه که ایشان

با جنرال اغناتیف باطور ما حرف زده بهمراه با آنجناب ... کرده و بسفارت در دارالخلافه نوشته است در هر حال اولیای دولت علیه در فقره اصلاحات

ابنیه جزئیه در حاک ... بعضی خلاف قاعده و منافی اظهار مساعدت کرده اند هر دولت بتصرفات ملکانه در اراضی متعلقه به خود

مقتدر است بحرف محض در انجام ضبط اراضی متنازع فیها است حق ملکیت خود را متزلزل نخواهد کرد و مطلب سفرای مقیمین دارالخلافه را که داده شده

دانجناب هم در ملاقاتی جهد ... لازم بود البته کیفیت را اظهار و حالی نموده اند و بالقطع است ... انها در ... برای اسکات اولیای دولت عثمانی

کافی خواهد بود که بالغرض بار تردیدی در اعتراض در اصل ... اولیای دولت علیه بهر وسیله مقتضیه با ثبات حق خود حاضر اما ابتدا ... عالیه

رسیده است ... برحسب مراسله رسمیه ... کیفیت دولت علیه در این باب کرده است معتقد ... اولیای دولت علیه از او

تصدیق نامه نخواسته اند ... شایسته ... اولیای دولت علیه تا این ... کتبی نموده اند

دانسته گاه چنان نوشته ... اولیای دولت علیه هم ... استبعاد و تعجب ... حقیقت دولت علیه ایران در اینماده ... از تردید است اگر

سفیر دولت عثمانی در اسلامبول ... دولت علیه ایران نموده باشد چه جواب خواهد داشت عجب این است که از جناب جلالتمآب

بنا به اظهار جنرال اغناتیف ... مزید ... رایه ... مسلم

شمارهٔ سند: ۲۳۱
موضوع: رفع اختلاف ایران و عثمانی در خصوص ساختن ابنیهٔ سرحدی مریوان و لاهیجان از طرف ایران
تاریخ: ۱۲ شوال ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۱۹۱

سواد عریضه‌ای است که از سفارت سنیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض و فرستاده شده است (سفارت ایران در اسلامبول)

عالی پاشا می‌گفت که مسیو کرس وزیرمختار روس راپورتی به دولت متبوعهٔ خودش نوشته بوده است اختلافی که فی‌مابین ایران و عثمانی در خصوص ابنیه که در مریوان و لاهیجان از طرف دولت ایران ساخته می شود برطرف شده، خیرالله افندی سفیر دولت عثمانی قبول نموده است که آن اراضی ازجمله امکنه متنازع‌فیها نیست و تعلق به دولت عثمانی دارد وزارت امور خارجهٔ روسیه هم سواد راپورت مزبور را برای استحضار بارون برونوف سفیرکبیر روس در لندن فرستاده‌اند و مومی‌الیه هم سوادی از آن راپورت به وزارت امور خارجهٔ انگلیس داده است و از لندن نزد مستر الیسون فرستاده و نوشته‌اند ابتدای اختلاف و واقعه را که اطلاع داده‌اید چرا از اتمام او وزارت امور خارجه ملکه را مستحضر نساخته‌اید مستر الیسون نیز صورت راپورت مسیو کرس را در جوف مراسله رسمیه به عنوان خیرالله افندی فرستاده و استفسار نموده است که چرا از اتمام امر و رفع اختلاف او را مطلع نداشته‌اید خیرالله افندی چون از مضمون راپورت مسیو کرس بی اطلاع بوده است مضطرب شده عصمت‌بیک را به چاپاری به باب‌عالی فرستاده و تعلیمات خواسته است. چنانچه سابقاً شما مانع ابنیهٔ جدید در مواقع متنازع‌فیها از طرف ما شدید حالا من هم از شما همان خواهش را دارم که در آن مواقع ابنیهٔ جدیدی احداث نکرده و به حالت سابقه باقی بگذارید تا گفتگوی تعیین حدود از طرفین صورت اتمام یابد. در جواب گفتم چنانچه اولیای دولت علیهٔ ایران به وجه من‌الوجوه تجویز نخواهند فرمود که در مواقع متنازع‌فیها از طرف دولت عثمانی احداث ابنیه و استحکامی بشود از جانب خودشان نیز

خیالی ندارند که تغییری به حالت حالیه مواقعی که محل اختلاف باشد بدهند. در این فقره شما را اطمینان کامل می دهم ولکن این نیت خوب طرفین دلیل نمی تواند شد که اگر یکی از جانبین در داخله مملکت خود بخواهند احداث بنایی نمایند طرف مقابل حق مداخله و مذاکره در او را داشته باشد مثلاً اگر شما خیال بنای جدیدی در وان و ارزنة الروم و بغداد داشته باشید و از طرف من ایراد و اعتراضی بشود چه جواب خواهید داد من هم دربارهٔ این قراولخانه که در لاهیجان و مریوان به جهت امنیت داخله ساخته شده است، خواهم داد زیرا که به قدری حقیّت شما در وان و ارزنة الروم محل بحث نیست به همان درجه مواقع مزبوره به جهت ما محل بحث نمی تواند شد و تفضیل این فقره چندمرتبه شفاهاً با شما مذاکره نموده‌ام حتی یک وقتی جنرال اغناتیف از شما روایت می‌کرد که گویا تصدیق خیرالله افندی را در ملکیت دولت علیهٔ ایران در مواقع مزبوره می خواسته‌اید تکذیب نمایید و از شما سؤال نمودم در جواب گفتید که چنین عبارتی به جنرال مشارالیه نگفته‌اید و از اصل مطلب اطلاع کامل ندارید، گفت حالا هم باز می‌گویم که چنین عبارتی به وزیرمختار روس نگفته‌ام ولکن اطلاع نداشتم حالا که خیرالله افندی نوشته است بایست رجوع به نقشه و تحریرات درویش پاشا که در حین معاینهٔ سرحدات نوشته است نمایم. اگر مواقع مزبوره را متنازع فیها قلمداد کرده باشد آن وقت با شما مکاتبهٔ رسمی خواهم نمود در جواب گفتم اگر تحریرات درویش پاشا و نقشهٔ او را می خواهید مأخذ تحقیقات خودتان قرار بدهید او مضایقه ندارد که همدان را هم نیز متنازع فیها تصور نموده باشد، در آن صورت دولت علیهٔ ایران نیز مجبور خواهد بود که رجوع به تحریرات مرحوم مشیرالدوله نماید و احتمال می رود مرحوم مشارالیه بغداد را در نوشتجات خود به موقع متنازع فیها گذارده باشد و هر وقت شما میل مکاتبه در این ماده داشته باشید جوابهای من همین است که سابق گفته‌ام و امروز هم تجدید می نمایم و جناب جلالت‌مآب وزیر امور خارجه دام مجده العالی نیز با چاپاری که چند روز قبل وارد شد شرحی در این فقره مرقوم فرموده بودند عالی پاشا گفت ممکن می شود از مضمون تعلیقهٔ جناب معظم الیه مرا مستحضر دارید چون مضمون تعلیقهٔ رفیعه خالی از عیب بود وعده نمودم که به جهت ایشان قرائت کنم، بعد مشارالیه بیان نمود بهتر این است قبل از شروع به مکاتبه با شما اول تحقیقات لازمه را به عمل آورده معلوم نمایم که مواقع مزبوره داخل امکنهٔ متنازع فیها است یا خیر گفتم اگر واقعاً **از روی**

بی غرضی تحقیق نمایید از برای شما مثل ما شبهه باقی نخواهد ماند که مواقع مزبوره در داخلهٔ مملکت ایران واقع است و برای احدی به جز اعلی حضرت اقدس ولی نعمت همایون من حق ملکیت در آنجاها جایز نخواهد بود. از طرز بیانات عالی پاشا چنین فهمیدم که می خواهد همین عصمت بیک را به مواقع مزبوره بفرستد و منتظر راپورت او به جهت دریافت تکلیف خود بماند، چون دو ساعت قبل از این مذاکره فی مابین بنده و عالی پاشا واقع شد از بابت اینکه سهو نسیانی در ادعای عبارات مذکوره واقع نشود با عجله این عریضه را عرض می نمایم و تا عزیمت چاپار اگر مذاکره مجددی در این فقره بشود در عریضهٔ علی حده به عرض جناب عالی خواهم رسانید. والسلام

موضوع: در باب اراضی مریوان و لاهیجان
تاریخ: ۱۲ شوال ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۲۱٤

سواد عریضه‌ای است که از سفارت سنیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض و فرستاده شده است (سفارت ایران در اسلامبول)

مذاکرات مجلس سابقی که در باب اراضی مریوان و لاهیجان فی‌مابین بنده و جناب عالی پاشا واقع شده بود در عریضهٔ جداگانه به اطلاع سامی رسانیده‌ام. و امروز مجدداً تعلیقه‌جات رفیعهٔ مورخهٔ ۲۲ شعبان نمرهٔ ۱۹۵ و نمرهٔ ۲۰۳ که دایر به این مطلب بود به جهت مشارالیه قرائت کردم و آنچه لازم بود نیز شفاهاً گفتم. در جواب گفت که حقیقتاً اراضی مطلب و موقع اراضی مزبوره به طوری که از روی یقین محاجه توانم نمود، استحضار کامل ندارم و در امری که درست استحضار ندارم اصرار نمی توانم کرد. به طوری که سابق گفتم مصطفی عصمت‌بیک وابسته نظامی سعادت را از راه بغداد و کردستان معاودت خواهم داد که به مواقع مزبوره رسیدگی نموده و راپورت نماید اگر از روی راپورت او معلوم شد که مواقع مزبوره از جمله اراضی مختلف‌فیها است آن وقت داخل مذاکره و مکاتبه خواهیم شد والا فلا و از طرف من خدمت جناب جلالت‌مآب وزیر امور خارجهٔ دام مجده‌العالی بنویسید که لازمه سفارش و تأکید به عصمت افندی خواهم نمود که از روی کمال دقت و بی‌غرضی تحقیق مطلب نماید و اگر به طوری که جناب ایشان می‌نویسند در داخله مملکت و خارج از مواقع متنازع‌فیها است به هیچ‌وجه اظهاری نخواهم نمود زیرا آن قدر کار بر سر من ریخته که به هیچ‌وجه وقت از برای معارضهٔ بلاثمر ندارم. در جواب گفتم پیغام شما را به جهت جناب معظم‌الیه در عرایض خود خواهم نوشت ولکن به شما از حال می‌گویم که اگر عصمت‌بیک اراضی مزبوره را از جمله مواقع متنازع‌فیها معدود نماید به هیچ‌وجه اسباب اقناع و اسکات وزارت جلیلهٔ امور خارجه و سفارت سنیه نمی‌تواند بشود بعد جناب مشارالیه گفتند از قرار تجریراتی که

خیرالله افندی به من نوشته و در جواب مراسلۀ رسمیه مستر الیسون نگاشته و سواد او را به جهت اطلاع من فرستاده است، به هیچ وجه اعتراف حقیّتی در اراضی مزبوره به دولت علیۀ ایران مکتوباً و یا ملفوظاً نکرده است و اگر هم کرده و نوشته هم داده بود باز من تکذیب او را نمی‌کردم و مشارالیه را مخطی و مقصر نمی دانستم زیرا پس از آنکه مثل جناب وزیر امور خارجه شخصی به او بگوید که مواقع مزبوره در داخلۀ مملکت و از جمله متنازع فیها نیست، اگر من خود در جای او سفیر بودم مثل مشارالیه تصدیق و اعتراف می‌کردم و هیچ نمی توانم خود را راضی نمود که نسبت خبط و خطا به سفیر اعلی حضرت سلطان داد بلکه در چنین موقعی می توانم گفت که او را از بابت اطمینانی که به اقوال طرف مقابل داشته است به شبهه انداخته اند، در این موقع می خواهم جسارت نموده و خدمت بندگان عالی عرض نمایم که وقایه عُظم و اعتیاز [اعتیاض] سفیر در انظار خارجه این قسم بهتر است. یا معاملۀ که در مادۀ قرارنامۀ تلغراف بغداد دربارۀ من شد و بدون جهت بندۀ بی گناه را به سرزبان یک ملتی که از سابقه و لاحقه و اصل عمل مطلع نبودند، انداختند و حال آنکه در قرارنامۀ مزبوره به قدر ذرّه خبط و خطایی نشده سهل است منافع آتیۀ دولت علیه در نهایت خوبی حفظ گردیده بود، وحق ادعای دولت را در نفس حاجی قرا ثابت و به مهر نامق پاشا سند گرفته بودم. و همچنین ادعای دولت عثمانی را باز به مهر و امضای نامق پاشا منحصر تا قلعه شامل نموده بودم در صورتی که ادعای عثمانی ها بنا به نوشتجات سابقه و لاحقه تا کرند شامل بود و خطاب من در این فقره به جناب عالی نیست زیرا که از حق نمی توان گذشت بندگان عالی در نوشتجات به قدر امکان رعایت حفظ الغیب و وقایه اعتبار سفیر پادشاهی را فرمودید بلکه اعتراض بنده راجع به اشخاصی است که در ابتدای کار بدون جهت القای شبهه به خاطر اولیای دولت علیه نمودند و چون به اهتمام جنابعالی مراحم خسروانه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه تطبیب خاطر این بنده بی مقدار را به طور اکمل فرمود زیاده بر این در این زمینه مصدع خاطر عالی نمی شوم. و از قرار تقریر عصمت افندی که به سفارت سنیه آمده بود گویا تا سه ماه دیگر در اسلامبول توقف نموده و بعد از راه بغداد عازم خواهد شد. والسلام

۸

سواد عریضه‌ایست که از سفارت سنیه به وزارت جلیله امور خارجه عرض و فرستاده شده است مورخه ۱۳ شوال المکرم ۱۲۸۲ نمره ۱۹۱

حالا باید گفت که مسیو گیرس وزیر مختار روس راپورتی به دولت متبوعه خودش نوشته بوده است که اختلافی در فیمابین ایران و عثمانی در خصوص پاره
از مرزبان و الاسیمان از طرف دولت علیه ساخته می‌شود بر طرف شده خیرالله افندی به دولت عثمانی قبول نموده است در آن اراضی از جمله
آنکه مشارٌ فیها متعلق به دولت عثمانی وارد و وزارت امور خارجه روسیه هم سواد راپورت مزبور را برای استحضار با سوادی به نوف سفیر
کبیر روس در لندن فرستاده‌اند و موسی الیه هم سواد آن راپورت به وزارت امور خارجه انگلیس داده است و از لندن مستر الیسون فرستاده و نوشته‌اند
ابتدای اختلاف واقعه بوده و اطلاع داده‌اند چرا از اتمام او وزارت امور خارجه ملکه را استفسار نموده‌اند مستر الیسون بر صورت راپورت مسیو گیرس که
در خصوص مرزبان به سمت بعنوان خیرالله افندی فرستاده و استفسار نموده است که چرا از اتمام مرور فیصل اختلاف اراضی مزبوره که به خیرالله افندی
هیچ از مضمون راپورت مسیو گیرس اطلاع نبوده است مضطرب شده عصمت بیک را به کارگزاری باب عالی فرستاده و تعلیمات خواسته است
چنانچه سابقاً نمائیم ابنیه جدیده در مواقع مشارٌ فیها از طرف ایشان حالا فرضاً هم از شما احوال خواهش را داریم که در آن مواقع ابنیه جدیدی احداث
کرده و کمالت سابقه‌اش را تغییر داده‌اند تا مشکل بعض صرف از طرفین صورت اتمام یابد در جواب گفتم چنانچه دولت علیه ایران برحسب بعض
تجویز بخواهد فرموده در مواقع مشارٌ فیها از طرف دولت عثمانی احداث ابنیه دانسته شود از جانب خود بر خیال تغییری
حالیه بر وفق دعوی اختلاف شده است در این فقره تمام اطمینان که هم دیگر این چون طرفین دلیلی نمی‌توان اگر
جایی در داخله مملکت خود بخواهد احداث بنائی نماید طرف مقابل حق مداخله و مذاکره در آن داشته باشد مثلاً اگر شما خیال بنای جدیدی
در داخل ارزنة الروم و بغداد داشته باشید و از طرف ایران اعتراض بشود چه جواب خواهید داد ما هم درباره این قراولخانه در اسیمان
و مرزبان به جهت حمایت داخله ساخته شده است خطای ما زیراه تعهدی حقیقت تمام در داخل ارزنة الروم محل بحث نیست بعد از درجه مواقع مزبوره
بلکه محل بحث نمی‌تواند شد و تفصیل این فقره چند مرتبه شفاهاً با شما مذاکره نموده‌ام حتی یکروز جنرال خانیقف از شما روایت می‌کرد
که تصدیق خیرالله افندی در ملکیت دولت علیه ایران در مواقع مزبوره میخواسته‌اید که تکذیب نمائید در جواب گفته بودم چنین
بخیرالله گفته‌اند و از جهت طلب اطلاع حالا هم چنین عبارتی به وزیر مختار روس گفته‌ام و کلمه اطلاع
نوشتم حالا خیرالله افندی نوشته است بایست رجوع به نقشه و تحریرات درویش پاشا در این معاینه مرحمات نوشته است نام کلام

مزبوره را مشارع فیها قلمداد کرده باشند آنوقت با مکاتبهٔ رسمی خواهم نمود در جواب گفتم اگر تجربیات دو روز پیش با نقشهٔ اراضی سابقه ملاحظه گردد تحقیقات

حقانی قرار داده به بیند او مضایقه ندارد در اینکه این اراضی را مشارع فیها تصور نموده باشد در اینصورت دولت علیه ایران مجبور خواهد بود در رجوع تحقیقات

مرحوم مشیرالدوله نماید و جناب میرزا مرحوم شده است رالیه سفیر دولت را در نوشتجات خود به موقع مشارع فیها گذارده باشند و در آنوقت شاید با مکاتبه در این ماده منتهی بشود

جوابهای فراهم است و سابق گفته‌ام و امروز هم تکرار می‌نمایم و جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه دام مجده العالی نیز با چاپاری دو چند روز قبل وارد شد از وزارت

فقره مرقوم فرموده بودند حالیه هم که گفتند ممکن نشود از مضمون تعلیقهٔ جناب معظم الیه مرا مستحضر دارند چون مضمون تعلیقه در قسطنطنیه خالی از عیب بود وعده نمودم در عرض چند شب

قرائت کنم لیکن شرحی را که بیان نمودم بهتر از این است قبل از شروع مکاتبه با تمام تحقیقات لذا بر رای العین قضیه معلوم نمایم که مراتع مزبوره داخل آنکه مشارع فیها است یا خیر

گفتم اگر واقعاً از روی بعضی تحقیقات بنمایند از برای تشخیص مشارع فیها بی شبهه تحقیق خواهند نمود که مراتع مزبوره در داخله مملکت ایران واقع است و برای اهالی بحر ایشان عبور بشود

اقرب ریاست همایون در حق مملکت ورود آنجا جایز نخواهد بود از طرز بیانات جناب عالی پاشا چنین فهمیده می‌شود که میخواهند عصمت بیک را به مراتع مزبوره بفرستند و ملاحظه

را پورت او بجهت دریافت تکلیف خود باشد چون در این صحبت قبل از این مذاکرات فیمابین بنده و عالی پاشا واقع شد از بابت اینکه سهو و نسیانی در ادای عبارات

مذکوره واقع نشود با جمله این عریضه را عرض می‌نمایم تا غیبت شما را اگر مذاکره مجددی در این فقره بشود در عریضه علیحده به عرض خواهم رسانید

سواد عریضه ایست که از سفارت سنیه ایران به وزارت جلیله امور خارجه عرض و فرستاده شده است مورخه ۱۳ شهر شوال ۱۲۸۲ نمره ۱۴ ۲

قد اکوات مجلس سابق در باب اراضی مریوان و ایلات فیمابین بنده و جناب عالی پاشا واقع شده بود در عریضه جداگانه به اطلاع بندگان عالی رسانیده‌ام در امروز جمعه دارد

تعلیقجات رسمیه مورخه ۲۳ شهر شعبان ۱۹۵ و نمره ۲۰۳ در باب ... بود که مجدداً به ایشان قرائت کردم و آنچه لازم بود نیز به ایشان گفتم در جواب گفت حقیقت

در خصوص مطلب و موقع اراضی مزبوره و مطالبی را از روی تعیین ماهیت تمام نمود تحقیقات کامل خواهد و در امری به دولت اعتراض ندارم اصرار نمی‌توانم که مطالبی را گفتم مصطفی

عصمت بیک و بعضی اشخاص به آنجا رفته و گروهی به مساعدت خواهد داد مراتع مزبوره رسیده که نموده و راپورت نماید اگر از روی راپورت او معلوم شد که مراتع

مزبوره از جمله اراضی مختلف فیها است آنوقت راضی به مذاکره و مکاتبه خواهیم شد والله خیلی دور از طرف خدمت جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه دام مجده العالی به عرض

[illegible]

[illegible] مملکت [illegible] اولیای دولت [illegible] جناب [illegible] و اگر لطف [illegible] باید مطلب تحقیق [illegible] وقت کمال [illegible] خواهم نمود [illegible] افندی [illegible] مصلحت [illegible]

و خارج از مراتب [illegible] فیمابین است هیچ وجه اظهاری نخواهم نمود زیرا [illegible] کار [illegible] هیچ وجه وقت [illegible] معارضه [illegible] در جواب [illegible]

بجهت جناب معظم الیه در عریضه خود خواهم نوشت و لکن [illegible] اگر [illegible] فیمابین [illegible] باید هیچ وجه

اسباب [illegible] وزارت جلیله امور خارجه [illegible] جناب [illegible] از قرار [illegible] در جواب

مراسله [illegible] گذاشته [illegible] فرستاده است هیچ وجه [illegible] دولت علیه [illegible] است

و اگر [illegible] نوشته [illegible] زیرا [illegible] جناب [illegible] وزیر امور خارجه [illegible]

مزبوره [illegible] مملکت وزارت جلیله [illegible] فیمابین [illegible] اگر [illegible] می‌کردم [illegible]

[illegible] و خلاف [illegible] دولت [illegible] اطمینان [illegible] طرف [illegible]

در [illegible] عبارت [illegible] وزارت جلیله [illegible] خارجه [illegible] قرارنامه [illegible]

[illegible] در [illegible] سابقه [illegible] و حال آنکه در قرارنامه [illegible] خط [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] کرده بود [illegible] دولت [illegible] و [illegible] کرده بودم [illegible]

دولت عثمانی را [illegible] در صورتی که [illegible] عثمانیها [illegible] سابقه [illegible] جناب [illegible]

[illegible] می‌توان گذشت [illegible] رعایت [illegible] و [illegible] بلکه [illegible] بنده

راجع [illegible] است [illegible] دولت علیه [illegible] اهتمام [illegible] مرام [illegible] اولیای [illegible]

[illegible] بنده [illegible] خاطر عالی [illegible] قرار [illegible] عصمت [illegible] ۳ [illegible]

[illegible] لله [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳۲
موضوع: ایجاد قراول خانه در سرحد کردستان
تاریخ: ٦ شوال ۱۲۸۹ هـ.ق
کارتن: ١٤
پرونده: ۵/ح

نمره: ٦٤

نامهٔ کارپردازی ایران در بغداد به وزارت خارجه

به حضور وزارت جلیلهٔ خارجه

در فقرهٔ قراول خانهٔ احداثی در سرحدات و محال مخصوص که در سه جا محل گفتگو شده است تعلیمات مقاوله و قرار مرقوم فرموده بودید آنچه در سرحد کردستان احداث کرده بودند و سرحدداران دولت علیه خراب نموده بودند، مقرب الخاقان علی خان سرتیپ را که به امور تحقیق نموده بودید مأمور عثمانی هم از این طرف با عالی جاه جنرال قونسل انگلیس در آن نقطه حاضر شده با مشارالیه ملاقات و مذاکره نمودند سرتیپ به حضور عالی و قونسل به بغداد برگشت البته او تفضیل ملاقات و گفتگوی خودشان را مشروحاً معروض داشته است در اینجا که با جنرال قونسل ملاقات و استفسار نمودم علی الظاهر از تقریرات او این طور مستفاد می شود که هنوز حق به طرفی نداده است ولی چنین مناسب دیده است که در دست مأمورین عثمانی باشد و گویا تجدید بنا نیز نموده اند و درین ضمن ترضیه هم به عمل آید تا در بهار رؤیت دوباره شود و به هر نوع معلوم گردد حق به طرف محق داده آید، البته سرتیپ مشروحتر عرض نموده است درین باب صدارت عظمی هم با تلغراب استفسار فرموده بودند اجمالاً با تلغراف و مفصلاً با تحریر جواب عرض کرده ام ظاهر است که استحضار حاصل خواهند فرمود و آنچه متعلق به میل سیداحمد ورود شیر است قرار شد که مقرب الحضرة العلیه میرزا عباس خان در معاودت خود با مأمور عثمانی رؤیت نموده هرچه معلوم گردد بنویسند امر نامه از ایالت گرفته به او داد دیگر به کارپردازخانه اطلاع از مآل آن نداده عبور نموده است. استدعا دارم مقرر فرمایند تحقیق به عمل آورده معلومات او و کیفیت رؤیت و متعلقات آن را به کارپردازخانه اعلام دارند که به بصیرت از مآل آن حاصل و به آن درستی با ایالت

مذاکره نماید سواد فصل دویم و سیم و چهارم قرارنامۀ جدید را در مواد سرحدیه فرستاده بودید نزد کمترین نیز آن سواد هست و غفلت در مذاکره از ملایمات آن نمی‌نماید استحضار از امور واقعه لازم است که سرحدداران سریعاً بدهند و در چاره و رفع واقعات اهتمام به عمل آورد. زیاده جسارت است. فی شهر شوال ۸۹

محل مهر: عبده اسحاق الصدقی

بحضور وزارت جلیله خارجه

نمره ۶۴

در فقره قرارنامه اتفاقی در سرحدات و محال مخصوص که در سه جا محل گفتگو شده است تحقیقات مقدماتیه قرار مرقوم فرموده بودند

در سرحد کردستان احداثات کرده بودند و سرحدداران دولت علیه خراب نموده بودند مقرب الخاقان علی خان سرتیپ را که

مأمور عثمانی هم از این طرف بود، جنرال قونسول انگلیس در آن نقطه حاضر شده بنا را لیه قلعات و غیره ملاحظه نموده

برگشت البته از تفصیل ملاقات و گفتگوی خودشان را اشرح گاهی مسرور داشته است در اینجا که با جنرال قونسول ملاقات

از تقریرات او اینطور استفاده میشد که هنوز حق بطرفی نداده است ولی خوب تفهیم داده است که در دست مأمورین

نیز نموده اند و در ضمن ضمیمه هم تصویر آن در بهار رؤیت دوباره شود و هر نوع عمل کرده حق بطرف محق داده

عرض نموده است در باب صدارت عظمی هم تلغراف اسف فرموده بودید اجمالا تلغراف مفصلا بتحریر جواب عرض کرده ام

استحضار حاصل خواهند فرمود و آنچه فقط شیخ احمد و ... قرار شد که مقرب الخاقان ... میرزا عباس خان

عثمانی رؤیت نموده هرچه معلوم کرده بنویسد امرنامه از ایالت گرفته بود داد دیگر بکارپردازخانه اطلاع

دارم متوقع نیست تحقیق بعمل آورد و معلومات او کیفیت رؤیت متعلقات آن را بکارپردازخانه اعلام دارند که بصیرت از آن

با ایالت نه اگر یک راه ... قرارنامه جدید را در باب سرحدیه فرستاده بود ...

شمارهٔ سند: ۲۳۳
موضوع: تجاوز فیضی پاشا به اراضی ایران
تاریخ: ۲۹ ربیع الثانی ۱۲۹۰ هـ.ق
کارتن: ۱٤
پرونده:

جواب سفارت دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

در جواب مراسلهٔ جوابیه آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۶ ربیع الثانی سنه ۱۲۹۰ مراسلهٔ وزارت امور خارجه مورخهٔ ۲۳ شهر ربیع الثانی که اظهار خوشوقتی از احکام تلغرافی امنای دولت علیهٔ ایران به سرحدداران خود در منع ظهور حرکت مغایر مودت کاملهٔ دولتین نموده از برای عقب کشیدن عالی جاه رفعت‌پناه فیضی پاشا قشون آن طرف را از اراضی صیفی و ملخطاوی و باغسایی و غیره ملک صحیح دولت ایران از وزارت امور خارجه اطمینان از مراجعت قشون این طرف خواهش نموده بودند با کمال احترام زحمت اظهار می دهد که وزارت امور خارجه از بدو ظهور تجاوز فیضی پاشا به املاک مختصهٔ دولت ایران با اینکه در این مواقع تکلیف سرحدداران هر دو دولت غیر از دفاع نیست محض تشیید قواعد و حفظ اساس دوستی دولتین علیتین اسلامیتین ایران و عثمانی به هیچ‌وجه خود را از اقدامات مجدانه و اتخاذ تدابیر فوریه مؤثره در رفع ظهور امری که مباین این منظور باشد معاف نداشته و آسوده نمانده‌اند تا اطمینان از این فقره حاصل ننمایند و امیدوار است که موافقت و معاضدت این وزارت جلیله و آن سفارت سنیه که آگاه از قیمت گوهر گرانبهای دوستی دو دولت اسلام می باشند همواره واسطهٔ تأسیس بنیان مودت و مانع هر نوع مباینات این نیت باشند و دوستدار با منتهای خوشحالی از صفای نیت و انصاف کامل آن جناب در موافقت با عقیدهٔ وزارت امور خارجه برای مراجعت قشون و مأمور طرفین از آنجا و ابقای آن املاک قدیمهٔ صحیحهٔ دولت علیهٔ ایران در حالت قبل از تجاوز عالی جاه رفعت پناه فیضی پاشا اطمینان صریح کامل می دهد که به محض مراجعت قشون آن طرف اردوی این طرف هم که به قصد مسالمت فقط برای حفظ حقوق خود حاضر شده بودند، مراجعت کرده آنجا را بدون هیچ گونه تغییر به همان حالت بگذارند که قبل از تجاوز قشون آن طرف نموده است و به هیچ وجه من الوجوه بدون

تجاوزی از آن طرف قشون و مأمور لشکری از این طرف ابعاث نشود تا قمسیون سمت اختتام پذیرفته قرار کار به مذاکرات دیپلوماتیک داده نشود اولیای دولت علیه در این باب از کمال حق‌شناسی و نیات حسنهٔ باب‌عالی و آن جناب اظهار خشنودی کامل می‌نماید و خواهشمند هستند، در باب زراعت رعایای دولت علیهٔ ایران هم که به واسطهٔ فیضی پاشا تفریط شده قرار محقانه بدهند که رعایای این طرف در معرض خسارت واقع نشوند و البته انصاف مسلم اولیای فخام دولت علیه هم راضی به خسارت رعایای این طرف نشده حقاً قرار احقاق حق آنها را عادلانه خواهند داد. زیاده زحمت نداد. فی ۲۹ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۰

جواب سفارت دولت عثمانی

در جواب مراسله جوابیه آن جناب جلالتماب مورخه ۲ ربیع الثانی سنه ۱۲۹۱ مراسله وزارت امور خارجه مورخه ۲۳ شهر [illegible]

در لفافه خود شرحی که از احکام متفرقه اولیای دولت علیه ایران نسبت به ولات خود در منع طوایف [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳٤
موضوع: دورهٔ نظرعلی بیک
تاریخ: ۸ ذیقعده ۱۲۹۸ هـ.ق
کارتن: ۱٦
پرونده: ۵/ح

نمره: ۸۷

از وزارت امور خارجه به سفیرکبیر دولت عثمانی نوشته شده است

از مضمون مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۳ ذی‌قعده نمرهٔ ۱۷٤ بدقت تمام آگاهی حاصل آمد، مرقوم داشته‌اند که ایالت بغداد بر طبق اظهار آن جناب جلالت‌مآب در خصوص دورهٔ نظرعلی بیگ تحقیق صحیح نموده نوشته شده است (که اراضی مذکوره از قدیم‌الایام در تصرف دولت علیه عثمانیه بوده از آنجا تا به خانقین یک ساعت مسافت است و شش سال قبل به قاعدهٔ تاپو در ضمن اراضی مختصّه سلطنت سنیهٔ فروخته شده کسی حقاً ایراد و اشکالی نمی‌تواند وارد آورد.)

لهذا جواباً زحمت اظهار می‌دهد که البته آن جناب جلالت‌مآب به اقتضای انصاف سفیرانهٔ خود بخوبی ملتفت خواهند بود که یک ساعت مسافت داشتن دورهٔ نظرعلی بیک به خانقین دلیل این نمی‌تواند بود که از ملحقات خانقین معدود شود چنانکه جبل باغچه که زیاده از نیم ساعت مسافتی به خانقین ندارد بالفعل در تصرف دولت علیهٔ ایران و از ممالک مسلمهٔ این دولت است. تا چه رسد به دورهٔ نظرعلی که از جبل مزبور هم به فاصلهٔ زیاد به سمت داخلهٔ ایران است. همچنین ادعایی که ایالت بغداد جدیداً در حق آنجا پیشنهاد نموده، نوشته است من القدیم در تصرف دولت عثمانیه بوده است. چون نقیض اعتراف سابق ایشان است که در ضمن مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۷ رجب نمرهٔ ۱۲۷ مندرج و تصریح است به اینکه محل مزبور سابقاً در تصرف عشیرت سنجابی و مرتع مخصوص آنها بوده است، بدین جهت جز اینکه ادعای بلادلیل و از مقولهٔ ثم التدارک محدود شود حکمی برای آن متصور نمی‌تواند شد. زیرا تصرف همچو محلی یا باید به عنوان زراعت و فلاحت بوده باشد که خود معترف احداثی شش ساله بودن بنا و زراعت و فلاحت آنجاست یا باید به عنوان مرتع و علف چرانی بوده

باشد که خود اعتراف کرده است، سابقاً مرتع عشایر سنجابی یعنی در تصرف دولت علیه ایران بوده است و شق ثالثی هم متصور نمی تواند شد که به استناد آن ایالت بغداد بتواند بگوید من القدیم در تصرف عثمانیه بوده است. همچنین شش سال به عنوان تاپوفروختن ایالت بغداد و احداث بنا و زراعت و فلاحت نمودن نسیم یهودی در آنجا خود اصل موضوع بحث است که ایالت بغداد کانهٔ دلیل ادعای آنجا قرار داده است. نتیجه و حاصل این تفاصیل که لُبّ تحقیقات تازهٔ ایالت بغداد است، چنین می شود که دورهٔ نظرعلی من القدیم مرتعی بوده است، در تصرف عشایر سنجابی تبعهٔ دولت علیهٔ ایران و از شش سال به این طرف ایالت بغداد هم به خلاف رعایت حقوق ملکیّت و تصرفات مسلّمه دولت علیهٔ ایران در حق آنجا، و هم به خلاف قرار استاتوقو دورهٔ مزبوره را به نسیم نام یهودی فروخته، آن هم به خلاف حقوق ملکیت مسلمهٔ ایران و به خلاف قرار استاتوقو احداثات تازه از پنج شش سال به این طرف در آنجا شروع کرده است. و همین نتیجهٔ واضحه از هر جهت مصدق تازه و مؤید قوی است به حقیقت اظهارات وزارت جلیلهٔ امور خارجه که در ضمن مراسلهٔ مورخهٔ ۲۲ رجب ۹۸ و یادداشت ۹ شوال ۹۸ به آن جناب جلالت‌مآب قلمی و به حق ابطال هرگونه اقدامات نسیم یهودی را در آنجا و به حالت سابقه واگذار شدن آنجا را به تصرف عشایر این طرف درخواست نموده است.

علی هذا محض ملاحظه اینکه مسئلهٔ به این واضحی که قابل هیچ گونه اهمیتی نبوده و نیست و تنها به علت مسامحه و مضایقهٔ ایالت بغداد من غیر حق این همه طول و تفضیل را به‌هم رسانیده، سهل است به قراری که استماع می شود نسیم یهودی روز به روز به تزیید اقدامات و تصرفات غاصبانهٔ خود در آنجا می افزاید. کمال تأسف پروتستو نموده تکالیف سابقهٔ خود را در خصوص ابطال اقدامات مزبوره و اعادهٔ آنجا به حالت سابقهٔ خود تکراراً اخطار و در خواست می نماید، زیاده زحمت نمی دهد. ۸ ذیقعده ۱۲۹۸

وزارت امور خارجه
نمره
سنه ۱۳۰۰

از وزارت امور خارجه به تاریخ ۸ شهر ربیع‌الاول ۹۸ به سفیر کبیر دولت انگلیس نوشته شده است

از مضمون مراسله جناب مستطاب جلالتمآب مورخه ۱۲ شهر رجب ۱۲۹۸ آگاهی حاصل گردید مرقوم داشته‌اند [illegible]

در خصوص [illegible] تحقیق صحیح نموده‌اند [illegible] از قدیم الایام در تصرف دولت علیه [illegible]

[illegible] مسافت [illegible] تعلق [illegible] مملکت [illegible]

[illegible] اظهار [illegible] جناب مستطاب [illegible]

[illegible] مسافت [illegible] تعلق [illegible]

[illegible] در تصرف دولت علیه [illegible]

[illegible] جزء خاک ایران است [illegible]

[illegible] در تصرف [illegible] عراق [illegible]

جناب مستطاب [illegible] ۱۲ رجب ۱۲۹۸ [illegible] در تصرف [illegible]

بدین جهت [illegible] ادعای [illegible]

[illegible]

[illegible] در تصرف دولت علیه [illegible]

[illegible] در تصرف [illegible] من القدیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در تصرف [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] حقوق [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] حقوق [illegible] ایران [illegible]

[illegible]

کیفیت را اظهار [illegible] وزارت جلیله امور خارجه [illegible] مراسله مورخه ۲۲ رجب ۹۸ [illegible] ۹۸ [illegible]

[illegible] در تصرف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در خصوص [illegible]

[illegible] ذیقعده ۱۲۹۸

شمارهٔ سند: ۲۳۵
موضوع: اراضی دورهٔ نظرعلی بیک
تاریخ: ۱۳ ذی‌قعده ۱۲۹۸ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۸۱

نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از مضمون مراسلهٔ جوابیهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۸ ذی‌قعده الحرام ۹۸ نمرهٔ ۸۷ در خصوص اراضی کانی بز/ که از ایام قدیمه تا حال همواره در تصرف دولت علیهٔ عثمانیه بوده آن جناب جلالت‌مآب این را نقیض اعتراف سابق جناب جلالت‌مآب والی ولایت جلیلهٔ بغداد دانسته مستند به مراسلهٔ دوستدار مورخهٔ ۱۷ شهر رجب ۹۸ به نمرهٔ ۱۲۷ شده صریحاً نوشته‌اند که در مراسلهٔ مزبوره مندرج و تصریح است به اینکه محل مزبور سابقاً در تصرف عشیرت سنجابی و مرتع مخصوص آنها بوده است سفارت کبری را استحضار حاصل گردیده قویاً موجب تعجّب شد. زیرا که عبارت دوستدار در مراسلهٔ مورخه ۱۷ رجب ۹۸ به نمرهٔ ۱۲۷ از روی کاغذ بغداد این است. (مدلّل و مثبت است که اراضی مزبوره از ملحقات خانقین می باشد و به خریطهٔ حدود مابین عثمانی و ایران نیز رجوع کرده این اراضی چند ساعت هم در داخلهٔ خاک عثمانی واقع است و اسم اصلی آنها کانی بز است و اینکه دورهٔ نظرعلی بیک نامیده‌اند. اوقاتی بوده است که عشایر طرفین دوستانه به خاک یکدیگر ییلاق و قشلاق می‌کرده‌اند و عشیرت سنجابی که به خاک عثمانی می رفته‌اند چون نام حقیقی آنجاها را نمی دانسته‌اند جای چادر خودشان را که موقت زده بودند به نام خودشان یا رؤسای خودشان می‌نامیده‌اند) آیا کدام جزو این عبارت دلالت دارد که اراضی مزبوره در تصرف دولت علیهٔ ایران بوده است مگر آنکه رفتن عشایر طرفین به خاک یکدیگر در تمام خط سرحد به ییلاق و قشلاق قبل از انعقاد قرارنامه مابین دولتین علیتین در منع عشایر جانبین به خاک یکدیگر حق تملک

اتخاذ شود، و حال آنکه، هیچ طرفی چنین ادعایی نمی تواند بکند و اگر فرضاً کسی به لسان آورد به درجهٔ بدیهی البطلان خواهد بود که محتاج جواب نیست و به همین جهت اعترافی که در مراسلهٔ وزارت جلیلهٔ امورخارجه مورخهٔ ۸ ذی‌قعده‌الحرام به نمرهٔ ۸۷ مستند به آن شده‌اند که دوستدار در مراسلهٔ مزبوره خود تصریح به آن کرده است می توان گفت صرف افتراست و دوستدار محقّ است که از پروتستی که در ذیل مراسلهٔ مذکوره شده است در این موقع اظهار کمال تأسف کند و بلکه از چنین اظهارات و دلایل بلا مأخذ پروتستو نماید، زیاده چه زحمت دهم. فی ۱۳ شهر ذیقعدةالحرام ۹۸

اثر مهر فخری بیگ سفیر عثمانی

جناب جلالت‌مآب [illegible] دوستان مهربانا

در ضمن مراسله جوابیه آن جناب جلالتمآب مورخه ۸ ذی‌قعدة الحرام ۱۲۹۸ نمره ۸۲ در خصوص اراضی [illegible] از ایام قدیمه جات [illegible] در تصرف [illegible] بوده [illegible]

نقیض [illegible] جناب جلالتمآب والا وزارت جلیله [illegible] مراسله [illegible] مورخه ۱۱ شهر رجب ۹۸ نمره ۲۱ [illegible]

مندرج و تصریح است [illegible] از سابق در تصرف عشیرت [illegible] نوده است [illegible]

زیرا [illegible] مراسله مورخه ۱۱ رجب ۹۸ نمره ۲۱ [illegible] است [illegible]

[illegible] خط سرحد [illegible] ایران نیز رجوع [illegible] در داخله مملکت عثمانی واقع است [illegible]

[illegible] بوده است [illegible] سید و قشلاق [illegible]

[illegible] جنس [illegible] زده [illegible]

[illegible] عبارت [illegible] وزارت جلیله [illegible] اراضی [illegible]

[illegible] در تمام خط سرحد [illegible] سید و قشلاق [illegible]

و حال آنکه هیچ طرف [illegible] مراسله [illegible] دولت [illegible]

[illegible] وزارت جلیله [illegible] مورخه ۸ ذی‌قعده نمره ۸۲ [illegible] تصریح [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳۶
موضوع: اراضی دورهٔ نظرعلی بیک
تاریخ: ۲۲ ذی‌قعده ۱۲۹۸ هـ.ق)
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزارت خارجه به سفارت ایران در اسلامبول

به جناب معین‌الملک سفیرکبیر دولت ایران در اسلامبول

جناب جلالت‌مآبا

در خصوص دورهٔ نظرعلی بیک تفصیلی به تاریخ پانزدهم شهر ذی‌قعده به آن جناب جلالت‌مآب نوشته، به انضمام سواد مکاتباتی که مابین وزارت امور خارجه و سفارت کبرای عثمانیه تا ۹ ذی‌قعده تعاطی شده بود جهت اطلاع آن جناب فرستاده‌ام. بعد از آن باز مراسلهٔ [ای] از سفارت کبرا به تاریخ سیزدهم ذی‌قعده به وزارت جلیلهٔ امور خارجه رسیده جوابی هم از وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۹ ذی‌قعده قلمی شده بود.

اینک سواد هر دو را لفاً جهت اطلاع آن جناب جلالت‌مآب ارسال می دارم که از روی بصیرت کامله اقدامات لازمه را در آن باب به عمل آورند. زیاده زحمت ندارد.

مورخه ۲۲ ذیقعده سنه ۱۲۹۸

وزارت امور خارجه
نمره ۵ شهر
سنه ۱۳

بجناب معین الملک سفیر کبیر دولت ایران در اسلامبول

۲۲ ذی قعده ۹۸

جناب جلالتمآبا در خصوص جواب نمره پنج تفصیل بتاریخ ۱۹ شهر ذی قعده بجناب جلالتمآب سفیر کبیر نوشته

انضمام جواب متعلقه که از این وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانیه ۱۹ ذی قعده الحرام جهة اطلاع آن جناب فرستادم

چون از مراسله از سفارت کبری با بیان مسیرالیهم در تبریز بوزارت جلیله امور خارجه رسیده جواب آن هم از وزارت امور خارجه

تاریخ ۱۹ ذی قعده قلمی شده بود اینک سواد هر دو را لفاً جهة اطلاع خاطر آن جناب ارسال داشتم که از مراتب آن العزیز کماله

۱۲۹۸

انشاءالله از مضامین آن استحضار حاصل آید زیاده زحمت ندارد مرقومه ۲۲ ذی قعده

شمارهٔ سند: ۲۳۷

موضوع: گزارشات مختلف و اوضاع عثمانی

تاریخ: ۲۱ شعبان ۱۳۰۳ هـ.ق

کارتن: ۱۸

پرونده: ۵/ح نمرهٔ ۳۵

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هوالله

فدایت شوم، شرحی که در باب مسئلهٔ صیفی و ملخطاوی و تحدید حدود قطور مرقوم فرموده بودند زیارت شد، همان روز با سفیرکبیر انگلیس و شارژ دافر روس ملاقات و مذاکره نمودم هر دو وعدهٔ اقدام و اصرار کردند، مع‌هذا شرحی هم رسماً به سفرا می‌نویسم روز گذشته هم با جناب سعدپاشا وزیر امور خارجه مفصلاً گفتگو کردم قرار شد در هر دو فقره شرحی رسماً بنویسم که دست‌آویز نموده بسرای عرض و استدعای صدور اراده کنند زیرا که سعیدپاشای صدر سابق مسئله را برای اسکات بنده و سفرای دولتین واسطه به عرض و صدور ارادهٔ سلطانی فرستاده ضمناً اخلال کرده بود و مسئله در سرای معطّل مانده بود و هر وقت از طرف بنده و سفرای واسطه اظهار و اصرار می‌شد می‌گفت (کار از ما گذشته است در مجلس مذاکره و مضبطهٔ آن را متفقاً امضا کرده به حضور سلطان فرستادیم که به تصدیق ایشان رسیده ارادهٔ اجرای آن صادر شود آنجا معطّل شده است ما نمی‌توانیم به پادشاه حکم و اصرار کنیم) بالجمله امیدوارم انشاءالله با هیئت حاضره کار به سهولت بگذرد و نتیجه هرچه باشد تلغرافاً و تحریراً عرض خواهد شد.

در باب منع تجاوز جاف مکرّر به اعلی حضرت سلطان و باب‌عالی در ضمن سؤال و جوابها که در باب اخبار اراجیف تدارکات عسکریه در حدود از طرف دولت علیه می‌شد عرض و اظهار کردم به ایالت بغداد در این باب مخابره می‌کنند هنوز جواب صریحی داده نشده است ولی دنبالهٔ مطلب را دارم و هر روز اقدامات شفاهیه و تحریریه می‌شود همین که نتیجه حاصل شد عرض خواهم کرد.

در باب استرداد پسر والی پشتکوه هم به ایالت بغداد در مخابره هستند بنده هم قویاً مطالبه می‌کنم امیدوارم نتیجهٔ مطلوبه حاصل شود. در باب تعمیرات نجف اشرف و

اجازهٔ آمد و شد کشتی موسوم به شوش اقدامات لازمه شده است و می شود ولی چنانکه در طیّ عرایض سابقه عرض کرده‌ام و البته به لحاظ انور حضرت اشرف عالی رسیده است حضرات این اوقات نهایت اهمیت را به پیش‌بندی روش و ترقی پولتیک و مناسبات ما در عراق عرب می دهند. والی حاضر به واسطهٔ تعصب و عداوتی که نسبت به شیعه دارد خاطر وکلای دولت عثمانی خصوصاً اعلی حضرت سلطان را مشوب و بیدار کرده است و چنان خاطرنشان نموده است که دو ثلث مردم عراق عرب شیعه هستند و روز به روز تشیع بیشتر می شود اگر جلو کار گرفته نشود و به قدر مقدور به کسر نفوذ و تقلیل مناسبات دولت ایران همت نشود ولایت از دست می رود، بالجمله حقیقت مطلب به طوری است که عرض می شود. اگر چه در بادی نظر هر دو فقره بسیار جزئی می نماید ولی در نظر حضرات خیلی اهمیت دارد. مع هذا آسوده نیستم در خصوص تعمیرات استعلام و تشخیص درجهٔ لزوم و تخمین مخارج آن را خواسته‌اند. در باب کشتی به مجلس گذاشته به قول خودشان کار در دست مذاکره است. همین روزها جواب قطعی استحصال خواهد شد. در باب سامره و حرکات نالایق مفتی و رئیس بلدیهٔ آنجا کارپرداز بغداد تلغراف کرده بود همان روز به باب‌عالی شکایت و ترمیم این خطا را به تنبیه و تبعید مرتکبین قویاً مطالبه کردم به والی تلغراف کردند روز گذشته هم رسماً در کمال شدّت تحریراً مطالبه کردم دیروز هم بعد از وصول تلغرام حضرت اشرف عالی مراتب را به توسط ترجمان اوّل به سرای پیغام کردم که به حضور سلطان عرض کنند تا حال که هنگام عزیمت پست است، جواب نرسیده اگر قبل از حرکت پست رسید جداگانه عرض می شود والاّ با تلغراف به عرض می رسانم انشاءالله به طوری که باید ترضیه حاصل خواهد شد. جریان مسئلهٔ یونان هم جداگانه عرض شده است و البته به واسطهٔ تلغرافهای عمومی روز به روز به عرض می رسد، اگرچه در این دو سه روز پیش‌قراولان طرفین مشغول زدوخورد بودند و از قرار اخباری که در افواه مردم است تلفات زیاد از طرفین شده است ولی امر قطعی از دولتین به سرداران دو لشکر رفته که یکدیگر را ملاقات کرده طوری قرار دهند که این حرکات تکرّر پیدا نکند و ترک اسلحهٔ دولت یونان هم مقرر است عجالتاً این دفعه هم کار به اصلاح می‌گذرد، تا کی تجدید مطلع شود، ولی دو نکتهٔ مهم پولتیکی در مسئله هست که مردمان خارج از مطلب مشکل کشف می‌کنند یکی نیت باطنی انگلیس و یونان است آنکه دولت انگلیس است محقق می داند

که دوام و بقای دولت عثمانی در اروپا و اسلامبول محال است و چون به بعضی از نقاط مهمهٔ بحریهٔ عثمانی که از آن جمله جزیرهٔ کرت است چشم طمع دوخته است و تا در تصرف عثمانی است مطمئن و از تطاول و تصرف دیگران مصون است و همین که به تصرف یونان که مالک بالاستحقاق آنجاست و در علوم و امور بحریه کمال مهارت و ید طولا دارد و میدان قوّت و ترقی استقبالش وسیع و راه کمال استقلالش باز است درآید، دندان طمع را باید بکَند. این بود که به مجرد ملاحظهٔ روش پولتیک یونان بی مقدمه نمایش بحری را برای حفظ صلح عمومی عنوان و به دول معاهد تکلیف نمود و حال آنکه همیشه طرفدار دولت یونان بود و عوض نمایش قوهٔ بحریهٔ عظیمی در حوالی کریت حاضر نمود مقصودش این بود که اگر کار به محاربه بکشد دستی به روی کریت بیندازد و اگر به اصلاح گذشت دولت یونان را از خیال تصرف آنجا بکلی بازدارد. امّا یونان آنها هم از بقای عثمانی مأیوس هستند و آنچه از یونانستان قدیم در تصرف دولت عثمانی است حق خود می دانند و یقین دارند که هر وقت باشد مال ایشان خواهد بود ولی همین که عصیان بلغارستان و غلبهٔ ایشان را به صربستان دیدند متوحّش شدند، دیدند که اگر بلغارستان استقلال پیدا کند روم ایلی را به خود الحاق کرده عنقریب مثل رومانی و صربستان دولت مستقل خواهد شد و دولت قوی اسلاو به یاری روسیه تشکیل خواهد شد که قائم مقام عثمانی خواهد بود و او هم باید دندان طمع را کَندِه از تصرف مستملکات قدیم خود مأیوس شده زبون اسلاوها بشود، لهذا به تسلیح ملت و تدارکات عظیمهٔ جنگ پرداخته تن به این همه ضرر و خسارت درداده و نمی دانست که دول اروپا جدّاً به مقام منع برخواهند آمد بلکه یقین داشت که آنچه از اپیر و تسالی مانده است حق السکوت خواهد گرفت غافل از اینکه دولت انگلیس چشم و گوشش باز است، اینکه دول سائره هم به انگلیس همراهی کردند نه برای این بود که از مافی الضمیر انگلیسها خبر نداشتند بلکه چون مسئله به منافع آنها برنمی خورد سهل است مایهٔ رفع اسباب برهم زدگی صلح عمومی که عجالتاً همگی طالب اندمی شد. لهذا همه موافقت و همراهی کردند. در مسئلهٔ اولتیماتوم که دول خمسه به دولت یونان دادند سبب حقیقیش این بود که پرنس بسمارک نتوانست به خود هموار کند که نصایح دولت فرانسه مسموع و مؤثر شده. این موفقیت نصیب دیپلوماسی فرانسه باشد والاّ اگر اکتفا به همان اظهارات رسمیهٔ دولت یونان کرده بودند (که به موجب نصایح دولت فرانسه ترک اسلحه را قبول کردیم) بیست روز قبل کار

گذشته و حالا ترک سلاح از طرفین به عمل آمده بود بالجمله عجالتاً بساط شطرنج پولتیک عمومی در اسلامبول گسترده است و تدابیر و تشبثاتی که هر یک در پیش بردن بازی خود به کار می برد درخور تماشا و عبرت است. تا یار که را خواهد و میلش به که باشد. زیاده امر جناب مستطاب اشرف اجل عالی مطاع است. فی ۲۱ شهر شعبان المعظم ۱۳۰۳

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

هو

در این کاغذ آنچه که به باب کارهای خودتان نوشته است از قبیل کشتی و تعمیر نجف اشرف... را که وعده داده است معلوم نشد آخر به کجا رسیده است البته به تلگراف مختصری مطالبهٔ جواب بکنید.

هو

فدایت شوم   شرح مرقومه جناب مستطاب عالی [illegible] قطعه مرقوم [illegible] زیارت شد همان روز با سفیر کبیر انگلیس صحبت داشتم [illegible]

روس [illegible] و هر گاه [illegible] اقدام و اصرار کرده [illegible] شما بفرمائید روز گذشته هم جناب [illegible] وزیر امور خارجه [illegible] مقصد [illegible] کردم

قرار شد در [illegible] بنویسیم [illegible] دولت [illegible] زیرا که سفیر [illegible] مسئله [illegible] بنده و [illegible]

[illegible] بعرض [illegible] فرستاده [illegible] بود و مسئله [illegible] بود و هر وقت از طرف بنده [illegible]

[illegible] کار از [illegible] اگر [illegible] از استعفا [illegible] حضور سلطان [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] حکم [illegible] امیدوارم [illegible] کار بسهولت [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] در باب [illegible]

از طرف دولت علیه [illegible] اظهار کردم [illegible] بغداد [illegible] هنوز جواب [illegible]

و امروز [illegible] در باب [illegible] هم [illegible] بغداد [illegible]

[illegible] امیدوارم [illegible] جناب [illegible] اشرف [illegible]

[illegible] عرض کرده ام [illegible] حضرت اشرف [illegible] رسیده است حضرت [illegible]

[illegible] پولتیک [illegible] ما در عراق عرب [illegible] تعصب [illegible] نسبت [illegible]

خصوصاً [illegible] سلطان [illegible] عراق عرب [illegible]

اگر [illegible] ولایت [illegible]

اگرچه [illegible] حضرت [illegible] اهمیت دارد [illegible]

[illegible] کار [illegible] روز [illegible]

[illegible] بغداد [illegible] کرده بوده [illegible]

و تبعه هر کس بن قرار با مطالبه کردم برای معرفت کرده روز گذشته هم رسماً در کمال شدت تحریراً مطالبه کردم و دیروز هم سفرا را در ضمن ملاقات حضرت

اشرف عالی مراتب را به توسط ترجمان اعتبار سرای پیغام کردم که بحضور سلطان عرض کنند حالی را که غیرت بدست است جواب رسیده اگر

تبعه دولت بدست رسیده چه کار عرض شود و عقده با معرفت بعرض برسانم را بطوریکه هر رضیه حاصل خلاف جریان مسئله یونان هم چه اکنون

عرض شده است و بسته برابطه منفردهای عمومی روز بروز بعرض برسد اگرچه در ... سه روز پیش قرارداد طرفین مشغول رد و خورد و بخشیده از قرار اخبار

که در افواه منتشر است تعارفات زیاد از طرفین شده است ولی هر قطعی از ... اسیر و زندانیان در لشکر رفته در ... مراجعات از ... طوری قرار داده اند

که این حرکات کرده اند که ترک مشوره دولت یونان هم متفرق است عجالة این دفعه هم کار را باصلاح میگذارند تا کی کسی مطلع شود ولی آنچه فهم

و پلتیک در مسئله هست در مملکت خارج از مطلب کنکاش میکنند نیت باطنی انگلیس و یونان است آنچه دولت انگلیس حقیقی پیدا

که دوام و بقای دولت عثمانی در اروپا و اسلامبول ... و چون بعضی از نقاط مهمه بحریه عثمانی در اطراف جزیره کرت است چشم طمع در جزایر

و ما در تصرف عثمانی است مطمئن از اعتدال و تصرف دیگران مضطرب است و آنکه تصرف یونان در مالک بالاستحقاق اینها است و در علوم بود

بحریه بکمال مهارت و بدو طلا دارد و میزان قوت و ترقی انقباضش وسیع و بعد از کمال استقلالش بارز است در آنکه دندان طمع را چه کند آن

که بحر و مد خط روش پلتیک یونان پیشقدم نمایش بحریه از آلوی حفظ صلح عمومی عنوان و بعد از دول سعادت بتکلیف نمود و حالی آنکه همیشه طرفدار دولت یونان

بوده و عوض نمایش قوه بحریه عظیمی در حوالی کرت حالا نمود مقصودش این بود که اگر کار بجاره بکشد و کسی بدین کرت بیندازد و اگر باصلاح گذرد

دولت یونان را از خیال تصرف بکلی بقطع باز دارد اما یونان از اینها از بقای عثمانی مأیوس هستند و آنچه از یونانستان قدیم در تصرف

دولت عثمانی است حق خود میدانند و یقین دارند که هر وقت باشد مال ایشان خواهد بود ولی آنکه عصیان بلغارستان و قلیه ایشان از

بلغارستان و دیدند متوحش شدند و دیدند که اگر بلغارستان استقلال پیدا کند روم ایلی را آنچه الحاق کرده عنقریب شهرها را از تصرف

دولت مستقل خواهند شد و دولت قوی اسلاو و بیاری روسیه تشکیل خواهند شد در قائم مقام عثمانی خواهد بود و لهذا هم پا و دندان طمع را تیز کرده

متصرفات قدیم خود مأیوس شده زبون اسلاوها بشوند لهذا استیلاء ملت و تدارکات عظیمه جنگ پرداختند تا بانهایت همت از فرصت

در حال و منیه است در دول اروپا چه از انتقام منع برخاستند که بلکه یقین داشت که آنچه از هر قسمتی مانده است حق آنها است بالتصرف

خواهد گرفت فاعلیّ از اینکه دولت انگلیس چشم و گوشش باز است از حال اسارت هم با انگلیس همراهی کردند تا بعضی آنچه بود در اراضی

انگلیسیها خبر داشته باشند بلکه چنین مسئله بمنافع آنها برنخورد سهل است باعث رفع اسباب برهم زدن صلح عمومی در عالم که همه طالبند میشود لهذا اهمیت موافقت

دولتین را بی گواهی کردن در مسئله اوقیانوس در اول که به دولت یونان داده سبب حقیقی این بود در پرنس بیسمارک شوخی است نتیجه حاصل کند از نصایح

فرانسه مسموع و مؤثر شده این موفقیت نصیب دیپلوماسی فرانسه باشد معتقد اگر گفتگو بهانه اظهارات رسمیه دولت یونان کرده بود منظور از حصول نصایح

دولت فرانسه که رنگ مجد را قبول کردیم بعد روز قبلی کار گذشته و حالا که سلاح از طرفین [illegible] آمده بود باید حالا [illegible] عمومی دارا شده اند

گسترده است و همه اروپا منتظر است در هر یک و پیش [illegible] رفته و در حضور تماشا و عبرت است تا کار به کجا خواهد رسید و چه باشد

[illegible] ۲۱ [illegible] شهر رمضان المعظم ۱۳۰۳

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳۸

موضوع: غربیه و بکسائی

تاریخ: ۸ ذیحجه ۱۳۰۳ هـ.ق

کارتن: ۱۸

پرونده: ۵/ح

نمره: ۵۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هوالله تعالی

فدایت شوم، در باب صیفی و ملخطاوی که مذاکرات آن در میان است مرقوم فرموده بودند که در این ضمن فقرهٔ غربیه و بکسائی را نیز از نظر دور نکرده داخل عنوان مذاکره نموده و در خارج نگذاریم.

فقرهٔ غربیه و بکسائی که در زمان سفارت سپهسالار مرحوم و صدارت عالی پاشا از جانب مدحت‌پاشا والی بغداد به میان آمده و سؤال و جواب زیاد در این فقرات در میان سفارت و باب‌عالی شده است نتیجهٔ مخابرات منتهی به این گردیده است که طرفین متفقاً قرار داده‌اند غربیه و بکسائی تا زمان تحدید حدود بی‌طرف بماند و طرفین مداخله به آنجاها نکنند و ثبت همهٔ نوشتجات در دفترخانه وزارت جلیله هست که به اقتضای این قرارداد این دو محل حکم منازع فیهی دارد برخلاف صیفی و ملخطاوی که این یکی را ما از مسائل مستحدثه و محال غیر متنازع فیها دانسته و تا حال به همین زمینه در این باب مذاکره کرده‌ایم، در این صورت هرگاه آن دو محل را در این موقع داخل مذاکرات نماییم حالت صیفی و ملخطاوی را هم سست می‌کند و باعث این می شود که اینجا هم داخل اراضی متنازع فیها بشود. علی هذا به اعتقاد کمترین نباید فقرهٔ بکسایی و غربیه داخل مذاکرات این مطلب بشود. عجب است جناب ناظم الملک که در این فقرات از همه بصیرتر و از همه نکات مطلع است تفصیل مطلب را به حضور جناب مستطاب اشرف امجد اظهار نکرده‌اند، در هر حال این روزها کومسیونی قرار داده شده است در این باب تشکیل و اقدام به مذاکرات بعضی امور سرحدیه که محل گفتگو است کرده شود، زیاده چه عرض نماید. تحریراً فی ۸ شهر ذیحجة الحرام ۱۳۰۳

در ثانی عرض می‌شود، شرحی که در خصوص صیفی و ملخطاوی علاوه بر اقدامات مکرّره شفاهیه از جانب سفارت کبری به سفرای کبار دولتین واسطه نوشته شده و با عریضهٔ نمرهٔ ٤٤ وعدهٔ ارسال صورت آن داده شده بود انفاد حضور جناب مستطاب اجل اشرف عالی گردید از ملاحظهٔ آن هم معلوم بندگان جناب مستطاب اجل اشرف عالی خواهد شد که مسئلهٔ صیفی و ملخطاوی در غربیه و بکسائی مجری است زیاده چه عرض شود. فی التاریخ

شماره
۵۱

هو الله تعالی

فدایت شوم   جناب صیفی و بمخطاوی که مذاکرات آن در میان است مرقوم و معهود بعضی امورات در ضمن قشقا غربیه و بک ... را

نیز در نظر داریم که در داخل خطوط مذاکره نمیشود و در خارج میگذاریم قشقا غربیه و بک ... در زمان سفارت سپهسالار مرحوم و صدارت ایشان از جانب

مرحمت پناه وی بنده در میان آمده و زوال وجوب بمیان در این صورت در میان سفارت و ... شده است نتیجه مذاکرات شفاهی که کرده که در طرفین

متفق قرار داده شد که غربیه و بک ... تا زمان تحریر حدود به طرف بماند و طرفین مداخله نکنند و ثبت همه نوشتجات در دفتر وزارت

جلیله است در باب فصل این قرارداد این عهدنامه حکم منارع فهمی دارد و در خلاف صیفی و بمخطاوی ... را ما در سال مستحدثه مجهول غیر مارع نهایت است

و حالا بهمین زمینه در این باب مذاکره کرده ایم در این صورت هرگاه آن عهدنامه را در این موقع دخیل مذاکرات نمایم حالت صیفی و بمخطاوی را بهم

میکند و باعث این میشود در اینجا هم دخیل از شفاهی ... نهایت بشود ملتمسند اعتبار که ترتیب ... نیاید قشقا بک ... و غربیه داخل مذاکرات ابطال شود و بمخطا

جناب ... الملک ... در این صورت از همه بصیرتر و از همه نکات مطلع است تفصیل مطلب را بالخصوص جناب مستطاب اشرف امجد اظهار کرده اند

در هر حال امروز با کمیسیونی قرار داده شده است در این باب گفتگو و اقدام بشود اگر است بعضی امور جدید در مجلس گفتگو است کرده شود بالمره عرض ...

تحریراً فی هشتم شهر محرم الحرام ۱۳۰۳

در حاشیه عرض میشود   شرحیکه در خصوص صیفی و بمخطاوی در علامت ها بر اقدامات ... الیه از جانب سفارت کبری ...

... وسیله نوشته شده و با عریضه نمره ۴۴ و عده از ابلاغ صورت آن ... شده بود انفاذ حضور جناب مستطاب اجل اشرف عالی گردید

از ملاحظه آن ... جناب مستطاب اجل اشرف عالی معلوم شد در مسئله صیفی و بمخطاوی از غربیه و بک ... محرمانه ... عرض شود

۲۴ ...

شمارهٔ سند: ۲۳۹
موضوع: اختلاف ایران و عثمانی در مالکیت اراضی کانی بز
تاریخ: ۱۸ محرم ۱۳۰۴ هـ.ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۱

تفصیل حالت محل موسوم به دورهٔ نظرعلی بیگ یعنی یورت نظرعلی بک

جناب فخامت و نبالت نصاب آقای ناظم الملک به وزارت جلیلهٔ امور خارجه قلمی و نگاشته اند

دورهٔ نظرعلی بک مرتعی است از مراتع کرمانشاهان مخصوص به یک فرقه عشیرت سنجابی من عشایر کرمانشاهان تقریباً به فاصلهٔ سه فرسخ از قصرشیرین به سمت جنوب مغرب و از خانقین تقریباً دو فرسخ به سمت جنوب مشرق نزدیک به یسار رود الوند که از سر پل و قصرشیرین به خانقین می‌گذرد، واقع است.

چون من القدیم به قشلاق عشیرت سنجابی و به یورت نظرعلی بیگ نام سنجابی مخصوص بوده است بدین جهت به اسم او مسمی و به همان اسم معروف شده. چشمهٔ آب باریکی هم در آنجا هست که کانی بز گفته می شود.

تا اوایل سنهٔ یکهزار و دویست و نود هجری بنای فلاحت و زراعتی در آنجا نبوده و مثل سایر اراضی سرحدیهٔ کرمانشاهان که مخصوص قشلاق عشایر آنجا می باشد به همه جهت خالی از آبادی و تنها مرتعی بوده است از مراتع آنجا.

در ایام گردش وکلای دول اربعه در سرحد نیز فقط مرتعی و یورتی بوده است به اسم دورهٔ نظرعلی بیگ که در خریطه های رسمیه دولتین واسطه نیز به همین اسم در جزو مراتع عشایر کرمانشاهان ثبت و ترسیم شده است.

به قراری که از نوشتجات متبادلهٔ طرفین مفهوم می شود تقریباً در اوایل سنه نود هجری نسیم نام معلم یهودی که گویا در قرانتین خانقین خدمت مخصوص داشته است به مناسبت قرب و جوار و دسترس بودن محل مزبور به رودخانهٔ الوند بنای زراعت مختصری در آنجا گذاشته و سرحدداران علیهٔ ایران و حکومت کرمانشاهان آنقدر اعتنا و اهمیتی

برای آن قرار نداده‌اند که از اول مانع مداخلهٔ او بشوند. بعید نیست ابتدائاً به خود همان سنجابی ها چیزی هم به عنوان حق الارض می داده است که وسیلهٔ تطمیع آنها شده به مقام ممانعت برنیامده‌اند. مومی الیه چون مانعی ندیده متدرجاً روز به روز به مداخله و تصرفات خود در آنجا افزوده بنای آبادی هم می‌گذارد.

عشیرت مزبوره ملتفت تزاید تصرفات او شده به مقام ممانعت شخصی می آیند، او مخلوع نشده لابد به حکمرانی کرمانشاهان که گویا ایام حکمرانی مرحوم حسام السلطنه بوده است اطلاع می دهند برحسب اشاره و اجازت حکمرانی عشیرت مزبوره خودشان بنا و آبادی و زراعت او را در محل مزبور تخریب و ابطال کرده کمافی السابق به حالت مرتعی اعاده می نمایند.

بعد از چندی که محاربهٔ روس و عثمانی شروع کرده و تأکیدات علیه همایونی روح العالمین فداه محض ملاحظهٔ حسن همجواری و لازمهٔ بی طرفی و رعایت مناسبات جامعهٔ اسلامیت. به عهدهٔ سرحدداران دولت علیهٔ شرف صدور می یافت که در سرحد امر تازه و اسباب اختلافی احداث نکنند. نسیم مزبور از یک طرف این گونه تأکیدات دولت علیه را در رعایت جانب عثمانیه. و از طرف دیگر تجدد حکمرانی کرمانشاهان را که از مرحوم حسام السلطنه اخذ و به دیگری محول شده بوده است. وسیلهٔ مغتنمه اتخاذ کرده مجدداً به مداخلهٔ آنجا آغاز و باز احداث بنا و زراعتی در آنجا می نماید.

و به قراری که از نوشتجات عثمانیه معلوم می شود، شاید برای اینکه پای ایالت بغداد را هم به میان آورده حامی خود قرار بدهد گویا محل مزبور را در جزو تاپو قلمداد و به نحوی که در خاک عثمانیه به عنوان تاپو متداول است از ایالت بغداد با امتنان کامل ایالت بوجه نازلی ابتیاع می نماید و قلعه[ای] هم در آنجا ساخته قراول عثمانی به آنجا می آورد که مستحفظ محل مزبور بشود.

پس از صدور این تفاصیل در اواخر سنهٔ ۱۲۹۸ اطلاعات سرحدیه به وزارت خارجه و کار پردازی بغداد مشعر بر کیفیت مسئله رسیده برای اینکه حتی الامکان هم حقوق مالکانهٔ دولت علیه در حق آنجا وقایهٔ و منظور شود و هم ابتدائاً امری پیشنهاد شود که مؤدی به بعض محظورات دولتی گردد. برحسب ارادهٔ علیهٔ همایونی خلدالله ملکه وسلطانه کار پردازی دولت علیه در بغداد و وزارت خارجه در طهران به ایالت بغداد و سفارت کبرای عثمانی شروع به مکاتبه کرده چندین مکاتیب به قرار تفصیل ذیل مابین

وزارت خارجه و سفارت کبرای عثمانیه مقیم طهران تعاطی و پروتستو شده و سواد آنها سؤالاً و جواباً بتدریج به جناب معین‌الملک سفیرکبیر دولت علیه مقیم اسلامبول ارسال و به معزی الیه تعلیمات داده شد که تفصل را به باب‌عالی اظهار و احکام اکیده برای ابطال تصرفات نسیم مزبور و واگذار ساختن محل مزبور به دولت ایران و ارجاع آنجا به حالت استاتوقوی ایام گردش وکلای دول اربعه در سرحد اصدار و ارسال نماید.

از آن تاریخ به بعد نه فدوی، به علت غیاب خود از آستانهٔ علیه اطلاعاتی در این باب دارد و نه از دفتر وزارت خارجه چیزی دستگیر می‌شود که معلوم شود خاتمهٔ کار به کجا رسیده است و نسیم مزبور که چندی قبل ادعای افلاس می‌نموده است آنجا را به طلبکار خود داده، یا چطور شده است.

ولی حالا از بعض نوشتجات سرحدیه چنین مستفاد می‌شود که در این سالهای گذشته نیز عثمانیه مداخله در آنجا داشته و زراعتی می‌نموده‌اند. سهل است نسیم مزبور قلعه[ای] هم در آنجا ساخته و به ایالت بغداد واگذاشته. و اکنون به اسم خالصهٔ پادشاهی صدخانواری در آنجا اسکان و پنجاه نفر ضبطیه هم به عنوان مستحفظ در آنجا مقرر نموده‌اند و قریب به بذر پنجاه جفت زمین فاریاب و به قدر کفایت یکصد خانوار مرتع دارد. به اعتقاد فدوی محل مزبور قابل گنجایش این همه زراعت و مرتع نمی‌تواند شد، مگر اینکه علاوه بر اراضی دورهٔ نظرعلی بیگ از حوالی کانی بز و سایر قشلاقات عشایر کرمانشاهان نیز که در سمت جنوب آن تا چند فرسخ امتداد دارد ضمیمه کرده باشند.

مکاتبات وزارت امور خارجه:

به سفارت عثمانی مقیم طهران: مراسلهٔ ۲۳ رجب ۱۲۹۸ نمرهٔ ۵۳، یادداشت ۹ شوال ۹۸، مراسلهٔ ۸ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمرهٔ ۸۷، مراسلهٔ ۲۱ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمره ۸۹.

به جناب معین‌الملک: تلغراف ۹شوال ۹۸، مراسلهٔ ۱۵ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمرهٔ ۵۲، مراسلهٔ ۲۳ ذی‌قعدهٔ ۹۸

مراسله و تحریرات سفارت کبرای عثمانیه به وزارت امور خارجه: مراسلهٔ ۱۷ رجب ۹۸ نمرهٔ ۱۲۷، مورخهٔ ٤ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمرهٔ ۱۷٤، مورخهٔ ۱۳ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمرهٔ ۱۸۱.

[illegible]

مقصود عرض [illegible] درباره نظم آباد یک [illegible] درباره [illegible]

مورخه ۱۸ شهر محرم ۱۳۰۳ جناب [illegible] ثبت [illegible]

[illegible] نوشته اند

و پشت نظم آباد یک قسمتی است از مراتع کرمانشاهان مخصوص ییلاق [illegible] عشایر کرمانشاهان تقریباً [illegible] سه فرسنگ از قصر شیرین سمت جنوب [illegible]

واقع است تقریباً [illegible] فرسخ سمت جنوب شرق [illegible] از سرحد قصر شیرین [illegible] واقع است

و از قدیم [illegible] عشایر [illegible] مخصوص [illegible] است [illegible]

[illegible] در آنجا [illegible]

[illegible] جهت [illegible] از مراتع آنجا

[illegible]

در جزو مراتع عشایر کرمانشاهان [illegible] است

[illegible] کرمانشاهان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کرمانشاهان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس از حصه در این تفاصیل در اواخر سنه ۱۲۹۸ المللات سیصد و وزارت خارجه و کارپردازی نمره دو شهر کیفیت سند رسید ... که حق امتعال هم

حقوق کاملانه دولت علیه در حق آنجا و قابلیه منظور نبوده ام ابتدا از بین مشتبه ... بعض مطالبات ... جناب مستطاب عالیه

خلد الله ملکه و سلطانه کارپردازی دولت علیه در تفلیس و وزارت خارجه در طهران و بالالت نمره دو سفارت کبرای عثمانیه شروع به مکاتبه کرده

چنین مکاتبه بقرار تفصیل ذیل ما بین وزارت خارجه و سفارت کبرای عثمانیه مقیم طهران ... و بر دستور شد و ... اعتنا نکرده اند

بتصریح کتاب ... امکان سفیر کبیر دولت علیه مقیم اسلامبول ... و ... تفصیل ... اظهار و ... کیده ...

ابطال تصرفات تسلیم نموده و اگر ... ممکن نموده دولت ... و ارجاع آنجا ... حال در ...

در سنه ... در سال ۹۸ ...

از آن تاریخ ببعد نه فقط ... آستانه علیه ... در جناب ... و نه از ... وزارت خارجه ... معلوم شود

خانه کارگزاری ... تسلیم نموده ... ادعای ... که رابطه ... شده است

ولی حال از بعض ... چنین ... در این سالهای گذشته ... عثمانیه ... در آنجا ... نموده اند

... تسلیم نموده ... در آنجا ساخته و ... گذاشته و اکنون هم ... در آنجا ...

... ضبطیه هم بعنوان ... مقرر نموده اند و ... زمین ... ضمیمه ...

... فروش ... زراعت ... آنکه ... از حوالی کانی .

و ... آن ... چند فرسخ ... ضمیمه کرده باشند

مکاتبات وزارت امور خارجه

سفارت عثمانی مقیم طهران
- مراسله ۲۲ رجب ۱۲۹۸ نمره ۵۳
- مراسله ۸ ذیقعده ۹۸ نمره ۸۲
- ... ۹ شوال ۹۸
- مراسله ۱۲ ذیقعده ۹۸ نمره ۸۹

کتابی ... امکان
- ... ۹ شوال ۹۸
- مراسله ۲۲ ذیحجه ۹۸
- مراسله ۱۵ ذیحجه ۹۸ نمره ۵۲

مراسلات و تحریرات سفارت کبرای عثمانیه بوزارت امور خارجه
- مراسله ۱۷ رجب ۹۸ نمره ۱۲۲
- ... ۲۴ ذیقعده ۹۸ نمره ۱۷۴
- ... ۱۳ ذیقعده ۹۸ نمره ۱۸۱

شمارهٔ سند: ۲۴۰
موضوع: تجاوز به اراضی صیفی و ملخطاوی ــ سیدحسن
تاریخ: ۱۲ شعبان ۱۳۰۵ هـ.ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۵/ع

نمره: خصوصی ۳۹ عمومی ۷۹۸

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از قراری که به اطلاع ولایت جلیلهٔ بغداد رسیده است، حسین‌قلی‌خان والی پشت‌کوه رعایت به قاعدهٔ اسطاطوقو نکرده باز تجاوز به اراضی سیدحسن کرده است و زُرّاع فرستاده که آنجا را زراعت کنند و در این صورت یقین است، که مشیری اردوی ششم برحسب تکلیف ناچار است که در مقام منع و طرد حسین‌قلی‌خان و زارعین برآید و سفارت کبری چون اطلاع وزارت جلیلهٔ امور خارجه را از این فقره لازم می‌دانست در مقام ترقیم این مراسله برآمده این را هم ذیلاً اظهار می‌دارد، جای تأسف است که حسین‌قلی‌خان سالها است در آن حدود مرتکب این حرکات خودسرانه است و هنوز کارگزاران دولت علیهٔ ایران او را ممنوع نداشته‌اند، زیاد زحمت چه زحمت دهد. فی ۱۲ شعبان سنه ۱۳۰۵

با مهر ــ خلیل خالد سفیرکبیر عثمانی

[نوشتهٔ پشت نامه، دستخط ناصرالدین شاه:]

جواب بدهید حاکم آنجاها تازه رفته است و دستورالعملهای لازمهٔ در این موارد به او داده شده است و جواب را هم سربسته بنویسید تصریح نکنید که در باب اراضی نوشته کرده، و جوابش این است. به امین‌السلطان هم بگویید که رضایت می‌دهد آن نیز لازم است آماده باشد.

[illegible]

۲۶ مرداد ۷
۲۶ صفر ۳۴۷

جناب جلالت‌مآب [illegible] با کفایت و کفالت [illegible] [illegible] منظور نمایند

از قراری که با اطلاع ولایت [illegible] رسیده [illegible] حسینقلی‌خان [illegible] قبال [illegible]

استعلام [illegible] باز [illegible] کردند [illegible] کنند

مسند ۴۰

و در این صورت [illegible] در [illegible] نمایند [illegible] در [illegible] دارد

حسینقلی‌خان [illegible] [illegible] [illegible] ارادهٔ فقره

لازم می‌دانست در مقام ترمیم [illegible] [illegible] [illegible] بود

جناب [illegible] حسینقلی‌خان [illegible] در این [illegible] [illegible] کمال

اورا خود سرانه است و هنوز کارگزار [illegible] دولت [illegible] ایران

۱۳۰[illegible]

ممنوع [illegible] [illegible] [illegible] ۱۳۲۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۴۱
موضوع: اراضی کانی بز (دورهٔ نظرعلی بیگ)
تاریخ: ۲۴ صفر ۱۳۰۶ هـ.ق
کارتن: ۲۰
پرونده: ۵/ح

نمره: ۵

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

فدایت شوم، تلغرافهای متوالیهٔ بندگان جناب مستطاب اجل عالی در باب دورهٔ نظرعلی زیارت و جواب هر یک تلغرافاً و متدرجاً عرض شده است، در این خصوص بدون افاتهٔ وقت در باب‌عالی به اقدامات قویه پرداخته با صدراعظم و وزیر خارجه در مجالس متعدد مذاکرات لازمه نموده و می‌کنم. حسب‌الفرمایش به سفرای کبار دولتین واسطه مراجعت و تکلیف اتفاق با بنده و مداخلهٔ دوستانه در این کار نموده‌ام. سفیرکبیر انگلیس کمال همراهی را دارد، سفیرکبیر روس هم ظاهراً روی موافقت می‌نماید. قبل از زیارت فرمایشات تلغرافی بندگان اعلی‌حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه تقریری به این مضمون به باب‌عالی نوشته بودم که (چون اراضی دورهٔ نظرعلی ملک طلق ما و در داخلهٔ خاک ایران است، مأمورین دولت عثمانی به هیچ‌وجه حق مداخله و صلاحیّت انشای ابنیه و غیره در آنجا ندارند. و با وجود اینکه تعلق آن اراضی به دولت علیه ایران مستغنی از تصریح و تحقیق است، مع‌هذا اگر اولیای دولت عثمانی حرفی و ایرادی در مقابل دارند، از آنجایی که حلّ و فصل مسائل سرحدیه و مشکلات حدودیّه از اول به معرفت وحکمیّت دولتین انگلیس و روس شده است این نیز باید به اطلاع آنها و در حضور مأمورین دول اربعه تسویه بشود نه اینکه مأمورین عثمانی خودسر بنای تجاوز و انشائات بگذارند. لهذا باید قومسیونی مرکب از مأمورین دول اربعه تشکیل یافته در اسلامبول و یا در همان محل متنازع‌فیه به تحقیق و تحدید این مسئله پردازد و اولیای دولتین علیتین نیز باید متقبل شوند که از قرارداد قومسیون مزبور تخلف ننموده آن را قرار قطعی قبول نمایند. ولی تا تشکیل قومسیون و تعیین قرار قطعی باب‌عالی باید امر تلغرافی بفرستد که مأمورین عثمانی از مداخله و تعرض به اراضی دورهٔ نظرعلی کف ید نموده آنجا را به حالت

ستاتوکو باقی بگذارند و الّا کارگزاران دولت علیهٔ ایران به هر نحو است مانع اقدامات تجاوزانهٔ مأمورین عثمانی خواهند شد و مسئولیت مشکلات و عوائل ناگواری که از این رو محتمل الوقوع است به عهدهٔ اولیای دولت عثمانی خواهد بود.) بعد از نوشتن این تقریر صدراعظم و وزیر امور خارجه را با ادلّه مُقنعه و بیانات مؤثره واداشتم امر تلغرافی مطلوب را فرستادند.

ولی بنده رشتهٔ مطلب را از دست نداده، اصرار در تشکیل قومسیون دارم. اولیای دولت عثمانی هم چند روز است در مجلس خاص وکلا و مجالس دیگر در این باب گفتگو می نمایند. امیدوارم انشاءالله تشکیل قومسیون مقرر گردد و در آن صورت هم محققاً اکثریت حقیّت ما را تصدیق خواهند نمود. نتیجهٔ مذاکرات ایشان و اقدامات بنده به هر چه منتهی شد معروض خواهد گردید. زیاده چه عرض شود. ۲۴ صفر المظفر ۱۳۰۶

[حاشیه:] جواب این کاغذ را باید فوراً تلگراف رمز کنید که اگر مسئله تشکیل قومسیون سر بگیرد.

مهر عبده محسن ابن کاظم

سفارت کبرای اعلیحضرت شاهنشاه ایران
در اسلامبول
شماره
۵

فدایت شوم — تلگرافهای متوالیه بندگان جناب مستطاب اجل عالی در باب دره نظرعلی و سایر نقاط و جواب هر یک تلگرافاً فدوی شرحاً عرض شده است در این خصوص هر قدر اقامه دقت در بابعالی با اقدامات قویه روبرو با صدراعظم و وزیر خارجه در مجالس متعدده مذاکرات لازمه نموده و بعلاوه حسب الفرمایش سفرای کبار دولتین واسطه مراجعت و تحقیق اتفاق با بعضی مداخله دولتین ساخته در این کار نموده‌ام سفیر کبیر انگلیس هم اظهار همراهی را دارد و سفیر کبیر روس هم اظهار همراهی موفقیت نمی‌نمایند قبل از زیارت فرمایشات تلگرافی بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه تقریری با این مضمون به بابعالی نوشته بودم که (چون اراضی دره نظرعلی ملک طلق ما و در داخله خاک ایران است مأمورین دولت عثمانی بهیچوجه حق مداخله و ملاحظه حیثیت سیاسی و غیره در آنجا ندارند و با وجود اینکه تعلق آن اراضی تعیین و تحقیق مستغنی از تصریح و تحقیق است معهذا اگر اولیای دولت عثمانی حرفی و ایرادی در تصاحب دارند از آنجا که حق فصل مسائل سرحدیه و مشکلات حدودیه از ابتدا بمعرفت و حکمیت دولتین انگلیس و روس شده است این بار باطلاع آنها و در حضور مأمورین دول اربعه تسویه شود نه اینکه مأمورین عثمانی خودسرانه تجاوز نمایند لهذا این کمیسیون مرکب از مأمورین دول اربعه تشکیل یافته در اسلامبول یا در همان محل متنازع فیه به تحقیق و تدقیق این مسئله رسیدگی و اولیای دولتین علیتین نیز متعهد شوند که از قرار رأی کمیسیون مزبور رفتار نموده آن را قرار قطعی قبول نمایند ولی تا تشکیل کمیسیون و بیش قرار قطعی بابعالی باید امر تلگرافی بفرستد که مأمورین عثمانی از هر جهت دره نظرعلی را تخلیه نموده آنجا را بحالت سابق واگذار نمایند و الا کارگذاران دولت علیه ایران مجبوراً مانع اقدامات تجاوزانه مأمورین عثمانی خواهند شد و مسئولیت مشکلات و عواقب ناگوار که از این راه و تحمیل این موضوع بعهده اولیای دولت عثمانی خواهد بود) بعد از نوشتن این تقریر صدراعظم و وزیر امور خارجه را بالمقابله ملاقات

و بنابر این سوزه داده‌ایم، امپراطور مطلوب را فرستادند. ولی بنده نوشته شعب را از دست نداده، جبراً در تعقیب

کمیسیون وارد. ایلچی دولت عثمانی هم چند روز است در مجلس خاص دیگر در مجلس کبیر در اثبات تعقیب کوشش و اظهار میدارد

انشاءالله تشکیل کمیسیون مقرر گردد و در آن صورت هم تحقیقات کثیرت تعقیب مارا تصدیق خواهند نمود. نتیجه مذاکرات آنها

و اقدامات خود بهر چه منتهی شد معروض خاکپای همایون خواهد کرد.

راقم جان نثار ۲۴ صفر المظفر ۱۳۰۶

شمارهٔ سند: ۲۴۲

موضوع: ادعای عثمانیها در مورد اراضی صیفی و ملخطاوی

تاریخ: ٤ شعبان ۱۳۰۷ هـ.ق

کارتن: ۲۰

پرونده: ۵/ح

نمره: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

تصدقت شوم، عثمانی ها همیشه ادّعا نموده اند که اراضی صیفی و ملخطاوی از اراضی متنازع فیها و تحت استاتوسکو است. و مدعی اند که باید تا تحدید حدود، لم یزرع و مسکوت‌عنه بماند و این مسئله از قدیم الایام مابین وزارت جلیلهٔ خارجه و وکلای عثمانی محل گفتگو بوده است که خاطر مبارک عالی البته از تفصیل آن اطلاع کامل دارند. سنوات ماضیه گاهی عمدة الامراء العظام حسین‌قلی‌خان والی پشت کوه در این اراضی زراعت می نمود و والی بغداد به باب‌عالی اطلاع می داد و به حکم باب‌عالی جمعی سوار فرستاده زراعت آنجا را آتش می زدند. فدوی هم چون از مخابرهٔ والی بغداد با باب‌عالی و نیّت آنها اطلاع داشت مراتب را در موقع به عرض ملازمان وزارت جلیله می رسانید، از جانب وزارت جلیله هم به توسط سفارت کبرای مقیم اسلامبول با باب‌عالی مخابرات لازمه می شد، چند سال بود که والی پشتکوه در این اراضی زراعت نمی‌کرد. امسال از قراری که خبر رسید زراعت زیادی کرده است، فدوی احتمال قوی می دهد که باز ایالت بغداد مراتب را به باب‌عالی اطلاع بدهد و یک دو ماه دیگر که وقت حصاد* است سوار برای آتش‌زدن زراعت آنجا بفرستد و آتش بزنند. لازم دانست قبل از وقت مراتب را به عرض حضور مبارک عالی برساند که تا وقت و مجال هست به هر قسم که رأی صواب‌نمای مبارک عالی اقتضا فرماید امر و مقرر فرمایند جناب غفران‌مآب مرحوم مغفور میرزا سعیدخان وزیر طاب‌ثراه و رحمة الله علیه اراضی صیفی و ملخطاوی را ملک طلق بلامنازع دولت قوی‌شوکت علیه می دانستند و تنها اراضی غربیه و

* به معنی درون کردن، و نیز به معنی هنگام درو.

باغسائی را متنازع‌فیها و تحت استاتوسکو محسوب می‌فرمودند. ولی عثمانی ها بعکس اراضی غربیه و باغسائی را ملک طلق خودشان و اراضی صیفی و ملخطاوی را متنازع‌فیها ادّعا می‌کنند. البته خاطر مبارک عالی از تفصیل مخابرات جاریهٔ سابقه در باب اراضی اربعه به اطرافها قرین استحضار است.

در باب زراعت امسالهٔ والی پشتکوه در این اراضی صیفی و ملخطاوی هر طور صلاح دانند امر و مقرر خواهند فرمود. محض استحضار خاطر مبارک جسارت به عرض نمود. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع. معروضه چهارم شهر شعبان‌المعظم ۱۳۰۷

با مهر محمود

تصدقت شوم

عثمانیها بهانه و ادعا نموده‌اند در اراضی حسینی و محالات ... اراضی ... فیها و نجات ... تنها دو کرات

عثمانی و وکلاء خارجه جلیله

و مدعی اند در باب ... و سکوت ... بمانند و این مسئله از قدیم الایام ما بین وزارت

عظام اولیاء ... عهده کارگزاری

جلیله گفتگو بوده است در خاطر مبارک عالی البته از تفصیل آن اطلاع کامل دارند نواب ...

و حکم باب عالی

حسینقلی خان والی پشتکوه در این اراضی زراعت نموده و والی بغداد به باب عالی اطلاع میداد

و حکم ... آنها

جمعی سوار و رساله به زراعت آنها آتش میزنند فدوی هم چون از ... والی بغداد به باب عالی ...

جلیله ام

اطلاع داشت مراتب را در موقع بعرض ... و از ... مسئله ... رسانید از جانب وزارت

پشتکوه

بتوسط سفارت کبری مقیم اسلامبول به باب عالی اخطار ... لازم ... خبر ... والی

فدوی

در این اراضی زراعت نمیکرد ... امسال ... خبر رسید زراعت زیادی کرده است

وقت

احتمال قوی میدهد ... از ... والی بغداد مراتب را به باب عالی اطلاع ... ماه ... وقت

قبل از وقت

حصاد است سوارها ... آتش زدن زراعت آنها بفرستد و آتش بزنند لازم دانست

امنای

مراتب را بعرض حضور مبارک عالی برساند تا وقت ... است ... هر قسم ...

مبارک عالی اقتضا فرماید امر و مقرر فرمایند جناب ... مرحوم مغفور ... خان ...

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۴۳

موضوع: اراضی کانی بز

تاریخ: ۲۱ جمادی الاخر ۱۳۰۸ هـ.ق

کارتن: ۲۱

پرونده: ۵/ح

نمرهٔ عمومی ۲۱۷۸ نمرهٔ خصوصی ۸

نامهٔ سفارت کبرای عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از مضمون مراسلهٔ جوابیه آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۰ شهر جمادی الاخر ۱۳۰۸ نمرهٔ ۳ در باب کانی بز دوستدار را اطلاع حاصل آمده با کمال احترام زحمت افزا می شود، که محل مزبور از اراضی داخلهٔ خانقین و از املاک میریّه می باشد. چنانچه در دفاتر خاقانی مسطور و ضبط است و مدتی در اجارهٔ مُعلم نسیم یهودی بوده و هرگز مورد نزاع نشده. والّا در سال اوّل انعقاد مقاوله‌نامه به جهت نگذشتن عشایر طرفین به خاک یکدیگر چرا این حرف گفته نشد و حال آنکه برای عشیرت سنجابی امنای عظام دولت علیهٔ ایران از وکلای فخام دولت علیهٔ عثمانیه مُهلت خواسته گفتند که چون هنوز دولت علیهٔ ایران مرتعی مخصوص سنجابی تدارک نکرده، اگر امسال موافق مقاولهٔ منعقده ممنوع شوند نفوس و حیوانات آنها تلف خواهد شد و دولت علیهٔ متبوعهٔ دوستدار هم بنا به مسلک مسالمت و موافقتی که همواره با دولتی دوست هم دین همجوار اتخاذ کرده آن سال را مساعده نمود.

و در این صورت کانی بز از املاک مختصّه بلانزاع دولت علیهٔ عثمانیه است و اگر از جانب مأمورین کرمانشاهان به آنجا حرکتی سربزند کارکنان ولایت بغداد آن را تجاوز علنی دانسته و برحسب تکلیف همان‌طور که در مراسلهٔ سفارت کبرای مورخهٔ ۱۶ جمادی الاخر ۱۳۰۸ نمرهٔ ۶ مذکور است در مقام ممانعت و مدافعه خواهند برآمد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۱ شهر جمادی الاخر ۱۳۰۸

مهر خلیل خالد، سفیرکبیر عثمانی در طهران

[حاشیه]: جواب نوشته شد

جناب جلالتمآب [illegible] دوستان [illegible]

نمره ۲۱۲۸
۸

در خصوص مراسله جوابیه که جناب جلالتمآب مورخه بیست و نهم جمادی الاولی ۱۳۰۸ [illegible] جناب [illegible] درباره [illegible] احترام [illegible]

که همیشه [illegible] دولتین [illegible] بوده [illegible] می‌باشد چنانچه [illegible] معلوم [illegible]

[illegible] بیست و سیم [illegible] که [illegible] اولیای دولت [illegible]

اولیای دولت علیه ایران [illegible] دولت علیه عثمانیه [illegible] خواسته [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] شده [illegible]

که [illegible] دولت [illegible] خواهد [illegible]

[illegible] دولت علیه عثمانیه [illegible]

در جواب [illegible] مورخه ۱۶ جمادی الاولی ۱۳۰۸ [illegible] ۱۲ شهر جمادی الاولی ۱۳۰۸

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۴۴
موضوع: اراضی دورهٔ نظرعلی بیک
تاریخ: ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

مراسلهٔ جوابیه وزارت خارجه به سفارت عثمانی

در جواب مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۱ شهر جمادی‌الآخره ۱۳۰۸ نمرهٔ ۸ با کمال احترام زحمت‌افزا می‌شود که چنانکه در ضمن مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ بیستم جمادی‌الآخره ۱۳۰۸ نمرهٔ ۳ اظهار شد، هرگاه مقصود از کانی بز دورهٔ نظرعلی بیک است آن محل از املاک صحیحهٔ قدیمهٔ دولت علیهٔ ایران است و تسمیهٔ آن به دورهٔ نظرعلی بیک که اسم یکی از کدخدایان طوایف سنجابی و از قبیل تسمیهٔ محل به اسم حال است دلالت می‌کند که آنجا از مراتع طایفهٔ سنجابی و خاک کرمانشاهان می‌باشد و اینکه آن جناب مرقوم داشته‌اند که در اجارهٔ معلم نسیم یهودی بوده و هرگز محل مزبور مورد نزاع نشده، اگر به مراسلاتی که در این باب از وزارت امور خارجه به سفارت کبرای آن دولت علیه نگاشته شده، رجوع فرمایند و همچنین از مکاتبات فی‌مابین سفارت کبرای این دولت علیه و باب‌عالی و کارپرداز بغداد و ایالت آنجا تحصیل مزید اطلاع نمایند، تصدیق خواهند فرمود که این مطلب امر مستحدثی نیست که تازه به میان آمده باشد هر وقت از طرف مأمورین سرحدّیه آن دولت اقدام به آبادی و زراعتی در آنجا شده چون برخلاف قواعد اسطاطوقو بوده از این طرف حقاً ممانعت شده حتی اوقاتی هم که نسیم یهودی به حیله بنای قشله در آنجا گذاشته بود از طرف ایالت کرمانشاهان در صدد منع و خرابی آن برآمده‌اند و بعد از این هم هر اقدامی از آن طرف بشود، از جانب کارگزاران سرحدّیهٔ ایران معذوراً ممانعت خواهد شد.

این هم که مرقوم داشته‌اند (در سال اول انعقاد مقاوله‌نامه چرا این حرف گفته نشد و حال آنکه برای عشیرت سنجابی اولیای دولت علیه از وکلای آن دولت علیه مهلت خواستند که چون هنوز دولت ایران مرتعی مخصوص برای سنجابی تدارک نکرده، اگر ممنوع شوند نفوس و حیوانات آنها تلف می‌شود) اگر تمام این فقرات را مسلّم هم بدانیم

دلیل نمی‌تواند شد که دورهٔ نظرعلی بیک خاک کرمانشاهان نباشد و نگفتن این حرف که دورهٔ مزبور مرتع سنجابی است با اینکه هیچ لزومی هم نداشت خللی متعلق ملک آنجا*

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

جناب وزیرخارجه؛ در این فقره در جواب آخر هرچه مختصر نوشته بشود بهتر است و این طور به نظر آمد بنویسند.

کاغذ مورخهٔ فلان شما در جواب ما در فقرهٔ کانی بز که اسم گذاشته‌اید و ما دورهٔ نظرعلی بیک می‌دانیم رسید. همین قدر می‌نویسیم که این حرف و سؤال و جواب چیز تازه نیست که حالا محتاج به این قدر سؤال و جواب مابین وزارت خارجه و سفارت کبرای شما باشد.

همان قدر که رجوع به دفاتر سفارت بکنید خواهید دانست که این مسئله از چندی قبل مطرح گفتگوی طرفین بوده است، حتی در میانه سفرای این دولت مقیم اسلامبول با باب‌عالی به دفعات سؤال و جواب و گفتگو شده است. و حالا هم همان است که مکرر به آن جناب در جواب مراسلات در این فقره نوشته شده است بازهم هر قدر شما در این فقره بنویسید و ایراد نمایید ما همان جوابها را تکرار خواهیم کرد.

* انتهای سند اصلی چند خط افتاده و ناقص است.

[illegible]

سواد جواب به سفارت [illegible]

۱۳۰۸

در جواب مراسله جناب جلالتمآب [illegible] مورخه [illegible] جمادی الاخری ۱۳۰۸ با کمال احترام زحمت افزا می‌شود [illegible] جوابیه [illegible]

[illegible] هر گاه [illegible] نظر [illegible] است آن [illegible] دولت علیه [illegible] آن [illegible] نظر [illegible]

[illegible] طوایف [illegible] دولت [illegible] که [illegible] طایفه [illegible] کردها [illegible]

و هرگز [illegible] اگر [illegible] از [illegible] سفارت کبری [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] سفارت کبری [illegible] دولت علیه [illegible] دولت [illegible]

که [illegible] از طرف [illegible] دولت [illegible]

[illegible] از طرف [illegible] کردها [illegible]

و [illegible] از این طرف [illegible] از جانب کارگزاران [illegible] این [illegible]

[illegible] کفته اند [illegible] دولت علیه [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible] کردها [illegible] این حرف [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۴۵
موضوع: اراضی کانی بـز (دورهٔ نظرعلی بیگ)
تاریخ: جمادی الاولی ۱۳۰۹ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۹

نامهٔ ناظم الدوله سفیرکبیر ایران در عثمانی به وزارت خارجه

هو

قربانت شوم، در بـاب دورهٔ نظرعلی این بـنده در مذاکره و گفتگو بود و هیچ گونه جواب شافی نـمی دادند در خیال بـودم کـه عریضه به حضـور اعلی حضرت سلطان نوشته انجام این فقـره را استدعا نمـایم دربن بین تـلغراف حضرت‌عالـی رسید مرقوم فرموده بودند که با جناب خالدبیگ سفیر عثمانی قرارداده‌بوده‌اند که حقیّت طرفین برگردد و انجام این فقره بسته بـه تشکـیل کومسیون بـاشد. بـعد سفیر مشارالیه به موجب تلغراف بـاب‌عالی از قول خود نکول کرده نوشته است که تشکیل کومسیون جایز نیست دربن باب حسب الامر مقرر شده بود که مراتب را با سفرای دول واسطه گفتگو کرده قرار اجرای قرارداد سفیر عثمانی را بدهنـد. لهذا این بـنده یادداشتی در زبان فـرانسه نوشتـه و تفصیل مـذاکرات اینـجا و طهران را مـندرج کـرده به سفـرای دول واسطه و صـدراعظم دادم و اظـهار کـرده، اگرچه موافق دستـورالـعمل خودم بایـد مراتب را به اتفـاق دول واسطه به شما اظـهار نمایم، لـکن چون دوست می دارم اختلافات طرفین بی مداخلهٔ غیر تمام شود این است بعد از مذاکرات زیاد با وزارت خارجه حالا مطلب را به جناب اشرف شما می‌گـویم، اگـر صدارت عظمی هم قـراری نداد تـفصیل را بـه اعلـی حضـرت سلطـان عرض خواهـم نمـود. بعد تـکلیـف علی حده خواهـد شد. صدراعظم سه روز مـهلت خواستـه وعدهٔ صریح داد که مـعجلاً قرار انجام این فقـره را بدهد سفرای دول واسطه هم این سبـک و سیاق را صواب دیده تصدیق نـمودند و منتظر بـودند اگر به وسایل مزبـوره فوق نیل مقصود حاصـل نشود رسماً مداخله در مذاکرات کرده قرار تشکیل کومسیون را بدهند، آن بود تلغراف موکّد به خالدبیـگ کـرده از صحّت قرارداد سؤال کردند، آیا راست است با اولیای دولت عـلیهٔ ایران قرار داده است

که در باب دورهٔ نظرعلی که آنها کانی بز می‌گویند، کومسیون تشکیل بشود یا نه. و در این فقره قرارداد خالدبیگ اعلی حضرت سلطان و باب‌عالی در اعلی درجه متغیّر بودند، کار به اینجا رسیده بود حسب‌الامر تلغرافی مقرر شد که بنده درین مسئله سکوت نماید. بلکه خالدبیگ آنجا قراری بدهد. دو روز بعد از سفیر عثمانی تلغراف رسید که این فقره را ذات مقدس ملوکانهٔ خودشان تمام کردند. از این تلغراف حضرات بسیار مشعوف شدند. مخصوصاً جناب سعیدپاشا وزیر امور خارجه اظهار خوشوقتی می‌کرد، دیگر نمی‌دانم چگونه و چه قسم تمام شده همین قدر عرض می‌نماید که کار به جای خوب رسیده بود و حکماً یک طرفی می‌شد، اگر خالدبیک جواب طفره‌آمیز داده و نوشتجات رسمی خود را پس گرفته، دیگر انجام این فقره از محالات است. عثمانی‌ها محال است اعتراف به متنازع‌فیه بودن دورهٔ نظرعلی بکنند و قراری در این باب بدهند، حتی اگر مقتضی باشد با قوهٔ جبریه حرف خودشان را از پیش خواهند برد، آنچه مذاکرات آتیه در این باب اسباب برودت، بلکه باعث ظهور خصومت خواهد شد. آنچه اطلاع حاصل کرده بود به عرض رساند. زیاده عرضی ندارد. شهر جمادی‌الاولی ۱۳۰۹

مهر ناظم‌الدوله

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

هم به ناظم‌الدوله بنویسید که در طهران هیچ قراری با سفیرکبیر در این خصوص داده نشده است بغیر از همان نوشتجاتی که ردّ و بدل شد و بالاخره سفیرکبیر قبول کرد که در فقره دورهٔ نظرعلی تحقیق بشود و از طرفین کمسیون برود به همین حالت باقی مانده است.

قربانت شوم   در باب وعده نظر علم این بنده درین مسئله ... و همگی به جواب شافی

نمره ۱۹

نرسیده‌ام در خیال بودم عریضه به حضور اعلیحضرت سلطان نوشته اقدام سفیر را استدعا نمایم در این باب

حضرت والی رسید مرقوم فرموده بودید در جواب ... سفیر عثمانی قرار داده‌اند بنده در حقیقت طرفین که خود

و اقدام سفیر نسبت به تشکیل کمیسیون باشد ... سفیر ... تلگراف ... والی در قول خود

کمال ... نوشته است که تشکیل کمیسیون حاضریست درین باب حسب الامر ... نمود

مراتب را به سفرای دول واسطه تلگراف کرده قرار اجرای قرارداد سفیر عثمانی را ... لهذا این

ایراد ... در این باب فراهم نوشته به تفصیل مذاکرات ایشان و طهران را مشروح که به سفرای دول

واسطه و صدر اعظم دادم و اظهار کردم که هرچه موافق دستورالعمل حضرت ... مراتب را به اتفاق دول واسطه

قبول ... نمایم ... جواب درست ندادم ... طرفین ... مراحله ... ایشان

بعد از مذاکرات زیاد، وزارت خارجه حالا مطلب را به باب ... میکنم

اگر صدارت عظمی هم قراری نداد تفصیل را به اعلیحضرت سلطان عرض خواهم نمود ... تکلیف

... صدر اعظم ... مهلت خواسته وعده صریح داد ... قرار ... اقدام سفیر را

به سفرای دول واسطه هم این ... را صواب دیده تصدیق نمودند منتظر

بودند اگر ... فوق ... نتیجه حاصل نشود ... مذاکرات که قرار

تشکیل کمیسیون را ... آن ... که ... قرار داده ... کرده

آیا راست است اولیای دولت علیه ایران قرار داده است که در باب محمره نظر قطع

که آنجا کانه نیز میکرده که کمیسیون تشخیص بشود یا نه و در این قسمت قرارداد خالد بیک اعلیحضرت

سلطان را بالاخره در این درجه متغیر بکند کار باینجا رسیده بود حسب الامر تلگرافی به سفیر نشده

و بنده در همیشه سکوت نمایم بلکه خالد بیک این قراری که داده و روز بعد از سفیر عثمانی

ملتزم رسید [illegible] را ذات مقدس ملوکانه خودشان تمام کنند از این تلگراف حضرات

بسیار مشعوف شدند مخصوصاً جناب سعید پاشا وزیر امور خارجه اظهار خوشوقتی میکرد

دیگر بنده نمیدانم چه کرده و چه قسم تمام شد همینقدر عرض مینمایم هر کار با کار خوب رسیده بود حالا

مضطر نمیشود اگر خالد بیک جواب طفره آمیز داده و تلگراف رسمی خواهد گرفته

دیگر الان [illegible] از ملاحظات است عثمانیها محال است اعتراف بشیرین [illegible]

دوره نظر قطع بکشند و قراری در این باب بدهند حتی اگر نقض بشود باز دو حضرت قوی

خودشان را از رنجش خواهند نمود نه اگرات آنچه در این باب اسباب [illegible] بلکه

باعث ظهور خصومت خواهد بود انچه اطلاع حاصل کرده بود عرض شد

[illegible] ۱۳۰۹

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۴۶
موضوع: تعلق اراضی سیدحسن از محال صیفی و ملخطاوی به عثمانی
تاریخ: ۸ شوال ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۵
پرونده: ۵/ح

نمرهٔ عمومی ۱۲۲ نمرهٔ خصوصی ۳۷

نامهٔ سفارت کبرای عثمانی به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا

با اینکه در دفتر سفارت کبرا رسایل عدیده متضمن دلایل متقنه بر اینکه اراضی سیدحسن از املاک صحیحهٔ متصرفهٔ دولت علیهٔ عثمانی می باشد موجود است، دوستدار مضمون مراسلهٔ محترمه جناب مستطاب اشرف عالی مورخهٔ ۱۱ شعبان ۱۳۱۳ نمرهٔ ۱۳۱ را به ولایت جلیلهٔ بغداد نوشته ولایت مشارالیها هم تکرار می‌کند که من القدیم اراضی مزبوره در داخله و از املاک مختصّهٔ دولت علیه بوده و حالا هم هست و همه وقت هم بعضی خواسته اند تجاوز نمایند. مأمورین عثمانیه آنها را منع کرده‌اند و از رجوع به اوراق موجوده در این خصوص کشف مطلب محقق و مثبت است. همواره احترامات فایقه دوستدار را جناب مستطاب اشرف ارفع عالی در حق خود برقرار و استوار دانند. فی ۸ شهر شوال ۱۳۱۳

دو مراسلهٔ سفیر عثمانی است از عرض خاکپای اقدس همایونی خواهد گذشت.

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت پاکت نامه:]

هو

این همان مطالب قدیم است در باب اراضی صیفی و ملخطاوی می نویسند که از اراضی صحیحهٔ سنیهٔ دولت ایران است و مکرّر هم در این باب سابق اظهار کردند و جواب آن داده شده است که ابداً ربط به دولت عثمانی ندارد حالا هم از روی همان کاغذها که سابق جواب داده شده است، جواب این مراسله را هم بدهید و صریحاً رد کنید.

دولت علیهٔ عثمانیه

نمرۀ عمومی
۱۲۲
نمرۀ خصوصی
۳۷

[illegible]

[illegible] ... [illegible]

مستدعینک مضمونی ... [illegible] ... مورخ ۱۱ [illegible] ۱۳۱۳ ... [illegible]

[illegible] ... مخصوصه ... [illegible]

[illegible] ... اوراق مرقومه ... تحقیق و تثبیت [illegible]

۵ [illegible] ۱۳۱۳

[illegible] ۲ [illegible]

[illegible] ... [illegible]

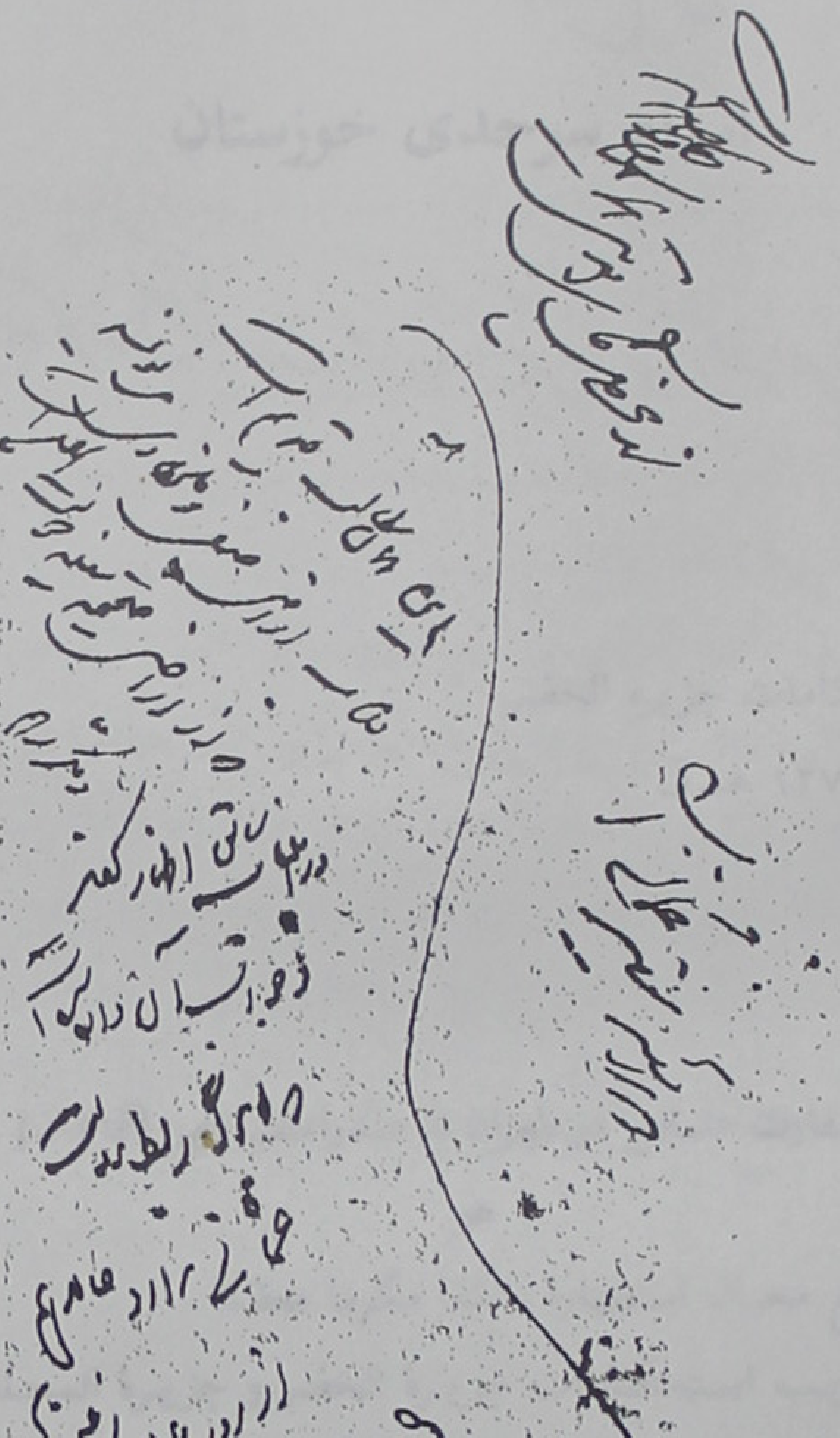

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش سوّم

اسناد سرحدی خوزستان

شمارهٔ سند: ۲۴۷
موضوع: تخریب استحکامات جزیره الخضر
تاریخ: ۳ ربیع الاول ۱۲۷۳ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به صدراعظم [میرزاآقاخان]

هو

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظهارا مشفقا مکرما معظما

به مسئلهٔ تخریب استحکامات جزیرهٔ الخضر و جزیرهٔ المحله الان آن جناب اشرف امجد قراری ندادند دوستدار هر دقیقه منتظر اجوبهٔ صریحه مسئلهٔ مذکوره است، البته آن جناب اشرف امجد زحمت کشیده درین خصوص نیت دولت خود را بیان خواهند فرمود، چون دوستدار امور مأمورهٔ خودش را به عمل آورده و از مسئولیت رها شده منتظر جواب سریع آن می باشد. ۳ ربیع الاول ۱۲۷۳

محل مهر: السیدحیدر

جناب اشرف امجد ارفع عالی سپهسالار اعظم

یک بسته محرمانه تحریرات اتفاقات جزیره الخضر و جزیره المحمره الی الان از وزارت امور

وزارت [illegible] در بسته رسمی دقیقه منتظر اجوبه صریحه مسئله کرده است

الان که جناب اشرف امجد زحمت کشیده در تخصیص [illegible] خود نوشته اید

خواهشمند چون درست آن را امروز [illegible] حقوق [illegible] بعمل

۱۲۹۳

آورده وزارت مسئول [illegible] منتظر جواب [illegible]

شمارهٔ سند: ۲٤۸
موضوع: تخریب استحکامات جزیرهٔ الخضر
تاریخ: ۹ ربیع الاول ۱۲۷۳ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به صدراعظم [میرزا آقاخان]

هو

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظهارا مشفقا مکرما معظما

در باب تخریب استحکامات جزیرهٔ الخضر و جزیرهٔ المحله و مصالح سایرهٔ رقعه که دوستدار نوشته به خدمت آن جناب اشرف امجد فرستاده بود در جوابش فرموده بودند که با جواب قطعی آخری مقرب الحضرت العلیه میرزاعباس‌خان را پس‌فردا به سفارت سنیه فرستاده مصالح مذکوره را می‌گذرانند تا حال نه جواب و نه خان مومی الیه آمده است، دوستدار که معطل است درین خصوص بسیار عجله دارد چون که سر وعدهٔ آن جناب گذشته است الان جواب رسمی و قطعی نرسیده است که دوستدار چاپاری بفرستد البته آن جناب زحمت کشیده به تسویهٔ مصالح مذکوره همّت بفرمایند چون لازم بود، تصدیع نمود. حرر فی ۹ شهر ربیع الاول ۱۲۷۳

محل مهر: السید حیدر

[illegible]

حالات ارض [illegible] از روح و ریحان [illegible] معطر

در باب [illegible] جریده [illegible]

[illegible] رقعه که درسته از نوشته [illegible]

و در جواب [illegible] که با جواب قطعی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲٤۹
موضوع: منع سیر سفاین جنگی در شط العرب
تاریخ: ۱۵ جمادی الاخر ۱۲۷۳ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی- در طهران به صدراعظم [میرزاآقاخان]

هو

جناب امجد ارفع اشرف محبان استظهارا مشفقا مکرما معظما

کاغذی که حاوی به منع گشت وگذار سفاین حربیه و غیرحربیه در شط العرب نوشته بودند رسید. چون محمره و جزیرة الخضر و جزیرة المحله در نظر معالی منظر سلطنت سنیه زیاد از محالات معتنابه می باشد از این جهت منع آمد شد سُفن مختلفه هم به جهت منافع و حقوق دولت علیه عثمانیه و هم برای تجارت موجب عُسرت است. بناء علیه دولت ایرانیه محال مذکوره را نبایست مثل جاهای دیگر نظر نموده قیام به حرب و تسلط و استحکام بکند اگرچه آن جناب امجد اشرف این خصوص را شفاهاً به دوستدار وعد فرموده بودند ولی چون مصلحت اهم مهم و واجب الاعتنا است از این جهت وعد مذکور را تجدید و تحریر بفرمایند چون بیان این مطلب بادی تأمینات احترامات آن جناب امجد اشرف بود زحمت داد. حرر فی ۱۵ شهر جمادی الاخری ۱۲۷۳

محل مهر: السید حیدر

[illegible]

جناب اجل ارفع اشرف امجد خان السلطنه

کاغذی که حاوی منع گشت و گذار سفاین حربیه و غیر حربیه در شط العرب نوشته بودید رسید چون محمره

و جزیره الخضر و جزیره المحله در نظر معالی منظر سلطنت سنیه ایران از ممالک متعلقه ایران است

از اینجهت منع آمد و شد سفن مختلفه امم تجاریه منافی حقوق دولت علیه عثمانیه و اهم برای تجارت

موجب غرابت است بناءً علیه دولت ایرانیه محال مذکوره را سوء نیت نسبت بآنجاهای

دیگر ملاحظه نموده قیام بجهت تسلط و استحکام میکند اگر چه آنجناب اجل اشرف بخصوص

شفاهاً هم در دستدار وعده فرموده بودند ولی چون مصلحت اهم مهم و واجب الاعلام است رعایت

از این جهت وعده مذکوره را تجدید و تحریر نمایند چون بیان این مطلب لازم بود

تأمینات احترامات آنجناب اجل اشرف را تجدید مینماید مورخه ۱۵ شهر جمادی الاولی ۱۲۷۳

شمارهٔ سند: ۲۵۰

موضوع: تخلیهٔ جزیرهٔ محله

تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۷۳ هـ.ق)

کارتن: ۸

پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزیر خارجه (میرزا علی خان) به ناصرالدین شاه

قربان خاکپای همایونت گردم، از خاکپای مبارک که مرخصی حاصل کرد وزرای مختار دو طغرا کاغذ مثل هم به فدوی جان‌نثار در باب جزیرهٔ محله نوشته‌اند یک نسخه از آن را فرستاد که از لحاظ اقدس بگذرد دولت عثمانی چشم این را دارد که جزیرهٔ محله را صاحب شود اما برای دولت علیه ضرر کلی دارد و انشاءالله مثل سابق در تصرف اولیای این دولت خواهد بود و به همین طور که نوشته‌ایم جزیره محله به حالت امروزه بماند باید جواب به وزرای مختار نوشت نه اینکه از قشون و حاکم امروزه تخلیه شود. الامر الاقدس الاعلی مطاع

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

هرگز حکم به تخلیهٔ جزیرهٔ محله نخواهیم فرمود، زیرا که آن خاک را ملک طلق می دانیم. البته همین طور جواب بنویس.

[illegible]

قربان خاک پای همایونت گردم . از جای مبارک در خصوص [illegible]

وزرای مختار [illegible] هم [illegible] جزیره [illegible]

نوشته اند یک نسخه از قرارداد [illegible] ملاحظه [illegible] دولت عثمانی

خیلی [illegible] جزیره [illegible] را [illegible]

ضرر کلی دارد [illegible] تصرف [illegible]

و [illegible] جزیره [illegible] امروز [illegible]

[illegible] امروز [illegible] الله [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۵۱
موضوع: دستگیری و تبعید یکی از مشایخ عشیره البومحمد
تاریخ: ۲۵ ذی‌حجه ۱۲۷۹ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

برادر فیصل منشد نام شخصی که از مشایخ عشیرهٔ البومحمد است و در قائم‌مقامی عماره سکنی داشت چندین سال است که لوای عصیان برافراشته به طرف حویزه گذشته و به هر سال هنگام طغیان نهر دجله بعضی اشرار مسلح از اهالی حویزه بر سر خود جمع کرده در داخلهٔ قائم‌مقامی مذکور مشغول اخلال آسایش حال اهالی آنجا می‌باشد چنان که امسال هم از سوارهٔ اشرار عشایر حویزه جمعیت فراهم آورده به حورهانی که در داخلهٔ قائم مقامی مذکور است آمده و شیخ معزول محل مذکور را هم جلب نموده و با خود همدست و متفق ساخته به تعدی اهالی که در تحت اطاعت دولت متبوعهٔ خودشان هستند برآمده با فساد بلده جسارت می‌نمود. لهذا جناب جلالت‌مآب مشیر اردوی ششم و والی بغداد عسکر بر سر آنها سوق نموده اگرچه جمعیت آنها را متفرق کرده‌اند ولی باز به حویزه رفته‌اند چون از خیلی وقت تا به حال با اقوام و اقارب خودش فراراً به حویزه رفته و حاکم حویزه او را التفات و محبت نموده حتی به جهت زراعت و فلاحت جا هم به او داده است و هر یک چندی اقوام و اقارب خود را در آنجا گذاشته خودش با جمعی از اشرار عشایر حویزه در داخلهٔ خاک دولت علیه به اخلال آسایش مردم و فتنه و فساد و دزدی و راهزنی مشغول می‌شود همین که جمعیتی به اخذ و تنبیه او مأمور می‌گردد باز به حویزه می‌رود و الان هم در حویزه می‌باشد هر وقت از جانب جناب پاشای معزی‌الیه او را مطالبه می‌کنند جواب می‌دهند که در حورهای خاک دولت علیه فراری و متواری است و حال اینکه بودن او در حویزه به درجهٔ ثبوت رسیده است و چون شیخ مرقوم از قبیل مقصرین و فراریان است و موافق مدلول عهدنامهٔ مبارکه این گونه اشخاص را که همیشه مصدر هرزگی و افساد هستند می‌باید مأمورین آن دولت گرفته به

مأمورین دولت علیه تسلیم نمایند و در صورتی که واقعاً پنهان باشد و به دست نیاید. مثل اینکه دولت علیه اشخاصی را که دولت ایران سوء ظن دربارهٔ آنها داشت محض اتحاد دولتین علیتین و جهت جامعهٔ اسلامیه و حسن همجواری از حدود تبعید نموده به طرف بلاد دوردست مثل شام و مصر و بورسا روانه داشت خواهش دارد که دولت ایران هم مفسد و شریر این دولت را از حدود تبعید نموده به جاهای دیگر سکنی بدهند که مایهٔ آسودگی طرفین و اصلاح حال اهالی این طرف باشد و دوستدار منتظر اعلام تبعید شیخ مرقوم از حدود و یا تسلیم او به مأورین دولت علیه خواهد بود. زیاده بر این حاجت به زحمت آن جناب نیست. حرر فی ۲۵ شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۷۹

مهر السید حیدر

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا، فخامت و مناعت انتسابا، مجدت و نجابت اکتسابا مشفقا

برادر فیصل نشمه نام شخصی که از مشایخ عشیرهٔ البوگهره است و در قائممقامی عماره سکنی داشت چندین سال است که لوای عصیان

برافراشته باطراف حویزه گذشته و به بهانهٔ احکام طغیان نهر دجله بعضی اشرار مسلح از اهالی حویزه بر خود جمع کرده و اردو تهیه

قائممقامی مذکور مشغول اخلال آسایش حال اهالی آنجا میباشد چنانکه امسال هم از زرارهٔ اشرار عشایر حویزه جمعیت فراهم آورده تاخته

بخرابه‌ای که در داخل قائممقامی مذکور است آمده و شیخ مشوول ... کرده اهم جلب نموده و با جمعیت و تشویق

بعضی اهالی که در تحت اطاعت دولت متبوعهٔ خودشان هستند برآمده بافساد مبادرت نموده لهذا

جناب جلالتمآب نسبی اردوی همایون و والی بغداد عسکر بر سر آنها سوق نموده اگرچه جمعیت آنها را متفرق کرده‌اند

ولی باز بحویزه رفته‌اند چون از چند وقت تا بحال با اقوام و اقارب خودش فرارا بحویزه رفته و حاکم حویزه او را

التفات و محبت نموده حتی بکار زراعت و فلاحت هم با و واگذار است و هر یک جنبی از اقوام و اقارب خود را

در آنجا که است خودش با جمعی از اشرار عشایر حویزه در داخلهٔ خاک دولت علیه باخلال آسایش مردم

و فتنه و فساد و دزدی و راهزنی مشغول میشود چنانکه جمعیتی با خفه و شبیه او مأمور میگردد باز بحویزه میرود الآن هم

در حویزه میباشد هر وقت از جانب جناب پاشا مشارالیه او را مطالبه میکنند جواب میدهند که در جزایر

خاک دولت علیه فراری و متواری است و حال اینکه بودن او در حویزه به درجهٔ ثبوت رسیده است و چون

شیخ مرقوم از قبیل مقصرین و فراریان است و بموافق معاهدات عهدنامهٔ مبارکه این گونه اشخاص را که نسبت بمصدر

هر نوع فساد هستند میبایستی مأمورین آن دولت گرفته بمأمورین دولت علیه تسلیم نمایند و در صورتیکه

واقعاً پنهان باشد و بدست نیاید تنها اینکه دولت علیه اشخاصی را که دولت ایران در بارهٔ آنها

درخواست نموده و از طرف داشت محض افکار دولتین علیتین و جهت جامعهٔ اسلامیه و حسن همجواری از حدود تبعید نموده

بلاد دور دست مثل شام و مصر و بروسا روانه داشت خواهش دارد که دولت ایران هم

در تبعید اینگونه اشخاص که مایهٔ آسایش طرفین و اصلاح حال

اهالی اطراف باشند را ... دولت ... تبعید نموده ... سکنی دهند که مایهٔ آسایش طرفین و اصلاح حال

اهالی اطراف باشد دوستدار منتظر اعلام تبعید شیخ مرقوم از حدود یا تسلیم او بمأمورین دولت علیه

خواهد بود زیاده بر این حاجت زحمت آنجناب نیست فی ۲۵ شهر ذی‌حجة الحرام لسنه ۱۲۷۹

شمارهٔ سند: ۲۵۲

موضوع: جزیرهٔ متصله به جزیرة‌الخضر

تاریخ: ۲۱ محرم ۱۲۹۳ هـ.ق

کارتن: ۱۵

پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی مقیم طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرّما مهربانا

دوستدار مضمون مراسلهٔ جناب مستطاب اشرف را مورخهٔ ۱۳ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۳ درخصوص جزیرهٔ[ای] که موافق مندرج در مراسلهٔ مزبوره متصل به جزیرة‌الخضر است به ولایت بصره تلغراف کرده، جواب رسید که جزیرهٔ مزبوره در زمان والی گری جناب دولت‌مآب مدحت‌پاشا پیدا شده، از آن وقت تا حال در تصرف دولت علیهٔ عثمانیه بوده، مأمورین دولت علیهٔ ایران هم حرفی نداشته‌اند. و لهذا جزیرهٔ مزبوره تعلّق صحیح به دولت علیهٔ عثمانی داشته و دارد و همین‌طور هم از ولایت مزبوره به تلغراف باب‌عالی جواب داده شده تفصیل هم با چاپار از جانب جناب ناصر پاشا خواهد رسید و به اطلاع جناب مستطاب اشرف دوستدار خواهد رسانید. زیاده زحمت نمی‌دهد. فی ۲۱ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۳

مهر محمدطاهر منیف

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع والا جنرال اسکندر استیفا معظما مهربانا دوستا

هرچند از مضمون نوشته جناب مستطاب اشرف مورخه ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۲۹۳ در خصوص جزیره

حقایق مندرج در نوشته مزبوره متعلق بجزیره المحمره است و ببلاد بصره عراق عرب نزدیک

جواب رسید که جزیره مزبوره در زمان والی گری جناب دولت پاشا

پیدا شده از آن وقت تا حال در تصرف دولت علیه عثمانیه بوده با وجود این ... ایران

چون نوشته اند و تعهد جزیره مزبوره متعلق صحیح دولت علیه عثمانیه داشته و دولت علیه ایران

از ولایت مزبوره باغراف باب ... جواب داده شده تفصیلات ... از جناب

ناصر پاشا خواهش رسیم ... جناب مستطاب اشرف خواهند ... ۲۱ شهر محرم ۱۲۹۳

شمارهٔ سند: ۲۵۳

موضوع: جزیرهٔ متصله به جزیرة الخضر

تاریخ: ۲۳ محرم ۱۲۹۳ هـ.ق

کارتن: ۱۵

پرونده: ۵/ح

نمرهٔ ۷۵

جواب سفارت دولت عثمانی

از مضمون مراسلهٔ جوابیهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۱ شهر محرم الحرام ۱۲۹۳ که در باب جزیرهٔ حادثهٔ متصله به جزیرة الخضر ملک صریح مصدّق بلانزاع دولت علیهٔ ایران و اقدامات غاصبانه و متجاوزانه جناب ناصر پاشا در آنجا به جای آنکه او را از این خیالات و اقدامات مغایرانه ممنوع فرمایند اظهار فرموده‌اند (به ولایت بصره تلگراف کرده‌اند جواب رسیده که جزیرهٔ مزبوره در زمان والی گری جناب دولت‌مآب مدحت‌پاشا پیدا شده، از آن وقت تا حال در تصرف دولت علیه عثمانیه بوده.) استحضار حاصل گردیده با کمال احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است که رجوع به این مضمون فصل دویم عهدنامهٔ ارزنة الروم منعقده در سنهٔ ۱۲۶۳ فرمایند که می‌نویسد (و دولت عثمانی نیز قویاً تعهد می‌کند که شهر و بندر محمره و جزیرة الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلّقهٔ معروفهٔ ایران است به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد.) جزیرهٔ مزبوره که متّصل به جزیرة الخضر و جزو آن و به مدلول صریح عهدنامهٔ مبارکه در میان دو دولت اسلام مصدق و محکوم به ملکیت دولت ایران است و جای هیچ گونه تردید و شبهه از برای هیچ دولت عهددار نیست، چگونه به محض جواب تلگراف ایالت بصره یا تصرف قولی بلکه فعلی کارگزاران عراق عرب هم ملکیت آن به دولت ایران متزلزل می تواند شد.

اولاً احدی از کارگزاران عراق عرب در آنجا تصرفی نداشته‌اند و جناب ناصر پاشا به جهت عدم بصیرت به عهود مقدسه به این خیال حرکت کرده و در صورتی که قبل از این هم بالفرض قولاً یا فعلاً چنین اقدامی از کارگزاران عراق عرب ظهور یافته باشد، به حکم صریح عهدنامهٔ مقدسه تجاوز و تخطی و حرکت غاصبانهٔ صرف بوده حقاً و قویاً منع و تنبیه مرتکبین بر عهدهٔ تدابیر سفیرانهٔ آن جناب جلالت‌مآب که بصیرت کامله

در امور دارید لازم خواهد بود و اولیای دولت علیهٔ ایران منتظرند که بلاتعویق از فرط مودّت زحمت کشیده منع سریع قوی در این باب از جناب ناصر پاشا و هر کس به این خیال باشد فرموده وزارت خارجه را مستحضر و مسرور فرمایند، والّا چنانچه در مراسلهٔ سابقه زحمت داده شده، هرگاه جناب ناصر پاشا منع‌پذیر نشده سرحدداران ایران را به اقدامات جبریه دعوت نماید، هر غائله احداث شود بر عهدهٔ او است که متجاوز است و برخلاف عهود مقدسه متجاوزاً ایجاد غایله کرده است، همواره احترامات فایقه دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند. ۲۴ شهر محرم ۱۲۹۳

[حاشیه:] نوشته شود.

جواب نوشته دولت عثمانی

در مضمون مراسله جوابیه جناب جلالت‌مآب مورخه ۱۱ شهر محرم الحرام ۱۲۶۳ در باب جزیره خضر [illegible] بجزیره خضر [illegible]

صریح مصدق [illegible] دولت علیه ایران ادعا است [illegible] و [illegible] از جناب ناصر پاشا [illegible] که [illegible] خدمات

و ادعا است [illegible] فرمایند [illegible] و [illegible] بصره [illegible] جواب رسیده [illegible] جزیره [illegible]

و اگر جناب [illegible] پیدا [illegible] از [illegible] حال [illegible] تصرف دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible] ۱۲۶۳ [illegible] مستحفظ [illegible]

فرمایند [illegible] (و دولت عثمانیه [illegible] شهر [illegible] محمره و جزیره خضر [illegible] ساحل [illegible]

[illegible] تصرف [illegible] عمده [illegible] ایران [illegible] تصرف دولت ایران باشند)

جزیره مزبوره [illegible] جزیره خضر و [illegible] صریح عهدنامه [illegible] دولتین اسلام مصدق [illegible]

ایران است و [illegible] دولت عهد [illegible] تصرف

[illegible] عراق عرب [illegible] آن دولت [illegible]

عراق عرب [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۵۴
موضوع: جزیرهٔ شلحه
تاریخ: ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزیرمختار انگلیس به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت می دهد

در باب تلگراف نواب مستطاب اشرف والاحشمة الدوله که ارسال فرموده بودید، چون امروز شغل بسیار دارم جواب را بعد به اطلاع آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع می رسانم. ولی این فقره را به خاطر آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع می آورم، که چند روز قبل در حین ملاقات اظهار نمودم، که کارگزاران دولت علیه در آنجا مشغول ساختن سنگر می باشند و از آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع خواهش نمودم که به نواب معزی الیه تلگرافی صادر شود، که مرتکب حرکتی که باعث کدورت طرف مقابل باشد نشوند، خاصه نیّت گرفتن جزیرهٔ شلهه [شلحه] را به توسط قوهٔ جبریه، بفرمایند تا از جانب اولیای دولت علیه اجازه داده شود، آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع اظهار فرمودند، فرمودند که از ساختن سنگر اطلاع ندارند و چنین حکمی هم نداده‌اند. فی ۱۲ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۹۴

[حاشیه:] با کمال احترام مصرانه خواهش قبل را تجدید می نمایم زیاده زحمت نداده. فی ۱۲ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۹۴

مهر: ولیم طیلورطامس

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع والا [illegible]

بعد از اطلاع جواب بنویسید

درباب تلگراف نواب مستطاب اشرف والا حشمة الدوله در ایالت فارس [illegible] شغل بسیار داریم

آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع میرسانیم ولی این شوره [illegible] آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع

در جنب [illegible] ملالت خاطر عموم را [illegible] دولت علیه [illegible] ساختن بنادر اسباب [illegible]

مستطاب اشرف امجد ارفع خواهش عموم [illegible] مسموع [illegible] بنادر [illegible] جزیره

کدورت طرف مقابل باشد [illegible] نیت گرفتن جزیره [illegible] امجد ارفع

[illegible] تا از جانب اولیای دولت علیه [illegible] آن جناب مستطاب اشرف

اظهار [illegible] ساختن بنادر اطلاع ندارند و چنین [illegible] حکم [illegible] ۱۲۹۴

۱۲۷ [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۵۵
موضوع: جزیرهٔ شلحه
تاریخ: ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

یادداشت وزیرمختار انگلیس به وزارت خارجه

در اعتراف وصول دو یادداشتی که جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجهٔ دولت ایران در روز شنبه ۲۶ شهر حال به سفارت‌خانه ارسال داشته‌اند مربوط به جزیرهٔ شلحه جناب مستطاب معزی‌الیه را احتراماً مستحضر می‌سازد که برحسب اظهاری که در روز ۲۴ از ایشان رسید به این مضمون که دولت ایران قبول کرده است آن تکلیفاتی که در اسلامبول دولت عثمانی متقبل شدهٔ است چنانچه از جانب سفارت اظهار شده بود و به نظر اولیای دولت انگلیس هم شایسته و محق افتاده بود بدین جهت ایشان تکلیف به قبول آن نموده بودند. روز ۲۵ به اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده شد. که در صورتی که دولت عثمانی ترک مداخله در جزیرهٔ مزبور بنماید دولت ایران تعهد کرده است که مادامی که قرار این مسئله مابعدها داده شود در آن جا نه زراعت بنماید و نه جایی احداث کند و نه عسکر ایرانی بگذارد. فی ۲۸ شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۹۴

مهر ولیم طیلور طامس

یادداشت

در اعتراف وصول یادداشتی از جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجه

دولت ایران در روز شنبه ۲۰ شهر حال انفصال ترتیبی به آن کار داشته که مدبر بیطرفی گیرد

شفاهاً به جناب مستطاب سفیر کبیر انگلیس اظهار اعتراف مستحضر ساخته و در جواب الطاف ری در روز ۲۴

از ایشان رسید با اینکه عموماً دولت ایران قبول کرده است آن تعهدات را جداً ساعد معمول

دولت عثمانی متعلق شده است چنانچه از جانب سفارت اظهار شده بود به نظر

اولیای دولت انگلیس هم شایسته و محقق انقطاع بود برین جهت ایشان تکلیف به قبول آن

منفعه بجز روز ۲۵ با اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده شده است

در صورتیکه دولت عثمانی ترک مدافعه در جزیره مزبور بنماید دولت ایران تعهد کرده است

در ماوای دیگر این مسئله با جبرها داده شود در آنجا نه رعیت بنماید و نه جانب العداوت کند

در عسکر ایرانی بغداد فی ۲۸ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۴

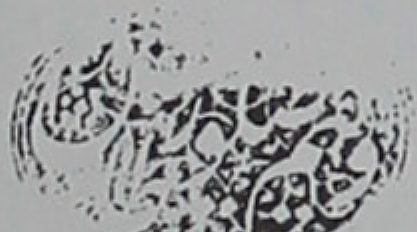

شمارهٔ سند: ۲۵۶

موضوع: جزیرهٔ شلحه

تاریخ: ۷ رمضان ۱۲۹۴ هـ.ق

کارتن: ۱۵

پرونده: ۵/ح

یادداشت وزارت امور خارجه به وزیرمختار انگلیس

یادداشت

پس از وصول مراسلهٔ رسمی جناب جلالت‌مآب وزیرمختار و ایلچی مخصوص اعلی حضرت پادشاه انگلستان مورخهٔ ۱۷ شهر رجب ۱۲۹۴ که اطمینان صریح در تخلیهٔ ید غصب مأمورین عثمانیه از جزیرهٔ شلحه ملک صحیح دولت علیهٔ ایران را متضمن بود وزارت امور خارجه هرگز قیاس نمی‌کرد که کارگزاران عثمانیه خلاف قرارداد رسمی که به توسط آن سفارت فخیمه شده است نموده تجدید در غصب آنجا نمایند، از قرار تلگراف مقرب الخاقان حاجی جابرخان حاکم محمره که اصل آن را لفاً ملاحظه می فرمایند مجدداً بر خلاف آن قرارهای رسمی به تصرف غصب اقدام نموده‌اند وزارت امور خارجه زاید می داند اظهار دارد، که این اقدام کارگزاران عثمانی به چه درجه منافی اطمینان رسمی جناب جلالت‌مآب معزی الیه و مباین قرارداد رسمی است با کمال احترام مصراً خواهشمند است از فرط نهایت خیرخواهی جناب جلالت‌مآب معزی الیه که نماینده دولت بزرگ واسطه می باشند هر تدبیر سریعی را برای تخلیهٔ جزیرهٔ مزبوره اتخاذ خواهند فرمود، وزارت خارجه را قرین مسرت و استحضار دارند، عدم رعایت قول و قرار از جانب کارگزاران دولت عثمانی منفرداً در نظر وزارت امور خارجه چندان غرابت ندارد، چیزی که باعث تعجب وزارت امور خارجه در این فقره شده این است که با وجود دخالت و توسط جناب جلالت‌مآب وزیرمختار و ایلچی مخصوص اعلی حضرت پادشاه انگلستان در این مسئله باز رعایت حفظ آن را نکرده این طور تجدید غصب نموده‌اند. زیاده زحمت افزا نشده. ۷ شهر رمضان ۱۲۹۴

پس از وصول مراسله رسمی جناب جلالتمآب وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان مورخه ۱۷ شهر

رجب ۱۲۹۴ که اطمینان صریح در تخلیه ید غصب مأمورین عثمانیه از جزیره شلحه ملک صحیح دولت علیه ایران را

متضمن بود وزارت امور خارجه هرگز قیاس نمی‌کرد که کارگزاران عثمانیه خلاف قرار داد

رسمی را بتوسط سفارت فخیمه [illegible] نموده تجدید در غصب آنجا نمایند از قرار تلگراف معتمدالدوله

حاجی جابرخان حاکم محمره که عین آن را لفاً ملاحظه می‌فرمایند مجدداً برخلاف آن قرارهای

رسمی تصرف غصب اقدام نموده‌اند وزارت امور خارجه لازم می‌داند اظهار دارد که این اقدام کارگزاران

عثمانی بچه درجه منافی اطمینان رسمی جناب جلالتمآب معزی الیه و مباین قرار داد رسمی است

با کمال احترام مصراً خواهشمند است از فرط نهایت خیرخواهی جناب جلالتمآب معزی الیه

دو نماینده دولت بزرگ واسطه می‌باشند هر تدبیر سریعی را برای تخلیه جزیره مزبوره اتخاذ

خواهند فرمود وزارت خارجه را قرین مسرت و امتنان سازند عدم رعایت عهد و قرار از جانب

کارگزاران دولت عثمانی در نظر وزارت امور خارجه چندان غرابت ندارد [illegible]

ولیکن چیزی که باعث تعجب وزارت امور خارجه در این فقره شده این است که بعد از آن [illegible]

~~قرار تخلیه جزیره شلحه بتوسط~~ جناب جلالتمآب وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان

۱۲۹۴ [illegible] باز رعایت حفظ آن نکرده‌اند بطوریکه تجدید غصب نموده‌اند [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۵۷
موضوع: تصرف جزیرهٔ شلحه به وسیلهٔ عثمانی ها
تاریخ: ۱۵ رمضان ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

یادداشت ویلیام طیلور طامس وزیرمختار انگلیس به وزیر خارجه

یادداشت

جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجه را در جواب یادداشت ایشان مورخهٔ ۷ شهرحال احتراماً مستحضر می سازد، که از قرار اخباری که از بالیوزگری بغداد به جناب جلالت‌مآب ایلچی کبیر اعلی حضرت پادشاه انگلستان مقیم باب‌عالی تلگراف شده و جناب معزی‌الیه به سفارت اعلی احضرت پادشاه انگلستان ارسال داشته‌اند معلوم می شود که راپرتی که مقرب‌الخاقان شیخ جابرخان در طی تلگراف خود به تاریخ سلخ شهر شعبان به اولیای دولت ایران نموده که کارگزاران عثمانی مجدداً جزیرهٔ شلحه را متصرف شده‌اند، مقرون به صحت نبوده است. فی ۱۵ شهر رمضان‌المبارک سنه ۱۲۹۴

مهر ولیم طیلور طامس

یادداشت

جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجه را در جواب یادداشت ایشان مورخه

۷ شهر حال احتراماً مستحضر می‌نماید که در اثر اخباری که از بالیوزگری بغداد بجناب جلالتمآب

ایلچی کبیر اعلیحضرت پادشاه انگلستان مقیم بابعالی تلگراف شده و جناب معزی‌الیه بسفارت

اعلیحضرت پادشاه انگلستان اظهار داشته‌اند معلوم میشود در اراضی متعلقه بخاک ایران

شیخ جابرخان در ضمن تلگراف خود بتاریخ سلخ شهر شعبان با بالیوزی دولت انگلیس مقیم بصره کارگذار

عثمانی عمده و اجزاء جزیره شلحه را متصرف شده‌اند مقرر فرمایند بصحت تحقیق نمایند

۱۵ شهر رمضان المبارک ۱۲۹۴

شمارهٔ سند: ۲۵۸

موضوع: جزیرهٔ شلحه

تاریخ: ندارد احتمالاً ۱۲۹٤ هـ.ق

کارتن: ۱۵

پرونده: ۵/ح

نامهٔ ناصرالدین شاه به وزیر خارجه

جناب وزیرخارجه

البته امین الدوله نوشتجات ظل السلطان را در فقرهٔ جزیرهٔ شلحه در شط العرب را پیش شما فرستاده که عثمانی ها خیال تصرف دارند، این فقره البته مسبوق شماست که کاری است گذشته و عثمانی حق تصرفی در آنجا ندارد. مراحل این فقره را از ثبتهای وزارت خارجه اطلاع میرزا نصرالله خان بیرون آورده فردا خود آورده به نظر رسانید. میرزا نصرالله خان را هم که اطلاع از این کار دارد صبح به حضور بیاورید، دستورالعمل ظل السلطان و تلگراف معین الملک را هم حاضر کرده، زودتر بفرستید.

جناب وزیر خارجه

اتابک امین الدوله وزیر تجارت ظل السلطان

در رفع [illegible] وزیر خارجه [illegible]

فرمان [illegible] الی فعلا مسبوق باشید

هر کار [illegible] گذشته و حالا [illegible]

[illegible] الی [illegible]

با [illegible] سعدالدوله [illegible]

روز [illegible] فردا [illegible]

[illegible] سعدالدوله [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۵۹
موضوع: تحدید حدود ایران و عثمانی طبق قرارداد ارزروم
تاریخ: ۱۹ محرم ۱۳۰۰
کارتن: ۲۱
پرونده:

نامهٔ وزیر خارجه ایران (میرزا سعیدخان مؤتمن الملک)

به میرزا محسن خان معین الملک (مشیرالدوله) سفیرکبیر ایران در عثمانی

جناب جلالتمآبا

مطلبی است از افکار عالیهٔ همایونی که از الفاظ دربار مبارک بعد از ملاحظهٔ نکات و تمامی اطراف آن به من امر و مقرر فرموده‌اند که به آن جناب بنویسم و از مکنونات علیهٔ مقدسهٔ همایونی آن جناب را مطلع نمایم که موقع را مغتنم دانسته اقدامات لازمه را به اقتضای حسن کفایت و دولت‌خواهی در انجام و اجرای آن به عمل آورد ولیکن که انشاءالله تعالی همان طور که به خاطر الهام مظاهر اقدس همایون رسیده است این خدمت عمده و مهم به دست آن جناب سمت انجام یابد مسئلهٔ تحدید حدود مابین دولت علیه و دولت عثمانی سالهای سال است که بعد از انعقاد عهدنامهٔ آخری ارزنة الروم اسباب گفتگو و زحمت طرفین بوده با وجود اقداماتی که از طرفین به توسط دولتین واسطه شده نقشه و خریطه کشیده، کتابها نوشته‌اند، هنوز کماکان در عهدهٔ تعویق است و به این واسطهٔ آن حسن اتفاق و اتیلافی که منظور دولتین علیتین اسلام بوده و حالا نظر به میل صمیمی هر دو پادشاه تاجدار اسلام این منظور عالی در کار است درجهٔ بالا گرفته انشاءالله تعالی مؤدّی به تحصیل نتیجهٔ مطلوبه باشد بین الدولتین به حصول نرسیده است و هرچه هم معوق بماند چنانکه بود باز یک مانع بزرگی برای حصول مقصود خواهد بود و اگر یک اقدام همیمانه شایقانه از طرفین در تسهیل این کار و رفع بعضی وهمیات که مایه تزاید اشکالات است نشود بالضروره باز باید دو دولت هم دین اسلام به عوض اینکه قدم به قدم خود را به یکدیگر نزدیک و پای خارجه را از میان خود خارج نمایند، دولتین واسطه را دخالت داده آنها را اولی به نفس خود قرار بدهند و این خود برخلاف جهت مطلوبه حرکت کردن است در این صورت چه مانع است که دولتین علیتین

اسلام در عین دوستی و مسالمت اقدام صادقانه کرده خود را از این انتظار و زحمت فارغ و سرحدات خودشان را معین و منظم نموده همّت خود را به جای اینکه صرف این افکار غیرلازمه نمایند به ازدیاد روابط دوستی و رفع خلاف و اختلاف از مابین سرحدداران مصروف و اساس یک رنگی و تحصیل مقاصد عالیه را مستحکم سازند، بعد از انعقاد عهدنامهٔ اخیرهٔ ارزنة الروم فقرهٔ تحدید حدود مابین دولتین به یک اساس معینی قرار گرفته بود و در آن اثنا کیفیت قطور و غصبت آنجا از طرف سرحدداران دولت عثمانی بغتتاً برخلاف حکم اسطاطسکو به وقوع رسید و هرچه بود قرار آن در کنگرهٔ برلین از طرف دول واسطه و غیره داده شد بعضی را به دولت علیهٔ ایران رد و تسلیم کردند باقی را هم باید مسترد نمایند، چنان که آن جناب خود اطلاع به وزارت جلیلهٔ خارجه داده بود که مأمورین دول واسطه برای انجام این کار حاضرند مأمور دولت علیه نیز حاضر باشد و مقرب الخاقان میرزا محب‌علی خان ناظم الملک معین و وزارت خارجه منتظر اعلام از طرف آن جناب است که زمان حرکت مأمورین دول ثلثه و محل اجتماع آنها را اطلاع بدهند تا مقرب الخاقان معزی الیه نیز مقارن ورود آنها به محل اجتماع در همان محل حضور به هم رساند و این مسئله حتماً به طوری که مقرر است، خواهد گذشت، چیزی که باقی می ماند مسئلهٔ زهاب و سمت محمره و شط العرب و جزیرة الخضر است که قرار آنها هم در ضمن معاهدهٔ مزبوره معین است در باب زهاب می نویسند که دولت ایران اراضی بسیطه را به دولت عثمانی و دولت عثمانی اراضی جبالیه را به دولت ایران ترک خواهد کرد. دولت ایران هیچ مضایقه ندارد که متابعت به مدلول عهدنامه نماید، ولی ممکن نیست بعد از وضع بلوکات اربعهٔ خانقین و دکه و قله وبکوره که همه از جمله آبادی های معتبرهٔ زهاب و در تصرف عثمانیه است به هیچ وجه که باقی محوطهٔ زهاب تماماً از مصداق اراضی جبالیه خارج باشد، حتی چنان که همه جا به طوری که در سفر موکب همایون به عتبات عالیات به رأی العین مشاهده شد تا قزل رباط هم اراضی بسیطه به هم نمی رسد همه از قبیل اراضی جبالیه است نه بسیطه که عهداً و حقاً جزوی از آن به دولت عثمانی ترک شود اگر شبهه را قوی کنیم منتها این خواهد بود که به تصدیق و رأی مأمورین دولتین واسطه واگذاریم در آن صورت هم اگر جزوی از زهاب حالیه به دولت عثمانی ترک شود لابد بلوک شپیران را باید دولت عثمانی از آن قرار به دولت ایران مستردنماید و گمان نمی رود که در این صورت نیز دولت عثمانی از گرفتن جزوی

از زهاب و تسلیم بلوک دایر شپیران به دولت ایران صرفه ببرد و در تحدید حدود جانب شط العرب هم موافق منطوق صریح عهدنامه و نقشه‌هایی که حاضر است جای گرفت و گیر باقی نخواهد بود که حاجت به دخالت اجنبی به هم برسد، بنا به مراتب مزبوره خیلی مناسب و نزدیک به صلاح حالی و مآلی دولتین اسلام چنان به نظر می آید که آن جناب مراتب را به حضور اعلی حضرت سلطان عرض و به وکلای دولت عثمانی اظهار نمایید که اگر ایشان هم رأی موافقت با دولت علیهٔ ایران داشته باشند از طرفین اقدام صادقانه در نهایت دوستی و صفا بدون حاجتی به دخالت خارجه و اجنبی این امر را به انجام رسانند و حدود دولتین علیتین اسلام را به همین حالتی که هست در سمت زهاب و از روی مدلول عهدنامه در جانب شط العرب و جزیرة الخضر به انجام رسانده طرفین به یکدیگر اسناد و مواثیقی که لازم است رد و بدل نمایند و این امر به مبارکی و میمنت در عین صفا و مودت سمت اختتام یابد و اگر دولت علیهٔ عثمانی به همن رأی جازم شدند دولت علیهٔ ایران هم می تواند که در باب قطور به همان قدری که قصبهٔ قطور و آنچه را که تا حال مسترد و تسلیم شده است از معابر شمال و مغرب و جنوب تأمین نماید.

اکتفا کرده از مابقی که امروز حق ثابت دولت است و وسیلهٔ موجوده در استرداد آن دارد مساعدتاً صرف نظر نماید، البته آن جناب هر اقدامی که در این باب لازم و مقتضی داند بزودی کرده حاصل را معجلاً قلمی دارند که به عرض حضور مراحم ظهور اقدس همایون برسد و باید در باقی حدود به طول سرحدات دولتین قاعدهٔ اسطاطسکو یعنی در حین انعقاد عهدنامهٔ ارزنة الروم هر خاکی که در تصرف هر یک از دولتین بود به احوال خود اگر هم تغییری به هم رسیده باشد عود کنند و از آن قرار خط سرحد به دست مأمورین منصف و عاقل هر دو دولت سمت استقرار یابد. حرر فی ۱۹ شهر محرم ۱۳۰۰

مهر: وزارت امور دول خارجه ایران میرزاسعیدخان

جناب جلالتمآبا مطلبی است که از افکار عالیه همایونی در ازاء الفاظ در اینباب بعد از ملاحظه نکات و تمامی اطراف این امر و تفکر فرموده‌اند

به آنجناب می‌نویسم و از مکنونات علیه متعلقه همایونی آنجناب اطلاع داریم و موقع را مغتنم دانسته اقدامات لازمه را با فصاحت و حسن کفایت و دولتخواهی در انجام و اجرای آن

معمول دارید و ممکن است ان‌شاءالله تعالی همانطور که خاطر الهام مظاهر اقدس همایونی رسیده است این خدمت عمده و مهم به دست آنجناب به صمت انجام یابد شایسته که به هر جهت

ما بین دولت علیه و دولت عثمانی سالهای سال است و بعد از انعقاد عهدنامه اخیر ارزنة الروم اسباب گفتگو در سرحد طرفین بوده با وجود اقداماتی که از طرفین برای تعیین و ابطال رشته

نقطه و خریطه کشیده که تا بحال نوشته‌اند هنوز کارگزاران در عهده تعویق است و بالاخره در واسطه این حسن اتفاق و اتحادی که منظور حضرت سلطان عثمانی اسلام پناه و حال نظر

بسیار صمیمی به حضرت پادشاه تاجدار اسلام این منظور عالی در کار است درجه باید کرد که ان‌شاءالله تعالی موفق به تحصیل نتیجه مطلوبه باشد بین الدولتین که صلح به ربع و استوار است

و هر چه هم معروف بوده چنانکه بوده باز یکی مانع بزرگی برای تحصیل مقصود خواهد بود و لازم است اقدام بهمانه شایقانه از طرفین در تعیین این کار و رفع بعضی و مشتبهات در مایه‌ها

اتفاق است شهود بالضروره باز باید دو دولت همین اسلام عوض اینکه قدم بقدم خود را بیکدیگر نزدیک و با امور خارجه بواسطه انتساب خود خارج باشند در این سلسله و ابطال را

و حالت و لحظه آنها را او به بعضی خود قرار دادن خود برخلاف جهت مطلوبه حرکت کرده است در این صورت چه مانع است دو رئیس عالیین اسلام در

و سلامت اقدام صادقانه که خود را از این انتظار و زحمت فارغ و آسوده است خود را تسلیم نموده همت خود را بکار آنکه صرف این کار لازمه آنها و ابطال

و ثانی و رفع خلاف و اختلاف از مابین سرحدات این مصروف و اساس یکرنگی و خصوصیت متقاصده عالیه را مستحکم سازند بعد از انعقاد عهدنامه اخیره ارزنة الروم

ما بین دولتین یک اساس معینی قرار گرفته بود و در این اثنا کیفیت قطور و غصبیت آنجا از طرف سرحدداران دولت عثمانیه برخلاف حکم بوقوع رسیده

و از آن در کنگره برلین از طرف دول واسطه و غیره بعضی را به دولت علیه ارجاع و تسلیم کرده باقی را هم چنانکه آنجناب خود اطلاع داریم

و لحظه بعد ماموریت از دول واسطه برای انجام این کار حاضر نه مامور دولت علیه نیز حاضر باشد و مقرب الخاقان میرزا محبعلی خان ناظم الملک معین وزارت خارجه از طرف

آنجناب است که زمان حرکت ماموریت دول ثلثه و محل اجتماع آنها را اطلاع بدهند تا مقرب الخاقان مشارالیه نیز متعاقب و محل اجتماع در حضور بهم رساند

و این مسئله چنانچه بطوری که مقرر است حجه گذشت جزئی از باقی مانده مسئله زهاب و سمت محمره و شط العرب و جزیره الخضر است و در فقره اول اهتمام از ضمن مسائل مهمه ... است

در باب زهاب موافق عهدنامه دولت ایران اراضی مسطحه را به دولت عثمانی و دولت عثمانی اراضی جبالیه را به دولت ایران ترک خواهند کرد دولت ایران هیچ مضایقه ندارد

در متابعت به این عهدنامه نباید ولی ممکن نیست که باغ محوطه زهاب تماما از مصداق اراضی جبالیه خارج باشد چنانکه همه جا بطوری که در عهدنامه ... اول

به تبعات عالیات برای العیش شاه شده تا در اطراف آن هم اراضی مسطحه هم نرسیده همه از قبیل اراضی جبالیه است در مسطحه هم آنچه جزئی از آن است دولت عثمانی

ترک نمود ... شبهه را قوی کنیم متضمنا این خط بعد از تسویه ... ما مورین ... در آنصورت هم که جزئی از زهاب جبالیه به دولت علیه ایران ترک نمود

له به ملوک ... است را باید دولت عثمانی از آنقرار به دولت ایران مسترد نماید ... در اینصورت نیز دولت عثمانی از گرفتن جزئی از زهاب ... تسلیم نمود

دار ... دولت ایران حرفی نبرده ... جانب شط العرب هم موافق منطوق صریح عهدنامه ... حاضر است جای گرفت دیگر نخواهد بود

و حجت بر حالت اجنبی ... تصحیح حالیه و ... رئیس الاسلام جناب ... ارباب ...

که حضرت اعلیحضرت سلطان عرض و ... دولت عثمانی اظهار ... به موافقت با دولت علیه ایران ... از طرفین اقدام صادقانه

در نهایت درستی و صفا ... بر حالت خارجه ... رئیس الاسلام ... درست زهاب داراری

هر لحن عهدنامه در جانب شط العرب و جزیره الخضر ... طرفین ... لازم است ... سمت

در عین صفا و مودت سمت اختتام ... دولت علیه عثمانی ... دولت علیه ایران هم ... در باب قطور ...

در حالت مسترد و تسلیم شده است ... امروز حق ثابت دولت است ... در نظر آید

البته انجاب ... لازم ... فصل ...

... دولتین ... عهدنامه ... هر یک از دولتین ... تغییری

هم ... باشد ... دولتین ... استقرار یابد ... ۱۴ محرم ۱۳۰۱

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فصل ۳

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش اوّل

کمیسیونهای سرحدی و دول واسطه

شمارهٔ سند: ۲۶۰

موضوع: وساطت فرانسه در امورات فی مابین ایران و عثمانی

تاریخ: ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۷۲ هـ.ق

کارتن: ۷

پرونده: ۵

هو

سواد تقریری است که مقرب الخاقان حاجی میرزا احمدخان به نظارت خارجهٔ دولت عثمانی نوشته است

بعدالالقاب به نحوی که معلوم شریف آن جناب جلالت مآب است، در امورات دایره فی مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی دولتین فخیمتین انگلیس و روس واسطه بودند و سفرای دولتین مشارالیهما در امورات سرحدیه و غیره مدخلیّت دارند. از آنجا که دولت بهیهٔ فرانسه با دولتین علیتین اسلام دوست و معاهد است، صلاح طرفین درین ملاحظه می شود که دولت بهیهٔ فرانسه هم من بعد مدخلیّت در کارهای دایره فی مابین دولتین اسلام حالاً و مالاً داشته باشد. لهذا، حسب المأموریه با کمال احترام به تحریر این مراسلهٔ رسمیّه به آن جناب جلالت مآب زحمت افزا است که من بعد دولت بهیهٔ فرانسه و مأمورین دولت مشارالیها در کارهای مابین دو دولت اسلام توسط و مداخله داشته باشند در این باب هر طور قرار خواهند داد دوستدار را از مراتب آن قرین استحضار سازند زیاده

زحمت افزا نمی شود. فی ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۷۲

سواد مراسله‌ای است که مقرب الخاقان حاجی میرزا احمدخان به ایلچی دولت فرانسه مقیم دربار عثمانی نوشته است

بعدالالقاب از آنجا که دولت بهیهٔ فرانسه با دولتین اسلام دوست و هم عهد می باشد، مناسبت کلی دارد که دولت بهیهٔ فرانسه هم من بعد مدخلیّت در کارهای دایره فی مابین دولتین اسلام حالاً و مالاً داشته باشند. لهذا حسب المأموریه با کمال توقیر و احترام به تحریر این مراسلهٔ رسمیه پرداخته، به آن جناب جلالت مآب زحمت افزا می شود و در ضمن خواهش می نماید که مأمورین دولت بهیهٔ فرانسه من بعد در کارهای بین الدولتین اسلام توسط و مداخله نمایند و بعد از استحضار از مراتب مسطوره، چگونگی را جهت اطلاع دوستدار اعلام فرمایند زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۷۲

سواد تقریری است که مقرب الخاقان صاحب میرزا احمدخان به سفارت خارجه دولت عثمانیه نوشته است ۲۶ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۲

بعد الالقاب بنحوی که معلوم شریف آنجناب جلالتمآب است در امورات دایره فیمابین دولتین علیتین ایران و عثمانیه دولتین فخیمتین انگلیس و روس واسطه بوده و بعضی دولتین مشارالیهما در امورات سرحدیه وغیره مداخلت داشته‌اند از آنجائی که دولت بهیه فرانسه با دولتین علیتین اسلام دوست و معاهد است صلاح طرفین در این ملاحظه می‌شود که دولت بهیه فرانسه هم من بعد مداخلت در کارهای دایره فیمابین دولتین اسلام حالاً و مآلاً داشته باشد لهذا حسب المأموریه با کمال احترام تحریر این مراسله رسمیه بآنجناب جلالتمآب زحمت افزا است که من بعد دولت بهیه فرانسه و مأمورین دولت مشارالیها در کارهای مابین دو دولت اسلام توسط و مداخله داشته باشند. در این باب هر طور قرار خواهند داد دوستدار را از مراتب آن قرین استحضار سازند زیاده زحمتی نمی‌شود فی ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۷۲

سواد مراسله ایست که مقرب الخاقان صاحب میرزا احمدخان به مأمور دولت فرانسه مقیم دربار عثمانیه نوشته است فی ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۷۲

بعد الالقاب از آنجا که دولت بهیه فرانسه با دولتین اسلام دوست و معاهد میباشد مناسبت کلی دارد که دولت بهیه فرانسه هم من بعد مداخلت در کارهای دایره فیمابین دولتین اسلام حالاً و مآلاً داشته باشد لهذا حسب المأموریه با کمال توقیر و احترام تحریر این مراسله رسمیه پرداخته بآنجناب جلالتمآب زحمت افزا می‌شود و در ضمن خواهش می‌نماید که مأمورین دولت بهیه فرانسه من بعد در کارهای بین الدولتین اسلام توسط و مداخله نمایند و بعد از استحضار از مراتب مسطوره هر گونه که شد جهت اطلاع دوستدار اعلام فرمایند زیاده چه زحمت دهد ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۷۲

شمارهٔ سند: ۲۶۱
موضوع: وساطت دولت فرانسه بین ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

سواد شرحی است که مقرب‌الخاقان حاجی میرزا احمدخان به وزارت امور خارجه نوشته است

بعدالالقاب، حسب‌الامر به موجب دستورالعمل اولیای دولت علیهٔ قاهره در خصوص امر توسط و مداخلهٔ دولت بهیهٔ فرانسه و سفرای دولت مشارالیها به امورات دایره فی‌مابین دولت علیه ایران و دولت عثمانی، تحریرات رسمیّه یکی را به جناب ایلچی دولت بهیهٔ فرانسه نوشته، خواهش مراتب مزبور را نمود ویکی را به باب‌عالی نوشته اظهار مراتب کرد که سواد هر دو نوشته رسمانهٔ کمترین اینک ملفوف عریضه است، ان‌شاءالله از نظر مبارک خواهد گذشت و هنوز جواب از ایشان به کمترین نرسیده است بعد از رسیدن جواب از آنها کیفیت را به عرض خواهد رسانید زیاده چه جسارت رود. فی ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲

سواد عرضی است که مقرب الخاقان حاجی میرزا احمدخان نواب امور
خارجه نوشته است فی ۲۸ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۲

بعد القاب حسب الامر موجب دستورالعمل اولیای دولت علیه قاهره در خصوص امر توسط و مداخله دولت بهیه فرانسه و سفرای دولت
مشار الیهما با مورات واقعه فیمابین دولت علیه ایران و دولت عثمانی تحریرات رسمیه که به جناب ایلچی دولت بهیه فرانسه نوشته خواهش
مراتب مزبوره را نموده و دیگر را با جناب ایلچی نوشته اظهار مطالب که بر سواد هر دو نوشته رسماً کمترین انگیخت ملفوف عریضه است انشاءالله
از نظر مبارک خواهد گذشت و هنوز جواب از ایشان به کمترین نرسیده است بعد از رسیدن جواب از آنها کیفیت را به عرض خواهد رسانید

زیاده چه جسارت رود فی ۲۸ ربیع الثانی ۱۲۷۲

شمارهٔ سند: ۲۶۲

موضوع: وساطت ایلچی فرانسه در امورات فی مابین ایران و عثمانی

تاریخ: ۱۳ جمادی الاول ۱۲۷۲ هـ. ق

کارتن: ۷

پرونده: ۵

سواد شرحی است که مقرب الخاقان حاجی میرزا احمدخان به وزارت امور خارجه نوشته است

اینکه مقرر گشته بود در مواد واقعهٔ متعلق به سفارت سنیه پای جناب سفیر دولت بهیهٔ فرانسه را به میان آورد و حین گفتگو و مذاکره با وکلای دولت عثمانی بخصوص مطالب این سفارت سنیه او را نیز قرین استحضار سازد، و روابط دوستی و مخادنت را با جناب ایلچی دولت بهیهٔ فرانسه ممهّد گرداند، از همهٔ تفصیل فرمایشات اطلاع کامل حاصل نمود. حال که لله الحمد فی مابین سفارت سنیه ایران و سفارت دولت بهیهٔ فرانسه کمال دوستی و مراوده هست و حسب الامر مراسلهٔ رسمیّه نوشته به سفارت دولت مشارالیها داده شده است که در امورات واقعهٔ دایره فی مابین دولت علیهٔ ایران و عثمانی مدخلیت داشته باشند و سواد همان مراسله را از پوستهٔ قبل ارسال دربار شوکت مدار همایون نموده است و ان شاء الله حسب الامر اولیای شوکت سنیه امورات اتفاقیهٔ لازمه را که در اجرای آن از جانب وکلای عثمانی اهمال و کوتاهی ملاحظه شود من بعد ایلچی فرانسه را هم مطلع خواهد ساخت و آنچه لازمهٔ سعی و جهد است موافق قاعده به عمل خواهد آورد، بلکه ان شاء الله از فضل خداوند یگانه و یمن توجه و التفات وکلای سلطنت سنیه امورات را بر وفق مرام اجرا دارد. خداوند ان شاء الله به طرف مقابل انصاف بدهد زیاده از این چه عرض نماید. امرکم العالی مطاع. فی ۱۳ جمادی الاولی ۱۲۷۲

سواد شرحی است که بمقرب الخاقان میرزا احمد خان بوزارت امور خارجه
نوشته است فی ۱۳ شهر جمادی الاولی ۱۲۷۲

آنچه مقرر گشته بود در سواد واقعه متعلق بسفارت سنیه این جناب سفیر دولت بهیه فرانسه را بمیان آورده و حین گفتگو و مذاکره با وکلای دولت عثمانی
بخصوص مطالب این سفارت سنیه را نیز قرین انحصار سازد و روابط دوستی و مخادنت را با جناب ایلچی دولت بهیه فرانسه ممهد گرداند از همه
تفصیل قرینات ثابت اطلاع کامل حاصل نمود و حال در رسالة الحجه فیمابین سفارت سنیه ایران و سفارت جلیله بهیه فرانسه کمال دوستی و مراوده است و حسب الامر
مراسله رسمیه نوشته بسفارت دولت مشار الیها وارده شده است در امورات واقعه دائره فیمابین دولت علیه ایران و عثمانی مدخلیت داشته باشند
و سواد همان مراسله را از پوسته قبلی ارسال دربار گردون مدار همایون نموده است و انشاءالله حسب الامر اولیای شوکت سنیه امورات اتفاقیه
لازمه سواد ه در اجرای آن از جانب وکلای عثمانی اهمال و کوتاهی ملاحظه شود مرتبه ایلچی فرانسه را هم مطلع خواهم ساخت و آنچه لازمه سعی و جهد است
موافق قاعده بعمل خواهم آورد و بکمک انشاءالله از فضل خداوند یگانه و میمنت توجه و التفات وکلای سلطنت سنیه امورات سواد برونق مرام اجرا
دارد و خداوند انشاءالله لطف و مقابل انصاف به بهترین زیاده ازین چه عرض نماید امر کم العالی مطاع

فی ۱۳ جمادی الاولی ۱۲۷۲

شمارهٔ سند: ۲۶۳
موضوع: خسارات محمره و کربلای معلی و ردّ قطور
تاریخ: ۱۸ صفر ۱۲۷۵ هـ. ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

سواد مراسله‌ای است که از جانب فرخ‌خان امین‌الدوله به سفرای ثلثه انگلیس و فرانسه و روس مقیمین دربار عثمانی نوشته شده

در نزد آن‌جناب مستغنی از تعریف و بیان است که در باب مطالب معوقهٔ دولت علیهٔ ایران که فی مابین دوستدار و وکلای دولت عثمانی گفتگو و مذاکره می‌شد، همه وقت حتی المقدور زحمت اظهار و اطلاع به آن‌جناب می‌داد از آنجا که دولت بهیهٔ متبوعهٔ آن‌جناب فی مابین دولتین اسلام توسط خالصانه دارد، و حالا که وقت عزیمت دوستدار از این دربار مقتضی شد،

لازم است که به جهت تکمیل استحضار آن‌جناب سواد همهٔ تحریرات رسمی خود را با سواد جوابهای رسمی باب‌عالی که تاکنون به‌رجال آن دولت ارسال و مرسول شده، نزد آن‌جناب ارسال دارد که هنگام فراغت رجوع به آنها نمایند.

و حسب‌اللزوم اولیای دولت بهیهٔ متبوعهٔ خود را استحضار بدهند و اینک کلاً در جوف همین مراسله انفاد گردید. اگرچه بعضی از فقرات مبحوثه سمت استقرار یافته است، ولیکن عمدهٔ مسائل دولت علیهٔ ایران که خسارات محمره و کربلای معلی و رد قطور ملک دولت علیه ایران و سایر مطالب دیگر است که از رجوع به سواد تحریرات طرفین استحضار حاصل خواهند نمود هنوز صورت انجام نگرفته و اتمام آنها را به آینده وعده داده‌اند.

لهذا زحمت‌افزا می‌شود که چون دولت علیه ایران به هیچ‌وجه از مطالبهٔ مطالب معوقهٔ خود نمی‌تواند صرف‌نظر نماید، از آن جناب متوقّع است که هنگام مطالبه مأموران دولت علیهٔ ایران مطالب مذکوره را از باب‌عالی کمافی‌السابق مضایقه از اقدامات متوسطانه و منصفانهٔ سفیرانهٔ خود نخواهند کرد زیاده چه زحمت اظهار دارد. فی ۱۸ صفر ۱۲۷۵

سواد مراسله ایست که از جانب جناب فرخ خان امین الدوله بسفرای دول انگلیس و فرانسه و روس مقیمین دربار عثمانی نوشته شده فی ۱۸ صفر ۱۲۷۵

در نزد آنجناب مستغنی از تعریف و بیان است که در باب مطالب معوقهٔ دولت علیهٔ ایران که فیمابین در سنه از وکلای دولت عثمانی گفتگو و مذاکره میشد امروز وفق

حسن المقصود برحمت الطاف و اطلاع آنجناب میباشد و از آنجا که دولت بهیه متبوعه آنجناب فیمابین دولتین اسلام توسط خالصانه دارد و حالا که وقت خوبی در سنه ار

در این باب مقتضی شده لازم است که بجهت تکمیل استحضار آنجناب سواد همه تحریرات رسمی خود را با سواد جوابهای رسمی باب عالی که تاکنون برجال امنای دولت ایران ارسال و مدلول

شده نزد آنجناب ارسال دارد که هنگام فرصت رجوع بآنها نمایند و حسب اللزوم اولیای دولت بهیه متبوعه خود را استحضار دهند و اینک کلا در جوف همین

مراسله انفاذ گردید اگرچه بعضی از فقرات مسجوبه بسمت انفصال یافته است ولکن عمده مسائل دولت علیه ایران در خصوص محمره و کردهای معلوم و قطعه ملک دولت علیه ایران

و سایر مطالب دیگر است که از رجوع بسواد تحریرات طرفین استحضار حاصل خواهند نمود و سنوات متمادی است که اینکار بتعویق افتاده و اتمام آنها را با بنیه وعده داده اند لهذا از حکمت اقتضا

میشود و چون دولت علیه ایران بهیچ وجه از مطالبه مطالب معوقه خود دست نتواند صرف نظر نماید از آنجناب متوقع است که اتمام مطالبه ماموران دولت علیه

ایران مطالب مذکوره را سواد با باب عالی حکما نه السابق مضایقه از اقدامات متوسطانه و منصفانه سفرا جز ذخیره که باید برحمت الظهار دارند فی ۱۸ صفر ۱۲۷۵

شمارهٔ سند: ۲٦٤

موضوع: نقشهٔ سرحدی و مأموریت درویش‌پاشا

تاریخ: ۱۳ ربیع‌الاول ۱۲۷۷ هـ.ق

کارتن: ۹

پرونده: ۵/ح

نامهٔ مشیرالدوله به وزیر خارجه میرزا سعیدخان

هو

مخدوم مهربانا، البته خبر دارید که جناب درویش‌پاشا از جانب دولت عثمانی سفیر پطربورغ است. در جزو از کسی شنیدم که قِلاصْکُوت مهندس دولت انگلیس که در سرحد با ما بود، برای اتمام نقشهٔ سرحد دولت عثمانی و روس به پطربورغ مأمور شده و در باطن دستورالعمل دارد که نقشهٔ سرحد ایران و عثمانی را هم به اطلاع درویش‌پاشا در آنجا تمام نماید. اگر این خبر صحیح باشد، موجب ضرر کلی و دردسر اولیای دولت علیهٔ ایران خواهد شد زیرا که بدنفسی و خام‌طمعی و بلندپروازی درویش‌پاشا مسلم است. این مقوله امر معظم که به دستیاری او و بی‌اطلاع مأمور آگاه این دولت صورت اختتام یابد نتیجهٔ سوء آن واضح است که به چه درجه خواهد بود. ۱۳ ربیع‌الاول قلمی شد ۷۷

محل مهر: مشیرالدوله

محرمانه مهمانان البته خبر دارید که جناب درویش پاشا از جانب دولت عثمانی

سفیر پطربورغ است در جزو از کسی شنیده‌ام که قرار شده است مهندسین [illegible] تکلیف

که در سرحد تا به حال بوده برای اتمام نقشه سرحد دولتین عثمانی و روس به پطربورغ

مأمور شده‌اند و در باطن دستورالعمل داده‌اند که نقشه سرحد ایران و عثمانی را

هم با اطلاع درویش پاشا در آنجا تمام نمایند اگر این خبر صحیح باشد

موجب ضرر کلی و دردسر اولیای دولت علیه ایران خواهد شد

زیرا که بدنفسی و خام طمعی و تلبیس پردازی درویش پاشا

مسلم است بمقوله هر معظم که بدون بنای او و بی اطلاع مأمور آگاه

این حالت صورت حتمی تام باید نتیجه سوء آن واضح است که بجهت دولت دردسر خواهد بود

۱۳ ربیع [illegible] ۷۷

شمارهٔ سند: ۲۶۵
موضوع: تعیین حدود ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۱ ذیقعدهٔ ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۱۸۰

خلاصه شد

فدایت شوم، چنانچه مختصراً در ضمن تلغراف نامهٔ مورخهٔ ۳ ذیقعده به عرض عالی رسانیده‌ام، در ۱۶ ماه مارس فرنگی گذشته، لارد روکلیف ایلچی سابق انگلیس در اسلامبول از لارد رسل وزیر امور خارجهٔ انگلیس در مجلس پارلمنت سؤال نموده است که فقرهٔ تعیین حدود دولتین ایران و عثمانی چرا تا به حال تأخیر نموده است و کی تمام خواهد شد؟ لارد رسل جواب داده است که خریطهٔ حدود دولتین اسلام تا آخر همان ماه مارس تمام می‌شود، و بعد از او در میان دولتین مزبوره و مأمورین دولتین واسطه به موقع مذاکره و اجرا گذارده خواهد شد و ذکر نموده است که دولت انگلیس پنجاه و هفت هزار لیره از برای اتمام خریطهٔ مزبوره مصارف کرده است و می‌گفته است که دولتین روس و انگلیس بجز در ایام محاربهٔ سابقه در مادهٔ تعیین حدود دولتین اسلام تا به حال متفق‌الرأی بوده‌اند این فقره را روزنامهٔ چاپ لندن طبع نموده و از روی آنها روزنامجات اسلامبول نیز نوشته بودند چنانچه نسخه از او در جوف به جهت استحضار عالی می‌فرستم، چون در تعلیقه‌جات سابقه اشاره شده بود که اگر ممکن است اتمام امر مزبور را تأخیر بیندازم، لهذا به مقرب‌الخاقان محمدعلی خان، شارژ دافر لندن نوشتم که از لارد رسل تحقیقات لازمه را به شخصه نموده و سفارت سنیه را اطلاع بدهد؛ شاید به وسیله انجام فرمایش سابقه جناب‌عالی را توانم داد. سواد شرحی که به مشارالیه نوشته‌ام، لفاً ارسال حضور عالی می‌شود و در بین صحبت جناب عالی‌پاشا نیز اظهار این مذاکرات لارد روکلیف و لارد رسل را در مجلس پارلمنت نمود، فدوی جویا شدم که سوای آنچه در روزنامجات نوشته‌اند ابلاغ رسمی هم از سفارت انگلیس به باب‌عالی شده است یا

خیر، در جواب گفت هنوز ابلاغی نشده است اما ایلچی عثمانی در لندن مذاکرات مزبوره را به توسط تلغراف به ما اطلاع داده بود؛ پس از آنکه جواب از محمدعلی خان رسید و درجهٔ عمل معلوم شد، به قدری که لازم است در فراهم آوردن اسباب و تعطیل کار سعی خواهم نمود. مورخه دوشنبه ۲۱ شهر ذیقعده ۱۲۸۱

محل مهر: عبده الراجی حسین محمد

۱۸۰

ملاحظه شد

فدایت شوم چنانچه مختصرا در ضمن عریضه نمره ۳۰ در تعریف به عرض عالی رسانیده‌ام در ۱۶ ماه مارس فرنگی که گذشته

لارد رکلیف ایلچی سابق انگلیس در اسلامبول از لارد رسل وزیر امور خارجه انگلیس در مجلس پارلمنت سؤال نموده است که قرار تعیین حدود دولتین ایران و عثمانی

چرا تا بحال تاخیر شده است و کی تمام خواهد شد لارد رسل جواب داده است که خریطه صدر اعظم و رئیس اسلام تا آخر همان ماه مارس تمام شده و بعد از آن در دست

دولتین مزبوره و مامورین دولتین واسطه مرجع مذاکره و جای گذارده خواهد شد و ذکر نموده است دولت انگلیس بجهت بهتر آن در آینده از کار خریطه مرقوم صاحب

کرده است و گفته است که دولتین روس و انگلیس بجز در ایام محاربه سابقه در باب تعیین حدود دولتین اسلام تاکنون تغییر الرای نیافته‌اند اتفاقا لارد جناب

و از روی آنها روزنامجات انگلیسی نیز نوشته‌اند چنانچه نسخه لندن در جوف کپیه انتشار عالی معروض حال در تعلیقجات سابقه

اتمام امر مزبور تاخیر شده لهذا مقرب الخاقان محمد علی خان شارژ دافر لندن از لارد رسل تحقیقات تازه نموده و اطلاع

شاید بوسیله انجام فرمایشی سابقه جناب عالی اقدام نموده و شرح رسانیده نوشته‌ام حضور عالی و در صحبت جناب

اظهار این کلمات لارد رکلیف و لارد رسل در مجلس پارلمنت در روزنامه که آنچه در روزنامجات نوشته‌اند اطلاع

انگلیس با دولت شده است خیر در جواب گفت هنوز اطلاع نشده است اما ایلچی عثمانی در لندن کلمات مزبوره را توسط ... اطلاع

پس از آنکه جواب ... معلوم شد بقدری که لازم است ارسال ... تعطیل کار ... خواهم نمود مورخه ۲۸

شمارهٔ سند: ۲٦٦

موضوع: تعیین حدود ایران و عثمانی

تاریخ: ۲۱ ذیقعده ۱۲۸۱ هـ.ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۵/ح

متعلق به نمره ۱۸۰

هو

سواد یک فقره از مراسلهٔ مورخهٔ ۹ شهر ذیقعدة‌الحرام ۱۲۸۱ دایر به مقدمهٔ خریطهٔ سرحد دولتین علیتین ایران و عثمانی از سفارت سنیه به مقرب‌الخاقان محمدعلی خان شارژ دافر لندن نوشته شده است.

از قراری که روزنامجات فرنگستان درج نموده بودند، و از روی آنها روزنامه‌های اسلامبول انتشار داده‌اند، لارد ردکلیف ایلچی سابق انگلیس در اسلامبول از لارد رسل وزیر امور خارجه در مجلس پارلمنت سؤال نموده است که تعیین حدود مابین ایران و عثمانی که به واسطهٔ انگلیس و روس بایست تمام شود، چرا آنقدر تأخیر کرده است؛ و لارد رسل جواب داده است که خریطهٔ سرحد، مابین مهندسین انگلیس و روس مذاکره شده و اتفاق رأی حاصل نموده تمام گردیده است و در ظرف یک ماه دیگر مابین دولتین ایران و عثمانی و مأمورین انگلیس و روس به موقع مذاکره و مباحثه گذارده خواهد شد. لهذا لازم شد شما را زحمت بدهم که اگر مناسب می‌دانید، مجلس ملاقاتی از لارد رسل خواسته تحقیق این مطلب را درست نمایید که آیا واقعاً خریطهٔ مزبوره تمام شده و در ظرف یک ماه به موقع اجرا و مذاکره گذارده خواهد شد یا هنوز طولی دارد زیرا که اطلاع اولیای دولت علیه و این سفارت از حقیقت این فقره خیلی لازم است و هر قدر زودتر و مفصلتر از این مقدمه مطلع شوند، منافع خودشان را به همان درجه بهتر می‌توانند محافظه نمود. یقین دارم که به قدر امکان در تحقیق این فقره و اطلاع دادن به این جانب مضایقه نخواهید کرد.

والسلام

[ناخوانا]

سواد یک فقره ... نمره ۹ شهر ذیقعدة الحرام ۱۲۸۱ ... [ناخوانا]

از قراری که روزنامه‌جات انگلستان درج نموده‌اند ... [ناخوانا]

در پارلمنت ... از لارد رسل ... امور خارجه در مجلس پارلمنت سؤال نموده است ... تعیین حدود مابین ایران و عثمانیه ... انگلیس و روس ... [ناخوانا]

تا حال ... لارد رسل جواب داده است ... مهندسین انگلیس و روس ... [ناخوانا]

تمام گردیده است ... دولتین ایران و عثمانیه ... مأمورین انگلیس و روس ... [ناخوانا]

... مجلس ... لارد رسل ... مطلب ... [ناخوانا]

در طرف ... [ناخوانا]

... [ناخوانا] ... محافظه نمود ... [ناخوانا]

... خواهد کرد والسلام

شمارهٔ سند: ۲۶۷
موضوع: تهیهٔ نقشهٔ سرحدات ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۱ جمادی الثانی ۱۲۸۳ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۹٤

خلاصه شد

فدایت شوم، به واسطهٔ تلغراف به خط رمز، وصول نقشهٔ سرحدات ایران و عثمانی را از پطربورغ به جهت ابلاغ به باب عالی معروض داشته ام. به فاصلهٔ یک هفته نقشهٔ انگلیسی ها نیز رسید و به سفرای روس و انگلیس تعلیمات داده اند که یک نسخه از نقشهٔ مزبوره را متفقاً امضا نموده به باب عالی بدهند و نسخهٔ دیگر را نزد خود نگاه بدارند. و همچنین در دارالخلافه نسخه[ای] به وزارت جلیلهٔ امور خارجه داده و نسخه[ای] در نزد خود داشته باشند و اتمام عمل را به دولتین ایران و عثمانی واگذار نموده در هر نقطه که اختلاف فی مابین دولتین واقع شد، رجوع به مأمورین دولتین واسطه نموده و تصدیق آنها را بخواهند عجالتاً سفرای مشارالیهما هر یک مأموری از اتباع سفارتخانهٔ خود به جهت مقابلهٔ دو نسخهٔ نقشه معین نموده اند؛ پس از آنکه مقابلهٔ آنها تمام شد و اختلافی ملاحظه نکردند، یکی از نسخه ها را امضا نموده به باب عالی خواهند داد. و چاپار انگلیس که حامل این عریضه است نقشهٔ سرحدات را به جهت جناب مستر الیسون می آورد و البته به سفارت روس هم رسیده است وصول نقشه ها از جانب مشارالیهما به جناب عالی پاشا شفاهاً اعلام شده است. منظور اولیای دولت علیه هرگاه تأخیر یا تعجیل در اتمام این عمل باشد، سفارت سنیه اعلی حضرت شاهنشاهی به هر یک از شقین مقتدر است و منتظر اشارهٔ جناب عالی می باشد که لوازم منظور و مقصود اولیای دولت علیه را فراهم تواند آورد. چون مرقوم فرموده اید که مِن بعد عریضه جات به قدر امکان مختصر نوشته شود، به همین قدر جسارت رفت. زیاده عرضی ندارم. ۲۱ شهر جمادی الثانی ۱۲۸۳

محل مهر: عبده الراجی حسین محمد

سواد ۹۴
ملاحظه شد

فدایت شوم — بواسطه تلغراف بخط رمز فصلی نقشه سرحدات ایران و عثمانی را از لندن پرسیده بودم جواب ابتدا بتلگراف معروض داشته‌ام

تفصیل آنکه یک نسخه نقشه انگلیسها ترسیم و به طهران روس و انگلیس تعلیمات داده‌اند در یک نسخه از نقشه مزبور خطوط انتخاب نموده بسایر نسخه‌های دیگر را

نقطه خط نگاه بدارند و هم چنین در دارالخلافه نسخه نزد وزارت جلیله امور خارجه داده و نسخه در نزد خود داشته باشند و تا تمام عهدی در سرحد بین ایران و عثمانی برقرار نموده

در هر نقطه اختلاف فیمابین دولتین واقع شد رجوع بآن مورد نقشه واسطه بوده و تصدیق آن نسخه را که با کمال ... شد یک نامه ...

خود که نقشه به نسخه نقشه تعیین نموده انگلیس را که مقابله آنها تمام شد و اختلاف ملاحظه گردد یک از نسخه‌ها را انتخاب نموده بجانب ... خواسته ...

انگلیس حالا ... نقشه سرحدات را بجهت جناب مستر تامسون می‌آورد و با نسخه سفارت روس هم رسیده است نقشه‌ها از جانب ...

بجناب عالی ... اعلام شده است منظور اولیای دولت علیه هر گاه خبر ... تمام ... سفارت ... اعلیحضرت ... انگلیس ...

مقرر است ... بجناب عالی ... لوازم ... اولیای دولت علیه را فراهم توانند آورد چون ... بتقدیر

امکان مختصر نوشته شد ... قدر جسارت رفت ... عرض ندارم معروضه ۲۱ شهر جمادی‌الثانی ۱۲۸۳

شمارهٔ سند: ۲۶۸

موضوع: تهیهٔ نقشه سرحدات ایران و عثمانی

تاریخ: ۵ رجب ۱۲۸۳ هـ.ق

کارتن: ۱۲

پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۲/۱۰۸

خلاصه شد

فدایت شوم، از قراری که معلوم می شود خریطهٔ سرحدات ایران و عثمانی را مأمورین دولتین واسطه به طوری کشیده‌اند که به هیچ‌وجه تعلق ارضی و امکنه را به احدی از طرفین معلوم نکرده‌اند. فرقی که این خریطه با سایر نقشه‌هایی که در فرنگستان کشیده‌اند دارد، این است که خریطهٔ مزبور را بزرگ کشیده و جمیع نقاط و جزویات سرحدیه را نشان داده‌اند و می‌گویند اتمام عمل منوط به مذاکرهٔ فی‌مابین دولتین است و در هر نقطه که اختلاف فی مابین ایران و عثمانی واقع شد، رجوع به سفرای دولتین واسطه نموده و مشارالیهما نیز از روی راپورت مأمورین خودشان که در قومسیون ملاحظهٔ سرحدات بوده‌اند، تصدیق یکی از طرفین را نماید. چون یک نسخه از خریطهٔ مزبور را باید خدمت سرکار بدهند و از ملاحظهٔ او درک خواهید فرمود احتیاج به اطناب ندارد. چنانچه عرض شده است هنوز مقابلهٔ خریطهٔ انگلیس و روس صورت اتمام نیافته است که یکی از نسختین را امضا نموده به نظارت امور خارجه عثمانی بفرستند من‌بعد هرچه دایر به این فقره واقع شود معروض خواهم داشت. معروضهٔ ۵ شهر رجب‌المرجب ۱۲۸۳

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] جواب این فقره همان است که آن روز شفاهاً فرمودیم، باید همان‌طور مفصلاً به وزیرمختار بنویسید.

١٠٨

١٢

ملاحظه

در باب شمال — از قراری که معلوم می‌شود خریطهٔ سرحدات ایلچیان دولتین علیتین که مأمورین دولتین واسطه بطوری کشیده‌اند که سرحد ...

و دیگر اینکه با وجود اینکه از طرفین معلوم گردیده فرقی در این خریطه با سایر نقشه‌ها که در کردستان کشیده‌اند وارد است این خریطه نیز در آن

بزرگ کشیده در جمیع نقاط و جزویات سرحدیه که اختلاف داشته‌اند ... تمام علامت مخطوطه که ... است ... نقطه‌ها خوب

فیمابین ایلچیان دولتین واقع شد رجوع به سفرای دولتین واسطه نموده و آنها را نیز از روی ... مأمورین خودشان ... خط

سرحدات تعیین نمایند تقدیم یک از طرفین لازم است چون یک نسخه از خریطهٔ مزبوره به خدمت ... و از خط او

در کار خواهد بود احتیاج به مطالب ... چنانچه ... است امروز ... خریطهٔ انگلیس ... صورت اتمام یافته است

١٢٦٣

در ... نظارت امور خارجه ... مرقومه شهر ...

شمارهٔ سند: ۲۶۹
موضوع: تهیهٔ نقشه سرحدات ایران و عثمانی
تاریخ: ٦ رمضان ۱۲۸۳ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۳/۱۲۲

خلاصه شد

فدایت شوم، خریطهٔ سرحدات دولتین ایران و عثمانی که وصول آنها را به سفارت روس و انگلیس معروض داشته‌ام، پس از آنکه مأمورین آن دو سفارت به مقابلهٔ او پرداختند، دو خریطه را با یکدیگر متفق و متحد نیافتند. به اعتقاد لارد لاینز و جنرال اغناتیف اگر هم مطابق یکدیگر بودند، دو نسخه کفایت این کار را نمی‌کرد و به جهت اتمام تعیین حدود طرفین اقلاً هشت نسخه لازم است که دو نسخهٔ او را به دولت علیه ایران و دو نسخهٔ دیگر به دولت عثمانی بدهند. و دو نسخهٔ دیگر در سفارت روس و انگلیس و دو نسخهٔ دیگر در وزارت امور خارجهٔ لندن و پطربورغ باید موجود باشد که در ظهور اختلاف فی مابین مأمور ایران و عثمانی همینکه رجوع به دولتین واسطه و سفرای آنها شد، از روی بصیرت بتواند رأی خود را بیان کرد. عجالتاً لارد لاینز و جنرال اغناتیف از قراری که عرض شد، مراتب را هر یک به دولت متبوعهٔ خود نوشتند و اگر به آنچه مشارالیهما نوشته‌اند از دولتین انگلیس و روس تصدیق نمایند، اتمام هشت نسخه از آنها سالها طول خواهد کشید. مراتب به جهت اطلاع سامی عرض شد و هر جوابی که از لندن و پطربورغ برسد بدون تأخیر به عرض و استحضار خدمت عالی مبادرت خواهم ورزید. در این اوقات دولت عثمانی که گرفتاری‌های متعدد دارد به هیچ‌وجه میلی به مباشرت اتمام عمل تعیین سرحد دولت ایران ندارد و از تأخیر و تعویق او باطناً ممنون و خوشحال می‌باشند. کیفیت محض اطلاع خاطر جناب عالی عرض شد. زیاده عرضی ندارم. معروضه ٦ شهر رمضان‌المبارک ۱۲۸۳

محل مهر: عبده‌الراجی حسین **محمد**

نمره ۱۲۲ / ۳

ملاحظه شد

قربانت شوم   خریطه سرحدات که پستین الیقین روانه و مرقومی ازینطرف بسفارت روس و انگلیس معروض داشته‌ام لهذا آنکه مامورین آن دو سفارت

بمقابله او برداشتند و خریطه را با یکدیگر متفق و نسخه نیز نوشته به جناب لارد ولایت و جنرال اغناتیف که هم مطابق ... نسخه کفایت این کار را نمی‌کرد

و بجهت اتمام تعیین حدود طرفین اقلا شش نسخه لازم است دو نسخه اولا دولت علیه ایران و دو نسخه دیگر دولت عثمانی بدهند و دو نسخه دیگر سفارت

روس و انگلیس و دو نسخه دیگر در وزارت امور خارجه لندن و پطربورغ باید موجود باشد که در ظهور اختلاف فیمابین مامورین ایران و عثمانی هر وقت محکمه رجوع به دولتین

واسطه و سفرای آنها از روی بصیرت بتوانند رای خود را بیان کرد جناب لارد ولایت و جنرال اغناتیف از قراریکه عرض شد مراتب را به هر دو دولت

متبوعه خود نوشته و بلکه بر آنچه شد را ایشان نوشته‌اند از جانب انگلیس و روس بتصدیق ثانیه اتمام شش نسخه از ایشان لهذا مطلب که اظهار کرده مراتب

بجهت اطلاع ساطع عرض شد و هر چه زودتر از لندن و پطربورغ برای دولتین بدون تاخیر تعرض و انتظار حضرت عالی مبادرت خواهم ورزید و در این

اوقات دولت عثمانی که گرفتاریهای متعدده دارد بهیچوجه میل بمباشرت اتمام عمل تعیین سرحد دولت ایران ندارد و از تاخیر و تعویق او

باطنا ممنون و خوشحال میباشند کیفیت محض اطلاع خاطر جناب جلالی عرض شد زیاده عرضی نیست فی ... شهر رمضان المبارک ۱۲۸۳

شمارهٔ سند: ۲۷۰
موضوع: تهیهٔ نقشهٔ میانهٔ سرحد ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۲ اکتبر ۱۸۶۹ (۱۲۸۵ هـ.ق)
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ سواد مراسلهٔ ایلچی کبیر انگلیس به جناب عالی‌پاشا به انضمام نقشهٔ سرحدیه دولتین ایران و عثمانی (از طرف سفارت ایران)

نمره: ۸۸

امضاکننده به اطاعت به حکم دولت خود مفتخر است از اینکه یک نقشهٔ سرحدیه عثمانی و ایران که از روی دستورالعمل متفقانهٔ دول متوسط (واسطه) به جهت تعیین سرحد میانهٔ ممالک عثمانی و ایران درست شده بود، برای جناب صدراعظم بفرسد. اولیای دولت انگلیس امیدوارند که اهتمامات آنها معاً با مساعی دولت اعلی حضرت امپراطور روس به جهت رفع سبب اشتباهی که از جهت معین نبودن سرحد میانه مملکتین اسلام پیدا می شد، به واسطهٔ این نقشه که تقدیم باب‌عالی می شود کاملاً مکلل به اکلیل حاصل مرادی بشود. یک (سواد از آن) نقشه نیز برای دولت ایران فرستاده شد با امید (از طرف دول متوسط) اینکه خط سرحد میانهٔ ممالک متعلقه به اعلی حضرت سلطان و اعلی حضرت شاه، میانهٔ حدودی که روی نقشه نشان شده است پیدا بشود. و که خود اولیای دولت آنها آن خط را معین نمایند. لکن در صورت وقوع اختلاف و منازعه میانه آنها (دو دولت) در خصوص مکان مخصوصی آن نقاط متنازع‌فیه از روی عهدنامهٔ ارزنة‌الروم باید رجوع به دول انگلیس و روس بشود. چون برای دولت عثمانی و دولت ایران هر کدام دو نقشه فرستاده شده است؛ یک نقشه را خود دولت نگاه‌داشته، نقشهٔ دیگر را به هر مأموری که به جهت تعیین خط سرحد میانهٔ این دو مملکت خواهند فرستاد، خواهند داد.

محل امضای: ایلیوت

ترجمهٔ خانزاد دولت جاوید آیت علی اکبر الحسینی

ترجمه مراسله ایلچی انگلیس به جناب عالی پاشا با اتمام نقشه سرحدیه بین دولتین ایران و عثمانی

اسلامبول ۲۲ اکتوبر ۱۸۶۹ — سواد — نمره ۱۸۱ مسیو ۸۳

امضا کننده با اطاعت حکم دولت خود مفتخر است از اینکه یک نقشه سرحدیه عثمانی و ایران را که از روی دستورالعمل

دول متوسط (واسطه) بجهة تعیین سرحد مابین ممالک عثمانی و ایران درست شده بود برای جناب صدر اعظم انفاذ بفرستد اولیای

دولت انگلیس امید دارند که اهتمامات آنها معاً با مساعی دولت علیحضرت امپراطور روس بجهة رفع مشتبهات از جهة

تعیین خط سرحد مابین ممالکتین اسلام پیدا شد بواسطه این نقشه که تقدیم باب عالی میشود کاملاً منفعل با حصول حاصل صحیح شود

یک (سواد دیگر از آن) نقشه نیز برای دولت ایران فرستاده شده باید (از طرف دول متوسط) این خط سرحد مابین ممالک

متعلقه با علیحضرت سلطان و علیحضرت شاه مابین حدود دیگر در این نقشه نشان داده شده است بعد ازین به دولتین است که آنها

آن خط را معین نماید لکن در صورت وقوع اختلاف در منازعه مابین آنها (دولت) در خصوص مکان مخصوص

آن نقاط متنازع فیه از روی عهدنامه ارزنة الروم باید رجوع بدول انگلیس و روس نمود چون که دولت عثمانی

دولت ایران هر کدام نقشه فرستاده شده است یک نقشه را خودشان نگاه داشته نقشه دیگر را به مامورین بجهة تعیین خط

سرحد مابین این دو مملکت خواهند فرستاد خواهند داد

مهر هنری الیوت

ترجمه مطابق اصل است
عبدالحسین

شمارهٔ سند: ۲۷۱
موضوع: منطقهٔ قازلی کل
تاریخ: ۱۲ محرم ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد ترجمه شده به عبارت فرانسوی به سفرای دولتین واسطه نوشته می‌شود

تفصیلی که از طرف دولت عثمانیه به عنوان نسخهٔ مکاتبات متبادله در حق قازلی کل، ملک طلق بلانزاع دولت ایران به عبارت فرانسه در اسلامبول به سفرای دول واسطه تحریر و تبلیغ شده است، بدقت ملاحظه شد. بدیهی است که در میان دو دولت دوست خاصه همجوار، هرگونه ادعایی که مربوط به اجازت معاهده نبوده باشد صلاحیت آن را نخواهد داشت که از هیچ طرف پیشنهاد و وسیلهٔ اختلاف بین الدولتین اتخاذ شود.

چون مأمورین دول واسطه و وکلای طرفین سالها در مجالس ارزنة الروم زحمت کشیده به دعاوی و دلایل طرفین رسیدگی کرده، آخر منتهی به عقد معاهدهٔ اخیر مورخهٔ سنهٔ ۱۲۶۳ هجری گردیده و به موجب فصل دویم آن قرار معینی که در خصوص محمره و ذهاب و سلیمانیه مقرر و به جهت رفع همین طور اختلافات واقعه در حق سایر اراضی به موجب فصل سیم از طرفین به ترک دعاوی قویاً تعهد شده است. و به همین جهت وکلای دول واسطه در مجالس طراحی حدود محمره یعنی در مجلس دویم آن از تجدید دعاوی گذشته و استنادات سالفه اعتذار نمودند. و به همین جهت دولت ایران در این مسئلهٔ حاضره و امثال آن همیشه دولت عثمانیه را به رعایت معاهده دعوت نموده و از بابت دهات و بلوکات متکاثرهٔ ایران که به موجب فصل سیم معاهده در تصرف عثمانیه مانده است، هیچ گونه تجدید ادعایی پیشنهاد نکرده. فقط در حق درهٔ قتور و درهٔ دیری و درهٔ بارژکه و غیره و غیره که از خاک ایران پس از معاهده از طرف عثمانیه تخطی و غصباً تصرف شده است، پروتستو نموده و هنوز منتظر حقانیت دولت عثمانیه و مواعید منصفانهٔ دولتین واسطه است.

بنابراین دولت عثمانیه که در ابتدای مذکره مزبوره، اسناد عتیقه و استناد دفاتر قدیمهٔ خودشان را اساس ادعای قازلی کل برای خود قرار داده است، قطع نظر از

اینکه دولت ایران برای ردّ آن و اثبات حقوق قدیمهٔ خود در حق آنجا به اقامهٔ دلایل قویه قادر است. چون تا هر درجه که راجع به ایام قبل از انعقاد معاهده بوده باشد، قویاً از قبیل تجدید دعاوی گذشته و منافی فصل سیم معاهده است البته خارج از صلاحیت رجوع خواهد بود تا چه رسد به اینکه اساس ادعای تازه قرار داده شود. آمدیم به حالت ایّام انعقاد معاهدهٔ اخیره و بعد از آن از اینکه محل مزبور بلاشبهه سالها قبل از معاهده و بعد از آن تا حال مستمراً در تصرف حق ایران بوده و این معنی در ایام گردش حدود، شهوداً معلوم وکلای دول واسطه گردیده است. گویا هیچ گونه احتیاجی به اقامهٔ دلایل سایره باقی نبوده باشد. ومع هذا در صورت اقتضا از اثبات آن و اقامهٔ هر نوع ادلهٔ قویه و ردّ دلایل عثمانیه نیز عهداً و شرطاً مضایقه نخواهد شد. اگر واقعاً قدر این مقولهٔ حسن عهدداری و این همه سکوت ایران در باب اراضی و بلوکات و محالات کثیرهٔ خود که بعد از معاهده به خلاف معاهده از طرف عثمانیه غصب و متدرجاً از این طرف پروتستو شده است، در نظر انصاف دولت عثمانیه مجمل مانده، به تابع این مقوله دعاوی غیرمسبوق که چندسالی است به خلاف مدلول عهدنامه پیشنهاد شده است، در صدد زیاده‌طلبی و استدلالات خارج از اجازت معاهده بوده باشند جای افسوس و دلیل تجدید دعاوی متروکه و تخلف از شروط مقدسهٔ عهدنامهٔ مبارکه خواهد بود. اینکه در مذکرهٔ مزبوره و زراعت اهالی ایران و تعمیرات آنها در قازلی کل شکایتی مسطور و چنین اشعار گردیده که گویا (از طرف دولت ایران تأمینات رسمیه برای تخلیهٔ قازلی گل و تخریب تعمیرات آنجا داده شده و بعد نکول گشته و همچنین قرار به تعیین مأمورین جانبین و تحمیق حالت تعمیرات آنجا داده و باز مسامحه و دفع الوقت می نماید) اولاً: در حق همچو محلی که عهداً و شرطاً همیشه در تصرف ایران بوده و هست فرضاً اگر از طرف اهالی و سکنهٔ آنجا که رعیت ایران هستند، زراعت و عمارت تازه هم واقع شود، حقاً محل ایراد نمی تواند شد. مع مافیه و با وجود آنکه مباشرت اهالی آنجا و به زراعت و تعمیر تازه هنوز محقق نشده است، در صورتی که زراعت و تعمیرات تازهٔ اهالی قازلی کل در ملک طلق متصرف فیه چندین سالهٔ خود محل اشتکاء و ایراد بوده باشد، البته زراعت و تعمیرات و احداثات تازهٔ تبعهٔ عثمانیه در اراضی و بلوکات ملک طلق ایران از قبیل قتور و شرف خانه و آخورک و اماقه و غیره و غیره که بعد از معاهده غصب و تصرف نموده و هر روزه مشغول احداثات تازه در آنجا هستند، به طریق اولی محل ایراد و قابل شکایت و ممانعت حقهٔ ایران خواهد بود.

ثانیاً ابداً از طرف دولت ایران هیچ گونه اشعار رسمی و غیررسمی که موهم تخلیهٔ قازلی کل و صرف نظر از حقوق باهره و ثابته و قدیمهٔ این دولت در حق آنجا بوده باشد، به عثمانیه داده نشده است. اگر سندی در این باب دارند ابراز نمایند. گویا استناد عثمانیه به همچو امر موهومی هم از قبیل مشبهاتی خواهد بود که سرحدداران عثمانیه به دولت متبوعهٔ خود برای تردید حقوق ایران در قازلی کل القا نموده‌اند.

ثالثاً، در باب تعیین مأمور از طرفین به موجب نوشتجاتی که از جانبین در این باب مکاتبه شده، سفارت ایران مقیم اسلامبول به اقتضای اصول انصاف و حقوق عمومی دول، از اول مذاکره به قید تخمین احداثات طرفین در اراضی مجاور یکدیگر از قتور تا قازلی کل تعیین مأموریت را تثبیت و قبول نموده و سند این معنی حاضر است که برای اقامهٔ دلیل ابراز شود. ولیکن عدم موافقت عثمانیه و میل ایشان به اینکه مأموریت مأمورین تنها منحصر به استکشافات راجعه به قازلی کل بوده برای کشف احداثات و تصرفات تازه عثمانیه در اراضی مجاور آنکه همگی غصب عثمانیه از ایران است، رجوع و موافقتی نشود، موجب تعویق امر گردیده است. بنابراین واضح می شود که دفع الوقت از کدام طرف و حق شکایت با کدام یکی است. و خلاصه اسناد تجاوز حدود که در ضمن تذکره مزبوره به پاشاخان داده شده، از روی حقیّت بدین قرار است: که اکراد جلالی ایران به شراکت و اتفاق بعض عشایر عثمانیه که موهم تحریک سرحدداران عثمانیه بود جسارت به تخریب بعض دهات ایران واقعه در قازلی کل و غیره نمودند و در آن بین مأمورین عثمانیه عوض اینکه اقلاً به منع عشایر خود بپردازند، سه دفعه با توپ و قشون نظامی تخطی حدود نموده داخل خاک قازلی کل شدند. دولت ایران ازین بابت شکایتی به دولت عثمانیه نموده. سرحدداران عثمانیه به جهت خلط مبحث و توسیع مسئولیت محتمله، اسناد تجاوز حدود به پاشاخان داده‌اند که گویا از قازلی کل به خاک عثمانی تجاوز نموده است و دلیلی برای اثبات آن اقامه نشد. از اینکه در مذکرهٔ مزبوره فقط اشاره به عزل پاشاخان شده است، بخوبی استناد می توان نمود که در حق سرحدداران عثمانیه که ثابتاً تجاوز به خاک ایران نموده‌اند، هنوز هیچ گونه مجازات و مکافاتی مجری و رعایتی به ترمیم شکایت ایران نشده است و همین دهات معینه است که دولت عثمانیه ابتدائاً به موجب مخابرهٔ تلغرافی به ایالت ارزروم و به واسطهٔ سفیر خود در طهران به ترمیم خرابی های واردهٔ به آنها اظهار موافقت نموده و بعد مجدداً به هر خیالی است بدون

اینکه منع احداثات را از حقوق متساویهٔ طرفین قرار دهند، مثل آنکه یکی از حقوق مختصه و امتیازیه عثمانیه است، در صدد منع ارجاع آنها به حالت سابقهٔ خود می باشند. نتیجهٔ کلام پس از همهٔ این تفاصیل و دلایل چنین می شود که قازلی کل عهداً و شرطاً ملک طلق ایران است و همیشه در تصرف بلانزاع ایران بوده و هست. سکنهٔ آنجا که اهل ایرانیه حق هرگونه زراعت و عمارت را دارند تا چه رسد به اینکه خرابی های واردهٔ بر خود را اعمار و به حالت اولی ارجاع نمایند. ممانعت و تعرض عثمانیه به این طور حق فاحش ایران، خاصه به تعمیر خرابی هایی که تازه به آنها وارد آمده است، مطابق دلایل عهدیه و شرطیه نمی تواند بود خصوصاً در حالتی که نظیر همین تکلیف در اراضی مغضوبهٔ خود منظور نمی دارد؛ چه آنها که عهد دولت عثمانی به دولت ایران ترک ادعا نموده و چه آنها که به خلاف معاهده غصباً پس از معاهده تخطی وتصرف نموده و در تحت پروتستو است. پس دولت ایران با داشتن این همه دلایل واضحه بر ثبوت حقیت خود در تعلق و اختصاص بلاریب قازلی کل به خودش و ظهور آن طور اعمال غیر مجوزه از سرحدداران دولت عثمانی که دلیل الغای شروط عهدنامه و تجاوزات غاصبانه در املاک سایرهٔ ایران مثل قطور و اماقه و محمودی و حوقلو و غیره می باشد، از قوه امکان خود خارج می داند. که تمکین به چنان ادعای کارگزاران دولت عثمانی نسبت به قازلی کل نماید این است که ابتدا رجوع به انصاف دولتین واسطه کرده مترصد ظهور نتیجهٔ منصفانه در رفع این غائلات می شود و اگر خدانکرده این آرزو به حصول نرسید و مأمورین آن دولت در مداومت مسلک و طریقهٔ مستحدثه خود که من غیرحق پیشنهاد کرده اند باقی ماندند، آن وقت اول تکلیف دولت علیهٔ ایران برای محافظت حقوق مقدسهٔ خود، مقابلتاً رعایت همان رفتار خواهد بود که از آن طرف پیشنهاد خود نموده اند. تمنی آنکه، زحمت کشیده سواد همین نوشته را به محال لازمه ابلاغ و از سفارت دولت متبوعهٔ خود مقیم اسلامبول خواهش نمایند که نسخه هم اطلاعاً به باب‌عالی تسلیم شود. ۱۲ شهر محرم ۱۲۸۶

[پی نوشت:] به اطلاع جناب مشیرالدوله به فرانسه ترجمه و در ضمن یادداشت جداگانهٔ مورخهٔ ۱۲ شهر محرم ۱۲۸۶ به سفارتهای ذیل ارسال شد.

موضوع: نقل قرانتینه به قازلی گل
تاریخ: ۲۷ محرم ۱۲۷۶ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

نمره: ۵۲

فدایت شوم، نواب محمد رحیم میرزا حکمران خوی نوشته بودند که کارگزاران عثمانی باز قرانتین را می خواهند به قازلی گل نقل نمایند و همچنین نوشته بودند که در اباقه می خواهند قرانتین بنا نموده از هر چادری یک امپریال و هرآدمی شش عباسی تنخواه دریافت نمایند. در این فقره با جناب فواد پاشا اولاً مکالمهٔ شفاهی نموده و خلاف بودن این دو حرکت را به ادله و براهین بیان نموده و ملک طلق دولت علیه بودن اباقه و قازلی کل را به جهات چند اظهار داشتم. در جواب گفت مراتب را از درویش‌پاشا که مأمور ما در تعیین سرحد بود سؤال نموده بعد به شما جواب می دهم. گفتم که هرگاه جواب من موقوف به تصدیق درویش‌پاشا بشود، گویا مشارالیه اباقه و قازلی گل و همهٔ آذربایجان که سهل است بندر بوشهر را هم هنوز تصدیق ندارد که مال ایران است. به طور صریح به شما می‌گویم که به کارگزاران خود هر قدر زودتر ممکن است که از این دو خیال صرف‌نظر نموده و الا هر نتیجه که حاصل شود به عهده و ذمهٔ کارگزاران عثمانی خواهد بود. وعده داد که مؤکداً بنویسند ترک این دو خیال را نمایند به نواب شاهزاده معزی‌الیه عرض نمودم و به بندگان عالی هم عرضه می دارم که مرقوم دارند در کمال سختی از این دو فقره ممانعت نموده و هرگاه چنین خیالی که کارگزاران قرانتین در اماقه و آوردن قرانتین به قازلی کل گول از طرف آنها صورت ببندد منع صریح نمایند اگرچه به زور اسلحه باشد در این فقره قبل از وقت تقریر رسمی هم بعد از مکالمه شفاهی به فواد پاشا ناظر خارجه نگاشته و تکلیف را از خود برداشته‌ام محض اطلاع خاطر بندگان عالی عرض شد. معروضه ۲۷ محرم‌الحرام ۱۲۷۶

موضوع: محل قرنتینه
تاریخ: ٤ ربیع الاول ۱۲۷۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت جلیلهٔ امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

در خصوص نقول قرنتینه به قازلی گول اولیای دولت علیه ایرانیه شرحی به تاریخ هشتم ذیقعده به سفارت سنیه نوشتند و ضمناً شکایتی از مأمورین قرنتینه کرده بودند. چون مدت اقامهٔ قرنتینه در محل مذکور مقتضی گردیده، به جای قدیم خود نقل شده است که تابستان آینده چنان که عادت معموله بود باز به همان قازلی گول آورده شود و تا آن وقت قویاً مأمول است که به اهتمام وکلای دولتین مسئلهٔ حدود به سرحد اتمام رسید عجالتاً جای گفتگو در این خصوص نخواهد بود لیکن این فقره را خاطرگذار آن جناب می نماید که علی خان حاکم ماکو همچنانکه همیشه تجاوز و تخطی به ممالک محروسهٔ دولت علیه می‌کند و سفارت سنیه و مأمورین دولت علیه را به شکایت می آورد وقتی که قرنتینه را به قازلی گل آورده بودند، از جانب خان مومی الیه به طوری حرکات خلاف ناشایست نسبت به مأمورین دولت علیه به ظهور رسیده است که خارج از مأموریت او است. فرض می‌کنیم خان مومی الیه با اذن و اجازهٔ اولیای دولت متبوعهٔ خود مداخله به آن صفحات خواسته بود اگر اعتراضی از مأمورین دولت علیه می دید شکایت به دولت خودش می‌کرد نه معاملهٔ غیرمترقبهٔ سفارت سنیه خواهش می نماید که قطعاً در این باب به خان مومی الیه احکام صادر شود که هیچ‌وقت مداخله به امورات سرحدیه نکند و با مأورین حدود دولت علیه حسن حرکت و رفتار نموده اگر شکایتی از مأمورین این طرف داشته باشند، مراتب را به اولیای متبوعهٔ خودش عرض نماید که اولیای دولت مشارالیها بالذّات گفتگو با وکلای فخام سلطنت سنیه و سفارت او نمایند. در خصوص یارم‌قیا و طانبات خاک دولت علیه که مأمورین ایالت ارزروم از حرکات خان مومی الیه خالی از شکایت نیستند در ضمن این مراسله زحمت‌افزای آن جناب می شود که تا قرار قطعی دولتین داده شود، خان مومی الیه وجهاً من الوجوه مداخله به آن صفحات ننماید. دولت علیه بنا بر کمال

دوستی و مضافاتی که نسبت به آن دولت دارد دور نیست تا قراراتی از تصرف حقیقی ملک طلق خود موقتاً صرف نظر نموده باشد اما در صورتی که خان مومی الیه لاینقطع بنای اخلال استاتوقوی محال مرقومه را گذارد، بدیهی است که مأمورین سلطنت سنیه معاملهٔ متقابله را به عمل خواهند آورد. زیاده زحمت نمی دهد. حرر فی ٤ شهر ربیع الاول ۱۲۷۵ (محمد توفیق)

موضوع: تجاوز و تخطی به قازلی گل
تاریخ: ۲٤ جمادی الاول ۱۲۸۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

چنانچه از ولایت ارزروم به باب‌عالی در اسلامبول اشعار شده، سفارت سنیه را با تلغرافات به ابلاغ آن اعلام کرده‌اند و از جاهای دیگر هم معلومات کافیه به دوستدار رسیده است. ناشی از ماده و حادثهٔ[ای] که مابین عشیرت جلالی تابع ماکو و حاکم اواجیق پاشاخان اتفاق افتاده بوده است موافق تقویم دارالسعاده صبح پنجشنبه نهم جمادی الاولی، پاشاخان با سیصد نفر سوار و مقداری سرباز مسلحانه از تخطی و تجاوز از قازلی گول ملک صحیح سلطنت سنیه همچنان متجاسرانه می رود به قدر بیست دقیقه مساف تا به آن طرف کدوک خزینه و قایم‌مقام بایزید پس از استحضار از این حرکات متجاوزانه آدمی به نزد خان مومی الیه فرستاده از موجبات صدور چنان تخطی و تجاوز علنی از مأمور دولتی در خاک دولت دوست در حالتی که همهٔ مساعی کارگزاران و اولیای طرفین به ازدیاد اتفاق و اتحاد جانبین مصروف است، پرسیده خان مومی الیه جسورانه و بی ادبانه جواب داده است که از جانب دولت علیه ایران به اجرای بعضی مصالح مأموریم و قبل از آنکه به مأموریت خود نایل بشویم، معاودت نخواهیم نمود و علاوه بر این سخنهای غلیظ درشت هم می گوید. در ثانی عمدة العظماء الفخام قایم‌مقام بایزید مراسله به خان مومی الیه نوشته از آن حرکت تجاوز بعینه پروتستو می‌کند و می نویسد که اگر برای شما مصلحت دولتی می بود می بایستی به مأمورین دولت علیه اعلام کنید نه اینکه با این همه جسارت به تجاوز حدود مبادرت نمایند و آن مراسله را به واسطهٔ ضابط مخصوص به اتفاق حمدی افندی قایم‌مقام وبادین می فرستد که خان مومی الیه را ملاقات کرده برسانند ولی وقتی که افندی مومی الیه و ضابط مرقوم آنجا رسیده بودند، می بینند که پاشاخان با سوار و سربازی که به همراه داشته معاودت کرده

است. و اکنون موافق انتظار و مأمول و مطلوب وکلای فخام دولت علیه که این طور تخطی و تجاوز می ورزد که به صحت و یقین مقرون است و حقاً نمی توان به بعضی مسائل مشکوکهٔ غیرصحیحه مثل مسئلهٔ سعادت‌مآب شبلی پاشا مقایسه نمود. اولیای دولت علیه ایران متجاوزین و متجاسرین معلومهٔ مرقومه را شدیداً و علناً تنبیه و تأدیب فرمایند که هم مقتضای سلم و صفوت دولتین علیتین باشد و هم لایق و مناسب وقایه و حفظ ناموس و شأن سلطنت سنیه. زیاده زحمت ندارد. ایام مودت مستدام باد. مورخه ۲۴ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۵ (یوسف رضا)

موضوع: برداشتن ستون و سیم تلگراف از اراضی قازلی گل
تاریخ: ۲۷ جمادی الاول ۱۲۸۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصاباً فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

در باب رفع و دفع ستون و سیم تلغراف که مأمورین دولت علیه در اراضی قازلی گول ملک طلق صحیح صریح سلطنت سنیه را و نصب، کرده از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت اقدس پادشاهی و اولیای دولت علیه ایران به دوستدار در بدو ورود به طهران ابلاغ و اظهار شد. بنابرآنکه امنای دولت علیه ایران قازلی گول را از اراضی متنازع فیهما و واقعه تحت اسطاطسکو دانسته بودند، چنانچه جناب مشیرالدوله هم در اسلامبول وانمود کرده بودند و گذراندن سیم تلغراف مزبور را تا مرفوع شدن مسئلهٔ حاضره اسطاطسکو از مابین دولتین علیتین به طرف دیگر از خاک دولت علیه خواسته بودند، دوستدار مساعی مصلحانهٔ خود را مصروف داشته محض تحصیل رضایت و خشنودی خاطر بیضا مظاهر همایون و تکمیل امنیت و اطمینان دولت علیه ایران از نیات خیرخواهانهٔ خود اول به واسطهٔ تلغراف و در ثانی به موجب ذریعه‌جات مراتب را به وکلای فخام دولت متبوعهٔ معظمه خود چنانچه مشهود آن جناب جلالت‌مآب است، معروض و معلوم داشته وکلای معزی الیهم نیز به جهت اینکه افکار وقایه کارانه سلطنت سنیه را در این خصوص هم اظهار نمایند از والی ولایت ارزروم تسهیل حصول این مقصد موقتی را استفسار و استعلام کرده پس از استحصال جواب موافق مقرر داشتند که سیم مزبور را از سایر اراضی دولت علیه یعنی از محل موسوم برجیس بگذرانند. ولی قویاً اظهار می دارند که اگر بنا بر زعم کارگزاران دولت علیه ایران قازلی گل از اراضی متنازع فیهما و واقعه در تحت اسطاطسکو است، چرا برخلاف اصول و منافی قاعدهٔ اسطاطسکو در اراضی. مزبوره مأمورین ایرانیه احداث قراء و قلاع می‌کنند و موجب تعجب و تأسف این طرف شده از باب‌عالی پروتستو گردیده است. و لهذا برعهدهٔ امنا و کارگزاران دولت علیه

ایران با وجود چنین حرکات وقایه کارانه از جانب سلطنت سنیه همه اگر مقتضای معامله متقابله هم باشد، واجب و لازم است که سریعاً اوامر مؤکده به مأمورین لازمه صادر فرمایند که قلاع و قرای محدثه موصوفه را خراب و منهدم ساخته آن اراضی را به حالت اصلیه خود معاودت دهند و البته آن جناب جلالت‌مآب این اظهار باب‌عالی را به سمع قبول اصغا فرموده در اجرای آن اقدام و مبادرت خواهند فرمود. زیاده زحمت ندارد.

۲۷ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۵ (یوسف رضا)

موضوع: قازلی گل ملک طلق ایران
تاریخ: جمادی الثانی ۱۲۸۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد مراسله وزارت خارجه به جناب رضابیک سفیر عثمانی

آن جناب در ضمن مراسلهٔ خود مورخهٔ ۲۷ جمادی‌الاولی سنه ۸٤ محل قازلی گل ملک طلق متصرف‌فیه استمراری دولت علیه ایران را از اراضی متنازع فیهما و محل واقعه در تحت اسطاطسکو تصور نموده ترک امر از سیم تلغراف دولت عثمانیه را از آنجا به رعایت این معنی تفسیر و چنین وانمود کرده بودند که گویا اولیای دولت ایران نیز به همین مظنّه و عقیده‌اند. بدین‌واسطه به استناد اینکه احداثات بعضی قلاع و قرا در آنجا از طرف ایران شده است، رجوع آن به حالت اولی مطالبه نموده بودند. لزوماً آن جناب را ملتفت این معنی می‌نماید که اولاً محل قازلی گل که همیشه در تصرف سرحدداران این طرف و از ممالک طلق دولت علیهٔ ایران بوده است، هیچ وقتی تملک حق این دولت در آنجا در نظر اولیای دولت علیه محل تردید و داخل اراضی واقع در تحت اسطاطسکو معدود نشده است و بدین جهت مظنهٔ آن جناب را در حق عقاید این دولت که گویا آنجا داخل اراضی واقعه در تحت اسطاطسکو بوده باشد تصدیق و تصویب نمی‌توان نمود بنابراین، حالت تکلیفی که به عنوان این عقیده در حق آنجا به وزارت امور خارجه نموده معلوم آن جناب و مستغنی از اسباب جواب خواهد بود. در بعضی مواقع که در وزارت امور خارجه و یا مأمورین جزء از دولت علیه متبوعه با آن جناب متمنی رعایت اسطاطسکو در حق اراضی مزبوره شده‌اند، من باب تزلزل الزامی و قطع راه عذر مأمورین دولت علیه عثمانیه بوده است که فرضاً اگر آنجا را از محال واقعه در تحت اسطاطسکو هم تصور کنند باز به هیچ‌وجه حق مداخله و تعرّضی در حق آنجا نداشته باشند و البته آن جناب به ذکاوت و انصاف سفیرانهٔ خود تصدیق و اذعان خواهند نمود که به این وضع تغییرات الزامیه دلیل اعتراف و اذعان این طرف به عقاید مزبوره نخواهد بود. ثانیاً با وجود این تفاصیل و با اینکه قازلی گل عبارت از یک دره‌ای است که از دره‌های بلوک اواجیق نزدیک به قُلّه گردنه بلوک مزبور مشرف داخله ایران زیاده از یک فرسخ و کسری طول و

خمس فرسخ عرض ندارد و زمین آن اغلبی چمن و روی آب و غیرقابل آبادی است و هرگز قابلیت آن را ندارد قدیماً و مستحدثاً این همه آبادی که آن جناب و مأمورین عثمانیه در حق آنجا ادعا می نمایند صورت امکان داشته باشد باز وزارت خارجه محض اظهار حسن همراهی مضایقه از این ندارد که اگر دولت عثمانیه تصرفات و احدثات مستحدثه خود را در حق اباقه و آخورک و غیره ملک طلق این دولت علیه غصبی مأمورین عثمانیه و سایر اراضی واقعه در تحت اسطاطسکو که بعد از انعقاد معاهدهٔ اخیره ارزنة الروم بلکه اغلبی را بعد از عبور وکلای دول اربعه از آن حدود از تصرف حق این طرف اشراع و غاصبانه به ایجاد احداثات تازه و ابنیهٔ جدیده در آنجاها مباشرت نموده‌اند به حالت اولی راجع و عاید ساخته قرار اسطاطسکو را در حق آنجاها منظور بدارند دولت علیه نیز در حق قازلی کل با وجود اینکه طرف نسبت محال مزبوره نمی توانند شد همین قرار را اگر احداثات تازه داشته باشد محض اسکات آن جناب و قطع راه گفتگو منظور و مجری بدارد. شهر جمادی‌الثانیه ۱۲۸۵

مواد ترجمه شده بعبارت فرانسوی سفرای دولتین واسطه نوشته میشود

تفصیلی که از طرف دولت عثمانیه بعنوان نسخه مکاتبات متبادله در حق قازلی گول و ملک طلوق مدار نزاع دولت ایران بعبارت فرانسه در عهده سفرای دول واسطه تحریر و تبلیغ شده است برقیت حقیقت خطه بدیهی است که در میان دو دولت دوست خاصه همجوار هرگونه ادعائی که مربوط با جازت معاهده بوده باشد صحت و حقیقت از آن نخواهد داشت که از هیچ طرف پیشنهاد و وسیله اختلاف بین الدولتین اتخاذ بشود چونکه مأمورین دول واسطه و وکلای طرفین سالها در مجلس ارزنة الروم زحمت کشیده به عادات موجوده در طرفین رسیدگی کرده آخر نتیجه معاهده اخیره مورخه سنه ۱۲۶۳ هجری گردیده و بموجب فصل دوم آن قرار تسنیه در خصوص محمره و ذهاب و سلیمانیه مقرر و بجهت رفع هر قسم اختلافات واقعه در حق سایر اراضی بموجب فصل نهم از طرفین ترک دعاوی قوّاً تعهد شده است و بهمین جهت وکلای دول واسطه در مجلس طرح حد و تحریر بینی در میان دو دولت از تجدید دعاوی گذشته و داب سابقه اعتنا نمیشود و بهمین جهت دولت ایران در مسئله حاضره و مثل آن همیشه دولت عثمانیه را بموجب رعایت معاهده دعوت نموده و ذرات و ملوکات ... ایران که بموجب فصل نهم معاهده در تصرف عثمانیه مانده است هیچگونه تجدید ادعائی پیشنهاد نکرده فقط در حق دره قتور و دره دیری و دره بازرگ و غیره و غیره که از خاک ایران پس از معاهده از طرف عثمانی ضبط شده

نقل ... سفارت ... ۱۲ ... ۱۲۸۵ ...

۲

تحمیل و غصب و تصرف شده است پرستش نموده و هنوز منتظر حقانیت دولت عثمانیه و توجه منصفانه ایشان است

واسطه است. بنابراین دولت عثمانیه در ابتدا از تذکره مزبوره اسناد عتیقه و اسناد و دفاتر قدیمه خود را

اساس ادعا فرض نکرده بلکه پایه خود قرار داده است قطع نظر از اینکه دولت ایران برای رد آن

و اثبات حقوق قدیمه خود در حق آنجا به قاعده و دلایل قویه قادر است. چون تا هر درجه راجع

به ایام قبل از انعقاد معاهده بوده بر قوت از قبیل تجدید دعاوی گذشته و نفی فصل تمام معاهده ۱۰۵۸ البته

خارج از صحت حیثیت رجوع خواهد بود تا چه رسد به اینکه پایه ادعای تازه قرار داده شود. اینهم به سهولت

ایام انعقاد معاهده اخیره و بعد از آن از اینکه متن مزبور بدون شبهه سالها قبل از معاهده و بعد از آن

تا حال مستمراً در تصرف حق ایران بوده و همچنین در ایام گردش حدود مشهوده معلوم گردید و حال واسطه

گردیده است که اینگونه احتیاج به قاعده و دلیل سایره باقی نبوده باشد و تنها در صورت اتفاق از آن بابت

آن و اقامه هر نوع ادله قویه در رد و دلیل عثمانیه نیز جهت اشتراک منصفانه نخواهد شد. اگر در واقع

قدر اینمقوله حسن عهدداری را اینکه سکوت ایران در باب اراضی و ملوکات و معاملات گذشته خود

و بعد از معاهده بحذف معاهده از طرف عثمانیه غصب و بعضاً از این طرف پرستش شده است

در نظر انصاف دولت عثمانیه مجبور است که تابع اینمقوله دعاوی غیرمسبوق و چنین ادعائی بنماید

مرافعه عهدنامه چنین دشوار است در صدد زیاده طلبی واداشته مدت خارج از اجازت معاهده

۳

بوده باشند جای افسوس خواهد بود اینکه در تذکره مزبوره از زراعت اهالی ایران و تعمیرات آنها در قزل‌گل
شکایتی سطر و چنین اشعار گردیده که گویا از طرف دولت ایران تأکیدات رسمیه برای تخلیه قزل‌گل
و تخریب تعمیرات آنجا داده شده و مسئله تحقیق گشته و همچنین قرار تعیین مأمورین جانبین و تحقیق حالت تعمیرات
آنجا داده و با مسامحه و دفع الوقت مینماید) آنکه در حق همچو متنازع فیها از شرط همیشه در تصرف
ایران بوده و هست فرضا اگر از طرف اهالی ساکنه آنجا رعیت ایران تتمه زراعت و عمارات
تازه هم وجود داشته حق ممانعت ایراد نمیتوان داشت متنازع فیه و با وجود آنکه با شرط اهالی آنجا در زراعت و تعمیر
تازه هنوز تحقق نرسیده است در صورتیکه زراعت و تعمیرات تازه اهالی قزل‌گل در ملک طلق
متصرف فیه چه بیاید خود ممانعت شکایت داشته باشد البته زراعت و تعمیرات و احداثات تازه
تبعه عثمانیه در اراضی و املاکات ملک طلق ایران از قبیل قوتور و شرفخانه و آخورک و اماقره و جزیره
وغیره که بعنوان ساهره غصب و تصرف نموده و هر روز مشغول احداثات تازه در آنجا هستند
مطابق ادعای ممانعت ایراد و تمام شکایت و ممانعت حقه ایران خواهد بود ثانیاً اینکه از طرف دولت
ایران هیچگونه اشعار رسمی و غیر رسمی در باب تخلیه قزل‌گل و صرف نظر از حقوق بابره ثابته
و قدیمه این دولت در حق آنجا بوده به سفارت عثمانیه داده نشده است اگر نه در این باب دولت
ابراز نماید گویا استناد عثمانیه بهمچو اظهارات هم از قبیل اشتباهاتی خواهد بود که سرحدداران عثمانیه
بیت

[illegible]

۴

به دولت متبوعه خود برای تردید حقوق ایران در قازلی‌گل اقامه نموده‌اند. ثانیاً در باب تعیین مأمورین طرفین
بموجب نوشتجاتی که از جانبین در این باب نگاشته شد سفارت ایران تصمیم اصحاب قضات را حصول اتفاق
و حقوق عمومی دول لازم دانسته‌اند اگر به بیّنه تحقیق احداثات طرفین در اراضی مجاوره یکدیگر کنند قطور تا
قازلی‌گل تعیین مأموریت را تصویب و قبول نموده و نه همین حاضر است که برای آنچه مدعیات ایرانند بشود
و لکن عدم موافقت عثمانیه و میل ایشان به اینکه مأموریت مأمورین تنها منحصر به تشخیص فقرات راجع
به قازلی‌گل بوده برای کشف احداثات و تصرفات تازه عثمانیه در اراضی مجاوره آنکه بیک عرض عثمانیه
از ایران است رجوع و موافقت ننموده موجب تعویق امر گردیده است بنابرین واضح میشود که دفع الوقت از
کدام طرف و حق با کدام طرف است و قطعه اسناد تجاوز عدوه در خصوص مذکوره برزوره
به پاشاخان داده شده از روی حقیقت بیشتر است که اکراد ساکنه ایران با اشتراک و اتفاق بعض
عشایر عثمانیه و به تحریک سرحدداران عثمانیه و به جسارت تخریب بعض دهات ایران واقعه
قازلی‌گل و غیره نموده و سرحدداران عثمانیه عوض اینکه اقدام به منع آنها برخوردار باشند دفعه
با توپ و قشون نظامی تخطی عهدنامه داخل خاک قازلی‌گل شده‌اند دولت ایران از این باب شکایت
به دولت عثمانیه نموده و سرحدداران عثمانیه به جهه خلط مبحث و ترتیب شرکت مجموعه اسناد تجاوز عدوه
به پاشاخان داده‌اند که اکراد قازلی‌گل تبعه عثمانیه تجاوز نموده است و دلیل برای اثبات آن

۵

اقامه نشین از اینکه در تذکره مزبوره فقط اشاره به جنرال پاشاخان شده است نجیب پاشا استدلال نتوان نمود
که در حق سرحدداران عثمانیه که تا بحال تجاوز بمملکت ایران نموده‌اند هنوز هیچگونه مجازات و مکافاتی
مجری و رعایت ترمیم شکایت ایران نشده است و همین دعاوی شفیعه است که دولت عثمانیه ابتداً
بموجب مخابره تلغرافی به ایالت ارزروم و بواسطه سفیر خود در طهران ترمیم خرابیهای وارده به اهالی
اهالی را موافقت نموده و حقیقه بهمه دلایل خیالی است بدون اینکه منع اعتداءات را از حقوق
متساویه طرفین قرار دهند نظر به اینکه یکی از حقوق مختصه دولت علیه عثمانیه است در صدد منع لدی الحاجه
اهالی بحالت سابقه خود حاصل نشده نتیجه کلام پس از همه این تفاصیل و دلایل چنین میشود که قزلجه که جزو
و شهرها ملک مطلق ایران است و همیشه در تصرف بلانزاع ایران بوده و هست که اتباع اهالی ایرانیه
حق هرگونه زراعت و عمارت را دارند تا چه رسد به اینکه خرابیهای وارده بر خود یا اعمار
و بحالت اولی ارجاع نمایند مخالفت و تعرض عثمانیه به این حق فاحش ایران خاصه به تعمیر
خرابیهائی که تازه به آنها وارد آمده است مطابقت و دلایل عهدیه و شرطیه نمی‌تواند بود خصوصاً
در حالتیکه نظیر همین تکلیف را در اراضی متعلقه به خود منظور نمی‌دارد چه آنها که عهده دولت عثمانی تحمل و تصرف
به دولت ایران ترک ادعا نموده و چه آنها که بدون حق سابقه غصباً پس از سالها
نموده و در تحت پرتسترات است پس دولت ایران با داشتن اینهمه دلایل واضحه بر ثبوت
حقیت خود در تعقیب دخالت بلاریب قزلجه که بخودش و خطوط انظار اعمال غیر مجوزه از سمت حدود

از سرحدداران دولت عثمانیه در بعضی نقاط سرحدی عهدنامه و بنای دوستی جانبین در امور پاره‌ای

مثل قطور و اماکن محمودی و حوالی قلعه و غیره که پاره‌ای از قراء و املاک خود خارج بوده‌اند هکذا بیچاره

دولت عثمانیه نسبت به تعارضات کلیه اولیای دولت ایران اثبات اراده رجوع به انصاف و تعیین واسطه کرده تا ترضیه

نتیجه منصفانه در رفع این غائله حاصل می‌شود و اگر خدا نکرده این آرزو به حصول نرسید و مأمورین آن دولت در

مداومت مسلک و طریقه ستمکارانه خود در غیر حق پیش‌نهاد کرده‌اند باقی بمانند از وقت اول تکلیف

دولت علیه ایران برای محافظت حقوق سلطنت خود تا رعایت‌ها همان رفتار خواهد بود که از

پیش‌نهاد خود نموده‌اند تمنی آنکه زحمت کشیده سواد همین نوشته را با جمال مدلول به وزارت

دولت متبوعه خود تقدیم نموده سبب خواهش نامه و نسخه هم اطلاعاً به باب عالی تقدیم شود ۱۲ شهر محرم ۱۲۸

نمره ۵

فرایتش   نواب محمدرحیم میرزا حکمران خوی نوشته بودند که کارگذاران عثمانی باز قراین

می‌خواهند به تعارضات تازه‌ای نقض نامه و همچنین نوشته بودند در اباقه می‌خواهند قرنطین بنا نموده از هر جا در

ورا آورش جای بخواهد دریافت نماید در این فقره با جناب فؤاد پاشا از عدم ملاحظه شفاهی نموده

بودن این حرکت را با دله و براهین بیان نموده که طرق دولت علیه بودن اباقه تا زلی کرد

بجهات چند اظهار داشتم در جواب گفت که رات را از درویش پاشا مأمور در تعیین سرحد بود

سؤال نموده بعد جواب بدهم گفتم هر گاه جواب از موقف متعلق درویش پاشا شود

۷

گویا شارژدافر با قره‌تازلی گول همه آذربایجان را شهرت است بنده به شهر راهم هنوز تصدیق نکرده ندارد مال ایران است

بطور صریح شما سکوت هم که ما را که از آن خود به قدر زور تو ممکن است که از انیه چنین صرف نظر نموده یک

و الله اگر نتیجه حاصل شود به عهده و ذمه کارگذاران عثمانی خواهد بود و عهده دولت ... دوکرارا خود نیز

این دو خیلی را ما نیز به جناب شارژدافر و بعضی از ایشان عرض نموده و جناب کارپرداز عریضه نیز هم مرقوم داشته‌اند

در کمال سختی از انیه دفتر ما ممانعت نموده و هرگاه چنین خیال به گذاردن قرنتین در این قره واداردن آن

قرنتین به قره‌تازلی گول از طرف آنها صورت بنده و منع صریح نمایند اگرچه بنده اسلحه بر دوش دارند نفرات

قبل از وقت تقدیر رسیم هم ببینید که از نکاسه شعار بغداد پاشا از طرف ... گذشته و تکلیف رد

از خود بر داشته‌اند المحض اطلاع خاطر به کارگذاران عرض شد سه ... ۲۷ محرم الحرام ۱۲۷۶

سواد مراسله سفارت عثمانی به وزارت جلیله امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصاب مجدت و نجابت انتساب مشفقان استظهارا مشفقا مکرما

در خصوص نقل قرنتینه قره‌تازلی گول ... دولت علیه ایرانیه شرحی به تاریخ هشتم ذی‌قعده به سفارت سنیه

نوشته و خواهش کرده بودید ... قرنتینه کرده بودند چون مدت اقامه قرنتینه در محل مذکور منقضی گردیده

بجای قدیم خود نقل شده است و تا آنکه چنانکه عادت معموله بود باز بهمان قره‌تازلی گول

آورده شود و تا آن وقت قوی اما ... دیگر اتفاق مسئله جدیدی بروز ... است

همانا جای گفتگو در این خصوص نخواهد بود لکن مخلص ... از آن جناب ... عالی مستدعی است

همچنانکه همیشه تجاوز و تخطی به ممالک محروسه دولت علیه ... سفارت سنیه و ماموران دولت علیه ... نشود

۸

شکایت بیاورد قسمی که قرینه رد بنای آن آورده بود نه از جانب خان مومی الیه بطوری حرکات خلاف
ناشایسته نسبت بمامورین دولت علیه بظهور رسیده و خارج از مأموریت او است فرض بکنیم چون
مومی الیه با اذن و اجازه اولیای دولت متبوعه خود همچنانکه آنجناب صفحات خواسته بود اگر اعتراض
از مامورین دولت علیه ایران شکایتی بدولت خودش میکرد نه ساده غیر مترقبه سفارت سنیه خواهش
مینمایند که قطعیاً در این باب بخان مومی الیه احکام صادر شود که بهیچوقت همچنانکه مأمورات سرحدیه
نکند و با مامورین حدود دولت علیه حسن حرکت و رفتار نموده اگر شکایتی از مامورین ایران تکلیف
داشته باشند مراتب را باولیای متبوعه خودش عرض نماید که اولیای دولت شاهانه بالذات
با وکلای فخام سلطنت سنیه و سفارت ادعا نمایند در خصوص یار قلی و طلبات خاک
دولت علیه که مامورین ایالت عرض کرده‌اند از حرکات خان مومی الیه خالی از شکایت نمیشد
درضمن این مراسله زحمت افزای آنجناب میشوند که قرار قطعی در تنبیه و ادب خان مومی الیه
بوجه احسن الوجه همچنانکه آنجناب صفحات ثانیه دولت علیه با بزرگان دولتی و منافعی که نسبت به
دولت دارد در حفظ نیست تا قرار اتحاد از تصرف حقیقی ملک طلبات خود بوقت صرف نظر
نمودند اما درصورتیکه خان مومی الیه لاینقطع بنای اغتشاش استاق و تعدی ملک مرقومه را گذارد
بمهمات مامورین سلطنت سنیه ساده متعاقبه را الحق خواهند آورد. زیاده زحمت نمیدهد

۲۰ شهر ربیع الاول ۱۲۷۵ محمد توفیق

۹

سواد مراسله سفارت عثمانی بوزارت خارجه

جناب جلالت مآب نبالت نصاب فخامت و مناعت انتساب دوستان استظهارا مشفقا مهربانا

چنانچه از ولایت ارضروم بباب عالی در این باب اشعار شده سفارت سنیه را با تلگراف بتبلیغ

آن احضار کرده اند و از جاهای دیگر هم معلومات کافیه بدست در این باب تأثر زیاده

و حادثه که این عشیرت جلالی تابع ماکو و حاکم او اقبال پاشا خان اتفاق افتاده بوده است

موافق تقویم دولتین در صبح پنجشنبه نهم جمادی الاولی پاشا خان با سیصد نفر سوار مسلح از

از تخطی و تجاوز از قزل گول ملک صحیح سلطنت سنیه همچنان مستقیماً به سرای بیرو بقصد دقیقه

منافات با نظرف که دو کل خزینه و قایم مقام بایزید از استحضار از این حرکات متجاوزانه

آدمی نزد خان موسی الیه فرستاده از موجبات صدور چنان تخطی و تجاوز حقیقت را مأمور کرد

در خاک دولت دوست در حالتی که همه ساعی کارگذاران دولتین طرفین بازدیاد اتفاق

و اتحاد جانبین مصروف است بر بیره خان موسی الیه جسورانه و بی ادبانه جواب داده است

که از جانب دولت علیه ایران باجرای بعض مصالح مأموریم و قبل از آنکه بمأموریت خود

نایل بشویم معاودت نخواهیم نمود و علاوه بر این سخنهای غلط و درشت هم بسکنه در ثانی

حکومة المنتظم النظام قایم مقام بایزید مراسله بخان موسی الیه نوشته از آن حرکت تجاوز سفینه

پر دستو بکنه و نتیجه اگر برای مشاهدت و ذی مقصود ... باموریت دولت علیه اعلام کنند

نه آنکه با این جسارت تجاوز صرفه با درست نمانید و آن مراسله را بواسطه ضابط مخصوص

با اتفاق حضرات افندی قایم مقام و یادداشت نوشته خان موسی الیه را ملاقات کرده پرسانند

ولی دفتر دار افندی موسی الیه و ضابط مرقوم الیها رسیدند بی بخشنده پاشا خان با سوار و سرباز

۱۰

و همراه داشته سعادت کرده است و اکنون موافق شهادت و مأمول و مطلوب و کمال فخر دولت علیه است نظر
تخلی و تجاوزی در زرده و صحبت یقین مستقر است و حقانیت توان بعضی مسائل مشکوکه غیر صحیحه شد
سعادت مآب شیخ پاشا سفارتیه نمود و اولیای دولت علیه ایران تجاوزی و تجاسری نسبت به سلوه برقرار شد
و غیر تنبیه و تأدیب فرمایند که هم مقتضی رسم و صفوت و دوستی علیتین است و هم دلیل دوستی به
۱۲۸۵
و حفظ ناموس و شأن سلطنت سنیه را زیاده زحمت نداده ایام دولت مستدام باد به تاریخ ۲۴ شهر جمادی الاولی
([illegible] رضا)

سواد مراسله سفارت عثمانی به وزارت امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا
در باب رفع و دفع ستون سیم تلگراف که مأمورین دولت علیه در اراضی قازلی گول ملک صحیح
صریح سلطنت سنیه را نصب کرده از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس پادشاهی و اولیای دولت علیه
ایران هر دو سه دفعه در رجوع مطالب اخیره داده شده بنابراینکه بنای دولت علیه ایران قازلی گول را
از اراضی متنازع فیها دانسته تحت استملاک داشته بودند چنانچه جناب مشیرالدوله هم در اسلامبول
اظهار نموده بودند و لکن ازان سیم تلگراف مزبور را تا مرفوع شدن مسئله حاضره استملاک از جانبین دولتین
علیتین بطرف دیگر از ملک دولت علیه خواسته بودند و دو سه دفعه مصلحانه خود را مصروف داشته تحصیل
تحصیل رضایت و خشنودی خاطر بعضی مطالب و تکمیل امنیت و اطمینان دولت علیه ایران از
نیات خیرخواهانه خود اول به واسطه تلگراف و در ثانی به موجب نامه جات مراسلات فخامت
متبوعه معظمه خود چنانچه مشهود آن جناب جلالتمآب است مستحضر و مسلم داشته و کلمه معنون الیه نیز نخبه اینکه

۱۱

اظهارات کارگزاران سلطنت سنیه را در این خصوص هم اظهار نماینده از اداره جلیله ارضروم نتیجه حصول
این مقصود موقوف را استفسار نمودیم که پس از استحصال جواب موافق منتظر داشته و تسلیم مزبوره از
سایر اراضی دولت علیه نیز از قبیل موسوم بر جنس گذرانند. مع ذلک اظهار رسیده است که اگر بنا بر زعم
کارگزاران دولت علیه ایران قازلی گول از اراضی متنازع فیها واقعه در تحت اسلطنکو است
چرا بر خلاف اصول و نظم قاعده اسلطنکو در اراضی مزبوره مأمورین ایرانیه احداث قراء
و قلاع می‌کنند موجب تعجب و تأسف این طرف شده از باب عالی پرتو کرده است و لهذا
به عهده اولیای کارگزاران دولت علیه ایران با وجود چنین حرکات و تأدیه کارانه
از جانب سلطنت سنیه هم اگر مقتضای مسالمت متقابله هم شاید واجب و لازم است در تأدیه اوامر لازمه که
با مأمورین لازمه صادر فرمایند و منع و قطع قراء محدثه بر صورت ویرانه و خراب و منهدم ساخته الی اراضی خود را
به حالت اصلیه خود مستعاد و مسترد نمایند و البته آنجناب هم به تعجیل این اظهار با باب عالی را تسلیم قول.
اعتنا فرموده در اجراء آن اقدام و مبادرت خواهند فرمود. بنا بر زحمت ... ماه جمادی الاولی ۱۲۸۵
(... رضا)

سواد مراسله وزارت خارجه به جناب رضا بیک سفیر عثمانی

آنجناب در ضمن مراسله خود مورخه ... ماه جمادی الاولی ۱۲۸۵ نمره ... قازلی گول که ملک متصرف فیه
استمراری دولت علیه ایران را از اراضی متنازع فیها دانسته واقعه در تحت اسلطنکو تصور نموده
و ترک آنکه تمام ... دولت عثمانیه را از آنجا به عادت ... تغییر و چنین وانمود کرده بودند
که گویا اولیای دولت ایران نیز بهمین ملاحظه و عقیده هم به نفع رابطه با تستاد که احداثات

نمی‌نمایند

۱۲

بعضی قشلاق و قراء در آنجا از طرف ایران شده است رجوع آن ایالات اولیا مطالبه نموده بغیر زده‌ها
آن جناب را قناعت نمی‌نماید اولاً همین قدر که همیشه در تصرف سرحدداران این طرف و از
ممالک ملکی دولت علیه ایران بوده است هیچ قسم تملک حق این دولت در آنجا در نظر اولیای دولت علیه
ممیز نبوده و داخل در اراضی واقعه در تحت استاطکو معدود نشده است و به نتیجه ملاحظه آن جناب بود در حق
عقاید این دولت که گویا آنجا داخل در اراضی واقعه در تحت استاطکو بوده باشد متقاضی تصویب نمی‌توان
نمود بنابرین حالت تکلیفی که بعنوان این عقیده در حق آنجا به وزارت امور خارجه نموده بسلوم الحال
بتشخیص لدی الباب جواب خواهد بود در بعض مواقع که در وزارت امور خارجه و یا مأمورین جلیله
از دولت علیه متوجه با آن جناب بشمر رعایت استاطکو در حق اراضی مزبوره شده از فی باب تزلزل
الزامی و قطع راه عذر مأمورین دولت علیه عثمانیه بوده است که فرضاً اگر اجانب را از محال واقعه
در تحت استاطکو هم تعدد کنند باز به هیچ وجه حق مداخله و تعرض در حق آنجا نداشته باشند و اثبات
آن جناب از کاوت و لطافت سفیرانه خود تصدیق و اذعان خواهند نمود با این وضع تغییرات
الزامیه دلیل اعتراف و اذعان این طرف بعقاید مزبوره نخواهد بود ثانیاً با وجود این قضایا صد
و با آنکه فازلی کلی عبارت از یک دره است از درهای بلوک اوجیت از یک نقطه کرده
بلوک مزبور شرف و جزو ایران رساند. از یک فرسخ بیکری طول و خمس فرسخ عرض ندارد در زمین
آن اغنی چمن و دره آب و غیر قابل آبادی است و هرگز قابلیت آن را ندارد قریه یا دسته‌ای اهمیه
آباد در آن جناب و مأمورین عثمانیه در حق آنجا ادعا می‌نمایند صورت امکان داشته باشد
باز وزارت خارجه محض اظهار حسن همراهی مضایقه از این ندارد که اگر دولت عثمانیه تصرفات

و احداثات مستحدثه خود را درحق اباقه و آخورک و غیره ممک طلب اینه دولت علیه غصب ناوورین
عثمانیه و سایر اراضی واقعه در تحت سلطنت روسیه بعد از نعقت و معاهده اخیره ارزنة الروم حکم
اغبر را بعد از عهد و وکلای دول اربعه از اجحد از تصرف حق طرف اشراع و خاصبانه
با ایجاد احداثات تازه و ابنیه جدیده در آنجا با مباشرت نموده از کالت اولیا راجع و عایده
ساخته قرار سلطنت روسیه را درحق آنجا منظور بدارند و دولت علیه نیز درحق تازیانک بادها انکه
طرف نسبت محل مزبوره نمی‌تواند شد همین قرار رود اگر احداثات تازه داشته باشد بنفی
الکات اجانب و قطع راه کشمکش منظور و مجری بدارند شهر جمادی الثانیه ۱۲۸۵

شمارهٔ سند: ۲۷۲

موضوع: نقشهٔ سرحدات ایران و عثمانی

تاریخ: جمادی الاخر ۱۲۸۶ هـ.ق

کارتن: ۱۳

پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۱۰/۵۱

فدایت شوم، دو روز قبل جناب عالی پاشا می‌گفتند از قرار اخباری که به ما رسیده است، خریطهٔ سرحدات دولتین که به توسط دولت روس و انگلیس کشیده می شد، تمام شده است و عن‌قریب تبلیغ خواهند نمود و از این غائلهٔ سرحدیه که بر سبیل استمرار موجب مرارت و زحمت طرفین است، آسوده و فارغ خواهیم شد. بنده گفتم چندان وعدهٔ راحت و آسودگی به خودتان ندهید که اگر امروز خریطه[ای] را تسلیم نمایند باز چهار سال طول خواهد کشید تا امر تمام شود به جهت اینکه هنوز ایران و عثمانی اطلاع ندارند که دولتین واسطه خریطه را به چه قسم کشیده‌اند و در چه صورت اماکن متنازع‌فیها را تشخیص داده‌اند لابد باید مدتی شما در اسلامبول و ما در طهران به توسط قومسیونی که هر یک مشخص خواهد نمود خریطه را ملاحظه و مطالعه و دقت نمایند بعد اگر کار باید در اسلامبول مذاکره و تمام شود و دولت ایران بخواهد این خدمت را به من رجوع فرماید، تا من خود یک مرتبه به طهران نرفته و با اولیای دولت علیه شفاهاً مذاکره نکرده و خیالات و افکار ایشان را درست نفهمم زیر بار چنین خدمتی ابداً نخواهم رفت و بعد از آنکه مذاکرات فی‌مابین ما تمام شد و قرار امکنهٔ متنازع‌فیها داده شد، باز لازم می شود که قومسیونی از طرفین به سرحدات رفته و جمیع نقاط را از بایزید الی بصره معاینه نموده زکر [ذکر] علامت نمایند البته اینها چهار سال خواهد کشید و به مقرب‌الخاقان حاجی محسن‌خان نوشتم که جناب عالی پاشا چنین می‌گفتند ولکن صلاح حال ما در تأخیر مباشرت به این امر است (بالارد کلارندون) مذاکره نموده اولاً درست اطلاع حاصل نماید که خریطهٔ مزبوره واقعاً چند وقت دیگر تمام می شود و ثانیاً بدون اینکه به وزارت امور خارجه انگلیس بگوید یا بفهماند که از

طرف ما چندان میل و عجله در این کار نیست به قدری که می‌تواند سعی در تأخیر نماید هنوز جوابی از مشارالیه نرسیده است مراتب به جهت اطلاع عالی عرض شد و هر قدر در قوه دارم سعی در تأخیرِ شروع در این مقدمه خواهم نمود. زیاده عرض ندارم. حرر فی شهر جمادی الاخر ۱۲۸۶

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

نمره ۱۰

مهربانا [illegible] دو روز قبل جناب جلالتمآب [illegible] نقشه از قرار [illegible] بار رسیده است خریطه سرحدات [illegible] دولتین [illegible]

روس و انگلیس کشیده [illegible] تمام شده است و عنقریب تبلیغ خواهند نمود و از این خاتمه [illegible] برای استمرار [illegible] دولت [illegible] طهران

امروزه فارغ خواهیم شد [illegible] تقسیم خیال [illegible] آنکه [illegible] خریطه را تسلیم [illegible] خواهد [illegible] شود

بجهت اینکه [illegible] اصطلاح [illegible] دولتین [illegible] خریطه [illegible] کشیده [illegible] صورت [illegible] هر [illegible]

در اسلامبول و در طهران [illegible] خریطه [illegible] وقت [illegible] اگر [illegible] تمام شود

دولت [illegible] رجوع [illegible] طهران [illegible] دولت [illegible] کرده [illegible]

درست [illegible] نخواهم رفت [illegible] قرار [illegible] لازم [illegible]

طرفین [illegible] جمیع نقاط [illegible] جناب [illegible]

جناب جلالتمآب [illegible] نقشه [illegible] مذاکره نموده [illegible]

در خریطه مزبوره [illegible] وقت [illegible] نموده [illegible] طرف [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۷۳

موضوع: تهیهٔ نقشه سرحدی ایران و عثمانی

تاریخ: ۱۹ رجب ۱۲۸۶ هـ.ق

کارتن: ۱۳

پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۵/۷۳

فدایت شوم، از قراری که سفرای کبار روس و انگلیس به این بنده اخبار نمودند خریطهٔ سرحدات دولتین ایران و عثمانی که به توسط دولتین مشارالیهما کشیده می‌شد، صورت اتمام یافته و هر یک دو نسخه به سفارت خودشان فرستاده‌اند که هر کدام یکی از آنها را به باب‌عالی بدهند و یک نسخهٔ دیگر را نزد خود نگاه دارند. باب‌عالی دارای دو نسخه خواهد بود که یکی را از سفارت روس و دیگری را از سفارت انگلیس دریافت نموده است و به همین قسم دو نسخه در ایران به توسط وزرای مختار انگلیس و روس به وزارت جلیلهٔ خارجه خواهد رسید. ایلچی کبیر انگلیس می‌گفت خریطه‌هایی که باید به ایران فرستاده شود با چاپار سابق خودشان ارسال کرده‌اند، البته تا وصول این عریضه تقدیم خدمت عالی نموده‌اند و نسخه‌هایی که به نظارت خارجهٔ عثمانی باید بدهند، در ضمن مراسله به یک مضمون خواهند فرستاد چون هنوز از بابت ورود امپراطریس و مشغلهٔ باب‌عالی مباشرت این کار نکرده‌اند همین که فرستادند سوادی از مراسلهٔ مزبوره تحصیل نموده خدمت جناب‌عالی خواهم فرستاد.

جناب عالی پاشا که وصول خریطه‌ها را استماع نموده بود، از بنده سؤال می‌کردند که چه باید کرد، در جواب گفتم بعد از آنکه خریطه‌ها را دولتین واسطه تبلیغ نمودند، شما و ما باید درست مطالعه نماییم که آیا بر طبق واقع کشیده‌اند و سهوی اتفاق نیفتاده است، آن وقت که طرفین مطمئن از صحت خریطه‌ها شدیم، داخل مذاکره شده قراری که موجب تسهیل امر تواند شد خواهیم داد که طرفین از این مقوله مذاکرات آسوده شده و به منافع خیلی عمده‌تر از اینها که موجب اطمینان ارتقا و قدرت و قوت اسلام تواند شد بپردازیم بعد هرچه به وقوع برسد، معروض خواهم داشت. معروضه ۱۹ شهر رجب ۱۲۸۶

فدایت شوم، بعد از آنچه در متن عرض شده است، دیروز سفرای کبار دولتین مشارالیهما هر یک نسخه[ای] از خریطهٔ وارده از دولت متبوعهٔ خودشان را با مراسلهٔ رسمیه به نظارت خارجهٔ عثمانی فرستادند. سوادی از مراسلهٔ سفیرکبیر روس و انگلیس که هر دو متحد و در یک معنی می باشند لکن یکی به زبان فرانسه و دیگری به زبان انگلیسی نوشته اند تحصیل نموده در جوف ارسال خدمت عالی نموده کاغذ را خوب نوشته اند و به کار ما خواهد آمد بفرمایید نظر آقا به دقت ترجمه نموده و به ملاحظهٔ سامی برساند خیالی که در کتابچه به خط خودتان مرقوم فرموده اید، بسیار متین و درست است جواب را با آنچه به عقل ناقص بنده می رسد محرمانه با چاپار مخصوص سفارت معروض خواهم داشت. زیاده عرضی نیست.

محل مهر: عبده الراجی حسین محمد

نمره ۳

قربانت شوم — از قراریکه سفارت روس و انگلیس در این باب به جناب نظام خریطه سرحدات روس بعضی از ... مربوطه به تبریز ... گشته

صورت تمام خریطه در یک نسخه به سفارت خودشان فرستاده‌اند و هر کدام یکی از آنها را به جناب عالی بدهند و یک نسخه دیگر را خودشان نگاه دارند

جناب عالی دارای دو نسخه خواهند بود که یکی را از سفارت روس و دیگری را از سفارت انگلیس دریافت کرده‌اند و به همین قسم دو نسخه در ...

مختار انگلیس و روس به وزارت جلیله خارجه اظهار کرده‌اند که ... انگلیس ... خریطه‌ها ... بعضی فرستاده ... ارسال خودشان

کرده‌اند البته تا حال صورت عریضه تقدیم حضرت عالی نموده‌اند و نسخه‌ای به نظارت خارجه عثمانی باید ... سفیر روس ... خواهند

فرستاد چون هنوز جناب ... امیر ... بالاتر ... اینکه فرستاده ...

جناب جلالت‌مآب ... خریطه‌ها را ... نموده ... از ... که کرد ... در جواب ... خریطه

... واسطه ... شاه ... دولت ... واقع ... انگلیس ...

سلطنت ... خریطه‌ها ... که شده ... خواهیم ...

... ارتقاء و ... قوت ... پرداز ... ایام ... دولت ...

شهر رجب ۱۲۸۱ — ۱۹

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۷۴
موضوع: نقشهٔ سرحدات ایران و عثمانی
تاریخ: ٦ شوال ۱۲۸٦ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۱۲/۱۱۲

فدایت شوم، از روزی که خریطهٔ سرحد دولتین ایران و عثمانی به توسط سفرای دولتین روس و انگلیس به باب‌عالی تبلیغ شده است، نسخه از خریطه مزبوره به باب سرعسکریه فرستاده‌اند و قومسیونی مرکب از مهندسین عسکریه به ریاست درویش‌پاشا تشکیل نموده‌اند که بدقت رسیدگی نموده ببینند مطابق واقع است یا اختلافی دارد.

از قراری که جناب عالی‌پاشا می‌گفتند در ظرف یک ماه دیگر قومسیون مزبور مأموریت خود را تمام خواهد نمود و می‌گفتند تا به حال با نقشه[ای] که درویش‌پاشا در حین معاینه سرحدات کشیده است، مطابقت تامّه داشته است. نمی دانم مشیرالدولهٔ مرحوم در حین معاینهٔ سرحدات نقشه برداشته است یا خیر، و نمی دانم بعد از آنکه سفرای دولتین واسطه در دارالخلافه خریطهٔ سرحدات را تسلیم اولیای دولت علیه نموده‌اند، تشبث به امری فرموده‌اند یا به همان قسم مسکوت‌عنه گذارده‌اند. اگرچه تا به حال از جانب وزارت جلیله خارجه ابلاغ خریطهٔ مزبوره را خدمت اولیای دولت ابدمدت به سفارت سنیه اخبار نفرموده‌اند. همین قدر جسارت ورزید و عرضه می دارم که وکلای دولت عثمانی مشغول تکلیف خود هستند و از وظیفهٔ خودشان غفلت ندارند طوری نشود که خدانکرده ماها غافل بمانیم و بالاخره مجبوراً قبول خسارت نماییم مستدعی می باشم که آنچه تا به حال از مساعی جمیله در این ماده مبذول فرموده و آنچه در صدد اخذ تدابیر لازمه می باشید اگر صلاح بدانید بنده را مطلع سازید. معروضه ٦ شوال المکرم ۱۲۸٦

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] آنچه لازم باشد در این فقره اجرا بشود و اقدام

شود البته باید ملاحظه کرده و دقت نموده لازمه تکلیف را به عرض برسانید.

نمره ۱۱۲ / ۱۲

[illegible]

وزارت ثم [illegible] از روزی که خریطهٔ سرحدیه [illegible] الحقی و ثانیاً به توسط مأمورین دولتین روس و انگلیس بالاتفاق تنظیم شده است نسخه‌ای از خریطه از زمان باب

[illegible] عسکریه فرستاده‌اند و کمیسیونر [illegible] عسکریه [illegible] تشکیل نموده‌اند [illegible] رسیده که [illegible] مطابق واقعات

اختلافی دارد از قراری که جناب [illegible] گذشته در طرف [illegible] و کمیسیونر [illegible] اظهار نمود و بگفته [illegible] ایران نقشه

[illegible] در حین معاینه سرحدات کشیده است مطابقت تامه داشته است [illegible] مرحوم در حین معاینه در صورت

نقشه بوده است [illegible] بعد از آنکه [illegible] دولتین واسطه [illegible] خریطهٔ سرحدات [illegible] اولیای دولت علیه [illegible]

[illegible] فرموده‌اند به همان قسم سکوت [illegible] گذرانده‌اند لکن [illegible] از جانب وزارت جلیله خارجه [illegible] خریطه [illegible] اولیای دولت

امروز به سفارت [illegible] عبارت [illegible] دولت عثمانی [illegible] تکلیف خود [illegible]

خود شان [illegible] الحمدلله [illegible] عبارت [illegible] ۱۲۸۶

در پایان [illegible] شهر شوال المکرم

شمارهٔ سند: ۲۷۵

موضوع: نقشهٔ سرحدی ایران و عثمانی

تاریخ: ۱۱ شوال ۱۲۸۶ هـ.ق

کارتن: ۱۳

پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزیرمختار انگلیس در طهران به وزارت خارجه

ترجمه

برحسب دستورالعملی که از اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان به دوستدار رسیده، به مقام تصدیع برآمده نسخه را از نقشهٔ سرحد دولتین ایران و عثمانی که به سعی صاحب‌منصبان انگلیس و روس کشیده‌شده، اینک نزد آن جناب ارسال می دارد. اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان معتقد می باشند که خط آیندهٔ سرحد فی‌مابین ممالک اعلی حضرت اقدس شهریاری و اعلی حضرت سلطان جزو حدودی است که در نقشهٔ مذکوره تحدید شده و که دولتین اسلام خود باید آن خط را معین و مشخص نمایند و در صورتی که در خصوص مکان مخصوصی فی‌مابین دولتین مزبور اختلافی به میان بیاید، مسئلهٔ اختلافیه را به دولتین انگلیس و روس رجوع و واگذار نمایند.

اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان امیدوارند که دولتین ایران و عثمانی بلادرنگ اقدامات لازمه به عمل خواهند آورد که بالاتفاق برحسب آنچه در نقشهٔ مذکوره کشیده شده قرار خط سرحدیه مابین دو دولت را بدهند و زیاد متأسف می شوند اگر جمیع زحمات و مخارجی که در این امر وارد آمده برای تسهیل گذراندن گفتگوی سرحدیه فی‌مابین دولتین ایران و عثمانی بی حاصل گردد و بدین‌واسطه رفع مایهٔ اختلاف بی ثمر مابین آنها نشود.

از اینکه دولتین ایران و عثمانی دو نسخه از نقشه را دارند قادر خواهند بود که یکی را در پایتخت نگاه‌دارند و دیگری را به مأمورینی بدهند که برای تعیین حدود مابین دو دولت اسلام به سرحد فرستاده می شوند. فی ۱۱ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۶

روناالد تامسن

Tehran
January 16th 1870

ترجمه

برحسب دستورالعملی که از اولیای دولت علیه اعلیحضرت پادشاه انگلستان بدوستدار رسید

بمقام تصریح بر آمده نسخه را از نقشه سرحدی ایران و عثمانی که بسعی صاحب منصبان انگلیس و روس

کشیده شده است خدمت آنجناب ارسال میدارد اولیای دولت علیه انگلستان معتقد میباشند بر اینکه

خط آینده سرحدیه فیمابین ممالک اعلیحضرت شهریاری و اعلیحضرت سلطان عثمانی باید در حدود

این نقشه مذکوره که کشیده شده و دو دولت اسلام خودشان باید آنخط را معین و مشخص نمایند

و در صورتیکه در خصوص مکانی مخصوص فیمابین دولتین مزبور اختلافی بمیان بیاید

Sir,

In obedience to instructions received from Her Majesty's government, I have the honour to forward herewith to Your Excellency a copy of the Map of the Turco-Persian Boundary which has been compiled by British and Russian officers.

Her Majesty's Government are of opinion that the future line of Boundary between the respective dominions of His Majesty the Shah and His Majesty the Sultan is to be found within the limits traced on the Map, that the two Mahomedan governments should themselves mark out that line and that in the event of any difference arising between them in regard to any particular locality, the points in dispute should be referred to the decision of the Governments of

His Excellency
Mirza Saeed Khan,

of England and Russia.

Her Majesty's Government trust that the Governments of Persia and Turkey will immediately take measures for jointly settling the frontier-line between the two countries in conformity with what is laid down on the above-mentioned Map and they would much regret if all the labour and cost incurred in this matter should fail to facilitate the settlement of the boundary question between Persia and Turkey and thus to remove a fertile source of disagreement between them.

The possession of two copies of this Map by the Persian and Turkish Governments will enable them to retain one at the capital and to entrust the other to any

Commission

مسئله اختلافیه را به دولتین انگلیس و روس رجوع و واگذار نمایند

اولیای دولت علیه اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوارند دولتین ایران و عثمانی فوراً

بدون درنگ اقدامات لازمه به عمل خواهند آورد که باتفاق بر حسب آنچه در نقشه

مذکوره کشیده شده قرار خط سرحدیه مابین دو دولت را بدهند و بسیار متأسف خواهند شد

که جمیع زحمات و مخارجی که در این امر داده شده برای تسهیل فیصل گفتگوی سرحدیه

فیمابین دولتین ایران و عثمانی بی‌نتیجه بماند و بدین واسطه رفع مایه اختلاف بی‌معنی از میان نشود

از اینکه دولتین ایران و عثمانیه در نسخه از نقشه سواد اندر کار خواهند بود

در یک را در پای تخت نگاه دارند و یکی را به تمام مودبین می‌فرستند برای تعیین حدود پس

دو دولت اسلام سرحد فرستاده شد فی ۱۱ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۶

commission sent to the Frontier to mark out the boundary between the two Mahommedan States.

I have the honour to be,

Sir,

Your Excellency's

Most obedient servant,

Ronald Thomson

رونالد تامسن

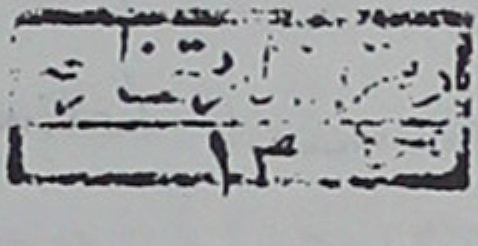

شمارهٔ سند: ۲۷۶
موضوع: نقشهٔ سرحدی دولتین ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۳ شوال ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزیرمختار روس در طهران به وزارت خارجه

نمره: ۱

ترجمهٔ شرحی که جناب پیکر ایلچی مخصوص و وزیرمختار دولت روس به جناب میرزا سعیدخان وزیر مهام دول خارجهٔ دولت ایران نوشته اند واضع دستخط ایلچی مخصوص و وزیرمختار اعلی حضرت ایمپراطوری مقیم در نزد اعلی حضرت شهریار ایران حسب الاشارهٔ امناء دولت متبوعهٔ خود یک طغرا خریطه[ای] را که به اهتمام دولتین متوسطین از برای تعیین سرحد دولتین اسلام کشیده شده است، با کمال احترام به جناب جلالت‌مآب میرزا سعیدخان وزیرمهام دول خارجهٔ دولت ایران می رساند. امنای اعلی حضرت ایمپراطوری امید دارند مساعی دایمی که به مشارکت امنای علیاحضرت پادشاه انگلیس از برای رفع مخالفتی که فی مابین دولتین همجوار به جهت عدم تعیین حدود جانبین حادث شده بود مصروف گشته است افادهٔ کلی خواهد نمود. چون یک طغرا نقشهٔ مسطور به جناب میرزا سعیدخان درین وقت تسلیم می شود و یک طغرای دیگر هم به امنای دولت عثمانی داده شده است واضع دستخط تشکیکی ندارد که دولتین فخیمتین اسلام در آن محوطه[ای] که در نقشهٔ مزبوره کشیده شده است یک خطی که حدود سرحد ایشان را کاملاً مشخّص نماید خواهند کشید و همین در صورتی که برخلاف مأمول چنین اتفاقی رخ ننماید وزارت امور خارجهٔ دولت روس و وزارت امور خارجهٔ دولت انگلیس به موجب مدلول عهدنامهٔ ارزنة الروم توسط دوستانهٔ خود را مضایقه نخواهند نمود. چون به هر یک از امنای دول ایران و روم به واسطهٔ سفرای دول روس و انگلیس مقیمین طهران و اسلامبول دو طغرا از همین قسم خریطهٔ سرحدیه سپرده می شود، امنای دولتین معظم الیهما می توانند یک طغرای از آن نقشه را برای خود نگاه بدارند و یک طغرای دیگر را به دست مأمور خود که از برای تعیین سرحد می فرستند بدهند واضع

دستخط ضمناً اظهار احترامات آن‌جناب را می‌نماید. به تاریخ ۱۳ شهر شوال سنه ۱۲۸٦ مطابق ٤ شهر یانور سنه ۱۸۷۰

ترجمه مطابق اصل است

محل مهر: عبده‌الراجی سوربوکین

هو

ترجمهٔ تحریر جناب ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت روس به جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجهٔ دولت علیهٔ ایران

واضع دستخط ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت امپراطور روس مفتخر است که در نزد اعلیحضرت شهریار ایران

حسب الامر از جانب دولت متبوعهٔ خود یکطغرا خریطه را که با اهتمام [illegible] متوسطین دولتین ایران و

تعیین سرحد دولتین اسلام کشیده شده است با کمال احترام بجناب جلالتمآب میرزا سعید خان

وزیر امور خارجهٔ دولت ایران [illegible] اعلیحضرت امپراطوری [illegible] دارند

مساعی دائمی که مشارکت [illegible] اعلیحضرت پادشاه انگلیس در رفع [illegible] گذشته

فیمابین دولتین همجوار از جهة عدم تعیین حدود فیمابین حادث شده مصدر

زوال کلی خواهد شد و چون یکطغرا از نقشهٔ مسطوره بجناب میرزا سعید خان [illegible]

و یکطغرای دیگر هم [illegible] دولت عثمانی داده شده است واضع دستخط [illegible]

دولتین [illegible] سلام [illegible] که در نقشه [illegible] کشیده شده است [illegible]

ایشان را کاملاً [illegible] برخلاف مأمول [illegible]

[illegible] وزارت امور خارجهٔ دولت روس و وزارت امور خارجهٔ دولت انگلیس

[illegible] توسط [illegible] نخواهد شد چون

هر یک از [illegible] ایران و روم [illegible] بتوسط سفرای دولتین روس و انگلیس مقیمین طهران

[illegible] خریطهٔ سرحدیه سپرده میشود [illegible] معظم الیهما

می توانند یک طغرای از آن نقشه را [illegible]

مأمور [illegible] تعیین سرحد [illegible] اظهار احترامات [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۷۷

موضوع: نقشهٔ سرحدی ایران و عثمانی

تاریخ: ۱٤ شوال ۱۲۸٦ هـ.ق

کارتن: ۱۳

پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزیرمختار روسیه در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت اکتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما مفخما

چون خریطهٔ سرحد دولتین ایران و روم را که دوستدار به آن جناب جلالت‌مآب می رسانیده آن مشفق مکرم هم البته تاکنون به نظر انور اقدس شهریاری رسانیده‌اند وزارت مهام دول خارجه دولت روس و امنای دولت انگلیس به مهندسین مقیمین پطرزبورغ رجوع نموده الحق آنها نیز کمال مداقه را نموده بسیار خوب از عهده برآمده‌اند. وزارت معزی الیها خواهش دارد که از جانب اعلی حضرت شهریاری نشان شیروخورشید به افتخار و درجات هر یک که اسامی ایشان از قرار تفصیل جداگانه است عنایت و مرحمت شود که موجب مزید امیدواری ایشان گردد و علاوه بر این در حق اشخاصی هم که اسامی ایشان به موجب تفصیل جداگانه دیگر ملفوف همین رسیله مرسوله است به درجاتهم دوستدار خواهشمند است نشانهای شیروخورشید از جانب اعلی حضرت شهریاری عنایت شود. حرر فی ۱٤ شهر شوال المکرم من شهور سنه ۱۲۸٦

محل مهر: ایلچی مخصوص و وزیرمختار روس الکساندر پیگر

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت اکتسابا مهربانا استظهارا مشفقا مکرما مفخما

چون خریطهٔ سرحد دولتین ایران و روم را که دستدار با آنجناب جلالتمآب ارسال نموده بودند مشفق مکرم اتم

البته تا کنون بنظر انور اقدس شهریاری رسیده است وزارت جلیلهٔ امور خارجهٔ دولتین دوستی دارا مبنا

دولت انگلیس و همه سینیستین مقیمین لندن بنظر پوزش رجوع نموده الحق آنها نیز کمال اهتمام را نموده

بسیار خوب از عهده برآمده‌اند وزارت معزی الیها خواهش دارد که از جناب اعلیحضرت شهریاری

نشان شیر و خورشید با همین رو و درجات هر یک که اسامی ایشان از قرار

تفصیل جداگانه است عنایت و مرحمت شود که موجب مزید امیدواری ایشان گردد و علاوه بر این

در حق اشخاص اهم که اسامی ایشان بموجب تفصیل جداگانه دیگر ملفوف

است رسیده مرسوله است هرچه زودتر مستدعیست از خود هشمندیت آنها

پیشرو خریطه از جانب اعلیحضرت شهریاری عنایت شود خیلی بجا و بموقع خواهد بود الملکم ... تهران ... سنه ۱۲۸۶

شمارهٔ سند: ۲۷۸
موضوع: مشخص نمودن خط سرحدات ایران و عثمانی توسط نقشه
تاریخ: ۹ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ شارژ دافر انگلیس در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

گویا همراه بودن آن جناب با موکب همایون در سفر گیلان مانع از آن شده که تا به حال جواب مراسلهٔ دوستدار را به تاریخ ۱۳ شهر شوال سنهٔ ۱۲۸۶ قلمی فرمایند که به توسط آن نسخه[ای] از نقشهٔ سرحد دولتین ایران و عثمانی ارسال شده بود.

چون دوستدار ساعی می‌باشد که به هر زودی که ممکن شود قسمی را که اولیای دولت علیه در خصوص نقشهٔ مذکوره خیال دارند رفتار نمایند به اولیای دولت متبوعهٔ خود اطلاع بدهد.

لهذا، حال را به مقام زحمت برآمده خواهش دارد که آن جناب، دوستدار را مستحضر فرمایند که اولیای دولت ایران در مشخص نمودن خط سرحدیهٔ فی‌مابین آن دو دولت چه اقدامات را به نظر آورده‌اند که به مقام اجرا بگذارند. زیاده زحمتی ندارم. فی نهم محرم‌الحرام سنه ۱۲۸۷

محل مهر: شارژ دافر اعلی حضرت پادشاه انگلستان در دربار دولت ایران

رانلد طامسن

مناسب حالت و مآل اتصال قیمتی در مراتب نیست با کمال اشتیاق منتظر تعقیب این مراتب هستیم

در باب حاضر بودن جناب آقای با مولت کمیسیون در سفر تحدید حدود ایران آن جناب تا کمال

جواب مراسله جناب مستشار الدوله را به تاریخ ۱۳ شهر شوال سنه ۱۲۸۶ قنسول مقیم تبریز

نسخه از نقشه سرحدی که لیتیس ایران و عثمانی ارسال شده بود به جناب مستشار الدوله فرستاده شد

هر دو به نقشه ضمن نقشی را که اولیای دولت علیه در خصوص نقشه مزبوره خیال دارند اظهار شده

دولت متبوعه خود اطلاع دهید هر چه زودتر حال نیست اتمام خدمت مزبوره جواب نیست

مستشار الدوله در تشخیص نمودن خط سرحدیه هانی اولیای دولت ایران در تشخیص فرمایند

چه اقدامات را منظور داشته‌اند در مقام اجرا بگذارند تحریراً فی نهم محرم الحرام سنه ۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ۲۷۹
موضوع: تجاوزات عثمانی به ایران
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۸۸ هـ.ق)
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

سواد تلگراف طهران از صاحبقرانیه (از اتابک اعظم به شاهزاده امامقلی میرزا حاکم ارومی)

نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده امامقلی میرزا امیرنویان* دام اقباله امروز با حضرت اشرف والا شاهزاده فرمانفرما مشغول مذاکره فرستادن استعداد به ارومیه هستیم تعهدات فرموده‌اند که عن‌قریب فرستاده می‌شود، خودشان البته تفصیل را به سرکار والا تلگراف کرده‌اند. زکی پاشای رئیس کمسیون عثمانی روز پنجشنبه گذشته از راه باشقلعه برای مرگور حرکت کرده است. کمسیون خودمان هم از موصل حرکت کرده عن‌قریب می‌رسند. ان‌شاءالله رفع تمام تجاوزات و تلافی مافات خواهد شد، البته کمال اطمینان را داشته باشید و به تمام اهالی ارومی و آقایان علمای عظام سلمهم الله تعالی و خوانین گرام و تجّار ذوی‌الاحترام بگویید به فضل خداوند متعال اطمینان را داشته باشند که در ادای وظایف خدمت وطن عزیز ذرّه‌ای کوتاهی نخواهم کرد. اتابک اعظم

[حاشیه:] سواد دستخط مبارک مطابق اصل است ـــ اثر مهر امامقلی

* به معنی شاهزاده، امیر، فرمانده سپاه [مأخوذ از مغولی]

سواد تلگراف طهران از صاحبقرانیه

نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده لامع میرزا امیر دیوان دام اقباله امروز
با حضرت اشرف والا شاهزاده فرمانفرما مشغول مذاکره وسایل استعداد
با روسیه تسلیم تعهدات فرموده اند که عنقریب فرستاده میشود عثمانیان
البته تفصیل را اتابک والا تلگراف کرده اند زکی پاشای رئیس کمیسیون
عثمانی روز پنجشنبه گذشته از راه اشقلعه برای مرگور حرکت کرده است
کمیسیون خودمان هم از ارومیه حرکت کرده عنقریب میرسند انشاءالله
رفع تمام تجاوزات و تلافی مافات خواهد شد البته کمال اطمینان
را داشته باشید و تمام اهالی ارومی و آقایان علمای اعلام سلمهم الله تعالی
و خوانین کرام و تجار زید احترامهم بگویید بفضل خداوند متعال
اطمینان را داشته باشند که در ادای وظایف ضمیمه و حفظ اعزیز
ذمه کوتاهی نخواهم کرد اتابک اعظم

سید محمد طباطبائی

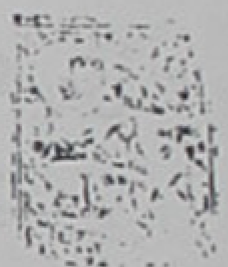

شمارهٔ سند: ۲۸۰
موضوع: سرکوبی اشرار و اکراد محال دشت
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۸۸ هـ.ق)
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ میرزا صادق خان پیشکار آذربایجان به امامقلی میرزا حاکم ارومی

هو

برادرا مهربانا، اگرچه چند روز قبل از این از خارج شنیده بودم که اکراد محال دشت اجماع کرده و بنای شرارت و هرزگی گذاشته‌اند و این فقره را چون خبری از شما نرسیده بود، حمل بر صحّت نمی‌کردم، تا آنکه کاغذی از خود شما دیدم که به عالی‌جاه نورچشمی بیوک خان سرهنگ نوشته بودید معلوم شد که اصل دارد و شما هم بعد از اطلاع این خبر توپ و سرباز برداشته و رفته‌اید. امّا تاریخ کاغذ شما تا آن روزی که من شنیده بودم هشت روز بود و تعجّب نمودم که چرا در این هشت روز شما این کیفیّت را به من ننوشته و اظهار نکرده‌اید. باری حال که رفته‌اید امیدوارم که ان‌شاءالله تعالی به وجه احسن و بر وفق دلخواه کار را مضبوط نموده و انتظام تمام در امور آن صفحات داده باشید. و اینکه تا حال درین باب چیزی ننوشته‌اید، قطعاً برای همین بوده که بعد از اتمام کار به تفصیل بنویسید در صورتی که دو دسته سرباز از بخت بلند پادشاه جمجاه روح العالمین فداه پانصد نفر آدم جنگی را شکست بدهد و جمعی از آنها را مقتول و زخمدار بکند و قلعه را مضبوط و محکم نگاه دارد و به دست غیر ندهد بعد از آنکه شما خودتان با توپ و سرباز و استعداد تمام بروید معلوم است که به یاری خدا و از حُسن مراقبت و کفایتی که دارید مفسدین را مقهور و مقصرین را دستگیر کرده تنبیه کامل نموده‌اید که بعدالحال احدی در آن صفحات، بلکه در هیچیک از سرحدات قدرت و یارای این نوع جسارت و حرکت را نداشته باشد. خلاصه منتظرم که بزودی تفصیل این فقره را برای من بنویسید و اطمینان بدهید که زیاد نگرانی دارم و در انتظار هستم البته کوتاهی نکنید، باقی والسلام.

با مهر عبده محمدصادق

برادر مهربانا اگرچه چند روز قبل از این از خارج شنیده بودم که اکراد محال دشت

اجماع کرده و بنای شرارت و اسرار گذاشته‌اند و این فقره را من خبری از تبریز رسیده بود

حمل بر صحت نمیکردم تا آنکه کاغذی از خود شما دیدم که اینها ... (؟) کرگان ... کشته

بود دیدم معلوم شد که اصلی دارد و شما هم بعد از اطلاع این خبر توپ و سرباز برداشته و در دنبال

اما تاریخ کاغذ شما تا آنروزی که من شنیده بودم هشت روز بود و تعجب نمودم که چرا

در این هشت روز شما این کیفیت را به من ننوشته و اظهار نکرده‌اید باری حالا که رفته‌اید

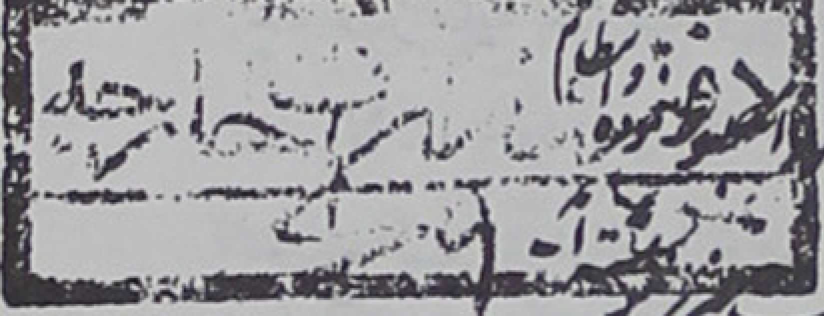

امیدوارم که ان‌شاءالله تعالی بوجه احسن و بروفق دلخواه کار ...

تمام در امور تفحصات داده باشید و آنچه تا حال در این باب ...

قطعاً برای اهمال بوده که بعد از اتمام کار بتفصیل بنویسید در صورتیکه در دسته

سرباز از بخت بلند پادشاه جمجاه روح العالمین فداه با پانصد نفر آدم جنگی را

شکست بدهد و جمعی از آنها را مقتول و رخنه در ارکان (؟) ... و قلعه را مضبوط و محکم نگاه دارد

و دست غیر نداد بعد از آنکه شما خودتان با توپ و سرباز و استعداد تمام

بروید معلوم است که بیاری خدا از حسن مراقبت و کفایتی که دارید مفسدین را

مقهور و مقصرین را دستگیر کرده تنبیه کامل نموده که بعد احدی از تصرفات

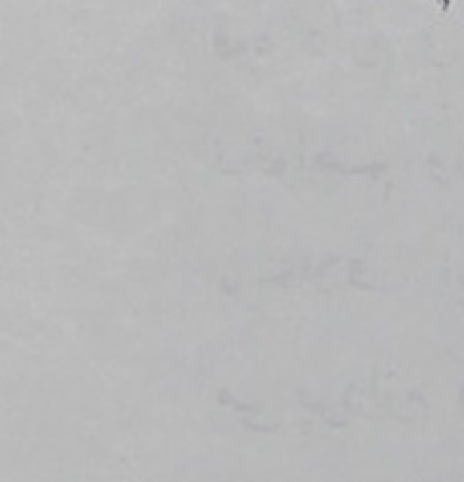

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۸۱
موضوع: اختلاف سرحدی ایران و عثمانی
تاریخ: ذیحجهٔ ۱۲۹۰ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده:

هو

از وزارت جلیلهٔ امور خارجه به جناب شانسیله پرنس غرچکوف صدراعظم دولت روس و به جناب لاردکرانویل وزیر امور خارجهٔ دولت انگلیس به یک مضمون به اندک تغییر روابط و القاب قلمی شده است.

از آنجایی که دولت علیهٔ ایران در جمیع مواد مهمه منافع و مضرات خود را از دولت بهیهٔ آن اعلی حضرت امپراطوری جدا نمی داند و در وقوع مشکلات امیدش به معاونت قادرانهٔ آن دولت بهیه است در این موقع که مجلس قمسیون مختلط از برای حل مسائل تحدید حدود دولتین ایران و عثمانی و متفرعات او در اسلامبول منعقد می شود، لازم دانستم که افکار خودم را قبل از وقت محرمانه به اطلاع آن جناب اشرف برسانم و چه قدر مایهٔ شرف و افتخار من خواهد گردید هرگاه آن جناب اشرف را مصدق و مقوی خیالات خود در این ماده توانم دید. اولاً آن جناب اشرف را اطمینان قوی می دهم که جمیع سعی خالصانهٔ من در حفظ و ابقای صلح و مصافات با دولت عثمانی است و تا در قوه دارم و خللی به منافع مستقیمهٔ دولت علیه متبوعهٔ من وارد نیاید از این خیال انصراف نخواهم ورزید و از برای اثبات ادعا و محض توهم اینکه در مسئلهٔ تحدید حدود امری برخلاف این مقصود به ظهور نرسد، قبل از وقت به تصدیع خاطر آن جناب اشرف می پردازم و مختصری از حقوق دولت علیهٔ متبوعهٔ خود را اظهار نموده و خیالات حسنه و منصفانهٔ شما را بر تمهید حسن اختتام مسئلهٔ سرحدیه دعوت می نمایم بعد از آنکه سی و دو سال قبل از این اختلافات سرحدیه و ادعای خسارات مختلفه فی مابین دولتین ایران و عثمانی مطرح گفتگو شد و نزدیک بود امر به نقار کلی منجر شود، به سعی و اهتمام مصلحانه دولتین روس و انگلیس مجلس مرکب از مأمورین دول اربعه ایران و روس و انگلیس و عثمانی در ارزروم منعقد گردید و مدت چهار سال مذاکرات آنها طول کشید.

بالاخره در ۱۶ شهر جمادی الثانیهٔ ۱۲۶۳ عهدنامهٔ مشتمل بر نه فصل که حاوی رفع اختلافات سرحدیه و خسارتیه طرفین بود، امضا گردید. فصل دویم عهدنامه مزبوره ولایت زهاب را فی مابین طرفین قسمت می نماید و ترک ادعای ایران را از سلیمانیه و ترک ادعای عثمانی را از بندر و شهر محمره و لنگرگاه و جزیرة الخضر و اراضی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر معروفهٔ ایران است، تصریح می‌کند و فصل سیم می‌گوید دولتین معاهدتین تعهد می‌کنند که با این معاهدهٔ حاضره، سایر ادعاهاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلا تأخیر مهندسین و مأمورین را تعیین نموده برای آنکه مطابق مادهٔ سابقه حدود دولتین را قطع نماید از این فصل اخیره به طور وضوح معلوم است که بعد از آنچه در فصل دویم ذکر شده است تصرفات آن وقته هر یک از طرفین به طور ملکیت تعلق به آنها دارد و دیگری حق ادعا یا تجاوز نخواهد داشت و حال آنکه دولت عثمانی به عهدنامه که خود تازه امضا نموده و به تصدیق اعلی حضرت سلطان رسیده بود، وقع و عظمی قرار نداده در پیش چشم جنرال چریکوف و جنرال ولیامز، اولاً قطور ملک متصرفی چندین سالهٔ دولت علیه ایران را بزور غصب و تصرف کرده و بعد متدرجاً اباقه و محمودی و اخورک و چپوقلو و درهٔ بارژکه و درهٔ خرنیا را در سرحد آذربایجان در صورتی که در تصرف ایران بوده اند و راپورت مأمورین دولتین واسطهٔ مصدق این ادعای من می باشد، غصباً متصرف شده اند و در حدود لرستان غُربید و باغسائی را از شدت سوق عسکر و تهدیدات متوالیه سنواتی در حالت بی طرفی از جانبین اعلان نموده‌اند و حالا که مجلس مختلط به جهت تعیین قطعی سرحدات منعقد می شود بر دولت عثمانی لازم است که اولاً آنچه برخلاف فصل سیم عهدنامه از اراضی و املاک متصرفی دولت ایران غصباً متصرف شده است، رد نماید و تخلیهٔ ید کند آن وقت اگر حرفی در مدلول فصل دویم عهدنامه داشته باشد اظهار نماید و اگر بخواهد تصرفات غصبیه که در املاک ایران نموده است مسکوت‌عنه بماند و مدلول فصل دویم معاهده را ادعا کند نه دولت ایران می تواند تمکین نمود و نه البته دولتین واسطه راضی به این قبیل بی انصافی می توانند شد و حال آنکه از مدلول فصل دویم عهدنامه هم عثمانی ها صرفه در آتیه نمی توانند برد زیرا سلیمانیه را دولت علیه ایران به آنها ترک نموده است محمره و توابع آن را ایران متصرف است و اکثر اراضی جبالیه زهاب که به مدلول همان فصل تعلق به ایران دارد، به اعتقاد ما در تصرف عثمانی مانده است. از ملاحظهٔ آنچه نوشته ام

معلوم جناب اشرف شما می تواند شد که در مسئله سرحدیه با عثمانی ها دولت ایران در هر نقطه مغبون و مظلوم واقع شده است. با وجود همهٔ اینها. چون دولت ایران از روی حقیقت و صمیم قلب طالب بقای صلح و ازدیاد مودت با دولتهای همجوار خود می باشد و از برودت و نقار و خدای نکرده سفک دماء نهایت اجتناب و احتراز را دارد و شخص جناب شما را نیز خیرخواه واقعی خود می داند لهذا حاضر است که اگر به نظر جناب اشرف شما تکلیفی که موجب سرعت انجام امر تعیین سرحد و خلاف شأن دولت نباشد به ظهور آید، فوراً قبول نموده استماع نصیحت مشفقانهٔ شما را که بالأخره نتایج نافعهٔ بزرگ به جهت او خواهد داشت بر پارهٔ منافع ظاهره ترجیح بدهد. زیاده چه زحمت دهد.

حرر فی شهر ذیحجة الحرام ۱۲۹۰

از وزارت جلیلهٔ امور خارجه بجناب ژانسیه پرنس غرچکوف صدراعظم دولت روس و بجناب
لارد گرانویل وزیر امور خارجه دولت انگلیس یک مضمون با ترک تغییر روابط و القاب قلمی شده است
بتاریخ شهر ذی حجه ۱۲۹۰

از آنجا که دولت علیه ایران در جمیع مواد مهمه منافع و مضرات خود را از دولت بهیهٔ آن
اعلیحضرت امپراطوری جدا نمیداند و در وقوع مشکلات امیدش بمعاونت قادرانهٔ
آن دولت بهیه است در این موقع که مجلس کمیسیون مختلط از برای حل مسائل تحدید حدود
دولتین ایران و عثمانی و متفرعات او در اسلامبول منعقد می‌شود لازم دانستیم که افکار
خودمان را قبل از وقت محرمانه باطلاع آنجناب اشرف برسانیم و چه قدر مایهٔ شرف
و افتخار می‌خواهد که بعد هر گاه آنجناب اشرف را مصدق و مقوی خیالات خود در این باب
توانیم دید اولاً آنجناب اشرف را اطمینان قوی میدهیم که جمیع سعی خالصانهٔ ما در حفظ
و ابقای صلح و مصالحات با دولت عثمانی است و ما در قوه داریم و خیلی بمنافع مستقیمه
دولت علیه متوقع می‌دارد نباید از این خیال انصراف بخواهیم ورزید و از برای اثبات
ادعا و محض توهم آنکه در مسئله تحدید حدود امری برخلاف این مقصود بظهور رسد

قبل از وقت بتصدیع خاطر آنجناب اشرف میپردازم و مختصری از حقوق دولت
علیه متبوعه خود را اظهار نموده و خیالات حسنه منصفانه شما را بر تمهید حسن اختتام مسئله
سرحدیه دعوت مینمایم بعد از آنکه سی و چند سال قبل از این اختلافات سرحدیه و ادعای
خسارات مختلفه فیمابین دولتین ایران و عثمانی مطرح گفتگو شد و نزدیک بود امر بمقاتله منجر
شود بسعی و اهتمام مصلحانه دولتین روس و انگلیس مجلسی مرکب از مامورین دول اربعه
ایران و روس و انگلیس و عثمانی در ارضروم منعقد گردید و مدت چهار سال مذاکرات
آنها طول کشید بالاخره در ۱۶ شهر جمادی الثانیه ۱۲۶۳ عهدنامه مشتمله بر ۹ فصل حاوی رفع
اختلافات سرحدیه و خساراتیه طرفین بامضا رسید فصل دوم عهدنامه مزبوره ولایت زهاب را
فیمابین طرفین قسمت مینماید و ترک ادعای ایران را از سلیمانیه و ترک ادعای عثمانی را از بندر
و شهر محمره و لنگرگاه و جزیره الخضر و اراضی جانب یسار شط العرب را که در تصرف
عشایر معروفه ایران است تصریح میکند و فصل سیم مزبور دولتین متعاهدتین تعهد میکنند
که با این معاهده حاضره سایر ادعاهای خود را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلا تاخیر
مهندسین و مامورین را تعیین نموده برای آنکه مطابق ماده سابقه حدود دولتین را قطع نماید

و از این فصل اخیره بطور وضوح معلوم است که بعد آنچه در فصل دوم ذکر شده است
تصرفات آنوقت هر یک از طرفین بطور ملکیت تعلق بآنها دارد و دیگری حق ادعا یا تجاوز
نخواهد داشت و حال آنکه دولت عثمانی بعهدنامه مرقومه تازه مصالحه و تصدیق اعلیحضرت
سلطان رسیده بعد وقوع و عقد قطعی قسمی از مرقومه در پیش چشم جنرال چریکوف و جنرال ولیامز
اولاً قطور ملک متصرفی چندین ساله دولت علیه ایران را بزور غصب و تصرف کرده
و بعد متدرجاً اباقه و محمودی و آخورک و چبوقلو و دره بازرگه و دره خریبارا در سرحد
آذربایجان در صورتیکه در تصرف ایران بوده‌اند و در راپورت مأمورین دولتین واسطه مصدق
این ادعای مشتبه است غصباً متصرف شده‌اند و در حدود لرستان غربه و باغ لی را
از شدت سوق عسکر و تهدیدات متوالیه سنواتی در حالت بیطرفی از جانبین
اعلان نموده‌اند و حالا که مجلس مختلط بجهت تعیین قطعی سرحدات منعقد میشود بر دولت
عثمانی لازم است که اولاً آنچه برخلاف فصل سیم عهدنامه از اراضی و املاک متصرفی
دولت ایران غصباً متصرف شده است رد نماید و تخلیه بکند آنوقت اگر
حرفی در مدلول فصل دوم عهدنامه داشته باشد اظهار نماید و اگر نخواهد

تصرفات غاصبانه که در املاک ایران نموده است مسکوت عنه بماند و مرحله فصل دوم
معاهده را ادعا کند نه دولت ایران می‌تواند تمکین نماید و نه البته دولتین واسطه راضی
باین قسم بی انصافی میتوانند شد و حال آنکه از مرحله اول فصل دوم عهدنامه هم عثمانیها
صرفه در آتیه نمیتوانند ببرند زیرا سلیمانیه را دولت علیه ایران به آنها ترک نموده است
محمره و توابع آنرا ایران متصرف است و اگر اراضی جانب زهاب که به مرحله اول همان
فصل تعلق به ایران دارد باعتقاد ما در تصرف عثمانی مانده است از ملاحظه آنچه نوشته‌ام
معلوم جناب اشرف شما میتواند شد که در مسئله سرحدیه با عثمانیها دولت ایران در هر نقطه
مغبون و مظلوم واقع شده است با وجود همه اینها چون دولت ایران از روی حقیقت
و صمیم قلب طالب بقای صلح و دوام یگانگی با دولتهای همجوار خود میباشد و از بروز
دلنقار و جدائی که شکست دماغ نهایت اجتناب و احتراز را دارد و شخص جناب
شما را نیز خیرخواه واقعی خود میداند لهذا حاضر است که اگر نظر جناب اشرف شما
تکلیفی که موجب سرعت انجام امر تعیین سرحد و خلاف شأن دولت نباشد بظهور
آید فوراً قبول نموده استماع نصیحت مشفقانه شما را که بالاخره نتایج نافعه

بزرگی که بجهة او خواهد داشت بر پاره منافع ظاهره ترجیح بدهد والله خیر رحمت ده حرره

فی شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۰

شمارهٔ سند: ۲۸۲

موضوع: خلع میرزا حسین‌خان مشیرالدوله از مقام سپهسالاری و وزارت خارجه

تاریخ: ۸ شوال ۱۲۹۷ هـ.ق

کارتن: ۱۶

پرونده: ۶/د

نامهٔ وزارت خارجه به سفارتهای دول در طهران

هو

به سفرای دول متحابه

برحسب ارادهٔ علیهٔ سرکار اعلی حضرت قوی‌شوکت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه جناب جلالت‌مآب اشرف حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله به ملاحظهٔ مقتضیات چند از منصب سپهسالاری و وزارت جلیلهٔ امور خارجه خلع گردید و حسب‌الامر الاقدس الاعلی بندهٔ درگاه که صدیق‌الملک رئیس دفاتر وزارت جلیله امور خارجه هستم، عجالتاً برای انجام اظهارات و رجوعات سفارت محترمه دولت علیه متبوعهٔ آن جناب جلالت‌مآب حاضر می‌باشم تا قرار دیگر که لازم است به اقتضای رأی جهان‌آرای همایون اقدس صاحبقرانی داده شود. برای استحضار خاطر شریف آن جناب جلالت‌مآب زحمت‌افزا شد. یوم سه‌شنبه ۸ شهر شوال المکرم ۱۲۹۷

بسفارت جلیله انگلیس

برحسب اراده علیه ملوکانه اعلیحضرت قوی شوکت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه جناب جلالتمآب اجل

جناب میرزا یحیی خان مشیرالدوله بملاحظه مقتضیات چند از منصب سپهسالاری و وزارت جلیله امور خارجه

خلع گردید و حسب الامر الاقدس الاعلی بنده درگاه [illegible] الملک رئیس دفاتر

وزارت جلیله امور خارجه بسمت قائم مقامی برای انجام اظهارات و رجوعات سفارت محترمه

دولت علیه متبوعه آنجناب جلالتمآب حاضر میباشم تا قرار دیگر که لازم است

بتصدیق آراء همایون اقدس صاحبقرانی داده شود برای تذکار خاطر

شریف آنجناب جلالتمآب زحمت افزا شد بتاریخ شهر شعبان المعظم ۱۲۹۷

شمارهٔ سند: ۲۸۳

موضوع: ابقای میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) به وزارت خارجه

تاریخ: ذیقعده ۱۲۹۷ هـ.ق

کارتن: ۱۶

پرونده: ۶/د

به سفرای دولت علیه ایران مقیم دربار دول متحابه

اگرچه اختصاراً در ضمن تلگراف مورخ ٤ شهر ذیقعده ۱۲۹۷ مدارج مراحم علیه اقدس همایون اعلی حضرت قوی‌شوکت شاهنشاهی روحنا فداه را که مجدداً مرا به خدمت عمده و مأموریت نبیلهٔ وزارت جلیله امور خارجه قرین افتخار و سرافرازی فرموده‌اند به شما استحضار داده‌ام و من هم فوراً برحسب اقتضای تکلیف چاکری اطاعت و مفتخراً شروع به تکالیف خدمت مزبوره نمودم. اکنون تحریراً اظهار می دارم که منظور خیریت ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه از این تغییر مخصوصاً تطبیق مصالح و پولتیک دولت علیهٔ ایران با دول دوست هم‌عهد است که کاملاً این مقصود به ظهور و شهود رسد و مرا به واسطهٔ اثر ترتیبهای آستان همایون برای اجرای این ارادهٔ مطاعه انتخاب و خلاصه دستورالعملی که به من مرحمت فرموده‌اند مبنی بر اعلی درجهٔ اهتمام در ازدیاد مودت و اتحاد صمیمی و حقیقی و مطابقهٔ پولتیک این دولت علیه با دول معظمهٔ دوست هم‌عهد و همجوار و حفظ احترام جنابان سفرای دول معظمه مقیم دربار گیتی‌مدار و اعطای حقوق حقهٔ آنها موافق عهود مقدسه و استیفای حقوق حقهٔ دولت علیه نیز در طبق عهود مقدسه است و ایفای مراسم رعایت متفرعات این اساس نیز فریضهٔ ذمه این جانب خواهد بود. لهذا شما را اطمینان قوی می دهم که تا در قوه دارم جهد نموده مساعی کاملهٔ مقدورهٔ خود را مصروف خواهم داشت که به قدر ذره از این دایرهٔ تعلیمات همایونی خارج نشده کاملاً نیات حسنهٔ مبارکه ملوکانه روحنافداه را اجری دارم و امید دارم که جناب جلالت‌مآب... وزیر امور خارجهٔ دولت... از فرط محاسن نیت و احاطه و بصیرت به حسن مراتب مزبوره و میل و رغبتی که به حصول این مقاصد در همه حال دارند، بهترین معاضد و بالاترین مقوی و کاملترین موافق با من بوده شرکت و معاونت لازمه را در این مقامات دریغ ندارند شما مأمورید که مدلول این مراسله را به الفاظ و عبارات مستحسنه به

جناب جلالت‌مآب معزی الیه اظهار دارید و صورت مجلس مذاکرهٔ خودتان را برای اطلاع من سریعاً بنگارید. زیاده زحمت ندارد. شهر ذیقعده‌الحرام سنه ۱۲۹۷

محل امضا

بسفرای دولت علیّه ایران مقیم دربار دول ثلثه

تلگرافی که در ضمن تلگراف مورخ ۲۴ شهر ذی‌قعده ۱۲۹۶ مراتب مراحم علیّه اقدس اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه را اختصاراً

درحق بنده اعلام کرده نسبت عمده مأموریت جلیله وزارت جلیله امور خارجه را بقرار امر و مقرر فرموده فی الحقیقه ابواب الطاف شاهانه اشعار داشته‌ام

و منهم قرار بر حسب وظیفه بتصدیق تکلیف چاکری اطاعت و شروع بانجام تکالیف خدمت مرقومه نمودم اکنون تحریر را برای اظهار می‌دارم

در منظور خیریت ذات مبارک اقدس همایون که روحنا فداه از این تغییر منظور ضمناً تطبیق مصالح و پولتیک دولت علیّه تقدیم

با دول دوست همعهد است در کمال ... مقصود نظر و مشهود و مرابطه اتحاد ترقیات جهان ... حراست

لیکن سالها مطالعه تجارب و صلاح و دستورالعمل بهمین جهت قرار داده‌اند مبنی را جمع در جزء استحکام و ازدیاد مودت

و استحکام صمیمیت حقیقی و مطابقه پولتیک این دولت علیّه با دول معظمه دوست همعهد و همجوار و حفظ اجرای ... حال

سفرای دول معظمه مقیم دربار کیهان مدار و اعطای حقوق حقه آنها مواثیق عهود منعقده و استیفای حقوق حقه دولت علیّه ایران

در طی عهود منعقده است و الغای مراسم رعایت متفرعات این ... نیز فریضه ذمه ... ایران ...

اطمینان قوی میدهیم هم تا در وهله اول جهد ... که مقصود ... خود مصروف خواهیم داشت و بتقرر ... ارادتم

درباره تعلیمات ... امور خارجه ... که روحنا فداه را اجرا ... دارم و ... دارم

بجناب جلالتماب وزیر امور خارجه دولت ... از فرط کمال حسن نیت و ...

و بصیرت کامله ... و ... همواره ... بهترین معاضدت و ... تقویت و کمال ...

موافق با ... شرکت و معاونت ... در این ... مأمورین ...

به الفاظ و عبارات مستحسنه بجناب جلالتماب ... در صورت ... اگر ... حال

محض اطلاع ... نگارش رفت ... ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۹۶

شمارهٔ سند: ۲۸۴
موضوع: فرستادن مأمور دیگری به جای معتمدالسلطان به قطور
تاریخ: ۱۳ شعبان ۱۳۰۰ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

یادداشت سفارت انگلیس در طهران به وزارت خارجه

نمره: ۴۵

یادداشت

در باب مراسلهٔ محترم آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ پانزدهم شهر رجب المرجب راجع به مأموریت معتمدالسلطان میرزا محبعلی خان ناظم الملک به جهت تعیین حدود اراضی قطور احتراماً زحمت‌افزا می شود که دوستدار مأموریت معتمدالسلطان معزی الیه را به طوری که مرقوم فرموده بودند به اطلاع دولت رسانید که تا اول رمضان می توان مطمئن بود که معزی الیه در سرحد حاضر خواهد شد. حال از قراری که دوستدار استماع نموده است معزی الیه به واسطهٔ درد چشم تا به حال نتوانسته اند عزیمت به مقصد نمایند و هیجده روز دیگر بیشتر به موعد رسیدن به سرحد نمانده است و چون حالا وقت نیست به طوری که مشارالیه بتواند خود را از طهران در روز موعود به سرحد برساند. به نظر بهتر می آید که آن جناب جلالت‌مآب قراری بدهند که به توسط تلگراف از تبریز عوض معتمدالسلطان معزی الیه کسی دیگر را معین نمایند که سروعده [ای] که رسماً به دوستدار اطلاع داده‌اند و دوستدار هم به دولت اخبار نموده به سرحد برسد که مأمورین دول دیگر که در آنجا حاضر می شوند، اسباب معطلی برای آنها فراهم نیاید. فی ۱۳ شعبان ۱۳۰۰

محل مهر: رانلد طامسن

یادداشت

در باب مراسلهٔ محترمهٔ آنجناب جلالت‌مآب مورخهٔ پانزدهم شهر رجب المرجب راجع به مأموریت معتمد السلطان سرتیپ کمیسر [illegible] ناظم الملک که به جهت تعیین حدود [illegible]

اراضی قطور از طرف اولیای دولت علیه مأمور شده دوستدار مأموریت معتمد السلطان معزی الیه را بطوری که مرقوم فرموده بودند به اطلاع [illegible] رسانیده [illegible]

معلوم است مشارالیه [illegible] معزی الیه در سرحد حاضر خواهند شد حالا از قراری که دوستدار استماع نموده است معزی الیه به [illegible] وارد [illegible] عزیمت [illegible]

به مقصد خواهد رسید و [illegible] روز دیگر هم [illegible] موعد [illegible] رسید [illegible] سرحد [illegible]

موعد سرحدی را [illegible] به نظر [illegible] که آنجناب جلالت‌مآب قرار بدهند که به توسط تلگراف از تبریز عوض معتمد السلطان معزی الیه کسی دیگر را [illegible]

که دوستدار را اطلاع داده‌اند دوستدار هم [illegible] اخبار [illegible] سرحد [illegible] مأموریت [illegible]

[illegible] ۱۳۲۰

[illegible]

یادداشت سفارت [illegible] در باب اینکه [illegible] ناظم الملک [illegible] در [illegible] صورت [illegible] از تبریز یکی را مأمور نمایند

شمارهٔ سند: ۲۸۵
موضوع: اختلاف دو هیئت کمیسیون در قطور
تاریخ: ۱۰ ذیقعده ۱۳۰۰ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۲۶

هو

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

در باب قطور، آنی غفلت نشده است از روی اقدامات قویهٔ پریروز مجلس کرده به جهت اختلاف بزرگی که فی‌مابین خط مقرر مأمورین دول و منظور باب‌عالی است به سفارتها دیروز جواب صریح دادند که فصل گذشته تا حصول اتفاق مذاکره لازم است بماند سال آینده تفصیل با چاپار سفرا به دولت خودشان نوشتند. سفیرکبیر دولت علیه ایران دو روزه وارد می‌شوند. علی اکبرخان سالماً و آمناً بعد از سه روز توقف با واپور آخری که مخصوصاً به خواهش سفارت کبری منتظر بود روانه شد. در تلغراف جناب مستطاب اجل اکرم افخم فقرهٔ رشیدبیک درست مفهوم نشد. منتظر مرحمت و التفات جناب‌عالی است. ۱۰ شهر ذیقعده ۱۳۰۰

جواد

هو

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

درباب قطور آنی غفلت نشده است از روی اقدامات قویه پریروز مجلس کرده

بجهت اختلاف بزرگی در قضایای خط مقرر مامورین دول و منظور با جنابعالی است

بسفارتها دیروز جواب صریح دولتین در فصل گذشته تا حصول اتفاق تذکره

لازم است بماند سال آینده تفصیل با چاپار سفرا به دولت خودشان

نوشتند سفیر کبیر دولت علیه ایران در روزه وارد شد جناب علی اکبر خان

سالما و امنا بعد از سه روز توقف با واپور آخری مخصوصا بخواهش

سفارت کبری منتظریم روانه شد در تلگراف جناب مستطاب اجل

اکرم افخم فقره رشیدیه یک درست مفهوم نشد منتظر مرحمت و

التفات جنابعالی است نمره ۲۶ محمد ۱۰ شهر ذیقعده ۱۳۰۰

شمارهٔ سند: ٢٨٦

موضوع: کمسیون تحدید حدود قطور

تاریخ: ندارد (احتمالاً ١٣٠٠ هـ.ق)

کارتن: ١٧

پرونده: ۵/ح

هو

فهرست عرض وزارت خارجه (به ناصرالدینشاه)

در باب قمسیون تحدید حدود قطور، معین الملک نوشته بود که قرار شده است قمسیون مزبور در اسلامبول تشکیل شود. چاکر فدوی با تلگراف از او استعلام نموده‌ام که این قمسیون چه وقت تشکیل می شود عثمانی ها چه خیال دارند سواد تلگراف مزبور لفاً از عرض خاک‌پای جواهرآسای مبارک ملوکانه روحنا فداه می‌گذرد هنوز جواب نرسیده به مجرد وصول جواب به عرض حضور مهر ظهور مبارک خواهد رساند. میرزا محبعلی را هم چاکر فدوی نوشته‌ام به طهران می آید که اگر باید برود دستورالعمل مجدد حضوری بگیرد، برود و البته حضوراً تعلیمات مجدد به او داده شود بهتر و مفیدتر است. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.

غلام‌خانه‌زاد: حسین

فهرست عرض وزارت خارجه

درباب کمیسیون که به سرحدات قطور معین و مملکت نوشته بود که قرار شد کمیسیون مزبور در اسلامبول منعقد

تشکیل شود چاکر فدوی با تلگراف از وزارت استعلام نموده‌ام که این کمیسیون چه وقت تشکیل می‌شود عثمانی‌ها

چه حالت دارند به ملاحظه تلگراف مزبور لفاً از عرض خاکپای جواهرآسای همایون ملوکانه ارواحنا فداه می‌گذرد

هنوز جواب نرسیده بمجرد وصول جواب بعرض حضور مهرظهور مبارک خواهد رسانید میرزا محمدعلی

چاکر فدوی نوشته‌ام که طهران بیاید اگر اقدام کند بنوبت خود به حضور خواهد رسید والبته حضور آن علیحضرت

با وجود اینکه بهتر و مفیدتر است. الامر الاقدس الاعلی مطاع

علاء السلطنه

شمارهٔ سند: ۲۸۷
موضوع: حدود قطور و عهدنامه برلن
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۰ هـ.ق)
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

دستخط ناصرالدین شاه

جناب وزیر خارجه

تلگرافها را دیدم، از تلگراف مشیرالدوله حقیقتاً تعجب کردم، دستورالعملی که ما بر خلاف عهد و شرط به علی‌مردان خان داده باشیم کدام است. البته شما بهتر می دانید که همچه چیزی هست یا نه و همچنین سایر ایرادها که همه در مقابل آن همه موافقتهای ما بسیار سست و بی‌معنی است. جواب که شما نوشته بودید به مشیرالدوله بسیار خوب است البته زود بزنید. تلگرافی هم من مسوده کردم این را هم البته بزنید هر دو مفید است و زود بفرستد و جواب بخواهید.

و به مشیرالدوله تلگراف دیگری بکنید که به امپراطور بگوید قطور را شما بنا به دوستی که با ایران داشتید در عهدنامهٔ برلن به ایران رد نمودید اما دولت عثمانی حدود اصلی قطور را معین نمی‌کند و مأمورش را به اتفاق مأمورین دول واسطه نمی‌فرستد به حدود قطور. در این فقره خواهش داریم که اولیای آن دولت را مجبور به فرستادن مأمور خودشان بکنند که زودتر این کار بگذرد.

تلگراف ملکم خان را خاندم [خواندم] بسیار بسیار مایه خورسندی [خرسندی] شد خیلی خیلی تمجید از کاردانی او بکنید با تلگراف و تأکید بکنید که اصل کاغذ وزارت خارجه را به وسیلهٔ خاطرجمع و محکم به حضور بفرستد. رشتهٔ امتداد این کار را هم البته البته باید محکم گرفت و خیلی تدابیر به کار برد. همین طور تلگراف بکنید.

[illegible]

جناب وزیر [illegible]

[illegible] از تشرف

[illegible] الدوله حقیقتاً تعجب کردم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

موافقت [illegible]

[illegible] الدوله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۸۸
موضوع: تعیین حدود قطور
تاریخ: ۱۷ می ۱۸۸۳ میلادی (۱۳۰۰ هـ.ق)
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزیرمختار انگلیس و شارژ دافر روس به وزارت خارجه

جناب مستطاب عالی، واضعین این دستخط وزیرمختار و ایلچی مخصوص دولت بهیهٔ انگلیس و شارژ دافر دولت بهیهٔ روس هر یک از دولت متبوعهٔ خود محکوم می باشند که اصل پرتکل و نقشهٔ دایر به قرارداد قطعی مأمورین دولتین علیتین که واسطه می باشند در باب تعیین حدود اراضی قطور موافق شروط فصل شصتم عهدنامهٔ منعقده در برلن را به جناب‌عالی ابلاغ دارند و چون که قمسیون مرکب از مأمورین مخصوصین دول اربعه برای شروع به ترسیم مفصل خط سرحد که در پرتکل اشاره شده، عنقریب باید در آنجا منعقد شود و زمان مناسب برای این عمل منحصر است به ماههای میانهٔ ماه مای و نومبر می باشد که به عبارة‌الاخری میانهٔ ماه رجب و محرم است، از آن جناب مستطاب خواهش می رود که لطف نموده از تعیین اولیای دولت اعلی حضرت شهریاری مأمور خود را و همچنین از وقتی که بتواند مأمور در آن صفحات حاضر بشود واضعین دستخط را مستحضر نمایند. و نیز واضعین دستخط تکلیف خود می دانند که آن جناب مستطاب را مستحضر دارند که برحسب اظهار متفقانهٔ سفرای دولتین بهیتین انگلیس و روس در اسلامبول، باب‌عالی از تشخیص مأمور خود برای تعیین خط سرحد خبر داده است. واضعین دستخط در این موقع احترامات فایقه خود را به آن جناب مستطاب عالی اظهار می نمایند.

محل مهرهای: وزیرمختار و ایلچی مخصوص اعلی حضرت پادشاه انگلستان رانلو طامسن و ارغیروپولو شارژ دافر دولت روس

Téhéran
le $\frac{5}{17}$ Mai 1883

جناب مستطاب عالی واضعین این دستخط وزیر مختار
و ایلچی مخصوص دولت بهیه انگلیس و شارژدافر دولت
بهیه روس هر یک از دولت متبوعه خود مأمور شدند
که اصل پرتکل و نقشه دارای قرار داد قطعی مأمورین
دولتین علیتین که واسطه شدند در باب تعیین حدود
اراضی قطور موافق شروط فصل شصتم عهدنامه
منعقده در برلن را بجناب عالی ابلاغ دارند
و چونکه قمیسیون مرکب از مأمورین مخصوص دول اربعه

Monsieur le Ministre,

Les soussignés, Ministre de la grande Bretagne et Chargé d'Affaires de Russie, ont reçu l'ordre de leurs Gouvernements de transmettre à Votre Excellence en original le Protocole et la carte contenant la décision définitive des Commissaires des deux Hautes Puissances médiatrices sur la délimitation du territoire de Khotour, conformément aux dispositions de l'Article 60 du Traité de Berlin.

Une commission mixte composée des Commissaires spéciaux des quatre Puissances devant

Son Excellence
Mirza Said Khan
etc. etc. etc.

prochainement procéder
sur place au tracé
détaillé de la ligne
frontière indiquée
dans le Protocole,
et la saison favorable
à ce travail se
limitant entre
les mois de Mai
et de Novembre,
Votre Excellence
est priée de vouloir
bien informer les
soussignés de la
désignation qui
sera faite par le
Gouvernement de
Sa Majesté le Schah
de son Commissaire,
ainsi que de la date
précise à laquelle
ce dernier pourra
se trouver sur les
lieux.

Les soussignés
croient devoir
également porter
à la connaissance
de Votre Excellence

برای شروع بترسیم مفصلی خط سرحد
که در پروتکل اشاره شده عنقریب باید در اماکن
منعقد شود و زمان مناسب برای این منظور است
که ماههای میانه ماه مای و نوامبر است که مطابق است
الاخری میانه ماه رجب و محرم است از آنجناب مستطاب
خواهش میرود که لطف نموده از تعیین اولیای دولت
اعلیحضرت شهریاری مامور خود را و همچنین از روز و وقتی که
مشارالیه مامور در آن صفحات حاضر شود و امضاءکنندگان دستخط را
مستحضر نمایید و نیز امضاءکنندگان دستخط تکلیف خود
میدانند که آنجناب مستطاب را مستحضر دارند

که بر حسب اظهار متفقانه سفرای دولتین بهیتین
انگلیس و روس در اسلامبول باب عالی از تخصیص
مأمور خود برای تعیین خط سرحد خبر داده است
و اینجانب دوستدار در این موقع احترامات فائقه
خود را بانجناب مستطاب عالی اظهار مینمایند

qu'à la suite d'une démarche analogue des Représentants de l'Angleterre et de la Russie à Constantinople, la Sublime Porte les a déjà informés de la nomination de son Commissaire pour la délimitation.

Ils ont l'honneur d'offrir en même temps à Votre Excellence l'assurance de leur haute considération.

Ronald F. Thomson

Téhéran,
le 5/17 Mai 1883

جناب مستطاب عالی   واضعین این دستخط
وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیه انگلیس و شارژدافر
دولت بهیه روس حسب‌الامر دولت متبوعه خود مأمور
میباشند که اصل پروتکل و نقشه را که قرارداد قطعی مأمورین
دولتین علیتین واسطه میباشند در باب تعیین حدود
الکای قطور موافق شروط فصل شصتم عهدنامه منعقده
در برلن را بآنجناب عالی ابلاغ دارند   و چونکه قمیسیونر ترک

Monsieur le Ministre

Les soussignés, Ministre de la Grande Bretagne et Chargé d'Affaires de Russie ont reçu l'ordre de leurs Gouvernements de transmettre à Votre Excellence en original le Protocole et la Carte contenant la décision définitive des Commissaires des deux Hautes Puissances médiatrices sur la délimitation du territoire de Khotour, conformément aux dispositions de l'Article 60 du Traité de

Son Excellence
Mirza Said Khan
etc. etc. etc.

de Berlin
une Commission
mixte composée des
Commissaires spéciaux des
quatre Puissances devant
prochainement procéder
sur place au tracé détaillé
de la ligne frontière indiquée
dans le Protocole, et la
saison favorable à ce
travail se limitant entre
les mois de Mai et de
Novembre, Votre Excellence
est priée de vouloir bien
informer les Soussignés
de la désignation qui sera
faite par le Gouvernement
de Sa Majesté le Schah
de son Commissaire, ainsi
que

از مأمورین مخصوصین دول اربعه که برای شروع بترسیم مفصل
خط سرحدی در پروتکل اشاره شده عنقریب باید در آنجا منعقد
شود و زمان مناسب برای این عمل منحصر است بماههای
میانه ماه مای و نومبر فرنگی که بعباره الاخری میانه
ماه رجب و محرم است از آنجناب مستطاب خواهش می‌شود
در لطف مقرر دارند از تعیین اسامی که دولت علیه اعلیحضرت شهریاری
مأمور خود را و همچنین از وقتی که بخواهند مأمور در آنجا حاضر
حاضر شود داعیان دستخط را مستحضر دارند و نیز داعیان

دستخط تکلیف خود میدانند در انجاب مستطاب را استحضار دارند

در عقب اظهار متعاقبه سفرای دولتین بهیتین انگلیس و روس

در اسلامبول باب عالی از تشخیص مأمور خود برای تعیین

خط سرحد خبر داده است واضعین دستخط

در این موقع احترامات فائقه خود را انجاب مستطاب

عالی اظهار مینمایند

que de la date précise
à laquelle ce dernier
pourra se trouver sur
les lieux.

Les Soussignés croient
devoir également porter
à la connaissance de
Votre Excellence qu'à la
suite d'une démarche
analogue des Représentants
de l'Angleterre et de
la Russie à Constantinople
la Sublime Porte les a
déjà informés de la
nomination de son
Commissaire pour la
délimitation.

Ils ont l'honneur
d'offrir en même temps
à Votre Excellence l'assurance
de leur haute considération

Ronald F. Thomson

Argyropoulo

شمارهٔ سند: ۲۸۹
موضوع: مسافرت لرد کرزن به‌خلیج فارس و اهمیت عربستان
تاریخ: (احتمالاً ۱۳۰۵ هـ.ق)
کارتن: ۱۹
پرونده: ۲۳

مسافرت لورد گورزن [لرد کُرزن] فرمانفرمای هندوستان به خلیج فارس

بسمه تبارک و تعالی شانه‌العزیز

روزنامجات آلمان مسافرت فرمانفرمای هندوستان را به خلیج فارس بیشتر از روزنامجات روس مطرح مذاکره ساخته، چه هزارگونه تعبیرات از برای جهت مسافرت و ملاحظات سیاسیهٔ آن تاکنون نموده‌اند. در حالی که دولت روس جهت مسافرت را فقط ازدیاد نفوذ تجارتی انگلیس در حدود جنوبی ایران می‌داند تا آنکه تلافی نفوذ تجارتی روسها در حدود شمالی شده باشد. روزنامجات آلمان از برای شبه‌جزیرهٔ عربستان که جزء خاک عثمانی است، احتمالات زیاد می‌دهند. چه این شبه‌جزیره به واسطهٔ وسعت زیاد خاکش و انقلاباتی که هر روزه در آنجا پیدا می‌شود، خیلی مورد طمع و مطمح نظر می‌گردد. خصوصاً به لحاظ اینکه رابطه و اتصالش به خاک عثمانی خیلی کم است دستورالعمل مسافرت فرمانفرما بیشتر راجع به بنادر و نقاطی است که از برای تهیه و استعداد و استحکامات نظامی مناسبت دارد لورد گورزن که از برای پیشرفت خیالاتش شغل روزنامه‌نگاری و سیاحی را قبول کرده، به چیزهای ایران میل طبیعی مفرطی دارد. و پس از آنجا که مراجعت کرد رساله آورده که در آن شرح رقابتی را که روس و انگلیس در آسیای مرکزی دارند خوب مسطور داشته و عمده مقاصد و کماکیف خیالات و زحماتشان را در آن مندرج ساخته و گویا بیشتر جهت مسافرتش این بوده که درجهٔ نفوذ روس را در ایران ملاحظه نموده در صدد تکافی و جلوگیری آن برآید بحرپیمایی در این سواحل که از زمان اسکندر کبیر تاکنون بدین ترتیب اتفاق نیفتاده، ظاهراً محض حفظ هیمنه و اقتدار دولت متبوعهٔ انگلیس می‌باشد و نیز محض تسهیل امورات تجارتی آن دولت است که تاکنون به واسطهٔ رقابت روسها پیشرفت و ترقی پیدا ننموده. از آنجایی که امپراطوری روس قانع به نفوذ از طرف خشکی نیست، به کمپانی‌های بحری و به

عمله و مأمورین کشتی های جنگی کمال همراهی را نموده تا آنکه مسافت طویلی را بپیمایند و راهی به نواحی ایران پیدا کنند. مقاصد مذکوره هر اندازه که اهمیت داشته باشد، مانع طرح ریزی و پیش بینی امر دیگر نمی شود چنانکه قراین کار گواهی بر این مطلب می دهد. مثلاً ضعف و سستی که این اوقات در کار عثمانی پیدا شده بر کسی پوشیده و مستور نیست که در عربستان، سلطان و خلافتش را امر موهومی می دانند چه، رقبایی که در آنجا دارد بیشتر محل وثوق و اعتماد علما و مجتهدین اسلام می باشد. امروز خاک عربستان از برای جماعت مسلمانان حکم ارض مقدس را پیدا نموده یعنی همان طوری که عیسویان عصر وَسَط به جهت تصرف ارض مقدس جهاد کرده و همان طوری که عیسویان امروز به زیارت ارض مقدس می روند، جماعت مسلمانان به ارض عربستان شوق و دلبستگی زیادی دارند و وثوق آنها نه فقط به واسطهٔ آثار محمدیه و نیکنامی ها و افتخارات اسلام است، بلکه به واسطهٔ ارادت قلبی و عقیدت مذهبی است که به مکّهٔ معظمه و به مدینهٔ طیبه دارند از آنجایی که دول مغرب زمین هر کدام کرورها رعیت مسلمان دارند و از آنجایی که هر کدام نفوذ خود را در جماعت مسلمانان بیشتر می دانند، شبه جزیرهٔ عربستان از هر جهت مطرح مذاکره خواهد شد و این مذاکرات نه فقط به واسطهٔ بنادر عدیده و معادن ذغال سنگی است که در آن حدود پیدا می شود، بلکه به واسطهٔ آن است که هر کدام از دول متبوعه حفظ اقتدار و نفوذ روحانی خود را در جذب قلوب جماعت مسلمانان هندوستان و الجزایر لازم می دانند. لورد گورزن که خیلی مایل به شئونات و جلال سلطنتی است به تجملات اهل شرق میل زیادی دارد. و در این اوان مترصد است که عازم بصره گردد و از آنجا به بغداد آمده جشنی بر پا کند که مایهٔ فراموشی آثار هارون الرشید گردد. خلاصه سرگذشت جناب لورد خیلی شباهت به سرگذشت الف لیله دارد. از برای اینکه لورد گورزن اجرای مقاصد خود را بنماید، اشکالات زیادی در پیش است ولی مع ذالک هنرمندی و تردستی او به اندازه ایست که سیاسی دانهایی که از اهمیت اراضی مذکوره بی خبر نیستند، همه سربلند نموده و اهمیت آن اراضی به واسطهٔ آن بود که سابقاً مهد تمدن بوده و امروزه مرکز ثروتها و آثار قدیمه است.

خبر تلگرافی از قسطنطنیه بیست و ششم نوامبر

باب عالی پس از یک ماه مسامحه جواب اظهارات دولتین اطریش و روس را در

خصوص تغییرات اوضاع مقدونیه داد اما جواب او چندان شافی و کافی نبود زیرا که دو مسئلهٔ اولیه[ای] را که یکی راجع به گماشتن دو نفر مباشر روسی و اطریشی در مقدونیه و دیگری فرمانفرمایی کل ادارهٔ نظمیه در عهدهٔ فرنگی ها بوده هنوز دولت عثمانی قبول ننموده است. ولی انتخاب مفتشین را در عهدهٔ دولتین روس و اطریش گذاشته و از قبول این امر مضایقه ننموده است عمده مقصود سلطان عثمانی این است که تغییرات مختلفه که در اوضاع حکومتی مقدونیه داده می شود، دست به ترکیب حقوق سلطنتی ایشان نزند.

آثار جوّی

در این اوقات در اروپا پاره‌سنگهای جوّی به زمین باریده، از جمله در یکی از عمارات پاریس پاره‌سنگی به وزن هفت لیور (معادل یک من و کسری) سقوط نموده است.

اختراع جدید

تاکنون به جهت ساختن بطری و شیشه‌آلات میلهای آهنی مجُوّفی به کار می بردند که پس از آنکه مادهٔ ذوب‌شده را از کوره بیرون می آوردند به واسطهٔ میلها و دمیدن باد از دهان، آن مادهٔ مذاب را بزرگ و مُجوّف نموده به اشکال مختلف شیشه‌آلات تشکیل می دادند، اطبا ملتفت شدند که شیشه‌سازی به این ترتیب و با این آلت آهنی، مورثِ بعضی امراض ریوی از قبیل سل می‌گردید. لهذا بتازگی اختراع ماشینی نموده‌اند که به واسطهٔ آن شیشه می سازند و عمله‌جات شیشه‌گرخانه را از خطر این گونه امراض مستخلص کرده‌اند. ترجمهٔ خانزاد [خانه‌زاد] سیدحسن خان کتبه‌الحقیر الفقیر رفیع نواده مرحوم نصیرالملک علی‌آبادی.

مسافرت لورد کورزن فرمانفرمای هندوستان به خلیج فارس

بسمه تبارک و تعالی شأنه العزیز

روزنامجات آلمان مسافرت فرمانفرمای هندوستان را به خلیج
فارس بیشتر از روزنامجات روس مطرح مذاکره ساخته هر گونه
تعبیرات از برای جهت مسافرت و ملاحظات سیاسیه آن تاکنون نموده اند
درحالیکه دولت روس جهت مسافرت را فقط ازدیاد نفوذ تجارتی انگلیس
در حدود جنوبی ایران میدانند تا آنکه تلافی نفوذ تجارتی روسها در حدود
شمالی شده باشد روزنامجات آلمان از برای شبه جزیره عربستان

که جزء خاک عثمانی است احتمالات زیاد میدهند چه این شبه جزیره بواسطه
وسعت زیاد خاکش و انقلاباتیکه هر روزه در آنجا پدید میشود خیلی
مورد طمع و مطمح نظر میگردد خصوصاً بلحاظ اینکه رابطه و اتصالش
بخاک عثمانی خیلی کم است دستورالعمل مسافرت فرمانفرما بیشتر
راجع به بنادر و نقاطی است که از برای تهیه و استعداد و استحکامات
نظامی مناسبت دارد لورد کورزن که از برای پیشرفت خیالاتش
شغل روزنامه نگاری و سیاحی را قبول کرده به چیزهای ایران میل طبیعی
مفرطی دارد و پس از آنجا که مراجعت کرده رساله آورده که در آن

شرح رقابتی را که روس و انگلیس در آسیای مرکزی دارند خوب مسطور
داشته و عمده مقاصد و کماکیف خیالات و زحماتشان را در آن مندرج
ساخته و گویا بیشتر جهت مسافرتش این بوده که درجه نفوذ روس را در ایران
ملاحظه نموده در صدد تکافی و جلوگیری آن برآید بحر پیمائی در این سوأل که از
زمان اسکندر کبیر تاکنون بدین ترتیب اتفاق نیفتاده ظاهراً محض حفظ
هیمنه و اقتدار دولت متبوعه انگلیس میباشد و نیز محض تسهیل امورات
تجارتی آن دولتست که تاکنون بواسطه رقابت سهارو پیشرفت و ترقی پیدا ننموده
از آنجائیکه امپراطوری روس قانع به نفوذ از طرف خشکی نیست یکمپانی پنهانی

بحری و به عمله و مامورین کشتیهای جنگی کمال همراهی را نموده تا آنکه
مسافت طویلی را به پیمایند و راهی به نواحی ایران پیدا کنند مقاصد مذکوره
هر اندازه که اهمیت داشته باشد مانع طرح ریزی و پیش بینی امر دیگر نمیشود
چنانکه قرائن کاملاً گواهی بر این مطلب میدهد مثلاً ضعف و سستی که این اوقات
در کار عثمانی پیدا شده بر کسی پوشیده و مستور نیست که در عربستان سلطان
و خلافتش را امر موهومی میدانند چه رقابتیکه در آنجا دارد بیشتر محل
وثوق و اعتماد علما و مجتهدین اسلام میباشد امروز خاک عربستان
از برای جماعت مسلمانان حکم ارض مقدس را پیدا نموده یعنی همانطوریکه

عیسویان عصر وسط بجهت تصرف ارض مقدس جهاد کرده و بهمانطور که
عیسویان امروز بزیارت ارض مقدس میروند جماعت مسلمانان بارض
عربستان شوق و دلبستگی زیادی دارند و وثوق آنها نه فقط بواسطهٔ
آثار محمدیه و نیکنامی‌ها و افتخارات اسلام است بلکه بواسطهٔ ارادت قلبی
و عقیدت مذهبی است که بمکهٔ معظمه و بمدینهٔ طیبه دارند از آنجائیکه دول
مغرب زمین هر کدام کرورها رعیت مسلمان دارند و از آنجائیکه هر کدام
نفوذ خود را در جماعت مسلمانان بیشتر میدانند شبه جزیره عربستان از
هر جهت مطرح مذاکره خواهد شد و این مذاکرات نه فقط بواسطه بنادر عدیده

(و معادن)

و معادن زغال سنگی است که در آن جدو پیدا میشود بلکه بواسطهٔ
آنستکه هر کدام از دول متبوعه حفظ اقتدار و نفوذ روحانی خود را
در جذب قلوب جماعت مسلمانان هندوستان و الجزایر لازم میدانند
لورد کورزن که خیلی مایل شئونات سلطنتی است به تجملات اهل شرق میل زیادی
دارد و در این اوان مترصد است که عازم بصره گردد و از آنجا به بغداد
آمده جشنی برپا کند که مایه فراموشی آثار هارون الرشید گردد
خلاصه سرگذشت جناب لورد خیلی شباهت بسرگذشت الف لیله دارد
از برای اینکه لورد کورزن اجرای مقاصد خود را بنماید اشکالات زیادی

و جلال ۲

در پیش است ولی معذالک هنرمندی و زبردستی او باندازه ایست

که سیاسیون انهائی که از اهمیت اراضی مذکوره بیخبر نیستند همه بسر بلند نموده

واهمیت آن اراضی بواسطه آن بود که سابقاً مهد تمدن بوده و امروزه

مرکز ثروت و آثار قدیمه است

خبر تلگرافی از قسطنطنیه بیست و ششم نوامبر :

باب عالی پس از یک ماه مسامحه جواب اظهارات دولتین اطریش

و روس را در خصوص تغییرات اوضاع مقدونیه داد اما جواب او

چندان شافی و کافی نبود زیرا که دو مسئله اولیه را که یکی راجع بگماشتن

دو نفر

دو نفر مباشر روسی و اطریشی در مقدونیه و دیگری فرمانفرمائی

کل اداره نظمیه در عهده فرنگیها بوده هنوز دولت عثمانی قبول

ننموده است ولی انتخاب مفتشین را در عهده دولتین روس

و اطریش گذاشته و از قبول این امر مضایقه ننموده است

عمده مقصود سلطان عثمانی این است که تغییرات مختلفه که در

اوضاع حکومتی مقدونیه داده میشود دست به ترکیب حقوق

سلطنتی ایشان نزند

آثار جوی

در این اوقات در اروپا پاره سنگهای جوی بزمین باریده از جمله در یکی

از عمارات پاریس پاره سنگی بوزن هفت لیور (معادل یکمن و کسری
سقوط نموده است)

اختراع جدید

تا کنون بجهت ساختن بطری و شیشه آلات میل های آهنی مجوفی
بکار میبردند که پس از آنکه مادّه ذوب شده را از کوره بیرون
می آوردند بواسطهٔ میل ها و دمیدن باد از دهان آن مادّه مذاب را
بزرگ و مجوّف نموده باشکال مختلفه شیشه آلات تشکیل میدادند اطبّا
ملتفت شدند که شیشه سازی باین ترتیب و با این آلت آهنی
مورث بعضی امراض ریوی از قبیل (سل) میگردید لهذا تازگی

اختراع

اختراع ماشینی نموده اند که بواسطه آن شیشه میسازند و عمله جات
شیشه گرخانه را از خطر اینگونه امراض مستخلص کرده اند

ترجمه خانزاد میرزا سید حسنخان

کتبه الحقیر الفقیر رفیع نواده
مرحوم نصیر الملک علی
آبادی

شمارهٔ سند: ۲۹۰
موضوع: تسویهٔ دعاوی سرحدیه
تاریخ: ۱۲ محرم ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۱

هو

قربانت شوم، از روزی که از جانب دولت جاوید آیت مأمورین برای تسویه دعاوی سرحدیه مأمورشده، هیچ گونه اطلاعی به بنده داده نشده. نمی دانم مأمورین کی ها هستند چه دستورالعمل دارند، در کجا می باشند، چه می‌کنند، تا اینکه این چند روزه تقریری یعنی مراسله رسمی از باب‌عالی رسید، نوشته بودند مأمورین عثمانی مدتی است در الباق جمع و منتظر مأمورین ایران هستند که حضور به‌هم نمی رسانند چون بودن مأمورین در کشمکش موجب تعطیل و تعویق کارها است. لهذا از سفارت خواهش کرده بودند تلغرافاً به مأمورین خودمان اطلاع بدهم که زودتر در محل مزبورحاضرشوند چون نمی توانستم به باب‌عالی بگویم که سفارت از مأمورین اطلاع ندارد و نمی داند کجا هستند، گفتم دور نیست، چون به جهت محل اجتماع کومسیون شما الباق را معین کرده‌اید و آنجا محل متنازع‌فیه است حضور مأمورین ایران برحسب دعوت مأمورین شما در محل متنازع‌فیه خالی از اشکال نیست. لهذا مأمورین ایران از حضور در آنجا ابا و امتناع می نمایند، جناب سعیدپاشا گفت حالا مسئلهٔ الباق را میان آوردن موجب عطلت مأمورین طرفین می شود خوب است این مسئله را عجالتاً مسکوت‌عنها بگذاریم برای اجتماع کومسیون محل دیگر معین بکنیم در بایزید یا جای دیگر اجتماع کنند، گفتم بسیار خوب من مراتب را خدمت اولیای دولت علیه تلغرافاً عرض کرده به شما جواب می نویسم. آن بود که تلغرافی معروض شد منتظر جوابم تا علت تأخیر مأمورین خودمان را فهمیده به باب‌عالی جواب بنویسم امیدوارم زودتر موانع را رفع فرموده مقرر دارند که کومسیون در محل لازم و مناسب اجتماع نموده به تسویهٔ کارها مشغول شوند. زیاده

عرضی ندارد.

محل مهر: ناظم الدوله

قربانت شوم

از روزی که از جانب جلالت [illegible] دو ماه است [illegible] مأمورین

[illegible] نوشته دعاوی سرحدیه با مأمورین هیچ‌گونه اطلاعی به بنده داده نشده نمی‌دانم مأمورین

کجا هستند چه دستورالعمل دارند در کجا نشسته چه می‌کنند تا اینکه نتیجه بروز

[illegible] یعنی مراسله رسمی از باب عالی رسیده نوشته‌اند که با مأمورین عثمانی همه حاضرند

در اطاق جمع و منتظر مأمورین ایران هستند که حضور بهم نمی‌رسانند چون

مأمورین در کشمکش موجب تعطیل و تعویق کارها است لهذا از سفارت

خواهش کرده‌اند [illegible] با مأمورین خودتان اطلاع بدهیم [illegible] حاضر

نشوند چون نمی‌توانستم به باب عالی بگویم سفارت از مأمورین اطلاعی ندارد و [illegible]

که [illegible] گفتم درست [illegible] چون تجربه [illegible] اجتماع کمیسیون

اطاق رسمی کرده‌اند و آنجا محل مشارٌالیه است حضور مأمورین ایران

موجب دعوت مأمورین شد در محل مشارٌالیه حالیه از استقلال [illegible]

لهذا مأمورین ایران از حضور در اینجا و از اقناع عثمانیه

جواب سعید پاشا گفت حال دستهٔ اتفاق را بالا

آوردن موجب عطلت مأمورین طرفین میشود خوب است

این مسئله را علی العجاله مسکوت عنها بگذاریم بعد از اجتماع

کمیسیون مهمی دیگر سعی بکنیم در باب زیر بناهای دیگر اجتماع

کنند گفتم بلی از جانب من مراتب را حضرت والای

دولت علیه ملتفت شده عرض کرده بودم جواب بنویسم آن وقت

نقرات مفصل مشروح منتظر جوابم تا جلسات آخر مأمورین

خیال را فهمیده بالاخره جواب بنویسیم انشاءالله تعالی

مرافعه را رفع و اصلاح مستقر دارند هر کمیسیون در مهام ملتفت

و مناسب اجتماع نمیکنند مشغول کار و مشغول شوند زیاده عرضی ندارد

۱۲ محرم ۱۲۶۱

شمارهٔ سند: ۲۹۱
موضوع: تسویهٔ امور عشایر سرحدی دولتین
تاریخ: ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجه عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول

هو

نمره: ۵۰

ترجمهٔ تقریر باب‌عالی به سفارت کبری

معلوم عالی سفارت پناهی است که در رأس حدود مابین عشایر عثمانی از قبیل طایفهٔ پیران و زوری و دنکمه‌دان و بوی‌آکین باعشایر دولت ایران از بابت منازعات و تجاوزات که واقع شده برای تسویهٔ امور آنها با ذات عالی سفارت پناهی قرار داده شد که بدون مداخله دول واسطه در آتیه از طرفین مأموری تعیین شود که تحقیقات مشترکه به عمل بیاورند از طرف حکومت سنیه از اردوی چهارم یک نفر از ارکان حرب منتخب و به محل معین مأمور شده و با ارادهٔ سنیه جناب تاجداری مراتب به حضرت سرعسکری با تذکرهٔ سامیه اظهار و اعلان گردید. و از طرف سفارت پناهی نیز به دولت متبوعهٔ خودتان در عزیمت یک نفر مأمور به محل معین و روانه شدن او را اطلاع بدهید و بدین‌وسیله حسنه تجدید تأمینات احترامیه خود را به سفارت پناهی بیان می‌نماید. ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۱۰ و ۱۹ ایلول ناظر خارجه (سعید)

[حاشیه:] هو، جناب امین‌السلطان، این همان تلگرافی بود که ولیعهد کرده بود که آجودان‌باشی را به لاهیجان مأمور کردم او رسیده ولی هنوز مأمورین عثمانی نرسیده و نیامده‌اند این بود که گفتم با سفارت عثمانی حرف بزنید حالا هم تلگراف مختصری بکنید که مأمورین ما رفته و آنجا رسیده‌اند مأمورین عثمانی هنوز نیامده‌اند.

ترجمه تقریر ... سفارت کبری بهیه(؟)

معلوم عالی سفارتهای بهیه است که در این چند ماه بین عشایر و رعایای ... از قسمت طالقانیه(؟)

ایران و ... و ... دولتین ... بین عشایر دولت ایران ...

منازعات و تجاوزات واقع شده که برای تسویه امور آنها با دادن(؟) عالی

سفارتهای فخیمه قرار داده شد که بدون مداخله دول واسطه در آتیه از طرف دولتین

مأمورین تعیین شوند که تحقیقات مشترکه بعمل آورند از طرف حکومت سنیه

اراده ... چهارم یک نفر از ارکان حرب منتخب و تعیین ... مأمور

شده و با اراده سنیه جناب ... مراتب ... سفارت ... باید که

سامیه اظهار و اعلان گردید و از طرف سفارتهای ... متبوعه

خودشان در عزیمت یکنفر مأمور تعیین ... روانه شدن او را التماس ...

و بدین وسیله خجسته تجدید تأمینات احترامیه خود را به سفارتهای فخیمه ... ۱۰ ... ۱۳۱۰

۱۹ ابریل ... نظارت خارجه (مهر)

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۹۲

موضوع: تسویهٔ تجاوزات عشایر سرحدی دولتین

تاریخ: ۱۵ ربیع الاول ۱۳۱۰ هـ.ق

کارتن: ۲۲

پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجه عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول

هو

ترجمهٔ تقریر باب‌عالی به سفارت کبری

در تاریخ دهم شهر ربیع الاول ۱۳۱۰ به موجب یک قطعه مذکره التماس رفته بود که در خصوص تسویهٔ تجاوزات و منازعاتی که فی‌مابین بعضی از عشایر طرفین که در حدود ساکن می‌باشند به وقوع می‌رسد به طریق استثنا و به شرط اینکه از برای آتیه سرمشق باشد و به دول متوسطه هم راه مداخله داده نشود تحقیقاتی به توسط مأمورین طرفین به عمل آید. مخصوصاً به جهت این کار موجب ارادهٔ سنیهٔ پادشاهی از جانب حکومت یک نفر ضابط از ارکان حرب اردوی چهارم منتخب و معین شده که به محل مزبور فرستاده شود از جانب دولت متبوعهٔ آن جناب جلالت‌مآب نیز مأموری معین گردد که عازم آنجا شود و به طرف وآلای سرعسکری هم اظهار شده است که مأموری که باید از اردوی همایون معین شود به لاهیجان باید عازم گردد و تحقیقاتی که به اشتراک اجرا خواهد شد عبارت از این خواهد بود که در میانهٔ عشایر مامیش و بلباس مصادمه که به وقوع رسیده است، کدام یکی سبب شده است و متجاوز و متعرض کدام بوده‌اند. خواهش دارم مأموری که از طرف دولت متبوعهٔ ایشان معین خواهد بود مقرر شود که به لاهیجان عزیمت نماید. فی ۱۵ ربیع الاول ۱۳۱۰

ترجمهٔ تقریر بابعالی بسفارت کبری

در تاریخ دهم شهر ربیع الثانی ۱۳۱۰ بموجب تعلیقه مذکوره التماس رفته بود در خصوص تسویه

تجاوزات و منازعاتیکه مابین بعضی از عشایر طرفین در حدود ساکن همیشه بوقوع میرسید

بطریق استحسان نموده و بشرط آنکه از بعضی آتیه پیشرفت نماید و بدول متوسطه هم راه داده

نشود تحقیقاتی بتوسط مأمورین مخصوصه قبول نموده آید مخصوصاً که اینکار بموجب اراده سنیه

پادشاهی از جانب حکومت سنیه ضابط از ارکان حرب اردوی همایون

منتخب و معین شده در حمیت مزبور فرستاده شود از جانب دولت متبوعه

آنجناب نیز مأموری معین کرده عازم آنجا شود و بطرف والای

سرعسکری هم اظهار شده است در مأموریکه باید از اردوی همایون معین شود

به بلد همدان باید عازم گردد و اتفاقاً تشکیل با اشتراک امور خمسه بند عبارت

از این خواهد بود در میانه عشایرها و ملکیهای متصادمه از وقوع

کدام یک سبب شده است و متجاوز و متعرض کدام یک بوده است خواهش

مأموری از طرف دولت متبوعه آن جناب معین خواهد بود متقرر شود

به بلد همدان عزیمت نماید فی ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۱۰

شمارهٔ سند: ۲۹۳
موضوع: تسویهٔ امور عشایر دولتین
تاریخ: ۲۰ ربیع الاول ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۳۶

هو

در باب فقرهٔ تجاوز عشایر عثمانی به خاک دولت علیه و وقوع منازعهٔ فی مابین آنها عرض کرده بودم در گفتگو می باشم که مأمور مخصوص بی غرض معین شده با مأمور ایران رفته متفقاً و مشترکاً تحقیقات لازمه به عمل آورده امورات آنها را تسویه نمایند. چون محتمل بود در این ضمن بعضی مسائل خاکی به میان بیاورند. لهذا مراسلهٔ رسمی از باب‌عالی گرفتم که ترجمهٔ آن لفاً فرستاده می شود در آنجا صریحاً نوشته اند تکلیف مأمورین طرفین رسیدگی به منازعات و تجاوزات واقعه فی مابین عشایر طرفین است در این صورت حالا گفتگوی دیگر به میان آوردن گویا صلاح نباشد اگر بالفرض هم مأمور عثمانی مسئلهٔ خاکی میان آورده بخواهد مذاکره نماید مأمور دولت علیه بگوید که در این باب مأموریتی و دستورالعملی ندارد، مأموریت او ففط به رسیدگی فقرهٔ منازعه و تجاوزات است و گمان ندارم مأمور عثمانی هم مسئلهٔ دیگر ایجاد نماید ولکن دولت عثمانی به قرار مراسله[ای] که نوشته لاهیجان را که محل وقوع حادثه است، محل اجتماع مأمورین می خواهد قرار دهد لهذا تلغراف کردم اگر محل مزبور مناسب نیست، جای دیگر تعیین فرموده اطلاع بدهند که مأمورین در آنجا اجتماع کرده به اجرای تکالیف و مأموریت خودشان مشغول باشند. منتظر وصول جواب است همین که از منظور اولیای دولت علیه اطلاع به هم رساند اقدامات لازمه در این باب خواهد نمود زیاده عرضی ندارد. ۲۰ شهر ربیع الاول ۱۳۱۰

محل مهر: ناظم الدوله

نمره ۳۵ در باب فقره تجاوز عشایر عثمانی به خاک دولت علیه و وقوع

منازعه فیمابین آنها عرض کرده بودم در گفتگو ملاقاتی که با مستر ... سفیر

... شد با مأمور ایران رفته متفقاً و مشترکاً اقدامات لازمه بعمل آورده

امورات آنها را تسویه نمایند چون محقق بود در انقضای بعضی مسائل حاکی

بجای ... لهذا مراسله رسمی از بابعالی گرفتم و ترجمه آن لفاً و ساکه

منفذ در اینجا صریحاً نوشته اند که تعقیب مأمورین طرفین رسیدگی به منازعات

و تجاوزات واقعه فیمابین عشایر طرفین است در این صورت حالا که دیگری

دیگر بجای آوردن کار صلاح نباشد اگر بالفرض هم مأمورین عثمانی مشغله

... که بجای آوردن نخواهد نیز اگر ه نماید مأمور دولت علیه تکدر

در این باب مأمورین ... مجموع دارند مأمورین ... او فقط رسیدگی

فقره منازعه و تجاوزات است رحمان ... مأمورین عثمانی هم مشغله

... نماید ولکن دولت عثمانی تقریر مراسله نوشته ایلچی ...

مهم وقوع حادثه است مهم اجتماع مأمورین میخواهد قرار ده

لهذا تلغراف کردم اگر مهدی میرزا مناسب نیست
جای دیگر معین فرموده اطلاع بدهید تا مومی الیه در آنجا
اجتماع کرده اجرای تکالیف را بصورت خودشان مشغول باشند
منتظر وصول جواب است حقیقته از مسطوره رای دولت علیه
اطلاع بهم رسانید اقدامات لازمه در این باب کرده شود
زیاده عرضی ندارد ۲۰ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۱

شمارهٔ سند: ۲۹٤
موضوع: دستورالعمل کمیسیون ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

مسودهٔ دستورالعمل قومسیون مختلط و مشترکی است که در سرحدات ممالک محروسهٔ دولتین علیتین ایران و عثمانی منعقد خواهد شد.

فصل اول: برای قطع و فصل و **تحقیق** هر نوع دعاوی و منازعاتی که در حدود ممالک متصلهٔ دولت علیه ایران به ایالتِ جلیلهٔ بغداد و ارزروم اتفاق می افتد، یک قومسیون دایمی مرکب از دو نفر اجزا که هر یک از طرف یک دولت معین شده باشند، تشکیل خواهد شد.

فصل دویم: اگرچه مرکز این قومسیون در حدود مذکورهٔ فوق در یک محل مناسبی مقرر و معین خواهد شد، لکن برای تحقیق مواد مهمه در محل وقوع آن مواد قومسیون مزبور حسب الاقتضاء متحرک خواهد بود.

فصل سیم: قومسیون مزبور مصالح مهمهٔ راجعه به دولتین را تحقیق کرده صورت تحقیق را با هر چیزی که برای اصلاح آن ماده برای خودشان مناسب دانسته باشند با مضبطه مشترکی نوشته به دولت متبوعهٔ خود تقدیم خواهد نمود و لازم نیست که این گونه مواد دایماً از جانب دولتین حواله شود بلکه خود قومسیون نیز فقط به اجرای تحقیقات لازمهٔ مأذون خواهد بود تا صورت تحقیقات به اولیای دولتین معلوم شده قرار اجرای مواد لازمه داده شود.

فصل چهارم: برای انجام دادن دعاوی تبعهٔ طرفین یعنی دعاوی متعلقه به افراد اهالی کسانی که کاری و رجوعی دارند بلاواسطه به قومسیون مراجعه خواهند نمود و قومسیون هم حتی الامکان رسیدگی و قطع و فصل خواهد کرد.

فصل پنجم: در صورت وقوع اختلاف آرای فی مابین اجزای قومسیون اگر آن مسئله مختلفه‌فیها از مواد مهمه و متعلقهٔ به دولتین باشد طرفین رأی واقعی خود را با دلایل و موجبات آن با مضبطه مشترکه به دولتهای خودشان عرض و اظهار خواهند کرد و اگر امر

جزیی و متعلق به افراد بوده باشد به واسطهٔ شخص ثالثی که حَکَم باشد، به قطع و فصل دعوی بپردازند.

فصل ششم: این شخص ثالث معتمد و منتخب طرفین باید باشد و اگر در انتخاب آن اتفاق حاصل نشود، هر یک یکی را انتخاب کرده به اسم آنها قرعه بکشند و به اسم هر کدام برآمد، به قبول او مجبور باشند. و مقرر است که آن شخص ثالث باید یکی از دو رأی مأمورین قومسیون را انتخاب نماید نه اینکه رأی دیگری از خود اظهار کند.

فصل هفتم: خواه برای تحقیق و انجام مواد متعلقه به دولتین و خواه متعلق به افراد تبعه، کسانی را که از تبعهٔ دولتین لازم خواهد شد قومسیون بدون تأخیر احضار خواهد نمود و در این باب از جانب دولتین احکام لازمه به حکام و مأمورین خود صادر خواهد شد.

فصل هشتم: حکم و قراری که در حق افراد تبعه صادر می‌شود قومسیون خودش همان ساعت باید اجرا نماید و اگر ممکن نشود به توسط حکومت محلیه، آن حکم را در حق مقصرین جاری خواهد کرد.

فصل نهم: اگر در باب جنحه و حنایات مثل قاتل و سارق به خیال استخلاص از جزای تقصیری که کرده‌اند از ممالک دولتین به یکدیگر فرار نمایند ابدا از طرفین تصاحب نکرده به قومسیون تسلیم خواهد شد و چنانچه به توسط قومسیون در آنجا محاکمه‌اش انجام نپذیرد، به محل وقوع جنایت فرستاده خواهد شد.

فصل دهم: قومیسیون همیشه به امنیت و آسایش سرحدات هم مواظبت کرده و در گرفتن جلو کارهای ناشایسته و بعد از وقوع در رفع و اصلاح آنها اسباب لازمه فراهم خواهد آورد.

سلسله دوستی بین دولتین محکم [illegible] است که [illegible] ایران [illegible] خواهند شد

فصل اول

برای قطع و فصل [illegible] دعاوی [illegible] ایران [illegible]
[illegible] خواهند شد

فصل دویم

اگر بعد از این دولتین [illegible]
[illegible] خواهد بود

فصل سیم

دولتین [illegible]
[illegible]

فصل چهارم

برای [illegible] دولتین [illegible]
[illegible] خواهد کرد

فصل پنجم

در صورت وقوع [illegible] دولتین [illegible]
[illegible]

فصل ششم

[illegible]
[illegible]

فصل هفتم

[illegible] دولتین [illegible]
دولتین [illegible] خواهند شد

فصل هشتم

[illegible] دولتین [illegible] خواهد شد

فصل نهم

[illegible] دولتین [illegible]
[illegible] خواهند شد

فصل دهم

دولتین [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۹۵
موضوع: محل اقامت کمیسیون ایران وعثمانی
تاریخ: ۱۱ کانون اول ۱۳۰۹ (مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ هـ.ق)
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ رئیس کومیسیون عثمانی به رئیس کومیسیون ایران

ترجمه:

برحسب اشعار سابق از آمدن اعضای هیئت محترمهٔ ذات‌عالی به قزلدیزج چنین استدلال و استنباط گردید که ذات‌عالی نیز به قریهٔ مذکوره که محل اجتماع قومیسیون است خواهید آمد و منتظر بودم مضامین محررات علیهٔ مورخهٔ ۲۹ جمادی‌الاولی و ۳ جمادی‌الاخر ذات‌عالی که متعاقب همدیگر واصل ایادی اعزاز گردید خلاف مأمول ظهور نموده است. چون که در رأس حدود محلی که برای اقامت هیئت کومیسیون دولت علیه عثمانیه دسترس باشد، نیست و علاوه بر این کوهها با برف مستور است و قریهٔ کلبران که در مراسلهٔ ذات‌عالی بیان شده است، در یک محل کنار از راه واقع است و حال آنکه قرار بدو و شروع مسئلهٔ حیدرانلو در بایزید از جملهٔ مقررات کومیسیون بوده و امری که این قرار را تغییر بدهد شرف ظهور نیافته و در قومیسیون هم قرار دیگری داده نشده است بنابراین، عدم اصرار ذات‌عالی در نقل قومیسیون به قریهٔ کلبران از مسلمیات بوده و مصالح عایده به قومیسیون که متجاوز از یک سال است در حیطهٔ تذبذب و کشمکش مانده است بعد از این هم تأخیر آن منتج مسئولیت هر دو هیئت در نزد اولیای دولت خودشان خواهد بود. به موجب ودّ و مصافاتی که فی مابین دولتین علیتین اسلام برقرار است، تا به حال از طرف ما کمال موافقت در محافظهٔ حقوق تبعهٔ طرفین شده و با نهایت حقانیت از جان و دل ساعی بوده. در صورتی که قزل دیزج به حدود نزدیک است بنا به عدم رغبت ذات‌عالی به عزیمت اینجا هیئت کومیسیون دولت علیه عثمانیه بعد از این نیز در آرزوی ارائهٔ تسهیلات بوده محض باقی نماندن محل برای مخابرات طولانی و قطع این بهانه و سهولت در جلب عشایر هیئت قومیسیون عثمانی به قریهٔ تپه‌ریز که در جوار باخیه اباقه واقع است، نقل و عزیمت ذات‌عالی را نیز به قریهٔ مذکوره یا به قریه پیله‌صور که

نزدیک تپه‌ریز است و موافقت ذات عالی در انعقاد مجلس قومسیون روزی در تپه‌ریز و روز دیگر در پیله‌صور متمنی بوده و در این خصوص به وصول جواب قطعی ذات‌عالی منتظرم.

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

سعادتلو افندم حضرتلری

مسبوق اشعار اوزرینه هیئت محترمه‌لری اعضاسنك قزیلدیزه‌یه کلمش
اولملریندن استدلال و استنباط اولندیغنه کوره ذوات عالیلرینك دخی
قومیسیونك نقطهٔ اجتماعی اولان قزل دیزه‌یه مواصلتلرینه انتظار اولنمقده ایکن
بر برینی متعاقب واصل اولان ذی اعزاز اوراقدن ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۲۱ و ۳ جمادی الآخره
تاریخلو محررات علیه‌لری مضامیننده خلاف مأمول ظهور ایتمشدر چونکه حدوده
اقامته الویرشلی محل بولنمدیغی کبی طاغلر قارلر ایله مستور و بیابان بولندیغندن
کلبران قریه‌سی بیابان و صاپه بر محلده کائن بولنمشدر حالبوکه حیدرانلو
مسئله‌سنه اول باول بایزیدده قرار ویرلمسی قومیسیونك جمله مقرراتندن
اولوب بو قراری تغییر ایده‌جك نه بر امر قطعی ظهور ایتمش و نه‌ده قومیسیونجه
دیکر بر قرار ویرلمشدر بناءً علیه قومیسیونك مذکور کلبران قریه‌سنه نقلی
خصوصنده اصرار بیورلمه‌سی مسلمیاتدن و برسنه‌دنبرو بو یولده حالا
تذبذب و کشمکشده براغلمش اولان قومیسیونه عائد مصالحك بو دفعه ده
تأخره براغلمسی یا اذخره هر ایکی هیئتك دولتلرینه مسئول طوتلملرینی منتج
اوله‌جغی مستغنی بیان ایدلمسنه و دولتین علیتین میاننده موجود اولان وداد و صفانك
ایجابنجه سمت[illegible] طرفیندن کمال موفقیتله تبعهٔ طرفینك حقوق حقانیتنه
توفیقاً محافظه‌سنه ارزجان و دل حاضر بولنمقده بولندیغی کبی قزل دیزه موقعی
حدوده قریب بر محل ایکن بورایه عزیمته رغبت بیورلمامسنه قارشو طوائف
موادعه‌نك سرعت تسویه‌سی ضمننده هیئتمز بعد ما دخی اراده‌سنی تسهیلاتدن
کیرو طورمامق امر و حالصنده بولنمسنه مبنی بو بابده اوزردن اوزره
مخابره‌یه محل قالمامش و بو مخابره‌یی دخی قطع ایتمك و شایرلر جلبنجه بر فائده‌ها
سهولتی موجب اولمق اوزره هیئتمزده‌ها ایلروده کائن واتقا ناحیه‌سنه حرکت

دیمك اولان پته مزه قریه سنه نقل ایدلجكندن ذات عالیلرینك دخی
قریهٔ مذكوره یه ویاخود اورایه جوار بیله صوق قریه سنه عزیمت بیورمه لری
ویركون پته مزه ویركون بیله صوقده انعقاد قومیسیون ایچون موافقت بیوریلمه لری
امیدنده بولندیغمی بیان وافاده واولبابده جواب قطعی عالیلرینه انتظار
ایلرم اولبابده اراده افندم حضرتلرینكدر فی ١٩ كانون اول ١٣٠٩

رئیس قومیسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۲۹۶
موضوع: کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی در آذربایجان
تاریخ: ۲۵ جمادی‌الاخر ۱۳۱۱ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

یادداشت حاجی محمود پاشای صدیق الدوله حاکم ماکو در یارم‌قیه

مأمور عثمانی می نویسد پیله‌صور ایران

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

از قرار اظهار سفارت کبرای دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول به ذات‌عالی حکم تلگرافی از صدارت عظمای دولت علیه عثمانیه فرموده‌اند که به جمیع دعاوی راجعه به عشایر دولتین علیتین ایران و عثمانی در مجلس کومیسیون که به رعایت رَسم مألوف و تسهیل و تسریع تسویهٔ دعاوی تبعهٔ طرفین در رأس حدود در محل متساوی المسافه ان‌شاءالله تعالی تشکیل خواهد یافت، بدقت و بیطرفانه وارسی و به حقانیت متساویاً یعنی یک فقره از دعاوی تبعهٔ دولت علیهٔ ایران و یک فقره از دعاوی تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه تسویه شود. در ضمن مراسلات اخلاص شعار به استحضار خاطر مودت مظاهر سامی رسانید که برای تشکیل مجلس کومیسیون خاصه در این موسم از قریهٔ بازرگان ماکو و قریهٔ کلبران بایزید انسب جایی به نظر بیطرفانهٔ ارادتمند نمی آید اگر رأی سامی هم تصویب استصواب مخلص را می نماید، ان‌شاءالله زودتر تشریف بیاورید که به مبارکی و میمنت متفقاً و متعاضداً شروع به تحقیق و تسویهٔ دعاوی تبعهٔ طرفین بشود. والا طور دیگر که به جهت تحصیل مقصود و انجام خدمت دولتین اسلامیتین بهتر باشد به نظر بیاورند معجلاً به ارادتمند اطلاع بدهند تاکنون جوابی در این باب از ذات‌عالی شرف وصول نبخشید و معلوم نشد که در اقامت قزلدیزج که از سرحد ماکو دور و احضار مدعی و مظنون از تبعهٔ دولت متبوعهٔ معظمه ارادتمند علی الخصوص در این زمستان سخت به آنجا قریب المحال است چه مصلحتی اندیشیده‌اند با کمال توقیر و احترام از التفات سامی متوقع ترقیم جواب و کشف مافی الضمیر در باب محل تشکیل کومیسیون و اجتماع

هیئتین می باشد. و امیدوار است که ان‌شاءالله تعالی به ملاحظهٔ جواب این مراسله از تعیین تکلیف قرین امتنان آید. مورخهٔ ۲۵ شهر جمادی‌الاخر ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: اعتمادالوزاره

[پی‌نوشت:] سواد پنج طغری مراسله که با کمیسیون دولت عثمانی مخابره شده مطابق اصل است.

محل مهر: معصوم‌الانصاری

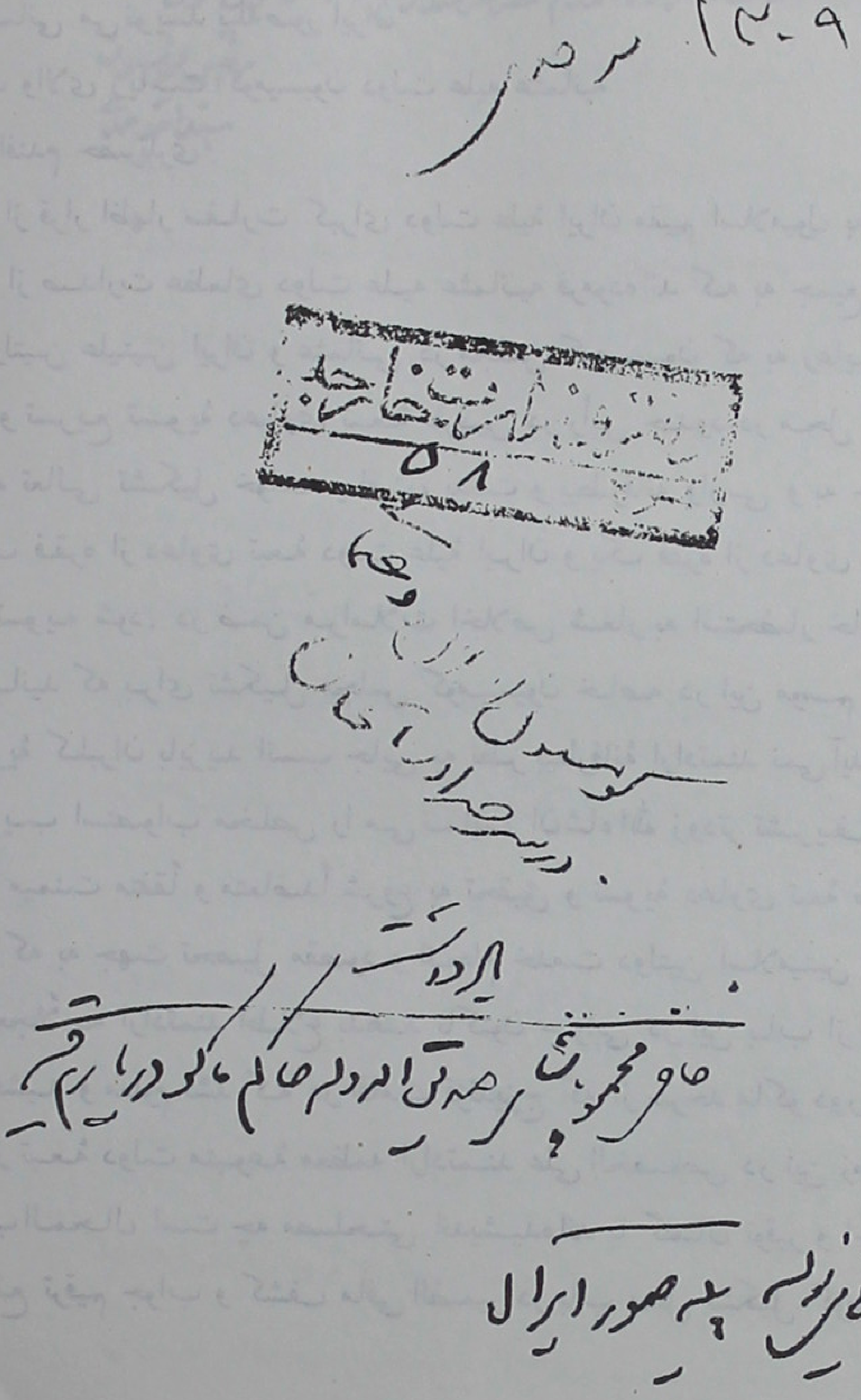

بجواب و ... ریاست کومیسیون دولتعلیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

از قرار اظهار سفارت کبرای دولتعلیه ایران مقیم اسلامبول به اولیای حکم ملکرانه از صدارت عظمای
دولت علیه عثمانیه فرموده اند که جمیع دعاوی راجعه به دولتین علیتین ایران و عثمانی
در مجلس کومیسیون که بر عادت رسم مألوف و بتعیین و بترتیب تسویه دعاوی تبعه طرفین در سرحد
در محل مسمی آنجناب جلالتمآب عالی تشکیل خواهد یافت بدقت و بیطرفانه وارسی و محاکمه
شده یعنی یک فقره از دعاوی تبعه دولت علیه ایران و یک فقره از دعاوی تبعه
دولتعلیه عثمانیه تسویه شود در ضمن مراسلات اخلاص شعار مستحضر خاطر مودت مظاهر
سامی رسانیده که برای تشکیل مجلس کومیسیون خاصه در این موسم از قریه بازرگان ماکو
و قریه کلیران بایزید انسب جائی بنظر بیطرفانه اراده شده مرآتیه کلوازی سامی هم
تصویب استصواب مخلص را بنمایند تا انشاءالله در ورود تشریف بیاورید به مبارکی و میمنت
منعقد و متعاقباً شروع بتحقیق و تسویه دعاوی تبعه طرفین بشود و این طور که فیما بین مقصود
و انجام خدمت دولتین اسعدیتین بهترین نظر بیاورند منجلاً ارادشه الطبیعی.
تاکنون جوابی در اینباب از ذات عالی شرف وصول نبخشیده و معلوم نشده در
اقامت قرلدیز چه از سرحد ماکو در ... احضار مدعی و مظنون از تبعه دولت متبوعه
معظمه اراده شده علی الخصوص در این زمستان سخت بجای قریب المحال است
چه مصلحت اندیشیده اند با کمال توقیر و احترام از التفات سامی متوقع رقیم
جواب و کشف ما فی الضمیر در باب محل تشکیل کومیسیون و اجتماع اهیتین ما بین
و آسیه و ارادت ... انشاءالله تعالی بملاحظه جواب این مراسله از تعیین تکلیف قرین
امتنان آید مورخه شب پنجم شهر جمادی الآخره ١٣١١

رئیس کومیسیون دولتعلیه ایران
اعتمادالوزاره

شمارهٔ سند: ۲۹۷
موضوع: کمیسیون سرحدی عشایر دولتین ایران و عثمانی
تاریخ: ۵ رجب ۱۳۱۱ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

جواب به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ ۱۹ کانون اول ۱۳۰۹ ذات‌عالی واصل ایادی اعزاز گردید و از فقرات مندرجه آن مستحضر و قرین کمال تأسف آمد. چرا که بعد از یک سال و نیم اقامت کومیسیون دولت علیهٔ ایران با تحمل صدمات روحانیه و جسمانیه در بایزید و قزلدیزج و موافقت اختیاری در نهایت درجه با کومیسیون محترم دولت علیه عثمانیه باز سامی تأخیر تسویهٔ دعاوی تبعه و عشایر دولتین علیتین ایران و عثمانی را عطف به کومیسیون دولت متبوعهٔ معظمهٔ دوستدار می فرمایید اگر مقصود کومیسیون دولت علیه ایران با کمال مجاهدت و معاضدت تسویهٔ دعاوی تبعهٔ طرفین نمی بود به چه ملاحظه متحمل زحمات اقامت بایزید و قزل دیزج در این مدت می بود. و اینکه مرقوم فرموده‌اید قرار قطع و فصل مسئلهٔ حیدرانلو و جلالی در بایزید از جملهٔ مقررات کومیسیون است اگر کومیسیون چنین قراری به شرط داده بود به آن شرط نیز از طرف کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه وفا نشده و صدق این معنی از ملاحظهٔ مراسلات رسمانهٔ سامی مشهود است، پس به هیچ وجه من الوجوه از روزی که شرف ملاقات دست داده هیچ گونه علایم ضدیت و مخالفت از طرف کومیسیون دولت علیه ایران ظاهر نشده و باز ان شاء الله تعالی نخواهد شد. در باب تشکیل کومیسیون در تپه ریز و بیله صور هم مضایقه از قبول خواهش سامی نمی رفت. اگر راه جلالی ها تا آنجا اقلا چهارده فرسنگ دور نمی شد فی الواقع اگر تسویهٔ منازعات عشیرتین جلالی و حیدرانلو حتماً باید مقدم به تصفیهٔ سایر دعاوی باشد التفات فرموده به کلبران تشریف بیاورید که اینجا چنانکه در ضمن مراسلات سابقه معلوم خاطرخلت مظاهر سامی نموده است واقعاً به جهت تشکیل مجلس بسیار مناسبتر است و چنانچه به اطلاع سامی رسانده‌اند کلبران از راه و سرحد دور نیست به سرحد ماکو بسیار نزدیک و

به این قریهٔ بازرگان که بنده نشسته و با کمال ناشکیبایی منتظرم قدوه‌محمدت لزوم ذات‌عالی است، یک ساعت کمتر فاصله دارد. ده آبادی است که پنجاه خانوار سکنه و جای نشیمن برای کومیسیون محترم دولت علیه عثمانیه دارد. چند سال قبل که به این آبادی هم نبوده است مرحوم حاجی محمود پاشای صدیق الدوله حاکم ماکو در قریهٔ یارم‌قیه و علی کامل پاشا متصرف بایزید در قریهٔ کلبران با جمعیت زیاد متوقف و تسویه دعاوی رعایای طرفین را نموده‌اند البته حالا اقامت هیئتین در قریتین مزبورتین با کمال خوبی ممکن خواهد بود. معهذا اگر ذات‌عالی در تشریف آوردن این سمت محذوری به نظر بیاورند و آن محذور در نظر بیغرضانهٔ بنده مصدق باشد و مقامی بهتر از این برای تشکیل کومیسیون ارائه فرمایند بدون هیچ تأملی موافقت خواهد نمود. ان‌شاءالله تعالی منتظر جواب است. فی پنجم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران اعتمادالوزاره

جواب جناب والدی ریاست کمیسیون تبعهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ ۱۹ کانون اول ۱۳۹ از ذات عالی واصل و از مفاد آن اعزاز گردید و از فقرات آن
مستحضر و قرین کمال تأسف آمد چرا که بنده ابراز میل و اقامت کمیسیون دولت علیهٔ ایران
با تحمل صدمات روحانیه و جسمانیه در بایزید و قزلدزج و موافقت اختیاری در نهایت
درجه با کمیسیون محترم دولت علیهٔ عثمانیه بازرسی تأخیر تسویهٔ دعاوی تبعه و عشایر دو دولتین
علیتین ایران و عثمانی را عطف بکمیسیون دولت متبوعهٔ معظمهٔ خود دانسته از مضر بنده اگر
مقصود کمیسیون دولت علیهٔ ایران با کمال مجاهدت و مساعدت تسویهٔ دعاوی تبعهٔ
طرفین نمیبود به چه ملاحظه متحمل زحمات اقامت بایزید و قزل‌دزج در ایام زمستان میبود؟
دانسته مرقوم فرموده‌اید قرار قطع و فصل مسئلهٔ حیدرانلو و جلالی در بایزید از جملهٔ تقررات
کمیسیون است لکن کمیسیون چنین قراری بشرط داده بود با شرط نیز از طرف
کمیسیون دولت علیهٔ عثمانیه وفا نشد و صدق این عرض از ملاحظهٔ مراسلات رسمی
سامی مشهود است پس به هیچ وجه من الوجوه از روزی به شرف ملاقات دست داده
هیچگونه عدم ضدیت و مخالفت از طرف کمیسیون دولت علیهٔ ایران ظاهر نشده

و باز ان‌شاء‌الله تعالی نخواهش در باب تشکیل کمیسیون در تبریز وسیله صورتم
مضایقه از قبول خواهش سامی نفرمود اگر راه جلدلیها تا آنجا که قریب چهارده فرسنگ
در بنشیند فی الواقع اگر تشویش از غارت عشایر جلالی و حیدرانلو حتماً باید بقدوم
بتصفیه سرحدی رجا می‌کنم التفات فرموده بکلبران تشریف بیاورید اینجا.
چنانکه در ضمن مراسلات سابقه معلوم خاطر شریف مظاهر سامی نموده است
واقعاً بجهت تشکیل مجلس بسیار مناسب‌تر است و چنانچه بالطبع سامی رسیده است
کلبران از راه و سرحد دور نیست سرحد ماکو بسیار نزدیک و پای قریه بازرگان
که بنده نشسته و با کمال ناشکیبائی منتظر قدوم مبارک هستم لزوم ذات عالی است یکساعت
کمتر فاصله دارد ده آبادی است پنجاه خانوار سکنه و جای نشستن برای کمیسیون
محترم دولت علیه عثمانیه دارد چند سال قبل از این آبادی هم بوده است
مرحوم حاجی محمود پاشای صدیق الدوله حاکم ماکو در قریه یارم قیه دو سه کاهی باش
متصرف بایزید در قریه کلبران با جمعیت زیاد توقف و تویه های عساکر عثمانی
نموده‌اند البته حالا اقامت الیتین در قریتین مزبورتین با کمال خوبی ممکن خواهد بود.
متعهداً اگر ذات عالی در تشریف آوردن این سمت محذوری منظور ساخته و حال محذور
در نظر سفیرخانه بنده مصدق شده و مقامی بهتر از این برای تشکیل کمیسیون ارائه فرمایند
بدون هیچ تأمل موافقت خواهم نمود ان شاء الله تعالی منتظر جواب است

٤ پنجم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۱

رئیس کمیسیون متعلقه ایران

اعتلاء الوزاره

شمارهٔ سند: ۲۹۸
موضوع: کمیسیون سرحدی عشایر ایران و عثمانی
تاریخ: ٦ رجب ۱۳۱۱ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

پس از حصول استحضار از مضمون مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ بیست و ششم کانون اول ۱۳۰۹ ذات‌عالی با کمال تعجیل به ایراد جواب مبادرت و با نهایت توقیر و احترام به مقام استفسار می آید که مقصود ذات‌عالی از تشکیل مجلس کومیسیون روزی در قریهٔ تپه‌ریز عثمانی و روز دیگر در پیله‌صور ایران چه چیز است. اگر استنطاق دعاوی تبعه و عشایر دولتین علیتین ایران و عثمانی سکّان بایزید و اواجق و من‌تبع آنها است، که ارادتمند بدون افاتهٔ وقت ان‌شاءالله تعالی فیض ملاقات سامی را دریابد. و اگر موافق قرارداد سفارت کبرای دولت متبوعهٔ محترمه اخلاص شعار مقیم اسلامبول و نظارت خارجهٔ دولت علیه عثمانیه مجدداً استنطاق دعاوی عشیرتین جلالی و حیدرانلو است، از خود ذات‌عالی انصاف می خواهد در این فصل زمستان چگونه به جلالی ها عدلاً می توان به آمدن پیله‌صور از آق کل که قشلاق آنها و چهارده فرسخ مسافه دارد تکلیف نمود. در صورتی که هیئتین تقدّم تسویهٔ دعاوی عشیرتین مزبورتین را به تصفیهٔ دعاوی تبعه و عشایر سایرهٔ دولتین اسلامیتین واجب شمارند در رأس حدود جایی که برای تشکیل مجلس کومیسیون از قریتین بازرگان و کلبران انسب و متساوی‌المسافه باشد معین و به عون‌الله تعالی هرچه زودتر اقدام به ادای وظایف این مأموریت میمونه بشود. فی ششم شهر رجب ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: اعتمادالوزاره

بجانب والای نایب کمیسیون سرحدیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

پس از حصول استحضار از مضمون مراسله جوابیه مورخه بیست و ششم کانون اول ۱۳۰۹ آن ذات عالی
با کمال مسرت بایراد جواب مبادرت و با نهایت توقیر و احترام بمقام اشعار برآمد
که مقصود ذات عالی از تشکیل مجلس کمیسیون روزی در قریه تپه ریز عثمانی و روز دیگر در
بیله صوار ایران چه چیز است اگر استنطاق دعاوی تبعه و عشایر دولتین علیتین ایران
و عثمانیه سکنه بایزید و اواجق و تمام نقاط آنها است که اراده میشود بدون اضاعهٔ
وقت انشاءالله تعالی فیصل مذاکرات سامی را دریابد و اگر مراد فقره قرارداد سفارت
کبرای دولت متبوعه محترمه اینجانب مقیم اسلامبول و نظارت خارجه دولت علیه عثمانیه بجهت
استنطاق دعاوی عشیرتین جلالی و حیدرانلو است از خود ذات عالی انصاف میخواهم در
این فصل زمستان چگونه بجهت اهالی عدیده میتوان تا آمدن بیله صوار از اوقات گذرانید

قشلاق آنها و چهارده فرسخ مسافه دارد تکلیف نمود در صورتیکه هیئتین
تقدم تسویه دعاوی عشیرتین مزبورتین را بتعجیل دعاوی تبعه و عشایر سایره دولتین
اسلامیتین واجب شمارند در راس حدود جائیکه برای تشکیل مجلس کمیسیون از
طرفین بازرگان و کلیسا کندی مناسب و متساوی الطرفین معین و بعون الله تعالی هرچه
زودتر اقدام باداء وظایف این مأموریت مهمه نشود ششم شهر رجب ۱۳۱۱

رئیس کمیسیون سرحدیه ایران

اعتلاءالملک زاده

شمارهٔ سند: ۲۹۹

موضوع: کمیسیون سرحدی عشایر ایران و عثمانی

تاریخ: ۳ کانون ثانی ۱۳۰۹ (مطابق ۸ رجب ۱۳۱۱ هـ.ق)

کارتن: ۲۱

پرونده: ۵/ح

نامهٔ رئیس هیئت کومیسیون عثمانی به رئیس هیئت کومیسیون ایران

ترجمه:

تحریرات جوابیه مورخهٔ پنجم رجب ذات‌تعالی مطالعه‌گزار مخلص گردید. تأخرات قومسیون در ظرف این یک سال و نیم که از کدام طرف بوده است با اوراق و مراسلات موجوده یک کیفیت معلومی است و به تکرار آن لزوم نمی‌بینم. اکنون قریب یک ماه نیم است که در خصوص معاملات قومیسیون اوامر علیه شرف ورود یافته و از طرف قومسیون دولت علیه عثمانیه هرگونه ارائهٔ تسهیلات می‌شود کار باز به مخابرات و تعلّلات انداخته می‌شود. قریهٔ کلبران نهایت در مسافت شش هفت ساعت به قریهٔ تپه‌ریز واقع و بنا بر اِشعار ذات‌عالی چهارده ساعت فرض شده و نه ساعت، مسافت که از اباقه به تپه‌ریز است اگر علاوه بشود گفته می‌شود که حیدرانلو بیست چهار ساعت مسافت قطع نموده نزد جلالی‌ها بیایند. در این صورت عدم حصولِ معاملهٔ متقابله و متساویه در کار است. و اهالی قریتین پیله‌سور و تپه‌ریز به جلالی منسوب نبوده درمحل وسطی واقع است و اقامت قومسیون در چنین محلی که بیطرف و متوسط است از واجبات امور است. در ضمن تسویهٔ امورات که مقصود دولتین علیتین است نهایت اگر پنج روز دیگر تشریف نفرمایند مجبوریت خود را به عرض کیفیت به مراجع عالیه خود با کمال اخلاص و تأسف بیان می‌نمایم. فی ۸ رجب ۱۳۱۱ و ۳ کانون ثانی ۱۳۰۹

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولت علیه‌سی قرنتینه ریاستی جانب والاسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

فی ۵ رجب سنه ۱۳۱۱ تاریخلی تحریرات جوابیهٔ والالری مطالعه کذار مخلصی
اولدی قرنتینه‌نك بر بچق سنه‌دنبرو تأخراتی قنغی طرفدن اولدیغی اوراقله
معلوم بر کیفیت ایدوکندن تکرارینه لزوم کورمم ایشته بر بچق ماهدر قرنتینه
قرنتینه‌نك معاملاتی حقنده اوامر علیه شرف‌ورود ایتمش ایکن وطنمزدن
هر درلو تسهیلات ارائه ایدلدیکی میداندر ایکن ایشبو تعللات و مخابراته
دوشیلیور کلبرلان پته‌لرمز قریه‌سنه نهایت التی یدی ساعت مسافه‌ده
واقع و اشعار والالری وجهله اون درت ساعت فرض اولنمش ایسه بغداددن
پته‌لرمزه طقوز ساعت اولان مسافه علاوه ایدلسه درت اولورکه
حقیقت حالی مکرمی درت ساعت مسافه قطعیله جلب ایلرزدینه کلمه‌جکلری و بواینه
معامله متقابله و مساویه حاصل اولمیه‌جغی در کاردر پته‌لرمزه صحیه ویکیه
اهالیکز حقیقت حالده جلالی‌یه منتسب اولمیه‌رق وسطه محله دوشمش و
قرنتینه‌نك مقابله بیطرف و وسطه محله بولنمش و اجنبات امورندن ایدیکی
پته‌لرمز بولنمش اولدیغندن بو ایشك دولتین علیتین مرضی خلافنده اولدیغی
موفقاً حسن تسویه ایدلمك اوزره نهایت بش کون قدر تأثیر ایدلدیکی
حالده ما بعضه مرجع عالی‌یه عرضه مجبوریت حاصل اوله‌جغنك کمال اخلاص
ومنا شغله بیاننه مبادرت ایدرم فی ۸ رجب ۱۳۱۱ و ۳ کانون ثانی ۱۳۰۹

رئیس قرنتینه

سید احمد حمدی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش دوّم

مذاکرات کمیسیون سرحدی آذربایجان
به ریاست میرزا موسی خان

شمارهٔ سند: ۳۰۰

موضوع: تشکیل کمیسیون برای تحقیق در مورد لاهیجان و وزنه

تاریخ: ٤ رجب ۱۳۱۲ هـ.ق

کارتن: ۲٤

پرونده: ۳/ت

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

نمره: ۷٤۸ عمومی ۱۹٦ خصوصی

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا

خاطر محترم جناب مستطاب اشرف عالی استحضار دارند که در اسلامبول میان نظارت جلیلهٔ امور خارجه و سفارت کبرای دولت علیه ایران برای تحقیق محال لاهیجان و نواحی وزنه و میرگان قرار شد که از مأمورین طرفین تشکیل قمسیون شود و در اربیل باهم اجتماع نمایند و مأمورین از جانب دولت علیه عثمانیه معلوم گردیده و به سفارت کبرای دولت علیه ایران در اسلامبول اطلاع داده شده باب‌عالی منتظر است که مأمورین از طرف دولت علیه ایران هم معلوم شود و اسامی ایشان و زمان حرکت آنها و وقت وصول به اربیل هم معین گردد و لهذا سفارت سنیه در مقام ترقیم این مراسله به مقام جلیل صدارت‌عظمی برآمده منتظر است که جناب مستطاب اشرف عالی مأمورین دولت علیه ایران را برای تشکیل قمسیون مذکور معین و اسامی ایشان و زمان حرکت و تاریخ وصول آنها را در صورت قطعی مرقوم فرمایند تا سفارت سنیه باب‌عالی را مستحضر دارد. همواره

احترامات فایقه دوستدار را جناب مستطاب اشرف عالی در حق خود برقرار دانند. فی ٤ شهر رجب المرجب ۱۳۱۲

محل مهر: السید حسین حسیب

[حاشیه:] جواب نوشته بشود.

سفارت کبرای
دولت علیه عثمانیه

۴۷ نمره عمومی

۱۹۶ نمره خصوصی

جناب مستطاب اشرف الوزرا [illegible]

خاطر محترم جناب مستطاب اشرف عالی مستحضر [illegible] نظارت جلیله امور خارجه [illegible] تبعه ایران [illegible]

[illegible] طرفین [illegible] اطلاع [illegible] دولت علیه عثمانیه

معلوم گردید [illegible] سفارت کبرای [illegible] تبعه ایرانی در [illegible] از طرف [illegible]

در [illegible] وقت [illegible] سفارت سنیه [illegible]

جناب مستطاب اشرف عالی [illegible]

[illegible] سفارت سنیه [illegible] بالای [illegible]

فی ۲۳ شهر رجب ۱۳۱۲

شمارهٔ سند: ۳۰۱
موضوع: تشکیل کمسیون برای تحقیق لاهیجان و وزنه
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۲ هـ.ق)
کارتن: ۲٤
پرونده: ۳/ت

به سفارت عثمانی نوشته می شود [نامهٔ وزارت خارجه]

وصول مراسلهٔ آن جناب مجدت و فخامت همراه مورخهٔ چهارم شهر رجب المرجب ۱۳۱۲ نمره ۱۹۶ در خصوص کمسیون وزنه مایهٔ کمال تعجب شد زیرا دولت علیه عثمانیه در تصرفات قدیمه و فعلیه دولت علیه ایران در اراضی لاهیجان و غیره هیچ وقت تردید و شبهه نداشته و اگر آن جناب مجدت و فخامت همراه به دفاتر مراسلات صادره و وارده سفارت کبرا مراجعه فرمایند معلوم خواهند داشت که همه وقت کارگزاران عثمانی محال لاهیجان و غیره را از اراضی متصرف فیهای دولت علیه ایران دانسته و می دانند و اینکه درباب گفتگوی وزنه از کارگزاران دولت علیه ایران مساعدت به رسیدگی شده است محض این است که چون کارگزاران دولت علیه عثمانیه فقط در تصرفات قدیمه دولت علیه ایران در نفس وزنه شبهه داشته و اظهار می نمودند که از چند سال قبل به این طرف عشایر ایرانیه آنجا را تصرف کرده‌اند برای رفع این اختلاف و مکاشفه واقع امر، اولیای دولت علیه ایران به تشکیل یک کمسیون و اجرای تحقیقات رضا دادند و اکنون عمدة الامراء العظام میرزا علی خان با سه نفر دیگر برای انعقاد کمسیون ایرانیه در سرحد مدتی است در تبریز مصمم حرکت و منتظر اعلام اند که هر وقت مأمورین کمسیون عثمانیه عازم سرحد شده و به اولیای دولت علیه ایران اخبار شد به آنها هم اعلام شود که بدون فوت وقت عازم سرحد شده و مأمورین آن دولت را در نقطهٔ اربیل ملاقات و اقدام به اجرای تحقیقات خواهند نمود. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می نماید. زیاده زحمت نمی دهد.

امضا

سفارت عثمانی نوشته میشود

وصول مراسلهٔ جناب جبرت همراه مورخهٔ چهارم شهر رجب المرجب ۱۲۹۶ در خصوص کمیسیون وزنه

دولت علیهٔ عثمانیه در تصرفات قدیمه و فعلیهٔ دولت علیهٔ ایران در اراضی دهمیان و غیره هیچ وقت تردید و شبهه

جبرت و فخامت همراه بر خلاف ترقیمات صادره دوایر سفارت کبرا ... فرمایند

کارگزاران عثمانیه حمل دهمیان و غیره را از اراضی متصرفه فیمابین دولت علیهٔ ایران داشته

کشکی وزنه از کارگزاران دولت علیهٔ ایران مساعدت بر رسیدگی شده است محض این

دولت علیهٔ عثمانیه فقط در تصرفات قدیمه دولت علیهٔ ایران در نفس وزنه شبهه داشته و اظهاری کرده

قبل با نظر عشایر ایرانیه آنجا را تصرف کرده اند برای رفع این اختلاف

اولیای دولت علیهٔ ایران به تشکیل یک کمیسیون و اجرای تحقیقات رضا داده اند و اکنون ... منتظر

تعیین با سه نفر دیگر برای انعقاد کمیسیون ایرانیه در سرحد مدتی است در تبریز

اعلام شده که هر وقت مأمورین کمیسیون عثمانیه عازم سرحد شدند اولیای دولت علیهٔ ایران

شد با نهایت اعلام شده بدون فوت وقت عازم سرحد شده و مأمورین

در نقطهٔ ارس ملاقات و اقدام به اجرای تحقیقات خواهند نمود

فائقه را تجدید می‌نماید ... ۱۲۹۶

شمارهٔ سند: ۳۰۲

موضوع: صورت اسامی دهات لایجان

تاریخ: (احتمالاً ۱۳۱۲ هـ.ق)

کارتن: ۲٤

پرونده: ۳/ت

صورت دهات لایجان مسکن طوایف ایل بلباس و تعداد خانه‌وار آنها از قرار تفصیل ذیل

طایفهٔ مامش	طایفهٔ پیران	طایفهٔ زودی	طایفهٔ منکور و کورک
صوفیان ۵۰	کلب‌حسن ۲۰	ابخورده ۵	شختان ۱۵
جلدیان ۱۰۰	دریمکه ۱۵	خواجه‌علی ۸	باب‌والا ۲۰
کلیج ۱۵	ژوکه ۱۰۰	کاسه‌کران ۱۵	کاپر ۲۰
سروکانی ۳۰	ماشکان ۲۵	جمع ۲۸	خرآقلان ۳۰
اندیزه ۱۰۰	سیلوه ٤۰		نعلین ۱۵۰
کردک شانه ۲۵	کردکوران ۱۵		نالوس ۳۰
کیله ٦	دنداور ۱۵		باراس ۵۰
اشنوزنگ ۵۰	بیکس ۱۵		عثمان‌آباد ۲۰
کندره ۵۰	عثمان‌آباد ۱۰		ربط ۱۵
پسوه ۱۰۰	جمع ۲۵۵		جمع ۳۵۰
شاهوله ٤۰			
خورنج ۱۵۰			
کیله‌سیپان ۱۵			
قروچای ۲۵			
شلیم‌چاره ۵۰			
زنگ‌آباد ۳۰			
کنه‌دار ۳۰			
بردکمران ۲۰			
جمع ۸۸٦			

صورت دهات آباد لاهیجان است اگر دهات مامش است که کـلاً آباد است. طایفهٔ پیـران که رفته‌انـد چـند پارچه از دهـات آنـها را که در آنجـا نـوشته شده از طایـفهٔ مـامش آبـاد کرده نشسته‌اند زراعـت مـی‌کند طایفهٔ مـنـکور و زودی هم دهاتشان در دست خودشان است، اگر به عقل ناقص این بنده می رسد، می باید به هر قسم است طایفهٔ پیران را امیدوار کـرد و آورد با دولـت قـبـل در لاهیـجان بـوده و خدمـت می‌کردند نمـی دانم با مرحوم شجاع الدوله چه واقع شد که یک مرتبه روگردان شدند.

استمالت پیران و زودی خیـلی واجب است به هر طور مصلحت داند قرار اعاده آنها را بدهد.

صورت دهات لاهیجان مسکن طوایف ایل بلباس و تعداد خانه وار آنها از قرار تفصیل ذیل

طایفه مامش

سوفیان	۵۰
جلدیان	۱۰۰
کلیج	۱۵
سروکانی	۳۰
اندیزه	۱۰۰
کردک شانه	۲۵
کیله	۶
اشنورنگ	۵۰
کندره	۵۰
پسوه	۱۰۰
شاهوله	۴۰
خوریج	۱۵۰
کیله سیبان	۱۵
قره چای	۲۵
شلیم جاره	۵۰
رنگ آباد	۳۰
کنه دار	۳۰
برده کران	۲۰
جمع	۸۸۶

طایفه پیران

کلب حسن	۲۰
دربکه	۱۵
زاوکه	۱۰۰
ماشکان	۲۵
سیوه	۴۰
کردکوران	۱۵
دنداور	۱۵
بیکس	۱۵
عثمان آباد	۱۰
جمع	۲۵۵

طایفه زودی

آنجورده	۵
خواجه علی	۸
کاسه گران	۱۵
	۲۸

طایفه منگور و گورک

شیخان	۱۵
باب واله	۲۵
کابر	۲۰
خواکلان	۳۰
نعلین	۱۵۰
نالوس	۳۰
باراس	۵۰
عثمان آباد	۲۰
ربط	۱۵
	۳۵۵

[illegible handwritten annotations]

[illegible seal]

شمارهٔ سند: ۳۰۳

موضوع: تجاوز عشیرت عروسانلو به عشیرتهای عثمانی

تاریخ: ۵ مایس رومی ۱۳۱۱ (۲۱ ذیقعده ۱۳۱۲ هـ.ق)

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

به جناب والای ریاست کومیسیون دولت علیه ایران

سعادتلو افندم حضرتلری

ترجمه

از قرارنامه هایی که به حکومت محلیه داده شده است عشیرت عروسانلو ساکنین الند جمعیت نموده هیجده رأس گاو عشیرت میلان تبعهٔ دولت علیه عثمانیه را در نزدیکی قریهٔ رازی با بارهای آنها غصب وباز از عشیرت مذکوره بیست و پنج نفر اشخاص مسلحه دیشب به قریهٔ خرابصوریک آمده و به آسیاب رفعت‌مآب قلی خان آقا بیک باشی الای حمیدیه هجوم نموده و چند بار آرد غصب و غارت نموده‌اند. و از عشیرت حیدرانلو ساکنین قراعینی هفده نفر مسلحاً به عشیرت یزیدی هجوم و ناخرهای* آنها را غصب و یک نفر را قتل و سه نفر را جرح کرده‌اند و باز از عشیرت مذکوره چهل نفر به قریهٔ نوشار هجوم و متجاوز از دویست رأس گاو و گاومیش آنها را غصب نموده‌اند. این مقدمه زیاد قبیح بوده و بیان استرداد اموال مغصوبه و اجرای معاملات لازمه در حق فاعلین این عمل و به جهت اینکه این فقره سرایت به سایرین نکند، در اول امر اعزام یک نفر مأمور از طرف هیئت محترمهٔ دولت علیه ایران و دیگری از جانب هیئت محترمه دولت علیه عثمانیه برای کشف مقتول و مجروح برای تأکید موالات وسیلهٔ حسنه اتخاذ می‌شود. فی ۵ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون سیداحمد حمدی

* به معنی: گله های گوسفند

ایران دولت علیه‌سی قومسیونی ریاستی جانب والاسندن

معالیلو افندم حضرتلری

ایلده داخلنده عمروسانلو عشیرتندن برطاقم اشقیا تجمع ایله رعایای یاننده شعبه‌دن دولت علیه‌دن
و میلان عشیرتندن اون مکاری اوکوزلری کلرایله غصب و دوه‌لکی کیجه بنه عمروسانلو
عشیرتندن یکرمی بش نفر اشخاص مسلحاً خرابیقلی باب قریه‌سنه کلوب حمید بکباشی‌یه
رفقاسی قلیچخان آغانک ذکرهانه‌سنه هجوم ایله برقاچ بیوک دفیق غصب و غارت
و قراعینه‌سنده بولنان حیدرانلو عشیرتندن اون ایکی نفر مسلح اشخاص زیلی عشیرتنه هجوم
و ماضلری غصب و بر نفر قتل و اوچ نفری جرح و جسارت مذکوره‌دن فرق کیشی
اشخاص قوشار قریه‌سنه بالهجوم ایکی یوز قیون میخانک اوکوزلرینی غصب ایلدیکلری
حکومت محلیه‌یه کلدکن رفیرنا للرکن اخبار شلمنه و بو معلمیه الیک چرکین دوشندیکنه بناءً
اموال مغصوبه‌نک همان استرداد و فاعللرک حقنده معامله لازمه عاجلاً اجرا ایلدیله
وانیش سرایت ایتمامک اوزره اوآل امرده مفتول و مجرد جلبک کشفی ضمننده هیئت
محترمه‌لرینک بر و هیئتمزدن بر بنک اعزامی لازمکله حکملک بیانی تاکید مواننه
وسیله حسنه اتخاذ ایدرم فی ۵ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۰۴
موضوع: تجاوزات عشیرت عروسانلو و حیدرانلو
تاریخ: ۷ مایس ۱۳۱۱ مطابق با ۲۳ ذیقعده ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جناب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانی
سعادتلو افندم حضرتلری

تحریرات رسمیهٔ مورخهٔ ۵ مایس ماه رومی ۱۳۱۱، امروز که روز یکشنبه هفتم شهر مزبور و ساعت هشت است، به توسط رزقی نام ضبطیه پیاده مطالعه گردید. در باب وقوعاتی که از طرف عشیرت عروسانلو و حیدرانلو ادعا می شود، تحقیقات لازمه به عمل آورده و در صورت اثبات، اجرای معاملهٔ آن با سرعت ممکنه خواهد شد و برای کشف مقتول و مجروح نیز یک نفر از طرف هیئت کومیسیون روانه خواهد گردید. مورخه ۷ مایس ۱۳۱۱ مطابق با ۲۳ شهر ذیقعده ۱۳۱۲

رئیس کومسیون دولت علیهٔ ایران، موسی

بجناب والای ریاست کمیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

تحریرات رسمیه مورخه ۵ مایس ۱۳۱۱ رومی امروز که روز پنجشنبه هشتم شهر مزبور و ساعت هشت است

متوسط زرتی نام ضبطیه باوده مطالعه کردیم در باب وقوعاتیکه از طرف عشیرت داودیها

وحیدر اغو ادعا میشود تحقیقات لازمه بعمل آورده و در صورت اثبات اجرای

معامله آن با سرعت ممکنه خواهد شد و برای کشف مقتول و مجروح نیز یک نفر از اعضای

هیئت کمیسیون روانه خواهیم کرد مورخه ۷ مایس ۱۳۱۱ مطابق ۲۲ شهر ذیقعده ۱۳۱۲

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

موسی

شمارهٔ سند: ۳۰۵

موضوع: تجاوزات عشایر جلالی به قریهٔ نوشار

تاریخ: ۲ ذیحجهٔ ۱۳۱۲ هـ.ق مطابق ۱۵ مایس ۱۳۱۱

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

نمره: ۶۰

به جناب ولای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

چنانچه سابقاً زبانی عرض کرده و خواهش نموده است، کمال امیدواری را دارد که ان شاءالله اجزای هر دو هیئت محترمهٔ کومیسیون اسلام دولتین علیتین و سلاطین قوی شوکتین را از همدیگر تفریق نکرده و تبعهٔ طرفین را در حکم واحد خواهند شمرد. در جواب مراسلهٔ مورخهٔ پنجم مایس ۱۳۱۱ به نمرهٔ ۱ جواب نوشته بود که به الند مأمور مخصوص برای تحقیقات فرستاده است دیروز مراجعت کرده و عالی جاه مجدت همراه حسن آقا نایب الحکومهٔ آنجا شرحی نوشته است که در فقرهٔ نوشار چنین شنیده است که طایفهٔ مصر کانلو از قبیلهٔ جلالی که الان در معیت مقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ است از قریهٔ نوشار قدری گوسفند غصب نموده و اهالی قریهٔ مزبوره تعاقب کرده اغنام مذکوره را از آنها گرفته و سه نفر نیز از آنها را قتل نموده اند. عدم ظهور وقوعات را از طرف عشیرت عروسانلو حسن آقای مشارالیه که پسرعم قلی خان آقا است در مکتوب خود می نویسد زیرا اگر این فقرات اصل می داشت، قلی خان آقای مرقوم به حب قرابتی که با حسن آقا دارد البته به پیش او رفته و مباشرت به بیان کیفیت می‌کرد در ضمن اجرای تحقیقات وافیه و کشف سه نفر مقتول از طایفهٔ مصرکانلو سریعاً اعزام یک نفر از هیئت محترمه ذات‌عالی مرجو و متمنی است. چنانچه شفاهاً هنگام ملاقات با ذات‌عالی عرض کرده است، باز به تکرار آن مبادرت می شود که شرف آقا رئیس عشیرت مرزکی و عمرآقا ملازم ساکن قریه رازی از ابراز افعال سیئهٔ خودشان خودداری نکرده و هر روز به یک نوع بی ادبی مباشرت می نمایند، اگر از طرف ذات‌عالی به افعال شنیعهٔ این دو نفر ممانعت نشود اضطراراً حاکم قطور به معاملهٔ متقابله مجبور و مکلف خواهد بود.

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: **موسی**

نسخه بجانب والای ریاست کمیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

چنانچه سابقاً زباناً عرض کرده و خواهش نموده است که ایل بیه دری را وارد [illegible] نمائید
اجزای امر هیئت محترمه کمیسیون اسلام دولتین فخیمتین و ساطعین قوی ترکیش [illegible]
تفریق کرده و تبعه طرفین را در حکم واحد محسوب نشود در جواب مراسله مورخه نهم
ذیقعده نمره ۱ جواب نوشته بوده باید در خصوص تحقیقات فرستاده است دیروز
مراجعت کرده و حالیا به صحبت مراه حسن آقا نایب اگرچه آنجا شرحی نوشته است در
فقره نوشته چنین شده است که طایفه مصرکانلو از قبیله صدیلی که آمدن و در سکونت [illegible]
طاهرخان مرتکب است از قبیل نوشته رفتن که غضب نموده و اهالی قریه [illegible]
سیاه فی کرده اغنام همگی را [illegible] کرده و سه نفر نیز [illegible] اتفاق نموده [illegible]
ظاهر و [illegible] سو از طرف عشیرت [illegible] حسن آقا [illegible] تیلکان آقا است
در مکتوب خودش نوشته زیرا اگر تحقیقات [illegible] تیلکان آقای [illegible]
بجهت قرابتی که با حسن آقا دارد البته به پیش آورده و مباشرت جبان کیفیت [illegible]
در ضمن اجرای تحقیقات واقعه و کشف سه نفر مقتول از طایفه مصرکانلو [illegible] اعدام یک نفر
از هیئت محترمه و اهالی مرجو و تمنی است چنانچه شفاهاً استحکام [illegible] عوض
کرده است بار تکرار آن مبادرت میشود که شرف آقا رئیس عشیرت هرکی و [illegible]
مدت زمان ساکن قریه [illegible] از افعال سیئه خویشتن خودداری نکرده و هر روز یک نوع
ایذا و اذیت [illegible] اگر از طرف [illegible] افعال شنیعه این نفر ممانعت نشود
اضطراراً حاکم [illegible] مقابله مجبور و مکلف خواهد بود مورخه ۲ شهر ذیحجة الحرام ۱۳۳۱

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

مطابق ۵ [illegible] ۱۳۳۱

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۰۶
موضوع: رد مغصوبات قریهٔ نوشار
تاریخ: ۱۸ مایس ۱۳۱۱ (۵ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق)
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جناب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

ترجمه

تحریرات مورخهٔ ۱۵ مایس ۱۳۱۱ والا مطالعه گردید. در تحریرات مورخهٔ پنجم مایس مخلص سرقت شدن چیزی از رفعت‌مآب قلی خان آقا گفته نشده، تنها هجوم بردن به آسیاب او نوشته شده است. فقرهٔ غصب حیوانات نوشار ظاهر و نمایان و در آن وقت به تعقیب آنها کسی نرفته است که مقابله بشود. معهذا ریش‌سفیدان نوشار پریروز به پیش مقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ رفته و حیوانات مغصوبه را گرفته تنها هیجده رأس از آنها داده نشده است. اگر چنین مادهٔ قتلی در میانه وقوع می داشت البته حیوانات آنها را پس نمی داد. اشعار ذات والا در خصوص کشف سه نفر مقتول به مقصد نفرستادن مأموری که برای کشف یزیدی‌ها که از طرف حیدرانلوهای تبعهٔ دولت علیه ایران مقتول شده‌اند طلب گشته واعزام او در تحریرات سابقه ذات والا وعده شده بود مبنی بوده و یااینکه جهتش چیست ندانست بنابراین استحصال بقیهٔ حیوانات مغصوبه و فقرهٔ دیگر که به عزت‌مآب شرف بک عاید و در تحریرات والا محرز است. در صورتی که مومی الیه از قایم‌مقامات حمیدیه و عمرآقانیز ملازم و از اصحاب رتبه هستند و جرمی هم برای آنها ثابت نیست به واسطهٔ یک قول مجرد عبارت (بی ادبی) در حق آنها مخالف اصول دیپلوماتیه و مغایر حقوق دولیّه بوده واپس گرفتن این عبارت و اشعار افعال این دو نفر را موضحاً برای تأکید مبانی مودت وسیله حسنه اتخاذ می نماید. فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون: سیداحمد حمدی

جواب   ایران دولتعلیه‌سی قومیسیونی ریاستی جانب عالیسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

۱۵ مایس سنه ۳۱۱ تاریخلو تحریرات دولتلری مطالعه قلندی فی ۵ مایس تاریخلو
تحریراتده ویریلدیکی برطاقم قلیچات آغالرک برشیئی کندیکنی دیلیمیز. بالکز ذکر اتنه
هجوم ایدلدیکی یازلمشدر نوشیرا ناحیه‌سنده منصوص حیواناتی ظاهر ونمایان یاپدی ماده
تعقیبه اول وقت بر کیمسه کتمامش که مقاتله اولسون مع مافیه نوشیرا اختیارلری اولکی
کون بالذات مرتکب مغرب ایلخانات ظاهر حالده یاننه کیدلرک حیوانلری آلدیرمشلر

. بالکز اون سکز عددی ویرلمامش و بو بله اره‌ده بر قتل ماده‌سی اولمدیغی
البته حیوانلری کیرو ویریله حکی طبیعی برشیدر آرتق اوچ شخصک کشف
حصه‌کی اشعار دولتلری ایران حدودلوسی طرفندن قتل اولنان بر یدیلرک کشفی ایچون
طلب اولنان و اعزام اولنه‌جق تحریرات سابقه دولتلرنده بیلدیریلدن مامورلرک
کوریلمامسی مقصدینه مبنی می ویاخود نه بیلنه مدی بناء علیه احوال منصوصه
بقیه‌سنکده استحصالی تحریرات دولتلرنده محرر دیکر فقره که غزنلو شرف بکه عائد در
مومی الیه حمیدیه قائم مقاملرندن اولدیغی و عمراناده خی ملازم اولوب اصحابانه‌دن
اولدقلری و برجنحه لری مثبت اولمدیغی حالده بر قول مجرد اوزرینه حقلرنده
اوکبنزلک تعبیری اصول دیپلوماتیقه‌یه مخالف وحقوق دولته مغایر ایدوکندن بو
فقره کیرو ایلنیرق بونلرنه کبی وقوعاته اشتباه ایشلمش اولدقلرینک موضحاً اشعار بیورلمسنی
بیانی تأکید مبانی مودته وسیله حسنه اتخاذ ایلدم فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون
منیب احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۰۷

موضوع: هجوم عشیرت جلالی به اهالی نوشار

تاریخ: ۱۰ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

جواب نمرهٔ ۷

به جناب والای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ ۱۸ مایس ماه رومی ۱۳۱۱ ذات والا مطالعه گردید، آشکار و بدیهی بودن مسئله نوشار را اشعار و مقتول نشدن جلالی هایی را که در تحت ادارهٔ مقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ هستند اظهار فرموده اند. اولاً در مراسلهٔ رسمیه چیزی که به ذات‌عالی در این باب نوشته است این است که از قرار تحقیقاتی که از عالی جاه مجدت همراه حسن آقا نایب الحکومه الند شده است چنین نوشته است هجوم کردن جلالی های مذکور به اهالی نوشار و مقتول گشتن سه نفر از آنها را شنیده است نه اینکه هجوم جلالی ها به اهالی نوشار و یا مقتول شدن سه نفر از طرفین را محقق کرده باشد. و چون اساس ماده هنوز به ثبوت نرسیده است در فروعات آن مباحثه کردن جز تضییع اوقات ثمری ندارد. لهذا شرحی به طاهرخان سرتیپ نوشته و منتظر جواب است که از روی بصیرت مبادرت به تسویه کار بشود. در خصوص شرف آقای مرزکی و عمر آقای شمسکی تفصیلی که مرقوم فرموده اند مایهٔ تعجب گردید سیئات افعال این دو نفر مستغنی از این است که کسی بتواند انکار نمود و ان شاءالله تعالی اعمال سابقه و لاحقه آنها را در ضمن دفاتر دعاوی به ذات‌عالی تقدیم خواهد نمود. مورخه ۱۰ شهر ذیحجه ۱۳۱۲

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

جواب نمره ۷ بجانب والای ریاست کمیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسله جوابیه مورخه ۱۸ مایس ماه رومی ۱۳۱۱ ذات والا ملاحظه گردید اشکال و تبعید [illegible]

مسئله ورشان را اشعار و معقول نشدن جلالیها را که در تحت اداره مقرب الخاقان

طاهرخان سرتیپ هستند اظهار فرموده‌اند اولاً در مراسله رسمیه چیزی که بندگان عالی در این باب

نوشته است این است که از روی تحقیقات که از عالیجاه جعفر میرزا حسن آقای [illegible]

معلوم شده است چنین نوشته است هجوم کردن جلالیهای مزبور به اهالی ورشان و متعرض کشتن

سه نفر از آنها را شنیده است نه اینکه هجوم جلالیها به اهالی ورشان و یا متعرض شدن سه نفر

از طرفین را محقق کرده باشد و چون اساس ماده هنوز به ثبوت نرسیده است

در فروعات آن مباحثه کردن جز تضییع اوقات ثمری ندارد لهذا اشعار طاهرخان

سرتیپ نیز نوشته و منتظر جواب است که از روی بصیرت مبادرت به تدبیر کار شود در خصوص

شرف آقای [illegible] و عمرآقای شمسکی تفصیلی که مرقوم فرموده‌اند مایه تعجب گردید حیثیت

افعال این دو نفر مستغنی از این است که کسی بتواند انکار نماید و انشاءالله تعالی اعمال

سابقه و لاحقه آنها را در ضمن دفاتر دعاوی به اطلاع عالی تقدیم خواهد نمود مورخه ۱۰ شهر محرم ۱۳۱۲

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۰۸

موضوع: تجاوز عشیرت جلالی و حیدرانلو به ناحیهٔ تاقوری

تاریخ: ۱۸ مایس ۱۳۱۱

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

به جناب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ ایران

سعادتلو افندم حضرتلری

پریروز قریب چهل نفر اشخاص مسلحه از طایفهٔ جلالی و حیدرانلو تبعهٔ دولت علیهٔ ایران ساکنین قراعینی به ناحیهٔ تاقوری من توابع قضای محمودی هجوم ومواشی کثیره غصب و سه رأس اسب قتل و دو نفر را مجروح نموده‌اند و صحت این فقره از تحقیقات واقعه و کشف مأمور پولیس که رفته بود معلوم می‌شود بیان تشبث فرمودن ذات‌عالی را به تدابیر لازمه در خصوص استرداد اموال مغصوبه و صورت دادن به این کارها را برای تأکید موالات وسیلهٔ مخصوصه عد* می‌نماید. فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون: سیداحمد حمدی

* به معنی شمردن، به شمارآوردن

ایران دولت علیه‌سی شهبندرباشی جانب عالیلرینه

سعادتلو افندم حضرتلری

تبعهٔ دولت علیهٔ ایرانیه قراجه‌بنده بولنان حیدرانلو و جلالیلیدن فرقه قدر اشخاص
مسلحه‌نك اولکی کون محمودی قضاسنه تابع قوتور ناحیه‌سنه بالهجوم برچوق
مواشی غصب و اوچ اسب قتل و ایکی نفر مجروح ایتدکلری کیدن پولیس
مأمورینك کشفندن و تحقیقاتندن واقعه‌دن اکلاشلمش بو حاللره نهایت ویرلمسی
و اموال مغصوبه‌نك استردادی حقنده که تدابیر لازمه‌یه تشبث بیورلمسنك بیانی
تأکید مودتله وسیلهٔ مخصوصه عد ایدرم فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱ رئیس قومیسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۰۹

موضوع: هجوم نفرات حیدرانلو و جلالی به ناحیهٔ تاقوری

تاریخ: ۱۰ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

جواب نمره ۸

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ مورخه ۱۸ مایس ماه رومی ۱۳۱۱ واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل گردید. در باب هجوم کردن چهل نفر حیدرانلو و جلالی ساکنین قراعینی به ناحیهٔ تاقوری شرحی مرقوم فرموده‌اند. مراتب به مقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ اظهار شد در وصول جواب و ثبوت ادعای اهالی تاقوری قرار احقاق حقوق آنها داده خواهد شد. مورخه ۱۰ شهر ذیحجه

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

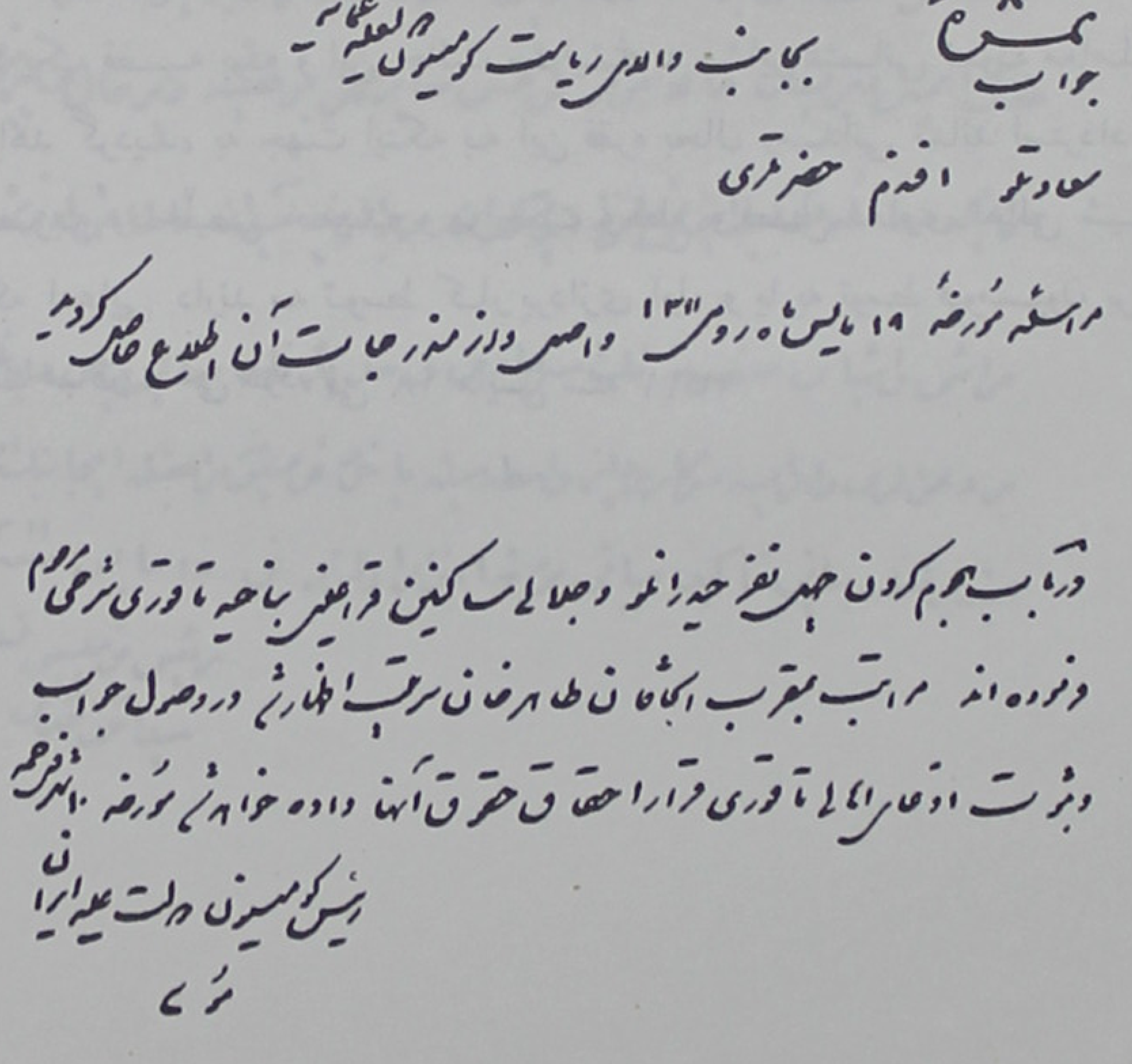

جواب نمره ۸ بجانب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ مورخهٔ ۱۸ مایس ماه رومی ۱۳۱۱ واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل گردید

در باب هجوم کردن چهل نفر حیدرانلو و جلالی ساکنین قراعینی بناحیه تاقوری شرحی مرقوم

فرموده اند مراتب بمقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ اظهار شد در وصول جواب

و ثبوت ادعای اهالی تاقوری قرار احقاق حقوق آنها داده خواهد شد مورخه ۱۰ شهر ذیحجه

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران

موسی

شمارهٔ سند: ۳۱۰
موضوع: غصب اموال اتباع عثمانی در سلماس
تاریخ: ۱۸ مایس ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیه ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

از تبعهٔ دولت علیه عثمانی و عشیرت یزیدی عمر نام با چهار نفر همراهان خود در حین عزیمت به طرف سلماس علی و جبار آدمان محمدصدیق پسر خلیفه کوسه ساکن قریه شیره کی من قرای سلماس آنها را گرفته شش عدد لیرای عثمانی و ده رأس گاو و دو لوله تفنگ آنها را غصب و خدیده نامی را هم از آنها گرفته نگاه داشته اند و گویا سبب این غصب و توقیف، مصادرهٔ مالهای محمدصدیق در گمرک وان بوده و محمدصدیق مرقوم در عوض آن غصب و توقیف نموده است در صورتی که معاملهٔ گمرک در تحت عهود است در مقابل آن غصب نمودن اموال این گونه اشخاص و توقیف یک نفر از آنها مغایر عهود یک قضیه بوده و این حالت سرایت به عشایر عثمانی نموده معاملهٔ متقابله ملحوظ خواهد گردید، به جهت اینکه به این فقره بحال ومیدانی نماند استرداد مواشی و اشیای مغصوبه و تخلیص خدیده و مراجعت و قطع و فصل دعاوی اهالی شیره کی در صورتی که ادعایی دارند به توسط کار پردازی اول و یا به توسط قومسیون برای تأکید مبانی مودت مبادرت می شود. فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱

ایران دولت علیه‌سی قونسولوس پاشا جانب عالیلرینه

سعادتلو افندم حضرتلری

تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه‌دن وان ولایتی عشیرتندن عمر و درویش نفر رضا ابن تکلماس جهتنه
عزیمت ایلدکلرنده مکاسلك شهری کی ترهمه‌لی خلیفه کوینه‌نك تحدثی محمد صدیقك
آدملری علی و جبار بونلری طوتدروب آلتی لیرای عثمانی و دورت رأس اوکوزلرینی
و هیچبر دیکری تعقیبلری غصب و ایچلرندن خضر بیده نامنده‌کی بریسینی
اوان نزدلرنده موقوف طوتلدیغی و بونك اسبابی ایسه کویا محمد صدیقك مالنی
وان کمرکنده مصادره اولنمش ایدوکندن اکا بدل طوتدقلری بیان اولنمشدر
کرك عمر و درویشك نه کی بر معامله اولدیغی حالده اکا قارشو بو بیله آدملرك مالنی
غصب ایتمسی ویره‌بیلك حالده موقوف طوتلمسی مغایر عهود برقضیه و بو حال عشایرده
سرایتله معامله مقابله ایتمسی ملحوظ ایدوکندن بونلره میدان قالماماق اوزره

حواشی و اشیای مغصوبه‌نك استردادی و خضر یدنك صالیویرلمسی و بونلر
بردخی اولری وارسه سرکاریلری واسطه‌سیله باخره قونسلوس مراحتیله ایجابنك اجرا
ایتدیرلمسی بیانیله تأکید مبانی مودته ابتدار اولنور فی ١٨ مایس سنه ١٣١١

رئیس قونسولوس ف
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۱۱
موضوع: غصب اموال اهالی قریهٔ شیره‌کی از قریه سلماس
تاریخ: ۲۲ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق مطابق ٤ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۰

به جانب عالی ریاست کومسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ مورخهٔ ۱۸ مایس ذات‌عالی شرف وصول ارزانی و در خصوص شش لیرای عثمانی و ده رأس گاو و دو لوله تفنگ که اهالی قریهٔ شیره‌کی من‌قرای سلماس در عوض اموال مغصوبه خودشان از عمر و چهار نفر دیگر از عشیرت یزیدی گرفته نگاه داشته بودند، فوراً تفضیل را به فضیلت‌مآب خلیفه صدیق نوشته و جوابی که رسیده است، عیناً برای مزید استحضار ذات‌عالی اظهار می‌دارد. اینکه عمر و سایرین به ذات‌عالی معروض داشته‌اند که غصب شدن اموال اهالی قریهٔ شیره‌کی از بابت مصادرهٔ گمرک بوده است دروغ محض است چنانچه بعد از بردن نوشتهٔ مخلص به خلیفه صدیق اموال خودشان را تمام و کمال پس گرفته و سند سپرده‌اند که اموال مغصوبه اهالی قریه شیره‌کی را پانزده روزه به‌التمام ادا نمایند. لهذا محض مزید اطلاع ذات‌عالی زحمت‌افزا می‌شود که اموال یزیدی‌ها رسیده و متمنی است که قدغن فرمایند که آنها هم به موجب سندی که سپرده‌اند اموال مغصوبه اهالی قریهٔ شیره‌کی را کارسازی نموده و من‌بعد اهالی مزبوره را مجبور به گرفتن عوض نکنند. مورخه ۲۲ شهر ذی‌حجه ۱۳۱۲ مطابق ٤ خریران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیهٔ ایران: موسی

نمره ۱

بجانب عالی ریاست کومیسیون تحدیدیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسله مورخه ۱۸ مایس ذات عالی شرف وصول ارزانی داشت و در خصوص شش رأس گاو عثمانی و ده رأس
گاو و دو لوله تفنگ که اهالی قریه کیله قره داود سماس در عوض اموال منهوبه خودشان از عمرو
چهار نفر دیگر از عشیرت یزدی گرفته نگاه داشته بودند فوراً تفصیل را بقنسولیت نائب خلیفه صدیق
نوشته و جوابی که رسیده است عیناً برای مزید استحضار ذات عالی اظهار میدارد آنکه عمرو
شماریه که ذات عالی معروض داشته‌اند که غصب شدن اموال اهالی قریه کیله از بابت تعدی
گمرک بوده است دروغ محض است چنانچه معلوم از روی نوشته مخصوص خلیفه صدیق اموال
خودشان را تماماً و کمالاً پس گرفته و سند سپرده‌اند که اموال منهوبه اهالی قریه کیله را
پانزده روزه بالتمام ادا نمایند لهذا محض مزید اطلاع ذات عالی زحمت افزا میشود که اموال
مزبوره بصاحبانشان رسیده و متمنی است که قدغن فرمائید آنها هم بموجب سندی که سپرده‌اند اموال منهوبه
اهالی قریه کیله را کارسازی نموده و منبعد اهالی مرقومه از جهة گرفتن عوض نکنند مورخه ۲۲

شهر ذیحجه مطابق ۱۳ حزیران سنه ۱۳۱۱ رئیس کومیسیون دولت علیه ایران

مهر

شمارهٔ سند: ۳۱۲

موضوع: تهاجم دوازده نفر از عشیرت عروسانی به عشیرت شمسکی و قریه صلاخانه عثمانی

تاریخ: ۲۳ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

از عشیرت شمسکی و اهالی قریهٔ صلاخانه من توابع قضای حمیدیه نه نفر با هفده رأس گاو برای جلب و مبایعهٔ ذخیره به قریهٔ استران من قرای قطور عزیمت و ذخایر مذکورهٔ را ابتیاع و به گاوهای خودشان بار و در عودت در قریهٔ حبشی که در نزدیکی قطور واقع است یک شب بیتوته نموده‌اند یک ساعت به صبح مانده قریب دوازده نفر اشخاص مسلحه از عشیرت عروسانی ساکنین الند به سر آنها ریخته و به یک نفر از آنها گلوله اصابت و از پشت او خورده از طرف دیگر بیرون آمده و مجروح مرقوم در حالت بدی است و سه نفر دیگر نیز از آنها به ضرب کلوخ و سنگ مجروح شده‌اند و هفده رأس گاو آنها را با جُل و ریسمان برده‌اند و بیان کیفیت این فقرات از طرف هیئت مجلس قریهٔ مذکوره شده است. و در اینکه وجدان عالی ذات‌عالی به ظهور این گونه حرکات ناشایست وانگهی در قریهٔ[ای] که نزدیک محل اقامت ذات‌عالی است راضی وقایل نخواهد بود، شبهه نیست. و چون مباشرت طایفهٔ مرقومه به امثال این وقوعات که مغایر عهودات غیرجایز است در استرداد گاوهای مزبور باجل و شریط و اجرای مجازات اشخاص مرقومه که مبادرت به این جرئت نموده‌اند هُمم علیه مصروف خواهند فرمود و بیان این را برای تأکید مبانی مودت وسیلهٔ حسنه اتخاذ می نماید. فی ۳۱ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولتعلیه‌سی قومیسیون ریاستی جانب والاسینه

سعادتلو افندم حضرتلری

حمیدیه قضاسنك صلاحخانه قریه‌سی اهالیسندن و شمسکی عشیرتندن طقوز نفر زوارلرندن
اون یدی رأس اوکوز بولندیغی حالده ذخیره مبایعه و جلبی ضمننده قطور قضاسنك
استران قریه‌سنه عزیمتله مذکور ذخایری بالمبایعه اوکوزلرینه تحمیلاً حین عودتلرنده
قطور جواری بولنان حبش قریه‌سنده بر کیجه بیتوته ایتدکده ایکی صباحه بر ساعت قاله‌رق
الکندلی و عرب اوغلی عشیرتندن اون ایکی نفر قدر اشخاص مسلحه اوزرلرینه هجوم ایله
بر نفرینك ارقه طرفندن قورشون اصابتیله دیکر یان طرفندن چیقمش و مجروح ترکنم
نا حالده اولدیغی و دیکر نفرلرده یوزباشی بریلرندن طاش پارچه‌سیله مجروح اولندیغی
کبی اون یدی رأس اوکوزلر اوزرلرنده بولنان چول و شریطلریله برابر کوتوردکلری
قریه‌ء مذکوره‌لر مجلس هیئتی طرفندن سرایه کله‌رك بیان کیفیت اولنمشدر ذاتعالی
کرمانشاهلرینك اقامتگاه اطرافنده اولدیغی بر محل جوارنده که قریه‌ده بو شقیلر
طلمزینه و جنایت عاملیری راضی و قائل اوله‌میه‌جغینه اشتباه یوق ایسه ده
طائفه مرقومه بوکبی مغایر عمش وقوعاتنه تصدیق ایتملری غیر جائز بولندیغندن
مسند عملر اون یدی رأس اوکوز و چوللریله برابر یاوسردی او قصدیه جرئت
ایتمش اولان اشخاص مرقومه‌نك مجازاتلرینك اجراسنه هم علیه‌لرینك مصروف
بیورلمسی تأکید مبانی موفقیه وسیله حسنه اتخاذ ایدرم فی ۳۱ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون

سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۱۳
موضوع: سرقت احشام از قریهٔ حبشی قطور
تاریخ: ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

جواب نمرهٔ ۹

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

تذکرهٔ عالی مورخ ۳۱ مایس سنهٔ ۱۳۱۱ واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل گردید. در باب هفده رأس گاو کاروان شمسکی که در قریهٔ حبشی قطور برده‌اند، تفصیل را اهالی شمسکی چنانچه به ذات‌عالی تقریر کرده‌اند، بدون کم و زیاد به مخلص هم گفته بودند فوراً به عالی جاه حسن آقا نایب‌الحکومه الند شرحی نوشته شد که اگر مرتکبین سرقت از اهالی الند باشد به مجازات رسیده و گاوها استرداد شود، با وصف این سعدون‌آقا مدیر ایل شمسکی سه روز قبل هیجده رأس گاوهای اهالی قریتین حبشی و کلت من‌قرای قطور را گِرو نگاه داشته و امروز هم هیجده رأس گاو و شش رأس الاغ و یک رأس اسب اهالی قریه شکریاری من قرای سلماس را گرفته نگاه داشته‌اند. و با وجود اینکه حکم صریح از اولیای دولت قوی‌شوکت علیهٔ ایران به حکومت قطور و سایر ولایات رسیده و به جهت قلّت ذخیره در ایران مبایعهٔ آن را به تبعهٔ خارجه قدغن صریح کرده‌اند محض رعایت همسایگی و حسن اتحاد هر روز جمع کثیری برای مبایعهٔ ذخایر به خوی و سلماس می روند و تاکنون ممانعتی نشده است در صورتی که اکراد اقدام به چنین خلاف و کار منافی پولتیک بکنند، من‌بعد تردد کاروان آنها برای مبایعهٔ ذخایر برحسب قدغن دولتی از جملهٔ محالات خواهد بود.

رئیس کومیسیون دولت علیهٔ ایران: موسی

جواب نمره ۹ بجانب والای ریاست کمیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

رئیس انعقاده

تذکره عالی مورخه ۱۳ مایس سنه ۱۳۱۱ واصل و از مضمون مندرجات آن اطلاع حاصل گردید در باب

گاو کاروان ابنیه که در قریه چشمه قطور برده اند تفصیل از اهالی ابنیه چنانچه شفاهاً تقریر کرده ام

بدون کم و زیاد بعضی هم کشته بودند فوراً به جناب حسن آقا نایب الحکومه الله شرحی نوشته شد

که اگر مرتکبین سرقت از اهالی الله باشد بمجازات رسیده و گاوها استرداد شود با وصف این

سه روز آقا مدیر ایرانی که سه روز قبل همه رئیس گاوها را اهالی قریتین چشمه و کلت نیز قرار

کرده نگاه داشته و امروز هم همه رئیس گاو و نیش رئیس اسب و یک رئیس اسب اهالی قریه کشکاری

نیز و سلماس را گرفته نگاه داشته اند و با وجود اینکه حکم صریح از اولیای دولت قوی شوکت

علیه ایران بحکومت قطور و سایر ولایات سیه و جهت قلت و غیره در ایران تبعه آن دولت

بهیه خارجه قدغن صریح کرده اند محض رعایت همسایگی و حفظ اتحاد هر روز جمع کثیری

برای مبایعه و غیره بخوی و سلماس میروند و تاکنون ممانعتی نشده است در صورتیکه اکراد ادوام

بهمین هدف و کار منافی پولتیک کنند نیز به رد کاروان آنها برای مبایعه و غیره

برحسب قدغن دیگر از جمله ممانعت خواهد بود مورخه ۲۲ شهر ذیحجة الحرام ۱۳۱۲

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

نوح

شمارهٔ سند: ۳۱٤
موضوع: دعاوی عشایر عروسانلو و امیلان
تاریخ: ۲۷ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۱

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

برحسب وعد شفاهی که به ذات‌عالی شده بود برای رویت دعاوی عروسانلو و میلان جوابهای تحریرات از جناب امیرالامراء العظام اقبال السلطنه سردار رسید تمام عروسانلوها در تحت ادارهٔ مقرب الخاقان نعمت‌الله خان سرتیپ در الند حاضر شده و منتظر ورود مخلص به آنجا هستند که در اطراف قریهٔ مسکونه دوستدار سکنی گرفته و به تسویهٔ دعاوی آنها مباشرت شود، لهذا محض استحضار خاطر محبت ذخایر عالی زحمت‌افزا می شود که انشاءالله تعالی ١٤ شهر محرم الحرام که روز سه‌شنبه خواهد بود، از اینجا حرکت و به طرف الند عزیمت خواهد شد. ذات‌عالی هم به اشخاص لازم الحضور خبر بدهند که بدون معطلی اقدام به رؤیت امور بشود جای اقامت و روز تشکیل کومسیون را از الند تعیین و به ذات‌عالی اطلاع خواهد داد.

رئیس کومیسیون دولت علیهٔ ایران: موسی

نمرهٔ ۱۱ بجناب عالی ریاست کمیسیون تحدیدیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

برحسب وعده شفاهی که بذاتعالی شده بود برای رؤیت دعاوی عشایر سادات و میدان جوابهای

تحریرات از جناب امیرالامراء العظام اقبال السلطنه سردار رسیده تمام عشایر ساداتی که

در تحت اداره متصرف کاشان نعمت الله خان ترتیب داده اند حاضر شده و منتظر ورود کمیسیون

بآنجا هستند که در اطراف قریه سکونت و دسته از سکنی گرفته و منتظرند دعاوی آنها مباشرت شود

لهذا محض استحضار خاطر محبت ذخایر عالی زحمت افزا میشود که انشاءالله تعالی ۱۴ شهر محرم الحرام

که روز سه شنبه خواهد بود از اینجا حرکت و بطرف آنها عزیمت خواهیم نمود انشاءالله تعالی هم باشخاص

لازم الحضور خبر بدهند که بدون معطلی اقدام برؤیت امور بشود جای اقامت و روز تفتیش

کمیسیون را از آنجا معین و بذات عالی اطلاع خواهد داد مورخه ۲۷ شهر ذیحجه ۱۳۱۲

رئیس کمیسیون تحدیدیه ایران

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۱۵

موضوع: محکومیت اسماعیل پسر قورو در کمیسیون

تاریخ: ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۱۲ هـ.ق مطابق ۹ حزیران ۱۳۱۱

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۲

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

اسماعیل پسر قورو که در محضر کومیسیون دولتین علیتین ایران و عثمانی محکوم است. حالا در ماکو هم مظهر بعض فسادات شده و مقصر است و از ترس مجازات خیال نقل خانه به خاک دولت علیه عثمانی دارد. لهذا متمنی است که به عموم رؤسای عشایر امر و مقرر فرمایند که از او تصاحب نکرده و بلکه به ذات‌عالی خبر بدهند که گرفتار شده و به مجازات خود برسد. مورخهٔ ۲۷ شهر ذیحجه ۱۳۱۲ مطابق با ۹ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

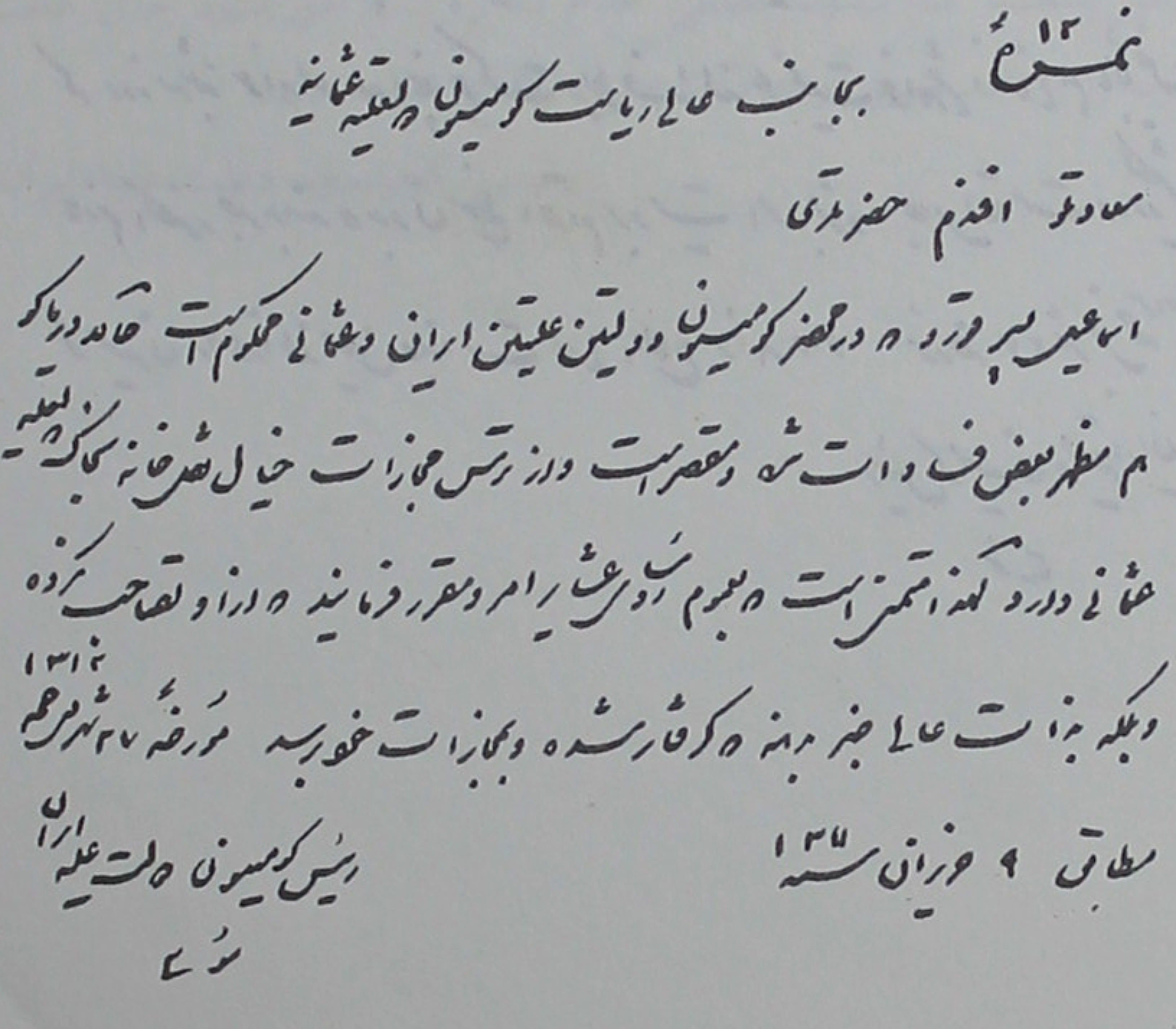
نمره ۱۲
بجانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری
اسماعیل پسر قورو که در محضر کومیسیون دولتین علیتین ایران و عثمانی محکوم است حالا در ماکو
هم مظهر بعض فسادات شده و مقصر است و از ترس مجازات خیال نقل خانه بخاک دولت علیه
عثمانی دارد لهذا متمنی است که بعموم رؤسای عشایر امر و مقرر فرمایند که از او تصاحب نکرده
و بلکه بذات عالی خبر بدهند که گرفتار شده و بمجازات خود برسد مورخهٔ ۲۷ شهر ذیحجه ۱۳۱۲
مطابق ۹ حزیران سنه ۱۳۱۱
رئیس کومیسیون دولت علیه ایران
موسی

شمارهٔ سند: ۳۱۶

موضوع: نقل خانه نمودن اسماعیل عروسانی به خاک عثمانی

تاریخ: ۱۰ حزیران ۱۳۱۱ (۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۱۲ هـ.ق)

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ ایران

سعادتلو افندم حضرتلری

در خصوص نقل خانه نمودن اسماعیل قورو نام عروسانی به این طرف برای گرفتاری او اعطای حکم به اشخاص مقتضیه به مشیریت جلیله اردوی چهارم و ولایت جلیلهٔ وان با تلغراف عرض شده است و این مراسله را در جواب تحریرات علیهٔ مورخه ۹ حزیران ذات عالی نوشته و به این وسیله تأکید مصافات مبادرت می نماید. فی ۱۰ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولت علیه سی قومسیونی ریاستی جانب عالیسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

قومسیون مجلسی محکوم اولدن عروسانلو اسماعیل قورو نك بر وطرفه نقلخانه ایتمسیله برابر

درحبس و تسلیمی ایچون اقتضا ایدنلره امر اعطاسی دردنجی اردوی همایون مشیریت و وان

ولایت جلیله لرینه تلغرافله عرض قلنمش اولدیغنی فی ۹ حزیران سنه ۱۳۱۱ تاریخلو تحریرات

علیه لرینه جوابا بیان و بو وسیله ایله تأکید مصافاته مبادرت ایلرم فی ۱۰ حزیران

سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون

سیداحمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۱۷

موضوع: دعاوی عشایر طرفین

تاریخ: ۳ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق مطابق ١٤ حزیران ۱۳۱۱

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۳

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

در این اوقات که هر دو هیئت محترمهٔ کومیسیون دولتین علیتین ایران و عثمانی برای انتظام این صفحات و تسویهٔ دعاوی عشایر طرفین در اینجاها اقامت دارند، مدیر ایل شمسکی سعدون آقا و کسان او هر روز و هر شب از هیچ گونه تعدیات و تجاوزات نسبت به تبعه و اراضی دولت علیه ایران مضایقه نکرده و حتی پریشب که ذات‌عالی در اینجا تشریف داشتند، به‌رأی‌العین مشاهده فرمودند که کسان شمسکی در اول شب اغنام قطور را کشیده و بردند و اهالی قطور تعاقب نموده و اغنام را آوردند اراضی قطور هم حد خاک شمسکی و مرزکی است و این هر دو طایفه باهم خویش و قوم بوده و به هیچ‌وجه در تعدیات و تجاوزات فروگذاری نمی‌کنند و مخلص برحسب مواعید شفاهیهٔ ذات‌عالی و رعایت همجواری و اتحاد دولتین علیتین تفصیل اعمال سیئهٔ این اشخاص را به مراجع عالی عرض نکرده و اهالی قطور را حتی‌الامکان از اقدام به معاملهٔ متقابله ممانعت می نماید. ولی تعدیات این دو طایفه از حد اعتدال گذشته و ممانعت اهالی قطور از حوزهٔ اقتدارم خارج شده است. دیروز که روز سه‌شنبه ۲ محرم بود، از ایل شمسکی و از اهل قریهٔ پانمریک سه پسر فندو نام هرتوشی و قاموولد جهانگیر عموزاده سعدون آقا و عبدال و مصطوولدان علی وسیمو ولدحسو با شانزده نفر پیاده از کسان سعدون آقا سه ساعت به ظهر مانده به قریهٔ کرنویک من قرای قطور هجوم کرده و سی و ذو رأس گاو و گاومیش آنها را برده‌اند. از اهالی ده تعاقب کرده و موفق به استرداد حیوانات نشده‌اند. وقوع این گونه مسائل با وجود اقامت هر دو هیئت محترمهٔ کومیسیون در اینجاها از طرف اشرار اکراد منتهای قباحت را داشته و بالأخره منتهی به اشکالات کثیره و زحمات اولیای دولتین علیتین خواهد بود. لهذا زحمت‌افزا می شود که اگر تا فردا این وقت یعنی در ظرف بیست

چهار ساعت قراری در استرداد همهٔ اموال مغصوبه اهالی قطور و تنبیه اشرار داده نشود، مخلص خود را از مسئولیت برکنار دانسته و از ممانعت اهل قطور به معاملهٔ متقابله عاجز خواهد بود. مورخه ۳ شهر محرم‌الحرام ۱۳۱۳ مطابق ۱٤ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

نمره ۵

بجناب عالی ریاست کمیسیون ثلاثیه عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

در این اوقات که هر سه هیئت محترمهٔ کمیسیون دولتین علیتین ایران و عثمانی برای

انتظام این صفحات و تسویهٔ دعاوی عشایر طرفین در اینجاها اقامت دارند خبر رسید
که شیخ سعدون آقا و کسان او هر روز و هر شب از هیچگونه تعدیات و تجاوزات نسبت
بجمعیت دو راجی و تبعهٔ ایران مضایقه نکرده و حتی پریشب که ذات عالی در اینجا تشریف داشتند
برای ابلیس شده فرمودند که کسان شیخ در اول شب اغنام قطور را کشیده و بردند
و اهالی قطور تعاقب نموده و اغنام را آوردند در اراضی قطور هم چه خاک شیخ و مرزکان است
و این هر دو طایفه با هم خویش و قوم بوده و هیچوجه در تعدیات و تجاوزات فروگذاری
نکرده و حتی بموجب مواعید شفاهیهٔ ذات عالی و رعایت مجری داشتن دولتین علیتین
تفصیل اعمال سیئه این اشخاص را بجناب عالی عرض کرده و اهالی قطور را حتی الامکان
از اقدام بمعاملهٔ متقابله ممانعت مینمایم ولی تریاست [illegible] این دو طایفه از همه
اعمال گذشته و ممانعت اهالی قطور از حدود اقدام خارج شده است دیروز که
روز سه شنبه ۲ محرم بود از [illegible] وارد قریهٔ [illegible] نام [illegible]
و قابر وله جهانگیر [illegible] زاده سعدون آقا و عبدال و مصطفی [illegible]
شده ده نفر با دویست [illegible] کسان سعدون آقا سر ساعت [illegible]
قطور هجوم کرده [illegible] کاو و گاومیش آنها را برده اند [illegible] تعاقب کرده
[illegible] حیوانات نشده اند وقوع اینگونه مسائل با وجود اقامت هر سه هیئت
محترمه کمیسیون در اینجاها از طرف اشرار اکراد [illegible] قباحت را داشته و باعث
انکسارات کثیره در خاطرات اولیای دولتین علیتین خواهد بود لهذا زحمت افزا میشود
که اگر تا فردا این وقت نیز از طرف ... جهار ساعت فوری در استرداد همه
اموال منهوبهٔ اهالی قطور و تنبیه اشرار داده نشود مخلص خود را از مسئولیت برکنار دانسته
و از ممانعت اهالی قطور بمعاملهٔ متقابله عاجز خواهد بود مورخه ۳ شهر محرم الحرام ۱۳۱۳
مطابق ۱۴ حزیران ۱۳۱۱

رئیس کمیسیون ملوکانه دولت علیه ایران
[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۱۸

موضوع: اظهار کمیسون عثمانی مجهول بودن وقایع سرقت

تاریخ: ۱٤ حزیران ۱۳۱۱ (۳ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق)

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ ایران

سعادتلو افندم حضرتلری

جواب تحریرات علیهٔ شدیدهٔ مفصلهٔ مورخهٔ ۳ محرم ۱۳۱۳ ذات‌عالی است موادی که در تحریرات مذکوره مندرج است، در پیش ما مجهول و در اینکه در میان این دو عشیرت سبب فساد طایفهٔ عروسانی که متشبث به وقوعات اولیه بوده‌اند هستند امر واضحی است و در تحریرات امروزه در صورتی که در خصوص اینها ارائهٔ معامله شده بزرگ و معتنابه شمردن کار را به سهوالقلم حمل می‌نماید با وجود این مأمور مخصوص در نزد ادهم آقا که حامل تحریرات بود فرستاد و در صورت شدیده به سعدون بیک اشعار شد جوابی که گرفته و تحقیقاتی که به عمل آورده خواهد شد مسارعت به ایجاب حالی بدیهی است. فی ١٤ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولت علیه‌سی قومسیونجی رئیسی جانب عالیلرینه

سعادتلو افندم حضرتلری

۲۳ محرم تاریخیله وارد جانب غزانه اولان تحریرات علیه‌لرنده مفصلاً لرینه جواباً تحریرات
مذکوره‌ده مندرج مواد بر جهت مجهول و بو ایکی عشیرت آره‌سنده سبب فساد ایلک
وقوعاتنه متشبث اولدن عربانلری والدیغی آمر واضح اولمشدر و بو کیکی تاریخلیه
مؤرخ تحریراتده بونلرک حقنده‌کی معامله کوسترلمش ایکن اینلر بر طاقم اعظام
اولنمش متهم قلنان ایلرو کلنلرکنه حکم اولنمشدر مع ما فیه تحریراتک حاملی بولنان
آدم آغا حضرتلرینه مأمور مخصوص بش یوز و صورت شد بنده متعدد بکه اشعار قلنمشدر
النه‌جه جزاء وابدیله حکم تحقیقاً اوزرینه ایجاب حاله مسارعت قلنه‌جغی
بدیهی ایدوکی بیانی تاکید مبانی مودت وسیله اتخاذ قلندی فی ۱۴
حزیران سنه ۱۳۲۱

رئیس قومسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۱۹

موضوع: سرقت احشام از قریه کرنویک قطور

تاریخ: ۵ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق مطابق ۱۶ حزیران ۱۳۱۱

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

جواب نمرهٔ ۱۴

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

تحریرات علیهٔ جوابیهٔ مورخهٔ ۱۴ حزیران ماه رومی ۱۳۱۱ با کمال احترام مطالعه گردید و در باب سی و دو رأس گاو و گاومیش اهالی قریهٔ کرنویک من قرای قطور که به تحریک سعدون آقا و به طور جبر و زور اسلحه سرقت شده است. اظهارات مخلص را به واسطهٔ اینکه قرار معامله شفاهاً داده شده بود و مخلص در تحریرات امروز کار را قدری بزرگ و معتنابه شمرده است، حمل به سهوالقلم فرموده و مرقوم می فرمایند که سرقت این حیوانات به کومیسیون دولت علیهٔ عثمانی مجهول است. اولاً درمجهول بودن آن، جای شبهه و تردیدی نیست. زیرا سارق و مرتکب غصب و غارت هیچگاهی نمی تواند قبل از وقت سایرین را از خیال خود مستحضر بدارد و در صورت اطلاع غیر محقق است که از اجرای مکنون خاطر خود بازخواهد ماند. ثانیاً اهمیت و معتنا بودن این سرقت را که حمل به سهوالقلم فرموده‌اند، جای منتهای حیرت است. به جهت اینکه اگر قدری به نظر انصاف و حقانیت ملاحظه فرمایند، مخلص را حق خواهند داد که مذاکرهٔ شفاهی مخلص و ذات‌عالی به هیچ وجه من الوجوه دخلی به مسئلهٔ سرقت و جبر و غصب و غارت نداشته تنها در خصوص حیواناتی که از طرف شمسکی و اهالی قطور به طور رهن از همدیگر نگاه داشته شده است مذاکره و قرار ردّ و بدل آن شفاهاً داده شد. نه اینکه اهالی شمسکی سه ساعت به ظهر مانده علناً به قریهٔ کرنویک هجوم و گاو و گاومیش آنها را غصب و غارت و اهالی کرنویک به تعاقب آنها رفته و در نزدیکی قریه پانمریک اهالی قریهٔ مزبوره ذکوراً و اناثاً با تفنگ و شمشیر و سایر اسلحه و چوب به آنها حمله و از تعاقب و استرداد اموال خودشان ممانعت بکنند. اگر چنین چیزی در مذاکرهٔ شفاهیه مخلص و ذات‌عالی بوده است، بیان فرمایند. والا در صورتی که هنوز برحسب مذاکرهٔ

شفاهی ذات عالی در استرداد حیواناتی که به طور رهن نگاه داشته‌اند قراری نداده و علناً مرتکب سرقت می‌شوند نسبت سهوالقلم به تحریرات مخلص دادن را به کدام قانون دولتی حمل می‌توانند فرمود نمی‌داند. وانگهی باز اگر به نظر انصاف و حق‌بینی ملاحظه فرمایند، خواهند دانست که ذات‌عالی و مخلص که برای تسویه و تمیز کردن دعاوی سنواتی عشایر طرفین مأمور شده‌ایم، نمی‌توانیم راضی شد که دو نفر از اشرار اکراد در حضور این دو هیئت کمیسیون مظهر انواع فسادات و اغتشاشات شده و مملکت همجوار طرفین را به تصور واهی و اجرای خیالات خبیثهٔ خود از انتظام و آسایش و امنیت خالی نمایند. مورخه ۵ محرم‌الحرام سنه ۱۳۱۳ مطابق ۱۶ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

نمره ۱۳

جواب — بجانب عالی ریاست کمیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

تحریرات علیه جوابیه مورخه ۱۴ حزیران ماه رومی ۱۳۱۱ را با کمال احترام ملاحظه کرده ملتفت
شده، راجع به کار و کادیشن اهالی قریه کردزنگ و قرار قطور و تجار سعدون آقا بطور جبر
در روز سرقت شده است اظهارات مخصوص به واسطه اینکه قرار مسامحه شغادا داده شده بود
و مخصوص هم تحریرات امروز کار را هرتری بزرگ و معاف به ثمر داده است حتی بعد القتل فرستاده (ارسال)
مرقوم نموده‌اند که سرقت این حیوانات کمیسیون دولت علیه عثمانیه مجهول است اولاً در
مجهول بودن آن جای شبهه و تردید نیست زیرا سارق و مرتکب غصب و غارت چهار
نفرند قبل از وقت سارقین را از خیال خود مستحضر دارد و در صورت اطلاع غیر
محقق است هرروز جرأت نمی‌کنند خاطر خود باز خواهند داد ثانیاً اهمیت و معافیت دادن
سرقت را هم بعد القتل و نهادن جای تعجب و حیرت است بجهت اینکه کو قرار نظر
انصاف و حقانیت مدحت‌فطانه مخصوص سرقت خواهند داد همانکه شغادهای مخصوص دزد تاتالی
به هم برسانند و منع مستوفی سرقت و جبر و غصب و غارت نداشته شما درخصوص حرکات
که به طرف شیخ و اهالی قطور بطور رهن از همدیگر نگاه داشته شده است همانکه و قرار
و بدل آن شغادا داده شده تا اینکه اهالی شیخ به ساعت نظر داده همانا تعرفه کردزنگ
هم مرکار و کادیشن آنها را غصب و غارت و اهالی کردزنگ تعاقب آنها رفته در
رودخانه قریه با نزدیک اهالی قریه مزرعه دکرد و ... با تفنگ و شمشیر و سایر اسلحه جلوی آنها
هم و از تعاقب و استرداد اموال خویشان ممانعت کرده‌اند اگر چنین چیزی درمیان که
شغادهای مخصوص دزد تاتالی بوده است بیان فرمایند والله در صورتیکه هنوز برحسب همانکه
شغادهای دزد تاتالی در استرداد حیوانات به طور رهن نگاه داشته لازم قراری نداده و معافی مرتکب
سرقت می‌شوند نسبت بعد القتل به تحریرات مخصوص دادن به کدام قانون حق جبر داده
و نسبت می‌دهند اگر نظر انصاف و حق‌بینی مدحت‌فطانه خواهند داشت هم تاتاقی
و مخصوص هم برای تسویه و تمیز کردن دعاوی مستوفی تا تعاشر طرفین مأمور شده‌ایم من اراده من شده
که دو نفر را بیشتر از دو حضرات هیئت کمیسیون منظور از رفع و دست ... شده
شده و ممکنت همواره طرفین را ... خیر دولت فخیمه ... آسایش
و رفاهیت اهالی خانیه. مورخه ۵ محرم الحرام ۱۳۱۳ مطابق ۱۵ حزیران ۱۳۱۱

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

م ح

شمارهٔ سند: ۳۲۰

موضوع: استرداد مواشی و اشیای مغصوبه اهالی صلاخانه

تاریخ: ۱۴ حزیران ۱۳۱۱

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیه ایران

سعادتلو افندم حضرتلری

در خصوص مواشی که اهالی صلاخانه و قطور و حبشی از همدیگر به طور رهن گرفته نگاه‌داشته‌اند، بر حسب مذاکرهٔ شفاهیه که در قطور داده شد در مواصلت مخلص به سرای به سعدون‌بک رئیس عشیرت شمسکی نوشته شد و در تحریرات مومی الیه که جواباً وارد شده است اشعار نموده است که تا مواشی آنها استرداد و به سرای فرستاده نشود، مواشی اهالی قطور و حبشی به اصحاب آنها کارسازی نخواهد شد و خود سعدون‌بک به مناسبت و واسطهٔ جمعیت ولیمه که در این روزها در کار است جلب و احضار نمی‌تواند شد و بعدالولیمه احضار خواهد گردید. و برای اینکه بعد از این از طرفین به این گونه حرکات تصدی و مباشرت نشود، چنانچه در آنجا مذاکره شده است نوشتن یک حکم مضبطهٔ در خصوص استرداد مواشی و اشیای مغصوبه اهالی صلاخانه و مواشی که از طرفین به طریق رهن نگاه‌داشته‌اند لازم است. ولی چون اسامی غاصبین را که از عشیرت عروسانلو است نمی‌داند مضبطه را ننوشته و به موجب قراری که سابقاً داده شده است، تنظیم و ارسال مضبطه مزبوره را در آنجا برای دوام وداد و مخالصت وسیلهٔ حسنه اتخاذ می‌نماید. فی ۱۴ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون: سیداحمد حمدی

دولت علیهٔ ایرانیه قونسلوسخانه‌سی ریاست جانب عالیسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

صلاحخانه‌لولر طرفندن ایرانلیلردن وقطویر حبشی لولر طرفندن آلنان مواشی حقنده
قطویره اولنان مذاکره شفاهی اوزرینه سرایه مواصلت مخلصلری شمسکی عشیرتی
رئیسی سعدون بکه یازلمش و جواباً ویردیکی تحریراتنده کندیلرینک مواشیلری
بالادخن سرایه کتوریلدیکجه اهالی مرقومه‌یه تأمین اولنه‌جغی اشعار قلنمقده
و بو مومی الیه سعدون بکک ایسه شوارلق ویکه جمعیتی مناسبتیله جلب اولنه‌
درکار و تعداد اولنیه جلب و تفهیم ایدیله‌جکندن تعدارینک طرفیندن بو مثللو
حرکاته تصدی ایتمامک ایچون ایثبات تعجیل و حکمی الزمینه نظراً اراده ایدلدن
مذاکره و جمله طرفینک کراده طرفیله آلنان مواشی و صلاحخانه‌لولرک غصب
مواشی واشیاسنک استرداد حقنده بر حکم مضبطه‌سی یازلمش اولدیغی

فقط غاصب عروسانلولر اسمی یازدیغم جمله مضبطه‌سی یازلدیغندن کچیدی
وبیلادن قرار و جمله اراده مضبطه‌نک تنظیم وارسالی دوام ویداوی خلاصه‌سنه
و سبله حسنه اتخاذ ایلدم فی ۱۴ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس قونسولوس
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۲۱

موضوع: غصب حیوانات قطور توسط اهالی شمسکی و عمل متقابل به آنها

تاریخ: ۵ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق مطابق ۱۶ حزیران ۱۳۱۱

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۵

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

تذکرهٔ مورخ ۱۴ حزیران ماه رومی ۱۳۱۱ واصل ایادی تسهیل و تعظیم گردید. در باب حیوانات قطور که از طرف اهالی شمسکی به طور رهن غصب شده و از جانب اهالی قطور هم معاملهٔ متقابله مجری گشته است، مرقوم می فرمایند که سعدون‌آقا در جواب تحریرات ذات‌عالی اظهار داشته است که باید مواشی آنها به سرای فرستاده شود. و چون سعدون مومی الیه ولیمه دارد احضار او به سرای و تفهیم مطلب مشکل است. لهذا محض تسهیل کار یک حکم مضبطه لازم است و چون ذات‌عالی اسامی عروسانلوها را نمی دانند، تسویهٔ حکم مزبور را به عهدهٔ مخلص واگذاشته اند. اگرچه شفاهاً چنین قراری داده شده است و مخلص قرارداد شفاهی خود را معتبرتر از یک مضبطه که حاوی صد مهر شهود بوده باشد می داند. ولی اگر به نظر انصاف ملاحظه فرمایند، حق خواهند داد که حالا اجرای قرارداد شفاهی مزبور بکلی از حوزهٔ تکلیف مخلص خارج گردیده است. زیرا قرار مذکور منحصر به استرداد حیوانات مرهونه بود و در صورتی که مدیر شمسکی به این قرار متقاعد نشده و امور دولتی را به واسطهٔ جمعیت ولیمه و عشرت خود کان لم یکن محسوب داشته و به دعوت ذات‌عالی اجابت ننماید و از این طرف اهالی شمسکی علناً و به‌طور جبر و زور اسلحه مرتکب سرقت از اهالی قطور و مخل آسایش و امنیت اهالی مزبوره می شوند، در امضای حکم مضبطه وظیفه برای مخلص باقی نمی ماند. لهذا محض سهولت تسویهٔ کارها و ارائهٔ منتهای اتحاد و مرافقت با ذات‌عالی و رعایت حسن همجواری به امضای حکم مضبطه هم موافقت نموده و تسویهٔ آن را از ذات‌عالی تمنا می نماید و اسم غاصب حیوانات شمسکی به قول اهالی شمسکی که به مخلص تقریر کرده‌اند، نعمویت نام عروسانلو است. این فقره را هم محض استحضار

خاطر عالی زحمت می دهد که سه روز است قریب چهل نفر سواره و پیاده اهالی شمسکی و مرزکی را در اراضی مختلفه قطور دیده و خبر آورده‌اند و هنوز به واسطهٔ مواظبت و حراست اهالی قطور موفق به دستبرد نشده‌اند. مورخه ۵ محرم‌الحرام ۱۳۱۳ مطابق ۱٦ حزیران ماه رومی سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

نمشلغ بجانب عالی ریاست کمیسیون تحقیقیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

بتذکره مورخ ۱۰ حزیران ماه رومی ۱۳۱۱ واصله اولیای دولت علیه تعظیم کردید در باب حیوانات
قطور که از طرف اهالی مسکی بطور راهزنی غصب شده و از جانب اهالی قطور هم معامله متقابله
مجری گشته است مرقوم فرموده بودید که سعدون آقا در جواب تحریرات دوستانه اظهار
داشته است که باید مواشی آنها برای فرستاده شود و چون سعدون ترکی است و لیکن وارد
او برای و تفهیم مطلب متعذر است لهذا محض تسهیل کار یک حکم مضبطه لازم است و چون
دولتین علیتین اسامی عودت مالها را فرموده اند ترتیب حکم مزبور را بعهده محض دولتین گذاشته اند اگر هم
شفاها چنین قراری داده شده است محض قرار داد شفاهی خودرا معتبر تر از یک مضبطه
که حاوی صد مهر بوده باشد میدانند ولی اگر بنظر انصاف ملاحظه فرمایند حق خواهند داد
که حالا اجرای قرارداد شفاهی مزبور بکلی از حوزه تکلیف محض خارج گردیده است
زیرا قرار مذکور منحصر باسترداد حیوانات مرهونه بوده در صورتیکه مسکیها باین قرار عقیده ندیده
او مورد حقوق روابط جمعیت و لیمه و عشیرت خود کان لم یکن محسوب داشته و با وجود تقاضای دولتی
اجابت ننمودند و از اینطرف اهالی مسکی صفاً و بطور جبر و زور مسلحه مرتکب سرقت از
اهالی قطور و مخل آسایش و امنیت اهالی مزبوره میشوند و در امضای حکم مضبطه وظیفه‌ای
محض نتیجه نمیدهد لهذا محض سهولت ترتیب کارها دولتین متفق اتحاد در اینخصوص با تقاضای
و رعایت حسن همجواری با امضای حکم مضبطه هم موافقت نموده و ترتیب آن را از
دولتین تقاضا مینماید و اسم صاحب حیوانات مسکی بقول اهالی مسکی همینطور تحریر
کرده اند نفر بنفر نام مذکور ساخته است این فقره را هم محض استحضار خاطر عالی زحمت
میدهد که سه روز است قریب چهل نفر سواره و پیاده اهالی مسکی دو مرتبه از راه حمله
حمله قطور دیده و خبر آورده اند و هنوز بواسطه مواظبت و حراست اهالی قطور ترکی
بر نگردیده اند مورخه ۵ محرم الحرام ۱۳۱۳ مطابق ۱۶ حزیران ماه رومی سنه ۱۳۱۱

رئیس کمیسیون ایران

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۲۲
موضوع: پرداخت دیت اهالی کرنویک به شمسکی
تاریخ: ۱۶ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیه ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

در باب مسئلهٔ غصب گاوهای قریهٔ کرنویک فرستادن مأمور مخصوص را به نزد اهالی شمسکی در تحریرات سابق خود بیان نموده بود صادق آقا ضابطه که مأمور این کار بود، این دفعه عودت بنا به تقریر صادق آقا و خود شمسکی گاوهای مذکور به طریق جبر و غصب گرفته نشده بلکه در عوض دیت شرعیهٔ یک نفر از اهالی شمسکی که پارسال در قریهٔ کرنویک به قتل رسیده است، اهالی قریه مزبوره به رضا و رغبت خودشان داده‌اند و علاوه بر این بودن دو نفر مقتول دیگر را در قراتین مخین‌وزدی من قرای قطور و مطالبه دیت شرعیهٔ آنها را نیز بیان می‌کنند. لهذا مواجهه اهالی کرنویک با اهالی شمسکی لازم و برای اینکه مسئله مواشی که در این باب از عشایر طرفین به طریق رهن گرفته شده است با هرگونه دعاوی که فی‌مابین شمسکی‌ها و اهالی قطور است، قطع و فصل شده و قرار آن داده شود روزی را تخصیص فرموده و کدخدیان و ریش‌سفیدان قرای کرنویک و مخین‌وزری را نیز احضار بفرمایند و اشعار کیفیت را در ضمن احضار آنهایی که از اهالی شمسکی لازم است، برای تأکید مبانی مودت وسیله مخصوصه عد می‌نماید. فی ۱۶ حزیران ۱۳۱۱

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

دولت علیه ایرانیه قونسلوسی مرباشی جانب عالیلرینه

سعادتلو افندم حضرتلری

کرکوکدن آلنان اوکوزلر مسئله‌سنک طی ایچون شمسکی زمره‌سنه مأمور مخصوص کوندریلدیکی
اولکی کون یازیلان تحریرات مخلصیده بیان ایتمشیدم اولبابده مأمور اولان
ضابطه مأموری صادق آغا بو کره عودت ایله کندیسنک شمسکیلره افاده‌سنده
مذکور اوکوزلر جبر وغصب صورتیله آلنمیوب بوندن بر سنه اول شمسکیدن
بر نفر کرکوکلیده قتل اولنه‌رق اهالی ترکمنه دیت شرعیه بدلندن
مصالحه ایله بو اوکوزلر ویرلدیکی وقطعیاً تابع حکومت قریه‌سنده وزیری قریه‌سنده
دخی ایکی وجه ایکی مقتوللری بولنه‌رق انلرده دیت شرعیه‌لرینی طلب
ایتمکده وبو قتل ماده‌سی عموم قطعیه‌لر معلوماتلری تحتنده بولندیغنده
علاوه بیان ایتمکده اولمسنه بناءً کرکوکلیلر ایله شمسکیلر مواجهه ایتدیرلمک لزوم
کلمه حکمندن بو بابده طرفینک عشایرنجه کرک داغ اوقاتی ایله بو مسئله‌نک تحصیل
شمسکی ایله قطعیه‌لر اراسنده نه دعوا وار ایسه کسدیرلمک وقراری اعطا قلنمق
اوزره بر کون تخصیصی صورتیله ترک کرکوکلی زمره‌سی ودخی قریه‌لرینک مختارلری
واختیارلرینک بولندیرلمسی وشمسکیدن ایجاب ایدنلرک احضاری لزومی ضمننده
کیفیتک اشعاری تأکید صافی مودته وسیله مخصوصه عد ایلدم فی ۶ حزیران ۱۳۱۱

رئیس قومسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۲۳
موضوع: غصب احشام قریهٔ کرنویک به وسیلهٔ اهالی شمسکی
تاریخ: ۷ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق مطابق ۱۸ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

جواب نمرهٔ ۱۷

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ مورخهٔ ۱۶ حزیران سنهٔ ۱۳۱۱ با کمال تکریم مطالعه گردید. و در باب اقدام اهالی شمسکی به غصب و غارت سی و دو رأس گاو و گاومیش اهالی کرنویک من توابع قطور که روز روشن به قوهٔ جبریه و زور اسلحه شده است، مرقوم فرموده‌اند که به تقریر صادق آقا مأمور ضابطه و اهالی شمسکی حیوانات مذکوره به طور غصب برده نشده و در عوض دیت شرعیه یک نفر از اهالی شمسکی که در قریه کرنویک به قتل رسیده بوده است، سکنهٔ کرنویک به رضا و رغبت خود حیوانات را داده‌اند. این فقره زیاده از حد مایه تعجب گردید که مسئله به این وضوح را به تقریر مدعی در این صورت بیان فرموده و باور کردن و اطمینان مخلص را هم ضمناً مایل هستند از خود ذات والا سؤال می نماید آیا دادن دیت شرعیه فرستادن بیست چهار نفر شمسکی که اسامی آنها در ضمن مراسلهٔ رسمی اولی مخلص مندرج است به قریهٔ کرنویک لازم و هجوم کردن تمام اهالی پانمریک به اهالی کرنویک و دعوا نمودن این دو طایفه با همدیگر از جمله ضروریات تحصیل دیت شرعیه بوده است. مخلص را تاکنون ضرورت این مسئله شرعاً و قانوناً مدلل نشده و از ذات والا استیضاح می نماید. وانگهی اگر حقیقتاً اهالی شمسکی ادعای خون مقتول از اهالی کرنویک و مخین‌وزری من قرای قطور داشته‌اند تحصیل دیت آنها مقتضی ابراز جبر و قوه حربیه نبوده است می‌توانستند به ذات والا که از طرف دولت علیهٔ عثمانیه مأمور تسویه امور عشایر هستند مراجعت نموده و احقاق حق خودشان را بخواهند. اینکه مرقوم فرموده‌اند که تخصیص یوم معینی شده و به این دعاوی رسیدگی گردد محض منتهای همراهی به اظهارات والا و اثبات کذب اقوال شمسکی‌ها بعد از دهم این ماه محرم هر روزی را قرار می دهند سعدون‌آقا مدیر شمسکی که مدعی این گونه اباطیل

است، در قطور در محضر والا حاضر بشود. کسان لازم هم از قریه کرنویک و مخین ورزی احضار خواهند شد که به اطلاع مخلص و والا رسیدگی گشته و قطع مایقال شود.
مورخه ۷ محرم‌الحرام ۱۳۱۳ مطابق ۱۸ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی
سواد مطابق اصل است ــ مهر موسی بن‌علی

نمره ۱۷ بجواب عالی ریاست کمیسیون تحقیقاتیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسله مورخه ۵ شهر ... ۱۳۱۱ را با کمال احترام مطالعه کردیم قطاع الطریق اهالی شمسکی
بعضی عبارات مندرجه ... اهالی کرزنگ از توابع قطور در روز روشن
بقوه جبریه و زور اسلحه ... مرقوم فرموده‌اند به تقریر صادق آقا ... رضا
شمسکی حیوانات مذکوره بلا غصب برده نشده و در عوض دیت شرعیه یک نفر از اهالی شمسکی
که در قریه کرزنگ بقتل رسیده بوده است سکنه کرزنگ رضا و رغبت خود حیوانات
داده‌اند این فقره زیاده از حد مایه تعجب گردید که مسئله باین وضوح را بتقریر ...
در حضرت ... باور کردن و اطمینان ... حتما ...
سؤال میفرمایید آیا دادن دیت شرعیه ... چهار نفر شمسکی که ...
در ... تاراج اهالی
... کرزنگ ... این طایفه ... ضرور ... تحقیق
دیت شرعیه بوده است ... اکنون ضرورت ... شرعا و قانونا ...
... استیضاح میفرمایید ... اگر حقیقتا اهالی شمسکی ادعای خون ... از
اهالی کرزنگ و همچنین ... قطور داشته ... تحقیق دیت آنها ... از
قوه جبریه ... است ... از طرف دولت علیه عثمانیه ...
... حق خودشان را بخواهند آنچه مرقوم فرموده‌اند ...
... شده ... که ... ثابت
... شمسکی
که ... حاضر شود ... از قریه کرزنگ
و همچنین ... گشته و قطع ... شود

مورخه ۷ محرم الحرام ۱۳۱۳ مطابق ۱۸ ... ۱۳۱۱ رئیس کمیسیون تحقیقیه ایران

... صادق ...

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فصل ۴

عشایر سرحدی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

شمارهٔ سند: ٣٢٤
موضوع: علی آقای شکاک و ریاست ایل
تاریخ: ٢٩ ذیقعده ١٢٧١ هـ.ق
کارتن: ٧
پرونده: ع/١.٢

عالی جاها مجدت و نجدت همراها دوستا مکرما

در باب عالی جاه علی آقای شکاک تفصیلی با دوستدار گفتگو و مکالمه نمودید. الان صریح به شما می نویسم به هر طور که مصلحت می دانید بنویسید و مشارالیه را مطمئن و خاطرجمع کنید سوار شده بیاید، از دوستدار ان شاءالله تعالی محبت خواهد دید. باز خلعت داده آقایی ایل شکاک را به مشارالیه خواهم داد چون پای آن دوست کرده در میان است، البته سوار شده بدون حالت معطّلی خواهد آمد. از دوستدار نسبت به خودش محبت مشاهده و ملاحظه خواهد نمود، چون در باب مشارالیه تفصیلی گفتگو نمودید، علی هذا به وجه اختصار در عالم دوستی نوشته زحمت داده البته راه اطمینان دادن او را که بیاید و دوستدار را ملاقات کند، آن دوست مهربان بهتر می دانند. زیاده زحمتی ندارد تحریراً فی بیست و نهم شهر ذیقعدهٔ ١٢٧١.

پشت نامه مهر، محمدصادق

عالیجاه مجدت و نجدت همراه اخوی دوستا مهربانا

در باب عالیجاه میرزا آقای اشکاک تفصیلی در بسته ارگ عشق و مکالمه نعیم الدوله صاحب انگلیس می نویسیم

به طور مصلحت همه این نوشته را الحال نوشته‌ها را مطمئن و خاطر جمع کرده به سیف‌الدوله بنویسید که اراده‌ای دارد شما را الحال کی محبت خواهد نمود

باز حقیقت حالت آقای اشکاک را الان خواهیم دانست که چون بای الحال در کسب و ربانیت ایشان است

دور نشده بر دولت حالت معطل خواهد ماند و در بسته ارگ نیست که حکمی به مبارکه و مشاهده خواهد نمود

چون در باب شما الحال تفصیل گفتگو نمودیم هر گز توجه ما به حضور عالم دیگری نوشته حضرت اقدس والا ارواحنا فداه الحال

۱۲۷۱

اوراق باید و در دستور العمل ملاحظه آنها فرموده اند آن دوست ... با نهایت مهربانی به جمیع شما ... زحمت کشیده‌اید در حدود

شمارهٔ سند: ۳۲۵
موضوع: علی آقا شکاک سرحددار
تاریخ: ۲۹ ذیقعده ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ع/۱۲

نامهٔ شهبندر عثمانی در تبریز به علی آقا شکاک

عالی جاها دوستا مهربانا، اگرچه دوستدار شما را ملاقاتی نکرده است ولیکن غایبانه محبت و میلی به شما دارم که همیشه مشتاق ملاقات آن عالی جاه است، از صداقت و کاردانی که در سرحد دولتین علیتین دارید، دوستدار را در خصوص شما حسن ظنی حاصل می باشد. علی هذا، می باید که اظهار رضامندی و ممنونیّت از شما به امنای دولتین علیتین بکند و چون این روزها مدعیهای شما تقریراً و تحریراً در خصوص شما خدمت جناب جلالت‌مآب آقای قائم‌مقام دام مجده العالی پاره[ای] حرفها گفته بودند که عالی جاه علی آقا نه به ارومی خواهد رفت و نه به تبریز خواهد آمد و مبلغی از مالیات باقی دارد و نخواهد داد به همین جهت این روزها عالی جاه احمدآقا محبوس بود و کاغذی در بیان احوال به دوستدار نوشت به محض ملاحظهٔ دوستی و محبت و میلی که به شما دارم، لازم دانستم که در این باب با جناب قائم‌مقام صحبتی بکنم الحق ایشان را در کمال التفات دربارهٔ شما دیدم با اینکه مدّعی ها پاره[ای] حرفها گفته بودند آخر قرار بر این شد و دوستدار را اطمینان دادند که عالی جاه علی آقا به تبریز آمده و جمیع مطالب خود را اظهار داشته موافق دلخواه شما و او همه را جابجا کرده قراری که باید گذاشته شود و مال و جان و همه چیز او در امان باشد.

دوستدار هم در عالم دوستی چنین مصلحت دانست که به شما زحمت بدهد و این دو کلمه را بنویسد، که اگر شما به بعضی طورها رفتار نمایید باعث اغتشاش سرحد خواهد شد. و اشقیای آن طرف جرئت بر بی حسابی خواهند کرد و در این صورت اول کسی که از شما شکایت می‌کند، مأمورین دولت علیه عثمانی است و باعث رنجش دوستدار خواهد گردید. علی هذا خواهش دوستدار از شما این است که به رسیدن کاغذ دوستدار با کمال اطمینان و خواطرجمعی سوار شده راه راست به تبریز و شهبندرخانه به

منزل دوستدار آمده، خودم جمیع مطالب شما را خدمت جناب قائم مقام زحمت اظهار داده موافق دلخواه شما جابجا کرده و چند روزی در اینجا بمانید قراری که خواهش شما در کار و بار شما گذاشته با کمال ممنونی و خوشحالی خلعت جناب جلالت‌مآب سرکار قایم مقام را می پوشید و به کمال سرافرازی می روید، این قدر بدانید که شما بعد از این هر طور که خواهش شما است حمایت کرده و حکام ارومی هم با شما کاری نخواهد داشت زیاده از این نوشتن را لازم نمی دانم و تأکید را ضرور نمی بینم که خودتان صلاحیت این فقره را خواهید دانست. فی ۲۹ ذیقعده ۱۲۷۱

مهر: السید احمد حلمی

عالیجاها دوست مهربانا گرچه دوستدار شما را ملاقات نکرده است ولکن غایبانه محبت و میل به شما دارم همیشه

مشتاق ملاقات آنجناب است از منافق و کار روانی هر دو در پرده ... عقلیه دارید دوستدار را در خصوص تحسین اطوار حمیده شما مسرور شد

عالیجاها به مراتب رضامندی و ممنونیت از شما بنابر تنبیهات عقلیه بلند و چون این روزها ... شما تقریر و تحریر در خصوص شما

حضرت جناب جلالتمآب اقتدار قایم مقام دام مجده العالی پاره حرفها که بعد ... عالیجاه ... خواهند ... دوستدار نوشت آمد

و سبیل ... دارد و ... داد و همین جهتها این روزها ... احمد آقا مجبور بود و کاغذی در بیان احوال

و مخصوص حفظ ... و محبت و میل دوستدار ... لازم داشتم در این باب با جناب قایم مقام صحبت بکنم ... ان شاء الله

در کمال التفات درباره شما بودم با آنکه ... پاره حرفها که بعد از آخر قرار ... شد دوستدار را اطمینان داد در این باره

عالیجاه به تبریز آمده جمیع مطالب ... اظهار ... موافق دلخواه شما داد ... که ... در باب ...

و ... همه چیز ... دوستدار هم در عالم ... دانست ... زحمت ...

که اگر شما بعضی طورها رفتار نمایید باعث اغتشاش سرحد خواهد شد و ... خواهند کرد

و ... اگر ... از شما شکایت بکنند مأمورین دولت علیه عثمانیه ... دوستدار خواهد ... تبریز ...

خواهش دوستدار از شما این است ... دوستدار با کمال اطمینان و خاطرجمعی سوار شده راه ... که

به منزل دوستدار آمده ... جمیع مطالب شما را حضرت جناب قایم مقام ... اظهار دارد ... موافق دلخواه شما ...

و چند روزی در ... قراری در خواهش شما ... با کمال ممنونی ...

جناب جلالتمآب ... قایم مقام ... سرافرازی ... دوستدار ... این طور

در خواهش ... و ... با شما کاری ... خواهند داشت ... خواهید داشت

و ... ۲۹ ... ۱۲۶۰

شمارهٔ سند: ۳۲۶
موضوع: مراجعت طایفهٔ قراپاپاق به ماوای قدیمشان
تاریخ: غرهٔ ذیقعده ۱۲۷۹ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۱۲/ع

نامهٔ وزیرمختار عثمانی حیدر افندی به وزارت خارجه

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

معلوم المقدار خانهای طایفهٔ قراپاپاق که در محالات سلدوز اقامت دارند، چون طایفهٔ مذکوره پیش از این از خاک پاک ممالک محروسهٔ دولت علیه به این طرف موقتاً آمده بودند و پیش از چندی چند نفر از ریش‌سفیدان آنها به استانبول رفته قرار و استرحام مراجعت و نقل و مهاجرت به مأوای قدیمشان نموده، دولت متبوعهٔ معظمهٔ دوستدار هم اسعاف* التماس و استرحام آنها را قبول فرموده و حتی دوستدار را هم مأمور فرموده بودند که اگر مقتضی بشود از جانب دولت ایرانیه و از طرف سفارت سنیه مأمورها فرستاد طایفهٔ مذکوره را امناً و سالماً به آن حدود خاقانیه روانه دارد و در این خصوص با آن جناب جلالت‌مآب ملاقات و گفتگو نموده است. چون اعلی حضرت اقدس شهریاری در شکارگاه مسیله تشریف داشته بودند، آن جناب جلالت‌مآب جواب موافقت را در مادهٔ هجرت طایفهٔ مذکوره معوق به تشریف‌فرمایی اعلی حضرت شهریاری به شهر کرده بودند. واقعاً بعد از چند روزی اعلی حضرت شهریاری طهران را تشریف فرموده از جانب وزارت امور خارجه آن جناب جلالت‌مآب مقرب الحضرة العلیه میرزا اسداله منشی اول و خاصه را برای ابلاغ جواب اعلی حضرت پادشاهی به نزد دوستدار مأموراً فرستاده بودند که در جواب گفته بود که طایفهٔ قراپاپاق از اهل ایروان هستند بنابراین دولت ایرانیه به رجعت آنها رضا نداده و شما هم دست از این ادعا بردارید، دوستدار هم جواب داد که چون پیش از این شعبهٔ از طایفهٔ مرقومه در حوالی قارص سکنی داشتند هجرت آنها را دولت

* به معنی کارگشایی، برآوردن حاجت.

ایران از دولت علیه خواهش نموده و دولت علیه هم به تبدیل مکان و به نقل و هجرت آنها به خاک ایران موافقت کرده تا به اواجیق امناً و سالماً آورده تسلیم مأمورین ایرانیه نموده بودند. حالا چرا دولت ایرانیه موافقت به خواهش حقی دولت عثمانیه نمی‌نماید و به مقابله بالمثل رعایت نمی‌کند بعد از این قرار بر این شده بود که دوستدار ماده را از سرنوبه دولت متبوعهٔ خود نوشته منتظر جواب بشود و دولت ایرانیه هم تا به رسیدن جواب دوستدار اختیار سکوت فرماید. تا امروز آن جواب منتظر از جانب دولت متبوعهٔ دوستدار نیامده است ولی در این روزها به خلاف قرار و مکالمه به سمع دوستدار رسیده است که دولت ایرانیه مقرب‌الخاقان پاشاخان سرتیپ را مأمور نموده بر سر طایفهٔ مذکوره رفته، زن و بچه و برنا و پیرشان را زده و کشته و حبس نموده است و حتی آنها که به جهت قرار هجرت خودشان به استانبول رفته بودند، آنها را هم به زنجیر کرده‌اند و حال اینکه این گونه معاملهٔ بارده در حق یک طایفهٔ که تصمیم هجرت به خاک یک دولت قوی‌شوکت که دوست دولت ایرانیه باشد، نمایند به عمل بیاید موافق قواعد دولیه و محاذی مخادنت همجواریه نیست. بناء علیه دوستدار مسئولیت آتیه این خصوص یعنی تخریب طایفهٔ مذکوره را به عهدهٔ دولت ایرانیه گذاشته فریضهٔ ذمت خود را از حالا به جا می‌آورد. زیاده بر این زحمت ندارد. در فی غره شهر ذیقعده‌الحرام ۱۲۷۹

محل مهر: السید حیدر

هو

جناب جلالت و نبالت انتساب فخامت و مناعت نصاب مجدت

معلوم المقدار خانهای طایفه قراپاپاق که در محالات سلدوز افشار استقرار دارند چون طایفه مذکوره پیش از این از ممالک
محروسه دولت علیه باینطرف مترفقاً آمده بودند و بعد از چندی چند نفر از ریش سفیدان آنها باستانبول رفته قرار
و استرحام مراجعت و نقل و مهاجرت بماوای قدیمشان نموده دولت متبوعه معظمه دوستدار هم اسعاف
التماس و استرحام آنها را قبول فرموده و حتی دوستدار را هم مامور فرموده بودند که اگر مقتضی شود از جانب
دولت ایرانیه و از طرف سفارت سنیه مامورها فرستاده طایفه مذکوره را اسناداً و سالماً تا سرحد
خاقانیه روانه دارد و در این خصوص با آنجناب جلالتمآب ملاقات و گفتگو نموده است چون اعلیحضرت
اقدس شهریاری در شکارگاه [illegible] تشریف داشته بودند آنجناب جلالتمآب جواب موافقت را در باده هجرت
طایفه مذکوره معوق بتشریف فرمائی اعلیحضرت شهریاری بشهر کرده بودند و اتفاقاً بعد از چند روزی اعلیحضرت
شهریاری طهران را تشریف فرموده از جانب وزارت امور خارجیه آنجناب جلالتمآب مقرب الحضرة العلیه
میرزا آقا منشی اول و خاصه را برای ابلاغ جواب اعلیحضرت پادشاهی بنزد دوستدار ماموراً
فرستاده بودند که در جواب گفته بود که طایفه قراپاپاق از اهل ایروان هستند بنابراین دولت ایرانیه
برجعت آنها رضا نداده و شما هم دست از این ادعا بردارید دوستدار هم جواب داد که چون پیش از این
شعبه از طایفه مرقومه در حوالی قارص سکنی داشتند هجرت آنها را دولت ایران از دولت علیه خواهش
نموده و دولت علیه هم تبعه بی مکان و نقل و هجرت آنها بخاک ایران موافقت کرده
تا باواجیق اسناداً و سالماً آورده تسلیم مامورین ایرانیه نموده بودند حالا چرا دولت ایرانیه موافقت
بخواهش حق دولت عثمانیه نمی نماید و بمقابله بالمثل رعایت نمی کند بعد از آن قرار بر این شده بود که
دوستدار ماده را از سر نو بدولت متبوعه خود نوشته منتظر جواب شود و دولت ایرانیه هم
تا رسیدن جواب دوستدار اختیار سکوت فرماید تا امروز الجواب منتظر از جانب دولت
متبوعه دوستدار نیامده است ولی در این روزها بخلاف قرار و مطالبه بسمع دوستدار رسیده است
که دولت ایرانیه مقرب الخاقان پاشا خان سرتیپ را مامور نموده بر سر طایفه مذکوره ارفته

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۲۷
موضوع: عزیمت عشیرهٔ قراپاپاق به‌خاک عثمانی
تاریخ: ٤ ذیقعده ۱۲۷۹ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۱۲/ع

هو

جواب کاغذ حیدر افندی وزیرمختار عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما

مراسلهٔ مورخهٔ غره شهر ذی‌قعده‌الحرام آن جناب جلالت‌مآب رسید. در باب بعضی از عشیرهٔ قراپاپاق که به اعتقادآن جناب به صرافت عزیمت به خاک دولت عثمانی افتاده بودند تفصیلی از مکالمات واقعهٔ فی مابین وزارت امور خارجه دولت علیه و آن سفارت نگاشته بودند اگرچه در مراسلهٔ آن جناب از جوابهای محقانه اولیای دولت علیه مشعر به اعتذار از امکان قبول این توقع و اینکه این مسئله را نمی شاید به معاودت قراپاپاق ساکن قارص تمثیل و قیاس کرد ذکری نشده بود، و فقط آن جناب از عقیدهٔ خود اشعار نموده‌اند. ولی چون، چون به موجب شرحی که جناب مقرب‌الخاقان میرزا حسین‌خان وزیرمختار و ایلچی مخصوص از اسلامبول نوشته است دلایل اولیای دولت علیه چنانکه از ملاحظهٔ سواد شرح مزبور استحضار حاصل می نمایید در نزد اولیای دولت عثمانی مقام تصدیق یافته و از صرافت اعتنا به حرف یک دو نفر مجهول از قراپاپاق افتاده‌اند و به این ملاحظه دوستدار از اطناب ذیل مسئله مسلمه سابقه خود را فارغ داشته در جواب این خبر که به استحضار آن جناب جلالت‌مآب رسیده است چند نفر از قراپاپاق را کشته و حبس کرده‌اند به مناسبت مقام زحمت‌افزا می شود که مدتی قبل از آنکه این مطلب فی مابین اولیای دولت علیه و سفارت من غیر لزوم مطرح گفتگو بشود از جانب سنی الجوانب اقدس همایون اعلی حضرت قوی‌شوکت شاهنشاهی خلداله ملکه و سلطانه امر و مقرر شده بود سوار قراپاپاق به دربار همایون احضار و به خدمتی که به عهدهٔ آنها محول است مأمور بشوند در آن بین که بنای عزیمت سوار به دارالخلافه بود، حسن آقا از ارزنة‌الروم وارد شده به اغوا و تحریک در میان ایل و طایفه اسباب ممانعت از عزیمت

سوار فراهم نموده و در سلدوز و آن نواحی مسکن ایل کمال اغتشاش به روی کار آورده بود. جناب جلالت‌مآب سردار کل نظر به تأکید حکم همایون در احضار سواره مقرب الخاقان پاشاخان شجاع الملک را مأمور کرده دستورالعمل به او دادند که حسن آقا را از این رفتار بی‌قاعده به نصیحت و استمالت ممنوع داشته سوار قراپاپاق را روانهٔ دارالخلافه نماید و در حق حسن آقا هم از محبت لازمه فروگذار نکند که شاید ملتفت به قبح رفتار خود شده در میان نوکر و رعیت اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلداله ملکه و سلطانه بنای مفسده نگذارد مقرب الخاقان مشارالیه ابتدائاً موافق دستورالعمل خودخواست او را ازاین اطوارناهنجار منع کرده سوار را روانه نماید ملایمت ظاهر نمود و هرقدر به طور استمالت و نصیحت پیش آمد حسن آقا و چند نفر از متعلقاتش به خشونت و طغیان جواب دادند و بالأخره دست به اسلحه حمله به مقرب الخاقان مشارالیه و همراهان* او نمودند و پس از آنکه چند نفر از آنها را کشته و مجروح ساختند، مقرب الخاقان مشارالیه لابد به دفع و تنبیه پرداخت و نتیجهٔ وخیمهٔ این حرکت حسن آقا مستلزم آن شد که دو نفر از متعلقان او کشته شدند و خود او که بانی فساد و باعث قتل نفوس بود، دستگیر گردید. در این صورت و نظر به حالت اشرار مزبوره و وضوح اینکه ایل قراپاپاق از جمله رعایا و نوکر مخصوص دولت علیه ایران هستند، رفتار مقرب الخاقان شجاع الملک در ازای آن طور حرکت اشرار مزبوره از هرگونه اعتراض دور است و بدیهی است هیچ دولتی در تنبیه اشرار و متمردین احکام خود در مقام مسئولیت که آن جناب جلالت‌مآب تصور نموده‌اند واقع نمی‌شود، و آن جناب خود بهتر می‌داند که اگر در ممالک دولت عثمانی کسی بر ضد احکام دولت برخیزد و بنای فساد و خون‌ریزی گذارد، به چه نوع از جزا گرفتار می‌شود، و نیز آن جناب از این تفصیل خوب معتقد خواهید شد که اگر نسبت به حسن آقا تعرضی شده دخلی به مسئلهٔ سابقه که به خاک آن دولت رفته بود ندارد بلکه محض در ازای حرکات خصمانه و متمردانهٔ او بوده است که دولت از اول از حبس و گرفتاری او ناچار و معذور بود و اگر او دست به این حرکات وخیمه نمی‌زد هرگز احدی از او سؤال هم نمی‌کرد که چرا به اسلامبول رفت و چه کرد چرا که این مقوله حرفها در دوستی دولتین شایسته مذاکره نبود. تحریراً فی ٤ شهر ذیقعدة‌الحرام ۱۲۷۹

* ابراهیم ولد اسماعیل، قاسم، سیدی، محمد ولد حسین، عمرآقا، رئیس آقا، محمودآقا

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] صحیح است.

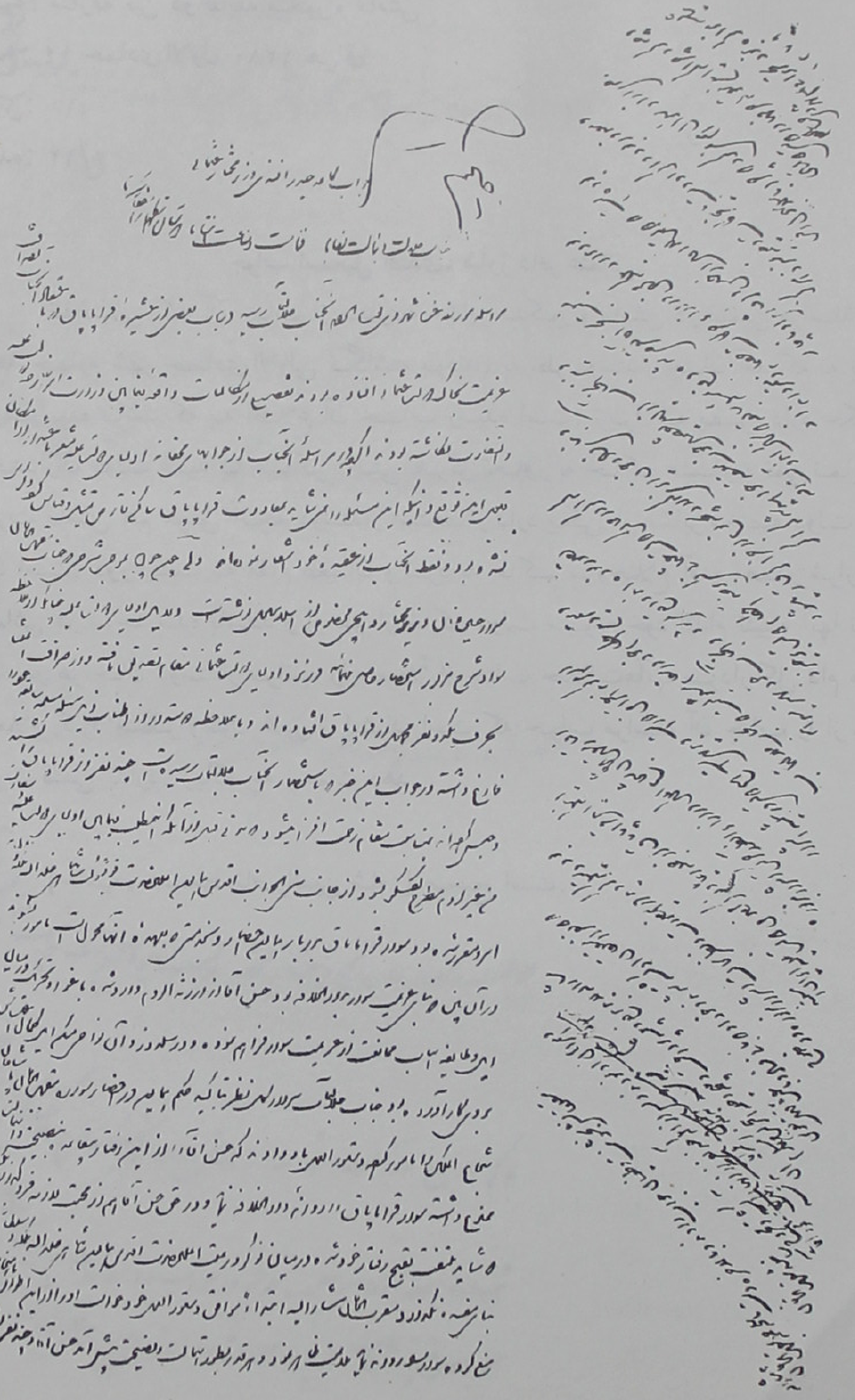

شمارهٔ سند: ۳۲۸
موضوع: منازعهٔ بین دو طایفه منکور و مامش
تاریخ: ۱۴ جمادی الاول ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۱۲/ع

جواب اسمعیل افندی، شارژ دافر عثمانی

تفصیلی که آن جناب از منازعهٔ عشایر منکور و مامش در ضمن مراسلهٔ خود مورخهٔ چهارم شهر جمادی الاولی نگاشته بودند، به نظر دوستدار چنان آمد که نه به آن طورها بوده باشد که به اطلاع آن جناب رسیده است. زیرا که یقین دارد حکام و سرحدداران دولت علیه با عساکر دولتی هرگز تجاوز به خاک عثمانیه نمی نمایند و عشیرت مامش هم موافق آنچه دوستدار استحضار دارد یکی از عشایر مختصه دولت علیه ایران است. دور نیست به مقام طغیان و تمرد به حاکم ساوجبلاغ آمده مصدر شرارت و اغتشاش در سرحد شده باشند و او هم از خاک دولت متبوعه خود اقدام تنبیه آنها نموده باشد در هر حال دوستدار مراتب را معجلاً از جناب جلالت‌مآب سردار کل دام مجده استعلام کرد منتظر وصول خبر از ایشان است که جواب مراسلهٔ آن جناب را از روی بصیرت قلمی بدارد. زیاده چه زحمت دهد.

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] صحیح است.

جواب امین افندی [illegible] دولت عثمانی

شرحی که آنجناب از منازعه عشایر کرد و [illegible] در ضمن مراسله خود [illegible] شهر جمادی الاولی [illegible] نوشته بودند

نظر [illegible] در خان [illegible] به اطلاع آنجناب رسیده است زیرا [illegible] دارد

حکام [illegible] دولت علیه با عشایر کرد [illegible] و عشایر آنها [illegible] هم [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] دولت [illegible] طایفه

با کمال [illegible] دولت علیه [illegible] حکم

[illegible] فی [illegible] ۱۲۸۰

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۲۹
موضوع: منازعهٔ بین دو طایفه منکور و مامش
تاریخ: ۱۹ جمادی الثانیه ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۱۲/ع

هو

به اسمعیل افندی شارژ دافر دولت عثمانی نوشته می شود

جواب شرحی که دوستدار در باب منازعه واقعه فی مابین طایفهٔ منکور و مامش بنا به اظهار آن جناب به جناب جلالت‌مآب سردار کل نوشته بود، رسید و نوشته اند که این دو طایفه از عشایر مخصوصهٔ دولت علیهٔ ایران هستند و همیشه هم یا سمت رعیتی در تحت حکم حکام سرحدیه این دولت علیه بوده اند و تفصیل منازعهٔ آنها و کیفیت اصلاحی هم که جناب جلالت‌مآب سردار کل در میان آنها کرده اند از ملاحظهٔ سواد جواب جناب معزی الیه که اینک ملفوف این مراسلهٔ ارسال می‌گردد به آن جناب معلوم خواهد شد. از این قرار که جناب معزی الیه نگاشته اند اقدام عالی جاه مصطفی قلی خان نایب الحکومه ساوجبلاغ به رفع منازعهٔ واقعه فی مابین عشایر مزبوره و تمهید ملزومات آن به هیچ وجه محل حرف و ایراد نمی تواند شد و چیزی که حال باقی مانده و انجام آن هم به اهتمام کارگزاران آن دولت منوط می باشد این است که مندو آقای پیران وقتی که مابرآقا و حمزه آقا باهم مشغول منازعه بوده اند، فرصت یافته اموالی از خود و کسان مابرآقا به غارت برده است و چون مومی الیه حال در خاک عثمانی است، استرداد اموال منهوبهٔ مزبوره برای کارگزاران دولت علیه مقدور نشده است و درین باب جناب معزی الیه نگاشته اند که به آن جناب زحمت ندهد به هر وسیله که مناسب می دانند قرار تنبیه مندوآقا و استرداد اموال منهوبهٔ مابرآقا را بگذراند تا جمیع غوایل حاصله فی مابین عشایر سرحدیه رفع گردیده محتاج به این نبوده باشند که در فصل بهار وقت آمدن مندوآقا به ییلاقات دولت علیه کسان و طایفه مابرآقا به مقام استیفای غارت و تلافی خسارت خود نیایند و به این جهت هم اغتشاش فی مابین آنها حاصل کرده اند آن جناب لازمهٔ قرار را در این خصوص داده از قرارداد خود دوستدار را مستحضر خواهند نمود. زیاده چه زحمت

دهد.

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] صحیح است.

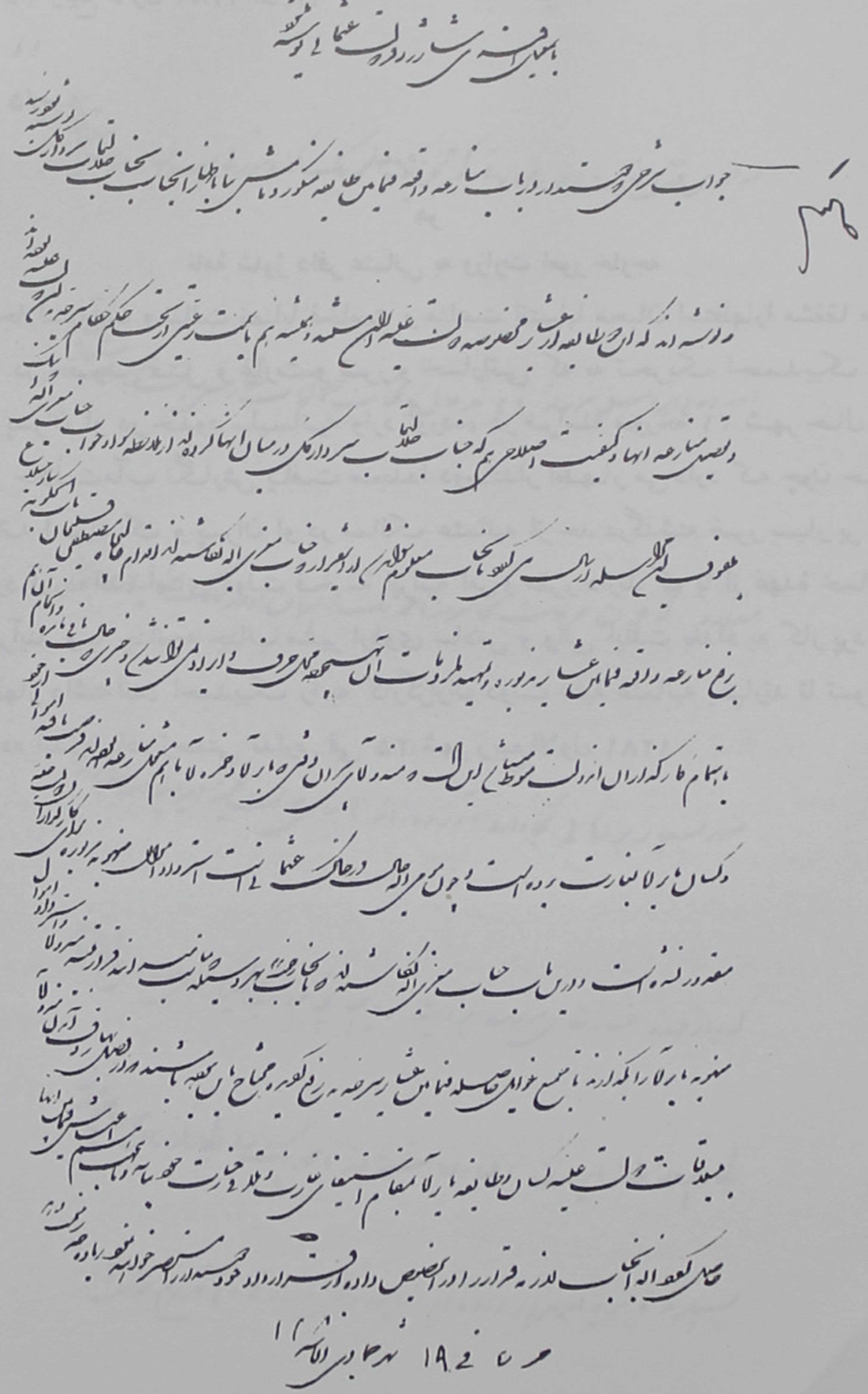

شمارهٔ سند: ۳۳۰
موضوع: تجاوز و قتل غارت پسرانْ احمدبیک در حدود سلیمانیه
تاریخ: ۲۵ ربیع الاول ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۶

هو

نامهٔ شارژ دافر عثمانی به وزارت امور خارجه

جناب جلالت‌مآب و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

در خصوص قتل و غارت و ضرر و خساراتی که به تحریک احمدبیک کنده سورلی پسران او در حدود سلیمانیه وارد آورده، در مراسلهٔ مورخهٔ ۲۱ شهر حال به آن جناب جلالت‌مآب نگارش یافت مجددا دوستدار اظهار می دارد که چون حرکات متجاسرانه احمدبیک و پسران او در ممالک عثمانیه از حد درگذشته ضرر بسیار بر اهالی آنجا وارد آورده‌اند، امنای دولت فخیمهٔ ایرانیه امر و مقرر دارند که یا از عهدهٔ خسارتهای مزبوره برآیند و یا چنانچه جناب مشیر اردوی سادس و والی ایالت بغداد به کار پردازخانهٔ ایران اظهار داشته‌اند، احمدبیک را به کارگزاران دولت علیهٔ عثمانیه بسپارند تا تسویهٔ امر مزبور داده آید. زیاده زحمتی ندارد. فی ۲۵ شهر ربیع الاول ۱۲۸۱

نمره ۱

جناب جلالت و نبالت نصاب فخامت و مناعت انتساب مجدت نشان مشفقا مکرما

درخصوص قتل و غارت و ضرر و خساراتی که بتحریک احمد بیک کنده سورلی پسران او در حدود سلیمانیه وارد

آورده و در مراسله مورخه ۱۲ شهر حال باینجانب جلالتمآب نگارش یافته بود مجدداً استمداد اظهار

میدارد که چون حرکات متجاسرانه احمد بیک در ایران و در ممالک عثمانیه از حد در گذشته

ضرر بسیار بر اهالی آنجا وارد آورده اند امنای دولت فخیمه ایرانیه امر و مقرر داشته اند

که یا از عهده خسارتهای مزبوره برآیند و یا چنانچه جناب شیرازی سالار سرحدداری ایالت فرموده

بکارپردازخانه ایران اظهار داشته اند احمد بیک را بکارگزاران دولت علیه عثمانیه

بسپارند تا تنبیه او مقرر داده آید زیاده زحمتی ندارد فی ۲۵ شهر ربیع الاول ۱۲۸۱

شمارهٔ سند: ۳۳۱

موضوع: تسلیم بنی اعمام احمدبیک که رعیت دولت علیهٔ ایران هستند

تاریخ: ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۸۱ هـ.ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۵/ح

نمره: ۷

به اسمعیل افندی شارژ دفر دولت عثمانی [نامهٔ وزارت امور خارجه]

در باب پسرهای احمدبیک کنده سوری به طوری که در ضمن مراسلهٔ جوابهٔ خود مورخه ۳ شهر ربیع الثانی با آن جناب قلمی داشته، به جناب جلالت‌مآب سردار کل دام مجده نوشته بود و ایشان جواب آن را این روزها قلمی و از قراری که اظهار کرده‌اند، سه نفر از بنی اعمام احمد بیک را رسول آقا ضابط شیوهٔ کل در نزد خود نگاه‌داشته و آن سه نفر به تقویت و ترغیب رسول آقا همیشه بر سر دهات و کسان احمدبیک آمده به غارت و حرقت دهات او اقدام می نمایند و پسران مشارالیه هم محض دفع شر آنها لابد از مدافعه و تلافی می شوند و با وجود این جناب معزی الیه به تفصیلی که نوشته‌اند و سواد آن برای آن جناب ارسال شد، مضایقه از رسیدگی مراتب و رفع اغتشاش سرحد بانه ندارند. ولی منوط به این است که از آن جانب نیز به طوری که ایشان نوشته‌اند اقدام درستی در این کار بشود و بنی اعمام احمدبیک را که رعیت دولت علیه هستند تسلیم سرحدداران این طرف نمایند تا در نزد جناب معزی الیه به جهت رسیدگی حقیقت امر و تنبیه مقصرین حاضر باشند. البته آن جناب مراتب را به طوری که دوستدار اظهار کرد و جناب معزی الیه نوشته‌اند به اطلاع جناب جلالت‌مآب والی بغداد خواهند رسانید. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۸ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۱

[حاشیه:] صحیح است.

[illegible] سفارت دولت عثمانی

در باب پسرهای احمد بیک کهنه‌دره‌ای بطوریکه در ضمن مراسله جوابیه خود مورخه ۳ شهر ربیع الثانی بآنجناب قلمی داشته

بآنجناب جلالتمآب سروری گرامی دام مجده نوشته بود و ایشان جواب آن را لازم [illegible] در باب قلمی داشته‌اند [illegible] اظهار نموده‌اند

سه نفر از پسرهای احمد بیک را رسماً آقا ضابط شیروانی در نوکری خود نگاه داشته و آن سه نفر بتقویت و ترغیب

رسماً آقا همیشه بر سر دهات و کسان احمد بیک آمده غارت و حرقت دهات او را اقدام [illegible] و دلیرانه [illegible]

مشارالیه هم محض دفع شر آنها لابد از هر دفعه و تلافی می‌شوند و با وجود این جناب معزی الیه مفصلی نوشته‌اند

و ملفوف آن تلگرافی که بآنجناب ارسال شده مضایقه ندارد که رسیدگی بحالات و رفع اغتشاش سرحد با هر دو طرف

منوط باین است که از آن جانب نیز بطوریکه ایشان نوشته‌اند اقدام در این کار نمایند (و [illegible])

احمد بیک را در تبعیت دولت علیه و مهمان [struck: illegible] ساخته تسلیم سرحدداران ایران نمایند

یا در نزد جناب معزی الیه بجهت رسیدگی بحقیقت امر و مشاهده معتمدین حاضر باشند تا آنجناب

[illegible] بطوریکه دستور العمل اظهار کند و جناب معزی الیه نوشته‌اند باطلاع جناب جلالتمآب

و الا بغیر این چاره نیست زیاده چه زحمت دهد [illegible] ۱۸ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۱

شمارهٔ سند: ۳۳۲
موضوع: رد عشایر ممدی و کَردار به ایران
تاریخ: ذیقعده ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱۲/ع

هو

به جناب خیراله افندی وزیرمختار دولت عثمانیه نوشته می‌شود (نامه وزارت خارجه)

از قراری که امیرالامراء العضام اسکندرخان سردار حاکم خوی نوشته است، دو تیرهٔ معروفه به مَمَدی و کَردار، از طوایف شکاک عشیرت خاصهٔ این دولت علیه که فراراً به خاک دولت علیه عثمانیه گذاشته‌اند. به دهات قرب حدود خوی و سلماس و ایلات جزو آنها تاخت و تاز و بی حسابی‌های زیاد نموده باعث اغتشاش آن حوالی و سلب امنیت مترددین شده‌اند، اگرچه فقرهٔ فراریان عشایر سمت آذربایجان کلیتاً مابین طرفین مطرح گفتگو و رد آنها به اوطان اصلیهٔ خودشان از حسن همجواری و عهدداری آن دولت مؤکداً مأمول است ولی چون حالت اختلال امنیت حدود امری است که سریعاً و معجلاً باید به دفع آن مباشرت شود. علی‌هذا زحمت اظهار می دهد که آن جناب جلالت‌مآب عجالتاً به جاهای لازم قلمی و اظهار دارند که تا به موقع اجرا گذاشته شدن رد آنها به این طرف آنها را تنبیه و از مباشرت این مقوله حرکات وخیم العاقبه ممنوع دارند، و یا اینکه مأمورین این دولت را به تعاقب آنها مأذون سازند که خودشان به طور شایسته گوشمال به آنها داده حرکات خلاف آنها را زودتر دفع و رفع کنند. بعد از آنکه مباحثهٔ استرداد آنها منتهی به قرار آخر محقانه شد، البته مقتضای آن را نیز چنانکه مأمول اولیای این دولت است به موقع اجرا خواهند گذاشت. زیاده چه زحمت دهد. شهر ذیقعده ۱۲۸۲

[حاشیه:] به عرض پیشگاه همایون رسید. چون در ضمن مراسلهٔ مسطوره مورخه ۱۴ ذیحجه ۱۲۸۲ همین فقره درج شده بود، این مراسله فرستاده نشد علی هذا نمره و خلاصه لازم ندارد.

[دستخط ناصرالدین‌شاه:] صحیح است.

۸

بجناب جلالتمآب خارجه وزیر مختار دولت علیه عثمانی نوشته شود

از قراریکه امیرالامراء العظام اسکندرخان سردار حاکم خوی نوشته و در مذاکره معروض به [illegible]

و کردار از طوایف [illegible] که عشیرت خاضعه این دولت علیه که فرار اکراد دولت علیه عثمانیه که [illegible] بدایات [illegible] حدود خوی

و سلماس و ایلات حدود آنها تاخت و تاز و بیحد و بی‌اندازه [illegible] غارت اغنام و احشام آنحوالی و سلب اسباب [illegible]

شده اند لکن چون فقره فرار این عشایر به سمت آذربایجان کلیتاً مابین طرفین مطرح گفتگو [illegible] آنها

با دولت علیه عثمانی از حسن همجواری و عهد [illegible] آن دولت مؤکداً [illegible] ولی احوال [illegible]

اختلال [illegible] سبب که سریعاً و متقابلاً باید بدفع آن مبادرت شود علیهذا [illegible]

که آنجناب جلالتمآب [illegible] لازم [illegible] دارند که تا موقع اجرا که [illegible] آنها

[illegible] آنها را از [illegible] حرکات وخیم العاقبه ممنوع دارند و [illegible] اجرا [illegible]

به تعاقب آنها [illegible] که [illegible] حرکات خلاف آنها را

دفع و رفع کنند بعد از آنکه [illegible] آنها [illegible] بعد از آخر [illegible] شده است

مقتضی است [illegible] بموقع اجرا خواهند [illegible] شهر ذیقعده ۱۲۶۲

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۳۳
موضوع: تجاوزات به صومای و برادوست
تاریخ: ۱۸ جمادی الاول ۱۲۸۴ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۱۱

سواد مراسله که به باش شهبندری دولت عثمانی نوشته شده

به طوری که از خوی به نواب مستطاب والا تبار معین الدوله نوشته اند، در چهاردهم همین ماه چهار طایفه از طرف هکاری هریک با هفتصد نفر جمعیت به محال صومای و بردوست ریخته قرای ذیل را خراب و اموال سکنهٔ آنجا را نهب و غارت کرده اند و مبالغی خطیر از اغنام و اجناس اموال قریهٔ موسین ــ قریه مرتبه ــ قریه جوجی ــ قریه سیارک ــ قریه کبکچین ــ قریه سرو ــ قریهٔ حونی که آتش زده اند. رعیت شکاک و یک اوبه از طایفهٔ کاردار را به تاراج برده اند با اهتمامات اولیای دولتین علیتین به رفع غوایل و اختلالات سرحدیه و توجه طرفین به حفظ و امنیت سرحد و سرحدنشینان کمال تعجب از ارتکاب به این اعمال به غایت خلاف جمعیت مزبوره برای دوستدار حاصل است و واضح است اگر این عمل از مأمورین جزو سرحدداران آن دولت به ظهور رسیده باشد، مسئولیت آن در عهدهٔ مأمورین مزبوره و اگر طوایف و عشایر و ایلات سرحدیه آن دولت مرتکب به این اعمال شده باشند باز مسئولیت و بحث بر مأمورین جزو سرحدداران آن دولت وارد است که در حفظ و انتظام عشایر سرحدیه مراقبت به عمل نیاورده آنها را مطلق العنان ساخته اند. لزوماً زحمت داده از آن عالی جاهان دوستان استظهاری به کمال احترام توقع می نماید که سریعاً مراتب را به هر جا که لازم بدانند اظهار کرده قرار تنبیه جمعیت مزبوره و استرداد خسارتی که به اهالی قرای مزبوره و ایل شکاک و طایفهٔ کاردار وارد آمده است داده دوستدار را از قرارداد خود مستحضر بدارند و هرچه زودتر جواب قلمی بدارند که به نواب معزی الیه که مترصد وصول جواب از جانب دوستدار می باشد، از مراتب استحضار داده شود. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۸ شهر جمادی الاولی ۱۲۸۴

[حاشیه:] از این قرار سریعاً به سفارت عثمانی هم نوشته مطالبه احقاق حق شود.

متعلق نوشتهٔ میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره مورخه ۱۸ جمادی الاولی سنه ۱۲۸۴ نمره ۱۱۱ $\frac{۲}{۱}$

[illegible]

سواد مراسله در باب شکایت از دولت عثمانی نوشته شد

بطوریکه از [illegible] جناب مستطاب والا اتابک اعظم [illegible] نوشته‌اند در چهاردهم همین ماه چهار طایفه از طرف اکراد [illegible] بمعیت

عمال صومای و برادوست ریخته [illegible] را [illegible] و اموال سکنه آنجا را بنهب و غارت کرده‌اند [illegible]

قریه [illegible] — قریه [illegible] — قریه [illegible] — قریه [illegible]

قریه [illegible] — قریه [illegible] — قریه [illegible]

رعیت [illegible] دیگر [illegible] از طایفه [illegible] را [illegible] با اهتمامات اولیای [illegible] رفع غوائل [illegible]

طرفین بحفظ و امنیت سرحد و سرحدنشینان کمال تعجب از ارتکاب این اعمال بغایت خلاف [illegible]

و واضح است اگر اینگونه [illegible] از مامورین جزو سرحدداران آن دولت بطور [illegible] مسئولیت آن [illegible] ماموران [illegible]

و اگر طوایف و عشایر ولایات سرحدیه آن دولت مرتکب این اعمال شده باشند باز مسئولیت [illegible]

جزو سرحدداران آن دولت وارد است [illegible] حفظ و انتظام عشایر سرحدیه [illegible]

مطلق العنان ساخته‌اند [illegible] لذا [illegible] بکمال احترام توقع [illegible]

در [illegible] اظهار [illegible] جمعیت [illegible] و استرداد [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۳٤

موضوع: تجاوز چهار طایفهٔ هکاری به صومای و برادوست

تاریخ: ۱۸ جمادی الاول ۱۲۸٤ هـ.ق

کارتن: ۱۲

پرونده: ۱۲/ع

هو

سواد کاغذ علی آقا شکاک که به نواب معین الدوله نوشته است

قبل بر این عریضه به خدمت نواب اشرف امجد والا روحی فداه نوشتم که از طرف عثمانلو لشکر جمع آوری کرده بر سر ما آمده. امروز یوم شنبه ۱٤ جمادی الاولی چهار طایفه از طرف هکار هر یکی هفتصد نفر جمعیت از چهار منزلی و پنج منزلی مأمور شده بر سر محال صومای و برادوست ریخته هفت قریه بالمره خراب کرده‌اند به جز عیال ایشان چیزی باقی نمانده، از قرار تفصیل هورسین و مرسه و جوجی و سیارک و گنگچین و سرو و قریه فدوی که عبارت ارجونی باشد به هزار زحمت و مرارت آباد کرده بوده بالمره آتش زده‌اند. تصدقت شوم این قدر جمع آوری بدون حکم نمی شود از قریه های غارت شده مقدار پنجاه هزار تومان یا کم و زیاد از اغنام و اجناس مال رعیت و شکاک برده‌اند و یک اوبه از طایفه کاردار برده‌اند بعد از شنیدن این مقدمه از طرف باش‌قلعه خبر آمد که لشکر بی حساب از این طرف می آید خواستم خودم به طرف صومای و بردوست بروم بنا به شنیدن لشکر این طرف ناچار و لابد مانده فدوی زادگان با چند نفر سواره به طرف سومای و بردوست روانه کردم و خودم بر این طرف رفتم اگر سرکار نواب اشرف والا روحی فداه خودشان تشریف نیاورند، سرحد خراب شده بالمره و فدوی را قوهٔ جو و علف ندارم که لشکر جمع آوری نمایم و اگر قوه هم داشته باشم در وقت تشریف بردن به دارالسلطنه قدغن فرمودید به هیچ وجه حرکت نکرده می ترسم اگر حرکت نمایم باز مقصر شوم اگر نواب اشرف والا بزودی تشریف نیاورند ولایت بالمره به حقه پادشاه جمجاه قسم خراب می شود. استدعا آن است حامل عریضه از یک ساعت زیادتر در آنجا نمانده دستورالعمل از طرف نواب اشرف والا صادر شود. بلکه دو سه روزه به آن دستورالعمل خود و ولایت صاحب داری نمایم حقیقتاً اگر تشریف نیاورید ولایت خراب

شد واجب عرض بود.

[حاشیه:] علی آقا مبهم نوشته تفصیل اموال منهوبه را باید به حکم نواب معین الدوله دفتر کرده بفرستند و بزودی به اسلامبول هم نوشته شود که مشیرالدوله چارهٔ این تجاوزات را از آنجا نماید به کار پرداز ارزنة الروم هم بنویسند به تأکید تمام لیکن باید تفصیل این وقایع را کارگزاران آذربایجان از این بهتر و زبان دارتر معلوم کرده بنویسند که قابل نوشتن در نوشتجات رسمی باشد این قدرها کافی نیست.

متعلق نوشته میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره مورخهٔ ۱۸ شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۸۴ نمرهٔ ۱۱۱ ۲/۲

[illegible]

سواد کاغذ [illegible] که به [illegible] الدوله نوشته است

قبل از این عریضه به خدمت نواب اشرف امجد والا روحی فداه نوشتم که از طرف عثمانلو لشکر جمع آوری کرده رو به اینجا آمده امروز

یوم شنبه ۱۴ جمادی الاولی چهار طایفه از طرف هکاری [illegible] از چهار منزلی و پنج منزلی ما مأمور شده به سر محال

صوماي و برادوست ریخته‌اند قریه بالمره خراب کرده‌اند بجز عیال ایشان چیزی باقی نمانده [illegible] تفصیل

[illegible] در قریه [illegible] دیگچی [illegible] و قریه فردوس [illegible] از [illegible] هزار [illegible] است آباد

که به بالمره آتش زده‌اند [illegible] جمع آوری [illegible] از قریه‌های غارت شده [illegible] هزار

تا کم دینار از اغنام و اجناس مال رعیت [illegible] از طایفه [illegible] بعد از شنیدن این مقدمه

از طرف پاشای قلعه خبر آمد که لشکر بی حساب از این طرف می‌آید خواستم که خود به طرف صوماي و برادوست بروم

بنا به تقیه [illegible] لشکر این طرف ناچار [illegible] فوجی [illegible] پانصد نفر سوار به طرف صوماي و برادوست روانه کردم

و خود هم به این طرف رفتم اگر [illegible] نواب اشرف والا روحی فداه [illegible] تشریف بیاورند سرحد خراب شده بالمره

و فوج [illegible] لشکر جمع آوری [illegible] داشته باشم در وقت تشریف آوردن [illegible] السلطنه

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۳۵

موضوع: تجاوز چهار طایفهٔ هکاری به صومای و برادوست

تاریخ: ۲۹ جمادی الاول ۱۲۸۴ هـ.ق

کارتن: ۱۲

پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۱۱

نامهٔ میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره به وزارت خارجه

خداوندگارا، امروز از علی آقای شکاک کاغذی به عنوان نواب معین الدوله رسید مشتمل بر این است که چهار طایفه از طرف هکاری هر یک با هفتصد نفر جمعیت به محال صومای و بردوست ریخته قرای هوهسین وملونه و جوجی و سیارک و کبکچین و سرومو[ارجونی] را خراب و اموال سکنهٔ آنجا را با مبالغی خطیر از اغنام و اجناس اموال رعیت شکاک که به قدر پنجاه هزار تومان می شود* با یک اوبه طایفهٔ کاردار نهب و غارت کرده اند فدوی به محض وصول کاغذ علی آقا و استحضار بر مراتب مراسله به باش شهبندری عثمانی نوشته مطالبهٔ تنبیه مرتکبین و استرداد خسارتی را که به قرای مزبوره و ایل شکاک و طایفهٔ کاردار رسانیده اند، نمود سواد مراسلهٔ مزبوره را با سواد کاغذ علی آقا در این ضمن به جهت استحضار خاطر مبارک بندگان اجل امجد ارفع دام اجلاله ارسال می دارد و ان شاء الله تعالی بعد از رسیدن جواب از باش شهبندری عثمانی هم از مدلول آن خاطر مبارک را مستحضر خواهد داشت. زیاده چه جسارت نماید. الامر الاجل الارفع مطاع. ۲۹ شهر جمادی الاولی ۱۲۸۴

محل مهر: العبد ابراهیم

[حاشیه:] دو متعلق دارد— خلاصه شد.

* هنوز تحقیقاً معین نشده که چه به غارت رفته به نواب معین الدوله نوشته است که بدقت معین نموده بنویسد.

۱۱

فدایت گردم

امروز از جانب آقای شکاک کارگذاری بعنوان نواب معین‌الدوله رسید مشتمل بر این است

که چهار طایفه از طرف ایلکابی یکی هفتصد نفر جمعیت با اهل جبهای در بورت ریخته قلاع ... حسن ... و جرس ... بسیار از دهات ... را ...

خراب و اموال سکنه آنجا را با بنی خیطر از اغنام و اجناس اموال رعیت شکاک به قصد ... از ... ایشان ... کاروان ... بنحو ... ربیع ... باب ... و ...

و غارت کرده از قرار ... که سه آقا و احضار بر ... باب ... عثمانی نوشته مطالبه ... و تمکین داشتن ... و ... خسارت را

در بقرار مزبور و ... شکاک و طایفه کاردار ... از ... مزبوره را با ... کارگذاری آقا ... تحضار خاطر مبارک

مستدعی ... عثمانی ... شهر ... ۲۹ ... ۱۲۸۳

شمارهٔ سند: ۳۳۶
موضوع: خسارات وارده به اهالی چهریق
تاریخ: ۶ ذیقعده ۱۲۸۴ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده:

نامهٔ میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره به وزارت خارجه

هو

خداوندگارا، در باب اتمام سیاهه و استشهاد خسارات وارده به اهالی چهریق و دهات حول و حوش که مجدداً مرقوم فرموده بودید، فدوی خود از محاسن تمام کردن این سیاهه مطلع است و فواید مترتبه به آن را چنان نیست که نداند و خود کمال اهتمام و مراقبت را درین باب دارد. مکرر به نواب معین الدوله نوشته تأکید کرده باز هم می نویسد و اصرار لازم را می نماید تا اینکه صورت درست گرفته بفرستند همین که فرستادند یک صورت از آن به وزارت جلیلهٔ امور خارجه و یکی به سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول و یکی به کارپردازی ارزنة الروم فرستاده یک صورت هم در اینجا نگاه داشته به شهبندر خانهٔ عثمانی اظهار کرده مطالبهٔ قرار استرداد و ایصال خسارات وارده را به قاعده می نماید. در باب مخارجی که برای تکالیف حکام سرحدیه در انتظام امور سرحدات لازم است، مرقوم داشته بودند جناب جلالت مآب قایم مقام دام مجده العالی که قدرت و مأذونیت رفع رجوع این فقرات را دارند، با ایشان قرار لازم داده شود. نواب معین الدوله به تبریز احضار شده اند هنوز معلوم نیست که باز حکومت خوی و ارومیه به ایشان محول شود. بعد از آنکه آمدند درست معلوم می شود چنانچه باز نواب معزی الیه حاکم شدند ما حضور ایشان درین باب با جناب معظم له گفتگو کرده قراری که لازم بوده باشد داده می شود و اگر حاکم علی حده تعیین شد، باز به اطلاع او قراری گذاشته می شود ولیکن در حقیقت نواب معزی الیه از لوازم حکومت سرحدی عاری و بی اطلاع هستند در این مدت هرچه راهنمایی شده و هر مطلبی اظهار گردیده هیچ اثری مرتب نشده و به وجهی از او اقدام ظاهر نشده است و با حکومت ایشان کاری صورت نخواهد گرفت و امور آن سرحدات نظمی حاصل نخواهد کرد زیاده چه جسارت عرض شود. الامر الارفع الامجد

مطاع. معروضه ۶ شهر ذیقعده‌الحرام ۱۲۸۴

محل مهر: عبده ابراهیم

[حاشیه:] به عرض پیشگاه همایون رسید.
خلاصه شد.

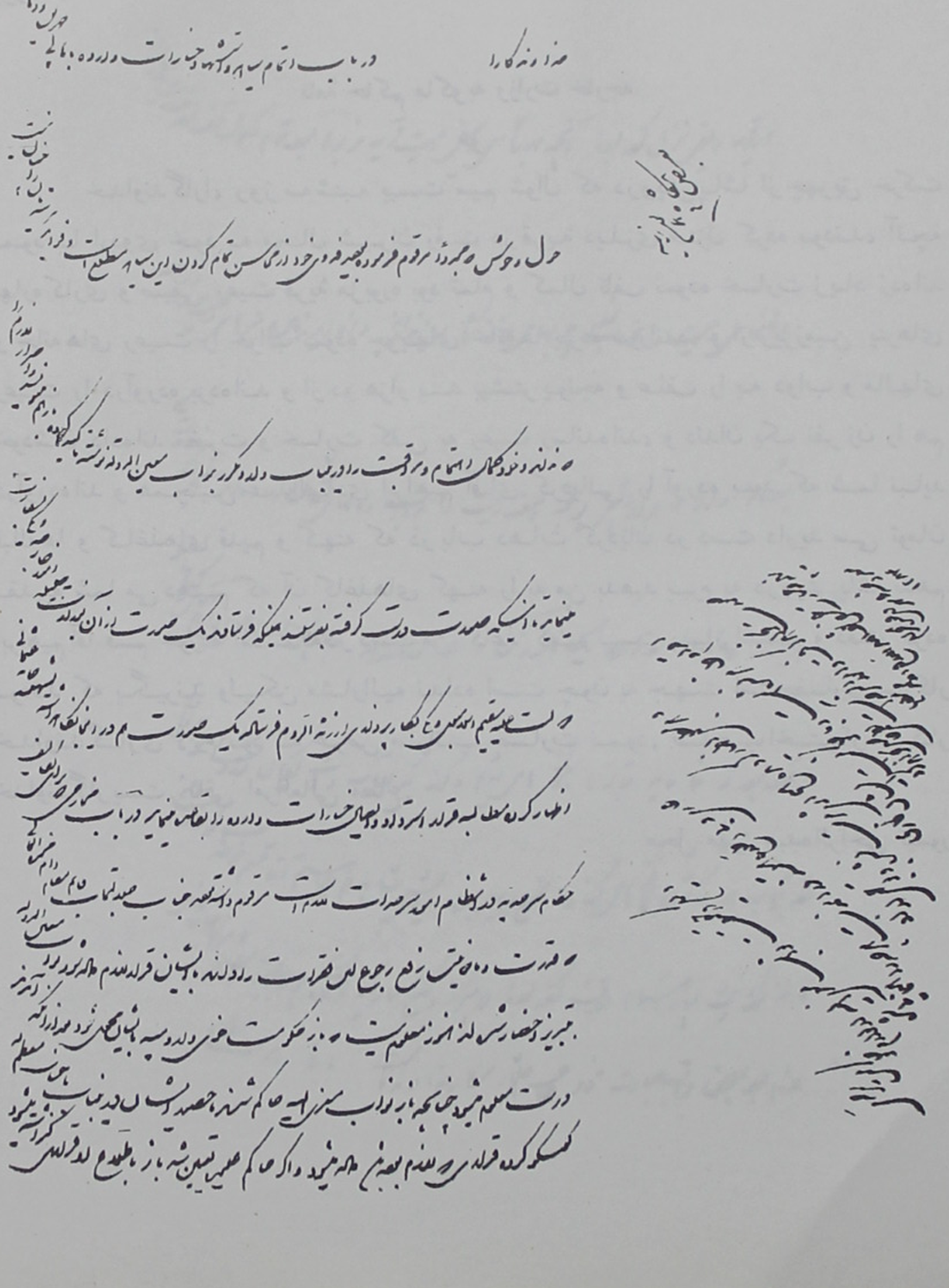

شمارهٔ سند: ۳۳۷
موضوع: خسارت درویش پاشا به قریهٔ دیلزی
تاریخ: ندارد احتمالاً ۱۲۸۴ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده:

نامهٔ حاکم ماکو به وزارت خارجه

هو

خداوندگارا، روز سه‌شنبه بیست سیم شوال که درویش‌پاشا از چهریق حرکت نمود با اردوی خود به محال شیران رفت در قریهٔ دیلزی منزل کرده بودند، آنچه بهاره‌کاری و صیفی رعیت قریهٔ مزبوره بود تمام و کمال تلف نموده خسارت زیاد زده‌اند و خانه‌های رعیت را خراب نموده چوبهای خانه‌ها برده سوزانده، و از زیرزمین پنرهای رعیت را درآورده برده‌اند و از دو هزار بند بیشتر یونجه و علف را به دواب و مالهای خودشان داده‌اند مضرت و خسارت کلی به رعیت رسانده‌اند، و دندان یک نفر زن را هم درآورده‌اند و همچنین عبدالهادی ابراهیم آقای کردیانی را آورده بود که شما نباید قباله‌ها و کاغذهای قدیم و کهنه که در باب دهات کردیان در دست دارید سی تومان نقد به شما می‌دهیم که آن کاغذهای کهنه را به من بدهید ببرم به درویش‌پاشا بدهم ابراهیم آقا قسم خورده است که در دست من کاغذ کهنه نیست بسیار اهتمام و دقت کرده بودند که بگیرند ولیکن مشارالیه نداده است چون به جهت استحضاری سرکار خداوندگاری لازم بود به عرض مراتب جسارت نمود. صاحب‌اختیار سرکار خداوندگاریست. باقی امرالعالی مطاع.

محل مهر: عبده الراجی تیمور

خداوندگارا روز شنبه بیست و سیم شهر در درویش‌آباد از جهوریق حرکت نمود اردوی عظمت‌بنیان ترک رفت

در قریه وطرزی نزول کرده بودند آنچه بهابهای صنف رعیت قریه نزدیک بوده تمام را تلف نموده خسارت زیاد زده‌اند

دکانهای رعیت را خراب نموده چوبهای خانه‌ها را سوزانده‌اند و از زیر زمینهای خبرهای رعیت را درآورده

بعد از دو روز هزار زنبر پنجه علف رعیت را بردند دمالهای حقوق داده‌اند خسارت و خسارت کلی

بر رعیت رسانده‌اند ده نفر از یک نفر زن را هم درآورده‌اند و همچنین عبدالملک ابراهیم آقای کرمانشاه

القصه بعد که شما باید قباله‌ها و غنچه‌های قدیم درآورده که کتاب دست‌آقایان قدرت داراییم

نقد بیاید هم که آن کاغذهای کهنه را بخوانیم به بدرویش‌آباد ابراهیم آقا قسم خورده است که دعوی

کاغذ کهنه نیست بیاورید وقت کرده بود امیرزاده ولیکن شاهزاده چون جهت کار

لازم بود به عرض مرتب عبارت رضا و امر همایون اعلی است

شمارهٔ سند: ۳۳۸
موضوع: تعهد محمودبیک جاف مبنی بر اذیت و آزار نرساندن به اهالی مریوان
تاریخ: ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۸۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۱۲/ع

نامهٔ محمودبیک جاف به وزارت خارجه

هو

بندهٔ درگاه، خلایق امیدگاه محمودبیک که خلف محمدبیک میرجاف هستم در حضور گماشتگان نواب مستطاب اشرف ارفع امجد اعظم شاهزاده والا تبار معتمدالدوله روحی فداه متعهد هستم بر اینکه در مراجعت ایل جاف ان شاء الله تعالی به هیچ وجه من الوجوه اذیت و آزاری به اهالی مریوان و حاصل و محصول آنها نرسد و نوشتهٔ رضامندی از عالی جاه میرزا عبداله ناظم مریوان گرفته خدمت نواب اشرف ارفع امجد والا روحی فداه بفرستم. تحریراً فی ۱۱ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۵

محل مهر: محمود

[پی نوشت:] از قراری که در متن نوشته شده از عالی جاه محمودبیک خلف محمدبیک میرجاف اقرار شنیدم

مهر: امین میرزا قایم مقام کردستان

هو، از قراری که در متن شرح داده شده، محمودبیک قرار گذاشته است.

مهر: ناخوانا

متعلق نوشته نواب معتمدالدوله فرهاد میرزا حکمران ایالت کردستان مورخهٔ ۱۵ ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵.

از قراری که در متن نوشته از عالی جاه محمودبیک خلف محمدبیک امیرجاف استماع نمودم. وکیل شهبندر دولت علیه عثمانیه.

مهر: وکیل شهنبدر دولت علیه عثمانیه در کردستان

بنده درگاه، حمدالله ... صنف ... برخاسته‌ام در خراسان ...

از مرحوم اعظم شاهزاده والاتبار حسام الدوله روحی فداه ... هستم از آنکه در ...

همچنین از اوجاق ... و ... مریوان و حاصل ...

و نوشته رضانامه از عالیجاه میرزا عبدالله ناظم مریوان گرفته ...

از مرحوم والد روحی فداه بنوشتم تحریر ۱۱ شهر ... ۱۲۸۵

شمارهٔ سند: ۳۳۹

موضوع: سرقت اموال

تاریخ: صفر ۱۲۸۶ هـ.ق

کارتن: ۱۳

پرونده: ۵/ح

به جناب ناظم افندی شارژ دافر دولت عثمانی نوشته می شود [نامهٔ وزارت خارجه]

در جواب مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ ۱۸ شهر شوال سنهٔ ۸۵ مربوط به فقره بیش‌نام که مذکور داشته است اموال او را در قصبه سردشت ده نفر از عشیرت سوسنی به سرقت برده‌اند، اظهار می دارد تفصیل کیفیت از مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان حاکم ساوجبلاغ تحقیق شد. از قراری که اظهار نمود یا در عهد حکومت مشارالیه واقع نشده یا به حکومت اظهار نکرده‌اند لزوماً در ضمن احکام صادره به عهده مقرب الخاقان مظفرالدوله مقرر و تأکید شد که تحقیقات لازمه را در این باب به عمل آورده اگر اسناد مزبور مقرون به حقیقت بوده باشد، اجرای لازمهٔ عدالت نماید آن جناب نیز به اشخاص لازمه اطلاع بدهند که تفصیل کیفیت و تاریخ وقوع و اسامی مرتکبین را به مقرب الخاقان مشارالیه حالی نمایند که از روی بصیرت تحقیقات لازمه را به عمل آورده اجرای مقتضای حقانیت نماید. زیاده چه زحمت دهد. تحریراً فی شهر صفر المظفر ۱۲۸۶

[حاشیه:] صحیح است.

بجناب ناظم افندی شارژدافر دولت عثمانی نوشته شود

در جواب مراسله آنجناب مورخه ۱۸ شهر شوال ۸۶ مربوط به [illegible] که مذکور داشته است اهالی [illegible] قصبه [illegible] شده [illegible]

[illegible] اظهار رسیده از تفصیل [illegible] از [illegible] عبدالرحمان خان حاکم [illegible]

شار الیه واقع شده با حکومت اظهار کرده اند [illegible] احکام صادره [illegible] مظفر الدوله [illegible]

در این باب بعضی ایرادات [illegible] تحقیقات [illegible] اطلاع [illegible] تفصیل [illegible]

و تاریخ وقوع دعوای [illegible] شار الیه حالی [illegible] بصیرت تحقیقات [illegible]

١٢٨٦

تحریراً [illegible] صفر المظفر

شمارهٔ سند: ۳۴۰

موضوع: اعاده کردن اورامانی ها ــ عشایر

تاریخ: ۳ رجب ۱۲۸۶ هـ.ق

کارتن: ۱۳

پرونده: ۱۲/ع

صورت ترجمه تلغراف که از بغداد به باب‌عالی فرستاده شده مورخهٔ سیم شهر رجب ۱۲۸۶

از برای اعاده کردن اورامانی ها نصیحت‌نامه به خود آنها نوشته و باز مأمور مخصوص فرستاده بودم تلغراف‌نامه که این دفعه از متصرف سلیمانیه وارد شده است، به عینها به اینجا نقل و درج می شود. روز سه‌شنبهٔ گذشته به محلی که موسوم به میوان است عازم شده اهالی اورامانی را به آنجا جلب و احضار نموده در حالتی که علی اکبر خان که از طرف والی سنه مأموراً آمده است حاضر بود اعلان‌نامهٔ جناب ولایت‌پناهی را در مواجههٔ عموم اهالی قرائت و مضمون عالی آن را حرف به حرف و کلمه به کلمه به آنها تفهیم نمودم اهالی مرقومه اگرچه اظهار شکرگزاری کرده و فوراً حاضر و مهیا به عزیمت شدند، ولی مأمور مومی الیه در حضور آنها علناً بیان نمود که بعضی از این اشخاص اخذ و به بعضی محلهای دیگر نفی خواهند شد و پارهٔ اوراقی که دایر به این مأموریت خود داشت ابراز و نشان داد بناء علیهٔ این کیفیت مباین به تأميناتی که داده شده است می نمود و یکی هم الیوم عساکر ایرانیه در میان اورامان می باشند. لهذا اهالی مرقومه به این جهت نایل آرزوی تأميناتی که از آن طرف داده می شد نگردیده این حالت به عودت سریعهٔ آنها مانع آمد و مأمور مومی الیه به جهت برداشته شدن عساکر از اینجا و صدور عفو عمومی در حق آنها مراتب را به والی سنه بیان و در سلیمانیه اقامت کرده منتظر ورود جواب از والی سنه می باشند بر موجب اعلان‌نامه ولایت پناهی از آن طرف چگونه معامله واقع شود و اگر عساکر مرقومه را از آنجا بردارند، اهالی مرقومه حاضر و آماده می باشند که عزیمت نمایند و الحاصل عزیمت اورامانی ها بسته به تأمینات صحیحهٔ آن طرف می باشد از طرف ما هرگونه حرکات فداکارانه اجرا گردید در این باب هر طور که موافق رأی واردهٔ عالی بوده باشد از روی آن رفتار و حرکت خواهد گردید.

نظارت

دائرهٔ امور خارجیه

اوراق مکتوبی قلمی

۲۷ ایلول سنه ۳۸ تاریخیله مقام صدارتپناهیه بغداد ولایتندن کشیده اولنان تلغرافنامه‌نک صورتیدر

[illegible] اعاده‌لری حقنده [illegible] بابدن نصیحتنامه ایله تکرار مأمور مخصوص کوندرلمشیدی بونلرک سلیمانیه متصرفلغنه وارد اولدقلری [illegible] نقل اولنور [illegible]

[illegible] ولایتجه [illegible] اعلاننامه [illegible] حاضر بولندیغی [illegible] علی‌الخصوص [illegible] طرفندن [illegible] اهالیسی [illegible]

[illegible] اهالی [illegible] اظهار تشکرات [illegible] اولمشلردر [illegible]

[illegible] اهالی مواجهه‌سنده [illegible] مأمورینه [illegible] عفو عمومی [illegible]

[illegible] مأمورلر ایله [illegible] اهالی [illegible] طرفندن [illegible] ولایتچه [illegible]

[illegible] ایرانه عسکری الیوم [illegible] سلیمانیه [illegible] اقامت ایتمکده بولنمشدر [illegible] طرفندن اعلاننامه [illegible]

[illegible] سلیمانیه [illegible] طرفندن [illegible]

[illegible] عفو عمومی [illegible] اهالی [illegible] حاضر بولنمشدر [illegible]

[illegible] اهالی [illegible] حرکته ابتدار قلنمشدر

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۴۱
موضوع: فرار سعید سلطان و رستم سلطان
تاریخ: ۱۳ شوال ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۲۲

صورت تلغراف مورخهٔ ۱۳ شهر شوال ۱۲۸۶ باب‌عالی به ولایت بغداد است

از جانب سفارت ایران این دفعه شکایت، واقع گردید که سعید سلطان که یکی از رؤسای عشیرت اورامان است با توابع خود فرار کرده است و این کیفیت به وقوع نمی‌توانست رسید، مگر محض اینکه اوامر صادرهٔ باب‌عالی را مأمورین آنجا در وقت و زمان خود به موقع اجرا نگذارند و از مساعدهٔ که از طرف مأمورین نسبت به آنها می‌شده است فرار آنها واقع گردید و به این حالت شبهه نمی‌رود که رستم سلطان نیز فرار خواهد نمود فی الحقیقه در پیش چشم حکومت این طور فرار کردن او با عیال و بند و اسباب بالطبع بر سوءنیت حمل می‌شود و او نمی‌تواند به طرف ایران برود و به احتمال اقرب است که حالا در خاک عثمانی در میان بعضی عشایر بوده باشد. لهذا او را فوراً در هر جا است پیدا کرده با رستم سلطان و من‌تبعهٔ او سریعاً به موقعی که در حق آنها تعیین شده است ارسال و نتیجهٔ اقدامات جدیده را با سبب و جهت فرار آنها به اینجا با تلغراف اشعار دارید.

نمره ۱۲۲

[illegible]

۱۷ محرم سنه ۳۲۸ و ۱۶ كانون ثانی ۳۲۵ تاريخيله بغداد ولايتنه يازيلان

تلغرافنامه‌نك صورتيدر

اوزمانده عشيرت پيشلرنده سنجق تشكيلاتی بوكه تو ابعنيه بر قرار ايديكى و بوده‌ن موسى الحافظ اولنان استانه وقيه اجرا اولنجه‌يه قدر بو حاله برنوع

مساعده كوسترلمكده نشانه ايديكى و بو حاله رتم سنجاقك [illegible] قضا قرار بويله ايله حكم جانب سفارتدن مسئله‌سنك بيانه اولنور مرفوعه‌لرك اولوب ده

حكومتك كوزى اوكنده حق قبيله قضا بيوك بولمدى بيلمديكى سؤ [illegible] اوله حفيظ و مرفوعه‌يه بهر حال اونه كه موجب بو دم بعضه عشايرين قبائلى

اقرب احتماله‌نده بولنديغنده هما بولنديغى ديكر تبسى رتم سنجاقده ونو ابعيه بار بقيه اوقاته محلده سرعت عزائمه [illegible] و حدوده وصولى

با تلغراف استعلامنه همت بيوريلمه

شمارهٔ سند: ۳۴۲
موضوع: محمدبیگ جاف ــ عشایر
تاریخ: ندارد
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

سواد کاغذ میرزا عیسی خان

قربان خاک‌پای مبارک شوم، دیروز محمدبک جاف به سلیمانیه وارد شد منزلش را در عمارت پاشا معین کردند گویا خیال او در این است که اورامانی‌ها زودتر معاودت به خاک خود بکنند مفاد کلامش در نزد پاشا این بود محمد سعیدسلطان دروغگوی نمک به‌حرام به وعدهٔ سه‌روزه رفت که برگشته به اتفاق غلام و جمعی از رعایا به خاک‌پای مبارک بیاید سه روز پنج روز شد و از او خبری نشد.

سواد کاغذ میرزا عیسی خان

قربان خاکپای مبارکت شوم

دیروز محمد بک جاف [از] سلیمانیه وارد شدند

منزلش را در عمارت باغشاه معین کردند کجا خیال او در ایران است

که او را با اینها زودتر معاودت نمایند خرد کمکند مفاد کاغذش در [illegible]

این بود. محمد سعید سلطان در [illegible] بجز [illegible] به دو عیب سه روز ماند

رفت که برگشته با اتفاق غلام و جمعی از زرخای کرکان مبارک

بیاید سه روز پنجم ورش دارا رد خیمه زنند

شمارهٔ سند: ۳۴۳
موضوع: تجاوزات عشایر به اطراف خانقین
تاریخ: ۳ رجب ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

یادداشت سفارت سنیه عثمانی به وزارت امور خارجهٔ دولت علیهٔ ایران

موافق تفاصیلی که این دفعه به سفارت سنیه رسیده است، قویاً معلوم می شود، که فقرهٔ تخطی قریب دویست سوار در اطراف خانقین و مصدر قتل و غارت شدن آنها و فقرهٔ دوازده نفر فیلی و شقاوت ایشان، چنانچه سابقاً از باب‌عالی و ولایت جلیلهٔ بغداد به واسطهٔ تلغراف اشعار شده بود، و نواب والا عمادالدوله فوراً هر دو فقره را به سبب ایقاع بعضی شبهات از کارکنان و سرحدداران آنجا و حُسن ظنّ به اظهارات ایشان، گویا دیگر در مقام تحقیق برنیامده شدیداً به قید قسم انکار فرموده‌اند. واقع و صحیح است. تفصیل فقره اولی شاهمرادخان رئیس عشیرت بی توی با برادر و عموزاده‌اش و رئیس عشیرت بتیاره‌وند شاه‌حسین نام با کورخضر و قدرمیر و یاسین نامان و جمعیت که از عشایر منسوبهٔ خودشان و سایر از سنجابی و احمدوند نزدیک به‌دویست سوار فراهم آورده بودند، شب جمعه ۱۸ شهرجمادی الاولی سنهٔ ۱۲۸۶ متجاوزاً در ناحیهٔ قزل رباط من توابع خانقین بر عشیرت ربیعه که در آنجا ساکن‌اند ناگاه و بی‌خبر حمله و هجوم برده یازده نفر از عشیرت مزبوره را می‌کشند و اموال و اشیای بسیار از آنها غارت می‌کنند و نظر به سابقهٔ خصومت که با زیدان‌نام شیخ آن عشیرت داشته‌اند، طفلی که در آغوش زوجه‌اش بوده است گرفته به آتش می سوزانند و زوجه او را هم به قید اسارت درمی آورند.

تفصیل فقرهٔ ثانیه دوازده نفر اشقیا از عشیرت فیلی به طرف شهربان که در قایم‌مقامی خراسان است تجاوز حدود نموده در کوهی که میانهٔ شهربان و قزل رُباط واقع است به راغب افندی یوزباشی و دو نفر ضبطیه که به بردن چند نفر محبوس مأمور بوده می رفته‌اند بر خورده تشهیر سلاح کرده‌اند و یوزباشی مشارالیه را مجروح نموده آن دو نفر دیگر را از اسب و اسلحه معزول می سازند. که خبر به مدیر قزل رباط رسیده فوراً به عقب آنها سواری فرستد. و چون اشقیای مرقومه می بینند که نمی توانند مقاومت نمود هر طوری

بوده است خود را به خاک ایران رسانیده محفوظ می مانند. و نیز از عشیرت ملکشاه که در خاک ایران سکان گرفته اند، سی یا سی و پنج نفر تجاوز حدود نموده در قریهٔ زرباطیه وارد شده بر سر رعایایی که در آنجا به کاروکسب خود مشغول بوده اند ریخته از قتل و غارت هرچه می توانسته اند به ظهور رسانیده اند و همین که سوار به مدافعهٔ ایشان مأمور می شود خود را به حدود می رسانند و داخل خاک ایران می شوند، و ظاهر است که نمی توان این گونه حوادث را که صدق آنها از مشاهده همان اشخاص مجروحه و مقتوله و طفل محروق و اموال منهوبه واضح و ثابت است، از اخبار بی اصل فرض کرد. چگونه می شود که مثل جناب جلالت‌مآب مدحت پاشا والی و مشیری تا صدق و حقیقت این گونه حوادث را کماهُو حقُّها معلوم ننمایند، در موقع مخابره گذارند و اینکه نواب مستطاب والا عمادالدوله در تلغرافنامجات خودشان به وزارت امور خارجه اظهار داشته اند (که اصلاً چنین چیزی مسموع نشده است. این سوار کجایی هستند و در کجا این کار را کرده اند) (ابداً چنین حرفی شنیده نشده است) (و اصلاً در این فقره در سرحدات خبری نشده است و از تبعهٔ این دولت هرگز تجاوز حدود واقع نشده است) از کجا می خواستند مسموع شود. این حوادث در خاک ایران واقع نشده بودند که از اهالی و مأمورین ایرانیه بشنوند، اشقیا و اشرار هم که خود مبادرت بعضی شقاوت و شرارت خود نمی‌کنند. در خاک عثمانی واقع شده بود مأمورین آنجا اظهار کردند و پس از آن تکلیف حکومت کرمانشاهان بود که فوراً انکار نکرده در مقام تحقیق برآیند و البته آن جناب جلالت‌مآب پس از ملاحظه و موازنهٔ این تفاصیل از نتیجهٔ اجرائات و اهتمامات کافیهٔ خود در چنین حرکات غیرمجوّزهٔ متوالیهٔ عشایر مذکوره که بالوجوه مخلّ منافع طرفین و موجب اخلال آسایش و امنیت اهالی و سکنهٔ سرحدات و منافی افکار خالصانهٔ وکلا و مأمورین جانبین می باشند، سفارت سنیه را مستحضر داشته بعد از این هم باصدار و ارسال تعلیمات مقتضیه نگذارند چنین حال و حرکات نالایقه به ظهور آید و در رفع تکرار این گونه وقایع مساعی جمیلهٔ خود را ارائه فرموده مستلزم تأیید نیات حسنهٔ وکلای دولتین علیتین باشند. و چون از خبر تلغرافی که دیروز از ولایت جلیله بغداد رسیده است سفارت سنیه اطلاع وزارت امور خارجه را لازم می داند زحمت اظهار می دهد که باز از بستگان و آدمهای حسین قلی خان تجاوز حدود نموده زوّاری را که در حوالی مندلی بوده اند غارت کرده به خاک ایران معاودت نموده اند. زیاده زحمت ندارد. فی ۳ شهررجب المرجب ۱۲۸۶

یادداشت غارت سفینه وزارت امور خارجه دولت علیه ایران

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۴۴

موضوع: دستگیر محمد سعیدسلطان و یاراحمد جاف

تاریخ: ۱۵ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق

کارتن: ۱۲

پرونده: ۵/ح

سواد کاغذ مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمدالدوله در حکومت کردستان است (به وزارت خارجه نوشته اند)

منظور جناب عالی این بود که مأمور مخصوصی از دولت عثمانی برای کوچاندن اورامی و گرفتن محمد سعیدسلطان و خواستن یاراحمد جاف بیاید که محمدبیک ملعون ناچار بشود هنوز خبری نرسیده است و معلوم است که این پاشا هم همان حالت مظهر پاشا را دارد و به علاوه وقدباهرت ثمانین سنته سلیمان آقا را با التفات و مواجب بفرستید که مایهٔ امیدواری اهل سرحد است و برای مشارالیه دیگر زیست در آن صفحات نیست اگر به دستشان بیفتد منفی خواهند کرد و محمد سعیدسلطان با عیال خود در دله‌مر است گاهی خودش را پنهان می‌کند یعنی حضرات می‌گویند که نیست، عیالش که هست خود عیال او را به شهر سلیمانیه نمی برند که مشارالیه بداند و ناچار بشود و پیدا بشود هرچه هست همه به دستورالعمل خودشان است. زیاده زحمت است. تحریراً فی پانزدهم محرم الحرام ۱۲۸۷

بوزارت خارجه نوشته شد

سواد کاغذ مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمدالدوله

در حکومت کردستان است

مسطور حضرت عالی این بود که مأمور مخصوص از دولت عثمانی برای کوچاندن اولاد و کسان محمد سعید سلطان و خواهش

یار احمد جاف بیاید که محمد بیگ ملعون ناچار شود هنوز خبری نرسیده لیکن و معلوم است دولت ایرانی

پادشاه هم الان حالت مظلومیت شما را دارد و تعلل و قدها هر سه تمام این سنه سلیمان آقا

با التفات و مراجعت نفرستید که ما به امیدواری اینها برخاسته‌ایم و برای رعایه دیگر نیست در این صورت

نیست اگر بیرق ... نفرستید نفعی نخواهند کرد و محمد سعید سلطان با عیال خود وارد مریوان است

گاهی خودش را پنهان میکند بعضی حضرات میگویند که نیست عیالش که ... حالا در اورامان

شهر سلیمانیه تعیین کرده که رعایه را برده و ناچار شود و پیدا شود ... ایام العمر ... است

باقی ایام ... تحریراً فی یازدهم محرم الحرام ۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ۳۴۵
موضوع: شرارت عشایر جاف و محمدبیگ
تاریخ: ۱۵ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

سواد کاغذ امامقلی میرزا در حکومت کرمانشاهان به وزارت خارجه نوشته‌اند

قریه مشیاه و شیدان از توابع شیلر است که با خاک خورخوره خاک و باد است و غالباً مکمن و مأمن یاراحمد جاف آنجا است و از آنجا یک شبه هرجا بخواهد به هرزگی می رود ابراهیم سلطان حاکم خورخوره مکرر نوشته است که اگر اذن بدهید یک گوشمالی به اهالی آن دو ده بدهم که یاراحمد را جا ندهند خیلی خوب است من هم به ملاحظهٔ حد و سد دولتین تمکین نکرده‌ام و دولت عثمانی هم ابداً از عهدهٔ یاراحمد برنمی آید و به محمدبیک هم نمی تواند حکم بکند و تمام فتنهٔ این صفحات خواه یاراحمد باشد یا رسول آقای شیوه کلی باشد یا احمد کنده‌سوری باشد یا اورامی باشد یا احمدوند باشد از شرارت محمدبیک است که همه به تدبیر و دستورالعمل او حرکت می‌کنند و اگر او به دَرَک واصل شود مثل ساعتی که از کوک بیفتد تمام مفسدین این صفحات از حرکت خواهند افتاد و از اهالی کردستان چند نفری داوطلب دفع شریار احمد را شده‌اند و من هم سیصد تومان انعام و صد تومان مواجب وعده کرده‌ام تا تقدیر الهی چه باشد و اقبال بی‌زوال شاهنشاهی روحنافداه چطور اعانت نماید. به حق محمد(ص) و آله. ۱۵ محرم‌الحرام ۱۲۸۷

سواد کاغذ مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمدالدوله

در حکومت کردستان

قریهٔ بیشه و شیدان از توابع شهرزور که با خاک خورخوره خاک کردستان و بانه [illegible] زمان

ملکی و مِلکی باراحد جاف آنجاست و از آنجا یک شبه هرجا بخواهد بهرزگی میرود و ابراهیم سلطان

حاکم خورخوره مکرر نوشته است که اگر اذن بدهید یک گوشمالی به آن دهیم

که باراحد را راحت بنشانند خیلی خوب است نوشتم بجناب مصطفی حد و سید در این تکلیف بکنم اهم لازم

و دولت عثمانی هم ابداً از عهده باراحد بر نمی‌آید و مجید بیک هم نمی‌خواهم [illegible] و تسلیم

فتنه این صفحات خواه باراحد باشد یا رسول آقای شیروه گلی [illegible] باراحد کشته نبودی

باشد یا دور امی باشد باراحد و فرزندش از شرارت محمد بیک است که همه تدبیر

دستورالعمل او حرکت میکنند و اگر او بدرک جهنم واصل شود [illegible] که از نوکر ارسغیه [illegible]

مفسدین این صفحات از حرکت خواهند افتاد و از اهالی کردستان خیلی تفرقی

داد طلب دفع شر باراحد را اشتعال [illegible] رسیده [illegible] الحال [illegible]

و عریضه [illegible] تا تقدیر الهی چه باشد و اقبال بی زوال شاهنشاهی در رفع فرار خطر [illegible]

محل مهر والا ۱۵ محرم الحرام ۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ۳۴۶
موضوع: استفسار احوال حمزه‌آقا
تاریخ: ۲۲ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

صورت خلاصهٔ مذاکرات مجلس چهارم قومسیون که روز شنبه ۲۲ محرم سنهٔ ۸۷ و ۱۱ نیسان سنهٔ ۸۶ در تلومبا باغچه‌سی بغداد منعقد شده است

صورت مجلس سیم قرائت و مطابقت آن با مذاکرات جاریه تصدیق و صورت فقرات متعلقه به مسئلهٔ سنجابی و حمزه‌آقا که اساس حرکات قومسیون را تعیین می نمود، از تعلیمات طرفین بیرون نویسی و به جهت مطالعه به یکدیگر تسلیم شده بعد از آن به استفسار احوال حمزه‌آقا مداومت گردید.

۱ س: وقت استماع احتراق سردشت چند روز از ورود تو به اردوی تقی‌پاشا می‌گذشت؟

ج: به اردوی تقی‌پاشا رسیدم و این خبر را شنیدم.

۲ س: آن وقت تو از کجا می آمدی؟

ج: از خانهٔ خودم.

۳ س: احتراق سردشت پیش از آنکه تقی‌پاشا ترا حبس بکند واقع شد یا بعد از آن؟

ج: پیش از محبوسی من بود.

۴ س: می‌گویی که وقت احتراق سردشت آنجا نبودم و حال آنکه آنها را که درین جمعیت بوده‌اند می دانی و مجلس گذشته اسم بردی.

ج: من در کرکوک حبس بودم، آدم من خبر آورد که آتش‌زنندگان سردشت آنها هستند.

۵ س: اسم آن آدمتان چیست؟

ج: محمود.

۶ س: این آدم حالا کجاست؟

ج: در خانهٔ من.

۷ س: در شردیت است؟

ج: خیر حالا خانهٔ من در قریهٔ موسوم به ژاراوی است او هم آنجاست.

۸ س: پیش از احتراق سردشت یا بعد از آن هیچ به سردشت رفته[ای]؟

ج: دو سال می شد که به سردشت نرفته بودم.

۹ س: این سوختن سردشت بعد از ریختن قراپاپاق به‌سرشما بود یا قبل از آن؟

ج: بعد از آن است.

۱۰ س: مابین تالان کردن لشکر شجاع الملک ترا و ریختن سواره قراپاپاق چند مدت می شود؟

ج: هفت ماه.

۱۱ س: عشیرت کوریک و کلوی چه موسمی شما را یغما نمودند؟

ج: به همراهی شجاع الملک.

۱۲ س: بعد از آنکه لشکر شجاع الملک شما را یغما نمودند تا ظهور مادهٔ سردشت به ساوجبلاغ رفتی یا نرفتی؟

ج: بلی رفتم دو برادر و یازده برادرزاده و سایر عیال و اطفالمان را شجاع الملک حبس کرده بود رفتم آنها را خلاص کنم.

س ۱۳: خلاص نمودی؟

ج: رفتم همهٔ اینها را خلاص کردم.

س ۱٤: چه طور خلاص نموده و چه کردی؟

ج: قادرآقا پسر عباس‌آقا به قریهٔ حاجی ماميان آمده پسر و برادرش را در آنجا گذاشته به اتفاق او نزد شجاع الملک رفتیم او هم برادر و برادرزادگان و سایر عیال و اطفال ما را مرخص نمود برداشتیم برگشتیم.

س ۱۵: شجاع الملک اینها را چرا حبس کرده بود؟

ج: وقتی که من از بالای بالک به این طرف آمدم برادرم از شجاع الملک خاطرجمع بود به امید اینکه به اوچیزی نمی‌کند در آنجا مانده بود بعد شجاع الملک آنها را هم تالان و حبس نموده بود.

س ١٦: این رفتن تو به ساوجبلاغ چند وقت پیش از مادهٔ سردشت بود؟

ج: هفت ماه.

س ۱۷: در این مدت هیچ به ساوجبلاغ دیگر نرفته[ای]؟

ج: خیر

س ۱۸: در یکی از افادات اولی گفتی مقدار اقارب و عشایرت من پانصد خانوار است و دفعهٔ دیگر یک هزار و پانصد خانوار گفتی عشیرت منکور پانصد خانوار است یا یکهزار و پانصد؟

ج: عشیرت من الان موجود است از یکهزار و پانصد خانوار نیز متجاوز می تواند شد.

س ۱۹: در احراق سردشت همراه بودن ترا با آن جمعیت اکثر مردم می دانند و می‌گفته اند، ولی تو می‌گویی با آنها نبودم.

ج: خیر نبودم.

س ۲۰: وقتی که رفته بودی اقربای خود را که نزد شجاع الملک محبوس بودند خلاص نمایی در آنجا نسبت به قراپاپاقها اظهار تسلّطی نمودی یا نه؟

ج: خیر

س ۲۱: راست بگو حمزه‌آقا درین حمله به سر سردشت حاضر بوده[ای] یا نه؟

ج: خیر نبودم مال و دولت من رفت، حالا می خواهید مرا دروغگو هم بگویید.

س ۲۲: این حرفها که گفتی قسم می توانی بخوری که تماماً صدق است؟

ج: به نفس خود صدق بودن این منطوقات را قسم می خورم.

محل مهر مأمورین ایران و عثمانی

صورت خلاصه مذاکرات مجلس چهارم و پنجم که روز شنبه ۲۴ محرم ۱۳۰۸ در ... باغچه ... متعلقه است

صورت مجلس سیم قرائت و مطابقه آن با مذاکرات مجلس دویم ... و صورت تقریرات متعلقه به مسئله ... حمزه آقا که اسیر ترکمان گردید

و مشغول شد تعیین می‌نمود از ملتفتات طرفین ... و نتیجه مطابقه به تکلم ... بعد از آن کشف احوال حمزه آقا ...

۱ س وقت استماع احتراق سرحد چند روز از ورود بار حمزه تقی شما می‌گذشت

ج بار حمزه تقی شب رسیدیم و این خبر را شنیدیم

۲ س آنوقت تو از کجا آمدی

ج از خانه خودم

۳ س احراق سرحد پیش از آنکه تقی شما ... حبس کنند واقع شد یا بعد از آن

ج پیش از محبوسی من بود

۴ س ... که وقت احتراق سرحد آنجا بودم ... آنها را که در زیر جمعیت بود ... اسم ...

ج ... در کوک حسن ... آدم ... خبر ... زنانه کالای سرحد آنها هستند

۵ س اسم آن آدمان چیست

ج محمود

۶ س این آدم حالا کجاست

ج در خانه من

۷ س در سرحد هست

ج خیر حالا خانه من در قریه موسوم به ... است او هم آنجاست

۸ س پیش از احتراق سرحد یا بعد از آن هیچ به سرحد رفته

ج ۵ سال می‌شود که به سرحد رفته بودم

۹ س این سوختن سرحد بعد از رفتن قراباغی به سرحد بود یا پیش از آن

ج بعد از آن است

۱۰ س ما بین ... لشکر شجاع الملک ... و رفتن ... چند مدت می‌شود

ج هفت ماه

۱۱ س عشیرت کوکلان ... چه ... شما را یغما نمودند

ج بهمراهی شجاع الملک

۱۲ س بعد از آنکه لشکر شجاع الملک شما را یغما نمودند تا ظهور ... سرحد ... رفتن ...

ج ... رفتم ... [illegible] ... شجاع الملک حبس کرده بود رفتم آنها را خلاص کنم

۱۳ س خلاص نمودی

ج رفتم همه اینها را خلاص کردم

۱۴ س چه طور خلاص نمودی و چه کردی

ج ... آقا ... عباس آقا ... آمده ... در آنجا که ... اتفاق ... شجاع الملک ... و اطفال ما را مرخص نمود ... برداشتیم برگشتیم

۱۵ س شجاع الملک اینها را چرا حبس کرده بود

ج وقتی که من از آنجا با کلک به این طرف آمدم که خودم
از شجاع الملک خاطر جمع بود با سبب اینکه با او خبر
نمی‌کند در آنجا مانده بود بعد شجاع الملک ابتدا هم
[illegible] و حبس نموده بود

س ۱۶ این رفتن توپ و جباخانه چه وقت پیش از آنها
سر داشت بود

ج هفت ماه

س ۱۷ در این مدت هیچ توپ و جباخانه دیگر رفته

ج خیر

س ۱۸ در یکی از افادات اول گفتی مقدار اقارب
عشیرت من با بغه خان نواز است و دفعه دیگر یکهزار
و با بغه خان نواز گفتی عشیرت مذکور با بغه خان نواز
با یکهزار روپیه

ج عشیرت من از آن موجود است در یکهزار روپیه
خان نواز نیز [illegible] از من نوکر نشده

س ۱۹ در اطراف سرحد نشسته همراه بودن تو را با آن کل
جمعیت اکثر مردم میدانند وی گفته اند ولی
تو میگوئی با آنها نبودم

ج خیر نبودم

س ۲۰ وقتی که رفته بودی اقربای حفیظ‌الله که نزد شجاع الملک
محبوس بودند خلاص نمائی در آنجا نسبت به قرابایان تنها
لطفها [illegible] نمودی یا نه

ج خیر

س ۲۱ رابطه بکر حمزه آقا در این جمله به سرحد نشسته حاضر بودید یا نه

ج خیر نبودم مال و درک [illegible] رفت فالله میخواهید مرا
در [illegible] حکم نمائید

س ۲۲ این حرفها که گفتی قسم میتوانی بخوری که تماماً
صدق است

ج به نفس خود صدق بودن این منطوقات قسم میخورم

شمارهٔ سند: ۳۴۷
موضوع: فرار چند خانوار از ایل کرکوک عثمانی به اشنویه
تاریخ: ۲۷ شعبان ۱۲۸۷ هـ. ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۶۳

نامهٔ ابراهیم خان نایب الوزاره به وزارت خارجه

هو

خداوندگارا، مقرب الخاقان شجاع الدوله شرحی نوشته اظهار کرده است خانواری چند از ایل کرکوک به واسطهٔ عدم تحمل به تکالیفی که از طرف عثمانی به آنها می شده است فراراً به اشنویه و مرگور آمده اند و استفسار از تکلیف در نگاهداری و ردّ آنها کرده بود. فدوی در جواب نوشت که عثمانی ها این قبیل فراریان را ملتجی پولتیکی می‌گویند و نگاهداری نموده رد نمی نمایند و اهالی اورمان را در ضمن جواب تمثیلاً ذکر نمود و اظهار داشت که آنها یاغی دولت بودند همین که فرار به آن طرف کردند پاشای سلیمانیه در نیم فرسخی سرحد آنها را نگاهداری نموده رد نکرد از این طرف هم به طور مقابله مثل تکلیف مقرب الخاقان مشارالیه نگاهداری خانواران مزبوره خواهد بود و حال آنکه اینها به مقام یاغی گری و معارضه با دولت عثمانی نیامده و مثل اهالی اورمان رفتار خلاف قاعده نکرده اند، بلکه محض اینکه تحمل تکالیف وارده را ننموده اند، فرار به این طرف نموده اند. منتهی این است به ملاحظهٔ شرایط دوستی و اتحاد دولتین لازم است این قبیل فراری ها در سرحد و در اماکن نزدیک سرحد نگاهداری نشوند و به مقرب الخاقان مشارالیه نوشت که خانواران مزبوره را در اشنویه سکنی نداده در حوالی ارومیه و در جاهایی که داخله ولایت محسوب می شود سکنی قرار داده آورده در آنجاها نگاه دارد اطلاع خاطر مبارک را از مراتب لازم دیده جسارت به عرض نموده اصل کاغذ مقرب الخاقان مشارالیه را برای مزید استحضار خاطر مبارک ارسال داشت زیاده چه جسارت عرض شود، الامر الارفع الامجد مطاع. معروضه ۲۷ شهر شعبان المعظم ۱۲۸۶

محل مهر: العبد ابراهیم

خداوندگارا

مقرب الخاقان شجاع الدوله ترجمه نوشته اظهار کرده است خانلرخان [illegible]

بواسطه عدم حکم تکالیفی از طرف عثمانیها نهایت شده است فراریان شوشویه و مرکور آمده اند و از تعرض [illegible] تکلیف در نگاهداری

و در آنها کرده بودند در جواب نوشته که عثمانیها از قبیل فراریان [illegible] پولتیک میگویند و نگاهداری نموده [illegible] رد نمایند

و اهالی اورمان را در ضمن جواب تشویق ذکر نموده و اظهار داشته که آنها یاغی دولت [illegible] بعد بهمه [illegible] از فرار [illegible] نظر کنند

اشرار سلیمانیه در تیم و [illegible] سرحد آنها را نگاهداری نمیدارد و نگرد از این طرف هم بطور مقابله [illegible] تکلیف [illegible] مشارالیه

نگاهداری خانواران مزبوره خواهد بود و حال آنکه اینها تبعه یاغی کردی و معارضه با دولت عثمانی [illegible]

رفتار ضعف قاعده نکرده بلکه محض اینکه محل تکالیف واقع نموده اند فراریان طرف [illegible] ایران [illegible]

حالی و اگر دولت لازم است این قبیل در سرحد و در اماکن نزدیک سرحد نگاهداری نشوند و مقرب الخاقان مشارالیه

نوشته خانواران مزبوره را در شوشویه سکنی نداده در حوالی اردوبیه و در جایی [illegible] [illegible]

سکنی قرار داده آورده در آنجا نگاهداری [illegible] اطلاع خاطر مبارک [illegible] لازم [illegible] تعرض نموده [illegible] عثمانیها

مشارالیه را ابلاغ [illegible] خاطر مبارک [illegible] داشته [illegible] عرض شد امر امر الاقدس [illegible] ۱۲۸[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۴۸
موضوع: حملهٔ عشایر شکاک به عشایر وان
تاریخ: ۲۰ ذیحجه ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

یادداشت سفارت عثمانی به وزارت خارجه

موافق اشعاری که از جانب ولایت ارزروم به سفارت سنیه شده است قبل از شهر رمضان بعضی از ایلات خوی به ریاست علی آقای شکاک که از فراریان دولت علیه است بر سر عشیرت شکفتی که از عشایر وان است حمله و هجوم آورده اموال ومواشی آنها را غصب کرده چند نفر را هم مجروح و مقتول نموده‌اند، این معنی از جانب حکومت وان به حکومت خوی اظهار شده، علاوه بر اینکه فایده نداد و موجب تسویه نشد جوابی هم داده نیامد و نیز بعضی نفرات عسکریهٔ وان که به خوی فرار کنند هر قدر از حاکم خوی مطالبه می شود، موقع اعتنا پیدا نمی‌کند، تا چه رسد به اینکه اعاده شوند. و همچنان مرقومین را حاکم مشارالیه حمایت و تصاحب کرده وقوع این حالات به جایی رسیده است که تحمل آن بر حکام و سرحدداران دولت علیه بسیار ناگوار است و دوستدار، در دوستی فریضهٔ ذمت آن جناب جلالت‌مآب می داند، که زودتر به هر وسیلهٔ ممکنه در مقام چاره و تسویهٔ فقرات مزبوره برآمده نوعی هم بفرمایند که در آینده این گونه اتفاقات کلیتاً به انتظام حدود مخالف است، روی ندهد. چنانچه شفاهاً هم به اطلاع آن جناب جلالت‌مآب رسانید. زیاده زحمتی ندارد. فی ۲۰ ذیحجه‌الحرام سنه ۱۲۸۷
اثر مهر احمد ناظم

یادداشت

موافق اشعاری که از جانب ولایت در خصوص انقلابات تبنیه شده است قسمتی از اشرار کلهران بعضی از ایلات خیر بیات همه آن شکاک که از فراریان دولت عثمانیه است به بر عشیرت شکفتی که از عشایر ایران است حمله و هجوم آورده اموال و مواشی آنها را غصب کرده چند نفر را هم مجروح و مقتول نموده‌اند این معنی از جانب حکومت ایران بحکومت خوی اظهار شده مطالبه اینکه فایده نداده و موجب تسویه نشده جوابی هم داده نیامده و نیز بعضی نفرات عسکریه دولت در خاک [illegible] فرار کنند هر قدر از حاکم محلی (خوی) به [illegible] موقع اعتنا نمی‌شود تا چه رسد باینکه اعاده شوند و همچنان از قره‌چای را حاکم [illegible] حمایت و نگاهداری کرده وقوع اینحالات [illegible] شده است در تحقیقات [illegible] به حکام و کشیک‌داران دولت علیه بسیار ناگوار است و حاشا از [illegible] ذات آنها [illegible] می‌دانند در خصوص هر وسیله ممکنه در [illegible] قوات مزبوره [illegible] در آینده اینگونه اتفاقات که کلیه با انتظام [illegible] نفرات [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۴۹
موضوع: نزاع عشایر ایران در خاک عثمانی
تاریخ: ۲۸ ذیحجهٔ ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

یادداشت وزارت خارجه به سفارت عثمانی

از مفاد و مآل یادداشت سفارت مورخ به تاریخ بیستم شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۸۷ مشعر به بعض اظهاراتی است که از جانب ولایت ارزنة الروم به سفارت نسبت به عالی جاه علی آقای شکاک رعیت دولت علیهٔ ایران و حکمرانی خوی شده است استحضار حاصل شد البته دولت علیهٔ ایران در کمال اهتمام نظمی که مقتضی و لازم است مابین دو عشیرهٔ شکفتی و شکاک رعایای خود خواهد داد که هرگونه دعاوی آنها با یکدیگر اجری و تسویه شود. ولی چون از فحوای یادداشت سفارت و اظهار ولایت ارزنة الروم چنین معلوم می شود که گویا نزاع عالی جاه علی آقا با بعضی از طایفهٔ شکفتی در خاک آن طرف واقع شده است و وزارت امور خارجه نیز هرگز راضی نخواهد شد که خلاف نظم از عشایر این طرف در خاک دولت علیه عثمانی ظهور یابد، احکام مؤکّدهٔ لازمه به حکومت خوی صادر نمود که پس از تحقیق و اثبات چیزی بر عهدهٔ علی آقا در کمال سرعت و اهتمام احقاق حق نموده و برای نظم آینده نوعی قرار محکم دهد که به هیچ وجه من الوجوه خلاف نظمی از آنها به ظهور نرسد، ان شاء الله به هر طور جواب رسید از حاصل اقدامات کامله خاطر سفارت را قرین اطلاع خواهد داشت. و همچنین در باب بعض نفرات که اظهار نموده بودید به طرف خوی فرار کرده‌اند مخصوصاً از حکومت خوی تحقیق و دستورالعمل اکید مرقوم شد، پس از وصول جواب با نهایت احترام به صوب سفارت سنیه اظهار خواهد شد و از روی بصیرت وزارت امور خارجه از هیچ گونه اقدامات مجدانه مضایقه نخواهد نمود. زیاده زحمت ندارد. ۲۸ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۸۷

یادداشت سفارت دولت عثمانی

از مفاد و مآل یادداشت سفارت مورخه بتاریخ بیستم شهر ذی الحجة الحرام ۱۲۸۷ استحضار بعض اظهارات که از جانب [illegible] حکمرانی خوی
ولایت ارزنة الروم بسفارت سنیه [illegible] عالی شکایت از [illegible] دولت علیه ایران [illegible] که حکمرانی [illegible] عشیره
شده است استحضار حاصل شد. اینکه دولت علیه ایران همیشه در کمال اهتمام [illegible] مقتضی و لازم [illegible] ارشاد
[illegible] شکایات رعایای خود خواهد داد [illegible] هرگونه عوامل آنها [illegible] اجرای و تسویه شود و لیکن [illegible] بکرات یادداشت
سفارت و اظهار والی ولایت ارزنة الروم چنین معلوم شده [illegible] اجزای [illegible] بعض از طایفه [illegible]
در خاک این طرف [illegible] است و وزارت امور خارجه [illegible] اعمال [illegible] حکومت [illegible] تحقیق [illegible]
این طرف در خاک دولت علیه عثمانی ظهور یافته [illegible] بحکومت خوی [illegible] بعد از تحقیق [illegible]
چیزی [illegible] در حالیکه رعیت [illegible] احقاق حق [illegible] ایشان [illegible] قرار [illegible]
[illegible] از آنها بظهور رسیده است [illegible] اقدامات [illegible]
سفارت را قرین اطلاع خواهد داشت و همچنین [illegible] بعض [illegible] از [illegible]
[illegible] از حکومت خوی تحقیق [illegible] که [illegible] جواب [illegible]
بصوب سفارت سنیه اظهار خواهد شد و از روی [illegible] وزارت امور خارجه [illegible]
[illegible] بتاریخ ۲۸ شهر ذیحجه ۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ۳۵۰
موضوع: تسلیم و یا تبعید رؤسای اشرار
تاریخ: ۱۰ ذیقعده ۱۲۸۸ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۳۸

هو

نامهٔ کارپردازی بغداد به وزارت جلیلهٔ خارجه

در فقرهٔ طغیان اورامانی ها و قرار طرد و تبعید آنها از سرحد و یا تسلیم آنها به سرحدداران دولت علیه تفصیلی مرقوم فرموده بودید که از روزنامهٔ زدرا چنین استنباط می شود رستم بیک را که از عمدهٔ اشرار و قاتل و منشاء فساد است، از دیار بکر مرخص کرده به سلیمانیه که سرحد است وارد شده است برزو بیک و پسرهای محمد سعیدسلطان هم چندی است در سرحد سلیمانیه مشغول قتل و غارت و احداث فتن می باشند امر به گفتگو با ایالت و اجرای قرار مقرر درین باب که رؤسای آنها در دیار بکر و سایر تبعیداز سرحد شوند و یا تسلیم سرحدداران ایران گردند سابقاً مذاکره به طورهایی که باید درین باب کرده سواد سؤال و جواب در ضمن عرایض سابقه انفاد حضور عالی شده است. پس از زیارت امر وزارت جلیله در خیال گفتگو هستم، لکن قطع دارم یا مثل جوابهای سابق جواب خواهند داد یا اینکه خواهند گفت که فقرهٔ رد فراریان و تبعید اشرار طرفین از سرحدات الان مطرح گفتگو است در ضمن قرار کلیهٔ این ماده قرار این فقره هم داده خواهد شد و این مسئله جای تردید و شبهه نیست اگر به کاغذ رسمی نمی‌گذارند شفاهاً بالصراحه ایالت می فرمایند که ما خودمان حسب المصلحه این طور کرده‌ایم و خواهیم کرد عرض احمدوند و فلان و بهمان چنانکه همیشه در مقام شکایات کار پرداز از عدم اجرای مطالب اظهاریه همین طورها گفته اند و این ماده پنج نفر احمدوند علت تعطیل قرار همهٔ امور شده است در هر صورت رفع کلیهٔ این مواد منوط به قرار کلیهٔ جانبین در رد و دفع تمامی اشرار و تسلیم فراریان سرحدیه هر دو جانب است که وکلای فخام هر دو دولت علیه از دردسر این گفتگوها خلاص شوند. و الا این گفتگوها و این درخواستها مفید فایده نخواهد شد و تقریری که در حقیقت پروتستو است در مادهٔ کسان سعید سلطان که در این

طرف نگاهداری کرده‌اند به حکومت نوشته‌ام و صراحتاً اظهار داشته‌ام که هر خسارت و شرارت از اینها ناشی شود، مسئولیتش به عهدهٔ حکومت خواهد بود. اگر رجوع به سوادهای مرسوله شود معلوم خدام عالی خواهد بود که در اجرای تکلیف خود در موقعش قصور نکرده است حال هم حسب‌الاشاره العلیه در مادهٔ رستم‌بیک گفتگو شده و نتیجه به عرض خواهد رسید. ۱۰ ذیقعده ۱۲۸۸

محل مهر: عبده اسحق الصدوقی

نمره ۳۸

بوزارت جلیلهٔ خارجه

در فقرهٔ طغیان اورامانیها و قرار طرد و تبعید آنها از سرحد و یا تسلیم آنها بسرحدداران دولت علیه تفصیلی مرقوم

فرموده بودید که از روزنامه زورا چنین استنباط میشود در تمام بیک را که از عمدهٔ اشرار و قتل و غارت [illegible]

از دیاربکر مرخص کرده بسلیمانیه که سرحدات دار دشته است برزو بیک پسرهای محمد سعید سلطان [illegible]

در سرحد سلیمانیه مشغول قتل و غارت و احداث فتن میباشند امر کنید که با ایالت اجرائی [illegible]

که رؤسای آنها در دیاربکر و سایر تبعید از سرحد شوند و یا تسلیم سرحدداران ایران کردند تقاضا نمائید [illegible]

در مقابل کرده سواد سؤال و جواب در ضمن عرایض سابقه انفاذ حضور عالی شده است پس از زیارت [illegible]

وزارت جلیله در خیال گفتگو هستم لکن قطع دارم یا مثل جوابهای بی جواب خواهد داد یا [illegible]

گفت که فقرهٔ رد فراریان و تبعید اشرار طرفین از سرحدات الان مطرح گفتگوست و در ضمن قرارنامه

این ماده قرار این فقره هم داده خواهد شد و این مسئله جای تردید و شبهه نیست اگر بکار خود [illegible]

شفاها با تصراحه ایالت سفیر مایه که ما خودمان حسب المصلحه اینطور کرده ایم و خواهیم کرد عوض احمد [illegible]

چنانکه همیشه در شفاهی شکایات کار بردند از عدم اجرای مطالب اظهار به همینطور [illegible] این ماده

[illegible] جعفر احمد [illegible] علت تعطیل قرارنامه امور شده است در هر صورت رفع کلیه این مواد منوط بقرار کلیه [illegible]

در رد و دفع تمامی اشرار و تسلیم فراریان سرحدیه هر دو جانب است که در کلامی تمام هر دو دولت علیه [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵۱
موضوع: سرقت و جرح تبعهٔ عثمانی در برادوست
تاریخ: ٤ شعبان ۱۲۸۹ هـ.ق
کارتن: ١٤
پرونده:

جواب جناب اشرف پاشا سفیر دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

به مجرد اطلاع از مضمون مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ نهم شهر رجب المرجب ۱۲۸۹ که اظهار داشته اند در محال برادوست گویا بعض سرقت و جرح و غیره نسبت به تبعهٔ دولت علیه عثمانی وقوع یافته است بدون فوت وقت احکام مؤکده تلغرافی و تحریری به عمدة الامراء العظام شجاع الدوله حاکم خوی و ارومی صادر و ارسال شد که از روی کمال دقت تحقیقات و تفحصات لازمه را به عمل آورده غایة القصوای حقگزاری و اجرای حقانیت را معمول دارد زیرا که هرگز اولیای دولت علیه ایران راضی به ظهور جزیی چیزی که خلاف امنیت باشد خاصه نسبت به رعایای دولت علیه دوست همجوار اسلام که امید است به هر زودی که مقدور باشد اقدامات مجدانه را معمول و احقاق حق و ایفای حقگزاری را از روی تحقیقات کاملهٔ عاجله پیشنهاد و ضمیر مودت تخمیر آن جناب را قرین استحضار دارد. زیاده زحمت نداد. ٤ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۸۹

[پی نوشت:] ناصرالدین شاه صحیح است.

بمجرد اطلاع از مضمون مراسله آن جناب مورخه بیستم شهر رجب المرجب ۱۲۸۹ و اظهاراتی که نوشته‌اند در جواب ... در حق تبعه دولت علیه عثمانیه

وقوع یافته است بدون ... وقت حکام ... تعمد ... انتظام تبعه ... حاکم ... وارد ... کامل ...

تحقیقات و تفحصات لازمه ... غایة الاقصای حقگذاری دخی اجرا ... زیرا که هرگز ... اعلیحضرت ... منظور ...

در خلاف ... نسبت بر عایای دولت علیه ... همجوار ... حق ...

۱۲۸۹

و انفاذ حقگذاری ... تحقیقات ... تحریرا ... شهر ... الاعظم

شمارهٔ سند: ۳۵۲
موضوع: فرستادن مأمور برای تحقیق ماده ایل جلالی
تاریخ: ذیحجه ۱۲۸۹ هـ.ق
کارتن: ۱۴
پرونده: ۵/ح

هـو

جواب جناب ناظم افندی شارژ دافر دولت عثمانی (نامه وزارت خارجه)

در جواب مراسلهٔ آن‌جناب مورخهٔ ۱۴ شهر ذی‌الحجه‌الحرام ۱۲۸۹ راجعه به ادعایی که از ایل جلالی رعیت این دولت علیه می‌شود با کمال احترام زحمت می‌دهد که هیچ دیوان عدالت بدون حضور متداعیین و ثبوت ادعای یکی از طرفین بر دیگری نمی‌تواند حکم بر حقیّت یکی از دو طرف نماید یا احدالطرفین را مجبور به قبول یک تکلیفی کند انصاف مسلم خود آن جناب نیز بلا تردید مصدق این مسئله واضحه خواهد بود لیکن چون اولیای دولت علیه ایران حتی‌المقدور مایل ارائهٔ همراهی و ایفای اقصی درجهٔ حسن همجواری می‌باشند، مضایقه از این ندارند که به موجب خواهش محترم آن جناب مأموری برای رفتن به سرحد و تحقیق مادهٔ به قدر مقدور با حضور مأموری از دولت علیه عثمانی معین و روانه دارند که بعد از تحقیقات صورت معلومات خود را به اطلاع اولیای دولت علیه برسانند که به اطلاع آن جناب هر طور اقتضای مراسم حقانیت باشد معمول افتد. زیاده زحمت ندارد. شهر ذیحجه سنه ۱۲۸۹

[پی‌نوشت، ناصرالدین شاه:] صحیح است.

جواب جناب [illegible] وزارت [illegible]

در جواب مراسله آنجناب مورخه ۱۴ شهر ذی‌الحجة‌الحرام ۱۲۸۹ راجع به ادعای [illegible] اعتبار [illegible] دولت علیه [illegible] احترام [illegible]

که به هیچ دلیلی [illegible] بدون حضور [illegible] و ثبوت ادعای [illegible] از طرفین [illegible] از طرف [illegible]

مجبور به [illegible] تحقیق که [illegible] آنجناب [illegible] شد و [illegible] دولت علیه [illegible] تحقیق [illegible]

هم [illegible] مضایقه از این [illegible] موجب [illegible] آنجناب [illegible]

با [illegible] مامورین دولت علیه عثمانی [illegible] تحقیقات صورت [illegible] را باطلاع [illegible] اعلام [illegible]

۱۲۸۹

در باطلاع آنجناب [illegible] احترام [illegible] معین [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵۳
موضوع: تجاوزات به اراضی سیدحسن و بگسائی
تاریخ: ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۹۰ هـ.ق
کارتن: ۱٤
پرونده:

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

نمره: ۳۶

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

از مضمون مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۳ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۰ در جواب رسیلهٔ دوستدار مورخهٔ ۲۰ شهر مزبور مشتمل به حرکات صادره از عالی جاه رفعت پناه حسین‌قلی خان و اتباع او استحضار حاصل شده زحمت اظهار می دهد که اولاً دوستدار را نهایت خشنودی از حسن‌نیت و نصفت مطلوبهٔ آن جناب در ارسال تلغراف به کرمانشاهان مقربهٔ تحقیق مراتب و تأکید مراسم دوستی هر دو دولت علیه اسلام حاصل گردیده تأثیر به حاصل آن را منتظر است و ثانیاً با کمال احترام قلمی می دارد که اظهارات دوستدار در خصوصیات مزبوره از روی تلغرافنامجات موصوله از بغداد و مشهودات عینیهٔ مأمورین دولت عثمانیه است نه از روی حدس و تخیل چنانچه در این گونه مواد و مسائل سؤالاً و جواباً مطلوب و ملتزم است. و اکنون از انصاف مسلم آن جناب سؤالی می شود که بنا به اظهار آن جناب یک فرسخ و نیم مسافت مابین فیضی پاشا و حسین‌قلی خان چه دلیل بر عدم وقوع حرکات مزبوره است و کدام عبارت تلغراف کرمانشاهان بر ضد تلغراف بغداد می تواند بود. ثالثاً در خصوص اینکه آن جناب اظهار داشته خواسته اند که جناب فیضی‌پاشا با اتباع خود از اراضی سیدحسن و غریبه و بکسائی املاک قدیمه متصرفه دولت عثمانیه موقتاً بیرون برود. دوستدار با نهایت خوشحالی و مسرت اظهار می دارد که باب‌عالی به قدر امکان همیشه در انجاح مقاصد دوستانهٔ دولت علیهٔ ایران با وجود صفوت کامله و جهت جامعهٔ اسلامیه مضایقه از مساعده

و همراهی نداشته و ندارد. چنانچه اکنون مساعدت مضایقه نمی‌کند که جناب سعادت‌مآب فیضی پاشا را از اراضی سیدحسن و غریبه و بکسائی املاک صحیحهٔ متصرفه دولت علیه عثمانیه امر به مراجعت داده آید به شرطی که از جانب دولت ایران هم تأمینات قویه و اطمینان قطعی به سفارت سنیه داده شود که پس از معاودت پاشای مشارالیه هیچ گونه تجاوز و تصرف به هیچ وسیله و بهانه از این طرف چه از افراد اهالی ایران و چه از مأمورین و عشایر ایرانیه در اراضی مزبوره به ظهور نخواهد رسید و آن جناب صریحاً در جواب همین مراسله مرقوم فرمایند تا آنکه دوستدار اشعارات لازمه را در معاودت پاشای مشارالیه به عمل آورده و البته آن جناب هم این مساعدهٔ باب‌عالی را منظور نظر دوستی داشته و موجب مزید روابط اتحاد کامل خواهند داشت. زیاده زحمت نمی دهد. فی ۲۶ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۰

محل مهر: محمدطاهر منیف

سفارت دولت علیهٔ عثمانیه

طهران

[illegible]

[illegible] ۲۳ [illegible] ۱۲۹۰ در جواب [illegible] ۲۰ [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳٥٤
موضوع: رد یا تبعید احمدبیک و پسرانش
تاریخ: ١١ ربیع الثانی ١٢٩١ هـ.ق
کارتن: ١٤
پرونده: ۵/ح

نمره: ٦٦

به سفارت دولت عثمانی نوشته می‌شود [نامهٔ وزارت خارجه]

با اینکه آن جناب جلالت‌مآب در ضمن مراسلهٔ خود مورخهٔ ٢٦ شهر ربیع الاول ١٢٩١ در نمره ٢٣٠ صریحاً وزارت امور خارجه را از عدم شرارت احمدبیک کنده‌سوری اطمینان داده به این مضمون درج نموده‌اید که (در سلیمانیه مؤدبانه نشسته است و مصدر هیچ گونه شقاوت و شرارتی نمی‌شود) باز موافق نوشتجات واصله از کردستان مورخهٔ ٢٣ شهر ربیع الاول ١٢٩١ احمدبیک با پسران و همراهان خود و معاونت رسول آقای شیوه‌کلی و سیصدنفر تفنگچی از اهالی شلیر و قزلجه و غیره به خاک دولت علیه ایران تجاوز و تخطی نموده به قریه نرور سه فرسخی بانه هجوم آورده با عبداله بیک نروری از صبح تا نزدیک ظهر دعوا و جنگ کرده پنج نفر را به قتل و چند نفر را جراحات مهلکه رسانده آخرالامر عبداله‌بیک با پسرش فرار نموده احمدبیک تمام اموال او و اهل القریه را غارت و به بانه پیغام کرده که آنجا را هم تسلیم نمایید و الا غارت خواهم کرد. پس از فراغت از این قتل و جرح و غارت با همان جمعیت به قریهٔ کیله رفته آنجا را هم غارت نموده با قریهٔ نرور آتش زده و تا سه روز در قریهٔ کانی وزان خاک بانه که تا بانه سه فرسخ است توقف نموده انواع شرارت را معمول داشته به خاک عثمانی مراجعت کرده است دوستدار متحیر است که با این همه اهتمامات اولیای دولتین علیتین اسلامیتین در استحکام اساس نظم و امنیت حدود و تشیید مبانی حفظ مراسم حسن همجواری و مساعدتهای کامله کارگزاران سرحدیه این طرف چگونه اظهار اسف خود را از ظهور این حالات ناگوار و عدم اعتنای سرحدداران و کارگزاران عراق عرب به مدلول عهود مقدسه و اظهارات محترمه سفارت سنیه نماید. از حقانیت و مهام‌شناسی آن جناب جلالت‌مآب با کمال احترام حقاً و قویاً خواهشمند است قبول زحمت فرموده هر تدبیر سریعی را برای

تنبیه مرتکبین و ادای خسارات و دیات دما و جراحات رعایای دولت علیه ایران و رد یا تبعید احمدبیک و پسران و اعوان او از سرحد که دسترس به این درجه شقاوتکاری ها نداشته باشد، پیشنهاد خواهند فرمود دوستدار را مستحضر و مسرور دارند و این مرحله فارغ از حاجت اظهار و بیان و بر خاطر عاطر آن جناب جلالت‌مآب واضح است که با وجود آن همه اصرار و اظهار وزارت امور خارجه در رد یا تبعید احمدبیک از سرحدات و آن درجه مضایقه و تساهل کارگزاران عراق عرب تدارک و مسئولیت این جسارت حاضرهٔ احمدبیک و هر نتیجه که در آتیه ظهور یابد حقاً و طبیعتاً بر عهدهٔ آنهایی است که مضایقه از رد یا تبعید او نموده‌اند لاغیر همواره احترامات فایقه دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند. ۱۱ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۱

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] صحیح است.

سفارت دولت عثمانیه مرقوم شود

[signature]

بالاسکیه از جانب جلالت قدس عصر در مراسله مورخه ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۱ و از مورخه ۳ صفر که در وزارت امور خارجه از عنوان سفارت احمد بیک کرده بود

اطمینان داده بود که با همه عوارض و رنج محولاند در مراسله نموده بود نوشته است و مقصد [illegible] بسفارت و شهرزاده [illegible] ایران ارسال شده است

از کردستان مورخه ۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۱ ابراهیم بیک با پسران و همراهان خود معاونت [illegible] و سیصد نفر [illegible] از اهالی شهر

در قریه [illegible] وارد [illegible] داشته و [illegible] نموده [illegible] عبدالله بیک [illegible] از طرف [illegible]

پنج نفر از [illegible] چند نفر دیگر را [illegible] کرده عبدالله بیک با پسرش فرار نمود احمد بیک [illegible]

غارت و به یغما [illegible] [illegible] غارت [illegible] که [illegible] و [illegible] مجروح و غارت [illegible]

کلیه [illegible] غارت نموده با قریه [illegible] آتش زده و تا سه روز در قریه [illegible] به [illegible]

وقوع [illegible] [illegible] مراتب [illegible] است [illegible] است با همه اهتمامات اولیای [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خود [illegible] [illegible] [illegible] عراق عرب [illegible]

[illegible] سفارت [illegible] از [illegible] و [illegible] [illegible] احترام [illegible]

[illegible] فرموده [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] جراحات [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵۵
موضوع: تجاوزات احمدبیک کنده‌سوری
تاریخ: ۲۲ جمادی‌الاول ۱۲۹۱ هـ.ق
کارتن: ۱٤
پرونده: ۵/ح

نمره: ۹۸

جواب سفارت دولت عثمانی [به وزارت خارجه]

مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۱ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۹۱ که این همه جسارت و شرارت علنی و هجوم و تجاوز احمدبیک کنده‌سوری فراری این دولت علیه را به قتل نفوس و احراق بیوت و غارت اموال در قریتین نرور و کیله ملک دولت علیه ایران به استناد تحقیقات محلیه بی اصل اشعار فرموده بودند و اصل ایادی احترام و باعث تعجب شد و یقین حاصل است ذکاوت مسلمهٔ آن جناب جلالت‌مآب فوراً و کاملاً ملتفت شده است که تجهیز آن قدر سوار به معاونت رسول آقای شیوهٔ کلی از شلیر و قزلجه و اقدام آنها به قتل پنج نفر از اهل قریهٔ نرور و غارت دو قریهٔ مزبوره و آن درجه ارتکابات و شرارتهای فوق‌العاده که از احمدبیک موصوف به ظهور پیوسته است، چیزی نیست که بتواند مکتوم بماند یا آنکه به همین قدر انکار کارگزاران آنجاها در تحت سکوت ابقا شود یا مقدور باشد که به این اهمیت حادثه و غایله بالکلیه کذب و بی اصل بوده باشد دوستدار تکلیف عمدهٔ خود می‌داند که خاطر منصفانهٔ آن جناب را مصراً با نهایت احترام دعوت به اقدامات مجدانه در احقاق حقوق رعایای دولت علیه نموده قوت مراسله خود را مورخه ۱۱ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۱ نمرهٔ ٦٦ ابقا دارد و منتظر اقدامات سفیرانهٔ محقانه آن جناب گردد حتی هرگاه محتاج به تشکیل قمسیون برای تحقق این مطلب بدانید دوستدار موافقت کامل می‌نماید والا اگر تنها تکذیب کارگزاران محلی را در چنین مواقع عمده و ثابته در نزد ما جواب کافی می‌دانید این قسم جواب از این طرف هم در اظهارات سفارت سنیه می‌تواند داده شد. همواره احترامات فایقه دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند. زیاد زحمت‌افزا شد. ۲۲ شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۹۱

[حاشیه: صحیح است]

حوادث سرحدی دولت عثمانی

مراسله آنجناب جلالتمآب مورخه ۱۱ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۱ در باب [illegible] وزارت جلیله [illegible] ایران [illegible]

تعدی نفوس و چراول بیوت و غارت اغنام [illegible] و کیفیت [illegible] تحقیقات محلیه [illegible]

واصل گردید [illegible] احترام و باعث تعجب [illegible] آنجناب جلالتمآب [illegible]

سوار [illegible] غارت قریه [illegible]

[illegible]

در تحت سکوت [illegible]

در خاطر [illegible] آنجناب [illegible] با نهایت احترام [illegible]

مراسله [illegible] مورخه [illegible] ۱۲۹۱ [illegible] آنجناب [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵۶
موضوع: ادعای عثمانی بر تبعیت طایفهٔ مامش
تاریخ: ۱۳ محرم ۱۲۹۳ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۱۲/ع

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشراف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرما مهربانا

موافق اشعاری که این دفعه از ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت سنیه شده است، از عشیرت مامیش تبعهٔ صحیحهٔ دولت علیهٔ عثمانیه که مدتی است به خاک ایران گذشته در این طرف مسکن دارند، اغلب اوقات یک نفر دو نفر تجاوز حدود نموده به قریهٔ راین رفته اغنام و مواشی آنها را نهب و غارت می‌کنند و سایر تعدیات و خسارات به اهالی آنجا می رسانند و این ناشی از مساعده و اعانتی است که از مأمورین ایرانیه هر وقت دیده و می بینند و هر قدر از جانب متصرفی شهر زور اظهار و اصرار می شود که عدم قبول این نوع عشایر در دو طرف و رد و اعادهٔ آنها مقتضای معاهدات موجوده است، فایده و اثری نبخشیده سهل است منتج آثار و استمرار این حالات مقدوحه می باشد و اکنون ولایت مشارالیها از حُسن عهدداری دولت علیهٔ ایران منتظر است که مقرر شود سرحدداران ایرانیه مواشی و اشیای منهوبه را تماماً رد و عشیرت مزبوره را اعاده نمایند که سبب مزید امنیت حدود و موجب ترقی مصافات و مسالمات مابین دولتین علیتین اسلام باشد. زیاده زحمت نمی دهم. فی ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۲۹۳

محل مهر: محمدطاهر منیف

جناب جلالتمآب اجل امجد ارفع دوستان مهربانا مشفقا مکرما

شواهد اشتکائی که این دفعه از دولت جلیله قبول سفارت سنیه شده است از عشایر هاشمیه

در تبعیت دولت ایران گذشته و در این طرف سکنی دارند اغلب اوقات گاه‌گاه برخی

رفته اغنام و مواشی آنها را نهب و غارت می‌کنند و سایر تعدیات و خسارات با اهالی آنجا

واقع شده از این سامعه و اطلاعات است که در اینجا از ایرانیه هر وقت و میدانی می‌کنند

شد زیاد از حد روا داشته شود که عدم قبول این نوع شکایت در دو طرف و در ...

موجود است فایده‌ای نبخشیده بلکه نتیجه اکثر و استمرار این حالات نقض و ...

شد اولیای ... حسن همجواری دولتین علیتین دیگر مشکل است که مقرر شود سرحدداران ایرانی

مخالفین را ... و عشایر مزبور را ... و سبب ... ممنوع ...

۱۲۹۳

ترقی ... احترامات ... اجلالیه ... ربیع ... ۱۳

شمارهٔ سند: ۳۵۷
موضوع: رد ادعای عثمانی بر تبعیت طایفهٔ مامش
تاریخ: ۱۷ محرم ۱۲۹۳ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۷٤

جواب سفارت دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

از مفاد مراسلهٔ آن‌جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۳ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۳ که اظهار فرموده‌اند از عشیرت مامش تبعهٔ صحیحهٔ دولت علیه عثمانیه که مدتی است به خاک ایران گذشته در این طرف مسکن دارند، به قریهٔ راین صدمه می رسانند و مواشی آنجا را غارت می‌کنند و در آخر مراسلهٔ مزبوره درج نموده‌اید «از حسن عهدداری دولت علیه ایران منتظر است که مقرر شود سرحدداران ایرانیه مواشی و اشیای منهوبه را تماماً رد و عشیرت مزبوره را اعاده نمایند.» استحضار حاصل نموده با کمال احترام زحمت‌افزا می شود که حکم مؤکد به جای لازم برای ردّ منهوبات در صورتی که حقیقت داشته باشد قلمی شد و نهایت اهتمام در این باب معمول خواهد شد ولی این مسئله بر خاطر آن جناب جلالت‌مآب به هیچ‌وجه من‌الوجوه مخفی و پوشیده نباشد که عشیرت مامش رعیت قدیمهٔ صحیحهٔ مستمرهٔ بلانزاع دولت علیه ایران است و وقتاً من‌الاوقات هیچ گونه سمت تبعیت و رعیتی به دولت علیهٔ عثمانیه نداشته و ندارند حتی در گردش وکلای دول اربعه این مسئله در نزد آنها مسلمی و رئیس طایفهٔ مزبوره بیروت‌آقا حاکم لاهیجان ملک دولت ایران بوده و صیفاً و شتاً در لاهیجان و پسوه ملک دولت ایران معاش می نماید و اصلاً محل تردید و شبهه نیست محض اطلاع خاطر آن جناب جلالت‌مآب زحمت داده همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را نسبت به‌خود برقرار دانند. زیاد زحمت‌افزا شد. ۱۷ شهر محرم سنه ۱۲۹۳

[حاشیه:] نوشته شود.

حوادث دولت عثمانیه

از مقاله مراسله به جناب جلالت‌مآب مورخه ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۲۹۳ [illegible] در عشیرت هماوند تبعه محروسه دولت عثمانیه.

درباره [illegible] نوشته [illegible] عسکر دولت [illegible] بقریه [illegible] می‌نمایند و [illegible] را غارت می‌کنند [illegible]

[illegible] از حسن عهد دولت علیه [illegible] تقریر [illegible] ایرانیه [illegible] عشیرت [illegible]

در عالم [illegible] این اشعار [illegible] احترام [illegible] حکم [illegible] حقیقت [illegible] داشته باشد

[illegible] و نهایت اهتمام در این باب [illegible] ولی این [illegible] بر خاطر جناب جلالت‌مآب [illegible] مخفی و پوشیده نباشد

در عشیرت هماوند [illegible] قریه [illegible] دولت علیه [illegible] دو قسمی الاوقات همیشه تبعیت

در تبعیت دولت علیه عثمانیه [illegible] حتی در [illegible] اربعه [illegible] طایفه [illegible]

حاکم ایل سنجابی ملک دولت [illegible] ایل سنجابی [illegible] ملک دولت علیه معاش می‌کنند [illegible]

و شبهه نیست [illegible] خاطر جناب [illegible]

۱۷ شهر محرم ۱۲۹۳

شمارهٔ سند: ۳۵۸
موضوع: تجاوز حسین خان حیدرانلو به وان
تاریخ: ۸ شعبان ۱۲۹۳ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرما مهربانا

از قراری که از ولایت جلیهٔ ارزروم به باب‌عالی و سفارت سنیه عرض و اشعار شده است، حسین خان حیدرانلو با دوازده سوار متجاوزاً به مزرعهٔ نعمان‌آقای رئیس مجلس بلدی وان رفته یک رأس از حیوانات میری و یک اسب از آقای مزبور را با هفده گاو غصب نموده است و از متعاقبین یکی را مقتول و پسر نعمان‌آقا را مجروح ساخته است، و نیز چهل سوار دیگر از خاک ایران به قریهٔ رازی از دهات عشیرت شمسکی هجوم برده تمام اغنام آنجا را با دو رأس اسب غارت و دو نفر را هم جراحت رسانیده‌اند، وفی الحقیقه تکرر این نوع تجاوزات و تعدیات و ایقاع انواع خسارت و شرارت از عشایر ایرانیه در سرحدات عثمانیه موجب تأسف دولت علیه گشته است و البته دولت علیهٔ ایران به این حرکات که کلیتاً مغایر حقوق همجواری است، راضی نبوده چنانچه مأمول است سریعاً اسباب تلافی و منع آن را فراهم فرموده نمی‌پسندد که عشایر و افراد اهالی آن طرف بالأخره مجبور به معاملهٔ متقابله شده اساس انتظام و آسایش آن حدود که می باید مطلوب و قوی طرفین باشد تزلزل و انهدام یابد و با کمال احترام دوستدار متوقع است که جناب اشرف از نتایج اقدامات حسنه دولت علیه متبوعهٔ خود در این خصوص دوستدار را مستحضر فرمایند که جواب باب‌عالی و ولایت ارزروم را بنویسد و دوستدار مطمئن است که مضایقه نخواهند فرمود زیاد زحمتی ندارد. فی ۸ شهر شعبان‌المعظم ۱۲۹۳

محل مهر: محمدطاهر منیف

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع والا شان [illegible]

از قراری که [illegible] در [illegible] و [illegible] شده است [illegible]

[illegible] آقای [illegible] حیوانات [illegible] ایران [illegible]

[illegible] است [illegible] آثار [illegible] است [illegible]

[illegible] عشیرت [illegible] تمام [illegible] آنها [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible]

[illegible] ایرانیه [illegible] دولت علیه [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] حقوق [illegible] اسباب [illegible]

و [illegible] و افراد [illegible] [illegible] اهالی [illegible]

[illegible] [illegible] کمال احترام [illegible]

دولت علیه [illegible] خود در [illegible] ۱۲۹۳

[illegible] شعبان المعظم

شمارهٔ سند: ۳۵۹

موضوع: تجاوز حسین خان حیدرانلو

تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۲۹۳ هـ . ق

کارتن: ۱۵

پرونده: ۵/ح

جواب سفارت دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

از مضمون دو مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۸ شهر شعبان المعظم ۱۲۹۳ دایر به نسبتی که به حسین خان حیدرانلو و مامی نام پسر علی آقای شکاک داده‌اند، استحضار حاصل نموده با کمال احترام جواباً زحمت افزا می شود، که چون معلوماتی در این دو فقره به دوستدار نرسیده همین قدر می تواند زحمت داد که با اولین وسیله مراتب را به مأمورین مقتضیه اطلاع داد تأکید نمود که در تحقیقات کامله و احقاق حقوق و اقدامات مجدانه به هیچ وجه من الوجوه خودداری ننموده صورت واقع نفس الامری را قلمی دارند به مجرد وصول جواب خاطر آن جناب جلالت‌مآب را قرین استحضار می دارد و در هیچ موقع از لوازم حفظ امنیت که مقتضای حالت مدنیت است، خودداری نخواهد نمود و امیدوار است که از آن طرف نیز این شیوه مرعی گردیده از معاضدت و اتفاق مضایقه نشود، زیاده زحمت ندارد. ۲۲ شهر شعبان سنه ۱۲۹۳

جواب نوشت دولت عثمانی

از مضمون مراسله جناب جلالتمآب مورخه ۸ شهر شعبان المعظم ۱۲۹۲ دایر بتعیین حسن خان حیدرانلو و ممانعت از تعدیات اشرار

ما هم لهذا دستور العمل [illegible] که حدود [illegible] خواهیم تا زحمت [illegible] در چون معلوم است در این فقره بود [illegible] ارسید

همین قدر مستدعی زحمت ما که با درلیس و [illegible] مراتب را به مأمورین [illegible] تا [illegible] در [illegible]

و [illegible] مخصوص و [illegible] که [illegible] بر العجم [illegible] صورت و [illegible] الادی [illegible] داریم [illegible] جواب

منظور جناب جلالتمآب را درین باب [illegible] دارد و در [illegible] ارادم [illegible] خیرات

۱۲۹۳

شوال

[illegible] و [illegible] از [illegible] این [illegible] از [illegible] ۲۲

شمارهٔ سند: ۳۶۰
موضوع: نسبت تحریک عشایر اورامان به علی اکبرخان حاکم جوانرود توسط عثمانی
تاریخ: ۱۲ ذیقعده ۱۲۹٤ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۳۱

جواب سفارت دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

در جواب مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ ۱۱ شهر ذیقعده ۱۲۹٤ با نهایت توقیر زحمت می دهد که در خصوص اظهار آن جناب دایر به نسبتی که به علی اکبر خان حاکم جوانرود به تحریک عشایر اورامان در تخطی به خاک عثمانی و غارت بیاره و دره شش و گلعنبر داده بودند، احکام لازمه به جای مقتضی صادر شده دوستدار منتظر وصول جواب و نتیجه است و محضاً للتأکید با همین چاپار که فردا عزیمت دارد حکم اکید در رسیدگی و احقاق حق روانه می دارد. به محض وصول جواب خاطر محترم آن جناب را قرین استحضار خواهد داشت و ضمناً آن جناب را کاملاً اطمینان می دهد که دوستدار یک ذره از مراسم مودت دولتین اسلام را غفلت نخواهد نمود. زیاده زحمت ندارد.

[حاشیه:] نوشته شود.

سواد نشان [illegible] شاهانه

در جواب عریضه [illegible] مورخه ۱۱ شهر ذی قعده ۱۲۹۲ [illegible] در خصوص [illegible] داده

[illegible] حاکم [illegible] بود [illegible] وارث [illegible] نشان [illegible]

احکام [illegible] صادر شده [illegible] جواب [illegible] داده

حکم آنکه [illegible] روزی [illegible] داده [illegible]

۱۲۹۲
[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۶۱
موضوع: تجاوزات اهالی حویزه و قطع سیم تلگراف
تاریخ: ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۲۹۵ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نمره: ۹۳۸

نامهٔ کارپردازخانهٔ عربستان و لرستان به وزارت خارجه

هو

قربانت شوم، جناب والی تشکی به کارپردازخانه نوشته است که اهالی حویزه تجاوز حدود نموده خطوط تلگرافهای میانهٔ عماره و قورنه را شکسته به حویزه برده، آشکار فروخته و به جای میخ قایقها استعمال کرده، خسارت به اهالی آن‌حوالی می‌رسانند. خواهش تنبیه مرتکبین و منع تجاوز و استرداد قیمت خطوط تلگراف و خسارت را کرده و به موجب شکایت متصرف عماره اظهار نموده است که این مراتب را به عرض حضور سرکار نواب مستطاب اشرف والا حکمران عربستان رسانده‌اند قراری داده نشده است. سواد تقریر ایالت را در لف عریضه فرستاد که از نظر مبارک گذشته به هر نوع قرار لازم باشد مقرر و قدغن فرمایند که مآل و نتیجهٔ آن را به کارپردازخانه اعلام دارند تا از آن قرار جواب ایالت نوشته شود. خود والی نیز انتظار جواب را قید کرده و خواهش کرده است که از کارپردازخانه به او برسد. معروضه ۲۱ شهر جمادی‌الثانیه ۱۲۹۵

نمره
۶۳۸

هو

قربانت شوم جناب ایلچی انگلیس بکارپردازخانه نوشته است که اهالی جزیره بحرین در حدود قطعه بخط

تلگرافهای سابقه عماره و قورنه زنگسته بجزیره برده انگلیس رفو دخته و بجای سیم قایقها استعمال کرده خسارت به اهالی انگلیس رسانیده‌اند

خواهش شده که مرتکبین منع بنمایند در آخر داد و قیمت خطوط تلگراف و خسارت را اگر داده بدرجه نیک بیطرف عثمانیه اظهار نموده است

که این مراتب را بعرض حضور مبارک رسانیده اشرف والا حکمران عربستان رسانیده اند قراری داده نشده است براد

تقریرات ایشان را در لفف عریضه فرستاد که از نظر مبارک گذشته بهر نوع قرار لازم باشد مقرر فرمایند که

تا حال هیچ آنرا بکارپردازخانه اعلام داده‌اند تا در اینقرار جواب ایلچی نوشته شود خود والا منتظر

۱۲۹۵
جواب را تأکید کرده و خواهش کرده است که از کارپردازخانه با دقت ... ۱۲ شهر ...

شمارهٔ سند: ۳۶۲
موضوع: تجاوز عشایر حویزه و قطع سیم تلگراف
تاریخ: ۲ رجب ۱۲۹۵ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت و نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما محترما مهربانا

از قرار شرحی که از ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت سنیه کبری رسیده است، از عشایر حویزه هرچند روز یک دفعه به خاک دولت علیهٔ عثمانیه در سمت عماره تجاوز و تخطی شده به اهالی آنجاها علی التوالی ضرر و خسارت وارد آورده‌اند و نیز خطوط تلغرافیهٔ مابین عماره و قورنه را که واسطهٔ مخابرهٔ عمومیه است بریده‌اند و آن سیمها را به حویزه برده‌اند و آشکارا فروخته در قایقها به‌جای میخ به کار می برند و هرچند از جانب کارگزاران عثمانیه به جهت منع تجاوزات مزبوره و رد خسارات مذکوره به حکمرانی عربستان و لرستان اظهار و اصرار شده اثر و ثمری بر آن مترتب نگردیده است. و شکی نیست که این حال و حرکات وحشیانه در نزد امنای عظام دولت علیهٔ ایران نیز ناپسند افتاده موافق اوامر سریعه اشقیای مرقومه را ا ز تجاوزات مزبوره قویاً ممانعت فرموده مخابرات خواهند داد و قیمت سیمهای بریده و برده را با خسارت وارده عیناً و یا عوضاً مسترد و عاید خواهند داشت که موجب استرضای مأمورین و تبعه عثمانیه و سبب مزید اطمینان ایشان به حقانیت کارگزاران دولت علیهٔ ایران باشد. زیاده زحمت نمی دهم. ایام مودت مستدام باد. فی ۲ شهر رجب ۱۲۹۵

مهر فخری بیگ

جناب جلالت و نبالت نصابا، فخامت و مناعت انتسابا، دوستان اشفق اکرم مهربانا

از قراری که درین وقت از ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت سنیهٔ کبری رسیده است از قرار یک فقره چند روز قبل

که دولت علیهٔ عثمانیه در سمت عماره تیل و زرد کلی شده با ۴۴ آن‌ها ... اجزای ضرر و خسارت وارد آورده‌اند

و نیز خطوط تلغرافیهٔ مابین عماره و قورنه را در وسط اعراب ... محو نموده است و سیمهای آن را بکوبند

برده‌اند و آنها را فروخته ... و هر چند از جانب کارگزاران دولت علیه

تأکیدات مزبوره ... خسارت نموده ... اعراب ... روا داشته‌اند در ... ایران

ترتیب ... نگردیده است و ... در این حال ... جنابعالی دولت ایران

نیز ... موافق اوامر ... اشقیای مزبوره را از تأکیدات مزبوره قویاً ... خواهند

خواهند و قیمت سیمهای ... را ... داده ... خواهند داشت ... موجب ... دولتین و ... سبب ... اطمینان ... ۱۲۹۵

کارگزاران دولت علیهٔ ایران ... ربیع الثانی ...

شمارهٔ سند: ۳۶۳
موضوع: تجاوز اهالی حویزه و قطع سیم تلگراف
تاریخ: ٤ رجب ١٢٩٥ هـ.ق
کارتن: ١٥
پرونده: ۵/ح

نمره: ١٤

به جناب فخری بیک سفیرکبیر دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

از مضمون مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲ شهر رجب ١٢٩٥ که در طبق اظهار ولایت جلیلهٔ بغداد اظهار فرموده بودند، از عشایر حویزه به خاک دولت علیه عثمانی تجاوز می شود و سیم تلگراف را سرقت نموده اند، استحضار حاصل گردید دوستدار در رفع این گونه حالات و القای نظم در حدود و ایقاع انتظام در همجواری همواره ساعی و جاهدم بلکه اول تکلیف این فقره را می دانم به نوعی که لازم است به حکمرانی عربستان و لرستان مؤکداً می نویسم که از روی کمال دقت رسیدگی نموده به هیچ وجه من الوجوه از لوازم اجرای این مقاصد خودداری نفرمایند به محض وصول جواب به اطلاع آن جناب جلالت‌مآب خواهد رساند. زیاده زحمت افزا نشد. ٤ شهر رجب المرجب ١٢٩۵

بجناب فخری بیک سفیر کبیر دولت عثمانی

از مضمون مراسله آنجناب جلالتمآب مورخه ۲ شهر رجب ۱۲۹۵ که در طی اظهار ولایت جلیله بغداد اظهار فرموده بودند که عشایر حویزه بکلی

دولت علیه عثمانی تجاوزی کرده و رسیم ... را رفت نموده‌اند استحضار حاصل گردید در استرداد ... آنگونه حالات

و اتفاقی نظیر در حدود وقایع انتظام ... همواره ساعی و جاهد هستیم که این تکلیف این قضیه را می‌دانیم خود ... انسانی

عربستان و لرستان ... رسیده ... وقت رسیدگی ... از لوازم اجرای این مقاصد.

۱۲۹۵

خودداری نفرمایند بخصوص جواب باطلاع آنجناب جلالتمآب خاطر نشان ... زحمت افزا شد ۳ شهر رجب المرجب.

شماره سند: ۳۶۵

موضوع: سرحدات [illegible] وضعیت [illegible]

تاریخ: ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶ ه.ق

کارتن: ۲۶

پرونده: [illegible]

(نمره: ۹)

روزنامچهٔ وقایع سرحدیه [از سلطان [illegible] خان سرحددار کرمانشاهان به وزارت امور خارجه]

بحمدالله تعالی طرق و شوارع در کمال آراستگی و نظم است. زوار و عابرین در نهایت امنیت و رفاهیت عبور و مرور نموده مشغول دعاگویی و بقای ذات ملکوتی صفات اقدس همایون شاهنشاه جم‌جاه خسرو صاحبقران روحی و روح العالمین فداه هستند. اهالی زهاب و این صفحات آسوده و مرفه‌الحال با کمال تشکر مشغول عمل زراعتی هستند. ایلات و عشایر دولت [illegible] ناحیه در [illegible] حرکت به سمت ییلاقات هستند. اغلب در صحرای زهاب و سرپل و [illegible] مشغول هستند. در نقطهٔ سرحد [illegible] مگر ایل الهی‌خان و دالیان. [illegible] الهی‌خان در اطراف قریه به قصر می‌باشند ولی ایل دالیان هنوز در سر مراتع خود قریب به چشمه‌های [illegible] می‌باشند [illegible] قبل از این [illegible] حضرت [illegible] نصرالله خان سرهنگ رفت که ایل دالیان را [illegible] حرکت بدهد.

ایل سنجابی امسال خیال داشتند که از سمت زهاب و کرند و [illegible] گوران قطعاً [illegible] به ییلاقات ماهی‌دشت بروند و به این خیال به سمت زهاب رفته چهار روز قبل از این رفتن به طرف گوران را [illegible] داشته رو به سرپل و [illegible] حرکت کردند که [illegible] سابقه از [illegible] کرند بگذرند.

جناب [illegible] میرزا نصرالله خان [illegible] در قصر [illegible] دارد و به توسط [illegible] از افراد [illegible] می‌باشند. [illegible] تحصیل می‌شود [illegible] تسلیم می‌نمایند در این هفته را [illegible] که در نقطهٔ سرحد یکدیگر را ملاقات نموده در باب [illegible] و حقوق [illegible] دولت [illegible]

قاهره حضور اقرار کلیه داده ختم عمل شود. مقرب الخاقان میرزا حسینعلی لشکرنویس باشی کرمانشاهان سان سرباز کلهر را هم در سر پل دیده، روز چهارشنبه ۱۶ رفت به بشیوه که سان فوج کرندی و سواره احمدوند و تهیوئی را ببیند شاهمرادخان احمدوند هم که حسب الامر با پنجاه سوار متوقف به قصر بود، روز پنجشنبه ۱۷ برای دادن سان با سواره ابوابجمعی خودش به بشیوه رفت.

غلات که حسب الامر اولیای دولت ابدمدت قاهره از بردن به خارج ممنوع است. احدی را قدرت حمل و نقل نیست اجناس در خاک عراق عرب و اماکن مشرفه کمافی السابق تسعیر دارد، به همین طور در قصر و نواحی زهاب از قرار سه من و سه من و نیم گندم و جو به مبلغ هزار دینار بیع و شری می شود.

امسال به اهل حاج در همه جا خوش گذشته خاصه در مکهٔ معظمه و مدینهٔ منوّره که نهایت حُسن سلوک را دیده و رضامندی داشتند مگر از جبل الی ورود به نجف اشرف که برای کمی شتر و طول زمان خیلی بد گذشته همه شکایت داشتند خاصه فقرا که بر آنها بد گذشته.

در خاک عراق عرب و اماکن متبرکه نسبت به زایرین و رعایای دولت ابدمدت علیه کمال خوش سلوکی را می نمایند آن سخت گیری ها که در گمرکخانه ها می شد، بخصوص در خانقین و دروازه بغداد و سایر جاها بکلی متروک داشته اند نهایت حسن سلوک را می نمایند. منازل عرض راه از خانقین الی بغداد هم چندان بی انتظامی ندارد همه جا سوار و مستحفظ دارند مگر گاهی دَله دزدی اتفاق بیفتد، بالفعل که امن است.

در میان عشایر عثمانی اغتشاش و اختلافات هست و رفع آن منوط به استقلال و پیشرفت اوامر و نواهی دولتی است. محمداسماعیل بیگ نایب خانقین نوشته بود که محمودبیگ پسر محمدپاشای مرادی و بعضی از رؤسای شاطری را کارگزاران عثمانی در خانقین حاضر نموده که رفع گفتگوی سنجابی ها را در باب دیات مقتولین بنمایند، بعد از ملاقات مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان سرتیپ مهندس باشی با آلای بیگی البته قرار کلیه برای احقاق حقوق رعایای دولت جاویدمدت قاهره داده خواهد شد. ۱۸ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۶ از سرحد قصرشیرین جسارت به عرض ورزید.

سواد روزنامه سلطان خان سرحدار است.

روزنامه

وقایع سرحدیه

بحمدالله تعالی طرق و شوارع در کمال آراستگی و نظم است زوار عتبات عالیات در نهایت امنیت و رفاهیت عبور و مرور نموده مشغول دعاگوئی و بقای ذات ملکوتی صفات اقدس همایون شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران روحی و روح العالمین فداه هستند اهالی زهاب و این صفحات آسوده و مرفه الحال با کمال تشکر مشغول عمارت [illegible] هستند ایلات و عشایر دولت قوی شوکت قاهره در [illegible] حرکت بسمت ییلاقات هستند اغلب در صحرای زهاب و سرپل [illegible] بوده اند در نقطه سرحد دیگر ایلی نمانده مگر ایل الهی خان و ولیان خانوار الهی خان در [illegible] قرب بقصر میباشند ولی ایل ولیان هنوز در سر مراتع خود قرب چشمه های نفت علف چرانی مینمایند دو روز قبل از این آقای مقرب الحضرة العلیه فرج الله خان سرهنگ رفته ایل ولیان را هم حرکت بدهد

ایل سنجابی [illegible] خیال داشته اند از سمت [illegible] کازره و خاک گوران قلعه زنجیر به ییلاقات ماهی دشت بروند و [illegible] سمت زهاب نزدیک شده چهار روز قبل از این رفتن بطرف گوران را موقوف داشته رو به [illegible] حرکت کرده اند [illegible] از خاک کرند بگذرند

مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان سرتیپ مهندس باشی در قصر توقف دارد و توسط [illegible] خانقین مشغول استرداد اموال منهوبه [illegible] [illegible] هستند تا هر چه تحصیل میشود در خانقین بصاحبان اموال تسلیم مینمایند در این هفته با آقای [illegible] مأمور عثمانی قرار ملاقات داده شده بود در نقطه سرحد یکدیگر را ملاقات نموده در باب دیات مقتولین و استرداد داشتن منهوبات و حقوق [illegible] دولت قوی شوکت قاهره حضور قرار کلیه داده ختم [illegible] عمل شود

مقرب الخاقان [illegible] سرتیپ [illegible] کرمانشاهان سرباز [illegible] را هم در [illegible] روز چهارشنبه ۱۶ [illegible] به [illegible] فوج کرندی [illegible] حکم داده [illegible]

شاهزادگان احمدوند هم که حسب الامر با پنجاه سوار متوقف به قصر بود روز پنجشنبه ۱۱ ربیع الاول از آنجا سواره الی [illegible] شبو رفت

غلات حسب الامر اولیای دولت ابد مدت قاهره از بردن به خارج ممنوع است اصلا در قدرت حمل و نقل نیست خاصه در حالیکه عراق عرب و اماکن مشرفه که لاخانی [illegible] تسعیر دارد بهمین طور در قصر و نواحی آن باب زر قرار شش من و نیم گندم و جو به سی و پنج هزار دینار بیع و شری می‌شود

امسال بابی حاج در همه جا خوش گذشته خاصه در مکه معظمه و مدینه منوره به نهایت حسن سلوک را دیده و رضامندی داشته‌اند مگر از حین الی ورود به نجف اشرف که برای کمی شتر و طول زمان خیلی بد گذشته همه شکایت داشتند خاصه فقرا که بسیار بد گذشته

در خاک عراق عرب و اماکن متبرکه نسبت به زائرین و عابرین دولت ابد مدت علیه عثمانی خوش سلوکی نمایند آن سخت گیریها که در گمرک خانقین می‌شد بخصوص در خانقین و دروازه بغداد و سایر جاها بکلی متروک داشته‌اند نهایت حسن سلوک را می‌نمایند سارق عرض راه از خانقین الی بغداد هم چندان بی انتظامی ندارد همه جا سوار و مستحفظ دارند مگر گاهی که دزدی اتفاق بیفتد یا بعضی [illegible] است

در میان عشایر عثمانی اغتشاش و اختلافات هست و رفع آن منوط با استقلال و پیشرفت اوامر و نواهی دولت است

محمد اسمعیل بیک نایب خانقین نوشته بود محمود بیک پسر محمد پاشای مرادی و بعضی رؤسای [illegible] کارگذاران عثمانی در جای [illegible] حاضر بوده در رفع گفتگوی سرحدیها را در باب دیات مقتولین نمایند بعد از تحقیقات مقرب الخاقان میرزا رضا خان سرتیپ مهندس باشی مال [illegible] قرار کلیه برای احقاق حقوق رعایای دولت جاوید مدت قاهره داده خواهد شد ۱۸ شهر ربیع الاول ۱۲۹۶

از سرحد قصر شیرین حسب الامر بعرض رساند

[illegible]

شماره سند: ۳۶۵
موضوع: تجاوز ایل شکاک
تاریخ: ۲۷ رجب ۱۲۹۶ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرما مهربانا

از قرار اشعار ولایت جلیلهٔ وان در شب سی ام نیسان ماه گذشته شصت هفتاد نفر از شکاکهای سکنهٔ ایران مُسلحتاً به قضای کوار تجاوز نموده به ناحیهٔ دیری بر سر قریهٔ پاصان هجوم آورده اغنام و اشیای اهالی آنجا را غارت کرده مراجعت می‌کرده‌اند که جهانگیرآقا در مقام دفع و تعاقب آنها برمی‌آید. در آن اثنا سه نفر آدمهای جهانگیرآقا مجروح و دو نفر از متجاوزین مقتول می شوند و مقداری از منهوبات مسترد شده دویست رأس اغنام باقی می‌ماند که داخل حدود شده آسوده می‌شوند. و این نوع شقاوت و شرارتها همیشه از علی آقای شکاک و اتباع او نسبت به خاک و تبعهٔ عثمانیه سرزده ولایت مشارالیها قویاً خواهش می‌کند که امنای عظام دولت علیه ایران چاره بفرمایند و باقی منهوبات مزبوره را مقرر دارند که مسترد و عاید شود. زیاده چه زحمت دهم. فی ۲۷ رجب ۱۲۹۶

مهر فخری

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع حضرت شاه اشتعال مقام ...

از قرار اشعار قونسولگری جلیله دولتی در شب سی ام شهر ماه گذشته شعبۀ اعتبار نفر از اکراد

مسلحه باقتضای گودارتی و ز نفس بناحیۀ دیری به سرقریه باصحان هجوم آورده

این راه درت که مراجعت میکرده اند دو جا یکی آقا در تقام وضع و ثلث آنها به یکدیگر

آدمهای حاجی میرزا آقا مجروح و دو نفر زرنبی وزیر مقتول میکنند و مقداری از مهمات

بانضمام دو جای ضبط شده اسعه میکنند و این نوع تفاوت ز شرارات قبیله ارمنی

واتباع او نسبت بایک رعیۀ عثمانیه سرزده ولایت شرا البیها فوراً خواهش کرده

دولت علیه ایران جابه بقوانین و باقی تعهدات مزبوره را مقرر دارند ...

شماره سند: ٣٦٦
موضوع: تجاوز ایل شکاک به خاک سلماس
تاریخ: ٤ ذیقعده ١٢٩٦ هـ.ق
کارتن: ١٦
پرونده: ۵/ح

نمره: ۵۲

به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه (نامهٔ وزارت خارجه)

این روزها نواب امیرزادهٔ والاتبار عمیدالدوله حاکم خوی و سلماس به اطلاع اولیای دولت علیه رسانیده است بعض اشرار شکاک رعیت این دولت علیه که به خاک آن دولت علیه فراری هستند به هر وقت فرصت سواره و پیاده داخل خاک سلماس شده مصدر شرارت و نهب و غارت می شوند همین که سوارهای این دولت علیه خبردار شده آنها را تعاقب می نمایند بلادرنگ خود را به خاک آن دولت علیه کشانیده، سوارهای این دولت علیه به واسطهٔ رعایت شرایط لازمه و عدم مأذونیتی که دارند، از تعاقب آنها منصرف شده مراجعت می نمایند، سرحدداران آن طرف نیز این حرکات متجاسرانه را هیچ گونه ممانعت و جلوگیری نکرده، اشرار مرقومه را در این اطوار ناصواب غیرمسئول گذاشته اند علی هذا از آن جناب جلالت‌مآب با کمال احترام متوقع است، اولاً هرچه زودتر تأکیدات لازمه را برای رد آنها و سد شرارت اشرار مزبوره به جاهای مقتضیه را اصدار نمایند که من بعد نیز نظیر این گونه اطوار که منافی منظورات اتحاد صادقانه دولتین علیتین است در آن حدود واقع نشود، ثانیاً وصول و اخذ اموال منهوبه را تماماً در تحت نظر مودت اثر خواهند. گرفت که هرچه زودتر به اقتضای تکلیف از مرتکبین به حیطهٔ وصول رسیده عاید صاحبان اموال گردد بدیهی است که در رعایت حسن مسالمت و رفع این گونه اغتشاشات سرحدیه چنانکه کاملاً از این طرف رعایت می شود، از آن طرف نیز ملاحظات متمدانه را منظور خواهند داشت و دوستدار در کمال اطمینان منتظر اقدامات مؤثرانهٔ آن جناب جلالت‌مآب خواهد بود. در این موقع احترامات کامله را تجدید می نمایم. فی ٤ شهر ذیقعده ١٢٩٦

سفارت کبرای دولت علیه عثمانی

این بنده از جناب ... حاکم خوی و سلماس به اطلاع اولیای دولت علیه رسیده است بعضی از اکراد سکنه ممالک دولت علیه

این دولت علیه در خاک آنجا دولت علیه فراری شده هر وقت فرصت ... و یا ده دهی خاک سلماس را معبر قرار داده

و نهب و غارت می‌نمایند همچنین سوارهای این دولت علیه خبردار شده آنها را تعاقب می‌سازند ... در خاک ممالک محروسه دولت علیه

کشیده سوارهای این دولت علیه به ملاحظه رعایت شرایط لازمه دوستی ... دست از تعاقب آنها کشیده

مراجعت می‌سازند سرحدداران آن طرف نیز این حرکات متجاسرانه را هیچگونه ممانعت و جلوگیری نکرده اشرار مزبوره

در این اطوار ... صواب ... گذاشته‌اند ... از جانب جلالتمآب ... احترامات ...

تأکیدات لازمه ... رود ... آنها و سرحدداران ... اشرار مزبوره ... را احضار ... بنظر

اینگونه اطوار ... منظورات ... صادقانه ... در اکراد ... تا با وصف ... اجرای

... در تحت نظر ... خواهند گرفت ... تحقیقات ... صحت ...

... گردد ... در رعایت ... [illegible] ...

رعایت ... از طرف ... نظر خواهند داشت ... در کمال اطمینان ... ١٢٩٢

... احترامات ... [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۶۷
موضوع: تجاوزات
تاریخ: ۱۲ ذیقعده ۱۲۹۶ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۱۷

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرما مهربانا

از قرار شرحی که از ولایت وان به سفارت کبری در طهران رسیده است، از کسان علی آقای شکاک طایفهٔ خضری فراریان دولت علیه عثمانیه تخطی نموده به حیوانات باژرکه تابع ناحیهٔ دیری می ریزند و چوپان آنها را قید و بند کرده به طرفی می‌گذارند و پنجاه شصت رأس حیوانات مزبوره را یغما کرده می برند و تا مأمورین حدود مطلع می شوند داخل خاک ایران می‌کنند اکنون از انصاف و حق‌شناسی مسلم جناب مستطاب اشرف سؤال می شود که آیا نهایتی نباید به این حرکات داده رعایای بیچارهٔ سرحدنشین را آسوده داشت و البته جناب مستطاب اشرف هم مثل دوستدار از استماع این وقایع متوالیه متأسف خواهند شد و لهذا جداً دوستدار خواهشمند می باشد که شرح اکید در استرداد منهوبات مزبوره و جزای مرتکبین مذکوره و عدم تکرر حالات مرقومه به هرجا لازم داشته مرقوم فرمایند و اگر منکر باشند این فقره را هم مزید موادی فرمایند که به مقرب الخاقان قلی خان سرتیپ به تحقیق و تسویهٔ آنها مأمور است و کاش نگارش دهند که مقرب الخاقان مشارالیه در کجا خواهد بود که مأمور ولایت جلیلهٔ وان هم زودتر به او ملحق شود تا به اتفاق به تحقیق و تسویهٔ امور پردازند. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۲ ذیقعدة الحرام ۱۲۹۶

مهر فخری

۱۱۷

جناب جلالتمآب اشرف امجد ارفع دوستان مهربان مشفق مکرم مهربانا

از قرار [illegible] دارند [illegible] والی [illegible] رسیده است [illegible]

طایفهٔ [illegible] در [illegible] [illegible] تحریرات [illegible] [illegible]

آنها را [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳٦۸
موضوع: تجاوز کسان علی آقا شکاک به وان
تاریخ: ۲۰ ذیقعده ۱۲۹٦ هـ.ق
کارتن: ۱٦
پرونده: ۵/ح

نمره: ۷۲

به سفارت کبرای دولت علیه عثمانی (نامه وزارت خارجه)

مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۲ شهر ذیقعده ۱۲۹٦ نمره ۱۱۷ که مشعر بر اظهار شکایت ولایت وان از کسان علی‌آقای شکاک رعیت قدیمی و مستمرهٔ دولت علیهٔ ایران و نسبت بردن پنجاه شصت رأس حیوانات از درهٔ باژرکه دیری ملک صحیح دولت علیهٔ ایران که حال در تصرف غصب مأمورین عثمانیه است واصل ایادی توقیر گردیده از آنجا ه دوستدار حتی المقدور اهتمامات کاملهٔ خود را مصروف حفظ احترام اظهارات آن جناب جلالت‌مآب می نماید مخصوصاً با تلگراف و تحریراً مراتب را از کارگزاران آذربایجان استفسار و تأکید کردم که به هیچ‌وجه من الوجوه از احقاق حقوق عبادالله خودداری نکرده هرگاه مابین آنها حقی مانده است جهد کامل مرعی دارند که معوق نماند. زیاده زحمت‌افزا شد. ایام مودت مستدام باد.۲۰ شهر ذیقعده ۱۲۹٦

سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانی

مراسلهٔ آنجناب جلالتمآب مورخهٔ ۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۰ نمرهٔ ۱۱۷ در شرح اظهار شکایت ولایت وان از ارسال عشایر

رعیت قوتی و مستمرهٔ دولت علیهٔ ایران و نسبت بردن ... شصت راس حیوانات از ذره ... بازرگان ... صحیح

دولت علیهٔ ایران حالا در تصرف غصب مأمورین عثمانیه است و اصلاً ایرانی و تقیر گردیده از آنکه در سرحدات ... متعلقه

اهتمامات کاملهٔ خود را مصروف حفظ احترام اظهارات آنجناب جلالتمآب من سایر خصوصها بدارند و تجزیرا

مراتب را از کارگزاران ... استیف ... گردد ... فی الوجوه از احقاق حق ... خواهد گردد

۱۲۹۰

بهره ها ... ۲۰ ...

شمارهٔ سند: ۳۶۹

موضوع: راجع به امور مرزی و حرکات ناشایست عشایر

تاریخ: (احتمالاً ۱۲۹۷ هـ.ق)

کارتن: ۲۱

پرونده: ۳۰۰

مسودهٔ مقاوله‌نامه‌ای است که مابین حضرت دولت‌مآب ابهت‌مآب مشیرالدوله حاجی میرزا حسین‌خان سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه و سعادت‌مآب فخری بیگ افندی سفیرکبیر دولت علیه عثمانی، برای دوام استحصال آسایش در امتداد حدود و چاره و جلوگیری سوء نتایج عشایر و سایر اهالی داخله سرحدات دولتین علیتین ایران و عثمانی که در حین وقوع حرکات ناشایسته از آنها دولت متبوعهٔ به ترتیب و تأدیب آنها اقدام و یا به اخذ مالیات دیوانی از آنها قیام می‌نماید. از حدود تجاوز و خانهٔ خود را به طرف دیگر نقل کرده از مجازات و تکالیف فراغت حاصل می‌نمایند، و این حالت انواع سوء نتیجه خواهد بخشید. به نام دولتهای متبوعه خود به قرار آتیه منعقد خواهد شد.

مادهٔ اولی

یک نفر یا یک طایفه از هر نوع عشایر و اهالی متوطن در داخله ممالک یکی از دولتین در حالتی که برحسب لزوم باید تأدیب شوند یا تحصیل مالیات از آنها بشود، یا جسارت به قتل و غارت کرده باشند، منفرداً یا باعونه و طایفهٔ عشایر معاً از حدود تجاوز و به ممالک دولت دیگر التجا و دخالت نمایند، هیچ نوع وسیله و اعتراض ظاهر ننموده آنها به مملکت هر دولت گذشته باشند، قطعاً قبول نشده با همان اموال و اشیا دستگیر شدن و تسلیم نمودن به حکومت محل اصلیه آنها[1] و در صورت دستگیر نشدن بالتعقیب اعاده دادن آنها را دولتین مشارالیه تعهد می‌نمایند.

مادهٔ ثانیه

چون اراضی و محالی که متنازع‌فیها معدود است تا حل مسئلهٔ حدود در ادارهٔ هر

۱. جمله که بالای آن با رقم یک خطی کشیده شده است و مشتمل بر اجازت تعاقب فراریان مقصر در خاک یکدیگر به ظن این بنده معایب و مفاسدش بیشتر از محاسن است، خصوصاً در حق ایران زیادتر مایه غبن خواهد بود. چرا که عثمانی تعاقب را کاملاً اجرا و استفاده می‌کند. ولی نه تعاقب می‌کنیم و نه از تعاقب صرفه می‌بریم خصوصاً در صورتی که قطعاً عثمانیها هم باطناً با هزاران دسیسه اخلال هم می‌نمایند.

دولتی باشد اهالی که در آنجا هستند موقتاً تبعهٔ آن دولت معدودند چه به آنجا بیایند و چه بخواهند از آنجا هجرت نمایند[۲]، تمامی احکام این مقاوله در حق عشایر و اهالی آنجا اجرای خواهد شد. امّا ادعای دولتین مشارالیه را در حق اراضی و محال مذکوره و عشایر و ا هالی آنجا قطعاً تغییر نخواهد داد.

مادهٔ ثالثه

از عشایر متوطن و یا خیمه‌نشین داخلهٔ ممالک دولتین علیتین مشارالیها جمله عشایری که در آن مملکت هست و تبعهٔ دولت هستند[۳] هرگاه طالب هجرت یافت شود از این مقوله اشخاص از احکام مادهٔ اولی مستثنی هستند. امّا آنها وقتی بخواهند بروند. در هر حال قبل از آنکه اول به حکومت محلیه خبر داده تحویل احوال شده، اگر مالیات دیوان بر عهدهٔ آنها باشد تأدیه و یا ادای آنها را تعهد نمایند و یا مثل قتل و غارت و تهمت اگر متهم باشند، اجرای مجازات قانونیه بشود قبول نخواهد شد.

مادهٔ رابعه[۴]

در حالتی که عشایر متوطن یا خیمه‌نشین دولتین که در مادهٔ ثالثه بیان شده از روی اصول و قاعده به مملکت یکدیگر هجرت نمایند آنها لااقل سی فرسخ در داخله توطن داده خواهند شد، و از آنها در امتداد حدود چه با مأموریت و در سایر صورتهای دیگر افسادی ظهور نخواهد یافت.

اگرچه کسانی که سابق هجرت کرده باشند و در امتداد حدود متوطن شده باشند، بالطبع از محل خود حرکت داده نمی شوند. ولیکن در میان آنها هر کس به

۲. جمله که بالای آن به رقم دو خط کشیده شده است به ظن من زاید و بی‌معنی است. اگر حکماً باید نوشته شود باید ایضاح شده هر چه مقصود است به مقتضای آن اگر مناسب شد نوشته شود.

۳. این جمله سیم افادهٔ معنی واضع نمی‌کند، توضیح لازم دارد که بی‌پرده معلوم شود، مقصود چیست.

مادهٔ ثالثه و رابعه به ظن بنده بکلی بی‌معنی و خلاف منافع خاصه ایران است که بر قسمتها داخل معاهدات نموده است. بلی اگر حکم این دو ماده تنها به عشایر منازع‌فیها که در ممالک یکدیگر هستند راجع بشود عیبی نخواهد داشت. در حق این مقوله عشایر هم پنجاه فرسخ تبعید نسبت به حالت ایران مناسب نیست چرا که در جاهایی که پنجاه فرسخ از سرحد دور باشند ما جای عشیرتی نداریم مگر اینکه از حدود غربیه به حدود شرقیه و حومه بعضی به جانب فارس و خراسان فرستیم آن، هم متضمن عسر حرج است.

۴. اگر شرط ابعاد سی فرسخ و پنجاه فرسخ نبود، تحمل همین دو ماده سیم و چهارم هم خلاف صرفهٔ ایران نمی بود. ولی ابعاد مزبور هم غیرممکن است هم اگر ممکن هم بوده باشد، مقتضی است که متدرجاً تمامی حدود از عشیرت خالی و اغلبی که غیرقابل اسکان رعیّت محال دیگر است خالی از سکنه و بایر بماند.

شقاوت شهرت یافته و در حق او به دفعات شکایت حقه شده باشد، لااقل پنجاه فرسخ به داخله تبعید خواهند شد. و همچنین کسانی که مقدماً از خلق عشایر هجرت کرده در امتداد حدود به هیچ خدمت مستخدم نخواهند شد. و اگر مستخدمین هم باشند، تبدیل خواهد شد.

مادهٔ پنجم[۵]

هرگاه عشایر و اهالی دولتین یک نفر یا جمعیتی به تجاوز حدود و به امثال غصب و غارت و به تقصبرات کوچک مجاسرت نمایند، این موقوله ها که در دست می باشند. یا به تعیین مأمور از طرفین و یا به معرفت قمسیون که تدقیق ماده شود، اجرای مجازات آنها را نظر به حالتی که تبین نموده در حکومت محلیه که به دست آمده‌اند و شرعاً و قانوناً معین خواهد شد و استرداد اموال مغصوبه اگر باشد: کاملاً و استحصال چارهٔ عدم تجاوز عشایر را از حدود بلارخصت دولتین علیتین تعهد می نمایند.

مادهٔ ششم[۶]

تسلیم کردن عساکر فراری را هر جا باشد و به هر صفت و مأموریت دیده شود، به همان حکومت دولتی که منسوب به آن است دولتین علیتین متعهد هستند.

مادهٔ هفتم[۷]

فراری های پولتیک از احکام این مقاوله‌نامه مستثنی است.

مادهٔ هشتم[۸]

گذشتن عشایر دولتین به ممالک طرفین برای ییلاق و قشلاق و فرستادن هر نوع حیوانات آنها کماکان در تحت ممنوعیت خواهند بود.

۵. فقرهٔ عمده همین مادهٔ پنجم بود که خیلی به ابهام و اختصار گذشته و تحقیقات لازمه را راجع به حکومت محلیه و شرع و قانون نموده‌است و حال آنکه همهٔ اشکالات در سر همین فقره است. رسیدگی ارتکاب و جرم و جنایت آنها و اثبات اموال مسروقه یا منهوبه یا در محضر قومسیون مختلط جانبین یا مقبولیت با تسویه شهود آنها از هر طایفه و هر فرقه که بوده باشند، به قانون شریعت مطهره مجری بشود، همیشه این منازعات باقی خواهد بود. یعنی از هر طرف یک ملایی در جزو قومیسیون باید بوده باشد. آنها به حکم شرع رسیدگی نمایند چنانکه میان ما و روسیه متداول است.

۶. به آخر این فقره علاوه شود، مگر در صورتی که عسکر مزبور از تبعهٔ اصلیه دولت مستخدم نبوده باشد.

۷. فراری پولتیک هم شرح و الفاضی [الفاظی] لازم دارد که سرحدداران عوام بفهمند.

۸. این جمله نیز کریه و متضاد است، یکی می‌گوید احکام معاهده را اخلال نخواهد کرد. اجرا می‌گوید الی الابد مجری خواهد بود.

مادهٔ نهم[۹]

این مقاوله‌نامه احکام، هیچیک از معاهدات موجوده منعقده بین‌الدولتین و مقاولات مرعی‌الاجری را تغییر نخواهند داد. مرعی‌الاجری نمودن این مقاوله‌نامه را سه ماه بعد از تاریخ امضای آن و خلل نرسیدن به این مقاوله‌نامه را به هیچ سبب و وسیله دولتین مشارالیها تعهد می نمایند.

۹. این مقاوله باید موقت باشد در ختام وعدهٔ تراضی طرفین تجدید شود. یک نقص دیگر هم وارد این است که منازع‌فیه عشایر موقفین امروز در خاک دولتین معین نیست، تا معین نشود دایم اسباب نزاع خواهد بود، یک طایفه را طرفی منازع و طرفی دیگر قمضی [غمضی] معدود خواهند داشت.

حواشی ملاحظات اقل بندگان محبعلی است.

سواد مقاوله نامه ایست که مابین حضرت مستطاب جناب مشیرالدوله حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه و سعادتلو [illegible] بیک

افندی سفیر کبیر دولت علیه عثمانیه برای دوام استحکام آسایش و امنیت امتداد حدود و جلوگیری از تاخت عشایر و ایلات داخله سرحدات دولتین علیتین

ایران و عثمانی که در حین وقوع حرکات ناشایسته از آنها دولت متبوعه به ترتیب و تادیب آنها اقدام و یا به اخذ دیات دیوانی

از آنها قیام می‌نماید از حدود و ثغور و خانه خود را به طرف دیگر نقل کرده از مجازات و تکالیف فرار و خلاصی می‌یابند و این حالت انواع

فتنه خواهد بخشید بنام دولتهای متبوعه خود بقرار آتیه منعقد خواهد شد

ماده اولی

هرگاه یک طایفه از هر نوع عشایر و ایلات متوطن در داخله ممالک یکی از دولتین در حالی که جرم آنها [illegible] ثابت شده باشد [illegible] آنها شود

[illegible] جسارت [illegible] کرده باشند نفر و یا جمعی و طایفه عشایر از حدود و ثغور به ممالک دولت دیگر التجا و دخالت نمایند هیچ نوع

وسیله و عذری ظاهر ننموده آنها را [illegible] دولت که نشسته باشند [illegible] به هر حال [illegible] دستگیر شدن و تسلیم نمودن [illegible]

[illegible] و در صورت دستگیر شدن [illegible] اعاده دادن آنها را دولتین [illegible] تعهد می‌نمایند

ماده ثانیه

چون اراضی [illegible] مابین دولتین [illegible] حدود در اداره هر دو [illegible] باشد [illegible] اهالی در آنجا [illegible]

چه به آنجا بیایند و چه نخواهند از آنجا هجرت نمایند تمامی احکام این مقاوله در حق عشایر و ایلات آنجا اجری خواهد شد [illegible]

در حق اراضی و محال مذکوره و عشایر و ایلات آنجا قطعاً تغییر نخواهد داد

ماده ثالثه

[illegible] عشایر متوطن و یا خیمه‌نشین داخله ممالک دولتین [illegible] عشایر [illegible] دولت [illegible] هجرت [illegible]

[illegible] از احکام ماده اولی مستثنی هستند [illegible] نخواهند برد [illegible] حکومت [illegible] خبر داده [illegible] احوال [illegible] شده

[illegible] و ایلات بر عهده آنها باشد [illegible] و یا ادای آنها را تعهد نمایند [illegible] و تهمت [illegible] باشند اجرای مجازات

قانونیه [illegible] نخواهد شد

ماده رابعه

[illegible] عشایر متوطن یا خیمه‌نشین دولتین [illegible] ماده ثالثه بیان شده [illegible] هجرت نمایند [illegible]

[illegible]

توطن همخواهند شد ولذا نهادن است از حدود چه بامورین دولت یا بصورتهای دیگر رفت و آمد نخواهد یافت اگرچه یک نفر از ایشان هجرت کرده باشند و در داخله حدود متوطن شده باشند بالطبع از تحت حکومت خود خارج می شوند ولیکن در میان آنها هر کس بشقاوت شهرت یافته و در حق او بدفعات شکایت تحقق شده باشد لااقل تا ده فرسخ در خط سرحد تبعید خواهند شد و همچنین که نیز در متعدد از خط عشایر هجرت کرده در داخله حدود در هیچ خدمت مستخدم نخواهند شد واگر مستخدم بین هم باشند تبدیل خواهند شد

ماده پنجم

هرگاه عشایر و اهالی دولتین یک نفر یا جمعیتی که از حدود به قصد غصب و غارت و به تقصیرات کوچک جسارت نمایند و مقبوله ما نبود می باشند بایستی مأمور از طرفین یا بمعرفت کمیسرهای سرحدی در تحقیق ماله بود اجرای مجازات آنها را نظر به کمال در تعیین مقتضی در حکومت بدست آمده امر و مشترکاً قانوناً معین خواهد شد و در تحت استرداد اموال مغصوبه اگر باشد کما هو استحصال چاره عدم تجاوز عشایر از حدود بالخصوص در تعیین مقتضی تعهد می نمایند

ماده ششم

تسلیم کردن عساکر فراری با هر جا باشند و به هر صنف و درجه ماموریت داده شود بهمان حکومت دولتی که منسوب به آن است در تعیین مقتضی متعهد هستند

ماده هفتم

فراریهای پولتیک از احکام این مقاوله نامه مستثنی است

ماده هشتم

گذشتن عشایر دولتین بممالک طرفین بطلب ییلاق و قشلاق و در زمستان هر نوع حیوانات آنها کماکان در تحت ممنوعیت خواهند بود

ماده نهم

این مقاوله نامه احکام هیچیک از معاهدات موجوده منعقده بین الدولتین و مقاولات مرعی الاجرای را تغییر نخواهد داد مرعی الاجرا بودن این مقاوله نامه را سه ماه بعد از تاریخ امضای آن وقتی نرسیده این مقاوله نامه را بهیچ سبب و وسیله در تعیین مقتضی متعهد می نمایند

شمارهٔ سند: ۳۷۰
موضوع: غارت اهالی ناحیهٔ بدره عثمانی توسط عشیرت ملخطاوی
تاریخ: ۱۱ و ۱٦ جمادی الاخر ۱۳۰۰ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۵ و ۳٤

ترجمهٔ تذکرهٔ ایالت بغداد که به کارپردازخانه نوشته شده

نمرهٔ ۱۵، از قرار تحریرات قایم‌مقامی کوت الاماره که به متصرفی مرکز بغداد نوشته شده بلاسم نام از عشیرت ملخطاوی و برادر او طاهرنام با چهل پنجاه نفر تفنگچی آمده چهارصد رأس الاغ و گاو و گوسفند از اهالی ناحیهٔ بدره اخذ و غارت کرده‌اند و بلاسم مزبور از آدمهای معتبر حسین‌قلی‌خان حاکم لرستان است و حرکات مزبوره به موافقت خان مومی الیه است و صورت اموال منهوبه لفاً فرستاده شد که از متجاسرین تمام و کمال استرداد و تأدیب ناهبین و در سرحدودِ منع این گونه تجاوزات را نموده و نتیجهٔ ماده را بیان نمایند. فی یازدهم جمادی الاخر سنه ۳۰۰ و ٦ نیسان سنه ۹۹

نمرهٔ ۳٤، ترجمهٔ جوابی است که از کارپردازخانه به ایالت بغداد نوشته شده

در تذکرهٔ اصفأنه نمرهٔ پانزدهم و ششم نیسان سنهٔ ۹۹ از قرار تحریرات قایم‌مقامی کوت به متصرفی مرکز اشعار فرموده بودند، بلاسم و برادر او طاهرنام با چهل پنجاه نفر تفنگچی چهارصد رأس الاغ و سایر مواشی از اهالی ناحیهٔ بدره نهب کرده‌اند و این بلاسم از آدمهای معتبر حسین‌قلی‌خان حاکم لرستان و به موافقت رأی ایشان است خان مشارالیه والی ایالت مثل لرستان مملکتی است هیچ‌وقت به این گونه تجاسرها قایل نمی‌شود موافقت خان مشارالیه را که قایم‌مقام کوت الاماره اسناد داده محض سهو و بی اساس است با همهٔ اینها به جهت اجرای تحقیقات صدق و کذب اسناد و تجاسر کیفیت را به جانب سامی وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض نمود، آنچه نتیجهٔ تحقیقات حاصل می‌شود بیان و اشعار او طبیعی خواهد شد. به تاریخ ۱٦ جمادی الاخری سنه ۳۰۰ و ۱۲ نیسان سنه ۹۹

١٥ حکومت سنیه‌دن کارپردازخانه‌یه یازیلان تلغرافك صورتیدر

محمودی عشیرتندن بدلیم و برادری ده‌هر نام شخصلر قرق قدر آتلی تفنکچی ایله کله‌رک بدره ناحیه‌سی اهالیسندن درویش(؟) اوزون(؟) رئیسی
قدر حیوانلریله اوکوز و قیونلرینی اخذ و غارت ایتدکلری و مرقوم بدلیم ایرانستانه حاکمی حسین قولیخانك اك معتمد آدملرندن
اولمغله بو مثللو حرکات تجاسرکارانه خان مومی الیهك موافقتی دائره‌سنده اولدیغی بیانیله اجرای ایجابی کوسترلمش اولماسنه(؟) قائممقاملغنك
اشعاری اوزرینه مرکز متصرفلغندن کلان تلغرافك بیان اولنمش و اموال منهوبه‌نك بو وجهله سنك صورتده مخرجی(؟) ... ویرلمسی
اشعار ایدلدیکندن(؟) اموال منهوبه‌نك کاملا استردادیله متجاسرلرك تأدیبی و آتیده بو کبی تجاوزاتك منع تکرری
اسبابنك استحصالی و نتیجه‌ء ماده‌نك بیان و اشعاری خصوصنك تأییداً طرفکزه(؟) ... اتخاذ ایدلدی

فی ١١ جمادی الآخره سنه ٩٩ و ... سنه ٩٩

٢٤ جواباً کارپردازخانه‌دن حکومته یازیلان تلغرافك صورتیدر

محمودی عشیرتندن بدلیم و برادری ده‌هر قرق قدر آتلی تفنکچی ایله بدره (ناحیه‌سی) اهالیسندن درویش اوزون(؟) قدر حیوان و مواشی سائره‌لرینی اخذ
و غارت ایتدکلری و مرقوم بدلیم ایرانستانه حاکمی حسین قولیخانك آدملرندن بولنوب تجاسراتی خان مومی الیهك موافقتی دائره‌سنده
اولدیغنه اشعار جلیله‌یه عطف مرکز متصرفلغندن کلان تلغرافك بیان اولندیغندن بحثله اجرای ایجابی اولنمسی بیورلدی فی ٦ ... سنه ٩٩
تاریخلی تلغرافك احاطه‌سی بیان بیورلمشدر خان مشار الیه حضرتلری ایرانستانه کبی بر مملکتك والیسی اولوب هیچ بر وقت بو کبی تجاسره
قائل اولمیه‌جقلری و کیفیت خان مشار الیهك موافقتی دائره‌سنده اولدیغی اسناد اولنه‌رق کیفیت اداره قائممقاملغنك اشعاری ایله طرف عالیلرینه
وجه اساسی اولمیوب مع ما فیه تجاسرات و اسنادات واقعه‌نك حقیقتی و کیفیتك تحقیقی و اجرای ایجابی کیفیتی ... جلیله‌لری
جانب سامیلرینه ... نتیجه‌ء تحقیقاتك بیان و اشعاری ... بیورلمقده

فی ٢٦ جمادی الآخره سنه ٩٩ و ١٧ ... سنه ٩٩

شمارهٔ سند: ۳۷۱
موضوع: فرار حمزه‌آقا به عثمانی
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۲ هـ.ق)
کارتن: ۸
پرونده:

نامهٔ وزیر خارجه به ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شوم، در باب حمزه‌آقا مکرر تلغراف شده چه جناب معین‌الملک چه این اواخر به جوادآقا جواب داده‌اند حکم صادر شده رد کنند چند هفته قبل هم باز تلغراف کرده بود و این جان‌نثار عین تلغراف جوادآقا را به جناب امیرنظام نوشته استفسار کردم که چه اقدامات شده اگر رد نکرده‌اند لازم است شما از متصرف و مأمورین سرحد مطالبه کرده بگویید یا رد کنید یا بنویسید همچو حکمی نشده است تاکنون جواب نرسیده موافق این عرایض جناب امیرنظام معلوم می‌شود احکام یا نرسیده، دروغ گفته‌اند یا رسیده اثری بر آن مترتب نشده، فردا ان‌شاءالله در هر دو فقره هم به اسلامبول تلغراف می‌شود هم سفارت اینجا می‌نویسد. لیکن از نوشتن و تلغراف زیاد کردن فایده مترتب نیست قوّت سرحدات باید قدری بیشتر باشند یعنی سرحدات عثمانی و قراول‌خانه و جاسوس داشته باشند، هر وقت تخطی کرده خبر بدهند با استعداد سرحدیه اگر تمام آنها را قتل کنند دولت عثمانی نمی‌تواند اظهار هم بکند. این جان‌نثار به سفارت می‌نویسد به اسلامبول هم تلغراف مفصل خواهد کرد، جواب هرچه شد به عرض خاک‌پای مبارک همایونی می‌رساند. امرالاقدس الاعلی مطاع مطاع

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

جناب وزیر، در استعداد سرحد و قراول‌خانه‌ها و جاسوس و...صحیح نوشته‌اید همین طور باید رمزاً به امیرنظام تلگراف بکند و با پست مفصل بنویسید که در این نوع کارها مستعد و حاضر باشند و طرف مقابل را قتل و غارت و تلافی کنند تا کی باید به عثمانی‌ها اظهار شود و به‌جایی نرسد. اگر پسر حمزه‌آقا که مدتها در حبس خودمان بود، فوراً سرش را می‌بریدند حالا این یک مسئله نمی‌شد چرا باید همچه پدرسوخته[ای] را زنده

می‌گذاشته که حالا فرار کند. همهٔ اینها تقصیر خودمان است، تقصیر هیچکس نیست.

[پشت پاکت نامه:]

— جناب وزیر خارجه

— در باب پسر حمزه‌آقا در دستخط مبارک نکته هست باید از لحاظ انور همایون بگذرد. نگاه‌داشتن بی فایده است.

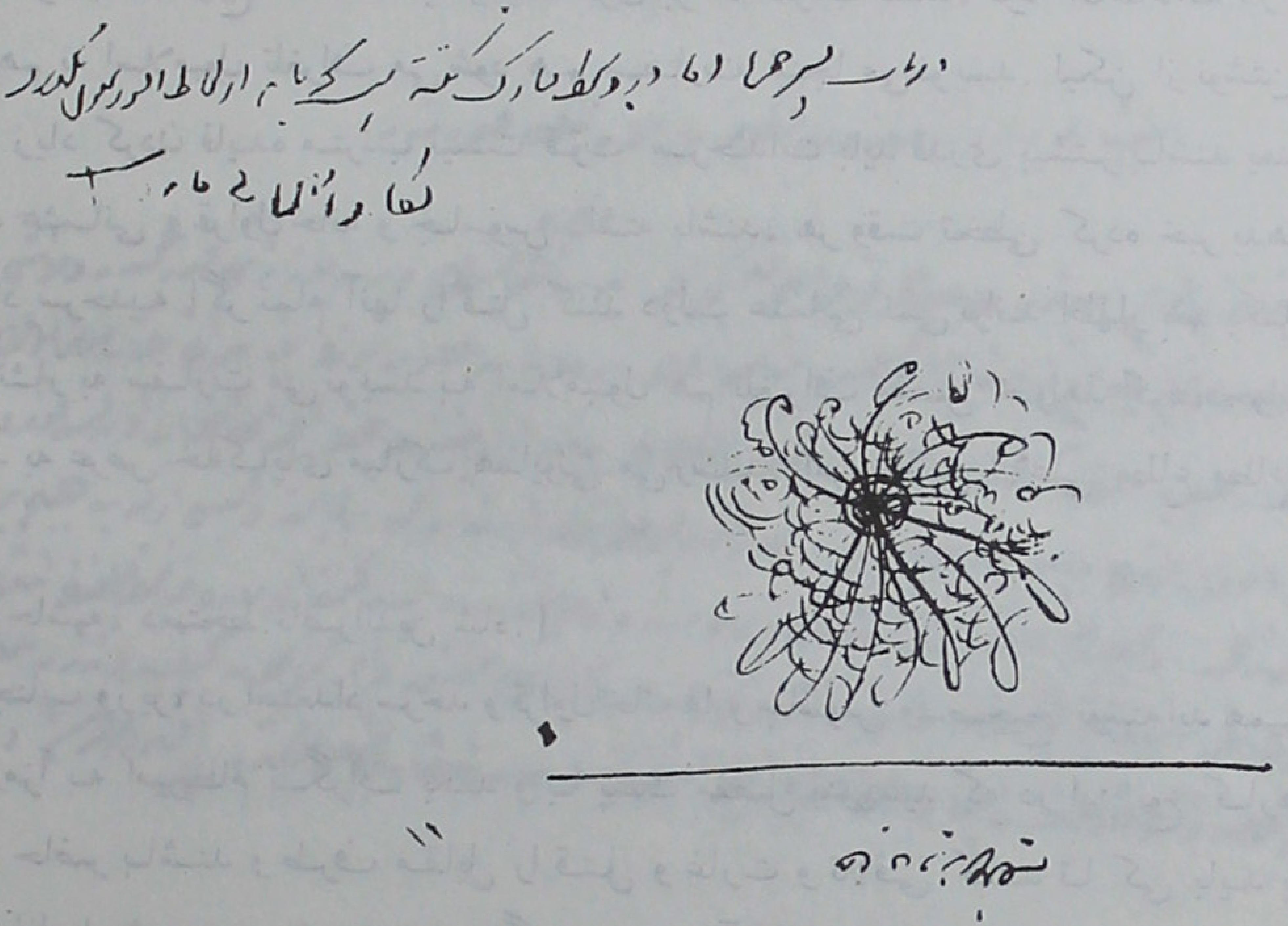
در باب پسر حمزه آقا در دستخط مبارک نکته هست باید از لحاظ انور همایون بگذرد
نگاه داشتن بی فایده است

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷۲
موضوع: درخواست علی خان شکاک برای رفتن به چهریق
تاریخ: (احتمالاً ۱۳۰۳ هـ.ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: ۱۲/ع

جواب جناب جلالت‌مآب اجل افخم امیرنظام دام اقباله به وسیلهٔ نواب ناصرالدوله

تلغراف جناب‌عالی در باب آمدن علی خان شکاک به قطور با نود خانوار و اینکه پسر او به خوی آمده، به حاکم خوی نوشته‌اید که چند خروار غله به آنها بدهند و در بلوکات خوی سکنی دهند و آنها قبول نکرده منظورشان رفتن چهریق است. به عرض خاک‌پای اعلی حضرت شاهنشاهی روحنا فداه رسید. مقرر فرمودند برای استحضار جناب‌عالی فرمایشات مقرره را ابلاغ نمایم، فرمودند از قراری که به عرض ما رسیده است، علی خان مطاعیتی بر همهٔ ایل شکاک که دو هزار خانوارند ندارد بلکه عداوتی هم میان او و اغلب ایل شکاک هست و اینکه علی خان می‌خواهد در چهریق به او جا داده شود، بیشتر برای ترس و احتیاطی است که از ایل شکاک دارد که مبادا وقتی فرصت کرده اذیتی به او برسانند. چنانکه سابقاً گاهی این کار را کرده‌اند. دوباره علی خان را در چهریق جادادن عیوب زیاد دارد. اولاً، دماغ خشکی دارد از کجا که دوباره یاغی نشود و دولت برای تنبیه اوبه زحمت تازه نیفتد. ثانیاً، تنها به چهریق اکتفا نکرده حکومت محالات چهریق را هم خواهد خواست همین که به آنجا مسلط شد کسانی را که در مأموریت قشون خدمت کرده بودند بالمره تمام خواهد کرد و رعیت آنجا بالباق خاک عثمانی فرار خواهند کرد. ثالثاً، طالب ایلخانی گری کلّ شکاک خواهند شد اگر ندهند البته مفسده کرده تقصیر را به گردن ایل کاردار شکاک که در صومای برادوست به آسودگی و اطاعت نشسته، مشغول رعیتی هستند خواهد انداخت و سعی خواهد کرد که آنها را مقصر و متهم کند. اگر دولت پاپی نشود حقوق مردم داخل و خارج و قتل و غارتی که علی خان و کسان او کرده‌اند مهمل خواهد ماند. و اگر دولت پاپی شود لابد باید به محض حرف علی خان به ایل شکاک سخت بگیرد تا به درجهٔ[ای] که آنها از دولت علیه روگردان شوند. در خوی هم اگر بی کار بماند همین مفسده را خواهد

کرد. رابعاً، دادن چهریق دوباره به علی خان مایهٔ حرف می شود که اگر این آدم عیبی نداشت چرا لشکر به سر او فرستاده، خانهٔ او را خراب و خودش را بی پا کردند و اگر عیب داشت دوباره چرا چهریق را به او می دهند. بهتر این است به او بگویند که خود و پسرانش آمده، در تبریز در کمال عزت و آسودگی بمانند نوکری کنند مواجب بگیرند و آسوده و محترم شوند. و آن نود خانواری که با او بودند بروند در محالات چهریق سکنی نمایند نه در خود چهریق اگر این تکلیف را قبول کرد چهریق و محالاتش آسوده و آباد و ایل شکاک فارغ و امیدوار خواهند ماند و فسادی و خلاف نظمی هم از جایی بروز نخواهد کرد. محسنات زیاد دارد که خیلی از اینها بیشتر است، و اگر قبول نکرد منتها این است که دوباره به خاک عثمانی عود نماید. و این برای دولت ضرری ندارد. منتها یک علی خان و چند خانوار از بستگان او از شکاک کم شده اند دَله دزدی هم اگر در سرحد خواسته باشد بکند، اولاً در مقابل ایل کاردار نمی تواند. جواب او را بخوبی می دهند، اگر هم جواب ندادند. اولاً دولت زبانش به عثمانی ها دراز است که شکایت و مطالبه نماید. ثانیاً اگر علی خان در چهریق جا بگیرد عثمانی البته مطالبهٔ تبعید او را خواهد کرد. این عیوبات و محذورات در رفتن علی خان به چهریق به نظر همایون اقدس اعلی می آید آیا همین طورها است که تصور شده است یا خیر، خبر دهید که عرض شود.

[پی نوشت:]

این خیلی طولانی است، وانگهی از طرف اعلی حضرت همایون باید باشد و شاهانه هم باشد، اولش تلغراف شما رسید این عیوب در جادادن علی خان در چهریق به نظر ما می آید. فلان فلان الی آخر اما مختصر و شاهانه شما که نزدیکتر به کار هستید چه به نظرتان می رسد عرض کنید.

حضرت مستطاب اشرف امجد امیر نظام دام اقباله

تلگراف حضرتعالی در باب آمدن علی خان ماکوئی به تبریز ، بتوسط خانوار و اینکه پسر او بجوی
آنچه که حکم صدور یافته است به جهت خود از قلعه ، لهذا بهانه دور است و در بعضی مکانات جزوی سیکنی وجه
و آنها فهمیده از نظر شان رفتن چهریق است بعرض های ... امجد به اعتبار است
ناخنها را رها فرمایید ... مقرر و وسعت برای تکفیر رجال ... فرمایش ... تنگوره را ...
باقیم ... از قرار که بعرض ها رسیده است علی خان مطالعتی در شأن این ماکوئی خاندار
خانوار نه ندارد بلکه علاوه تمام میان او و ... این ماکوئی است و اینکه علی خان نتوانسته
و چهریق ، و جا داده شود بیشتر از ترس و احتیاط است و از این ماکوئی که دارد در مسافرت اوقی
فرصت کرده از ترس و بر باب نشنه ... چنانکه سابقاً کاغذ ایشان را اگر روانه ... به بارعام علی خان
و چهریق جا داشتن عیب زیاد دارد از ... و ما فی خیال دارید از کار ... نشود
دولت برای خیمه او حکومت تازه شفقه تا تنها بجهت چهریق اکتفا نکرده و حکم
چهریق را هم خواه خواست همچنانکه سلطنت که از راه دریا سورت قشون ... کرده بودید
... تمام خواه کرد و رعیت آنجا ، اتباق ... فراز خواهد کرد ... ماکوئی ... اطمینان ... کرد
سمت ماکوئی خواهید اگر نه انه البته منفعت کرده تقصیر را از ایشان ... خواه کرد و انها را
برای ... آسوده ... و اطاعت ... نشسته شغل رعیتی داشته خواهند ... علی خان ...
مقصر و متهم کنند اگر دولت ... حقوق مردم ... علی خان ... ماکوئی ... خواه کرد
کرده اند فهمیده خواهند ... اگر دولت ... در ضمن ... زمانه
بگیرد تا به رجعه ... از دولت علیه روگردان شوند ... اگر ... عیب ... بهتر آنجا
را ... چهریق ... بعلاوه ... داشته ... چهریق را با دیده ... بزرگی
خانه او را خراب ... را ... که ... آسوده ... ماکوئی
... در تبریز در کمال عزت ... آسوده و محترم شوند ... کنند ...

اگر این تکلیف را

ملاحظه بفرمایند در معالجات چهریق تکلیفی باشد نه در خود چهریق اگر این

قبول کرد چهریق و معالجه تشنج آلوده را باز و این شکاک فارغ از اینها و از

خواسته باشد و فشار رضا خان نظر هم از جای بر روز کوتاه کرد محسنات بسیار زیاد دارد

و منافع از اینها بیشتر است و اگر قبول نکرد متهم از این است هر باره کار غلمان

عوض باشد و آن برای دولت ضرری ندارد متهم یک صاحب خان رجبه خانواده

از آن بستگان او از شکاک کم شده اند و آنکه وزری هم اگر در سر حد خواسته باشد

بکند او که در مقابل این کار دارد نمی تواند جواب این را اگر بایستی نه

اگر هم جواب ندارد او که دولت را نشنیده نهادند از آن است که شکایت

و مطالبه باشد تا بیاید اگر صاحب خان در چهریق جا بگیرد غلمان آنچه مطالبه تبعه او را

خواهد کرد این عیب هست و حقه درست در رفتن صاحب خان به چهریق

بنظر اولیای اقدس کرام می آید آیا همینطور است که تصور شده است

یا خیر خبر دهید عرض شود

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷۳

موضوع: در مورد رفتن علیخان شکاک به چهریق

تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۳ هـ.ق)

کارتن: ۱۸

پرونده: ۱۲/ع

دستخط ناصرالدین شاه

جناب وزیر امور خارجه

یادداشت به سفارت عثمانی را بسیار خوب نوشته‌اید بدهید ببرند. اگر کاغذش را پس گرفت فبها والا شما هم جواب سخت بدی نوشته مطالبهٔ خسارتی که به میان‌دوآب و... وارد آمده است از روی کتابچه حقاً و رسماً مطالبه نمایید. جوابهای ناصرالدوله در فقرهٔ علی‌خان بقاعده بود شما همان مضامین را تماماً از قول ما بدون اینکه بفهمد ناصرالدوله چیزی گفته است، تلگراف کرده بیرون‌نویسی بکنید، به حضور بفرستید بدهیم مخبرالدوله بزند به این طور که این عیوبات و محذورات در رفتن به چهریق او به نظر می‌آید آیا همین طور است که تصور شده است یا خیر.

[illegible]

[illegible]

جناب وزیر معظم

یادداشت به سفارت عثمانی بود.

حمل کرده اند ... ؟ ... اگر کاغذی بود

ولی گرفته ... و الله تمام خواهش کنند

به ... نوشته ... خارجه ... ایران ...

... حق ...

و ... مطالعه ...

شمارهٔ سند: ۳۷٤
موضوع: درخواست علی خان شکاک برای رفتن به چهریق
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۳ هـ.ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: ۱۲/ع

تلگراف امیرنظام به وزیر علوم

هو

جناب جلالت‌مآب وزیر علوم دام مجده العالی علی خان شکاک با نود خانوار کسان خود به قطور آمده و پسرش به خوی آمده است نوشته به او بودم آقاخان حاکم خوی علی الحساب صد خروار غله به آنها بدهد و در بلوکات خوی ساکن نمایند از قرار تلگراف آقاخان این فقره را قبول نکرده‌اند اصل مقصودشان رفتن چهریق است و پانصد تومان مواجب علی خان کماکان داده شود و به قدر کفاف گذران. تا اول بهارهم خیلی به آنها داده شود لیکن دهات خوی راضی نمی‌شوند هم خوف دارند هم میل دارند یک جا باشند و متفرق نباشند و گفته‌اند ما باید امسال برویم میان ایلات گدایی کنیم چون علی خان دامادی دارد که در محمودی خاک عثمانی که هفت فرسخی قطور است سکنی دارد احتمال دارد اگر مقصود و میل آنها به عمل نیاید مراجعت کنند و به خاک عثمانی بروند این فقره را هم عرض نمایید. امیرنظام

[حاشیه:] دستخط ناصرالدین شاه

جناب وزیر خارجه با ناصرالدوله حرف بزن و همین تلگراف را بده ببیند چون اطلاع دارد به عرض برساند که چه جوابی باید داد.

بر

جناب جلالتمآب وزیر علوم دام مجده العالی تلگراف بانوحامو وارد
گمان نحو مقطور آمده و پرسش تحویل آمده است نوشته باید تقویم آقاخان
حاکم خود ~~[struck]~~ علی الحساب صد هزار عمله با تهاجم در بلوکات
خود را کن نمایند از قرار تلگراف آقاخان اینجا فقره سوء عمل نکرده‌اند
اصل مقصود ما رفتن حریق است و ملاحظه آن مواجب علما
طلاب و غیره نحوه تقدیر تلگراف کردن تا اول بهار علما علاوه بتهیه
دعوی نمی‌کنند است خود راضی نمی‌شوند خوف دارند
در اصل دارند یک جا باشند متفرق باشند و گفته‌اند باید
املاک بردم ما ان اینجا تلگرافی که حول علی دانا دل دارد
در مجهول حالات عشایر که همه هر کس قطور است اکثر ش دارد
رحمت دارد اگر مقصود دیگر آنجا معین نباید مراجعت کنند و تلگراف
عشایر بمروند اینجا فقره سوم را عرض نمایند امر مطاع

ج ب ازشه
ب یاحمد الدوله
و قرآن رمضان ...
به بیت ...
دیگر ...

شمارهٔ سند: ۳۷۵
موضوع: مذاکره کار علی خان شکاک
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۳ هـ.ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: ۱۲/ع

فهرست عرض به خاک‌پای اقدس همایون [از وزارت خارجه]

برحسب امر قدر قدر همایونی دیروز بعد از مرخصی از خاک‌پای همایون تلغراف رمز پطربورغ را برای میرزا اسداله خان فرستاد بعد به نواب ناصرالدوله اطلاع داد که برای مذاکرهٔ کار علی خان شکاک و قلعهٔ چهریق با او حرف زده اطلاعات او را به عرض خاک‌پای همایون برساند که تکلیف در جواب جناب امیرنظام معلوم شود. چون شب دیر شده بود امروز صبح نزد چاکر فدوی حاضر شد، اعتقاد و اطلاعات ناصرالدوله از این قرار است که علی خان مطاعیتی بر همهٔ ایل شکاک که دو هزار خانوارند ندارد بلکه عداوتی هم میان او و اغلب ایل شکاک هست و اینکه علی خان می خواهد در چهریق جا به او داده شود بیشتر از بابت ترس و احتیاطی است که از ایل شکاک دارد که مبادا وقتی فرصت کرده اذیتی به او برساند چنانکه سابقاً گاهی این کار را کرده‌اند دوباره علی خان را در چهریق جا دادن عیوب زیاد دارد اولاً دماغ خشکی دارد از کجا که دوباره یاغی نشود و دولت برای تنبیه او به زحمت تازه نیفتد، ثانیاً، تنها به چهریق اکتفا نکرده حکومت محالات چهریق را هم خواهد خواست همین که به آنجا مسلط شد کسانی را که در مأموریت قشون خدمت کرده بودند بالمره تمام خواهد کرد و رعیت آنجا بالباق خاک عثمانی فرار خواهند کرد. ثالثاً طالب ایلخانی گری کل شکاک خواهد شد اگر ندهند البته مفسده کرده تقصیر را گردن ایل کاردار شکاک که در صومای برادوست به آسودگی و اطاعت نشسته مشغول رعیتی هستند خواهد انداخت و سعی خواهد کرد که آنها را مقصر و متهم کند، اگر دولت پاپی نشود حقوق مردم داخل و خارج و قتل و غارتی که علی خان و کسان او کرده‌اند مهمل خواهد ماند و اگر دولت پاپی شود لابد باید محض حرف علی خان به ایل شکاک سخت بگیرد تا به درجهٔ[ای] که آنها از دولت علیه روگردان شوند. در خوی هم اگر بیکار بماند همین مفسده را خواهد

کرد، رابعاً دادن چهریق دوباره به علی خان مایهٔ حرف می شود که اگر این آدم عیبی نداشت چرا لشکر به سر او فرستاده، خانهٔ او را خراب و خودش را بی پا کردند، و اگر عیب نداشت دوباره چرا چهریق را به او می دهند، بهتر این است به او بگویند که خود و پسرانش آمده در تبریز در کمال عزت و آسودگی بمانند، نوکری کنند، مواجب بگیرند و آسوده و محترم شوند و آن نود خانواری که با او بودند بروند در محالات چهریق سکنی نمایند، نه در خود چهریق اگر این تکلیف را قبول کرد چهریق و محالا تش آسوده و آباد و ایل شکاک فارغ و امیدوار خواهند ماند و فسادی و خلاف نظمی هم از جایی بروز نخواهد کرد محسنات زیاد دارد که خیلی از اینها بیشتر است و اگر قبول نکرد منتها این است که دوباره به خاک عثمانی عود نماید و این برای دولت ضرری ندارد منتها یک علی خان و چند خانوار از بستگان او از شکاک کم شده اند دَله دزدی هم اگر در سرحد خواسته باشد بکند اولاً در مقابل ایل کاردار نمی تواند جواب او را بخوبی می دهند اگر هم جواب ندادند اقلاً دولت زبانش به عثمانی ها دراز است که شکایت و مطالبه نماید یکی هم ناصرالدوله محرمانه می‌گفت که پسر علی خان با آقاخان حاکم خوی خویش و قوم است، تصدیق او در حق علی خان ممکن است مشوب به عرض باشد و نیز می‌گفت من اینها را در چاکری و صداقت به خاک‌پای همایون عرض می‌کنم، استدعا دارم به اسم من شهرت نکند چاکر فدوی خود نیز جسارت به عرض می‌کند که این حرفها به قاعده و پلوطیک دولت هم نزدیک است اگر علی خان در چهریق جا بگیرد، عثمانی البته مطالبه تبعید او را خواهد کرد اگرچه دولت علیه هم جواب دارد که هر وقت پسرهای شیخ را شما دور کردید، ما هم علی خان و امثال او را دور می‌کنیم برای اطلاع رأی جهان‌آرای همایون جسارت شد الامر الاقدس الاعلی مطاع

[illegible]

[illegible]

[illegible] امین الدوله [illegible]

[illegible]

[illegible] امین الدوله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷۶
موضوع: تبعید جوانمیر احمدوند
تاریخ: ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۰۴ هـ.ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۱۲

مراسله به سفارت کبرای عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

دیروز که با آن جناب جلالت‌مآب در باب جوانمیر مذاکرهٔ شفاهی می نمودیم، دوستدار برای طی این مسئله دستخط آفتاب نقط همایونی را روحنا فداه که در ختم راپورت معتمدالسلطان ناظم الملک شرف صدور یافته و خلاصهٔ آن عبارت از این بود که چون عرصهٔ قصر و زهاب و سایر از شر شقاوت اشرار احمدوند از امنیت افتاده بود برای حفظ امنیت و رفاه طرق و صفحات حدودیه خودمان جوانمیر و اتباع او را به یک مبلغی مخارج نگاهداری و حقوق مزبوره را وقایه نموده‌ایم و تا تحصیل سند تأمین رسمی از باب‌عالی به حفظ حالت حاضره ناگزیریم و مکرر سند رسمی خواستیم که ما را اطمینان بدهند همین که جوانمیر و اتباع او از این طرف دفع و طرد شدند آنها را محو و قمع یا به ولایات دورتر از سرحد تبعید خواهند کرد و بعد از این آن خسارتهای مکرر و زحمتهای متوالی تجدید نخواهد شد و خلاصه جواب آن جناب جلالت‌مآب هم چنین شد که باب‌عالی هرگز از بابت امثال جوانمیر شریر شقی سند نمی دهد اما هر وقت اطلاع دادید که حاضر می‌شوید برای طرد او فوراً ما هم حاضر هستیم برای اخذ و نفی و تبعید او و اگر می خواهید به هیچ وجه متعرض او نشده ابداً اظهاری نکنیم او را به داخلهٔ خودتان مثل اصفهان و امثال آن تبعید نمایید ما ابداً حرفی نخواهیم داشت چون برای ختم کلام می خواهم مراتب را به عرض خاک‌پای معدلت پیرای همایونی روحنا فداه برسانم اگر حاصل مذاکرات جاریه به همین قرار است ملاحظه و مرقوم فرمایید تا عرض شود. زیاده زحمت نمی دهد.

محل امضا

[پی نوشت:]

استفسار تفصیل مذاکرات جاریه فی مابین سفارت کبرا و وزارت خارجه در طرد کلیهٔ احمدوند خاصه جوانمیر و اتباع. ۱۱ ربیع الثانی نمرهٔ ۱۱۲

ملاحظه شد

وزارت امور خارجه
مورخه ۱۱ شهر ربیع الثانی
سنه ۱۳۰۴
نمره ۱۱۲

مراسله سفارت کبرای عثمانی

در دو روز قبل با جناب جلالتمآب در باب جوانمیر مذاکره شفاهی نموده بودم در ضمن استدراک کلی این مسئله دستخط
آفتاب نقطه همایونی ارواحنا فداه که در ختم راپورت معتمدالسلطان ناظم الملک شرف صدور یافته
و خلاصه آن عبارت از این بود که چون عرصه قصر و زهاب و سایر نقاط سرحدی از اشرار احمدوند
از امنیت فاقد بود برای حفظ امنیت و رفاه طرق و صفحات قصر و دیره خود ما جوانمیر و اتباع
او را با یک مبلغی مخارج نگاهداری و حقوق مزبوره وقایه نموده ایم و تا تحصیل سند تأمین رسمی
از عالی بحفظ حاشیه سرحد نگاه داریم و ملزم شده برمیخواستیم ما را اطمینان بدهند که جوانمیر
و اتباع او از آنطرف دفع و طرد شده آنها را محو و قمع یا بولایات دیگر از سرحد تبعید
خواهد کرد و بعد از این آن خسارتها که در چند سال متوالی تکرار نخواهد شد و خلاصه جواب آنجناب
جلالتمآب هم چنین شده بود که عالی هرگز از بابت امثال جوانمیر سرپرستی نمی دهد اما در وقت اطلاع
دادید که حاضر میشوید برای طرد او فوراً ما هم حاضر هستیم برای رفع و نفی و تبعید او ولی میخواهیم
بهیچوجه متعرض او نشده ابداً اظهار نکنیم او را به خطه خود تا نشی اصفهان و امثال آن تبعید نمائید
ما ابداً اعتراضی نخواهیم داشت چون بعضی ختم کلام میخواهم مراتب را بعرض خاکپای مقدس اعلیحضرت همایونی
روحنا فداه برسانم لکن حالیه مذاکرات جاریه بهمین قرار است ملاحظه و مرقوم فرمائید
تا عرض شود زیاده زحمت نمیدهد

بسمت رئیس [illegible] ...
[illegible] سفارت کبری و [illegible]
در [illegible]
۲۱ [illegible] ۲۱۳

شمارهٔ سند: ۳۷۷
موضوع: تبعید جوانمیر احمدوند
تاریخ: ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۰۴ هـ.ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۱۲/ع
نمره: ۱۳ عمومی ۵ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

مراسلهٔ محترمهٔ جناب مستطاب اشرف عالی مورخهٔ ۱۱ شهر ربیع الثانی سنهٔ ۱۳۰۴ نمرهٔ ۱۱۳ دایر به فقراتی که میان دوستدار و جناب مستطاب اشرف یوم چهارشنبه دهم شهر مزبوره در باب جوانمیر شقی شریر و اتباعش مذاکره شده است واصل انامل احترام گردیده تأیید و تکرار می‌کند که بلی دوستدار اظهار داشتم که دولت علیهٔ متبوعهٔ دوستدار در مطالبهٔ طرد اشقیای تبعهٔ خود سند نمی دهد و می باید جوانمیر و اتباعش را طرد و تسلیم نمود و یا از حدود و آن حوالی تبعید کرد، ولی شق اول مختار و مطلوب باب‌عالی است، و شق ثانی محض تسهیل امر رأی و خیال دوستدار بود و اگر شقین مزبورین را در میزان حق و عدل بیاوریم و جهات پولتیکی و حقوق و فواید آن را ملاحظه کنیم، البته مطلوب باب‌عالی ارجح و اولی خواهد بود.

زیرا که از جهت پولتیک شخص جوانمیر اهمیت ندارد ولی تجاوزات متمادیه و شقاوتهای مستمرهٔ او و اتباع او است که رفته رفته فی مابین دولتین امروز رنگ دیگر پیدا کرده که وکلای عظام دولت علیهٔ عثمانیه بکلی از امن و آسایش حدود مأیوس شده‌اند. و از جهت حقوق اگر مرقومین طرد نشوند جرایم و جنایات آنها بلامجازات می ماند و مظلومین و منهومین از مدعیان او در دعاوی خودشان باقی و غیرمتسلی می مانند و حقاً احتمال می دهند که لدی الفرصه باز خودشان را به حدود و نقاطی رسانیده مجدداً مصدر شقاوت و شرارت شوند. آمدیم بر سر جهت فواید و آن این است که در صورت عدم طرد اشقیا و اشرار سایره طرفین تنبیه و آسوده نمی شوند و خاک یکدیگر را برای خودشان ملجا و پناه دانسته هر روز مرتکب شقاوت و شرارت خواهند بود.

و در تبعید تنها امنیت موقر حدود خواهد بود و بس حالا وقت است که عدل و نصفت و حقوق‌شناسی و عهدداری را در میانه حاکم کرده هر یک که مرجح و موجب ازدیاد سلم و صفوت دولتین علیتین اسلام و سبب مزید امنیت و انتظام حدود جانبین است اولیای فخام دولت علیه ایران اختیار فرمایند که مسئله از میانه برداشته شود. زیاده زحمت است. فی ۱۳ ربیع‌الثانی سنه ۱۳۰۴

مهر: خلیل خالد

نمره ۱۲ عمومی

نمره ۵ محرمانه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع [illegible]

مرقومه محترمه جناب مستطاب اشرف عالی مورخه ۱۱ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۰۲ (نمره ۱۱۳) در باب تقویت [illegible] پیوسته [illegible] جناب مستطاب اشرف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جهت حقوق [illegible]

[illegible]

[illegible] از جهت فواید [illegible]

[illegible] وزارت خواهم [illegible]

[illegible] حقوق [illegible]

[illegible] ۱۳۰۲

شمارهٔ سند: ۳۷۸
موضوع: تظلم احمدوندها
تاریخ: (احتمالاً ۱۳۰۴ هـ.ق)
کارتن: ۱۹
پرونده: ۵/ح

نامهٔ صدراعظم (امین‌السلطان) به حاکم کرمانشاه

هو

جواب تلگراف رمز حسام‌الملک رمز شود

تلگراف جناب‌عالی رسید از ملاحظهٔ همایونی گذشت می‌فرمایند، اولاً در باب اسرای احمدوند آنچه تا به حال داده شده است کافی است بعد از این یک نفر ندهید و هرچه هست جمع نموده با پسر جوانمیر در کرمانشاهان پیش خودتان نگاه دارید دانسته دیگر یک نفر ندهید که لازم نیست ثانیاً، در باب تظلم احمدوندها به باب‌عالی و اصرار والی موصل در اینکه آنها را در میان سلیمانیه و موصل جا ندهید اطلاع حاصل شد خیلی مشکل است که این حرف را دولت عثمانی قبول کرده باشد ولی آنچه لازم است در این باب هم در اسلامبول هم در طهران با سفارت گفتگو خواهد شد و به شما هم اطلاع داده خواهد شد شما هم همواره در اردوها و موصل و غیره جاسوس داشته باشید و از این قبیل اخبارات هرچه باشد زود به زود اطلاع بدهید که لازم است. امین‌السلطان

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷۹
موضوع: غارت عشیرت کلوعثمانی توسط عشیرت برده‌صور
تاریخ: ۱۷ محرم ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۹۸۷ ــ ۴۷

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

عشیرت کلو که تابع رواندز است عازم کوهستان بوده‌اند که از عشیرت برده‌صور ایران احمد و درویش نامان باعونهٔ خودشان بر سر آنها هجوم کرده یک نفرشان را می‌کشند و سیصد رأس اغنام و چهاررأس گاو و هفت رأس مادیان و سه رأس گاومیش آنها را به غارت می برند و به قدر پنجاه رأس اغنام و پنج مادیان آنها را هم جراحت می رسانند و تفصیل را ولایت علیهٔ موصل به باب‌عالی عرضه داشته و از باب‌عالی به سفارت کبرا امر تلگرافی رسیده وکلای عظام دولت علیهٔ عثمانیه استرداد منهوبات و تأدیب مرتکبین را با تأمین از اینکه دیگر این گونه احوال در آن حدود به ظهور نخواهد رسید از همت والای امنای دولت علیهٔ ایران منتظرند. خلیل خالد

سواد مطابق با اصل است ــ مهر دفتر وزارت خارجه

وزارت امور خارجه

نمرهٔ کتاب ثبت	
کارتن	دوسیه
نمره های قبل	
ضمیمه	

تاریخ خروج

سواد مراسله سفارت عثمانی بوزارت امور خارجه

۱۷ محرم ۱۳۰۸ نمره ۱۹۸۷
۴۷

عشیرت کلوه تبعه روانندز است عازم کوهستان بوده‌اند که از عشیرت زرده صدور
دیران دحمه و درویشن نامان با عده خودشان بر سر آنها هجوم کرده یکنفرشان را کشته
و سیصد رأس اغنام و چهار رأس گاو و هفت رأس مادیان و سه رأس گاومیش آنها را
بغارت میبرند و تقریباً پنجاه رأس اغنام و پنج مادیان آنها را هم جرحت میرسانند و تفصیل را
ولایت علیه مراتب را بباب عالی عرضه داشته و از باب عالی تعقیب امر تلگرافی رسیده و کلیه
عظام دولت علیه عثمانیه استرداد منهوبات و تأدیب مرتکبین را با تأمین از اینکه دیگر اینگونه
احوال در آن حدود بظهور نخواهد رسید از همت والای اولیای دولت علیه ایران منتظرند

کفیل خانه

سفارت سنیه ...

شمارهٔ سند: ۳۸۰
موضوع: مقاصد و خیالات علی اکبرخان
تاریخ: ۱۶ جمادی الاخر ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۱۲/ع
نمره: عمومی ۲۱۷٤ خصوصی ٦

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

موافق تلگرافنامجات واصلهٔ از باب‌عالی و ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت کبری مأمورین سرحدیه کرمانشاهان علی اکبر خان با رئیس عشیرت سنجابی و بعضی خوانین جمعیتی کرده به قصرشیرین آمده‌اند و در تهیه و تدارک اند که با پانصد سوار و پیاده عسکر به قضای خانقین تجاوز کرده و در آنجا زراعت و حیوانات مقاطعهٔ کانی بز را که از املاک میریه است تلف و غصب نمایند و از طرف دولت علیهٔ عثمانیه نیز به مشیری اردوی ولایت بغداد حکم شده که بر حسب تکلیف اگر چنان تجاوزی به ظهور برسد در مقام منع و تدافع برآیند و دوستدار به موجب این مراسله خاطر محترم آن جناب جلالت‌مآب را از مضامین هر دو تلگرافنامه اکنون مستحضر داشته. امیدوار است که قبل از مصادمه به واسطهٔ اوامر مؤکده تلگرافی مأمورین سرحدیه کرمانشاهان را از این تهیه و تدارکات و اقدام به چنان حرکات که اسباب سفک دماء و به وقوع رسیدن سایر مضرات و خسارت است سریعاً ممانعت فرموده اطلاع بدهند تا دوستدار هم باب‌عالی و ولایت مشارالیها را از نیات حسنهٔ اولیای دولت علیهٔ ایران در این خصوص مستحضر سازد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۶ شهر جمادی الاخر سنه ۱۳۰۸

محل مهر: خلیل خالد

جناب جلالت [illegible] سفارت [illegible] دام اقباله العالی

نمره ۲۱۱۴
[illegible]
ع

موافق تلگرافات واصله از باب عالی و دولت علیه [illegible] سفارت کبرای [illegible] که [illegible] از [illegible] سرحدیه [illegible] عساکر [illegible] بعض خوانین [illegible]

جمعیتی کرده [illegible] و در [illegible] تهیه و تدارک [illegible] در باب [illegible] و بعضی [illegible] عساکر [illegible] قاطعی [illegible] که [illegible] با [illegible] ایران [illegible]

که [illegible] از [illegible] است [illegible] و [illegible] از طرف دولت علیه عثمانیه نیز [illegible] لازمه [illegible]

در باب تحقیق [illegible] که [illegible] بظهور برسد در [illegible] منع و تدارک [illegible] در [illegible] ایران [illegible]

[illegible] اکنون [illegible] داشته [illegible] دولت [illegible] بار [illegible] ایران [illegible]

[illegible] تهیه و تدارکات [illegible] در باب [illegible] دولتین [illegible]

[illegible] مخالفت [illegible] دولت [illegible] ایران [illegible]

[illegible] علیه ایران [illegible] نمره [illegible] ۱۳۰۱؟

شمارهٔ سند: ۳۸۱
موضوع: مداخلات عثمان‌بیک رئیس عشایر جاف در حدود مریوان
تاریخ: ۲۹ شوال ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۸

به سفیرکبیر عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

جناب جلالت و نبالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از قراری که از حکومت کردستان بر طبق اشعار عمده‌الامراء العظام ظفرالملک حاکم مریوان نوشته‌اند، در حدود مریوان از قدیم بندی است که نهر زرین جوب از آن جدا می‌شود و این نهر مدتی است متروک و غیرمعمول افتاده، این اوقات عثمان‌بیک رئیس عشیرت جاف بنای پاره[ای] مداخلات در بند مزبور گذاشته و مدعی این است که از دولت علیه عثمانی امر و اجازهٔ مداخله به او داده شده است. و چون آنجا جزو مریوان کردستان و خاک این دولت علیه و حتی در ایام گردش مأمورین دول اربعه در سرحد نیز متصرفی ایران بوده و اکنون مداخله و اقدام عثمان‌بیک در آنجا خلاف قاعده اسطاطوقو و اسباب حدوث اغتشاش سرحدی می‌تواند شد. لهذا احتراماً از آن جناب جلالت‌مآب خواهش می‌شود به هر جا که لازم است مؤکد امر قویم فرمایند عثمان‌بیک را از این مداخله ممنوع و از نتیجهٔ اهتمامات خود دوستدار را قرین اطلاع و امتنان دارند زیاده زحمت ندارد.

محل امضا

وزارت امور خارجه
مورخه ۲۱ شهر شوال
سنه ۱۳۰۸
نمره ۱۸

بسفیر کبیر عثمانی

جناب جلالت و نبالت مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و شهامت انتسابا دوستان مشفقا مهربانا

از قراری که از حکومت کردستان بر طبق اشعار مورخه ... اطلاع حاصل گشت حاکم مریوان نوشته اند در حدود مریوان

از قدیم بندی است که نهر زرین جوب از آن به اشنویه و این نهر متعلق است ترک و مهاجرین قبایل دهات

عثمان بیک رئیس عشیرت جاف بنای پاره ای مخالفت در بند مزبور گذاشته و مدعی آن است و در این ...

در باره مرافعه با ورود شده است و چون آن جزو مریوان کردستان و خاک دولت علیه ایران ...

در سرحد بر تصرف ایران بوده و اکنون مرافعه و اقدام عثمان بیک در این خلاف قاعده ...

سرحدی می‌تواند باشد لهذا دوستدار از آنجناب جلالتمآب خواهش می‌شود به هر جا که لازم است مرقوم ...

و از این مرافعه ممنوع و از نتیجه اقدامات خود دوستدار را قرین اطلاع و امتنان فرمایند

شمارهٔ سند: ۳۸۲
موضوع: تغییر و قطع مسیر آبی که به سمت خانقین جاری بود توسط حاکم ایوان
تاریخ: ۹ ذیحجه ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۲۴۰۵ عمومی ۳۸ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از قرار اطلاعاتی که به سفارت کبرا رسیده است، خان احمدخان که امسال باز حاکم ایوان شده است و به ایوان رفته است می خواهد آبی که همیشه به خاک خانقین و فزانیّه جاری بوده است قطع کند و در اراضی سومبار که در تحت اسطاطوقو می باشد برنج کاری کند و از این بابت میان سرحدداران دولتین علیتین در آن حدود غایله احداث نماید و از جانب شهبندری دولت علیه عثمانیه مقیم کرمانشاهان این فقره به حکومت اظهار شده مختصر جوابی نوشته اند (که بدون رسیدگی و تحقیقات نمی توانم جواب بنویسم) و مشاهدهٔ این واقعه و مساهله از جانب حکومت کرمانشاهان موجب اثرات فتنه در سرحد خواهد بود. و لهذا حقاً منتظر است که از جانب امنای عظام دولت علیهٔ ایران حکمی محکم صادر آید که آن آب و اراضی را به همان حالات سنوات ماضیه گذارده خان احمدخان را از این خیالات باطله منع کنند و خلل به قاعده اسطاطوقو وارد نیاورند و موجب حدوث مشکلات فی مابین نشوند. زیاده زحمت است. فی ۹ شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۳۰۸

محل مهر: خلیل خالد

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

ـــ اول باید به نقشه رجوع کرد و که این اراضی در کجا واقع است و چه حالت دارد و داشته است. اراضی و آب سومار گویا هیچ وقت داخل اسطاطوکو و محل هیچ حرف نبوده است و نخواهد بود.

ـــ جواب نوشته شد.

جناب جلالت و نبالت مآب فخامت و مناعت نصاب دوست مکرم مهربان مشفق محترما

نمره ۲۳۰۵
۲۶ جمادی
۳۱

در قرارداد ... که سفارت کبرای ... خان احمد خان ... حاکم ایران ... ایران ...

و هم ... قطع کنند ... در تحت ... طوری که ... دارند

در ... اقدامات ... از جانب شهبندری دولت علیه عثمانیه مقیم کرمانشاهان این فقره ...

(که ... رسیده و تحقیقات ...) جواب ... از جانب ...

خواهشمند ... دولت علیه ... حکم ... ۱۵ ...

... احمد خان ... حالات ... طوری دارد

و ... ۹ شهر محرم ... ۱۳۰۸

شمارهٔ سند: ۳۸۳
موضوع: تجاوز و هجوم به مأمورین عثمانی در سرحد
تاریخ: ۲۱ رجب ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۰۲

هو

ترجمهٔ تقریر وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت کبرا

از قرار مخابرهٔ تلغرافی والی بغداد از فرق ایل خالدی و ایوان من عشایر ایرانیه زیاده بر چهارصد نفر پیاده و سواره به سر مأمورین و ضابطانی که از قصبهٔ مندلی برای منع تجاوزات عشایر مزبوره مأموراً فرستاده شده بود، هجوم آورده یک نفر از آنها را به ضوب گلوله مجروح و از دو نفر دیگر اسب و اسباب اسلحه گرفته اند، به ملاحظهٔ عدم وقوع اغتشاش، عسکر دولت علیهٔ عثمانیه از مقابله منع شده و این معنی معلوم است که تجاوزات متوالیهٔ عشایر ایران و حرکات تجاوزکارانهٔ آنها با مأمورین عثمانی که به اجرای وظایف مأموریت خود مراقبت دارند مغایر مناسبات دولتین علیتین بوده و واضح است که منتج محاذیر و مضرات متکاثره خواهد شد. چون این حرکات وجهاً من الوجوه قرین تجویز نخواهد بود مستدعی هستم که به مجازات و تأدیب متجاسرین شدیداً اقدامات لازمه شده و نیز برای سدّ راه این چنین حرکات تجاوزکارانه در آتیه تدابیر مقتضیه را با نتیجهٔ مطلوبه از جانب سفارت پناهی ملتمس و به این واسطه تجدید تأمینات احترامیه را می نمایم. فی ۲۱ رجب ۱۳۱۰

خارجه ناظری

سعید

ترجمه تقریر وزارت خارجه عثمانی به سفارت کبری (نمره ۱۰۲)

از قرار مخابره تلگرافی والی بغداد از فرق اینخالدی و اویان و عشایر ایرانیه زیاده بر چهارصد نفر سواره و پیاده با ... بر مأمورین و ضابطانی که از قصبه مندلی برای منع تجاوزات عشایر مزبوره مأمور گردیده بودند هجوم آورده یک نفر از آنها را بضرب گلوله مجروح و از دو نفر دیگر اسب و اسباب اسلحه گرفته‌اند ... عدم وقوع اغتشاش عسکر دولت علیه عثمانیه از مقابله منع شده و این ... در تمام وزارت متوالیه عشایر ایران و حرکات تجاوزکارانه آنها با مأمورین عثمانی در باب اجرای وظایف مأموریت خود مراتب لازم ... مناسبات در ترتیب ... و ... در منع ... مضرات ... خاطرنشان شد. چون این حرکات ... تکرار ... اهمیت در مجازات و تأدیب متجاسرین شدید اقدامات لازمه به عمل ... دیگر برای سد راه اینچنین حرکات تجاوزکارانه در آتیه تدابیر قطعیه را اتخاذ ... مطلوبه از جانب سفارت شاهنشاهی ملتمس و به این وسیله تجدید تأمینات احترامیه را می‌نماید.

۲۱ رجب ۱۳۱۰

شمارهٔ سند: ۳۸۴
موضوع: تجاوز به مأمورین عثمانی در سرحد
تاریخ: ۲۳ رجب ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

نمره: ۳۵۶۸ عمومی ۳۳ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

دیروز مأمور محترمی از وزارت جلیلهٔ امور خارجه به‌سفارت سنیه آمده و تلگرافی جناب جلالت‌مآب امیرنظام دام اجلاله ارائه نمودند که تنها تجاوزات طایفهٔ خالدی و ایوان در حدود کرمانشاهان منحصر به عشایر ایرانیه نیست بلکه از طرفین است و می باید برای این کار مأمورین طرفین در حدود رفته رسیدگی به دعاوی عشایر طرفین نمایند و سفارت سنیه هم قبول این مطلب را نموده اظهار داشت که به ولایت جلیلهٔ بغداد نگارش خواهد یافت، بعد از رفتن مأمور وزارت مشارالیها دوتلگراف یکی از باب‌عالی و دیگر از ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت سنیه رسیده است، و در هر دو مندرج است به این مضمون (که از مندلی دو نفر از صاحب‌منصبان نظامی و چند نفر هم از افراد نظام مأمور شده بودند که به سرحد رفته، با مأمور ایران مخابره نمایند و از روی حقانیت و بی غرضی به منازعه عشایرین رسیدگی کرده قرار طرد و دفع و نهب و غارات را بدهند. همین که به نزدیک حدود می رسند غفلتاً چهارصد پیاده و سوار بر سر آنها می ریزند و یک نفر از آنها را جرح و دو نفر را هم یراق‌چین نموده حیواناتشان را هم نهب می نمایند به ملاحظهٔ اینکه مبادا خدای نخواسته غایلهٔ بزرگی برخیزد، عساکر عثمانیه را که نزدیک بودند ممانعت کرده نمی‌گذارند که تجاوز نمایند. این تجاوزات متجاسرانه خیلی موجب تأسف است. لهذا سفارت سنیه برحسب اشعار باب‌عالی و ولایت جلیله بغداد خواهشمند است که متجاسرین را فوراً تنبیه و تأدیب نموده و حیوانات و اسلحهٔ منهوبی را مسترد و عاید دارند که دیگر مرتکب این گونه افعال و حرکات متجاسرانه نشوند. زیاده زحمت

است. فی ۲۳ شهر رجب ۱۳۱۰

مهر عرفان بن زیدالعابدین

[حاشیه:] جواب نوشته شد.

جناب جلالت [illegible]

نمره عمومی
۲۵۶۵
نمره مخصوص
۳۲

در باب [illegible] از وزارت جلیله امور خارجه به سفارت سنیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۸۵
موضوع: تجاوز و تعدی
تاریخ: ۲۰ ذیقعده ۱۳۱۱ هـ.ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۵/ح

نمره: ۲۷۴ عمومی ۶۱ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا

هنوز جواب مراسلهٔ سفارت کبری مورخه ۲۶ شهر شوال ۱۳۱۱ نمره خصوصی ۵۰ در خصوص تخطی و تعدی چهارصد سوار از عشیرت بنی تمیم تابع محمره به خاک دولت علیه عثمانیه به تفصیلی که اظهار شده است از مقام جلیل صدارت عظمی نرسیده. تلگرافنامهٔ دیگر از باب‌عالی واصل گردید که از عشایر ایرانیه در حویزه سیدنعمه با چهارصد سوار تکراراً به عشایر نشوه حمله و هجوم آورده سه نفر را کشته و سیزده کس را زخمدار کرده و پانصد رأس گوسفند و یکصد گاو و سیزده قبضه تفنگ غصب نموده است و در تدارک است که نفس نشوه را نیز هجوم و غارت کند و این حرکات نابجا به امر حاکم محمره است که می خواهد نفوذ خود را در میان عشایر ایرانیه زیاد کرده آنها را جلب کند و برای منع حاکم مومی الیه با آنکه ولایت علیه بصره مناسب دیده است که محصولات املاک او که در خاک بصره است در مقابل نهب مزبور ضبط شود باب‌عالی از کمال اعتدال و تمدن هنوز روانداشته و منتظرند که دولت علیه ایران حاجت به این گونه معاملات متقابله نگذارند و سریعاً و جداً در مقام احقاق حق برآمده منهوبات و دیات را عاید دارند و مقصرین را هم از حاکم و محکوم تنبیهی بسزا نموده مجازات بدهند. همواره احترامات فایقه دوستدار را جناب مستطاب اشرف ارفع عالی در حق خود برقرار دانند. فی ۲۰ شهر ذیقعده‌الحرام سنه ۱۳۱۱

مهر سفیر عثمانی غالب افندی

[حاشیه:]

ــ تلگراف شد جواب بنویسد.

ــ جواب نوشته شد

سفارت کبرای
دولت علیهٔ عثمانیه

نمرهٔ عمومی
۲۷۳
نمرهٔ خصوصی
۱۴

جناب مستطاب اشرف [illegible]

[illegible] جواب مراسله سفارت کبری نمره [illegible] شهر [illegible] ۱۳۱۱ [illegible] در خصوص [illegible]

تفصیل [illegible] اظهار [illegible] است در مقام معالی صدارت عظمی رسیده [illegible] دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که در [illegible] در [illegible] بالای [illegible]

[illegible] معاهدات [illegible] در مقام [illegible] حقوق [illegible]

[illegible]

در [illegible] شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۳۱۱

شمارهٔ سند: ۳۸۶
موضوع: منع ورود عشیرت جاف به ییلاق کردستان
تاریخ: ۱۶ ذیقعده ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲۴
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۹۳۶ عمومی ۵۹ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا

موافق امر نامه واصله از باب‌عالی به سفارت سنیه تقریری سفارت کبرای دولت علیه ایران در اسلامبول به باب‌عالی نوشته بودند که اگرچه برای اعطا و اجرای تأمینات عثمان‌پاشا رئیس عشیرت مزبوره تا حال دو سه سال است به عشیرت جاف رخصت داده شده بود که به ییلاق کردستان بروند ولی به جهت ایقاع جرایم و نهب اموالی که از آنها در این آخر سر زد و از بی‌ثمری تشبثاتی که در این خصوص به عمل آمد، دولت علیهٔ ایران به جاهای لازمه امر کرد که عشیرت مزبوره را از آمدن به ییلاق کردستان منع نمایند و حال آنکه این عشیرت دویست سال است که از رفتن به ییلاق کردستان ممانعت نشده‌اند و همه‌ساله می‌رفته‌اند و عثمان‌پاشا در زمان ریاست خود نگذاشته است که از عشیرت جاف در عزیمت و عودت خلافی ناشی شود و دستخط همایونی مصدق هم در دست دارد و اگر از افراد آن گاه‌گاه مختصر سرقتها شده باشد گرفته و به واسطهٔ مأموری که از سنندج آمده به صاحبانش تسلیم گردیده است در این صورت باب‌عالی مصراً منتظر است که امر صریح تلگرافی از جانب جناب مستطاب اشرف عالی به هر جا باید سمت صدور یابد که عشیرت مزبوره را از رفتن به ییلاق کردستان کسی مانع نشود و بگذارند مثل سنوات سابقه به اماکن قدیمه که می‌رفته‌اند بروند و در حدود سبب حدوث بعض غوایل محتملهٔ غیرمجوزه نشوند و سفارت سنیه را هم مستحضر فرمایند. همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را جناب مستطاب اشرف عالی در حق خود برقرار دانند. فی ۶ ذیقعده ۱۳۱۲

سفارت کبرای
دولت علیه عثمانیه

نمره عمومی
۹۳۶
نمره خصوصی
۵۹

جناب مستطاب اشرف امجد افخم وزیر ۵ [illegible] سلطان [illegible]

مرقوم امرنامه و مراسله جنابعالی بسفارت سنیه تقریر و نگارش سفارت کبرای دولت علیه ایران در جواب جنابعالی نوشته بودند در تعرض به اراضی عثمانی [illegible] عنایات

عثمان پاشا رئیس عشیرت فرزه [illegible] در سالهاست عشیرت [illegible] خصوصیت دارند و هر دو به ییلاق کردستان می‌روند [illegible] که

اتفاقی جرائم و شنائع اهالی [illegible] درین اواخر سرزده و از بیم تنبیه [illegible] در خصوص [illegible] ایران [illegible] کرده

که عشیرت فرزه را از ییلاق کردستان منع نمایند چرا که این عشیرت [illegible] ییلاق [illegible] کرده‌اند

و همه ساله سرقت‌ها و شنائع [illegible] در زمان ریاست خود نکرده است و از عشیرت [illegible] [illegible]

مقصر هم در دست دارد و دیگر [illegible] افراد آن [illegible] منحصر به سرقت‌ها [illegible] [illegible] کرده

در این صورت بالطبع مقصر [illegible] است [illegible] جنابعالی [illegible] عشیرت فرزه را

از ییلاق کردستان [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] سفارت سنیه [illegible] جنابعالی [illegible] ۲۳ [illegible] ۱۳۱۲

شمارهٔ سند: ۳۸۷
موضوع: منع ورود عشیرت جاف به داخل خاک کردستان
تاریخ: ندارد
کارتن: ۲٤
پرونده: ۱۲/ع

به سفارت عثمانی نوشته می شود [نامهٔ وزارت خارجه]

مراسله محترمهٔ آن جناب مجدت و فخامت همراه مورخهٔ ۱٦ شهر ذی‌قعده ۱۳۱۲ نمره ۵۹ در خصوص عشایر جاف واصل گردید و با کمال احترام جواباً زحمت اظهار می دهد که عشایر جاف به واسطه سوء رفتار و ارتکاباتی که دارند و از ورود آنها به داخلهٔ کردستان تضررات کلی به انفس و اموال مردم آن حدود می رسد چنانکه از مکاتبات کثیرهٔ مابین وزارت امور خارجه و سفارت سنیه و بعضی مأمورین دولتین علیتین معلوم است، همیشه از عبور به داخلهٔ کردستان ممنوع بودند حتی به واسطهٔ اینکه با وجود ممنوعیت به طور سرقت و تجاوز گاهی خود را به داخلهٔ خاک کردستان رسانیده و بعضی ارتکابات غیره مجوزه می‌کردند اولیای دولت علیه ایران همه‌ساله متحمل مخارج و خسارت کلی شده اسباب ممانعت آنها را از سرباز و سوار و غیره در سرحد فراهم می آورد که مردم کردستان از ارتکابات آنها امنیت حاصل نمایند. معهذا محض احترام خواهش محترم آن جناب و رعایت رویهٔ حسن همجواری در صورتی که سفارت سنیهٔ کبرا در منع ظهور اعمال سالف الذکر عشایر مزبوره تأمینات لازمه بدهند و مکتوباً تعهد جبران و غرامت هر خسارت و ضرری که از آنها به انفس و اموال اهالی ایران برسد بفرمایند، اولیای دولت علیهٔ ایران هم مساعدتاً از اعطای اجازه موقت در هذه‌السنه به عشایر مزبوره که از دخول به خاک کردستان موقتاً مجاز باشند مضایقه نخواهند داشت. زیاده زحمت نمی دهد. محل امضا

سفارت عثمانی نوشته میشود

مراسله محترمه آن جناب جلالت و فخامت همراه مورخه ۶ ذی قعده ۱۳۱۵ نمره ۵۹ در خصوص

عشایر جاف واصل گردید و با کمال احترام جواباً زحمت اظهار می دهد که عشایر جاف برخلاف رابطه

بنا رفتار و ارتکابات تعدی دارند و از ورود آنها به داخله کردستان ایران همیشه خسارات کلی با نفوس و اموال

مردم آن حدود می رسد چنانکه از شکایات کثیره مأمورین وزارت امور خارجه و نظام و ولایت سنه

و بعضی مأمورین دولتین علیتین معلوم است همیشه از عبور به داخله کردستان ممنوع بوده اند و رابطه بعضی

با وجود ممنوعیت بطور سرقت و تاخت گاهی خود را به داخله خاک کردستان رسانیده و ... و

ارتکابات غیر مجوزه می کردند اولیای دولت علیه ایران همه ساله متحمل مخارج و خسارات کلیه شده

اسباب ممانعت آنها را از سرباز و سوار و غیره در سرحد فراهم می آورند و مردم

از ارتکابات آنها شکایت حاصل نمایند مخصوص احترام خواهش دارد که آن جناب اجل

در رعایت روابط حسن همجواری در صورتی که سفارت سنیه کبری در منع عبور و غارت

... ... عشایر مزبوره تأمینات لازمه بدهند و مکتوباً تعهد نمایند که

هر خسارت و ضرری از آنها به نفوس و اموال اهالی ایران وارد شود به عهده بگیرند

اولیای دولت علیه ایران هم مساعدت از اطلاعات اداره ... قبول می نمایند

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۸۸

موضوع: مهاجرت قبایل پیران به خاک ایران

تاریخ: ۶ ربیع الثانی ۱۳۱۳ هـ.ق

کارتن: ۲۳

پرونده: ۴۲

نامهٔ مظفرالدین میرزا در مورد طایفهٔ پیران

در فقرهٔ پیران جداگانه شرحی نوشته‌ام که اگر لازم باشد به سفارت عثمانی بنمایید ولی محرمانه اظهار می‌نمایم که در این باب تلگراف رمزی سابقاً کرده بودم و از جناب شما هم جواب رسیده است، و همان طور که ابلاغ امر قدر قدر همایون اعلی روحنا فداه را نموده بودید، اطاعت شد و به آنها اجازه داده نشد و الحال هم به همان طور که جداگانه نوشته شده از ییلاق خودشان یک منزل به طرف قشلاقات معینه خودشان در خاک عثمانی حرکت کرده‌اند.

امضای ولیعهد مظفرالدین میرزا

۶ ربیع الثانی ۱۳۱۳

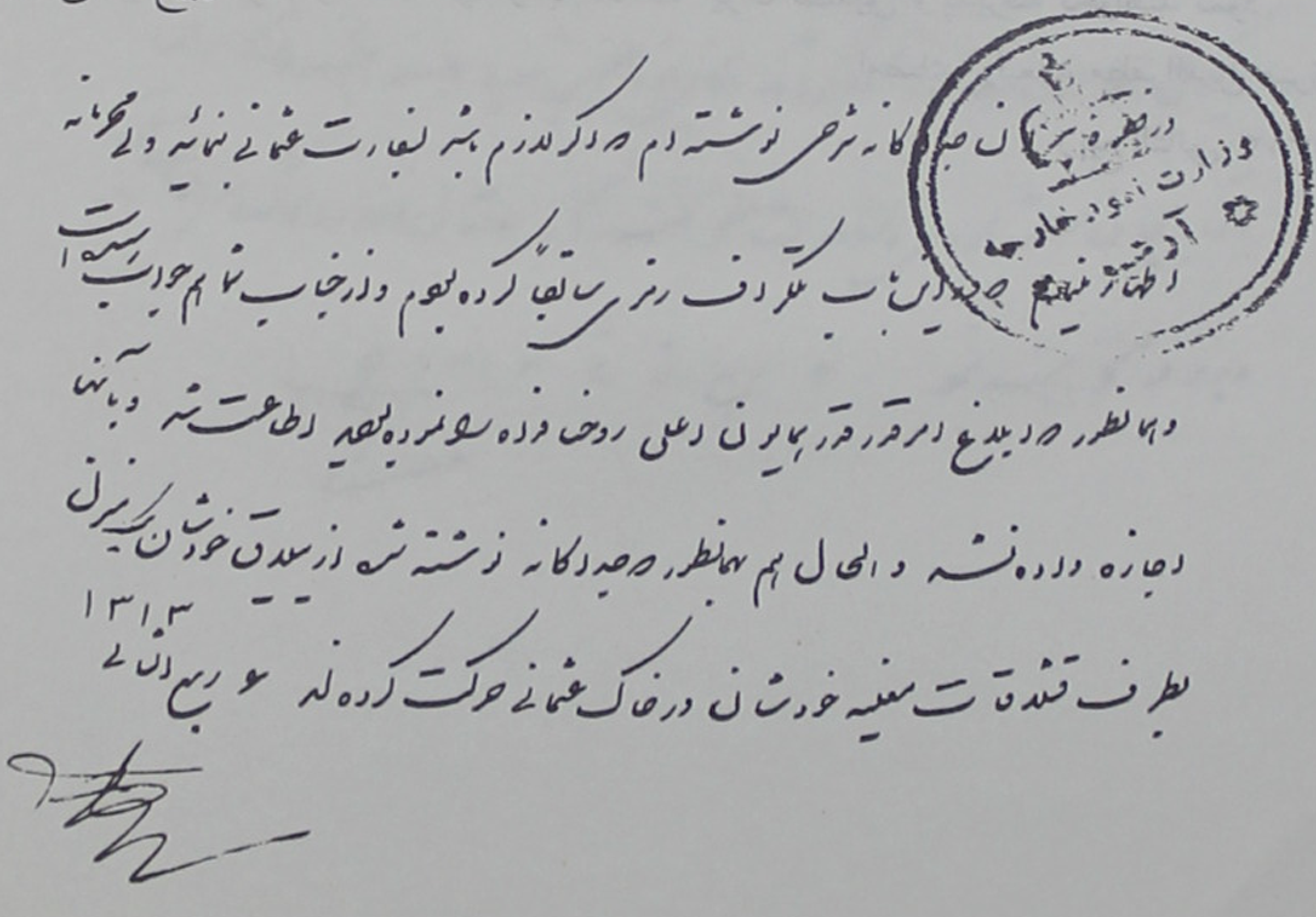
در فقره پیران جداگانه شرحی نوشته ام در اگر لازم باشد به سفارت عثمانی بنمائید ولی محرمانه
اظهار مینمایم که در این باب تلگراف رمزی سابقا کرده بودم و از جناب شما هم جواب رسیده است
و همانطور که ابلاغ امر قدر قدر همایون اعلی روحنا فداه را نموده بودید اطاعت شد و به آنها
اجازه داده نشد و الحال هم همانطور که جداگانه نوشته شد از ییلاق خودشان یک منزل
بطرف قشلاقات معینه خودشان در خاک عثمانی حرکت کرده اند ۶ ربیع الثانی ۱۳۱۳

شمارهٔ سند: ۳۸۹
موضوع: مهاجرت قبایل پیران به خاک ایران
تاریخ: ٦ ربیع الثانی ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ٤۲

نامهٔ مظفرالدین میرزا مبنی بر مهاجرت طایفه پیران

در باب اظهارات سفیرکبیر عثمانی و مسئلهٔ طایفهٔ پیران تفصیلی که اظهار نموده بودید مطلع شدم، اینکه سفارت عثمانی گفته که محمدامین رئیس طایفهٔ پیران دو نفر به تبریز فرستاده و با کارگزاران محلیهٔ آذربایجان در این گفتگو هستند که محلی برای سکونت پیران در لاهیجان معین نمایند و به آنها اجازه داده شود که از خاک عثمانی مهاجرت و در لاهیجان سکونت نمایند ابداً این فقره صورت صحت ندارد و چنین چیزی نیست، و الان طایفهٔ پیران از ییلاقات خود کوچیده و یک منزل آن طرف رفته‌اند، و اگر آنها در پیش خود چنین خیالی داشته باشند، کارگزاران آذربایجان مطلقاً همراهی و مساعدت نخواهند کرد. و آمدن آنها را به خاک ایران تصدیق و پذیرفته نخواهند نمود.

امضای ولیعهد مظفرالدین میرزا
٦ ربیع الثانی ۱۳۱۳

...ت سفیر کبیر عثمانی و مسئله طایفه بیران تفصیلی که اظهار نموده بودید مطلع شدم

اینکه سفارت عثمانی گفته در تحت ریاست طایفه بیران در نقطه تبریز فرستاده و با کارگزاران

حکومت آذربایجان در این گفتگو داشته‌اند که محلی برای سکونت بیران در ایلخیچی معین نمایند

و به آنها اجازه داده شود که از خاک عثمانی مهاجرت و در ایلخیچی سکونت نمایند ابداً این فقره

صورت صحت ندارد و چنین چیزی نیست و در این طایفه بیران از ییلاقات خود به جهت

دیگر این اطراف رفته‌اند و دیگر آنها در پیش خود چنین خیالی داشته باشند کارگزاران

آذربایجان مطلقاً همراهی و مساعدت نخواهند کرد و آخر آنها را دولت ایران تصدیق

و پذیرفته نخواهند شد ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۳

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فصل ضمیمه

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

ایلات و عشایر آذربایجان غربی

نام ایل	نام طوایف	وضع زندگی و معیشت
۱. ایل جلالی (۱۱۳۵ خانوار)	خلیکانلو ـ حسوخلف ـ علی محولو ـ مصرکانلو ـ اطابلو ـ قزلباش ـ ساکان ـ بلحکانلو ـ جنی کانلو ـ قندکانلو	این ایل سنی مذهب، در اطراف ماکو سکونت دارند و از طریق زراعت گندم و جو و گله‌داری امرار معاش می‌کنند طوایفی از این ایل که به حشم‌داری با وضع خوب اشتغال دارند در تابستان به سیه‌چشمه و در زمستان به ساحل رود ارس ییلاق و قشلاق می‌کنند. در ییلاق با مرز ترکیه و در قشلاق با مرز شوروی مشترک می باشند.
۲. ایل میلان (۲۰۳۰ خانوار)	شیخکانلو ـ دودکانلو ـ دلایی بروکی ـ عمویی ـ مندوله کانلو ـ کچلانلو ـ قردویی ـ برویی ـ کلیکانلو ـ خزویی ـ قلیکی	این ایل به زراعت توجه خاص دارند و معیشت آنها از راه کشت گندم و جو و ذرت تأمین می شود. موقعیت گله‌داری آنها خوب [است] غالب ایام سال را در چادر به‌سر می برند. در تابستان به سیه‌چشمه و در زمستان به ساحل رود ارس ییلاق و قشلاق می‌کنند. در قشلاق با مرز روسیه و در ییلاق با مرز ترکیه مشترک‌اند. مذهب این ایلی سنی است.
۳. ایل حیدرانلو (۳۰۰ خانوار)	حیدرانلو	افراد این ایل که کلاً تخته‌قاپو شدند مردمانی سالم[اند] و از طریق حشم‌داری و زراعت که بدان علاقه‌مندند امرار معاش می‌کنند. دسته‌ای که دارای احشام و اغنام می باشند و به حشم‌داری متوسط اشتغال دارند عموماً ییلاق و قشلاق می‌کنند. در تابستان به سیه‌چشمه (مرز ترکیه) و در زمستان به چوحورکند می روند. مردم این ایل اهل تسنن می باشند.
۴. ایل ممکانلو (۲۵۰ خانوار)	ممکانلو	طایفهٔ ممکانلو عموماً تخته‌قاپو شده به کار زراعت چندان رغبتی نشان نمی دهند بلکه بیشتر همّ آنها مصروف تولید و تکثیر احشام و اغنام می شود و معیشت آنها هم از راه خرید و فروش احشام تأمین می گردد. وضع حشم‌داری آنها خوب در تابستان به الند و در زمستان به قطور مرز ترکیه می روند. مردم آن سنی مذهب و مهمان‌نواز می باشند.

۵. ایلی کره‌سنی (۴۰۰ خانوار)	کره‌سنی	این ایل علاوه بر گله‌داری خوب به کار زراعت نیز علاقهٔ مفرط دارند. افراد آن مردمانی زحمتکش و مطیع [اند]، با آنکه تخته‌قاپو شده‌اند ولی ییلاق و قشلاق هم می‌کنند. به زبان خود که کردی است علاقه‌مند هستند. در سوارکاری و تیراندازی مهارت خاص دارند. ییلاق آنها در بلندی‌های قطور و سکمن‌آباد و قشلاق آنها در جلگه‌های قطور می‌باشد مردم آن شافعی و سنی مذهب می‌باشند.
۶. ایل شکاک (۴۴۰۰ خانوار)	شکاک ــ سیمتقو ــ پس آقا عبدوی ــ چرکویی ــ شیپرانی ــ خلیفه‌زاده ــ موقری گوریک ــ شیکری ــ ایوری نعمتی ــ اطمانی هناره پاچیک ــ بوتان ــ فنک ــ پس آقا کاردار ــ مامدی	این ایل تخته‌قاپو شده، در مرز ترکیه سکونت دارند. عموماً به زراعت و گله‌داری اشتغال داشته ییلاق و قشلاق می‌کنند. ییلاق آنها در مرز ترکیه در مراتع خالصهٔ ترگور و دشت بیل و قشلاق آنها اطراف ارومیه وسلماس می‌باشد. بین زندگی سردمداران این ایل با افراد عادی آن تفاوت بسیار وجود دارد. زندگی دستهٔ اول خوب ولی دستهٔ دوم چندان رضایت‌بخش نیست. افراد این ایل شافعی و سنی مذهب می‌باشند.
۷. ایل هرکی (۱۳۵۰ خانوار)	هرکی مندان ــ هرکی سیدان ــ هرکی سرهاتی	افراد این ایل اهل تسنن بوده در مرز ترکیه و عراق سکونت دارند. شغل عمدهٔ آنان حشم‌داری است. وضع حشم‌داری آنان خوب [است] و نیازمندی‌های خود را از فروش احشام و فرآورده‌های آن تأمین می‌کنند. دسته‌ای نیز به کار زراعت اشتغال دارند. این ایل در موانا و خانقاه و وزگیر و آغ‌بلاغ تخته‌قاپو شده‌اند مساکن آنها از گل ساخته شده است. حشم‌داران بیشتر بهار و تابستان را در ییلاق (مراتع خالصه ترگور و دشت بیل) و پاییز و زمستان را در قشلاق (ترگور ــ مرگور ــ دشت بیل) به‌سر می‌برند.
۸. ایل بیگ‌زاده (۵۰۰ خانوار)	بیگ‌زاده	این ایل در مرز ترکیه و عراق در محلی به نام آنبی تخته‌قاپو شده‌اند. تعدادی از آنان دارای احشام بوده از راه فروش گوسفند و فرآورده‌های لبنی امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری آنها خوب [است] از مراتع ییلاقی‌و قشلاقی ترگور برای احشام استفاده می‌نمایند. مذهب آنها اسلام تسنن می‌باشد.

۹. ایل سادات (۵۰۰ خانوار)	سادات	این ایل در مرز ترکیه در محلی به نام دیزج مرکور تخته‌قاپو گردیده به زراعت اشتغال دارند و از راه اجاره‌داری خالصجات دولتی امرار معاش می‌کنند، وضع گله‌داری آنها متوسط، ییلاق آنها دیزج مرکور و قشلاق آنها محال مرکوردشت بیل ــ اشنویه ــ قریه گورانه برادوست می‌باشد. مردم این ایل اهل اسلام تسنن می‌باشند.
۱۰. ایل زرزا (۷۵۰ خانوار)	زرزا	در اطراف اشنویه سکونت دارند. وضع مالی آنها نسبتاً خوب [است] و از طریق زراعت گندم و جو و برنج امرار معاش می‌کنند، ییلاقات آنها روندولان ــ بابوله ــ شطره می‌باشد اسلام تسنن مذهب آنهاست.
۱۱. ایل قره‌پاپاق (۵۵۰ خانوار)	قره‌پاپاق	محل سکونت این ایل در سلدوز می‌باشد از راه گله‌داری و زراعت امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. در تابستان احشام و اغنام خود را به ییلاق «ایل مامش» می‌فرستند. زراعت آنها گندم، جو، حبوبات و باغ میوه می‌باشد. وجه تسمیه این ایل به علت کلاه سیاهی است که در موقع ورود از ایروان بر سر داشتند. رؤسای این طایفه اهل تشیع و رعایا عموماً سنی شافعی مذهب هستند.
۱۲. ایل مامش (۹۵۰ خانوار)	امیر عشایری قادری	این ایل در مرز عراق سکونت دارند، قسمتی از آن در اشنویه و قسمتی دیگر در لاهیجان به طور تخته‌قاپو زندگی می‌کنند، معیشت آنان از راه کشت گندم، جو، توتون، چلتوک و باغات میوه تأمین می‌شود. وضع گله‌داری آنها خوب [است]، احشام و اغنام خود را در تابستان به مراتع کوهستانی منطقهٔ خود واقع در دامنهٔ کوه بلاسی سید به حدود مرز می‌برند. شال‌بافی صنایع دستی آنها را تشکیل می‌دهد. سنی شافعی از اعتقادات مذهبی آنهاست.
۱۳. ایل پیران (۶۵۰ خانوار)	پیران	این طایفه تخته‌قاپو شده و در کهنه و لاهیجان حدود مرز عراق سکونت دارند. معیشت آنها از راه زراعت و گله‌داری تأمین می‌شود. زراعت آنها را گندم، جو، توتون و چلتوک تشکیل می‌دهد. دهات آنها خوب ولی کم‌جمعیت است. وضع مالی این طایفه چندان خوب نیست. مختصر احشام و اغنام خود را در تابستان به حدود کوه سران می‌برند. شال‌بافی از صنایع دستی آنهاست. این طایفه سنی شافعی مذهب می‌باشند.

۱۴. ایل منگور (۵۰۰ خانوار)	امان ــ شمع ــ زین ــ زرین ــ خدر ــ مروت	محل سکونت این ایل جنوب مهاباد می باشد که به طور تخته قاپو زندگی می‌کنند. معاش خود را از راه زراعت توتون، گندم، جو، چغندر و حبوبات تأمین می سازند. وضع گله داری آنها نسبتاً خوب است. در تابستان احشام خود را به ییلاقات کده ــ لاسیر ــ و کاکن می برند. توتون کاری این طایفه معروف است. شال‌بافی از هنرهای دستی آنان به شمار می رود. بیشتر این طایفه متدین و شافعی مذهب می باشند.
۱۵. ایل دهبکری (۴۷۰۰ خانوار)	ایلخانی زاده ــ علیار ــ قهرمانی ــ عباسی	مردم این ایل که به طور تخته قاپو زندگی می‌کنند، سنی و شافعی مذهب می باشند. صنایع دستی آنها را شال، گلیم، جاجیم، جانماز و مختصر قالی بافی تشکیل می دهد. تمکن مالی آنها خوب است. از راه زراعت و گله داری خوب امرار معاش می‌کنند. ییلاق آنها برای احشام پایین‌بلاغ می باشد. گندم، جو، توتون، چغندر وحبوبات محصولات زراعتی آنان را تشکیل می دهد.
۱۶. ایل گورک مهاباد (۲۱۰۰ خانوار)	گورک مهاباد	این طایفه با تمکن مالی خوب در جنوب مهاباد سکونت دارند، معیشت آنها از محصولا تی زراعتی چون گندم و جو، توتون و باغات میوه تأمین می شود. وضع گله داری آنها متوسط مراتع ییلاقی احشام این طایفه مراتع پیران می باشد. شال، گلیم، جاجیم صنایع دستی آنها را تشکیل می دهد. مذهب آنها اسلام سنی شافعی می باشد.
۱۷. ایل بریاحی (۱۳۵۰ خانوار)	بریاحی	طایفهٔ بریاحی تخته قاپو شده، در سردشت مرز عراق سکونت دارند. معیشت آنها از راه زراعت گندم و جو و ارزن و کشت توتون تأمین می شود. وضع گله داری آنها متوسط است. گلیم و جاجیم و موج از صنایع دستی آنها محسوب می‌گردد. مذهب این طایفه اسلام تسنن می باشد.
۱۸. ایل باسک کوله (۶۰۰ خانوار)	باسک کوله	این طایفه تخته قاپو شده در سردشت عراق سکونت دارند. دارای مذهب اسلام تسنن می باشند. معیشت آنها از طریق زراعت گندم، جو، ذرت، توتون با مختصر گله داری تأمین می شود. موج، گلیم، جاجیم از صنایع دستی آنهاست.
۱۹. ایل ملکاری (۱۱۰۰ خانوار)	ملکاری	زندگی و وضع معیشت این طایفه مشابه وضع معیشت و زندگی طایفهٔ بریاحی (ردیف شماره ۱۷) می باشد.

۲۰. ایل باپیرآقایی (۴۳۰ خانوار)	باپیرآقایی	این طایفه تخته‌قاپو شده ساکن سردشت در مرز عراق می باشد. معیشت آنها از طریق زراعت، فروش انگور و انار با مختصر گله‌داری تأمین می شود، مراتع کوههای هومل چراگاه تابستانی احشام آنها می باشد. موج، گلیم، جاجیم، از صنایع دستی این طایفه است. اسلام تسنن مذهب آنها می باشد.
۲۱. ایل پشتدریها (۵۰۰ خانوار)	پشتدری ها	وضع زندگی و معیشت پشتدری ها مشابه بابا پیرآقایی ها (طایفه ردیف ۲۰) می باشد.
۲۲. ایل کلاسی (۵۰۰ خانوار)	کلاسی	وضع گله‌داری این طایفه متوسط [است]. مراتع ییلاقی آنها مراتع زیرمران می باشد. موج و گلیم از کارهای دستی آنهاست. اسلام تسنن مذهب مردم این طایفه می باشد.
۲۳. ایل عثمان‌بیگی (۴۵۰ خانوار)	عثمان‌بیگی	این طایفه تخته‌قاپو گردیده پیرو مذهب اسلام (سنی و شافعی) می باشد. زراعت آنها گندم، جو، برنج، حبوبات و به مقدار کم توتون مرغوب می باشد. وضع مالی آنها نسبتاً خوب [است]. موج، شال، گلیم، جاجیم کارهای دستی آنها محسوب می شود.
۲۴. ایلات منطقهٔ سقز (۷۸۲۱ خانوار)	فضل‌الله‌بیگی	این طایفه با ۲۷۰۰ خانوار به طور تخته‌قاپو زندگی می‌کنند. متعصب در دین اسلام، شافعی مذهب می باشند. از طریق کشاورزی و گله‌داری امرار معاش می‌کنند. گله‌داری آنهامتوسط [است و]ییلاق و قشلاقی ندارند. محصولات زراعتی آنها گندم، جو، ذرت و توتون می باشد. تمکن مالی آنها متوسط [است]. بافتن شال، گلیم، جاجیم بین آنها رایج است.
	ده‌بکری سقز	با ۱۳۳۰ خانوار تخته‌قاپو شده متدین به دین مبین اسلام (شافعی مذهب) می باشند. زراعت گندم و جو، توتون بین آنها رایج است بافتن موج، گلیم و جاجیم و مختصر گله‌داری از دیگر اشتغالات مردم این ایل می باشد.
	گورک سقز	این طایفه با ۷۵۰ خانوار تخته‌قاپو شده متعصب در دین اسلام (شافعی مذهب) می باشند. معیشت آنها از راه زراعت غلات چون گندم، جو، ذرت، برنج خصوصاً زراعت توتون بسیار مرغوب تأمین می شود. تمکن مالی آنها خوب [است]. با طوایف گورک سردشت و مهاباد در

ارتباط اند. بافتن موج، گلیم، جاجیم و شال مخصوص کردی از صنایع دستی این طایفه است.

سرشیو سقز	این طایفه با ۷۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده، مسلمان شافعی مذهب، دارای تمکن مالی متوسط می‌باشند، معیشت آنها از راه زراعت و گله‌داری تأمین می‌شود. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. ییلاق و قشلاق ندارند. فرآورده‌های زراعتی آنها گندم، جو، ذرت، توتون و برنج می‌باشد. بافتن شال، گلیم، جاجیم، موج از صنایع دستی آنها محسوب می‌شود.
تیله کوه	این طایفه مسلمان شافعی مذهب با ۶۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده‌اند کشاورزی ممر معاش آنهاست. گندم، جو، ذرت، توتون و برنج از فرآورده‌های کشاورزی این طایفه می‌باشد. وضع گله‌داری و تمکن مالی آنها متوسط است. بافتن موج، گلیم، جاجیم، شال کردی کارهای دستی آنها را تشکیل می‌دهد.
وکیلی قباغلو	این طایفه با ۵۹۱ خانوار تخته‌قاپو شده متدین به دین اسلام و شافعی مذهب می‌باشند. زراعت گندم و جو و توتون بین آنها رایج است. بافتن موج، گلیم، جاجیم و مختصر گله‌داری از دیگر اشتغالات مردم این ایل می‌باشد.
خورخوره	با ۳۵۰ خانوار تخته‌قاپو شده پیرو مذهب اسلام و شافعی می‌باشند. زندگی آنها از راه کشت و زرع با گله‌داری متوسط تأمین می‌شود. وضع مالی این طایفه متوسط [است]. فرآورده‌های زراعتی آنها گندم و جو، ذرت، توتون و برنج می‌باشد. موج، گلیم و جاجیم ازصنایع دستی این طایفه محسوب می‌شود.
جاف سقز	ایل جاف سقز از ۲۵۰ خانوار با افراد شافعی مذهب خیلی متعصب تشکیل می‌شود که از لحاظ کیفیات زندگی وضع مشابه با ایل تیله کوه دارند.
کلالی	طایفهٔ کلالی با ۱۷۵ خانوار تخته‌قاپو شده، پیرو مذهب اسلام و شافعی مذهب می‌باشند. تمکن مالی آنها متوسط است. از طریق گله‌داری و زراعت امرار معاش می‌کنند. فرآورده‌های زراعتی این طایفه

گندم، جو، ذرت و توتون می باشد وضع گله داری آنها متوسط است. در زمستان احشام خود را به قشلاق می برند. موج گلیم، جاجیم و شال مخصوص کردی از صنایع مخصوص این طایفه می باشد.

کلهر

این طایفه با ۱۴۰ خانوار تخته قاپو شده و در منطقهٔ سقز سکونت دارند. پیرو دین اسلام و شافعی مذهب می باشند. زراعت گندم و جو و توتون و مختصر گله داری اشتغالات عمدهٔ این ایل را تشکیل می دهد. بافتن گلیم، جاجیم و موج در میان این ایل رایج است.

اردلان

طایفهٔ اردلان با ۱۶۵ خانوار تخته قاپو شده از ایلات منطقهٔ سقز محسوب می شوند. مذهب این طایفه اسلام شافعی [است]. از راه زراعت گندم و جو و توتون و گله داری متوسط امرار معاش می‌کنند. موج، گلیم و جاجیم از صنایع دستی این طایفه می باشد.

کوره قلعه دیوانی

این طایفه تخته قاپو شده به زراعت و مختصر گله داری اشتغال دارند. سکنهٔ آن از ۷۰ خانوار تشکیل می شود که پیرو اسلام و شافعی مذهب می باشند.

احمدی

طایفهٔ احمدی با ۷۵۰ خانوار از طوایف منطقهٔ بانه پیرو مذهب اسلام (سنی شافعی) می باشند. کلاً تخته قاپو گردیده، معیشت آنها از طریق زراعت برنج و ذرت خصوصاً توتون و محصولات جنگلی تأمین می شود. بافتن شال، گلیم، جاجیم و موج و بستک بین آنها رایج است.

لطف الله بیگی

پیرو مذهب اسلام (سنی شافعی) با ۲۷۰ خانوار تخته قاپو گردیده در منطقهٔ بانه سکونت دارند. معاش آنها از راه زراعت تأمین می شود و فرآورده های زراعتی آنها گندم و جو و توتون می باشد. وضع مالی مردم این طایفه متوسط [است]. همراه بازراعت، شال و گلیم و جاجیم هم می بافند.

شهیدی ــ لطف الله بیگی

این طایفه با ۳۰۰ خانوار تخته قاپو گردیده در منطقهٔ بانه سکونت دارند. وضع مالی آنها متوسط [است]. از طریق کشاورزی و مختصر دامداری امرار معاش می‌کنند. بافتن گلیم و جاجیم و موج بین آنها رایج است. افراد این طایفه پیرو دین اسلام (سنی شافعی) می باشند.

بهرام‌بیگی	از طوایف منطقهٔ بانه با ۲۲۰ خانوار، تخته‌قاپو گردیده، زراعت گندم، جو، توتون وسیلهٔ امرار معاش آنهاست. وضع مالی این طایفه متوسط به کارهای دستی چون موج، گلیم و جاجیم نیز اشتغال دارند. مذهب آنها اسلام (سنی شافعی) می‌باشد.

ایلات و عشایر کردستان

نام ایل	نام طوایف	وضع زندگی و معیشت
۱. ایلات و طوایف اورامانات	فتحعلی بیگی	عدهٔ خانوار این طایفه ۳۸۰[است]. عموماً تخته‌قاپو شده جزء عشایر مریوان می باشند. مذهب آنها اسلام شافعی [است]. وضع مالی این طایفه خوب نیست. امرار معاش آنها از راه زراعت می باشد، وضع گله‌داری متوسط است. بافندگی گلیم و جاجیم و شال در میان آنها رایج می باشد.
	میران‌بیگی	با ۱۵۰ خانوار که امرار معاش آنها از راه زراعت می باشد، تخته‌قاپو شده، پیرو مذهب اسلام (شافعی) می باشند. وضع گله‌داری آنها متوسط است. بافندگی گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی رایج در میان این طایفه می باشد.
	مصطفی سلطانی	طایفهٔ مصطفی سلطانی عموماً تخته‌قاپو گردیده با ۱۲۰۰ خانوار در منطقهٔ رزاب جنوب اورامان سکونت دارند. مذهب آنها اسلام (سنی شافعی) [است]. تمکن مالی آنها متوسط است و معیشت این طایفه از راه زراعت گندم و جو و مختصر توتون و گله‌داری تأمین می شود. وضع گله‌داری نسبتاً خوب، گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی این طایفه می باشد.
	بهرام‌بیگی	این طایفه با ۱۰۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده، در دزلی و چم‌شامان از مناطق اورامانات سکونت دارند. از طریق کشاورزی و دامپروری امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری این طایفه خوب [است]. احشام خود را در صورت نیاز برای تعلیف به خاک عراق می فرستند. محصولات زراعتی آنها گندم و جو و ذرت و توتون‌می باشد. پیرو مذهب اسلام (سنی شافعی) می باشند. گلیم و جاجیم و شال، صنایع دستی این طایفه را تشکیل می دهد.
	حسن سلطانی	این طایفه با ۸۰۰ خانوار از عشایر منطقهٔ اورامان تخت می باشند. به علت سنگلاخی بودن زمین، زراعت آنها مختصر و محدود به کشت و زرع است. وضع مالی آنها متوسط و اشتغال آنها حشم‌داری آن هم **متوسط**

		می باشد بیشتر از طریق فروش خشکبار امرار معاش می‌کنند. پیرو اسلام (سنی شافعی)[هستند]. به بافتن گلیم وشال وجاجیم نیزاشتغال دارند.
۲. ایلات مریوان	کانی سانانی	این طایفه با ۴۰۰ خانوار عموماً تخته قاپو شده در مریوان ساکن می باشند. مذهب آنها اسلام (شافعی) می باشد. در انجام فرایض دینی بسیار متعصب می باشند. معیشت آنها از راه کشاورزی است. وضع مالی این طایفه چندان خوب نیست. وضع گله‌داری متوسط و فرآورده‌های زراعی آنها گندم، جو، ذرت مخصوصاً توتون می باشد. گلیم و جاجیم و شال ازکارهای دستی این طایفه است.
	کهنه پوش	با ۲۰۰ خانوار در شمال مریوان سکونت داشته عموماً به زراعت گندم، جو، ذرت مخصوصاً توتون اشتغال دارند. تمکن مالی آنها چندان خوب نیست وضع گله‌داری آنها متوسط، گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی این طایفه است. مذهب مردم این ایل اسلام شافعی می باشد.
۳. ایل کامیاران	کمانگر	این طایفه با حدود ۵۰۰ خانوار سنی شافعی مذهب تخته قاپو گردیده معیشت آنها از راه گله‌داری و زراعت گندم و جو و ذرت و باغداری تأمین می شود. وضع مالی رؤسای این طایفه خوب ولی رعایا متوسط است. مردمی آرام[اند] و صنایع دستی آنها بافت قالی و گلیم و جاجیم می باشد.
	کشکی	این طایفه با ۲۰۰ خانوار در قشلاق اطراف کامیاران تخته قاپو شده. مذهب آنها اسلام (سنی شافعی) می باشد. وضع مالی آنها متوسط [است]. از راه مختصر گله‌داری و زراعت امرار معاش می‌کنند. قالی و گلیم و جاجیم از کارهای دستی، گندم و جو و نخود و پنبه از محصولات زراعتی این طایفه می باشد.
۴. ایلات اطراف سنندج	کماسی	طایفهٔ کماسی با ۵۰۰ خانوار عموماً تخته قاپو شده، در شرق مریوان سکونت دارند. وضع مالی آنها متوسط [است]. اهم محصولات زراعی آنها گندم، جو، ذرت و توتون می باشد. گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی این طایفه است. گله‌داری در سطح متوسط و مذهب آنها اسلام سنی شافعی) می باشد.
	سادات نقشبندی	این طایفه تخته قاپو گردیده، پیرو دین اسلام (سنی شافعی)[اند]. جمعاً

		۳۰۰ خانوار و به زراعت اشتغال دارند. معاش آنها از فروش گندم و جو می باشد، گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی آنهاست.
	کلانترزان	با ۲۰ خانوار سنی شافعی مذهب به گله‌داری مختصر و بافت گلیم و جاجیم و شال امرار معاش می‌کنند.
	زند	مانند طایفهٔ کلانترزان با ۲۰ خانوار سنی شافعی مذهب تخته‌قاپو گردیده، به زراعت و بافت گلیم و جاجیم و شال و مختصر گله‌داری اشتغال دارند.
۵. ایلات اطراف دیواندره	قمری ـ جوجه‌رشی ـ کاملی ـ مرادکورانی ـ مندومی	این طوایف به ترتیب قمری با ۵۰۰ خانوار، جوجه‌رشی با ۳۰۰ خانوار، کاملی با ۲۰۰ خانوار، مرادکورانی با ۱۲۰۰ خانوار، مندومی با ۵۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده‌اند. تعداد احشام و اغنام و محصول زراعتی آنها کم و ناچیز، در نتیجه وضع مالی آنها بد است. مذهب آنها اسلام (سنی شافعی) [است] ولی پایبند به دیانت نیستند.

ایلات و عشایر کرمانشاه (باختران)

نام ایل	نام طوایف	وضع زندگی و معیشت
۱. ایل جوانرود	بابجانی	این طایفه با ۲۰۱۵ خانوار تخته‌قاپو گردیده، محصولات زراعتی آنها گندم و جو و معیشت آنها از راه محصولات زراعتی و گله‌داری متوسط است. مذهب این طایفه اسلام (سنی شافعی) و صنایع دستی آنها قالی و گلیم و جاجیم می‌باشد.
	جوانرودی	این طایفه با ۱۰۰۰ خانوار در جوانرود تخته‌قاپو شده، دارای مذهب اسلام (سنی شافعی) می‌باشند. معیشت آنها از طریق فروش محصولات زراعتی و اغنام و احشام تأمین می‌گردد. به بافت قالی و گلیم و جاجیم نیز اشتغال دارند.
	رستم‌بیگی	طایفهٔ رستم‌بیگی با ۲۰ خانوار سنی شافعی مذهب که تمکن مالی آنها خوب است. تخته‌قاپو شده، از طریق زراعت و گله‌داری و کسب امرار معاش می‌کنند. محصول زراعتی این طایفه گندم و جو و مختصر برنج و فرآورده‌های جنگلی می‌باشد. به تایچوری و انجیرک ییلاق و قشلاق می‌کنند. قالی و گلیم و جاجیم از صنایع دستی آنهاست.
	امامی	طایفهٔ امامی که از ۲۰ خانوار سنی شافعی مذهب تشکیل می‌شود، تخته‌قاپو شده، دارای وضع مالی خوب [است] و از راه زراعت گندم و جو و محصولات جنگلی امرار معاش می‌کنند. ییلاق آنها شمشیر و قشلاق آنها انجیرک می‌باشد. بافتن قالی و جاجیم و گلیم در میان این طایفه رواج دارد.
	عناقی	این طایفه با ۲۰ خانوار در جوانرود تخته‌قاپو شده، مختصر زراعت گندم و جو و ذرت و گله‌داری از اشتغالات آنهاست. پیرو مذهب اسلام سنی شافعی می‌باشند. وضع مالی آنها متوسط است.

۲. ایل اورمان لهون	اورامی	طایفهٔ اورامی از اورامان لهون (۱۷ الی ۱۸ هزار خانوار) می باشند که عموماً تخته قاپو شده‌اند، ییلاق و قشلاق آنها در پاوه است. زراعت و گله داری از اشتغالات این طایفه محسوب می شود و از راه فروش محصولات زراعی چون گندم و جو و ذرت و توتون همچنین میوه‌جات تازه و خشکبار امرار معاش می‌کنند. تمکن مالی آنها متوسط [است]. گلیم و جاجیم و شال مخصوص کردی از کارهای دستی این طایفه می باشد.
۳. ایل سنقر کلیائی	بیگوند ــ قلعه گری ــ صوفیوند ــ موسیوند ــ عالی گری	مرکز این ایل با ۲۵۰۰ خانوار که عموماً تخته قاپو شده‌اند، در سنقر می باشد. این ایل به حشم داری علاقه‌مند بوده و به زراعت گندم و جو و حبوبات و صیفی جات که از این راه ارتزاق می‌کنند، اشتغال دارند. مذهب این ایل اسلام (شیعه) می باشد. بافت گلیم و کمی قالی بین آنها رواج دارد.
۴. ایلات ثلاث (۷۸۷۰ خانوار)	ولدبیگی	طایفهٔ ولدبیگی تخته قاپو شده، از ایلات ثلاث و پیرو مذهب سنی و فوق‌العاده متعصب می باشند. معیشت آنها چندان خوب نیست. از راه زراعت و حشم داری اعاشه می‌کنند. محصولات زراعی آنها گندم، جو، و برنج می باشد. وضع گله داری آنها متوسط ییلاق آنها دولت‌آباد و قشلاق آنها پاویسی است، کمی قالی بافی بین آنها رایج می باشد.
	باباخانی	این طایفهٔ سنی مذهب تمکن مالی چندانی ندارند. از راه زراعت و حشم داری امرار معاش می‌کنند. وضع گله داری آنها متوسط [است]. محصولات زراعتی آنها جو، گندم و برنج می باشد، کمی قالی بافی بین آنها رواج دارد. میرآباد ییلاق و خان‌آشور قشلاق این طایفه است.
	قبادی	این طایفه که تخته قاپو شده، از ایلات ثلاث و متعصب در مذهب سنی می باشند. میل وافر به زراعت داشته، معیشت عمدهٔ آن از راه زراعت و حشم داری است. محصولات زراعی آنها گندم و جو و برنج می باشد. ییلاق آنها پی نهر و قشلاق آنها ازکله می باشد. مختصر قالی بافی در بین آنها رایج است.
۵. ایل احمدوند	امیروند ــ دم صفوند ــ دوراجی ــ دوست مهر ــ نبوئی ــ	طوایف احمدوند عموماً تخته قاپو شده‌اند و جمعاً با ۵۰۰ خانوار بین کرمانشاه و هرسین سکونت دارند. مذهب آنها شیعه [است]. به زبان لکی (بین کردی و لری) صحبت می‌کنند. ییلاق آنها میان دربند، کوه

	جانی خانی	بلوچ و قشلاق آنها امامزاده حسن، گچ، نفت شاه می باشد.
۶. ایل گوران قلخانی	اسپری قلخانی ــ قلخانی اسپری ــ قلخانی بهرامی ــ قلخانی یاسمی ــ سادات حیدری	طوایف ایل گوران قلخانی با جمعیت حدود ۵۰۰ خانوار تخته قاپو شده، پیرو مذهب اسلام (علی اللهی) و قسمتی اهل تسنن می باشند. تمکن مالی آنها چندان خوب نیست. از طریق کشاورزی و نگاهداری احشام و اغنام امرار معاش می‌کنند. محصولات زراعتی آنها گندم، جو، ذرت، توتون، چغندر و حبوبات می باشد. به ییلاق و قشلاق می روند. بافتن فرش، جاجیم، جوال از صنایع دستی این ایل می باشد.
۷. ایل سنجابی	چالابی ــ صوفی ــ علی ولی ــ دستجه ــ سیمنهٔ وند ــ جلیلوند ــ عباسوند ــ دولتوند ــ خسروی ــ دارخور ــ کل کل ــ سرخاوند ــ سرخکی ــ باغی ــ الله یارخانی	طوایف ایل سنجابی عموماً تخته قاپو شده، جمعاً ۲۷۲۰ خانوار را تشکیل می دهند. از راه زراعت و گله داری امرار معاش می‌کنند. تمکن مالی آنها متوسط [است]. محصولات زراعتی آنها گندم، جو، توتون و چغندر می باشد. وضع گله داری آنها خوب [است]. ییلاق آنها دشت سنجابی، جلیلوند، هرزه، سیمینوند و قشلاق آنها منکاب کهنه، نفت شاه، قلعه وهاب می باشد. بافتن فرش و جاجیم و جوراب بین آنها رایج است. طوایف سنجابی از لحاظ اعتقادات مذهبی به سه دسته تقسیم می شوند: شیعهٔ اثنی عشری، سنی، علی اللهی که اکثریت با دستهٔ سوم می باشد. هر دسته در اعتقادات مذهبی خود متعصب [است]. همین امر گاهی موجب بروز اختلافات بین آنها می‌گردد.
۸. ایل کلهر	باوندپور ــ خالدی	طوایف ایل کلهر عموماً با ۱۳۰۰ خانوار تخته قاپو گردیده، از طریق زراعت و گله داری امرار معاش می‌کنند. تمکن مالی خوانین بسیار خوب، ولی رعایا متوسط است. محصول زراعتی آنها گندم و جو و برنج می باشد. وضع گله داری خوب [است]. ییلاق آنها شاه‌آباد غرب الی کواوزکدک و قشلاق آنها نفت شاه الی سومار، کهرک، قصرشیرین می باشد. فرش بافی و جاجیم بافی و بافتن جوراب و دستکش پشمی از دیگر اشتغالات این طوایف می باشد. مذهب به استثنای قسمتی از طایفهٔ خالدی که علی اللهی است، باقی اسلام شیعه می باشد.
۹. ایلات پشتکوه	دیناروند ــ پنج ستون ــ میشخاصی ــ ریزوند ــ سیمینوند ــ ملکشاهی ــ شوهان	از این طوایف که جمعاً ۱۴۲۰۰ خانوار می باشند. برخی چون ملکشاهی و شوهان و پنج ستون و میشخاصی تاکنون اسکان نیافتند، باقی تخته قاپو شده به امر زراعت و گله داری اشتغال دارند. محصول زراعتی آنها گندم و جو و ذرت می باشد. قالی و گلیم و جاجیم از صنایع دستی آنها محسوب می شود. وضع گله داری آنها متوسط [است]. به امر ییلاق و

قشلاق می پردازند. از جمله ییلاق آنها بلوطسان و قشلاق آنها پشتکوه می باشد. مذهب آنها اسلام شیعهٔ علی اللهی است.

۱۰. هلیلان و زردلان	هلیلان ــ زردلان ــ عثمانوند ــ جلالوند ــ بالاوند ــ کوسوند ــ داجیوند	ایل هلیلان و زردلان با ۵۰۰۰ خانوار عموماً تخته قاپو گردیده، دارای اعتقادات مذهبی علی اللهی می باشند. معیشت این طوایف بجز طایفه عثمانوند و جلالوند که از راه فروش هیزم و زغال تأمین می شود. باقی به زراعت و فلاحت مشغول می باشند.
ایلات و طوایف ایتوند	طرهان (۳۶۷۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب، تخته قاپو گردیده، از راه کشاورزی و تربیت احشام و اغنام که بدان علاقه مند می باشند امرار معاش می‌کنند. ییلاق این طایفه کونانی و قشلاق آنان صیمره می باشد گلیم و جاجیم نیز می بافند.
	بیرانوند (۳۲۵۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب، تخته قاپو شده، زراعت و حشم داری متوسط از اشتغالات آنهاست. گندم و جو فرآورده های زراعتی این طایفه را تشکیل می دهد. جهت ییلاق به هرو و برای قشلاق به پشتکوه می روند. صنایع دستی آنها قالی، گلیم و جاجیم می باشد.
	کاکاوند (۲۸۰۰ خانوار)	این طایفه کلاً تخته قاپو شده، علاقهٔ مفرطی به کشاورزی دارند. فرآورده های کشاورزی آنها غلات و حبوبات می باشد. از دیگر اشتغالات برخی دهات آن پنبه کاری است. موقعیت گله داری آنها خوب [است]. کاکاوند ییلاق و سرطرهان قشلاق این طایفه می باشد. متدین به دین اسلام (شیعه) می باشند. بافت قالی و گلیم و جاجیم از دیگر اشتغالات آنها محسوب می شود.
	میربالاکریوه (۲۴۰۰ خانوار)	این طایفه تخته قاپو گردیده، دارای مذهب شیعه می باشند. از راه زراعت گندم و جو و ذرت و گله داری ارتزاق می‌کنند، موقعیت گله داری آنها خوب [است]. تنگ زفی ییلاق آنها می باشد. مانند دیگر طوایف به بافت گلیم و جاجیم قالی اشتغال دارند.
	پاپی (۲۱۶۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب، تخته قاپو شده، معیشت آنها از راه زراعت و گله داری تأمین می شود. سپیددشت ییلاق و کشور قشلاق این طایفه است. وضع گله داری آنها خوب [است]. بافتن گلیم و قالی و جاجیم بین آنها رواج دارد.

میربک (۱۵۰۰ خانوار)	این طایفه میل مفرطی به حشم‌داری دارند. وضع حشم‌داری آنها خوب و از فروش اغنام و احشام عواید کسب می‌کنند. ییلاق این طایفه گلباغی و قشلاق آنها کوهدشت می‌باشد. زراعت آنان دیم [است]. ولی جنس زمین چندان مرغوب نیست. این طایفهٔ شیعی مذهب [است]. بافت قالی و گلیم و جاجیم از کارهای دستی آنها می‌باشد.
حسنوند (۱۵۰۰ خانوار)	عشایر حسنوند از بخش لرستان مردمانی باهوش و بااستعداد بوده، علاقهٔ وافری به زراعت دارند. وضع گله‌داری آنها متوسط است. الشتر ییلاق و جایدر قشلاق این طایفه می‌باشد. فرآورده‌های زراعتی آنها گندم و جو و ذرت و شلتوک است. قالی و گلیم و جاجیم کارهای دستی آنها را تشکیل می‌دهد. عشایر حسنوند پیرو مذهب شیعه می‌باشند.
صیمره (۱۵۰۰ خانوار)	این طایفه کلاً در صیمره اسکان یافته، به امر زراعت به علت علاقه‌ای که به آن دارند اشتغال دارند. از فروش محصولات زراعتی چون گندم و جو و ذرت و همچنین گله‌داری معاش خود را تأمین می‌کنند. وضع گله‌داری این طایفه متوسط [است]. قالی و گلیم و جاجیم از کارهای دستی آنهاست. معتقد به دین مبین اسلام (شیعه) می‌باشند.
ایتوند (۱۴۰۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب میل مفرطی به زراعت و حشم‌داری دارند غلات و حبوبات از محصولات زراعتی آنها می‌باشد. دلفان ییلاق این طایفه و سرطوهان قشلاق آنهاست. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. گلیم و جاجیم و قالی باقی از کارهای دستی آنها می‌باشد.
الوار گرمسیری (۱۴۰۰ خانوار)	طایفهٔ الوار گرمسیری شیعی مذهب، به کشاورزی و گله‌داری علاقه‌مند می‌باشند، معیشت آنها از این راه تأمین می‌شود. وضع گله‌داری این طایفه خوب [است]. قیلاب محل ییلاق و قشلاق آنها می‌باشد. به کارهای دستی چون بافتن گلیم و جاجیم و قالی نیز اشتغال دارند.
کولیوند (۱۲۰۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب، تخته‌قاپو گردیده، بیش از دیگر عشایر لرستان اقدام به خانه‌سازی نمودند. زراعت و حشم‌داری از اشتغالات آنهاست. از راه فرآورده‌های کشاورزی چون جو و شلتوک و ذرت امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری آنها متوسط [است]. ییلاق این طایفه صیمره الشتر و قشلاق آنها صیمره می‌باشد. قالی و جاجیم از کارهای دستی آنهاست.

خاوه (۳۲۰۰ خانوار)	مذهب این طایفه شیعه، قالی و جاجیم از کارهای دستی آنهاست. جزئی گله دارند، محصولات زراعتی آنها گندم و جو و ذرت می باشد. این طایفه تخته‌قاپو گردیده، خاوه محل ییلاقی آنهاست، قشلاق این طایفه صیمره می باشد. با مردم نهاوند دادوستد دارند.
زلفی (۱۲۰۰ خانوار)	زلفی ها شیعی مذهب [اند]. از راه زراعت و حشم‌داری امرار معاش می‌کنند. گندم و جو و برنج فرآورده های زراعتی آنها را تشکیل می دهد. قلعه‌پاچه ییلاق و اطراف دزفول قشلاق این طایفه است.
نورعلی (۱۱۰۰ خانوار)	معیشت این طایفه بیشتر از گله‌داری و تربیت احشام و اغنام می باشد. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. به کنگاوری و کوهدشت ییلاق و قشلاق می‌کنند. به زراعت نیز علاقه داشته و از این راه غلات و حبوبات به دست می‌آورند. مذهب این طایفه شیعه [است]. قالی‌بافی و گلیم‌بافی و جاجیم از کارهای دستی آنها می باشد.
سگوند (۱۰۰۰ خانوار)	مذهب طایفهٔ سگوند شیعه [است]، و معیشت آنها بیشتر از راه فرآورده های زراعی و دامی و همچنین از فروش زغال تأمین می شود. قالی‌بافی از صنایع دستی این طایفه می‌باشد. این طایفه تخته‌قاپو شده، تابستان به آبستان و زمستان به شمال اندیمشک می روند.
گرکاه (۹۰۰ خانوار)	طایفهٔ گرکاه میل وافری به زراعت و حشم‌داری دارند. موقعیت حشم‌داری آنها متوسط می باشد. گرکاه ییلاق و میان‌کوه قشلاق این طایفه است. گندم و جو محصولات زراعتی آنها را تشکیل می دهد. این طایفه دارای مذهب شیعه [است]. گلیم و جاجیم و قالی از صنایع دستی آنان می باشد.
یوسفوند (۹۰۰ خانوار)	مردم این طایفه از بخش لرستان باهوش و بااستعداد، به کشاورزی علاقه‌مند بوده، گندم و جو و ذرت محصولات کشاورزی آنها را تشکیل می دهد. وضع حشم‌داری این طایفه متوسط [است]. در تابستان به الشتر و در زمستان به طرحان [illegible] و جاجیم از کارهای دستی آنها می باشد.
عبدالوند (۸۰۰ خانوار)	این طایفه از طریق زراعت امرار معاش می‌کنند فرآورده های زراعی آنها گندم و برنج می باشد. به گله‌داری علاقه‌مندند. ییلاق آنها عزیزآباد و

	قشلاق آنها کناررود مزار می باشد. قالی و جاجیم از کارهای دستی این طایفه است. مذهب آنها اسلام (شیعه) می باشد.
عیسوند (۵۰۰ خانوار)	این طایفه تخته‌قاپو شده، از راه زراعت و گله‌داری امرار معاش می‌کنند. مذهب آنها اسلام (شیعه) [است]. خاکوند ییلاق و پاسیگان قشلاق این طایفه است. بافتن جاجّیم و قالی بین آنها رایج می باشد.
بسحاق (۵۰۰ خانوار)	این طایفه از راه کشاورزی و گله‌داری ارتزاق می‌کنند. گندم و جو از محصولات کشاورزی آنها می باشد. ییلاق این طایفه چشمهٔ گل‌بهار و قشلاق آنها شمال اندیمشک است. قالی و جاجیم از صنایع دستی آنها محسوب می شود. مذهب طایفه بسحاق دین اسلام (شیعه) می باشد.
جاواری (۵۰۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب، تخته‌قاپو شده و کلیه اسکان یافته‌اند. به زراعت علاقه‌مند می باشند. از فروش فرآورده‌های زراعی چون غلات ذرت و حبوبات تأمین معاش می‌کنند. وضع گله‌داری متوسط است. غالباً دارای احشام می باشند. به بافتن قالی و گلیم و جاجیم نیز اشتغال دارند.
فولادوند (۳۰۰ خانوار)	طایفهٔ فولادوند شیعی مذهب [اند]. وضع مالی آنها خوب [است]. معیشت آنها از محصولات کشاورزی و دامی تأمین می شود. پاسکان ییلاق، گل‌بهارانه قشلاق این طایفه می باشد. قالی بافی از صنایع دستی آنهاست.
چگنی (۵۰ خانوار)	این طایفه به حشم‌داری و زراعت علاقه دارند. برای احشام دارای مراتع خوب می باشند. مذهب این طایفه، شیعه [است]. گلیم و جاجیم و قالی ازکارهای دستی آنان است.

اهدایی خانه فرهنگ
جمهوری اسلامی ایران
دهلی نو

اقتباس از: ربیع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، (تهران، ۱۳۶۱).

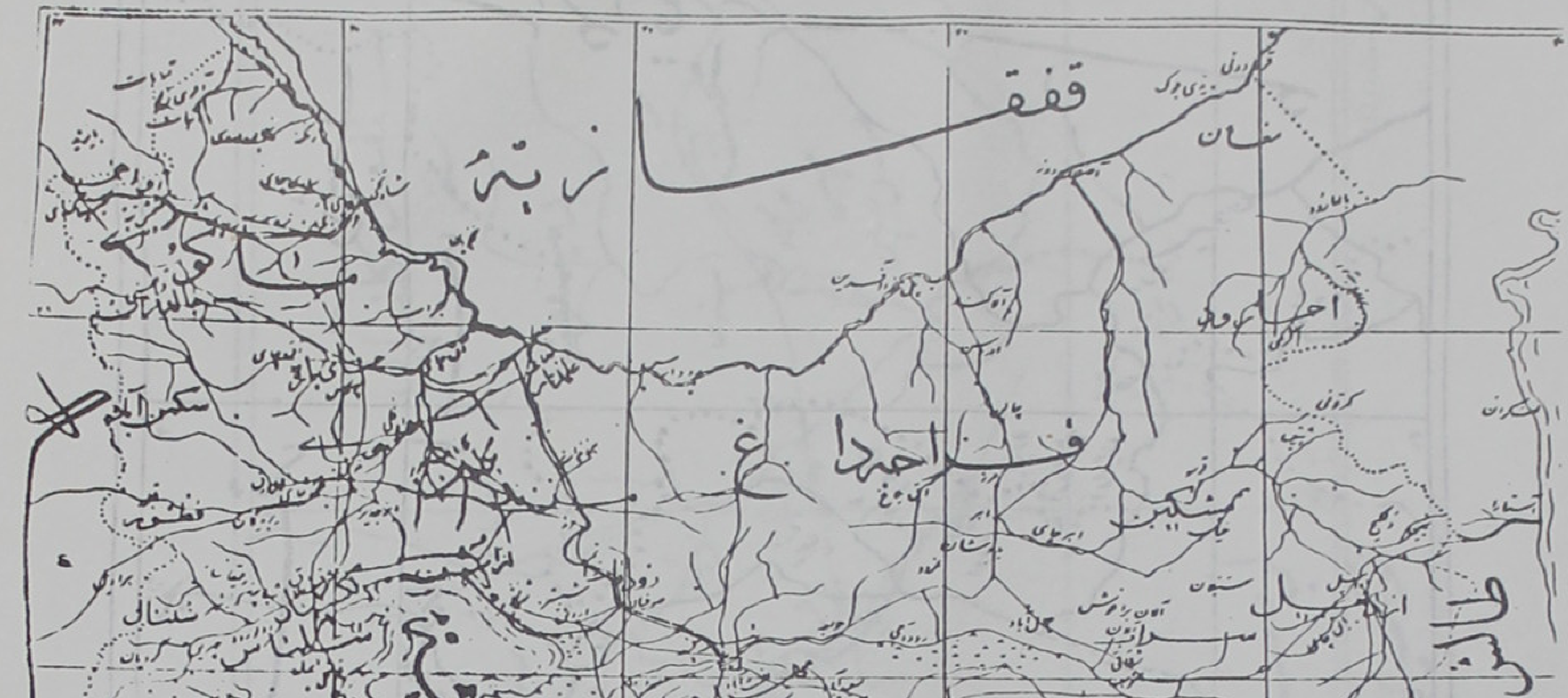

نقشهٔ سیاسی آذربایجان

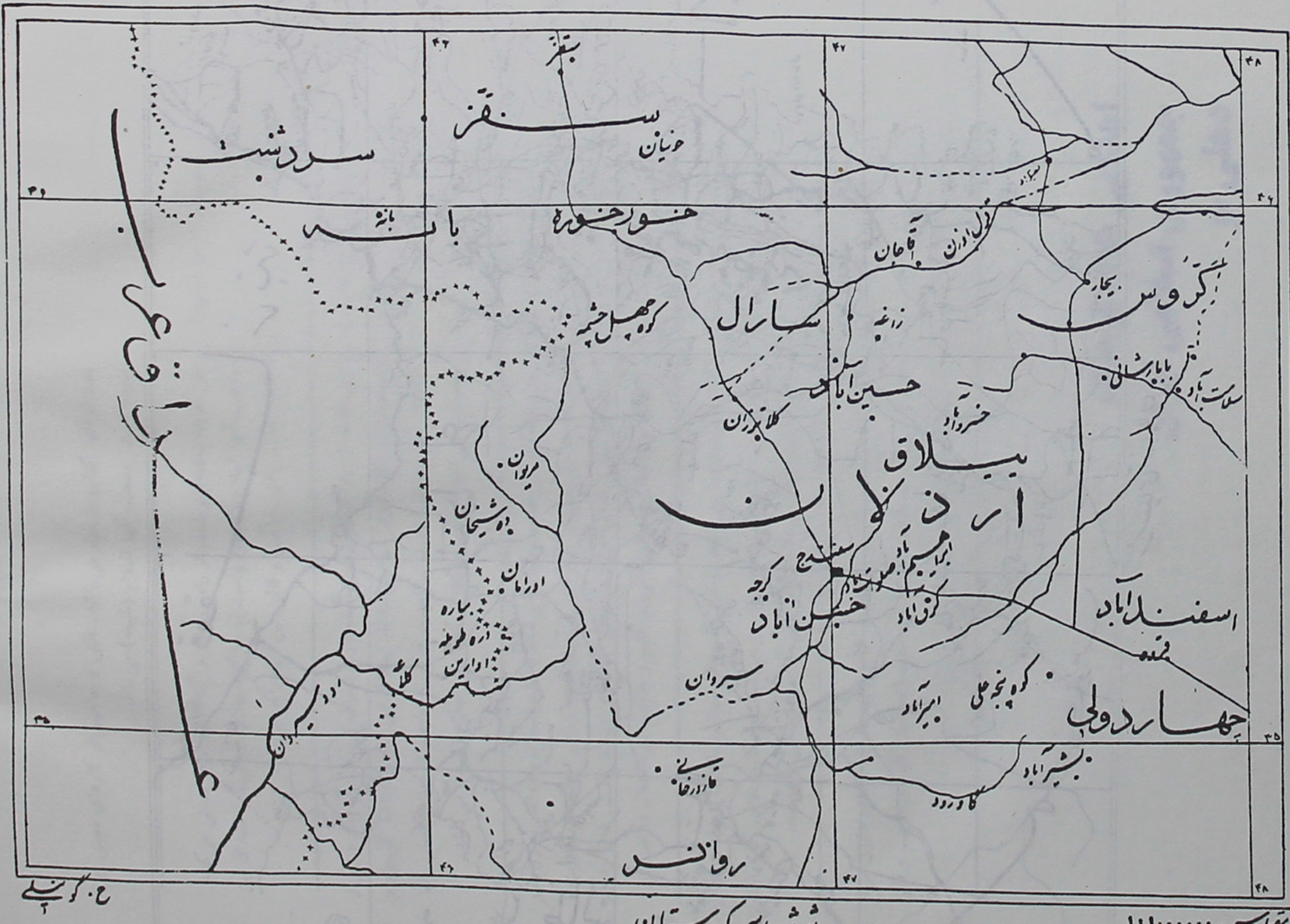

ع. گوینلی

نقشه سیاسی کردستان

مقیاس ١:١٠٠٠٠٠٠

مقیاس ۱۱/۱۰۰۰۰۰۰

نقشهٔ سیاسی کرمانشاهان

ح. کوتیلی

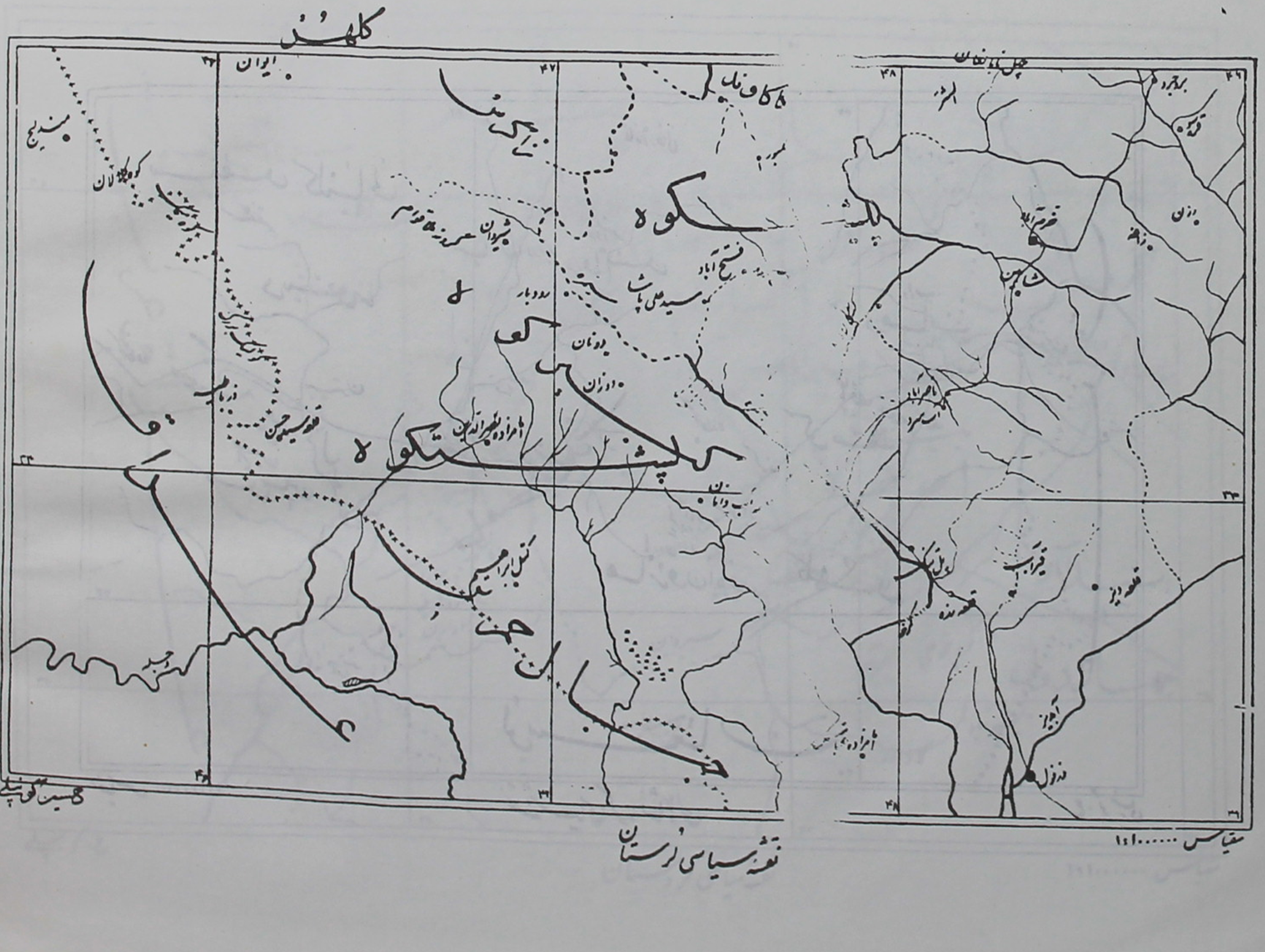

نقشه سیاسی لرستان

مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰۰

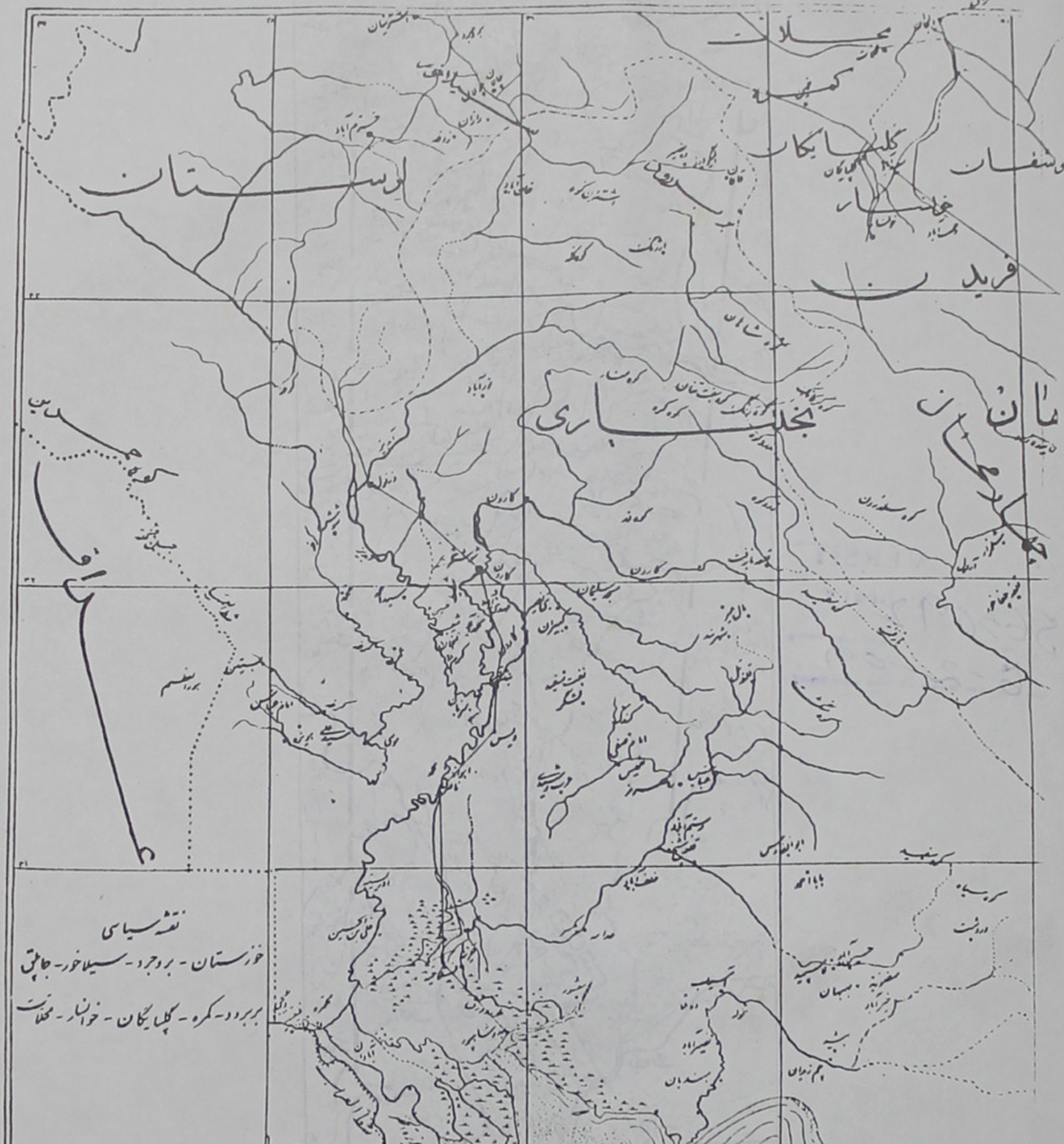

اقتباس از: مسعود کیهان، جغرافیای مفصل سیاسی ایران، (تهران، ۱۳۱۱).

... IVERSIT...
Library
563092
6-2-09

اقتباس از: محمدعلی مخبر، مرزهای ایران، (تهران، ۱۳۲۴).

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

تاریخ مفصل ایران

KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Srinagar-6.

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

تهران ـ خیابان شهید باهنر ـ خیابان شهید آقایی

صندوق پستی: ۱۷۹۳ ـ ۱۹۳۹۵

بها ۴۰۰۰ ریال